

شوان فالون

(متن فارسی)

لی هنگجی

فهرست مطالب

موضوع	شماره‌ی صفحه
بیانیه Lunyu	۱
سخنرانی اول	
هدایت حقیقی مردم به سوی سطوح بالا	۳
سطوح مختلف دارای فای متفاوتی است	۶
حقیقت_ نیکخواهی_ بردباری ...	۹
چی گونگ، فرهنگی ما قبل تاریخ است	۱۱
چی گونگ، عمل تزکیه است	۱۴
چرا گونگ شما علی رغم تمرین افزایش نمی یابد؟	۱۵
ویژگیهای فالون دافا	۲۱
سخنرانی دوم	
موضوع چشم سوم	۲۶
توانایی فوق طبیعی دیدن از راه دور	۳۴
توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از ...	۳۵
رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه و قلمرو سه گانه	۳۸
موضوع در طلب بودن	۴۱
سخنرانی سوم	
من همه ی تمرین کنندگان را بعنوان ...	۴۸
چی گونگ در مکتب بودا و بودئیسم	۴۸
فقط یک راه تزکیه را عمل کردن	۵۱
توانایی های فوق طبیعی و قدرت گونگ	۵۳
تزکیه معکوس و انرژی به قرض گرفته شده	۵۴
به تسخیر روح یا حیوان درآمدن	۵۹
زبان کیهانی	۶۳
معلم چه چیزی را به تمرین کنندگان داده است؟	۶۵
میدان انرژی	۷۰
چگونه تمرین کنندگان فالون دافا روش	۷۱
سخنرانی چهارم	
از دست دادن و بدست آوردن	۷۴

۷۵	دگرگونی کارما
۸۲	ترفع شین شینگ
۸۷	گواندینگ
۸۹	تعیین جا در گذر اسرارآمیز

سخنرانی پنجم

۹۶	علامت فالون
۹۸	مدرسه‌ی تزکیه‌ی غیرمعمولی
۹۹	تزکیه کردن روشی اهریمنی
۱۰۱	تزکیه‌ی دوگانه‌ی یک مرد و یک زن
۱۰۳	تزکیه‌ی جسم و روان
۱۰۴	فاشن
۱۰۵	تبرک
۱۱۰	ذویوکو

سخنرانی ششم

۱۱۲	تزکیه‌ی جنون
۱۱۸	مداخله‌ی اهریمنی در تزکیه
۱۲۳	مداخله‌ی شیطانی از فکر خود شخص می آید
۱۲۶	خودآگاهی اصلی شما باید غلبه داشته باشد
۱۲۷	فکر بایستی درست باشد
۱۳۲	ورزشهای رزمی چی گونگ
۱۳۵	طرز تفکر به خود بالیدن - خودستایی

سخنرانی هفتم

۱۳۸	موضوع کشتن
۱۴۱	مسئله‌ی خوردن گوشت
۱۴۵	حسادت
۱۴۹	مسئله‌ی مداوا کردن بیماری ها
۱۵۳	درمان در بیمارستان و درمان از طریق چی گونگ

سخنرانی هشتم

۱۵۷	روزه
-----	------

شماره‌ی صفحه

موضوع

۱۵۸	دزدیدن چی
۱۶۰	جمع کردن چی
۱۶۲	هر کس که تزکیه کند گونگ را بدست خواهد آورد
۱۶۷	گردش آسمانی
۱۷۴	وابستگی شوق و اشتیاق
۱۷۵	تزکیه‌ی گفتار

سخنرانی نهم

۱۷۷	چی گونگ و ورزش های فیریکی
۱۷۸	فکر- قصد
۱۸۳	فکری پاک و روشن
۱۸۶	کیفیت مادرزادی
۱۸۸	روشن بینی
۱۹۲	مردم با کیفیت مادرزادی فوق العاده
۱۹۹	واژه نامه

فالون گونگ در اینترنت:

www.iranfalundafa.org
www.faluninfo.net
www.falundafa.org

پست الکترونی:

Info@iranfalundafa.org
golda@iranfalundafa.org

جهت آموزش رایگان می توانید با آدرس زیر مکاتبه نمایید:

تهران - صندوق پستی ۴۷۴۳-۱۴۱۵۵

شوان فالون در ظاهر در رابطه با اصطلاحات و عبارات زبانی برازنده و دقیق نیست. ممکن است حتی با گراماتیک جدید مطابقت نکند. اما اگر من از گرامر مدرن برای نظم دادن به این کتاب دافا استفاده می کردم، به هر حال، مشکلی جدی پیش می آمد که در آن با این که ساختار زبانی کتاب ممکن بود بر طبق استاندارد باشد و زیبا، ولی نمی توانست از محتوای والاتر و عمیق تری برخوردار گردد. زیرا که اصطلاح شناسی مدرن و نظم داده شده نه می تواند گویای راهبری دافا در سطوح والاتر گوناگون و جلوه هایی از فا در هر سطح گردد و نه قادر است تغییرات بنّی و گوناگون تمرین کنندگان را به حرکت درآورده، تغییرات اساسی دیگری را به همراه داشته باشد.

لی هنگجی

۵ ژانویه ۱۹۹۶

بیانیه Lunyu

فای بودا^۲ (قانون بودا) عمیق‌ترین؛ ظریف‌ترین و شگفت‌انگیزترین دانش در میان تمام تئوریهای موجود در جهان است. برای جستجو در این قلمرو، لازم است که مردم تغییری بنیادین در افکار عامه پسند انسانی خود بدهند. در غیر اینصورت، حقیقت کیهان برای همیشه یک راز برای نوع بشر باقی خواهد ماند، و مردم عادی برای همیشه در میان حصارهایی که جهل‌شان ایجاد کرده است دست و پا خواهند زد.

قانون بودا دقیقاً چیست؟ آیا یک مذهب است؟ آیا یک فلسفه است؟ این قانون فقط این چنین بوسیله «مکتب مدرنیزه شده در بودئیسم» استنباط شده است. آنها قانون بودا را صرفاً در سطحی نظری پژوهش می‌کنند، آن را بعنوان موضوعی که در قلمرو فلسفی واقع شده است برای مطالعات انتقادی و به اصطلاح پژوهشی مورد بررسی قرار می‌دهند. اما در حقیقت، قانون بودا بصیرتی است بر همهٔ عجایب، همه چیز را در برمی‌گیرد و چیزی را نادیده نمی‌گذارد، از ذرات و ملکول‌ها در جهان گرفته، تا حتی کوچکترین‌ها و بزرگ‌ترین‌ها را قانون بودا نشانی از فطرت عالم، حقیقت - نیکخواهی - بردباری (جن - شان - رن) (Zhen - Shan - Ren)^۳ عرضه شده در سطوح مختلف در راههای مختلف است. همانی است که مکتب دائو (Dao) آن را دائو^۴ و مکتب بودا آن را (Fa) می‌نامد.

هیچ اهمیتی ندارد که چه اندازه دانش بشر امروزی پیشرفته باشد، آن فقط می‌تواند توجیهی برای قسمتی از راز کیهانی باشد. هرگاه پدیده‌ای مشخص از قانون بودا را نام ببریم، افرادی خواهند بود که بگویند: «ما الان در عصر الکترونیک هستیم، و علوم پیشرفت زیادی کرده است. سفینه‌های فضایی به کرات دیگر پرواز کرده‌اند، اما شما هنوز هم دربارهٔ چنان خرافات قدیمی صحبت می‌کنید.» صادقانه بگوییم، اهمیتی ندارد که چه اندازه کامپیوتر پیشرفت کرده است، آنها نمی‌توانند با مغز بشری، که تا به امروز هنوز یک معمای غیرقابل حل باقیمانده است، مقایسه گردند. با توجه به اینکه سفینه‌ها ممکن است به بیکران‌ها سفر کنند، هنوز هم نمی‌توانند به فراسوی این دنیای فیزیکی که نوع بشر ما در آن ساکن است بروند. آنچه را که می‌شود از دانش بشر معاصر درک کرد هنوز هم بسیار سطحی و محدود است - هیچ جا به درک واقعی طبیعت حقیقی عالم نزدیک نشده است. بعضی از افراد حتی جرأت روبرو شدن، صحبت کردن، یا پذیرفتن حقایق پدیده‌هایی که بصورت عینی وجود دارند را ندارند، زیرا که این افراد بسیار محافظه‌کار و بی‌میل به تغییر دادن طرز فکر قراردادی‌شان در حین اندیشیدن هستند. تنها از طریق قانون بودا اسرار عالم، زمان، فضا، و جسم بشری می‌تواند کاملاً آشکار شود. قانون بودا می‌تواند بطور اساسی بین خوبی و پلیدی، درست و نادرست تمایز قائل شود، و می‌تواند تمام تصورات غلط را برطرف کند در حالیکه درکی صحیح از مسائل را پایه‌گذاری می‌کند.

اصول راهنمای دانش معاصر بشری برای رشد و پژوهش این دنیای فیزیکی محدود می‌باشد، در نتیجه پیامد این راه این است که یک موضوع تا تشخیص داده نشود مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد. برای پدیده‌هایی که غیرقابل رؤیت و لمس ناشدنی هستند، اما بطور عینی وجود دارند و در دنیای فیزیکی ما بعنوان جلوه‌هایی حقیقی منعکس شده‌اند، به آنها بعنوان پدیده‌هایی غیرقابل توجیه برخورد کرده و از آن اجتناب می‌کنند. مردم متعصب، لجوجانه و

۱ - Lunyu (loon - yew) - «شرح و توضیحی برای استفاده از زبان»

۲ - Fa (fah) - «قانون»، «راه» یا «اصول»

۳ - zhen - (zhen - Shan - Ren) (juhn - shahn - ren) یعنی «حقیقت، صداقت»؛ Shan «نیکخواهی، خوبی، خیرخواهی»

Ren ؛ «کنترل خود، تحمل، استقامت»

۴ - Dao (dow) «راه» (هم‌چنین «تائو» نامیده می‌شود).

بدون پایه، خودشان را در پشت استدلال‌هایشان پنهان می‌کنند که آنها فقط پدیده‌هایی «طبیعی» هستند. مردم با انگیزه‌های پنهانی، برخلاف وجدان خود بوسیلهٔ برچسب‌زدن به تمام این پدیده‌ها بعنوان خرافات عمل کرده‌اند. مردمی که برای جستجوی حقیقت کمتر تحقیق می‌کنند با عذر اینکه علم به اندازهٔ کافی توسعه نیافته است از موضوع طفره می‌روند. اگر بشر بتواند نگاه تازه‌ای به خود و عالم بیاندازد و تغییری در ذهنیت منجمد خود بدهد جهشی به سمت جلو خواهد نمود. قانون بودا می‌تواند بصیرتی در اختیار بشریت در دنیای گسترده و بیکران بگذارد. در طول اعصار، فقط قانون بودا قادر بوده است که توضیحی کامل برای بشریت، بعدهای مختلف هستی مادی، زندگی، و تمام عالم بدهد.

سخنرانی اول

هدایت حقیقی مردم به سوی سطوح بالا

در تمام مدت دوره سخنرانی‌هایم درباره فا و عمل تزکیه، در مقابل جامعه و تمرین‌کنندگان مسئول بوده‌ام. نتایج بدست آمده، و تأثیر آنها در تمام جامعه نیز تا حدی خوب بوده است. چندین سال قبل تعدادی از استادان چی‌گونگ^۱ (qigong) وجود داشتند که چی‌گونگ را تعلیم می‌دادند. تمام آنچه که آنها تعلیم می‌دادند به سطحی از شفا و تندرستی تعلق داشت. البته منکر خوبی روش تزکیه آنها نیستم. فقط اشاره می‌کنم که آنها چیزی را در سطوح بالاتر آموزش ندادند. همچنین از موقعیت چی‌گونگ در کل کشور مطلع هستم. در حال حاضر، تنها کسی هستم که چی‌گونگ را در داخل و خارج کشور بطور حقیقی در سطوح بالا تعلیم می‌دهد. چرا هیچ کس کاری مثل تعلیم چی‌گونگ را در سطوح بالاتر انجام نداده است؟ زیرا که این به مسائلی بسیار بزرگ، به ریشه بسیار عمیق تاریخی و به قلمروی بسیار گسترده ارتباط دارد و همچنین شامل موضوعاتی بسیار حساس می‌باشد. این چیزی نیست که یک فرد عادی بتواند آن را تعلیم دهد، زیرا شامل تمرینات فراوانی از مدارس چی‌گونگ است. مخصوصاً بسیاری از تمرین‌کنندگان ما که امروز یک روش را یاد می‌گیرند و فردا روشی دیگر را در حال حاضر بدن‌هایشان را به آشفته‌گی کشانده‌اند. تزکیه آنها محکوم به سقوط است. وقتی که دیگران با انتخاب راه اصلی در تزکیه پیش می‌روند، این اشخاص در راه‌های فرعی قدم برمی‌دارند. اگر آنها یک راه را تزکیه کنند، راه‌های دیگر مزاحم آنها خواهند بود. اگر در راه‌های دیگر تزکیه کنند، این راه مزاحم خواهد بود. همه چیز مزاحم آنها است، آنها دیگر نمی‌توانند در عمل تزکیه موفق گردند.

ما تمام این مسائل را اصلاح خواهیم کرد، با نگهداشتن قسمت‌های خوب و از بین بردن قسمت‌های بد، تضمین خواهیم کرد که شما از این به بعد بتوانید عمل تزکیه را انجام دهید. به هر حال، شما باید اینجا حضور داشته باشید تا دافا^۲ (Dafa) را بطور حقیقی بررسی و مطالعه کنید. اما اگر با داشتن وابستگی‌های مختلف در جستجوی توانایی‌های فوق طبیعی باشید، بخواهید بیماری‌ها را معالجه کنید، بخواهید به بعضی تئوری‌ها گوش دهید یا بعضی انگیزه‌های نادرست را داشته باشید، هیچکدام از اینها عملی نخواهند بود. همانطور که اشاره کرده‌ام، این به این خاطر است که من تنها کسی هستم که چنین کاری را انجام می‌دهد. برای یک چنین چیزی فرصت‌های زیادی وجود ندارد، و برای همیشه به این صورت آموزش نخواهم داد. فکر می‌کنم آنهایی که شخصاً^۳ می‌توانند به سخنرانی‌های من گوش کنند، صادقانه می‌گویم در آینده خواهند فهمید که این مرحله از زمان بسیار با ارزش است. البته، ما اعتقاد به رابطه تقدیری داریم. همه افرادی که اینجا حضور دارند به خاطر رابطه تقدیری می‌باشد.

لطفاً همگی به آن فکر کنید: تعلیم دادن چی‌گونگ به سطوح بالاتر چه معنایی می‌دهد؟ آیا نجات دادن نوع بشر نیست؟ نجات دادن بشریت این معنی را می‌دهد که شما بطور واقعی عمل تزکیه را انجام دهید، و نه اینکه فقط بیماری‌ها را شفا دهید و یا سلامتی را حفظ کنید. از این رو، انجام عمل تزکیه بطور حقیقی مستلزم دارا بودن شین‌شنیگی^۳ بالاتر برای

۱ - qigong (chee - gong) - یکی از تمرین‌های سنتی چینی که چی یا «انرژی حیاتی» را تزکیه می‌کند.

۲ - Dafa (dah - fah) «قانون بزرگ» یا «راه بزرگ»؛ اصول.

۳ - xingxing (shin - shing) - طبیعت قلب یا فکر و روان، اخلاقیات.

تمرین کنندگان است. همه برای یاد گرفتن این دافا در اینجا حضور دارند، پس لازم است که با خود به عنوان تمرین کننده‌ای واقعی برخورد کنید، و وابستگی‌هایتان را رها سازید. اگر برای یادگیری تمرینها و این دافا با خواست‌های گوناگون آمده‌اید چیزی را یاد نخواهید گرفت. واقعیت را برایتان می‌گویم، روند کامل تزکیه برای تمرین کنندگان این است که دائماً در حال از دست دادن وابستگی‌ها باشند. در جامعه عادی انسانی، مردم با یکدیگر در رقابت هستند، همدیگر را گول می‌زنند، و برای نفع‌های کوچک شخصی‌اشان به دیگران صدمه می‌رسانند. تمام این نگرش‌ها بایستی رها گردند. مخصوصاً کسانی که امروز روش تزکیه را یاد می‌گیرند، باید این وابستگی‌ها را بیشتر رها سازند.

اینجا درباره معالجه بیماری‌ها سخن نمی‌گویم، و نه اینکه بیماری‌ها را شفا می‌دهیم. به هر حال، به عنوان یک تزکیه کننده حقیقی، با جسمی که بیمار است نمی‌توانید عمل تزکیه را انجام دهید. بدن شما را پاک خواهیم نمود. پالایش جسم اختصاص به کسانی دارد که آمده‌اند روش تزکیه و فا را یاد بگیرند. یک نکته را تأکید می‌کنیم: اگر نمی‌توانید وابستگی‌ها را رها کنید، یا نگران بیماری‌هایتان هستید، نمی‌توانیم کاری را انجام دهیم و قادر نخواهیم بود که به شما کمک کنیم. چرا اینطور است؟ زیرا که در این عالم اصلی وجود دارد: بر طبق مدرسه بودا تمام اتفاقات در بین انسان‌های عادی، ارتباط تقدیری دارند. تولد، پیری، بیماری، مرگ و چنین چیزهایی برای مردم عادی وجود دارند. بیماری و سختی‌های یک شخص بعلت نتایج کارمایی کارهای نادرست در گذشته می‌باشند و درد و رنج او بازپرداخت کارما است، و به همین جهت هیچ کس به سادگی آن را نمی‌تواند تغییر دهد. تغییر کارما این معنا را می‌دهد که شخص احتیاجی به پرداخت این بدهی ندارد، و نمی‌تواند به راحتی انجام داده شود. در غیر اینصورت انجام آن به منزله مرتکب شدن عملی نادرست است.

بعضی افراد فکر می‌کنند معالجه بیماران، التیام دادن بیماری‌های آنها، و بهبودی و سلامت آنها اعمالی خوب هستند. از نظر من، آنها در حقیقت بیماری‌ها را معالجه نکرده‌اند. به جای برطرف کردن آنها، بیماری‌ها را به تعویق انداخته یا تغییر شکل داده‌اند. برای از بین بردن واقعی چنین رنج‌هایی بایستی کارما را ریشه کن کرد. اگر شخصی بتواند واقعاً یک بیماری را شفا دهد و کاملاً چنین کارمایی را از بین ببرد، سطح چنین فردی بایستی خیلی بالا باشد. او با یک حقیقت در حال حاضر مواجه است: اصول در بین جوامع عادی بشری نباید بسادگی زیر پا گذاشته شوند. در جریان عمل تزکیه یک تمرین کننده، با نیکخواهی خود، یک‌سری اعمال خوب را با کمک کردن در معالجه بیماری‌ها و شفای امراض دیگران، یا تقویت سلامتی آنها می‌تواند انجام دهد، اینها مجاز هستند. به هر حال، شخص بطور کامل نمی‌تواند بیماری دیگران را شفا دهد. اگر ریشه بیماری یک فرد عادی واقعاً از بین برود، یک فرد عادی که تزکیه نمی‌کند بدون هیچ بیماری از اینجا خارج می‌شود. وقتی که پایش را از این در بیرون بگذارد باز هم یک فرد عادی است. او هنوز هم برای نفع شخصی‌اش با دیگران مثل یک فرد عادی رقابت خواهد نمود. چگونه کارمای او می‌تواند بسادگی از بین برود؟ این مطلقاً مجاز نیست.

پس چرا می‌توان این کار را برای یک تمرین کننده انجام داد؟ به خاطر اینکه یک تمرین کننده بسیار با ارزش است، زیرا که او می‌خواهد عمل تزکیه را انجام دهد. به همین جهت، تحول این فکر بسیار با ارزش است. در بودیسم، مردم از طبیعت بودا سخن می‌گویند. وقتی طبیعت بودایی فردی آشکار می‌گردد، موجودات روشن بین قادرند به او کمک کنند. این چه معنایی می‌دهد؟ اگر از من پرسیده شود، از آنجا که من عمل تزکیه را در سطوح بالاتر تعلیم می‌دهم، این به اصول در سطوح بالا و همچنین به مسائلی بسیار با اهمیت مربوط می‌شود. ما می‌بینیم که زندگی یک انسان در این عالم، در این جامعه عادی انسانی خلق نشده است، خلق زندگی حقیقی بشر در بعد کیهان اتفاق می‌افتد. زیرا در این عالم مقدار زیادی از انواع مختلف ماده حیاتی وجود دارند، که می‌توانند در حین تأثیر متقابل، زندگی را خلق کنند. به عبارت دیگر زندگی اولیه انسان از کیهان نشأت می‌گیرد. بعدهای عالم در فطرت خود نیکخواه هستند و دارای فطرت حقیقت - نیکخواهی - بردباری (جن - شان - رن) (Zhen - Shan - Ren) می‌باشند. در تولد ازلی، شخص جذب فطرت عالم است. اما از آنجائیکه موجودات بیشمار

بوجود می‌آیند، یک نوع رابطه اجتماعی گروهی رشد یافته است که تعدادی از این انسان‌ها شاید خودخواهی خود را افزایش داده‌اند و به تدریج سطح آنها پایین آمده است. اگر آنها نتوانسته‌اند در این سطح باقی بمانند، می‌بایستی به سطحی پایین‌تر سقوط می‌کردند. اما به هر حال در آن سطح، دوباره بد شده و نتوانسته‌اند در آن سطح باقی بمانند. پس به سقوط ادامه دادند، تا در آخر به سطح بشری نزول کردند.

تمام جامعه بشری در یک سطح قرار دارند. از دیدگاه نیروهای فوق طبیعی یا موجودات روشن بین والا، این موجودات با نزول به این سطح در حقیقت می‌بایستی از بین برده می‌شدند. به هر حال، آن موجودات روشن بین والا از روی نیکخواهی به آنها فرصتی بیشتر دادند و این محیط و فضای بخصوص و بعدی یگانه خلق شد. تمام موجودات در این بعد کاملاً متفاوت از آنهایی هستند که در بعدهای دیگر عالم قرار دارند. موجودات این بعد نمی‌توانند موجودات بعدهای دیگر را مشاهده کنند یا حقیقت عالم را بفهمند. بدین ترتیب است که این انسان‌ها در وهم و خیال خود گم شده‌اند. به جای شفای بیماری‌ها یا رهایی از درد و رنج و از بین بردن کارما، این انسان‌ها باید تزکیه کنند تا بتوانند به اصل و حقیقت خود رجعت کنند، به خود حقیقی‌شان. این است چگونگی تمام بینشی که مدارس مختلف تزکیه به آن توجه می‌کنند. هدف حقیقی انسان بودن این است که انسان به اصل و حقیقت خود رجوع کند، به خود واقعی‌اش. به همین جهت، وقتی که یک فرد می‌خواهد تزکیه را تمرین کند، گفته می‌شود که طبیعت بودایی او پدیدار شده است. چنین فکری با ارزش‌ترین فکرهاست، برای اینکه این شخص می‌خواهد به حقیقت و اصل خود به خود واقعی‌اش و به فراسوی سطح انسان معمولی رجعت کند.

شاید همه این ضرب المثل را در بودیسم شنیده‌اید: «وقتی طبیعت بودایی شخصی آشکار می‌شود، آن، ده سوی دنیاها را به لرزه در می‌آورد.»^۴ هر کسی که آن را ببیند بدون شرط به کمک او خواهد آمد. مکتب بودا نجات را به موجودات عرضه می‌کند بدون اینکه شرایطی را قائل شود، بدون اینکه در عوض آن در طلب چیزی باشد و می‌تواند به موجودات بدون قید و شرط کمک کند. از این رو، ما می‌توانیم خیلی کارها برای تمرین کنندگان انجام دهیم. اما برای فرد عادی که فقط می‌خواهد یک فرد عادی باشد و بیماری‌هایش را شفا دهد، این امکان‌پذیر نیست. بعضی افراد ممکن است فکر کنند: «اگر بیماری‌ام بهبود یابد عمل تزکیه را شروع خواهم کرد.» برای تزکیه کردن هیچ قید و شرطی وجود ندارد، و اگر فرد طالب تزکیه کردن است باید آن را انجام دهد. هنوز هم بدن‌های بعضی از افراد حامل بیماری‌هایی است، و بعضی از آنها پیام‌های بسیار آشفته‌ای در جسم‌هایشان دارند. بعضی افراد هرگز چی‌گونگ را تمرین نکرده‌اند. هنوز هم عده‌ای وجود دارند که برای چند دهه آن را تمرین کرده‌اند و هنوز در حول و حوش سطح چی (qi)^۵ سرگردانند، بدون اینکه در امر تزکیه پیشرفتی کرده باشند.

چه کاری می‌باید در این رابطه انجام شود؟ ما می‌خواهیم جسم‌های آنها را پالایش کنیم و آنها را قادر سازیم که در سطوح بالاتر تزکیه کنند. در پایین‌ترین سطح عمل تزکیه جریانی وجود دارد که برای پالایش کامل بدن شما است. تمام چیزهای نادرست در فکرتان، میدان کارمایی که در اطراف بدن شما می‌باشد و عواملی که باعث نا سالمی جسم می‌گردد، کاملاً پاک خواهند شد. اگر آنها پالایش نشده‌اند، چگونه می‌توانید، با جسمی سیاه و ناپاک و ذهنی کثیف، از عهده تزکیه به سطحی بالاتر برآید؟ ما اینجا چی (qi) را تمرین نمی‌کنیم. شما احتیاجی به تمرین این مسائل سطح پایین را ندارید، ما شما را به فراسوی این مرحله سوق می‌دهیم، و می‌گذاریم جسم شما وارد مرحله‌ای از رهایی از هر نوع بیماری گردد. در این فاصله، در جسم شما یک سیستم لازم مکانیزم آماده را که تشکیل دهنده بنیادی در سطحی پایین می‌باشند قرار می‌دهیم. به این طریق، شما می‌توانید در سطحی بسیار بالا شروع به عمل تزکیه کنید.

اگر چی را به حساب آوریم بر طبق تئوری‌های مرسوم تزکیه سه مرحله وجود دارند. به هر حال در عمل تزکیه حقیقی، روی هم رفته دو مرحله اصلی وجود دارند (بعلاوه تمرین چی). یکی از آنها عمل تزکیه در فای سه گانه دنیوی^۶

۴ - (the World of ten directions) ده سوی دنیاها- تصویری بودیستی از عالم

۵ - qi (chee) در فرهنگ چینی، اعتقاد بر «انرژی حیاتی» است، در مقایسه با گونگ gong، چی شکل پایینی از انرژی است.

۶ - Fa - World - Triple - In فای سه‌گانه دنیوی - در بودیسم اعتقاد بر این است که شخص باید از میان Samsara بگذرد

(بازپیدایی) اگر شخص به فراسوی فای سه‌گانه دنیوی یا قلمرو سه‌گانه نرسیده باشد.

(Shi-Jian-Fa) (In-Triple – World – Fa) است، در حالیکه دیگری تزکیه در فراسوی فای سه‌گانه دنیوی (Chu-Shi-Jian-Fa) می‌باشد. موضوعات از «در – دنیا» «in World» و «ورای – دنیا» «beyond world» در معابد، که مباحثی نظری هستند متفاوت از عمل تزکیه در فای سه‌گانه دنیوی و در فراسوی فای سه‌گانه دنیوی می‌باشند. تزکیه ما تغییرات حقیقی جسم در عین عمل تزکیه در دو سطح بزرگ است. زیرا در حین عمل تزکیه در فای سه‌گانه دنیوی بطور مداوم جسم فرد پاک می‌گردد، زمانی که فرد وارد بالاترین شکل فای سه‌گانه دنیوی می‌گردد، جسم او کاملاً با ماده انرژی والایی جایگزین می‌گردد. در عمل تزکیه در فراسوی فای سه‌گانه دنیوی اساساً تزکیه جسم بودا است. آن جسم از ماده والای انرژی تشکیل شده است، و تمام توانایی‌های فوق طبیعی دوباره رشد داده خواهند شد. اینها دو مرحله اصلی می‌باشند که ما به آنها اشاره کردیم.

ما به رابطه تقدیر معتقدیم. من می‌توانم چنان کاری را برای هر کسی که اینجا نشسته است انجام دهم. در حال حاضر ما بیشتر از دو هزار نفر داریم. من حتی می‌توانم این کار را برای چندین هزار نفر یا افراد بیشتری، حتی بیشتر از ده هزار نفر انجام دهم. یعنی اینکه شما، مجبور نیستید در سطحی پایین تمرین کنید. بعد از پاک کردن جسم‌های شما و حرکت دادنتان به جلو، یک سیستم کامل عمل تزکیه را در جسم‌هایتان جای خواهم داد. بعد از آن مستقیماً می‌توانید در سطحی بالا تزکیه کنید. به هر حال، این کار فقط برای شاگردانی که اینجا صادقانه برای عمل تزکیه آمده‌اند انجام خواهد شد. این دلیل بر این نیست که چون اینجا نشسته‌اید یک تزکیه‌کننده واقعی هستید. همه این چیزها وقتی به شما داده خواهد شد که تفکر شما بطور بنیادی دگرگون گردد، و فقط محدود به این چیزها نخواهد بود. شما بعداً خواهید فهمید که چه چیزهایی را به همه داده‌ام. ما اینجا درباره معالجه بیماری‌ها هم سخن نمی‌گوییم. بلکه، صحبت از پاک سازی جسم‌های تمرین‌کنندگان در تمامیت خود می‌کنیم تا شما قادر به تمرین شوید. شما با جسمی بیمار اصلاً نمی‌توانید گونگ^۷ (gong) را رشد دهید. به همین جهت، نزد من برای شفای بیماری‌ها نیایید، و من چنین کاری را هم نخواهم کرد. هدف اصلی حضور من در بین مردم هدایت آنها به سطوح بالاتر است، مردم را بطور حقیقی به سوی سطوح بالاتر هدایت کردن.

سطوح مختلف دارای فای متفاوتی است

در گذشته، تعدادی از استادان چی‌گونگ درباره چی‌گونگ در مرحله ابتدایی، متوسط و مرحله پیشرفته سخن گفته‌اند. تمام آنها چی بود و فقط مسئله‌ای در سطح تمرین چی، که حتی به مرحله اولیه، مرحله متوسط و مرحله پیشرفته چی‌گونگ تقسیم شدند. با توجه به مسائل حقیقی در سطوح بالا، افکار اکثر تمرین‌کنندگان چی‌گونگ ما خالی بود، بطوریکه به سادگی اصلاً شناختی از آن مراحل نداشتند. از همین حالا به بعد، آنچه را که ما درباره‌اش سخن خواهیم گفت درباره فا (Fa) در سطوح بالا خواهد بود. به علاوه، می‌خواهم شهرت تزکیه را برقرار کنم. در سخنرانی‌هایم از پدیده‌های ناسالمی که در حوزه‌های تزکیه وجود دارند و همچنین درباره لزوم چگونگی توجه و رفتار با این پدیده‌ها سخن خواهم گفت. از این گذشته، تعلیم سیستم تزکیه و فا (Fa) در سطوح بالا شامل موضوعات بسیاری است و بسیار مهم می‌باشند، بعضی از آنها حتی خیلی جدی هم هستند؛ می‌خواهم درباره این مسائل نیز صحبت کنم. بعضی مداخلات در اجتماع عادی بشری ما، مخصوصاً در اجتماع تزکیه‌کنندگان، از بعدهای دیگر می‌آیند. همچنین می‌خواهم این را عمومی کنم. همزمان، این مشکلات را برای تمرین‌کنندگان حل خواهم کرد. اگر این مشکلات برطرف نگردند، شما قادر به عمل تزکیه نخواهید بود. برای حل ریشه‌ای این مشکلات، بایستی با همه مثل تزکیه‌کننده‌های واقعی برخورد کنیم. البته، تغییر یکدفعه افکار شما ساده نمی‌باشد؛ در طی سخنرانی‌هایی که حضور به هم می‌رسانید بتدریج افکارتان را تغییر خواهید داد. همچنین امیدوارم که همگی با هوشیاری در حین گوش دادن به آن دقت کنید. شیوه تعلیم عمل تزکیه من متفاوت از شیوه‌ای است که دیگران انجام می‌دهند. بعضی افراد فقط خیلی ساده درباره تئوریهای روش‌های تزکیه خودشان صحبت می‌کنند. سپس، اطلاعاتشان را به شما منتقل

۷ - گونگ - gong: ۱- انرژی تزکیه؛ ۲- تمرینی که چنین انرژی‌ای را تزکیه می‌کند.

می‌کنند و یک سری تمرین‌ها را به شما تعلیم می‌دهند، و همه‌اش همین است. مردم در حال حاضر به این روش تعلیم عادت دارند.

برای تعلیم حقیقی یک سیستم تزکیه لازم است که دربارهٔ فا یا تائو (Tao) آموزش داد. در ده جلسه سخنرانی‌هایم همهٔ اصول اساسی در سطوح بالا را توضیح خواهم داد تا اینکه بتوانید عمل تزکیه را انجام دهید. وگرنه، اصلاً نمی‌توانید عمل تزکیه را انجام دهید. همهٔ آنچه را که دیگران تعلیم داده‌اند مسائلی در سطح درمان بیماری‌ها و حفظ تندرستی هستند. اگر می‌خواهید عمل تزکیه را در سطوح بالا انجام دهید، بدون راهنمایی فا در سطوح بالا در تزکیه موفق نخواهید شد. این مثل این است که در مدرسه حضور می‌یابید: با کتاب‌های درسی مقدماتی در مدرسه عالی، باز هم شاگرد مدرسه مقدماتی هستید. بعضی افراد فکر می‌کنند که آنها بسیاری از تمرین‌ها را یاد گرفته‌اند، مثل این روش یا آن روش دیگر، و دارای انبوهی از مدارک تصدیق هستند، اما گونگ آنها هنوز هم رشدی نکرده است. آنها فکر می‌کنند که اینها جوهر حقیقی چی‌گونگ هستند و همهٔ آنچه که در مورد چی‌گونگ است. این طور نیست، آنها فقط یک قسمت سطحی از چی‌گونگ در سطحی پایین می‌باشند. چی‌گونگ به این چیزها محدود نمی‌گردد، این عمل تزکیه کردن و موضوعی بسیار وسیع و پرمحتوا است. به علاوه، فای مختلف در سطوح مختلف وجود دارد. در نتیجه، این از تمرین چی که ما در حال حاضر می‌شناسیم متفاوت است؛ بدون در نظر گرفتن این که چقدر بیشتر آن را یاد می‌گیرید یکسان خواهد بود. بطور مثال، به رغم اینکه کتاب‌های مقدماتی مدرسه انگلیسی را یاد گرفته‌اید، کتاب‌های مقدماتی مدرسه آمریکایی را یاد گرفته‌اید، کتاب‌های مقدماتی ژاپنی را یاد گرفته‌اید، کتاب‌های مقدماتی چینی را یاد گرفته‌اید، اما هنوز هم یک شاگرد مقدماتی مدرسه هستید. هر چه بیشتر درس‌های سطح پایین چی‌گونگ را فرا گرفته‌اید و هر چه بیشتر آنها را به خود جذب کرده باشید، بیشتر به خود صدمه می‌زنید، زیرا که جسم خود را در حال حاضر آشفته کرده‌اید.

من باید با وجود این، موضوع دیگری را تأکید کنم: در عمل تزکیه ما لازم است که فا و روش تزکیه هر دو تعلیم داده شوند. عده‌ای راهبان معابد، مخصوصاً آنهایی که به ذن بودئیسم (Zen Buddhism) تعلق دارند، ممکن است عقاید مختلفی داشته باشند. به محض اینکه می‌شنوند که دربارهٔ فا تعلیم داده می‌شود، دوست ندارند دربارهٔ آن چیزی بشنوند. چرا این طور است؟ ذن بودئیسم به این معتقد است که فا نباید آموزش داده شود، اگر تعلیم داده شود آن دیگر فا نیست، فایی وجود ندارد که بتوان آن را آموزش داد؛ شخص فقط می‌تواند با قلب و روح خود آن را بفهمد. در نتیجه، ذن بودئیسم تاکنون قادر نبوده است هیچ فایی را آموزش دهد. پاتریارچ بودهیدارما (Patriarch Bodhidharma) از ذن بودئیسم براساس اظهارات ساکیومونی^۸ که گفت: «هیچ دارمایی^۹ (Dharma) قطعی نیست» چنان چیزهایی را در ذن بودئیسم آموزش داد. او ذن بودئیسم را براساس اظهارات ساکیومونی بنیان نهاد. تا آنجا که ما می‌فهمیم این مکتب «در میان شاخ گاو خزیدن است»^{۱۰} خزیدن در میان شاخ گاو چه معنایی دارد؟ وقتی که بودهیدارما شروع به خزیدن در داخل آن نمود، احساس کرد که آن تقریباً جادار بود. وقتی که دومین پاتریارچ به داخل آن خزید، دیگر چندان جادار نبود. شاخ هنوز هم برای سومین پاتریارچ جا داشت، اما برای پاتریارچ چهارمی، بسیار تنگ بود. تقریباً دیگر جایی برای حرکت کردن به جلو برای پاتریارچ پنجم نبود. در زمان هوئینگ (Huineng)، وقتی نوبت پاتریارچ ششم گردید به انتهای شاخ رسید و نتوانست بیشتر از آن حرکت کند. اگر امروز به نزد یک ذن بودئیست برای تعلیم گرفتن دارما بروید، نباید سؤالی بکنید. اگر سؤالی داشته باشید، او رویش را برگردانده و با عصایی به سر شما می‌کوبد، که «اخطار عصا» نامیده می‌شود. این معنا را می‌دهد که شما نباید سؤالی کنید، و شخصاً خودتان باید به بصیرت دست یابید. شما می‌گویید: «من برای یادگیری آمده‌ام زیرا که چیزی نمی‌دانم، درباره چه چیزی می‌توانم بصیرت پیدا کنم؟ چرا مرا با چوب می‌زنید؟!» این نشان می‌دهد که ذن بودئیسم به پایان شاخ گاو رسیده است، و دیگر چیزی برای تعلیم دادن وجود ندارد. حتی بودهیدارما گفت که تعلیم او می‌تواند فقط به شش نسل منتقل شود، و بعد از

۸ - ساکیومونی - Sakyamuni - بودای تاریخی، گواتاما سیدهارتا.

۹ - دارما - Dharma - آموزش‌های بودا ساکیومونی.

۱۰ - digging into a bull's horn - اصطلاحی چینی به پایان کاری رسیدن.

آن دیگر بکار نخواهد آمد. صدها سال گذشته است. اما هنوز هم کسانی هستند که برای یادگیری ذن بودیسم به سختی به آن چسبیده‌اند. مقصود اصلی ساکیومونی از اظهاریه، «هیچ دارمایی قطعی نیست» چیست؟ سطح ساکیومونی تاتاگاتا (Tathagata)^{۱۱} بود. راهبان زیادی بعدها به بصیرت در سطح ساکیومونی نرسیدند، در قلمرو فکری او فکر کردن، معنای واقعی دارمایی که موعظه شد، یا معنای حقیقی آنچه که او بیان کرد، به همین جهت، بعدها مردم اینجا و آنجا با توضیحات بسیار گیج‌کننده‌ای آن را تفسیر کردند. آنها معتقد بودند که: «هیچ دارمایی قطعی نیست» این معنا را می‌دهد که شخص نباید آن را آموزش بدهد، و آن دارمایی نخواهد بود اگر تعلیم داده شود. در واقع، منظور از آن گفته این نیست، وقتی که ساکیومونی در زیر درخت بودهی (Bodhi tree) به روشن‌بینی رسید، به یکباره به سطح تاتاگاتایی نایل نشد. او همچنین، در طی چهل و نه سال ترویج دارما بطور پیوسته سطح خود را بالا برد. هر بار که به سطحی بالاتر نائل می‌شد، به گذشته نگاه می‌کرد و متوجه می‌شد که آنچه بعینه او درباره دارما موعظه کرده بود درست نبود. زمانی که دوباره خود را رشد می‌داد، متوجه می‌شد که دارمایی که الان تعلیم داده است دوباره غلط بود. بعد از اینکه باز هم بیشتر خود را ارتقاء داده بود، دوباره متوجه شد که دارمایی را که هم اکنون تعلیم داده دوباره غلط بود. او خود را پیوسته در طی چهل و نه سال بدین شکل بدرجات بالاتر رشد داده بود. هر بار که او به سطحی بالاتر نائل شده بود، متوجه شده بود که دارمایی را که او قبلاً موعظه کرده بود، در سطحی بسیار پایین از درک آن بود. همچنین متوجه شد که دارما در هر سطحی تجلی‌ای از دارما در همان سطح است، و در هر سطح دارما وجود دارد، و این که هیچکدام از آنها حقیقت مطلق جهان نمی‌باشند. دارما در سطح بالاتر به کیفیت عالم بیشتر نزدیک است تا دارما در سطحی پایین‌تر. به همین جهت، او بیان کرد: «هیچ دارمایی قطعی نیست».

در پایان، ساکیومونی همچنین اعلام کرد، «من در تمام طول زندگی‌ام دارمایی را تعلیم نداده‌ام.» ذن بودیسم دوباره آن را نفهمید و بدین‌گونه معنی کرد که هیچ دارمایی وجود ندارد که بشود تعلیم داد. ساکیومونی در سال‌های آخر عمرش به سطح تاتاگاتا نایل شده بود. چرا او تأکید بر این داشت که اصلاً هیچ دارمایی را تعلیم نداده بود؟ واقعاً منظور او چه بود؟ او گفت، من به درجه تاتاگاتا رسیده‌ام، در یک چنان سطحی هنوز هم حقیقت نهایی جهان را نیافته‌ام و اینکه دارمای نهایی چه می‌باشد. بدین ترتیب، او بعداً از مردم خواست که صحبت‌های او را به عنوان حقیقت مطلق و غیر قابل تغییر قبول نکنند. در غیر این صورت، انسان‌ها بعد از او به سطح تاتاگاتا یا پایین‌تر محدود می‌شوند، و قادر نخواهند بود به سطوح بالاتر نفوذ کنند. بعدها، مردم قادر به درک مفهوم واقعی سخنان او نبودند و این گونه تفسیر می‌کردند که اگر دارما تعلیم داده شود، دیگر دارما نیست آنها دارما را بدین شکل فهمیدند. منظور ساکیومونی در حقیقت این بود که دارماهای مختلف در سطوح مختلف وجود دارند، و دارما در هر سطح اصلاً حقیقت مطلق جهان نیست. با وجود این دارمای داده شده در یک سطح نقش راهنما را در آن سطح به عهده می‌گیرد. او در حقیقت چنین اصلی را توضیح می‌داد.

مردم زیادی در گذشته، مخصوصاً ذن بودیست‌ها به چنین داوری چسبیده بودند و فهمی کاملاً نادرست از آن داشتند. چگونه می‌توانید خودتان را بدون تعلیم و راهنمایی تمرین و تزکیه کنید؟ داستان‌های بودیستی زیادی در بودیسم وجود دارد. احتمالاً بعضی افراد درباره شخصی که به بهشت رهسپار شد خوانده‌اند. بعد از ورود به بهشت، او کشف کرد که هر کلمه در سوترای الماس^{۱۲} (Diamond) Sutra در آنجا با سوترای الماس در زمین متفاوت بود، و معنایی کاملاً متفاوت داشت. چگونه این سوترای الماس می‌توانست از آنکه در دنیای بشری بود متفاوت باشد؟ اشخاصی هستند که همچنین ادعا می‌کنند: «رساله‌ها در بهشت سعادت نهایی در مقایسه با آنهایی که در زمین است کاملاً متفاوت اند، و اصلاً یکی نیستند. نه تنها کلمات متفاوتند، بلکه مفهوم و معنا هم همگی متفاوت‌اند، طوری که آنها تغییر کرده‌اند.» در حقیقت، به این خاطر است که فای مشابه دگرگونی‌های مختلف و شکل‌هایی از تجلی در سطوح مختلف دارد، و می‌تواند برای تمرین‌کنندگان در سطوح مختلف نقش راهنمای متفاوتی را بازی کند.

۱۱ - تاتاگاتا - Tathagata موجودی روشن‌بین با میوه باروری در مدرسه بودا که درجه او بالای آرهای Arhat و بودهیساتوا Bodhisattva است.

۱۲ - Diamond Sutra - یک رساله مقدس بودایی

همه می‌دانند که در بودیسم کتاب کوچکی به نام «سفری به بهشت سعادت غایی» وجود دارد. در آن نقل شده است وقتی راهبی در مدیتیشن نشسته بود، روح نخستین (Primordial Spirit^{۱۳}) او به بهشت سعادت غایی وارد شد و صحنه‌هایی را در آنجا مشاهده نمود. بعد از دیدار یک روزه به زمین مراجعت کرد، شش سال گذشته بود. آیا او آن را مشاهده کرد؟ بله او دید، اما آنچه که او مشاهده کرد وضعیت حقیقی آن نبود. چرا؟ برای اینکه سطح او به اندازه کافی نبود، و آنچه که در سطح او نشان داده شده بود فقط تجلی‌ای از فای بودا در سطح او بود. او نتوانست وضعیت حقیقی آن را ببیند، زیرا بهشتی مثل آن جلوه‌ای از تشکل فا است. این مفهوم آن چیزی است که من درباره اش سخن گفتم «هیچ دارمایی قطعی نیست.»

حقیقت - نیکخواهی - بردباری Zhen-Shan-Ren تنها ملاکی است برای تشخیص خوب یا بد بودن انسان‌ها

در بودیسم انسانها درباره اینکه فای بودا چه می‌باشد پژوهش‌هایی کرده‌اند. همچنین افرادی هستند که اعتقاد دارند دارمایی که در بودیسم موعظه می‌شود تمامی فای بودا است. در واقع، این طور نیست. دارمایی که ساکیومونی در دو هزار و پانصد سال پیش موعظه کرد فقط برای مردم عادی در سطحی بسیار پایین بود؛ آن به کسانی که تازه از جامعه بدوی رشد کرده بودند و به نسبت ذهنی ساده داشتند تعلیم داده شد. پایان دوره دارما (Dharma ending period)^{۱۴} که او به آن اشاره کرد امروز است. امروزه مردم دیگر نمی‌توانند با آن دارما عمل تزکیه را انجام دهند. در پایان دوره دارما، حتی کاهنان ساکن در معابد برایشان مشکل است که خودشان را نجات دهند، چه رسد به نجات دیگران. دارمای آموزش داده شده بوسیله ساکیومونی بر اساس موقعیت آن زمان تعلیم داده شد، و او تمام فای بودا را که در سطح خودش فهمیده بود بیان ننمود. این همچنین غیر ممکن است که آن را بدون تغییر تا ابد نگهداشت.

از آنجا که جامعه رشد می‌کند، افکار انسانی بیشتر و بیشتر پیچیده می‌گردد، دیگر برای انسان‌ها آسان نیست که به این صورت تزکیه کنند. دارما در بودیسم قادر نیست همه فای بودا را در بر بگیرد، و آن فقط قسمت کوچکی از فای بودا است. هنوز هم تعداد زیادی از روش‌های بزرگ دیگر تزکیه در مدرسه بودا وجود دارند که بین مردم رواج داشته‌اند. در طول تاریخ آنها به یک شاگرد منفرد انتقال داده شده‌اند. سطوح مختلف دارای فای مختلف است، و بعدها سطوح مختلف هستند. ساکیومونی همچنین یادآوری کرد که هشتاد و چهار هزار راه تزکیه برای تزکیه بودا هود (Buddhahood) وجود داشت. به هر حال در بودیسم فقط بیش از ده راه تزکیه وجود دارد، مثل ذن بودیسم (Zhen Buddhism)، سرزمین پاک (pure land)، تی‌ان‌تایی (Tiantai)، هوایی‌آن (Huayan) و تانتریسم (Tantrism)؛ اینها نمی‌توانند نماینده تمام فای بودا باشند. ساکیومونی خودش هم همه دارمای خود را بیان ننموده، او فقط قسمتی از آن را با توجه به توانایی پذیرش انسان‌های آن زمان تعلیم داد.

پس فای بودا چیست؟ بیشترین کیفیت اساسی این عالم، حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren)، بالاترین تجلی فای بودا است. آن بنیادی‌ترین فای بودا است. فای بودا به شکل‌های مختلف در سطوح مختلف متجلی می‌شود و نقش‌های راهنمای مختلفی را در سطوح مختلف ایفا می‌کند. هر چه سطح آن پایین‌تر باشد، پیچیده‌تر است. این کیفیت، حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren)، در تمام ذرات میکروسکوپی هوا، سنگ، چوب، خاک، آهن و استیل، در جسم بشری، در تمام مواد موجود است. در زمان‌های قدیم گفته شده است که تمام چیزها و مواد در عالم،

۱۳- Primordial Spirit -- این به دو روح نخستین اصلی zhu yuanshen و روح نخستین کمکی fu yuanshen تقسیم شده است. در فکر سنتی چینی، اعتقاد بر این است که روح‌های زیادی در جسم وجود دارند، که ناظر بر مراحل و وظیفه‌های معینی هستند (بسیاری معتقدند که یک روح در کبد اقامت دارد و ناظر بر وظایف آن است).

۱۴- Dharma - Ending Period . بر طبق بودا ساکیومونی، دوره پایان دارما پانصد سال بعد از مرگ او شروع می‌شده، و دارمای او نمی‌توانسته بعد از آن مردم را نجات بدهد.

متشکل از پنج عنصر (Five Elements)^{۱۵} می‌باشند؛ آنها همچنین دارای این کیفیت حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) می‌باشند. یک تزکیه کننده فقط می‌تواند تجلی خصوصی از فای بودا را در سطحی که در تزکیه به آن نایل شده است بفهمد، که آن سطح و تزکیه مقام باروری (Fruit status)^{۱۶} او است. به بیانی وسیعتر، فا بسیار عظیم است. از دیدگاه بالاترین سطح، آن بسیار ساده است، زیرا که فا در شکل درست مثل یک هرم است. در بالاترین نقطه‌اش، می‌تواند در سه کلمه خلاصه گردد: حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren). وقتی در سطوح مختلف تجلی می‌یابد بطور فوق العاده‌ای پیچیده می‌گردد. بطور مثال یک انسان را در نظر بگیرید. مدرسه تائو جسم بشری را مانند جهانی کوچک به حساب می‌آورد. یک انسان دارای جسمی فیزیکی است، اما فقط داشتن یک جسم فیزیکی انسان را کامل نمی‌کند. فرد بایستی همچنین دارای خلق و خوی، شخصیت، فردیت و روح نخستین باشد تا شخصی کامل و مستقل با فردیت را تشکیل دهد. این در مورد جهان ما صدق می‌کند، که راه شیری، کهکشان‌های دیگر، و همچنین آب و حیات در آن موجود است. تمام اشیاء و مواد در این عالم چهره‌هایی از موجودیت ماده هستند. به هر حال، همزمان دارای کیفیت حقیقت، نیکخواهی، بردباری حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) نیز هستند. تمام اجزاء ماده شامل این خصوصیت‌اند - حتی ذرات بینهایت کوچک نیز همگی این خصوصیت را دارا می‌باشند.

این خصوصیت، حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) محکی است برای قضاوت کردن درباره خوب و بد بودن در جهان. چه چیزی خوب است و چه چیزی بد؟ فقط با این محک است که شخص می‌تواند قضاوت کند. تقوی که قبلاً ذکر کردیم نیز همینطور است. مطمئناً، استاندارد اخلاقیات در جامعه امروزی بشری تغییر کرده و تحریف شده است. اگر کسی امروز بخواهد از لی فنگ (Lei Feng)^{۱۷} آموزش بگیرد، شاید او به عنوان بیمار روانی وانمود شود. اما اگر این در سال‌های دهه پنجاه (۱۹۵۰) یا دهه شصت (۱۹۶۰) اتفاق افتاده بود، چه کسی می‌توانست ادعا کند که او نقص روانی دارد؟ معیار اخلاقیات بشری در حال ویران شدن است، و معیار جامعه روز به روز در حال سقوط است. مردم به چیز دیگری غیر از برد و باخت توجهی ندارند و برای نفع کوچک شخصی‌اشان به دیگران صدمه می‌رسانند. آنها به هر وسیله‌ای با یکدیگر ستیز و رقابت می‌کنند. درباره‌اش همگی فکر کنید: آیا به آن اجازه ادامه داده خواهد شد؟ وقتی کسی کاری نادرست انجام می‌دهد، اگر به او گوشزد کنید قبول نخواهد کرد که عملی نادرست را انجام داده است. بعضی افراد خود را با معیارهای اخلاقی متزلزل ارزیابی می‌کنند. به خاطر اینکه معیارها برای ارزیابی عوض شده است، معتقدند که بهتر از دیگران هستند. این اهمیت ندارد که چگونه معیارهای اخلاقی بشری تغییر کرده است، حقیقت جهان با این همه تغییر نکرده است، و آن تنها محکی است برای قضاوت کردن در مورد اینکه مردم خوب یا بد هستند. به همین جهت در مقام یک تمرین‌کننده، فرد بایستی بر طبق کیفیت عالم رفتار کند نه بر طبق قضاوت مردم عادی. اگر شما آرزوی رجعت به حقیقت و اصل خودتان را دارید و می‌خواهید به درجات بالا در عمل تزکیه برسید، بایستی بر طبق این محک با خودتان برخورد کنید. به عنوان یک انسان، فقط اگر بتوانید کیفیت عالم حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) را راهنمای خود قرار دهید انسانی خوب هستید. اگر شخصی به این خصوصیت پشت کند در حقیقت او انسانی بد است. در محل کار یا در جامعه، شاید بعضی افراد بگویند که شما بد هستید، هنوز هم این دلیلی بر بد بودن شما نیست. بعضی افراد شاید بگویند که شما خوب هستید، اما شاید واقعاً خوب نباشید. به عنوان یک تمرین‌کننده، اگر خودتان را جذب این خصوصیت کیهانی کنید هستید که تائو را کسب کرده است - این درست یک چنین اصل ساده‌ای است.

در تزکیه حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren)، مکتب تائو بر تزکیه حقیقت (Zhen) تأکید می‌کند. به همین جهت، مدرسه تائو به تزکیه حقیقت از پرورش طبیعت فرد اعتقاد دارد، گفتن حقیقت، حقیقت را عمل کردن، یک انسان حقیقی شدن، رجعت به سرچشمه و اصل خود و در نهایت، از طریق تزکیه فردی حقیقی شدن. با وجود این، آن شامل

۱۵ - پنج عنصر - فلز، چوب، آب، آتش و زمین

۱۶ - مقام باروری - درجه نایل شده فرد در مدرسه بودا، مثل آرهات، بودهیساتوا، تاناگاتا و غیره.

۱۷ - Lei Feng (Lay Fung) - نمونه‌های اخلاقی چینی در سال ۱۹۶۰.

بردباری و نیکخواهی نیز می‌باشد، اما در تزکیه بر حقیقت تأکید می‌شود. مدرسه بودا تأکید بر تزکیه نیکخواهی از حقیقت - نیکخواهی - بردباری را دارد. تزکیه نیکخواهی باعث می‌شود که نیکخواهی‌ای سرشار از آمرزش ظاهر گردد، و وقتی این نیکخواهی رشد می‌کند شخص درمی‌یابد که همه موجودات در عذاب هستند، پس مدرسه بودا نیز آرزوی نجات موجودات را توسعه می‌دهد. آن نیز حقیقت و بردباری را دارد، اما تأکید بر تزکیه نیکخواهی است. فالون دافای ما بر طبق والاترین محک عالم، حقیقت، نیکخواهی و بردباری، پایه‌گذاری شده است، که همه را همزمان تزکیه می‌کنیم. روشی را که ما تزکیه می‌کنیم واقعاً فوق‌العاده است.

چی گونگ، فرهنگی ما قبل تاریخ است

چی گونگ چیست؟ بسیاری از استادان چی گونگ درباره آن صحبت می‌کنند. آنچه که من می‌گویم با آنچه که آنها می‌گویند متفاوت است. بسیاری از استادان چی گونگ درباره آن در سطح خودشان صحبت می‌کنند، در صورتی که من درباره فهم چی گونگ در سطحی بسیار بالا سخن می‌گویم. این کاملاً با درک آنها متفاوت است. بعضی از استادان چی گونگ ادعا می‌کنند که چی گونگ تاریخی دو هزار ساله در کشور ما دارد. همچنین اشخاصی هستند که معتقدند چی گونگ تاریخی سه هزار ساله دارد. بعضی افراد اشاره می‌کنند که چی گونگ تاریخی پنج هزار ساله دارد، که تقریباً به اندازه تمدن چین ما است. بسیاری نیز می‌گویند که، با ملاحظات کاوش‌های باستان‌شناسی، چی گونگ دارای تاریخی هفت هزار ساله است، بسیار قدیمی‌تر از تاریخ تمدن چین ما. اما این اهمیتی ندارد که آنها چگونه این را می‌فهمند، چی گونگ نمی‌توانسته قبل از تاریخ تمدن بشری وجود داشته باشد. برطبق تئوری تکاملی داروین، انسان‌ها از گیاهان آبی به حیوانات آبی تکامل یافتند. بعداً، به طرف زمین و احتمالاً درختان حرکت کردند. سپس دوباره به زمین آمدند، و میمون شدند، و در نهایت بشر امروزی تکامل پیدا کرده و صاحب فرهنگ و افکار شدند. طبق این تخمین صعود تمدن بشری در واقع بیش از ده هزار سال نبوده است. با نظری بیشتر به عقب، حتی دیگر گره‌ای برای گره زدن وجود نداشت. آن افراد لباسشان از برگ درخت بود و گوشت خام می‌خوردند. با بازنگری بیشتری به گذشته، آن‌ها کاملاً وحشی یا بشری بدوی بودند. حتی شاید آنها نمی‌دانستند چگونه آتش را بکار ببرند.

اما ما مشکلی را پیدا کرده‌ایم. تعدادی آثار فرهنگی که همگی آنها تاریخی هستند متعلق به پیش از تاریخ تمدن ما هستند، و در بسیاری از مکان‌ها در روی زمین به جا مانده‌اند. آن آثار باستانی، از لحاظ صنعت ماشینی در سطحی بسیار پیشرفته بوده‌اند. از لحاظ ارزش هنری، آن‌ها در سطح فوق‌العاده بالایی هستند. بشر امروزی خیلی ساده فقط هنرهای مردم باستانی را تقلید می‌کند، و هنرهای آنها از ارزش هنری بالایی برخوردار است. با این وجود آن آثار باستانی قدمتی بیش از صد هزار سال قبل، چند صد هزار سال قبل، چندین میلیون سال قبل، یا حتی بیش از صد میلیون سال قبل دارند. درباره آن همگی فکر کنید: آیا آنها تاریخ امروزی را مسخره نمی‌کنند؟ اینطور است، در واقع این شوخی نیست، زیرا بشر همیشه در حال رشد و ارزیابی مجدد خود بوده است. این است چگونگی رشد جامعه. درک اولیه لزومی ندارد که کاملاً صحیح باشد.

بسیاری از مردم شاید درباره «فرهنگ ماقبل تاریخ» شنیده‌اند، که همچنین «تمدن ماقبل تاریخ» هم نامیده می‌شود. ما درباره تمدن ماقبل تاریخ صحبت خواهیم کرد. در روی زمین، قاره‌های آسیا، اروپا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، اقیانوسیه، آفریقا و قطب جنوب وجود دارند. زمین‌شناسان آنها را مناطق قاره‌ای می‌نامند. از تشکیل مناطق قاره‌ای تا امروز، چندین دهه میلیون سال گذشته است. می‌توان گفت، قاره‌های بسیاری از ته اقیانوس‌ها بیرون آمده‌اند، و خیلی قاره‌ها نیز به ته دریاها فرو رفته‌اند. این وضعیت امروزی به این شکل ده‌ها میلیون سال ثابت بوده است. به هر حال، در کف بسیاری از اقیانوس‌ها بعضی آثار بلند و بزرگی کشف شده است. این بناها بی‌اندازه زیبا حک گردیده‌اند و به آثار فرهنگی بشر امروزی تعلق ندارند. بنابراین آنها قبل از اینکه به کف اقیانوس فرو روند، ساخته شده‌اند. چه کسی این تمدن‌ها را در ده‌ها میلیون سال پیش آفریده است؟ در آن زمان، نژاد انسانی ما حتی میمون هم نبود. چگونه می‌توانستیم چنین چیزهایی را با درایت زیاد بیافرینیم؟ باستان‌شناسان در اطراف دنیا موجودی زنده پیدا کرده‌اند به نام تریلوبیت (Trilobite) که بین ششصد میلیون و

دویست و شصت میلیون سال پیش وجود داشت. این نوع از موجود زنده برای دویست و شصت میلیون سال پیش ناپدید شد. یک دانشمند آمریکایی فسیلی از یک تریلوبیت را که در آن جای پای انسانی نقش شده بود کشف کرد؛ جای پا بطور واضح در فسیل بوسیله کفش فردی نقش شده بود. آیا این تاریخ را دست نمی‌اندازد؟ بر طبق تئوری تکاملی داروین، چگونه می‌توانست انسان‌هایی برای دویست و شصت میلیون سال پیش وجود داشته باشند؟

در موزه‌ای در دانشگاه ملی پرو، سنگی عظیم وجود دارد که نقش انسانی روی آن حکاکی شده است. طبق تحقیقات به عمل آمده، این نقش متعلق به حدود سی هزار سال پیش است. این شکل بشری به هر حال، لباس‌هایی در بر دارد، کلاه، یک جفت کفش، و با تلسکوپی در دست منظومه‌های آسمانی را مشاهده می‌کند. چگونه انسان‌های سی هزار سال پیش قادر به بافتن پارچه و پوشیدن لباس بودند؟ آنچه که بیش از همه غیر قابل درک است اینکه او کرات آسمانی را با تلسکوپی در دست نظاره می‌کند و مطمئناً صاحب دانشی در نجوم می‌باشد. ما همیشه باور داشته‌ایم که گاليله، فردی از اروپا، تلسکوپ را کشف کرد، که قدمتی سیصد ساله دارد. اما چه کسی بود که در سی هزار سال پیش تلسکوپ را کشف کرد؟ هنوز هم بسیاری اسرار حل نشده وجود دارند. بطور مثال، نقاشی‌های آبرنگ روی گچ خشک شده دیوارهایی در چندین غار سنگی در فرانسه، آفریقای جنوبی و آلپ کشف گردیده‌اند که این اشکال بطور واقع بینانه‌ای حکاکی شده‌اند و به نظر زنده می‌آیند. انسان‌های حکاکی شده منتخبین هستند و با رنگ معدنی نقاشی شده‌اند. به هر حال، همگی آنها لباس‌هایی به سبک معاصر دربر دارند، که تقریباً شبیه لباس‌های غربی است، و شلوارهایشان چسبان است. تعدادی از آنها چیزی شبیه پیپ را در دست دارند، در حالی که دیگران عصاهایی برای قدم زدن و کلاه‌هایی بر سر دارند. چگونه میمون‌های چند صد هزار سال پیش می‌توانستند صاحب چنان سطح هنری پیشرفته‌ای باشند؟

مثالی دیگر از عهدی قدیمی‌تر می‌زنیم، کشور جمهوری آفریقایی گابن دارای سنگ معدن اورانیوم است. این کشور نسبتاً عقب مانده است و نمی‌تواند اورانیوم را به تنهایی استخراج کند و به کشورهای پیشرفته صادر نماید. در سال ۱۹۷۲، یک کارخانه فرانسوی سنگ معدن اورانیوم را به کشور وارد کرد. در طی آزمایشات شیمیایی، متوجه شدند که اورانیوم پالایش و مصرف شده بود. آنها کاملاً آن را غیر عادی یافتند و دانشمندانی را برای تحقیق به کشور گابن فرستادند. دانشمندان چندین کشور دیگر نیز برای تحقیق به آنجا روانه شدند. آنها بالاخره تأیید کردند که این معدن اورانیوم در حقیقت نیروگاه اتمی بسیار وسیعی بوده و به قدری خوب طراحی شده بود که حتی برای بشر امروزی غیر ممکن است که شبیه آن را درست کند. پس آن چه موقع ساخته شد؟ آن دو میلیارد سال قبل ساخته شده و پانصد هزار سال هم از آن بهره‌برداری شده بود. این‌ها کاملاً اعدادی نجومی هستند، و آن را نمی‌توان با تئوری بقای داروین توضیح داد. تعداد زیادی از این مثال‌ها وجود دارند. آنچه که جامعه علم و تکنولوژی امروزی کشف کرده است برای تغییر کتب درسی امروز ما کافی هستند. وقتی یک بار افکار عامه پسند بشری از روی قاعده روشی را برای کار و فکر کردن شکل داده است، عقاید جدید به سختی می‌توانند پذیرفته شوند. وقتی حقیقت آشکار می‌شود، انسان‌ها جرأت پذیرفتن آن را ندارند، بلکه بطور غریزی آن را رد می‌کنند. به خاطر تأثیر طرز فکر عامه پسند سنتی، تا به حال کسی بطور منظم چنین کشفیاتی را تدوین نکرده است. بدین ترتیب، طرز تفکر بشری در پشت سر پیشرفت‌ها همیشه عقب می‌ماند. هر موقع که درباره این موضوعات صحبتی پیش می‌آید، کسانی خواهند بود که آنها را خرافات نامیده و ردشان خواهند کرد - علی‌رغم اینکه آنها در حال حاضر کشف شده‌اند. آنها فقط هنوز به طور گسترده علنی نگشته‌اند.

بسیاری از دانشمندان شجاع خارجی آن را هم اکنون بطور عمومی به عنوان فرهنگ ماقبل تاریخ و تمدنی که جلوتر از بشر کنونی بوده است تأیید کرده‌اند. به عبارتی دیگر، بیشتر از یک دوره تمدن ما قبل تاریخ ما وجود داشته است. از میان باقی مانده‌های دفن شده، اشیایی را پیدا کرده ایم که فقط به یک دوره تمدن تعلق ندارند. بدین ترتیب عقیده بر آن است که بعد از آن که تمدن‌های بشری چندین بار رو به زوال رفته‌اند، فقط تعداد کمی از افراد نجات یافته و این نجات یافته‌گان به صورت بدوی زندگی می‌کردند. سپس، آنها بطور پیوسته از لحاظ تعداد افزایش یافته و بشریت جدید را درست کردند، و تمدنی جدید را پایه گذاشتند. بعدها، دوباره از بین رفته و سپس یک بار دیگر بشریتی جدید را توسعه دادند. به این صورت بشریت از چنین

تغییرات دوره‌ای، یکی بعد از دیگری عبور کرده است. فیزیکدان‌ها معتقدند که حرکت ماده قوانین معینی را دنبال می‌کند. تغییرات کامل عالم ما نیز قوانینی را دنبال می‌کنند.

این غیر ممکن است که سیاره زمین ما، در این کیهان بینهایت و راه شیری، در تمام مدت در مدار خود با آرامش حرکت کرده باشد. این امکان وجود داشته که به یک سیاره مشخصی برخورد کرده یا اینکه با مشکلات دیگری مواجه شده، که فاجعه بزرگی را موجب گردیده است. از نظر دیدگاه نیروهای فوق طبیعی ما، آن درست بدین شکل تنظیم شده است. یک بار بعد از تحقیق دقیقی که انجام دادم متوجه شدم که بشریت هشتاد و یک بار بطور کامل نابود شده است. با کمی آثار باقی مانده از تمدن قبلی، فقط تعداد کمی از مردم نجات می‌یافتند و وارد دوره بعدی می‌شدند، دوباره زندگی‌ای بدوی را شروع می‌کردند. بعد از آنکه انسان‌ها افزایش می‌یافتند، دوباره تمدن درنهایت ظاهر می‌شد. بشریت این چنین تغییرات دوره‌ای را هشتاد و یک بار تجربه کرده است، من هنوز هم نتوانسته‌ام نهایت آن را تخمین بزنم. مردم چین از زمان کیهانی، شرایط مطلوب در زمین، و توازن بشری صحبت می‌کنند. تغییرات مختلف در عالم و زمان‌های مختلف عالم می‌توانند موقعیت‌های مختلفی را به جامعه عادی بشری منتقل کنند. بر طبق فیزیک، حرکت ماده از قوانینی مشخص پیروی می‌کند - به همان شکل در چرخش کیهان نیز صادق است.

فرهنگ‌های ماقبل تاریخ که در بالا اشاره کردیم می‌خواهد به ما بگوید که چی گونگ اصلاً اختراع بشر امروزی ما نیست. آن یک نوع فرهنگ ماقبل تاریخ است که از زمان‌های بسیار دور به جا مانده. در نوشته‌های بودیستی نیز می‌توانیم بعضی از بیانیه‌های مربوط به آن را پیدا کنیم. ساکیومونی یک بار بیان کرد که او در عمل تزکیه برای چندین میلیون کالپای^{۱۸} (Kalpa) قبل موفق شده بود. چند سال در یک کالپا وجود دارد؟ یک کالپا شامل صدها میلیون سال است. یک چنان رقم فاحشی به راستی غیر قابل درک است. اگر این حقیقت داشته باشد، آیا آن با تاریخ بشر و تغییرات کامل زمین مغایرت ندارد؟ به علاوه، ساکیومونی همچنین ذکر کرد که قبل از او هفت بودای اولین بوده‌اند، و او استادهایی داشته، و غیره، که همگی آنها در عمل تزکیه در چند صد میلیون (Kalpa) سال پیش موفق شده بودند. اگر همه اینها حقیقت داشته باشند، آیا چنان روش‌های تزکیه در بین آن روش‌های سنتی، حقیقی و تعالیم آموخته شده واقعی در جامعه امروزی ما وجود دارند؟ اگر از من بپرسید، کاملاً بدان صورت است، اما آنها بندرت دیده می‌شوند. در حال حاضر، چی گونگ جعلی و نمایشی، و اشخاصی که بوسیله ارواح تسخیر شده‌اند، چیزهایی را سرهم کرده‌اند که مردم را اغفال کنند، و تعداد آنها از چی گونگ‌های واقعی به دفعات پیشی گرفته است. بطوریکه مشکل است بین چی گونگ واقعی و دروغین فرقی گذاشت. تشخیص دادن چی گونگ واقعی آسان نیست، و یافتن آن نیز آسان نمی‌باشد.

در حقیقت، فقط چی گونگ نیست که از زمان‌های گذشته به جا مانده است، بلکه تای جی^{۱۹} (Taiji)، هتو (Hetu)، لوشو^{۲۰} (Luoshu)،

کتابهای^{۲۱} The Eight Triagrams, Changes^{۲۲}، و غیره نیز همگی از زمان پیش از تاریخ به جا مانده‌اند. بنابراین، اگر ما آنها را از دیدگاه مردم عادی امروزی مطالعه و بررسی کنیم، قادر نخواهیم بود آنها را با هیچ معنایی مورد مقایسه قرار دهیم. از سطح انسانی عادی، و قالب فکری‌اش، فرد نمی‌تواند چیزهای حقیقی را بفهمد.

^{۱۸} - دوره ای که برای دو بیلیون سال دوام دارد، اینجا اصطلاح بعنوان یک عدد بکار برده شده است.

^{۱۹} - Taiji (tie - jee) - سمبل مدرسه تائو، در غرب بعنوان سمبل «یین و یانگ» شناخته شده است.

^{۲۰} - Luoshu (Luo - Shew), Hetu (huh - too) - نمودار ماقبل تاریخی که در چین قدیم ظاهر شد و گفته شده است که تغییرات دوره طبیعت را افشاء می‌کند.

^{۲۱} - Luoshu (Luo - Shew), Hetu (huh - too) - - نمودار ماقبل تاریخی که در چین قدیم ظاهر شد و گفته شده است که تغییرات دوره طبیعت را افشاء می‌کند.

^{۲۲} - Eight Triagrams - از کتاب Book of Changes. یک تغییر ماقبل تاریخ که گفته می‌شود تغییرات دوره طبیعت را افشاء می‌کند.

چی گونگ عمل تزکیه است

نظر به اینکه چی گونگ تاریخی چنان طولانی دارد، فایده‌اش چیست؟ به همه شما می‌گویم از آنجائیکه روش تزکیه ما روشی بسیار بزرگ در مدرسه بودا است، مطمئناً بوداهود را تزکیه می‌کنیم. در مدرسه تائو، شخص طبعاً تائو را تزکیه می‌کند تا تائو را کسب کند. اجازه بدهید به همه شما بگویم که بودا (Buddha) خرافات نیست. آن کلمه‌ای از سانسکریت است، زبان قدیمی هندی. زمانی که در چین رواج پیدا کرد، فوتو (Fo tuo)^{۲۳} نامیده شد. همچنین کسانی بودند که آن را (Fo tu)^{۲۴} ترجمه کردند. بعد از رواج آن در اطراف، مردم چین ما یک کلمه را حذف کرده و آن را فو (Fo) نامیدند. آن چه معنایی را در زبان چینی می‌داد؟ یعنی "یک شخص روشن‌بین شده"، شخصی که در جریان عمل تزکیه روشن‌بین شده است. کجای این جریان موهوم پرستی است؟

همگی به این فکر کنید: فرد می‌تواند توانایی‌های فوق طبیعی اش را طی عمل تزکیه رشد دهد. در دنیای امروزی، شش توانایی فوق طبیعی شناخته شده است، ولی به اینها محدود نیستند. می‌توانم بگویم که بیش از ده هزار توانایی فوق طبیعی واقعی وجود دارند. شخصی که آنجا بدون حرکت دادن دست‌ها و پاهایش نشسته، قادر است کاری را انجام دهد که دیگران حتی با دست‌ها و پاهایشان نمی‌توانند آن را انجام دهند، و می‌تواند حقیقت واقعی تمام بعدهای جهان را مشاهده کند. این شخص می‌تواند حقیقت عالم و چیزهایی را ببیند که مردم عادی قادر به دیدن آنها نیستند. آیا او شخصی نیست که از طریق عمل تزکیه تائو را کسب کرده است؟ آیا او یک شخص بزرگ روشن‌بین شده نیست؟ چگونه می‌توان او را هم‌تراز با یک شخص عادی دانست؟ آیا او کسی نیست که از راه عمل تزکیه روشن‌بین شده است؟ آیا این درست نیست که او را یک روشن‌بین بنامیم؟ بر طبق نوشته‌های قدیمی هندی او را یک بودا می‌نامند. واقعیت این است، این همان چیزی است که چی گونگ برای آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وقتی که صحبت از چی گونگ است، بعضی افراد ممکن است بگویند، «بدون یک بیماری، چه کسی می‌خواهد چی گونگ را تمرین کند؟» این درکی است از چی گونگ که بیماری‌ها را شفا می‌دهد. این درکی بسیار، بسیار سطحی است. این تقصیر شما نیست زیرا بسیاری از استادان چی گونگ در حقیقت کارهایی می‌کنند که مربوط به شفا دادن بیماری‌ها و حفظ سلامتی‌ست. همه آنها درباره شفا دادن و سلامتی سخن می‌گویند. هیچ کس درباره سطوح بالاتر تعلیمی نمی‌دهد. البته این بدین معنا نیست که روش آنها خوب نیست. وظیفه آنها آموزش چیزها و کارهایی در سطح شفا دادن و حفظ سلامتی، و عمومی کردن چی گونگ است. بسیاری از افراد هستند که می‌خواهند در سطوح بالاتر تزکیه کنند. آنها چنان افکار و آرزوهایی دارند، اما آنها به روش‌های تزکیه دست نیافته‌اند، و بدین وسیله منجر به مشکلات بزرگ و سختی‌های زیاد گشته‌اند. البته، ترویج واقعی یک عمل تزکیه در جهت سطوح بالاتر مستلزم مسایل بسیار مهمی است. بنابراین، ما در مقابل جامعه و مردم مسئول بوده‌ایم، و در طی روش تزکیه مجموعاً به نتایج خوبی رسیده‌ایم. بعضی مسایل واقعاً در سطحی بالا هستند و، وقتی درباره آنها صحبت می‌شود ممکن است مثل خرافات به نظر آیند. اما، ما حداکثر سعی خود را برای توضیح دادن درباره آنها بر طبق علم جدید خواهیم کرد.

وقتی یک بار درباره مسایل معینی صحبت بکنیم، کسانی خواهند بود که آنها را موهوم پرستی بنامند. چرا آن اینطوری است؟ ملاک چنین شخصی این است که آنچه علم به رسمیت نشناخته، آنچه که هنوز تجربه نکرده است، یا آنچه که او فکر می‌کند احتمالاً نمی‌تواند وجود داشته باشد، همگی خرافات و ایده‌آلیستی است. این درک اوست. آیا این درک درست است؟ آیا می‌توان آنچه را که علم نشناخته و یا در فراسوی رشد او است خرافات یا ایده‌آلیسم نامید؟ پس، آیا این خود شخص نیست که خرافه پرست و ایده‌آلیست شده است؟ بر طبق چنین طرز فکری، چگونه علم می‌تواند رشد و پیشرفت کند؟ جامعه بشری

۲۳ - Fo Tuo - اصطلاح کلاسیکی چینی برای «بودا».

۲۴ - Fu Tu - اصطلاح کلاسیکی چینی برای «بودا».

هم نمی‌تواند به جلو قدم بردارد. تمام اختراعاتی که علوم و تکنولوژی ما در گذشته اختراع کرده است برای مردم ناآشنا بود. اگر با همه آن مسائل به عنوان خرافات پرستی برخورد می‌شد پس البته نیازی به توسعه وجود نداشت. چی‌گونگ چیزی ایده‌آلیستی نیست. از آنجا که بسیاری از مردم چی‌گونگ رانمی‌شناسند، همیشه تصور می‌کنند که چی‌گونگ ایده‌آلیسم است. این روزها، با استفاده از وسایل علمی در بدن استادان چی‌گونگ، امواج سوپرسونیک (supersonic waves)، امواج الکترومگنتیک (electromagnetic)، اشعه مادون قرمز (infrared)، اشعه ماوراء بنفش (ultraviolet)، اشعه حاوی رادیواکتیو (gamma rays)، نوترون‌ها (neutrons)، اتم‌ها (atoms)، ردیابی عناصر فلزات (trac metal elements) و غیره را یافته‌اند. آیا این چیزها موجودیتی از ماده نیستند؟ آنها هم از ماده می‌باشند. آیا هر چیزی از ماده تشکیل نشده است؟ آیا زمان و مکان دیگر نیز از ماده تشکیل نشده‌اند؟ چگونه می‌توان گفت که چی‌گونگ «خرافات پرستی» است؟ از آنجا که چی‌گونگ برای تزکیه بوداها مورد استفاده قرار می‌گیرد، طبیعتاً بسیاری از مسایل عمیق و والا را شامل می‌گردد، که ما درباره همه آنها صحبت خواهیم نمود.

از آنجا که چی‌گونگ برای چنان هدفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چرا آن را چی‌گونگ می‌نامیم؟ در حقیقت آن را «چی‌گونگ» (qigong) نمی‌نامیدند. چه نامیده می‌شد؟ «عمل تزکیه» نامیده می‌شد، و درست عمل تزکیه است. البته چی‌گونگ نام‌های بخصوص دیگری داشت، اما بطور کلی آن را عمل تزکیه می‌نامیدند. پس، چرا آن را چی‌گونگ نامیده‌اند؟ همانطور که همه ما می‌دانیم چی‌گونگ بیش از بیست سال است که در جامعه رواج داشته است. چی‌گونگ در اواسط انقلاب فرهنگی^{۲۵} پدیدار شد. بعدها به نقطه اوج خود رسید. همگی درباره‌اش فکر کنید: در آن زمان ایدئولوژی چپ کاملاً رایج بود. ما به اسامی که چی‌گونگ در تمدن ماقبل تاریخ داشت اشاره نخواهیم کرد. در طی توسعه‌اش، تمدن بشری از میان جامعه فتودالی گذشته است. به همین خاطر چی‌گونگ اغلب اسامی‌ای با عناصر فتودالی گرفت. روش‌هایی که به مذهب مربوط بودند اغلب اسامی‌ای با لحن‌های سنگین مذهبی داشتند. بطور مثال، روش بزرگ تزکیه تائو، روش مدیتیشن الماس، راه آرهای (The way of Arhat)^{۲۶}، راه بزرگ تزکیه بودا دارما، و نه علم درونی کیمیاگری، و غیره، همگی چنان چیزهایی بودند. اگر این اسامی در زمان «انقلاب فرهنگی بزرگ» به کار برده می‌شد، آیا مورد انتقاد قرار نمی‌گرفتید؟ علی‌رغم اینکه آرزوی همگانی کردن چی‌گونگ نزد استادان چی‌گونگ خوب بوده و قصد آن‌ها کمک به شفا دادن بیماری‌های مردم و حفظ سلامتی بود، و اینکه تندرستی عموم بهتر گردد - چقدر می‌توانست بی‌نظیر باشد - آن نمی‌توانست مجاز باشد. مردم به سادگی جرأت نمی‌کردند به این صورت اسامی را به کار ببرند. به همین خاطر، برای همگانی کردن چی‌گونگ، بسیاری از استادان چی‌گونگ دو کلمه از یادداشت‌های دان جینگ Dan Jing و تائو زانگ Tao Zang^{۲۷} را برداشتند و آن را چی‌گونگ (qigong) نامیدند. بعضی افراد حتی تحقیقاتشان را درباره اصطلاحات چی‌گونگ متمرکز می‌کنند. اما چیزی برای بررسی کردن وجود ندارد. در گذشته، آن فقط عمل تزکیه نامیده می‌شد. چی‌گونگ چیزی نیست به غیر از یک واژه جدید ساخته شده که منطبق با افکار مدرن بشری است.

چرا گونگ شما علی‌رغم تمرین افزایش نمی‌یابد؟

چرا گونگ شما علی‌رغم تمرین افزایش نمی‌یابد؟ بسیاری افراد اینگونه فکر می‌کنند: «من آموزش واقعی را دریافت نکرده‌ام. اگر استادی تعدادی مهارت‌های بخصوص و تعدادی روش‌های پیشرفته را به من آموزش بدهد، گونگ من افزایش خواهد یافت.» این روزها، نود و پنج درصد از مردم اینگونه فکر می‌کنند، به نظر من بسیار مسخره است. چرا مسخره است؟ زیرا چی‌گونگ تبحر مردم عادی نیست. آن مطلقاً چیزی ما فوق طبیعی است. به همین جهت، باید با اصول سطوح بالا آن را ارزیابی کرد. به همه می‌گویم که دلایل اساسی که گونگ رشد نمی‌کند این دو کلمه می‌باشند: «تزکیه» و «تمرین»، مردم

۲۵ - Great Cultural Revolution انقلاب فرهنگی بزرگ - یک جنبش سیاسی کمونیستی که ارزش‌های سنتی و فرهنگی را مورد انتقاد قرار می‌دهد (۱۹۶۶-۱۹۷۶).

۲۶ - Tao Zang (daow - zang) , Dan jing (dahn - jing) - کتابهای کلاسیکی چینی درباره عمل تزکیه.

۲۷ - Tao Zang (daow - zang) , Dan jing (dahn - jing) - کتابهای کلاسیکی چینی درباره عمل تزکیه.

فقط به تمرین توجه می‌کنند و تزکیه را نادیده می‌گیرند. اگر شدیداً در جستجوی چیزی در خارج هستید، به هیچ وجه آن را بدست نخواهید آورد. با جسم یک شخص عادی، دست‌های یک شخص عادی، و افکار یک شخص عادی، آیا فکر می‌کنید بتوانید انرژی والا را به گونگ تبدیل کنید و گونگ را رشد دهید؟ چگونه می‌تواند به این آسانی باشد! این در نظر من، یک شوخی است. مثل این است که در طلب چیزی از بیرون باشید و در بیرون چیزی را جستجو کنید. هرگز آن را نخواهید یافت.

این مثل داشتن مهارت بین مردم عادی نیست که بتوانید با پرداخت کمی پول با یادگیری بعضی تکنیک‌ها آن را کسب کنید. به این صورت نیست، زیرا این چیزی ورای سطح مردم عادی است. بنابراین از شما انتظار می‌رود که بر طبق اصول فوق طبیعی رفتار کنید. پس، چه انتظاری از شما می‌رود؟ لازم است که دروتتان را تزکیه کنید و در جستجوی چیزهایی در بیرون نباشید. در نتیجه افراد زیادی هستند که در بیرون در جستجوی چیزهایی هستند. آنها امروز در جستجوی یک چیز هستند و روز دیگر دنبال چیزی دیگر. به علاوه، آنها با دلبستگی به هر نوع انگیزه‌ای در جستجوی نیروهای فوق طبیعی هستند. افرادی وجود دارند که حتی می‌خواهند استاد چی گونگ شوند و با معالجه بیماری‌ها دارایی کسب کنند! لازمه عمل تزکیه واقعی، تزکیه روان است. این به تزکیه شین شینگ نامیده می‌شود. بطور مثال، در اختلافات شخصی لازم است که اهمیت کمتری به تمام احساسات و تمایلات داده شود. در حالیکه برای نفع شخصی در رقابت هستید، می‌خواهید که گونگ شما رشد هم بکند - چگونه این می‌تواند ممکن باشد؟ به سخن آسان می‌آید. آیا مثل مردم عادی نیستید؟ چگونه گونگ شما می‌تواند ترقی کند؟ بنابراین، فقط از طریق تأکید بر تزکیه شین شینگ است که گونگ شما می‌تواند رشد کند و سطح شما ارتقاء یابد.

شین شینگ چیست؟ آن تقوا (یک نوع از ماده) را شامل می‌شود، بردباری، کیفیت روشن بینی، فداکاری کردن، رها کردن تمام امیال و وابستگی‌های نزد مردم عادی، توانایی تحمل کردن سختی‌ها، و غیره. آن دربرگیرنده موضوعات مختلفی است. هر جنبه از شین شینگ بایستی در شما ارتقاء یابد تا بطور واقعی رشد کنید. این یک عامل کلیدی برای رشد توان گونگ (gongli) است.

بعضی افراد ممکن است فکر کنند: «موضوع شین شینگ که شما مطرح کرده‌اید چیزی مربوط به حیطه ایدئولوژی و موضوعی در قلمرو فکری شخص است. ربطی به گونگ که ما تمرین می‌کنیم ندارد.» آیا آنها از یک موضوع نیستند؟ در خلال تاریخ، همیشه در اجتماع متفکران بحث‌ها و گفتگوهایی در بین بوده است که روح مقدم است یا ماده. اجازه بدهید برایتان بگویم که در حقیقت، ماده و روح هر دو از یک طبیعت می‌باشند. در تحقیقات علمی در مورد جسم بشر، دانشمندان امروزی معتقدند فکری که مغز بشر ساطع می‌کند همان ماده است. اگر فکر چیزی از ماده باشد که هستی دارد، آیا آن همچنین چیزی از روح بشری نیست؟ آیا آنها از یک طبیعت نیستند؟ این درست مثل کیهان است که درباره‌اش توضیح داده‌ام، آنها نه تنها موجودیت ماده‌ای خود را دارند، بلکه همچنین در همان زمان، نشان ویژه خود را دارا هستند. یک فرد عادی نمی‌تواند موجودیت این کیفیت را حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) در عالم آشکار کند، زیرا مردم عادی همگی در یک سطح می‌باشند. وقتی که به فراتر از سطح مردم عادی ترقی می‌کنید، قادر خواهید بود آن را آشکار کنید. چگونه می‌توانید آن را آشکار کنید؟ تمام اشیاء در کیهان، به علاوه تمام ذراتی که همه عالم را فرا می‌گیرند، موجوداتی هستند متفکر، و تمام آنها شکل‌هایی موجود از فای کیهانی در سطوح مختلف هستند. آنها به شما اجازه صعود را نمی‌دهند. حتی اگر بخواهید صعود کنید، نمی‌توانید. آنها دقیقاً به شما اجازه حرکت به بالا را نمی‌دهند. چرا آنها به شما اجازه رفتن به درجات بالاتر را نمی‌دهند؟ برای اینکه شین شینگ شما پیشرفت نکرده است. برای هر سطحی محک‌های مختلفی وجود دارند. اگر می‌خواهید به سطحی بالاتر نایل شوید، بایستی افکار نادرست خود را رها کنید و تمام چیزهای کثیف خود را پاک کنید تا جذب محکی که در آن سطح انتظار می‌رود بشوید. فقط بدین طریق می‌توانید پیشرفت کنید.

به محض اینکه شین شینگ خود را ترقی می‌دهید، جسم شما دستخوش تغییر بزرگی خواهد شد. در جریان رشد شین شینگ، متعهد می‌شوم که ماده جسم شما دگرگون شود. چه نوع تغییراتی اتفاق خواهد افتاد؟ شما آن چیزهای بدی که به آنها

وابسته بودید از دست خواهید داد. بطور مثال، اگر یک بطری پر شده از مواد کثیف که درش محکم بسته شده است به داخل آب بیاندازیم، به یکباره به داخل آب فرو خواهد رفت. کمی از آن محتوی کثیف را بیرون می‌ریزید. هر چه بیشتر از آن را خالی کنید، بیشتر به بالا صعود می‌کند. اگر آن کاملاً خالی شده باشد، در سطح آب شناور خواهد شد. در جریان عمل تزکیه ما، شما بایستی چیزهای بد مختلف را از جسم‌تان پاک کنید تا بتوانید به درجات بالا صعود کنید. اساس کیفیت عالم درست چنین نقشی را ایفا می‌کند. اگر شین‌شینگ خودتان را تزکیه نکنید و استاندارد اخلاقیات خودتان را رشد ندهید، یا اینکه افکار و ذات بد شما از بین نروند، به شما اجازه صعود به بالاتر داده نخواهد شد. چگونه می‌توانید مدعی شوید که ماده و روح از یک سرشت نمی‌باشند؟ اجازه بدهید از یک شوخی برایتان بگویم. اگر شخصی، با داشتن تمام احساسات و تمناهای ممکن در میان مردم عادی، مجاز باشد که به سطوح بالا صعود کند و یک بودا بشود - فقط درباره‌اش فکر کنید - آیا این عملی است؟ شاید او وقتی که یک بودهیساتوای (Bodhisattva^{۲۸}) زیبا را ببیند فکر بدی از مغزش بگذرد. این شخص شاید شروع به دعوا با یک بودا به خاطر حسادت که نتوانسته آن را از بین ببرد بکند. چگونه این چیزها مجاز می‌باشند که اتفاق بیفتند؟ پس، چه کاری درباره آن می‌توان انجام داد؟ شما باید تمام افکار بد خودتان را در میان مردم عادی از بین ببرید - فقط بعد از آن می‌توانید به درجات بالاتر صعود کنید.

به عبارتی دیگر، شما باید به تزکیه شین‌شینگ و عمل تزکیه برطبق کیفیت عالم حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) توجه کنید. شما بایستی کاملاً تمناهای مردم عادی، افکار غیر اخلاقی، و انجام دادن کارهای از روی قصد را رها کنید. با رشد هر ذره از موقعیت فکری‌تان، بعضی از چیزهای بد در جسم‌تان از بین خواهند رفت. هم زمان، بایستی سختی‌هایی را تحمل کنید و برای پاک کردن قسمتی از کارمایتان کمی رنج بکشید. سپس می‌توانید کمی به بالا ترقی کنید؛ یعنی، کیفیت عالم شما را آنقدر محدود نخواهد کرد. تزکیه بستگی به تلاش خود شخص دارد، در حالی که گونگ به استاد شخص مربوط است. استاد، مکانیزم گونگ را که باعث رشد گونگ می‌شود به شما می‌دهد، و این مکانیزم گونگ عمل خواهد کرد. این می‌تواند ماده خارج از جسم شما را به گونگ تبدیل کند. همانطور که شما به طور پیوسته خودتان را تعالی می‌دهید و به درجات بالاتر تزکیه می‌کنید، ستون گونگ (gongzhu) شما نیز بطور پیوسته به طرف درجات بالاتر نفوذ خواهد کرد. به عنوان یک تمرین‌کننده، باید تزکیه کنید و خودتان را در محیط مردم عادی تعدیل کنید و بتدریج وابستگی‌ها و تمناهای متفاوت را کنار بگذارید. آنچه که اغلب از نظر بشر خوب محسوب می‌شوند معمولاً از دیدگاه سطوح بالاتر بد به حساب می‌آیند. بدین ترتیب، آنچه که مردم برای یک شخص خوب تلقی می‌کنند، بهتر زندگی کردن بوسیله به دست آوردن نفع شخصی بیشتر در میان مردم عادی است. از نظر موجودات روشن بین تعالی، این شخص از همه بدتر است. چه چیز آن اینقدر بد است؟ هر چه بیشتر شخص بدست بیاورد، بیشتر به حقوق دیگران تجاوز می‌کند. شخص می‌خواهد صاحب چیزهایی شود که مستحق آنها نیست. این شخص توجهش به شهرت و پیروزی معطوف می‌شود، بدین نحو تقوایش را از دست می‌دهد. اگر بخواهید گونگ شما رشد کند بدون اینکه توجهتان را به تزکیه شین‌شینگ معطوف کنید، گونگ شما اصلاً رشد نخواهد کرد.

در حوزه تزکیه‌کنندگان سخن از این است که روح نخستین شخص نمی‌تواند کاملاً از بین برود. در گذشته، اگر مردم درباره روح بشر بحث می‌کردند خرافه پرستی نامیده می‌شد. همان‌گونه که می‌دانیم فیزیکدان‌ها در تحقیقاتشان در مورد جسم بشری مولکول‌ها، پروتون‌ها، الکترون‌ها، کمی پایین‌تر از کوارک‌ها، نوترون‌ها و غیره را کشف کرده‌اند. در این حد، یک میکروسکوپ نمی‌تواند بیشتر از آن را ردیابی کند. اما، آنها از سرچشمه زندگی و ماده فاصله دارند. هر کس می‌داند که در انفجار هسته‌ای مقدار بسیار زیادی انرژی برای انفجار و مقدار بسیار زیادی حرارت برای رسیدن آنها به نقطه ذوب ظاهر شدن انفجار هسته‌ای لازم است. چگونه هسته اتمی بدن یک شخص وقتی که می‌میرد به آسانی می‌تواند منقرض گردد؟ به همین جهت، ما کشف کرده‌ایم که وقتی شخصی می‌میرد فقط در این بعد ما است که این لایه با آن عناصر بزرگ تشکیل دهنده

مولکولی از بین رفته‌اند، در حالیکه جسم در بعدی دیگر از بین نمی‌رود یا ناپدید نمی‌شود. همگی به آن فکر کنید: جسم بشر زیر یک میکروسکوپ به چه شکلی است؟ تمام جسم بشر در حرکت است. وقتی که آنجا نشسته و حرکت نمی‌کنید، تمام جسم به هر حال در حرکت است. مولکول‌های سلول‌ها در حرکت هستند، و همه جسم سیال است مثل اینکه از شن ساخته شده باشد. جسم بشری درست به این شکل زیر یک میکروسکوپ دیده می‌شود، و آن کاملاً با آنچه که به وسیله چشم‌های برهنه ما دیده می‌شود متفاوت است. به این جهت است که این دو جفت چشم انسان می‌تواند تأثیر کاذب برای شما بوجود بیاورد و مانع دیدن شما از این چیزها شود. وقتی چشم سوم^{۲۹} شخصی باز است، می‌تواند اشیاء را بوسیله بزرگ‌تر کردنشان ببیند؛ آن در حقیقت قدرت بصیرت یک انسان است که در حال حاضر توانایی‌های فوق طبیعی نامگذاری شده است. اگر بخواهید توانایی‌های فوق طبیعی را رشد بدهید، بایستی به سرچشمه و حقیقت خود بوسیله تزکیه کردن بازگردید.

اجازه بدهید درباره تقوا صحبت کنیم. آنها چه رابطه بخصوصی دارند؟ ما آن را از روی جزئیات تجزیه و تحلیل خواهیم کرد. به عنوان یک انسان، ما دارای یک جسم در بعدهای متعددی هستیم. بیشترین عناصر تشکیل دهنده در جسم انسان تا آنجا که ما امروز آن را بررسی می‌کنیم سلول‌ها هستند، که جسم فیزیکی انسان را می‌سازند. اگر بتوانید به فضای بین سلول‌ها و مولکول‌ها یا فضای بین مولکول‌ها وارد شوید، می‌توانید بودن در بعدهای دیگر را تجربه کنید. شکل موجود جسم به چه چیز شباهت دارد؟ البته، شما نمی‌توانید از ادراک کنونی این بعد برای درک آن استفاده کنید و جسم شما باید با شرایط شکل موجود در آن بعد روبرو گردد. جسم در بعدهای دیگر می‌تواند برای بودن در آن بزرگ و کوچک شود. در همان زمان، آن را همچنین بعدی بیکران خواهید یافت. این اشاره به شکل ساده‌ای از بعدهای دیگر می‌کند که همزمان در یک مکان وجود دارند. هر کس یک جسم بخصوص در چندین بعد دیگر دارد. در یک بعد مخصوص یک نوع میدان دور جسم انسان وجود دارد. آن چه نوع میدانی است؟ این میدان تقوا است که ما آن را ذکر کرده‌ایم. تقوا ماده‌ای سفید رنگ است و معنوی یا عقیدتی چنانچه در گذشته معتقد بودیم نیست - و مطلقاً وجودی مادی دارد. بدین ترتیب در گذشته، مسن‌ترها درباره جمع کردن تقوا و یا از دست دادن آن صحبت می‌کردند، و آنچه که آنها می‌گفتند کاملاً صحیح بود. تقوا یک میدان دور جسم فرد شکل می‌دهد. در گذشته، در مدرسه تائو گفته می‌شد که یک استاد شاگرد خود را انتخاب می‌کرد به جای اینکه شاگرد یک استاد را انتخاب کند. منظور از این چیست؟ یک استاد می‌خواست جسم مرید را که آیا او حامل مقدار زیادی تقوا بود یا نه امتحان کند. اگر این مرید دارای تقوای بسیاری بود، عمل تزکیه می‌توانست برای او آسان باشد. وگرنه، نمی‌توانست تزکیه را به راحتی بگذراند، و برای او مشکل بود که گونگ را به سوی سطوح بالاتر رشد بدهد.

همزمان، یک نوع ماده سیاه وجود دارد که ما آن را کارما (karma) می‌نامیم و در بودیسم آن را «کارمای گناهکار» می‌نامند. این ماده سفید و سیاه همزمان با هم وجود دارند. چه نوع ارتباطی بین این دو ماده وجود دارد؟ ماده تقوا بعد از اینکه ما سختی‌ها را تحمل کردیم، رنج‌های متعددی کشیدیم یا اینکه کارهای خوبی را انجام دادیم دریافت می‌گردد. اما ماده سیاه وقتی دریافت می‌شود که انسان‌ها اعمال بد انجام می‌دهند، یا کارهای غلط می‌کنند و به دیگران آزار می‌رسانند. امروزه، بعضی اشخاص نه تنها فقط در پی نفع خود هستند، بلکه همه نوع گناه را مرتکب می‌شوند. آنها برای بدست آوردن پول هر نوع عمل بدی را انجام می‌دهند، و همچنین مرتکب قتل می‌شوند، به کسی پول می‌دهند که آدم بکشد، هم جنس‌بازی را تمرین می‌کنند، و مواد مخدر مصرف می‌کنند. آنها همه نوع کاری را انجام می‌دهند. وقتی شخصی کاری نادرست می‌کند تقوایش را از دست می‌دهد. چگونه یک شخص تقوا را از دست می‌دهد؟ وقتی کسی به دیگری ناسزا می‌گوید، احساس می‌کند که از او انتقام گرفته است و او را مورد استفاده قرار داده است و احساس خوبی دارد. یک اصل در این عالم وجود دارد «اگر باختی نباشد، بردی نیست.» برای بدست آوردن، فرد مجبور است از دست بدهد. اگر چه نمی‌خواهید از دست بدهید، اما مجبورید که از دست بدهید. چه کسی چنان نقشی را بازی می‌کند؟ آن دقیقاً کیفیت عالم است که جذب این نقش شده است. از این جهت، این غیر ممکن است که فقط در آرزوی بدست آوردن چیزهایی باشید. چه چیزی بعداً اتفاق خواهد افتاد؟ زمانی

که فرد ناسزا می‌گوید یا دیگری را می‌رنجاند، تقوای خود را به دیگری پرتاب می‌کند. از آنجا که شخص دیگر طرف قضیه‌ای است که احساس ناخوشی دارد و صدمه خورده و چیزی را از دست داده است، بدین طریق برای او تمام این‌ها جبران می‌شود. در حالیکه اینجا یک شخص فحش می‌دهد، با ناسزا گفتنش، تکه‌ای از تقوا را از میدان بعد خودش به طرف دیگری می‌فرستد. هر چه بیشتر او به دیگری ناسزا می‌گوید، تقوای بیشتری را به او می‌دهد. زدن و آزار و اذیت دیگران نیز به همین شکل است. در حالی که شخص دیگران را مشت و لگد می‌زند، قسمتی از تقوای او با در نظر گرفتن اینکه به چه میزان بدی به دیگران کرده است از او جدا می‌شود. یک فرد عادی نمی‌تواند این اصل را در این سطح ببیند. با احساس سرافکندگی، نمی‌تواند آن را تحمل کند و فکر می‌کند، از آنجا که مرا کتک می‌زنی، باید عوضش را پس بدهم «بنگ»، با مشت جواب او را می‌دهد و مقداری تقوا به او بر می‌گرداند. نه چیزی را به دست آورده نه از دست داده است. او ممکن است فکر کند، «تو یک بار مرا زده‌ای، پس باید تو را دو بار بزنم. به هر حال، من احساس نمی‌کنم که انتقام گرفته‌ام.» او دوباره او را کتک خواهد زد، و تکه‌ای دیگر از تقوای او به دیگری پرتاب خواهد شد.

چرا برای این تقوا ارزش زیادی قایل شده‌اند؟ چه نوع رابطه‌ای در دگرگونی تقوا وجود دارد؟ مذاهب اظهار می‌کنند: «با تقوا، شخص چیزی را که در این زندگی ندارد در زندگی بعدی کسب خواهد کرد.» چه نفعی عاید شخص می‌گردد؟ با تقوای بسیار، احتمالاً شخص صاحب یک مقام رسمی دولتی شده یا ثروت زیادی بدست خواهد آورد. شخص هر چه که بخواهد می‌تواند بدست آورد، تمام این‌ها در مقابل چنین تقوایی مبادله می‌شود. مذاهب نیز ذکر کرده‌اند که اگر شخصی تقوایی نداشته باشد هر دوی جسم و روح او کاملاً از بین خواهند رفت. روح نخستین او از بین خواهد رفت، و بعد از مرگ شخص کاملاً می‌میرد و چیزی باقی نمی‌ماند. در جامعه تزکیه‌کنندگان ما، به هر حال، معتقدیم که تقوا می‌تواند مستقیماً تبدیل به گونگ شود.

ما می‌خواهیم توضیح بدهیم که چگونه تقوا به گونگ تبدیل می‌شود. در جامعه تزکیه‌کنندگان ضرب المثلی است که می‌گویند: «تزکیه بستگی به خود فرد دارد، در حالی که گونگ به استاد شخص مربوط است.» هنوز بعضی افراد درباره اینکه کوره جسمی را بر پا کنند و تنور را برای درست کردن (dan)³⁰ با مصرف داروهای (herbs) بکار برند³¹ و فعالیت فکری داشته باشند فکر می‌کنند، و آن‌ها این چیزها را بسیار مهم تلقی می‌کنند. اجازه بدهید به شما بگوییم که آنها اصلاً مهم نیستند، اگر بیش از اندازه به آنها فکر کنید، یک وابستگی خواهد بود. آیا شما با فکر کردن بیش از حد درباره آن در طلب یک وابستگی نیستید؟ تزکیه بستگی به تلاش خود فرد دارد، در حالی که گونگ به استاد شخص مربوط است. این به اندازه کافی خوب است اگر این آرزو را دارید. این استاد است که در واقع این کار را انجام می‌دهد، در حالیکه شما بسادگی نمی‌توانید از پس این کار برآیید. شما چگونه می‌توانید یک جسم عادی بشری، مانند جسم خودتان را به بدن موجود والایی که از ماده انرژی بالایی ساخته شده است تبدیل کنید؟ این کاملاً غیر ممکن است و مثل یک شوخی به نظر می‌آید. روند تبدیل جسم بشری در بعدی دیگر بسیار پیچیده و اسرارآمیز است. شما اصلاً قادر به انجام چنین کاری نیستید.

استاد چه چیزی به شما می‌دهد؟ او به شما مکانیزم گونگ را می‌دهد که گونگ شما را رشد می‌دهد. از آنجا که تقوا در خارج از بدن انسان وجود دارد، گونگ واقعی او از این تقوا ساخته می‌شود. هر دو ارتقاء سطح شخص و قدرت توان انرژی او از تقوا بوجود آمده است. استاد تقوای شما را به گونگ تبدیل می‌کند که به صورت مارپیچ به طرف بالا رشد می‌کند. گونگ که بطور واقعی سطح یک شخص را مشخص می‌کند در خارج از جسم او به شکل مارپیچی رشد کرده، و بعد از آنکه به بالای سر می‌رسد یک ستون گونگ را تشکیل می‌دهد. فقط با یک نظر به ارتفاع ستون گونگ این شخص، می‌توان سطح گونگ بدست آمده او را تشخیص داد. این سطح و مقام باروی (Fruit status) شخص است که در بودیسم به آن اشاره شده است. در حال نشستن در مدیتیشن، روح نخستین بعضی افراد می‌توانند جسمشان را ترک کنند و به یک سطح بخصوصی

۳۰ - dan (dahn) -- انرژی ذخیره شده در بدن تزکیه کننده، گردآوری شده از بعدها دیگر.

۳۱ - "Setting up a bodily crucible and furnace to make dan using gathered medicinal herbs" - استعاره تائوئیستی برای

کیمیای داخلی.

برسند. حتی اگر او سعی هم نکند، روح او نمی‌تواند بیشتر از آن صعود کند، و جرأت بالا رفتن را ندارد. او از طریق نشستن بر روی ستون گونگ خود می‌تواند به بالا صعود کند، و آن فقط می‌تواند به آن سطح برسد. زیرا ستون گونگ او به همان اندازه ارتفاع دارد، نمی‌تواند بیشتر از آن به بالا صعود کند. این منظور بودئیسیم درباره مقام باروری است.

همچنین معیاری برای اندازه‌گیری سطح شین‌شینگ وجود دارد. این معیار و ستون گونگ در یک بعد نیستند، ولی آنها همزمان وجود دارند. تزکیه شین‌شینگ شما در حال حاضر ترقی کرده است اگر، بطور مثال در میان مردم عادی، وقتی کسی به شما ناسزا می‌گوید، یک کلمه بروز ندهید به جز اینکه در قلبتان احساس کنید آرام هستید؛ کلمه‌ای از شما گفته نشود وقتی که کسی با مشت به شما می‌زند و با لبخند از آن بگذرید. سطح شین‌شینگ شما در حال حاضر بسیار بالا است. بنابراین به عنوان یک تمرین‌کننده، چه چیزی را کسب کرده‌اید؟ آیا گونگ را بدست نخواهید آورد؟ وقتی که شین‌شینگ شما ترقی کرده است، گونگ شما رشد خواهد نمود. سطح گونگ فرد به بلندی سطح شین‌شینگ او است، و این حقیقت مطلق است. در گذشته، مردم چه در پارک چی گونگ را تمرین می‌کردند چه در خانه، آن را با سعی و از خود گذشتگی بیشتری انجام می‌دادند، و تقریباً آن را خوب تمرین می‌کردند. وقتی که پایشان را از در بیرون می‌گذاشتند، به شکل دیگری عمل می‌کردند و راه خودشان را می‌رفتند، با دیگران برای بدست آوردن نفع شخصی و شهرت در میان مردم عادی جنگ و رقابت به راه می‌انداختند. چگونه آنها می‌توانستند انرژی تزکیه را رشد بدهند؟ آن اصلاً نمی‌توانست ترقی کند، و به همان دلیل نیز بیماری‌هایشان نمی‌توانست شفا یابد. چرا بعضی از افراد قادر نیستند بیماری‌هایشان را بعد از یک دوره طولانی تمرین درمان کنند؟ چی گونگ عمل تزکیه است و چیزی فوق طبیعی است، بطوریکه ژیمناستیک مردم عادی نیست. به منظور علاج بیماری و افزایش گونگ فرد بایستی به شین‌شینگ خود تمرکز کند.

بعضی افراد معتقدند با برپا کردن کوره‌هایی و جمع آوری گیاهان طبی قادر به ایجاد دان (dan) هستند و آنها فکر می‌کنند این دان (dan) همان گونگ است. این طور نیست. این دان (dan) فقط یک تکه از انرژی ذخیره شده است، و آن شامل تمام انرژی نیست. پس این دان (dan) چه می‌باشد؟ همانطور که همگی می‌دانیم ما چیزهای بسیار دیگری را هم برای تزکیه کردن در زندگی داریم، و اینکه جسم‌های ما نیروهای فوق طبیعی و خیلی قابلیت‌های دیگر را رشد خواهند داد؛ اکثریت آنها قفل می‌باشند و اجازه استفاده از آنها داده نمی‌شود. تعداد بسیار زیادی از توانایی‌های فوق طبیعی وجود دارند - بیشتر از ده‌ها هزار. به مجرد اینکه یکی از آنها رشد می‌کند، توانایی مسدود می‌گردد. چرا به آنها اجازه ظاهر شدن را نمی‌دهند؟ منظور این است که به شما اجازه استفاده از آنها داده نشود تا به راحتی بتوانید در جامعه مردم عادی کارهایی انجام دهید. شما مجاز نیستید به راحتی اجتماع مردم عادی را به هم بزنید، و نه حتی اجازه دارید به سادگی توانایی‌هایتان را در اجتماع به نمایش بگذارید. زیرا که آن می‌تواند وضعیت اجتماع مردم عادی را مختل کند. بسیاری از افراد بر طبق روشن‌بینی‌شان عمل تزکیه را انجام می‌دهند. اگر تمام توانایی‌هایتان را به آنها نشان بدهید، آنها خواهند دید که همه توانایی‌ها واقعی هستند و همگی عمل تزکیه را شروع خواهند کرد. افرادی که بطور غیر قابل بخششی پلید هستند نیز برای عمل تزکیه خواهند آمد، و این مجاز نیست. شما اجازه خودستایی به این صورت را ندارید. همچنین شما، به راحتی امکان انجام دادن کارهای نادرست را دارید زیرا که قادر نیستید روابط تقدیر و حقیقت طبیعی چیزها را ببینید. شاید فکر می‌کنید که عملی درست را انجام می‌دهید، اما آن می‌تواند عملی نادرست باشد. به همین جهت، شما اجازه نمایش دادن آنها را ندارید، زیرا وقتی یک بار مرتکب عملی نادرست شدید، سطح شما تنزل کرده و تزکیه شما به عبث کشیده خواهد شد. در نتیجه، بسیاری از توانایی‌های فوق طبیعی بسته می‌باشند. چه اتفاقی خواهد افتاد؟ با گذشت زمان شخص به مقام گونگ باز شده (kaigong) و روشن‌بینی خواهد رسید، این دان (dan) مثل یک بمب خواهد بود که منفجر می‌شود و تمام توانایی‌های فوق طبیعی را باز می‌کند، تمام آنهايي که در بدن بسته بودند، و صدها انرژی جریان پیدا می‌کنند. همه چیز با «بنگ» با یک تکان باز خواهند شد. این است کاربرد دان (dan). بعد از مرگ یک راهب او را می‌سوزانند و اغلب بقایایی (ساریرا) (sarira) از او باقی می‌ماند. بعضی افراد مدعی هستند که آنها استخوان‌ها و دندان‌ها می‌باشند. چرا مردم عادی (Sarira) را ندارند؟ آنها فقط دان (dan) منفجر شده هستند، و انرژی آنها آزاد شده است. آنها حاوی ماده حیاتی بسیاری از بعدهای دیگر هستند. بعد از همه اینها، آنها هنوز هم چیزی از ماده حیاتی

هستند، اما مصرف کمی دارند. در حال حاضر مردم با آنها به صورت مسئله ای بسیار با ارزش برخورد می کنند. آنها شامل انرژی اند، و شفاف و بسیار سخت می باشند. آنها فقط چنین چیزی هستند.

دلیل دیگری نیز برای شکست خوردن در رشد گونگ وجود دارد. یعنی، بدون آگاهی در مورد فا در سطوح بالا، فرد نمی تواند به درجات بالا تزکیه کند. این چه معنایی می دهد؟ همانطور که هم اکنون اشاره کردم، بعضی از افراد چندین نوع چی گونگ را تمرین کرده اند، بگذارید برایتان بگویم این اهمیتی ندارد که چه تعدادی از آنها را یاد می گیرید، باز هم بی نتیجه است. شما فقط یک شاگرد کلاس ابتدایی باقی خواهید ماند - یک شاگرد کلاس ابتدایی در عمل تزکیه. تمام آنها همگی اصولی در سطوح پایین هستند. چنان اصولی در سطحی پایین نمی توانند نقشی در راهنمایی عمل تزکیه شما به سوی سطوح بالاتر ایفا کنند. اگر کتاب های درسی کلاس ابتدایی را در دانشگاه مطالعه کنید، شاگرد کلاس ابتدایی باقی خواهید ماند. هر چقدر هم مطالعه بکنید، باز هم بی فایده است. در عوض، از همه بدتر خواهید بود. سطوح مختلف دارای فای مختلف اند، و فا وظایف راهنمایی مختلفی را در سطوح مختلف به عهده دارد. بنابراین، اصول در سطوح پایین نمی توانند راهنمای تزکیه شما به سوی سطوح بالاتر باشند. آنچه که ما بعداً صحبت خواهیم نمود همگی اصولی هستند برای عمل تزکیه در سطوح بالاتر. من در آموزش موضوعاتی را از سطوح مختلف ضمیمه می کنم. پس آنها همیشه نقش راهنمایی در عمل تزکیه آینده تان را خواهند داشت. چندین کتاب، نوار کاست، و ویدئو کاست دارم. بعد از یک بار نگاه کردن و گوش کردن به آنها خواهید فهمید، آنها هنوز هم راهنمای شما خواهند بود اگر بعد از مدتی دوباره به آنها گوش کنید و یا آنها را تماشا کنید. شما مرتباً خودتان را رشد خواهید داد، و آنها دائماً شما را راهنمایی خواهند کرد - این است فا. دو علت ذکر شده در بالا دلایلی هستند برای اینکه گونگ نتواند رشد کند. بدون آگاهی به فا در سطوح بالاتر، فرد نمی تواند عمل تزکیه را انجام بدهد. فرد بدون تزکیه درونی و شین شینگ خودش، نمی تواند گونگ را رشد بدهد. این ها آن دو دلیل هستند.

ویژگی های فالون دافا

فالون دافای ما یکی از هشتاد و چهار هزار مدرسه تزکیه در مدرسه بودا است. آن هرگز در این دوره تاریخ تمدن بشری علنی نشده است. به هر حال، به صورت گسترده ای برای نجات انسان ها یک بار در یک دوره زمانی ماقبل تاریخ همگانی شد. در پایان دوره هاوک آخرین^{۳۲}، دوباره آن را عمومی می کنم. به همین جهت، آن بیش از حد با ارزش است. چنان پروسه ای را توضیح داده ام که تقوا مستقیماً تبدیل به گونگ می گردد. گونگ در حقیقت از تمرین بدست نمی آید. آن از طریق تزکیه کسب می شود. بسیاری از مردم سعی می کنند که گونگ خودشان را رشد بدهند و فقط مراقب هستند که چگونه تمرین کنند، بدون اینکه توجهی به این داشته باشند که چگونه تزکیه کنند. در واقع، گونگ کاملاً از طریق تزکیه شین شینگ بدست می آید. پس چرا، ما تمرین ها را اینجا آموزش می دهیم؟ اجازه بدهید اول از همه توضیح بدهم که چرا یک راهب هیچ حرکتی را تمرین نمی کند. او اساساً در خلعه می نشیند، کتاب مقدس را می خواند، شین شینگ را تزکیه می کند، و گونگ او سپس رشد می کند. او گونگ را که سطح وی را ارتقاء می دهد رشد می دهد. از زمانی که ساکیومونی به مردم آموخت که همه متعلقات دنیا را رها کنند - از جمله جسم هایشان، به همین جهت تمرین های فیزیکی غیر ضروری شد. مدرسه تائو نجات را به همه موجودات عرضه نمی کند. انسان هایی که در مدرسه تائو با آنها مواجه می شویم مردمی گوناگون با خصوصیات اخلاقی متفاوت و سطوح مختلف نیستند، که بعضی از آنها خودخواه تر و بعضی کم تر خودخواهند. آنها مریدانشان را انتخاب می کنند. اگر سه مرید انتخاب شود، فقط یکی از آنها آموزش واقعی را دریافت می کند. باید مطمئن شد که این مرید تقوای بسیار زیادی دارد، خیلی خوب است، و مشکلی نخواهد داشت. به همین جهت تأکید به آموزش روش های تکنیکی برای تزکیه زندگی و تزکیه چیزی مثل توانایی های فوق طبیعی و مهارت ها و غیره می شود. این لازمه اش بعضی تمرینات فیزیکی است.

۳۲ - Last Havoc - در جامعه تزکیه کنندگان اعتقاد بر این است که عالم دوره تکاملی را دارا است (هاوک آغازین، هاوک میانی، هاوک آخرین)، و الان دوره نهایی پایان هاوک است.

فالون دافا هم یک روش تزکیه برای جسم و روح است، و آن مستلزم تمرین‌هایی است. از یک جهت، حرکات تمرین برای تقویت کردن توانایی‌های فوق طبیعی به کار می‌روند. «تقویت کردن» چیست؟ آن توانایی‌های فوق طبیعی شما را بوسیله قدرت نیرومند گونگ تقویت می‌کند، و آنها را به تدریج قوی‌تر و قوی‌تر می‌کند. از جهتی دیگر، بسیاری از موجودات زنده احتیاج به رشد در جسم شما دارند. در عمل تزکیه در سطحی بالا، در مدرسه تائو از تولد کودک جلودان (yuanying) صحبت می‌کند، در حالی که مدرسه بودا لازمه‌اش جسمی فناپذیر است. از این گذشته، بسیاری از توانایی‌های فوق طبیعی می‌بایستی رشد کنند. این موجودات احتیاج دارند که از طریق تمرین‌های فیزیکی رشد کنند، و آنها چیزهایی هستند که تمرینات ما تزکیه می‌کنند. یک عمل تزکیه کامل جسم و روح به هر دو تزکیه و تمرین احتیاج دارد. من فکر می‌کنم اکنون همگی شما فهمیده‌اید که چگونه گونگ ظاهر می‌شود. آن گونگی که بطور واقعی سطح شما را مشخص می‌کند از طریق تمرین بدست نمی‌آید، بلکه از طریق تزکیه حاصل می‌گردد. در طی روند تزکیه و از طریق بودن در میان مردم عادی است که شین شینگ شما رشد می‌کند و شما را به فطرت عالم جذب می‌کند؛ پس در نتیجه می‌توانید به درجات بالا صعود کنید. تقوای شما بعداً شروع به تبدیل شدن به گونگ می‌کند. از آنجا که استاندارد شین شینگ شما رشد می‌کند، گونگ شما نیز افزایش می‌یابد. این درست چنین رابطه‌ای است.

روش تزکیه ما یک روش تزکیه واقعی برای هر دو جسم و روح است. گونگی را که ما تزکیه می‌کنیم در هر یک از سلول‌های بدن ذخیره می‌شود، و گونگ ماده انرژی والا حتی در جوهر اصلی ذرات ماده در یک سطح فوق العاده میکروسکوپی ذخیره است. از آنجائیکه قدرت گونگ شما بیشتر و بیشتر می‌شود، تراکم و قدرت گونگ نیز افزایش می‌یابد. چنان ماده انرژی والایی صاحب شعور است. از آنجا که آن در هر سلول جسم بشر و در تمام مسیر تا سرچشمه حیات ذخیره شده است، به تدریج همان شکلی را که سلول‌های جسم شما هستند بخود می‌گیرد، همان ترکیب ملکولی و شکل هسته اتمی را حفظ می‌کند. اما یک تغییر اساسی رخ داده است، زیرا این جسم به هر حال دیگر جسمی متشکل از سلول‌های گوشتی اولیه نیست. آیا شما در ورای عناصر پنجگانه نیستید؟ البته، عمل تزکیه شما هنوز تمام نشده است، و هنوز هم احتیاج دارید بین مردم عادی تزکیه کنید. به همین جهت در ظاهر شبیه یک فرد عادی هستید. تنها فرقی که دارید این است که در مقایسه با افراد هم سن خود جوان‌تر به نظر می‌آیید. مطمئناً، اول از همه بایستی چیزهای بد در بدن شما، به علاوه بیماری‌ها، دور شوند، اما ما بیماری‌ها را اینجا معالجه نمی‌کنیم. ما بدن شما را پاک می‌کنیم، اما واژه «معالجه بیماران» را استفاده نمی‌کنیم، بلکه آن را فقط «پالایش جسم» می‌نامیم، ما بدن تمرین‌کنندگان واقعی را پاک می‌کنیم. بعضی افراد اینجا می‌آیند فقط به خاطر اینکه بیماری‌شان معالجه گردد. وقتی که مسئله بیماران بسیار جدی مطرح است، به آنها اجازه شرکت در این دوره‌ها را نمی‌دهیم، زیرا که آنها نمی‌توانند فکر معالجه بیماری‌هایشان را که یک نوع وابستگی است رها کنند. اگر کسی بیماری جدی‌ای دارد و احساسی بسیار نامطمئن، آیا می‌تواند آنها را رها کند؟ این شخص قادر به عمل تزکیه نیست. ما بارها تأکید کرده‌ایم که نمی‌توانیم اجازه دهیم آنهایی را که بیماری‌های جدی دارند به اینجا بیایند. اینجا عمل تزکیه کردن است، که بسیار فراتر از آن است که آنها درباره‌اش فکر کرده‌اند. آنها می‌توانند استادان چی گونگ دیگری را برای انجام آن کارها پیدا کنند. البته، تعدادی از تمرین‌کنندگان بیماری‌هایی دارند. از آنجا که تمرین‌کنندگانی واقعی هستند، ما این کارها را برای آنها انجام خواهیم داد.

شاگردان فالون دافای ما بعد از مدتی تزکیه تغییر زیادی در صورت ظاهریشان خواهند یافت، پوست آنها نرم و مایل به سفید - قرمز خواهد شد. برای مسن‌ترها، چروک صورت کمتر شده و حتی بسیار کمتر خواهد شد، که آن پدیده‌ای عادی است. من غلو نمی‌کنم، چنان که خیلی از شاگردان قدیمی که اینجا حضور دارند با این وضعیت آشنا هستند. به علاوه، زنان مسن‌تر عادت ماهانه‌شان را باز خواهند یافت، زیرا یک عمل تزکیه روح و جسم لازمه‌اش داشتن عادت ماهانه برای تزکیه جسم است. عادت ماهانه فرد بر می‌گردد، ولی جریان آن زیاد نخواهد بود. درحال حاضر، کمی از آن برای کار برد آن کافی است. این نیز یک پدیده‌ای عادی است. به هر حال، چگونه آنها می‌توانند جسمشان را بدون آن تزکیه کنند؟ برای مردها هم

همین‌طور است: جوان‌ها و مسن‌ها احساس خواهند کرد که تمام جسمشان سبک است. بعنوان تمرین‌کنندگان واقعی، این تغییرات را تجربه خواهند کرد.

این روش تزکیه^{۳۳} ما چیزهای بسیار بزرگ را تزکیه می‌کند، که متفاوت با خیلی از روش‌هایی که در تمرین‌هایشان از حیوانات تقلید می‌کنند است. این روش کاملاً چیزی بسیار فوق‌العاده را تزکیه می‌کند. تمام اصولی که ساکیومونی و لاو‌زی (Lao zi)^{۳۳} در زمان خودشان بحث کردند همگی محدود به اصولی در کهکشان راه شیری ما می‌شد. چه چیزی را فالون دافای ما تزکیه می‌کند؟ عمل تزکیه ما پایه‌اش بر اساس اصول تکامل عالم گذاشته شده است، و آن بر طبق استاندارد بالاترین کیفیت عالم حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) هدایت می‌شود. ما چنین موضوع بزرگی را تزکیه می‌کنیم که معادل تزکیه کردن عالم است.

فالون دافای ما یک نشان کامل ویژه بی‌نظیر و بسیار برجسته دیگری دارد که کاملاً با انواع روش‌های دیگر متفاوت است. در حال حاضر، تمام روش‌های چی‌گونگ متداول در جامعه راه تزکیه دان (dan) یا تمرین دان (dan) را دنبال می‌کنند. در روش‌های چی‌گونگ که dan را تزکیه می‌کنند، باز کردن گونگ و نایل شدن به روشن‌بینی در میان مردم عادی برای شخص بسیار مشکل است. فالون دافای ما دان (dan) را تزکیه نمی‌کند. روش ما یک فالون را در زیر شکم تزکیه می‌کند. من در طی دوره‌ها شخصاً فالون را برای شاگردان کار می‌گذارم. درحالی که فالون دافا را آموزش می‌دهم، فالون را بطور متداولی در جسم همه نصب می‌کنیم. بعضی از افراد آن را می‌توانند احساس کنند در حالی که دیگران نمی‌توانند؛ اکثریت مردم آن را می‌توانند احساس کنند. این بدین خاطر است که مردم شرایط فیزیکی گوناگونی دارند. ما فالون را به جای دان (dan) تزکیه می‌کنیم. فالون مینیاتوری از عالم است که تمام قابلیت‌های جهان را داراست، و بطور اتوماتیک می‌تواند عمل کند و بچرخد. آن تا ابد در قسمت زیرین شکم شما دوران خواهد داشت. همین که فالون در جسم شما جای گرفت، سالیان سال بدون توقف به این شکل تا ابد خواهد چرخید. وقتی که به طرف موافق عقربه ساعت می‌چرخد، می‌تواند بطور اتوماتیک انرژی کیهان را جذب کند. علاوه بر این، فالون خودش می‌تواند انرژی را تغییر بدهد و برای تغییر هر قسمت از جسم شما انرژی لازمه را در دسترس قرار دهد. همچنین وقتی که بر عکس عقربه‌های ساعت می‌چرخد انرژی را به خارج می‌فرستد و عناصر نامطلوبی را که در اطراف بدن شما پراکنده هستند آزاد می‌کند. وقتی که انرژی را به خارج می‌فرستد، انرژی می‌تواند در مسافت بسیار طولانی آزاد شود، و سپس می‌تواند دوباره انرژی جدید را به داخل بیاورد. انرژی خارج شده می‌تواند برای تمام مردم اطراف شما مفید باشد. مدرسه بودا نجات خود و نجات همه موجودات را آموزش می‌دهد. شخص نه تنها خودش را تزکیه می‌کند، بلکه همچنین نجات را به همه موجودات زنده عرضه می‌کند. دیگران به خوبی می‌توانند از آن نفع ببرند، و شما هم می‌توانید بدون درنگ بدن‌های مردم دیگر را پاک کنید، بیماری‌هایشان را شفا بدهید و غیره. البته، انرژی از دست نمی‌رود. وقتی فالون به طرف عقربه‌های ساعت می‌چرخد، می‌تواند انرژی را در داخل آن ذخیره کند زیرا که فالون تا ابد در گردش است.

بعضی افراد شاید تعجب کنند، «چرا این فالون بطور پیوسته می‌چرخد؟» همچنین کسانی هستند که از من سؤال می‌کنند، «چرا آن می‌تواند بچرخد؟ دلیل آن چیست؟» این فهم آسان است که دان (dan) وقتی که انرژی را ذخیره می‌کند می‌تواند فرم بگیرد، اما این که فالون می‌چرخد غیر قابل تصور است. اجازه بدهید برایتان مثالی بزنم. عالم در حرکت است، و تمام راه‌های شیری در عالم و کهکشان‌ها نیز در حرکت‌اند. نه سیاره دور خورشید می‌چرخند، و زمین هم به دور خودش می‌چرخد. همگی درباره‌اش فکر کنید: چه کسی آنها را هل می‌دهد؟ چه کسی به آنها نیرو داده است؟ شما نمی‌توانید آن را با ادراکی انسانی دریابید، چون که آن مثل این مکانیزم چرخیدن است. به همین شکل در مورد فالون ما هم صدق می‌کند، زیرا که آن فقط می‌چرخد. با طولانی شدن زمان تمرین، مشکل عمل تزکیه را در ضمن شرایط عادی زندگی برای مردم عادی حل کرده است. آن چگونه افزایش یافته است؟ از آنجا که بطور پیوسته می‌چرخد، انرژی را دائماً از عالم جذب و دگرگون

۳۳ - Lao zi (Laow - dzz) - بنیان‌گذار مدرسه تائو و مؤلف Dao De Jing (Tao Te Ching) که در چین در قرن ۴ یا ۵ زندگی کرده و تعلیم می‌داد.

می‌کند. وقتی به سر کار می‌روید، شما را تزکیه می‌کند، البته، به علاوه فالون، ما بسیاری از سیستم‌ها و مکانیسم‌های انرژی را هم در جسم شما جای خواهیم داد که می‌توانند به همراه فالون، بطور اتوماتیک برای شما بچرخند و انرژی را دگرگون کنند. به همین جهت، این گونگ بطور اتوماتیک انسان را دگرگون می‌کند. بنابراین یک نوع، «گونگ تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند» که همچنین نامیده می‌شود به «فا تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند»، شکل می‌گیرد. زمانی که تمرین نمی‌کنید گونگ شما را تزکیه می‌کند، درست مثل وقتی که تمرین می‌کنید شما را تزکیه می‌کند. موقع غذا خوردن، خوابیدن، یا کار کردن، همیشه بوسیله گونگ در حال دگرگونی هستید. پس برای چه تمرین می‌کنید؟ شما تمرین می‌کنید که فالون را قوی کنید و تمام این مکانیزم‌ها و سیستم‌های انرژی را که تدارک دیده‌ام تقویت کنید. وقتی که شخص در سطوح بالاتر تزکیه می‌کند، آن باید کاملاً در موقعیت بدون قصد و ووی (wuwei)^{۳۴} قرار بگیرد، و تمرین‌های حرکتی هم مکانیزم را دنبال می‌کنند. هیچ هدایت فکری وجود ندارد، و احتیاجی به استفاده از روش‌های تنفسی و غیره نیست.

ما بدون اینکه توجه‌ای به زمان و مکان داشته باشیم تمرین می‌کنیم. بعضی افراد سؤال کرده اند، «چه زمانی برای تمرین کردن بهتر است؟ نصف شب، غروب، یا ظهر؟» ما هیچ شرایطی برای زمان تمرین نداریم. وقتی که شما در نیمه شب تمرین نمی‌کنید، گونگ شما را تزکیه می‌کند. وقتی که در غروب تمرین نمی‌کنید، گونگ همچنین شما را تزکیه می‌کند. وقتی که در خواب هستید، گونگ به خوبی شما را تزکیه می‌کند. وقتی در حال قدم زدن هستید، گونگ هنوز هم شما را تزکیه می‌کند. گونگ وقتی سر کار هستید نیز شما را تزکیه می‌کند. آیا آن بطور قابل ملاحظه‌ای زمان تمرین شما را کاهش نمی‌دهد؟ بسیاری از شما از صمیم قلب می‌خواهید که تائو را کسب کنید، که البته، آن هدف برای ما تزکیه کردن است. هدف نهایی از عمل تزکیه کسب تائو و رسیدن به کمال در تزکیه است. اما برای بعضی افراد وقتی که باقی است تقریباً محدود است. سال‌های زندگی آنها قابل شمارش است و شاید برای تزکیه کردن کافی نباشد. فالون دافای ما می‌تواند این مشکل را حل کند و دوره تمرین را کوتاه کند. ضمن اینکه، آن همچنین یک روش تزکیه برای جسم و روح است. وقتی که شما بطور پیوسته تزکیه می‌کنید، دائماً زندگی‌تان را طولانی می‌کنید. با تمرین پیوسته، زندگی شما بطور پیوسته طولانی‌تر خواهد شد. مردم مسنی که کیفیت مادرزادی خوبی دارند به اندازه کافی برای تزکیه کردن وقت خواهند داشت. به هر حال، ضابطه‌ای وجود دارد، که زندگی طولانی شده فراسوی زمان تقدیری شما برای زندگی کردن بطور کامل برای تزکیه شما ذخیره شده است. اگر فکر شما کوچک‌ترین خطایی کند، زندگی شما می‌بایستی به خاطر اینکه برای مدت‌ها پیش از بین می‌رفت در خطر خواهد بود. شما چنین محدودیت‌هایی خواهید داشت تا در تزکیه به مرحله فراسوی فای سه گانه دنیوی برسید. بعد از آن، وضعیت دیگری حاکم خواهد بود.

ما شرایطی جهت مسیر معینی برای تمرین کردن قایل نیستیم و شرایطی قطعی برای چگونگی پایان تمرین نداریم. زیرا که فالون پیوسته در چرخش است، و نمی‌تواند متوقف شود. اگر تلفن زنگ بزند یا کسی در خانه را بزند، می‌توانید همان موقع رفته و کارهایتان را انجام دهید بدون اینکه احتیاجی باشد که تمرین را قطع کنید. وقتی که انجام کاری را متوقف می‌کنید، فالون بی‌درنگ به طرف موافق عقربه‌های ساعت خواهد چرخید و انرژی ساطع شده را از اطراف جسم شما برخواهد گرداند. برای کسانی که با قصد چی qi را نگه می‌دارند و توی سرشان را پر می‌کنند، آن با وجود این، بدون توجه به اینکه چگونه آن را نگه داشته‌اید از دست خواهد رفت. فالون موجودی است باهوش، و خودش می‌داند که این کارها را انجام بدهد. ما حتی تقاضایی برای جهت تمرین نداریم، زیرا تمام عالم در حرکت است. راه شیرینی در حرکت است، و نه سیاره دور خورشید در دوران هستند. زمین نیز به دور خودش می‌چرخد. ما بر طبق این اساس عظیم عالم تمرین می‌کنیم. کجا است شمال، جنوب، شرق یا غرب؟ هیچ جا. تمرین کردن به هر جهتی همان تمرین کردن به تمام جهات است، و تمرین کردن به هر جهتی درست مثل این است که به طور همزمان به طرف شرق، جنوب، غرب و شمال تمرین کنیم. فالون دافای ما شاگردان را از رفتن به گمراهی حمایت می‌کند. آن چگونه شما را حمایت می‌کند؟ اگر یک تمرین‌کننده واقعی باشید، فالون ما

۳۴ - Wuwei (Woo -Way) - «بدون قصد»، «بیحرکتی»، «قصد نداشتن».

از شما حفاظت خواهد نمود. ریشه من در عالم است. اگر کسی بتواند به شما آزار برساند، او قادر خواهد بود به من آزار برساند. به عبارتی ساده، آن شخص می‌تواند به این عالم صدمه بزند. آنچه را که گفته‌ام ممکن است کاملاً باور نکردنی به نظر بیاید. شما آن را بعداً با مطالعه بیشتر خواهید فهمید. مسایل دیگری نیز وجود دارند که بیش از حد بالا هستند که من بتوانم آنها را به شما بشناسانم. ما می‌خواهیم بطور مرتب از فادر سطوح بالاتر صحبت کنیم، از ساده‌ترین آنها تا عمیق‌ترینشان. اگر شین شینگ شما درست نباشد این عملی نخواهد بود. اگر در طلب چیزی هستید، ممکن است دچار مشکل گردید. من پی برده‌ام که فالون بسیاری از شاگردان با تجربه از شکل افتاده است. چرا؟ شما چیزهای دیگر را با تمرین خودتان مخلوط نموده‌اید، و چیزهای دیگران را پذیرفته‌اید. پس، چرا فالون شما را حفاظت نمی‌کند؟ اگر آن به شما داده شده است مال شما است، و بوسیله فکر شما کنترل می‌شود. یک اصل در این عالم است که هیچ کس نمی‌تواند مانع خواست شما شود. اگر نمی‌خواهید عمل تزکیه را انجام دهید، هیچ کس نمی‌تواند شما را مجبور کند - این درست مثل این است که کاری نادرست را انجام داده باشید. چه کسی می‌تواند شما را مجبور کند که قلبتان را عوض کنید؟ شما باید با خودتان منضبط باشید. بدست گرفتن بهترین‌های هر مدرسه مثل این است که از هر کسی چیزهایی را قبول کنید. اگر شما یک روش چی‌گونگ را برای شفای بیماری‌هایتان امروز تمرین کنید و فردا دیگری را، آیا بیماری‌هایتان شفا پیدا می‌کنند؟ نه. شما فقط می‌توانید آن را به تعویق بیندازید. عمل تزکیه در سطوح بالاتر لازمه‌اش این است که فرد به یک مدرسه تمرکز کند و در آن باقی بماند. اگر روشی را دنبال می‌کنید، شما بایستی قلبتان را به آن بدهید تا اینکه در آن مدرسه روشن‌بین گردید. فقط بعد از آن می‌توانید در مدرسه‌ای دیگر عمل تزکیه را انجام دهید، و روش دیگری خواهد بود. زیرا که یک سیستم واقعی آموزش از یک زمان بسیار دور گذشته است، و یک پروسه کاملاً پیچیده‌ای از دگرگونی را گذرانده است. بعضی افراد بر طبق احساس‌شان روشی را تمرین می‌کنند. احساس شما به چه درد می‌خورد؟ آن چیزی نیست. پروسه حقیقی دگرگونی در بعدهای دیگر رخ می‌دهد و بسیار پیچیده و اسرارآمیز است. یک اشتباه کوچک نمی‌تواند در آنجا مجاز باشد. درست مثل یک دستگاه وقت‌شناسی است که اگر یک جزء ناشناس را به آن اضافه کنید بلافاصله از کار می‌افتد. جسم شما در هر بعدی تغییر می‌کند. این بسیار اسرارآمیز و غیر قابل تصور است و کوچک‌ترین اشتباهی حتی نمی‌تواند به وقوع بپیوندد. هم‌اکنون برایتان گفته‌ام که تزکیه شخص بستگی به تلاش خودش دارد، در حالیکه گونگ به استاد شخص مربوط است. اگر بر حسب اتفاق چیزهای مردم دیگر را گرفته و به تزکیه‌تان اضافه کنید، پیغام‌های خارجی با مسائل این مدرسه تزکیه مداخله خواهند کرد، و شما به بیراهه کشیده خواهید شد. بعلاوه، این در جامعه مردم عادی منعکس خواهد شد و با خودش مشکلات مردم عادی را به همراه خواهد آورد. این بوسیله تمناهای شما بوجود آمده است، و دیگران نمی‌توانند مداخله کنند این مسئله‌ای از کیفیت روشن بینی شما است. در نتیجه، آنچه را که اضافه نموده‌اید گونگ شما را آشفته خواهد کرد، و دیگر نمی‌توانید بیش از این تزکیه کنید. این مشکل اتفاق خواهد افتاد. من به همه شما نمی‌گویم که همه مجبورند فالون دافا را مطالعه کنند. اگر فالون دافا را مطالعه نمی‌کنید و آموزش واقعی را از روش‌های دیگر چی‌گونگ دریافت کرده‌اید، من به آن رضایت خواهم داد. به هر حال، بگذارید برایتان بگویم، برای تزکیه واقعی به سوی سطوح بالاتر شخص باید در یک روش تزکیه سازگار باشد. یک مسئله وجود دارد که می‌بایستی آن را به شما گوشزد کنم: در حال حاضر، هیچکس مثل من وجود ندارد که به مردم به طور حقیقی روشی واقعی را بسوی سطوح بالا تعلیم دهد. در آینده به آنچه که برایتان انجام داده‌ام پی خواهید برد. بنابراین، امیدوارم که کیفیت روشن‌بینی کمی نداشته باشید. مردم زیادی هستند که می‌خواهند به سوی سطوح بالاتر تزکیه کنند. در حال حاضر این در اختیار شما گذاشته شده است، و شما ممکن است هنوز هم از آن آگاه نباشید. شما همه جا در جستجوی یک معلم بوده‌اید و پول زیادی خرج کرده‌اید، هنوز هم کسی را پیدا نکرده‌اید. امروز، این دم در خانه‌تان به شما تقدیم شده است، و شاید به آن پی نبرده‌اید! این مسئله‌ای است که آیا شما می‌توانید در آن روشن‌بین شوید یا اینکه می‌توان شما را نجات داد یا نه.

سخنرانی دوم

موضوع چشم سوم

بسیاری از استادان چی گونگ تا حالا درباره چشم سوم صحبت‌هایی کرده‌اند. در هر صورت، فا تجلی‌های مختلفی در سطوح مختلف دارد. تمرین‌کننده‌ای که تزکیه‌اش به سطح بخصوصی رسیده است فقط می‌تواند تجلی‌ها را در آن سطح ببیند. او قادر نیست حقیقت ورای آن سطح را دریابد، و به آن باور هم نمی‌آورد. به همین جهت هر چه را که او در سطح خودش مشاهده می‌کند عین حقیقت می‌داند. قبل از آنکه تزکیه او به سطح بالاتری برسد، اعتقاد ندارد که آن چیزها موجودیت دارند یا باورکردنی هستند؛ این به وسیله سطح او قطعی شده است، و افکار او نمی‌تواند به سطح بالاتری صعود کند. به عبارتی دیگر، درباره موضوع چشم سوم، بعضی افراد درباره آن به این طریق و بعضی دیگر به طریقی دیگر سخن می‌گویند. نتیجتاً، آنرا مغشوش کرده‌اند، و هیچکس در نهایت نمی‌تواند به روشنی آنرا توضیح دهد. در حقیقت چشم سوم، موضوعی نیست که بتوان در سطح پایین برای آن توضیحی آشکار داد. زیرا ساختار چشم سوم در گذشته به اسرار اسرارها تعلق داشت، و مردم عادی اجازه آشنایی با آن را نداشتند. از این رو هیچکس در طول تاریخ صحبتی درباره آن ننموده است. ولی ما اینجا برای این نیستیم که درباره تئوریهای قدیمی بحث کنیم. ما علم جدید و ساده‌ترین زبان مدرن را برای توضیح دادن درباره آن بکار می‌بریم، و درباره موضوعات پایه‌ای آن صحبت‌هایی خواهیم نمود.

چشم سوم که مد نظر ما است در حقیقت، در بالا و در وسط ابروها قرار گرفته و با غده صنوبری رابطه دارد. این کانال اصلی است. در بدن انسان چشمهای اضافی بسیاری وجود دارند. مدرسه تائو معتقد است که هر منفذ یک چشم است. مدرسه تائو نقاط طب سوزنی در بدن را یک «منفذ» می‌نامد در حالیکه طب چینی آن را یک نقطه طب سوزنی می‌نامد. مدرسه بودا معتقد است که هر منفذ عرق یک چشم است. به همین جهت، بعضی افراد می‌توانند با گوشه‌هایشان بخوانند، و بعضی‌ها می‌توانند از پشت سرشان یا با دست‌هایشان ببینند؛ با این همه دیگران می‌توانند با پاها یا شکمشان ببینند. تمام اینها امکان‌پذیر است.

درباره موضوع چشم سوم، اول از همه درباره این جفت چشمهای گوشتی انسان صحبت خواهیم کرد. امروزه، بعضی افراد معتقدند که با این چشمان گوشتی می‌توان تمام ماده یا هر موضوعی در این دنیا را دید. به همین جهت عده‌ای روش فکری لجوجانه‌ای را رشد داده‌اند که فقط آنچه شخص می‌تواند با چشمان خودش ببیند حقیقی و عینی است. آنها به آنچه که نمی‌توانند ببینند اعتقادی ندارند. در گذشته، به چنین افرادی کیفیت روشن بینی کمی نسبت داده می‌شد، اگر چه بعضی نمی‌توانستند توضیح روشنی داشته باشند که چرا این افراد از کیفیت روشن بینی کمی برخوردارند. ندیدن، باور نکردن است. این می‌تواند کاملاً منطقی به نظر آید. ولی از دیدگاه سطح کمی بالاتر، منطقی نیست. هر زمان و مکانی از ماده ساخته شده است. البته، زمان و مکان‌های مختلف ساختارهای فیزیکی مختلفی دارند و شکل‌های تجلی گوناگونی از زندگی‌های مختلف را دارا هستند.

مثالی می‌زنم. در مکتب بودا، گفته شده است که هر پدیده‌ای در جامعه بشری یک توهم است و غیر واقعی. چگونه آنها توهم هستند؟ اشیاء فیزیکی واقعی و ملموس در اینجا جا گذاشته شده‌اند، پس چه کسی ادعا می‌کند که آنها غیر واقعی هستند؟ شکل وجودی اشیاء نیز بدین شکل ظاهر می‌شوند، اما طریقه واقعی ظهور آنها بدین صورت نیست. چشمان ما صاحب توانایی هستند که اشیاء فیزیکی را در بُعد فیزیکی ما به وضعی که بتوانیم هم اکنون مشاهده کنیم ثابت نگهدارند. اشیاء در واقع در این وضعیت نیستند، و آنها حتی در بعد ما هم در چنین حالتی نمی‌باشند. بطور مثال، یک انسان در زیر میکروسکوپ به چه شکلی است؟ تمام جسم از ملکولهای ریز و سیال تشکیل شده است، درست مثل دانه‌های شن که در

حرکت هستند. الکترون‌ها در هسته اتم در گردش‌اند، و تمام جسم در پیچ و تاب و در حرکت است. سطح بدن نه صاف است و نه منظم. تمام اشیاء موجود در عالم، مثل فولاد، آهن و سنگ یکسان هستند، و تمام عناصر تشکیل دهنده ملکولی درون آنها در حرکت‌اند. شما نمی‌توانید شکل کلی این اشیاء را که در حقیقت ثابت نمی‌باشند مشاهده کنید. این میز نیز در حال پیچ و تاب خوردن است، هر چند که چشم‌های شما نمی‌توانند حقیقت را ببینند. این یک جفت چشم می‌تواند توهم غلط همانند مثال بالا را بیافریند.

البته این به این معنی نیست که ما نمی‌توانیم اشیاء را در سطح کوچک، (میکروسکوپی) ببینیم یا اینکه مردم از چنین توانایی برخوردار نیستند. مردم با این توانایی‌ها به دنیا آمده‌اند، و آنها می‌توانند اشیاء را در یک سطح میکروسکوپی معینی ببینند. دقیقاً به همین خاطر است که در این بُعد فیزیکی ما این دو جفت چشم را داریم، و مردم توهم غلطی را دریافت می‌کنند و مجاز نیستند اشیاء را ببینند. بنابراین، در گذشته بر طبق اظهارات جامعه تزکیه کنندگان مردمی که اعتقاد به آنچه نمی‌توانستند ببینند نداشتند، از کیفیت روشن‌بینی ضعیفی برخوردار بودند، به مثابه اینکه در بین پدیده‌های کاذب در میان انسانهای عادی گمراه و سرگردان بودند. این اظهاریه‌ای تاریخی است که بوسیله مذاهب درست شده‌اند. در حقیقت، ما نیز آن را کاملاً منطقی یافته‌ایم.

این جفت چشم می‌تواند اشیاء را در این بُعد فیزیکی ما در چنان حالتی ثابت نگهدارند. علاوه بر آن، آنها هیچ توانایی با ارزش دیگری را صاحب نیستند. وقتی که شخص به چیزی نگاه می‌کند، تصویر بلافاصله در چشم شخص شکل نمی‌گیرد. چشم‌ها همانند عدسی دوربین هستند، که فقط مثل یک ابزار عمل می‌کنند. وقتی به دوردست نگاه می‌شود، عدسی‌ها گشاد می‌شوند؛ چشم‌های ما نیز چنین کاربردی را دارند. وقتی که در تاریکی نگاه می‌کنیم، مردمک‌ها بزرگ می‌شوند. وقتی که دوربینی در تاریکی فیلم می‌گیرد، روزنه دوربین نیز بزرگ می‌شود. در غیر اینصورت، اگر در معرض نور کافی نباشد، عکس کاملاً سیاه می‌گردد. وقتی فرد به محلی بسیار روشن در خارج از خانه قدم می‌گذارد، مردمک‌های او بلافاصله منقبض می‌گردند. و گرنه چشم‌های شخص بوسیله نور خیره خواهند شد، و شخص قادر نیست اشیاء را به وضوح ببیند. یک دوربین با این اصل عمل می‌کند، و روزنه نیز لازم است منقبض شود. آن فقط می‌تواند یک تصویر از یک شیئی را ضبط کند، و فقط یک وسیله است. وقتی که ما واقعاً اشیاء، یک فرد، یا شکلی از یک پدیده موجود را نگاه می‌کنیم، تصاویر در مغز شکل می‌گیرند. یعنی، آنچه را که ما از طریق چشم‌ها مشاهده می‌کنیم بوسیله اعصاب چشم به غده صنوبری در نیمه پشت مغز فرستاده می‌شوند، و سپس بصورت تصاویر در آن محل منعکس می‌گردند. یعنی، تصاویر منعکس شده واقعی در منطقه‌ای از مغز که غده صنوبری قرار دارد دیده می‌شوند. حتی طب جدید نیز به آن واقف است.

بازشدن چشم سوم که ما از آن صحبت کرده‌ایم از بکار بردن اعصاب چشم اجتناب می‌کند و کانالی را بین ابروان شخص بطوری که غده صنوبری بتواند مستقیماً خارج را مشاهده کند باز می‌کند، این باز شدن چشم سوم نامیده می‌شود. بعضی افراد شاید به فکر فرو برونند: «این معقول نیست. بعد از همه اینها، این جفت چشم می‌تواند هنوز هم بعنوان وسیله مورد استفاده قرار گیرد، و آنها می‌توانند تصاویر پدیده‌ها را ضبط کنند، چیزی که بدون چشم‌ها غیرممکن است». علم پزشکی مدرن با کالبد شکافی جسم انسان تا حالا کشف کرده است که قسمت نیمه جلوی غده صنوبری مجهز به یک بافت کامل ساختمان یک چشم بشری است. از آنجا که آن در داخل مجموعه شخص رشد می‌کند، اینطور گفته می‌شود که یک چشم مرکب است. اگر چشمی مرکب باشد یا نه، جامعه تزکیه کنندگان ما نظر خاص خود را نسبت به آن دارند. اما بعد از همه اینها پزشکی مدرن هم اکنون مشاهده کرده است که در وسط مغز انسان یک چشم وجود دارد. مجرای را که ما در نظر داریم باز کنیم مستقیماً به این چشم هدایت می‌شود، و آن کاملاً با درک پزشکی مدرن مطابقت دارد. این چشم برخلاف چشم‌های فیزیکی مان تصاویر کاذب را بوجود نمی‌آورد، بطوریکه می‌تواند هر دوی طبیعت و اسانس اشیاء را ببیند. به همین جهت، شخصی با چشم سوم باز در سطحی بالا می‌تواند از خلال بعد ما مکان و زمان دیگری را ببیند، و می‌تواند صحنه‌هایی را که یک فرد عادی نمی‌تواند ببیند مشاهده کند. یک شخص با چشم سوم در سطحی پایین ممکن است دیدی نافذ برای دیدن از خلال یک دیوار و یک جسم انسانی داشته باشد. این دقیقاً دارا بودن توانایی فوق طبیعی است.

مدرسه بودا از پنج نوع سطح بینایی صحبت به عمل می‌آورد: بینایی جسمانی، بینایی الهی، بینایی عقلانی، بینایی فای و بینایی بودا. اینها پنج مرتبه‌های اعظم چشم سوم هستند، و هر کدام به سطح بالایی، میانی و پائینی تقسیم شده‌اند. مدرسه تائو از نه ضربدر نه که هشتاد و یک سطح از بینایی فای است صحبت می‌کند. ما چشم سوم را برای همه اینجا باز می‌کنیم، اما آن را در سطح یا پایین‌تر از بینایی الهی باز نمی‌کنیم. چرا؟ با اینکه شما اینجا نشسته‌اید و عمل تزکیه را شروع کرده‌اید، درست از سطح یک فرد عادی شروع کرده‌اید با خیلی از وابستگی‌های مردم عادی که هنوز رها نشده‌اند. اگر چشم سوم شما پایین‌تر از سطح بینایی الهی باز شود، شما صاحب چیزی می‌شوید که مردم عادی آن را بعنوان توانایی‌های فوق طبیعی می‌نامند، بطوریکه می‌توانید اشیاء را از خلال یک دیوار یا از میان یک جسم بشری ببینید. اگر ما این توانایی فوق طبیعی را بصورت گسترده در دسترس قرار دهیم و اگر چشم آسمانی همگی در این سطح باز شود، بطور جدی جامعه مردم عادی را متزلزل کرده و در وضعیت آن کارشکنی خواهد کرد: اسرار مملکتی به هیچوجه نمی‌توانند حفظ گردند؛ دیگر فرقی هم نخواهد کرد که مردم به تشنه لباس دارند یا نه، و می‌توانید مردم را در خانه از خارج مشاهده کنید؛ در حالیکه در خیابان قدم می‌زنید می‌توانید تمام بخت آزمایی‌هایی را که سود بالایی دارند دیده و آنها را جمع کنید. این نمی‌تواند مجاز باشد! همگی درباره آن فکر کنید: اگر چشم سوم همه در حد بینایی الهی باز می‌شدند؛ آیا جامعه هنوز هم می‌توانست یک جامعه بشری باشد؟ بطور جدی شرایط جامعه بشری را نقض کردن کاملاً ممنوع است. اگر من واقعاً چشم سوم شما را در آن سطح باز کنم، ممکن است که بالادرنک یک استاد چی‌گونگ شوید. بعضی از افراد قبلاً آرزو کرده‌اند که یک استاد چی‌گونگ شوند. اگر چشم سوم آنها به یکباره باز می‌شد، آنها می‌توانستند قادر باشند که بیماران را معالجه کنند. آیا من شما را در آن صورت به راهی شیطانی نکشاند؟

پس، من در چه سطحی باید چشم سوم شما را باز کنم؟ من چشم سوم شما را مستقیماً در سطح بینایی عقلانی باز می‌کنم. اگر آن در سطح بالاتری باز شود، شین‌شینگ شما برای آن کافی نخواهد بود. اگر در سطحی پایین‌تر باز گردد، بطور جدی موقعیت جامعه مردم عادی را مختل خواهد کرد. با بینایی عقلانی، قادر نخواهید بود اشیاء را از میان یک دیوار ببینید یا از میان یک جسم بشری، اما می‌توانید صحنه‌هایی را که در بُعدهای دیگر وجود دارند مشاهده کنید. این چه مزیت‌هایی خواهد داشت؟ اعتقاد شما را به تزکیه قوی می‌کند. وقتی که واقعاً چیزی را ببینید که مردم عادی قادر به دیدن آن نیستند، معتقد خواهید شد که واقعاً وجود دارد. این اهمیتی ندارد که بتوانید چیزی را بطور واضح در حال حاضر ببینید یا نه، چشم سوم شما در این سطح باز خواهد شد، و این برای تزکیه شما خوب است. یک تمرین‌کننده واقعی دافا با خواندن این کتاب به نتیجه بالایی خواهد رسید، به شرطی که با خودش در رشد شین‌شینگ سخت‌گیر باشد.

چه عواملی سطح چشم سوم یک فرد را تعیین می‌کند؟ این به اینصورت نیست که وقتی یک بار چشم سوم شما باز شد، قادر باشید همه چیز را ببینید - نه اینطور نیست. هنوز هم یک تقسیم‌بندی از سطوح وجود دارد. پس، چه چیزی مشخص‌کننده سطوح است؟ سه عامل وجود دارد. عامل اول این است که چشم سوم فرد بایستی یک میدان عبور از داخل به خارج داشته باشد، و ما آن را اسانس چی (qi) می‌نامیم. چه کاربردی دارد؟ مثل یک صفحه تلویزیون بدون فوسفور است، بعد از اینکه تلویزیون بسته شد، مثل یک لامپ است. فقط روشنایی خواهد داشت، اما تصویری وجود ندارد. این به خاطر فوسفور است که تصاویر به نمایش گذاشته می‌شوند. البته، این مثال کاملاً مناسب نیست زیرا که ما مستقیماً اشیاء را می‌بینیم در حالیکه یک تلویزیون از خلال یک صفحه تصاویر را به نمایش می‌گذارد. این نشان دهنده تقریبی آنچه که منظور من است می‌باشد. این ذره اسانس چی بینهایت با ارزش است، و از ماده‌عالی‌تری که عصاره تقوا می‌باشد ساخته شده است. بطور طبیعی، اسانس چی هر شخص با شخص دیگر متفاوت است. شاید دو نفر از ده هزار نفر در یک سطح چی قرار دارند.

سطح چشم سوم تجلی مستقیمی از فای جهانی ماست. آن چیزی است فوق طبیعی و به شین‌شینگ فرد بستگی دارد. اگر سطح شین‌شینگ شخصی پایین باشد، سطح او پایین است. به خاطر پایین بودن سطح شین‌شینگ، بیشتر اسانس چی این شخص از بین رفته است. اگر سطح شین‌شینگ شخصی بالا باشد، و در جامعه مردم عادی از خردسالی تا بزرگسالی اهمیت کمی به شهرت، دارایی، مشکلات بین مردم، سود شخصی، و احساسات گوناگون بشری و تمناها، داده باشد، اسانس چی او

ممکن است به نسبت بهتری حفاظت شده باشد. به همین جهت، بعد از باز شدن چشم سوم او، می‌تواند اشیاء را با روشنی بیشتری ببیند. وقتی که چشم سوم کودکی زیر شش سال باز شده است می‌تواند اشیاء را خیلی بوضوح ببیند. باز کردن چشم سوم او همچنین آسان می‌باشد. یک کلمه برای بازکردن آن کافی است.

به علت مواد آلوده‌کننده در مسیر جوامع معمولی بشری آنچه که مردم صحیح و درست می‌دانند، در حقیقت اغلب اشتباه است. آیا هر کسی نمی‌خواهد که یک زندگی خوب داشته باشد؟ آرزوی داشتن یک زندگی خوب شاید به علایق انسان‌های دیگر لطمه وارد بیاورد، باعث تشویق تمنای خودخواهی شخص گردد، منافع دیگران را سلب کند، یا به دیگران آزار و صدمه برساند. شخص می‌خواهد برای بدست آوردن سود شخصی بین مردم عادی جنگ و رقابت راه بیاندازد. آیا این برخلاف کیفیت عالم نیست؟ بدین ترتیب، آنچه که مردم معتقدند صحیح است لزومی ندارد که درست باشد. در تعلیم و تربیت یک کودک، اغلب یک بزرگسال به او آموزش می‌دهد: «تو باید یادگیری که زرنگ باشی»، در نتیجه در آینده او جای پای در اجتماع مردم عادی باز می‌کند. از نقطه نظر عالم ما، «زرنگ بودن» هم‌اکنون غلط است، زیرا ما در جستجوی این هستیم که طبیعی بودن را دنبال کنیم و کمتر به سود شخصی توجه کنیم. آنطور زرنگ بودن، لازمه‌اش این است که فرد برای نفع شخصی‌اش تلاش کند. «هر کس تو را آزار می‌دهد، برو سراغ معلم او و خانواده‌اش را پیدا کن.» «اگر پولی را روی زمین می‌بینی بردار.» به کودک بدین شکل آموزش می‌دهند. از خردسالی تا بزرگسالی، هر چه بیشتر چیزهایی را کسب کند، بتدریج بیشتر و بیشتر در جامعه مردم عادی خودخواه‌تر می‌شود. او از دیگران سوء استفاده می‌کند و تقوا خود را از دست می‌دهد.

این ماده تقوی بعد از اینکه از دست رفت ناپدید نمی‌شود. آن به شخص دیگری منتقل می‌گردد. اما اسانس چی می‌تواند از دست برود. اگر یک شخص از خردسالی تا بزرگسالی بسیار مکار بوده و تمایل شدیدی برای نفع شخصی داشته و قبل از هر چیز دنبال منفعت خود بوده باشد، چشم آسمانی این شخص بعد از باز شدن، بطور عادی نمی‌تواند کار کند یا اشیاء را به وضوح ببیند. به هر حال، این بدین معنی نیست که چشم سوم هرگز از آن نقطه نظر مفید نخواهد بود. چرا؟ زیرا در طی پروسه تزکیه سعی می‌کنیم که به سرچشمه و اصل خود بازگردیم، به کمک اعتماد به خود و استقامت در تزکیه قادر خواهیم بود بطور پیوسته آن را جبران کرده و به حالت اولیه‌اش برگردانیم. به همین جهت، شخص باید به شین‌شینگ اهمیت بدهد. ما از ترقی و صعود به درجات بالا بصورت یک تمامیت صحبت می‌کنیم. اگر شین‌شینگ بالا رود، همه مسائل دیگر نیز آن را دنبال خواهند کرد. اگر شین‌شینگ ترقی نکند، آن قسمت از اسانس چی به وضع پیشین برنخواهد گشت. این یک اصل است. عامل دیگر این است که وقتی یک شخص چی‌گونگ را شخصاً تمرین می‌کند، اگر از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار باشد، چشم سوم او نیز می‌تواند باز شود. عده‌ای از مردم اغلب، در لحظه‌ای که چشم سوم‌شان باز شده است وحشت‌زده می‌شوند. چرا آنها وحشت زده هستند؟ به این خاطر که مردم معمولاً در نیمه شب که تاریک و ساکت است چی‌گونگ را تمرین می‌کنند. در حالیکه شخص تمرین می‌کند، ممکن است ناگهان چشمی بزرگ را روبروی چشم‌هایش ببیند، و ناگهان به وحشت بیفتد. این وحشت به طور غیرعادی بزرگ است، و او بعد از آن جرأت نمی‌کند چی‌گونگ را تمرین کند. چه وحشتی! یک چشم بزرگ که مژه می‌زند و به شما خیره شده است، و بطور آشکاری واقعی است. از اینرو، بعضی افراد آن را چشم شیطانی می‌نامند، در حالیکه دیگران آن را چشم بودا نامیده‌اند، و غیره. در حقیقت، این چشم خود شما است. البته، تزکیه به خود شخص بستگی دارد، در حالیکه گونگ به استاد شخص مربوط است. تمام روند تغییر انرژی تزکیه (گونگ) در بُعدهای دیگر رخ می‌دهد و بسیار پیچیده است. جسم نه تنها دقیقاً در یک بُعد دیگر تغییر می‌کند، بلکه در تمام بُعدهای مختلف نیز دگرگون می‌شود. آیا می‌توانید آن را بدست خودتان انجام بدهید؟ نمی‌توانید. این چیزها بوسیله استاد تدارک دیده شده است و بوسیله او اجرا می‌گردد. به همین جهت، گفته می‌شود که تزکیه به تلاش خود شخص بستگی دارد، در حالیکه گونگ به استاد مربوط است. شما می‌توانید فقط چنان آرزویی داشته باشید و به آنصورت به آن فکر کنید، اما درحقیقت این استاد است که این کارها را انجام می‌دهد.

بعضی افراد چشم سوم‌شان را در طی تمرین‌های خودشان باز می‌کنند. ما به آن چشم شما اشاره می‌کنیم، اما شما قادر نیستید بوسیله خودتان آن را رشد بدهید. بعضی افراد استادی دارند که می‌بینند چشم سوم آنها باز است، و یک چشم را برای

آنها منتقل می‌کنند. آن چشم حقیقی نامیده شده است. البته، بعضی از افراد استادی ندارند، اما شاید استادی گذری وجود داشته باشد. در مدرسه بودا گفته می‌شود: «بوداها در همه جا حضور دارند.» تعدادشان به قدری زیاد است که در واقع همه جا هستند. بعضی‌ها هم می‌گویند: «موجوداتی الهی در سه فوتی بالای سر شخص وجود دارند»، یعنی اینکه تعداد آنها زیاد است. اگر یک استاد گذری ببیند که شما خیلی خوب تمرین کرده‌اید با چشم سوم باز و اینکه به یک چشم احتیاج دارید، آن را برای شما منتقل خواهد کرد، که می‌تواند یک نتیجه از تزکیه شخصی شما به حساب آید. برای نجات انسان‌ها، هیچ شرطی وجود ندارد یا دستمزدی برای هزینه، پاداش، یا شهرت. آنها به این ترتیب از قهرمان‌های عادی نجیب‌زاده‌تر هستند. آنها این را صرفاً از روی نیکخواهی خودشان انجام می‌دهند.

بعد از آنکه چشم سوم فردی باز شد، موقعیتی ظاهر می‌گردد: چشم فرد بوسیله نور خیره می‌شود و در آن خارشی احساس می‌کند. این در حقیقت چشمان شما نیست که می‌خارد. بلکه، خارش مربوط به غده صنوبری است، اگر چه احساس می‌کنید که چشمان شما است که می‌خارد. این بدین خاطر است که هنوز این چشم را بدست نیاورده‌اید. بعد از آنکه به این چشم مجهز شدید، دیگر چشمان فیزیکی‌تان خارش نخواهند داشت. عده‌ای از تمرین‌کنندگان ما قادر خواهند بود این چشم را ببینند یا احساس کنند. زیرا که طبیعت آن درست مثل طبیعت عالم است، بسیار بی‌گناه و کنج‌کاو. به درون نگاه می‌کند که ببیند آیا چشم سوم شما باز است و اینکه می‌تواند ببیند یا نه. به خوبی به درون شما نگاه می‌کند. در این لحظه چشم سوم شما باز است. در حالیکه به شما نگاه می‌کند، با دیدن ناگهانی او خواهید ترسید. در حقیقت، این چشم خودتان است. از حالا به بعد، وقتی به اشیاء نگاه می‌کنید، بوسیله این چشم خواهید دید. حتی اگر چشم سوم شما باز باشد، بدون این چشم کاملاً قادر به دیدن اشیاء نخواهید بود.

عامل سوم اختلاف‌هایی در بُعدهای مختلف وقتی که شخص در سطوح متفاوت نفوذ کرده است تجلی می‌کنند. این مسئله‌ای است که بطور واقعی سطح شخص را معین می‌کند. مردم همچنین برای دیدن اشیاء به غیر از کانال اصلی دارای چندین کانال فرعی هستند. مدرسه بودا معتقد است که هر منفذ عرق یک چشم است، درحالیکه مدرسه تائو ادعا می‌کند که هر منفذ بدن یک چشم است. یعنی، تمام نقاط طب سوزنی چشم می‌باشند. البته، آنچه که آنها درباره‌اش گفتگو می‌کنند هنوز شکلی از انتقال فا در بدن است؛ شخص می‌تواند اشیاء را از هر قسمت بدن ببیند.

سطحی که ما به آن اشاره می‌کنیم متفاوت از آن است. به اضافه کانال اصلی، چندین کانال فرعی اصلی نیز در چندین محل وجود دارند، و غیره، بالای هر دوی ابروان، بالا و پایین پلک چشمان، و در نقطه شان‌گن (Shangen point)^۱. آنها موضوع نفوذ در سطوح را قطعی می‌کنند. البته، اگر یک تزکیه‌کننده متوسط بتواند با این چند محل اشیاء را ببیند، هم‌اکنون به یک سطح بسیار بالایی رسیده است. بعضی افراد نیز می‌توانند با چشمان فیزیکی خود چیزهایی را ببینند. آنها همچنین، در تزکیه این چشم‌ها موفق شده‌اند که مجهز به شکل‌های مختلفی از توانایی‌های فوق طبیعی است. اگر این چشم بدون مصرف بماند، به هر حال، شخص همیشه به یک موضوع نگاه خواهد کرد بدون اینکه اشیاء دیگر را ببیند. هیچ‌کدام از آنها کار نخواهند کرد. از این رو، بعضی افراد اغلب یک طرف را با یک چشم می‌بینند و طرف دیگر را با چشم دیگر. اما هیچ کانالی فرعی زیر این چشم (چشم راست) وجود ندارد، زیرا که آن مستقیماً به فام مربوط است. مردم خواستی دارند که از چشم راست برای انجام کارهای بد استفاده کنند، در نتیجه هیچ کانال فرعی در زیر چشم راست وجود ندارد. اینها اشاره‌ای است به چندین کانال فرعی اصلی که در تزکیه سه‌گانه فای دنیوی رشد پیدا کرده‌اند.

بعد از رسیدن به سطحی بسیار بالا و گذشتن از ورای تزکیه سه‌گانه فای دنیوی، یک چشم که شباهت به یک چشم ترکیبی دارد شکل خواهد گرفت. مخصوصاً، در قسمت نیمه بالای صورت یک چشم بزرگ با چشمان کوچک غیرقابل شمارش در داخل آن ظاهر خواهد شد. عده‌ای از روشن‌بینان در سطوحی فوق‌العاده بالا چشمان زیادی را تزکیه کرده‌اند که تمام صورتشان را می‌پوشاند. تمام چشمان از طریق این چشم بزرگ اشیاء را می‌بینند، و آنها می‌توانند هر چه را که بخواهند

۱ - Shangen (Shahn – ghun) point - نقطه طب سوزنی محدود شده میان ابروان فرد.

ببینند. با یک نظر، آنها قادرند تمام سطوح را ببینند. امروزه، جانورشناسان و حشره‌شناسان، روی مگس‌ها تحقیقاتی می‌کنند. چشم‌های یک مگس بسیار بزرگ است؛ گفته می‌شود که در زیر میکروسکوپ از تعداد بیشماری چشم‌های کوچک تشکیل شده‌اند، که آنرا چشم ترکیبی می‌نامند. وقتی که تمرین‌کنندگان به یک سطح بسیار بالایی نایل می‌شوند، احتمالاً این موقعیت ظاهر می‌شود. برای اینکه این جریان امکان‌پذیر شود شخص بایستی از سطحی خیلی خیلی بالاتر از تاتاگاتا برخوردار باشد. اما، یک فرد معمولی نمی‌تواند آن را مشاهده کند. مردم در سطحی متوسط نیز نمی‌توانند موجودیت آن را دریابند، و از آنجا که در بُعدی دیگر وجود دارد آنها فقط این افراد را مثل شخصی معمولی می‌بینند. این توضیحی برای نفوذ کردن در سطوح دیگر است. می‌توان گفت، این مسئله ای است که آیا شخص می‌تواند به بُعدهای مختلف دسترسی پیدا کند یا نه.

من از لحاظ اصولی ساختمان چشم سوم را برای همگی مطرح کرده‌ام. ما چشم سوم شما را با نیرویی از خارج باز می‌کنیم، که بطور نسبی سریعتر و آسانتر است. در زمانی که دربارهٔ چشم سوم صحبت می‌کنم، هر کدام از شما احساس خواهید کرد که پیشانی‌تان سفت شده است؛ ماهیچه‌ها احساسی از بهم کشیده شدن و با مته سوراخ شدن از داخل را می‌کنند. آن اینطور بود، آیا اینطور نبود؟ بله آن بدین صورت بود. تا آنجا که فکرتان را بطور واقعی برای مطالعه فالون دافا می‌گذارید، همگی آن را احساس خواهید کرد؛ نیروی خارجی با قدرتی بسیار وارد می‌شود در حالی که آن از داخل مثل مته سوراخ می‌گردد. انرژی‌ای بخصوص را آزاد نموده‌ام که چشم سوم را باز می‌کند. همزمان، فالون را نیز برای ترمیم چشم سوم شما بیرون فرستاده‌ام. در حین اینکه دربارهٔ چشم سوم صحبت می‌کردم، چشم سوم را برای همه باز می‌کردم، با این شرط که شما فالون دافا را تزکیه می‌کنید. به هر حال، لازم نیست که همهٔ افراد بتوانند بطور واضح اشیاء را ببینند، یا اینکه هر کس بتواند لزوماً اشیاء را با آن مشاهده کند. این مستقیماً به خود شما مربوط است. اشکالی ندارد، اگر نتوانید اشیاء را با آن ببینید مسئله‌ای نیست. برای تزکیه وقت بگذارید. وقتی شما پیوسته سطح خودتان را ارتقاء می‌دهید، بطور پیوسته قادر به دیدن اشیاء خواهید بود، و دید تار شما، بطور روز افزون روشن خواهد شد. تا آنجا که عمل تزکیه را انجام دهید و تصمیم به تزکیه کردن داشته باشید، همهٔ آنچه را که از دست داده‌اید دوباره باز خواهید یافت.

نسبتاً مشکل است که شخص خودش چشم سومش را باز کند. بگذارید برایتان چندین مورد بازکردن چشم سوم را بوسیلهٔ خود فرد بگویم. بطور مثال، عده‌ای از شما وقتی که در مدیتیشن نشسته‌اید و به پیشانی و چشم سوم‌تان نگاه می‌کنید احساس می‌کنید که داخل پیشانی‌تان تاریک است، و چیزی در آن وجود ندارد. به مرور زمان، شخص آن را که بتدریج به رنگ سفید در پیشانی‌اش تغییر کرده است مشاهده خواهد کرد. بعد از گذشت زمانی از تزکیه، شخص متوجه خواهد شد که بتدریج داخل پیشانی‌اش روشن می‌شود، و سپس به قرمز تبدیل می‌گردد. در این زمان، آن مثل گل‌هایی که در تلویزیون یا فیلم نشان داده می‌شوند که در یک لحظه شکفته می‌شوند شکفته خواهد شد. چنان صحنه‌هایی ظاهر خواهند شد. رنگ قرمز شروع به گسترده شدن می‌کند، و سپس ناگهان در وسط باقی مانده و پیوسته تغییر خواهد کرد. اگر شما بخواهید آن را کاملاً تا آخر بوسیلهٔ خودتان تغییر بدهید، حتی هشت یا ده سال هم کافی نخواهد بود زیرا که چشم سوم بطور کامل مسدود است.

چشم سوم عده‌ای بطور کامل مسدود نیست، و به کانال‌هایی مجهز هستند. اما، هیچ انرژی در آنجا وجود ندارد، زیرا آنها تمرین چی‌گونگ را انجام نمی‌دهند. بدین ترتیب، وقتی که آنها چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، ناگهان چیزی گرد و سیاه رنگ جلوی چشمهای آنها ظاهر می‌شود. بعد از آنکه مدتی دیگر تمرین کردند، بتدریج به رنگ سفید تغییر می‌کند و بعد روشن می‌شود. سرانجام، روشن‌تر و روشن‌تر خواهد درخشید، و چشم‌ها کمی احساس خارش خواهند کرد. برای همین بعضی افراد می‌گویند، «من خورشید را دیدم» یا «ماه را دیدم». در حقیقت، آنها نه خورشید را دیدند نه ماه را. پس، چه چیزی را دیدند؟ آن مسیر کانال آنها بود. بعضی افراد شکوفایی سریعی در سطوح خودشان می‌کنند. می‌توانند بطور مستقیم وقتی که به چشم سوم مجهز شدند اشیاء را ببینند. برای دیگران، این کاملاً مشکل است. وقتی که چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، این احساس را دارند که در خارج در طول این کانال در حال دویدن هستند، که شبیه یک تونل یا یک چاه است. حتی در خواب، احساس می‌کنند که در حال دویدن به خارج هستند. بعضی‌ها شاید احساس کنند که روی اسبی سوار هستند؛ بعضی‌ها شاید احساس کنند که در حال پروازند؛ بعضی‌ها احساس می‌کنند که در حال دویدن هستند، بعضی‌ها احساس می‌کنند که ماشینی

را به طرف جلو می‌رانند. زیرا بسیار مشکل است که شخص خودش چشم سوم را باز کند، آنها همیشه احساس می‌کنند که به سرعت به پایان نمی‌رسند. مدرسه تائو جسم بشری را مثل یک عالم کوچک می‌پندارد. اگر آن یک عالم کوچک است، درباره‌اش فکر کنید، بیشتر از یکصد و هشت هزار لی (Li)^۲ فاصله از پیشانی تا غده صنوبری خواهد بود. به همین جهت، شخص همیشه احساس می‌کند که شتاب زده به طرف خارج می‌رود بدون اینکه قادر باشد به انتها برسد.

این تا حدودی عقلانی است که مدرسه تائو جسم بشری را مثل یک عالم کوچک تلقی کند. بدین معنی نیست که ساختمان و ترکیب جسم بشری مثل عالم است، حتی به فرم هستی جسم در بُعد فیزیکی ما اشاره نمی‌شود. ما می‌پرسیم، «بر طبق درک علم جدید در سطحی بسیار میکروسکوپی، جسم فیزیکی که از سلول‌ها تشکیل شده‌است در چه وضعیتی می‌باشد؟» ترکیبات ملکولی مختلفی وجود دارند. کوچکتر از ملکول‌ها، اتم‌ها، پرتون‌ها، هسته اتمی، الکترون‌ها، و کوارک‌ها هستند. کوچکترین ذرات میکروسکوپی که تا کنون مورد مطالعه قرار گرفته‌است نئوترون‌ها هستند. پس، کوچکترین ذرات میکروسکوپی چیست؟ مطالعه این موضوع در حقیقت بسیار مشکل است. ساکیومونی در سالهای آخر زندگی‌اش این بیانیه را اظهار نمود: «آن آنقدر بزرگ است که هیچ انتهایی ندارد، و آنقدر کوچک است که ابتدایی (مرکزی) ندارد.» منظور او چه بود؟ در سطح تاتاگاتا، عالم بقدری بزرگ است که حد و مرز آن نامحسوس است، اما آنقدر کوچک است که هیچکدام از کوچکترین اجزاء ماده آن محسوس نیستند. بنابراین او اینطور اظهار نمود: «آن آنقدر بزرگ است که انتهایی ندارد، و آنقدر کوچک است که ابتدایی ندارد.»

ساکیومونی همچنین در مورد تئوری سه هزار دنیا صحبت نمود. او اظهار کرد که، در عالم ما و راه شیری ما، سه هزار سیاره با موجودات زنده که مثل نژاد انسانی ما دارای جسم فیزیکی هستند وجود دارند. او همچنین اظهار کرد که در هر سنگ ریزه سه هزار از چنان دنیاهایی وجود دارند. یک سنگ ریزه بنابراین درست مثل یک عالم است، با داشتن مردمی به باهوشی مردم ما، سیاره‌ها، کوه‌ها و رودخانه‌ها. به نظر افسانه می‌آید! اگر اینطور است، پس همگی درباره‌اش فکر کنید: آیا در آن سه هزار دنیا سنگ ریزه وجود ندارد؟ و آیا سه هزار دنیای دیگری در آن دانه سنگ ریزه وجود ندارد؟ پس، آیا سنگ ریزه‌ای در آن سه هزار دنیا وجود ندارد؟ پس، آیا هنوز هم سه هزار دنیا در آن سنگ ریزه وجود ندارد؟ بنابراین، در سطح تاتاگاتا، شخص قادر نیست انتهای آن را ببیند.

به همین شکل هم در مورد مولکول‌های سلول‌های بشری واقعیت دارد. مردم از بزرگی عالم سؤال می‌کنند، بگذارید برایتان بگویم که این عالم نیز خط مرزی خود را دارد. به هر حال، حتی در سطح تاتاگاتا شخص می‌تواند آن را بی‌حد و مرز و بسیار بزرگ تلقی کند. با این همه جسم درونی بشر به اندازه بزرگی این عالم است، از ملکول گرفته تا ذرات میکروسکوپی در سطح میکروسکوپی. ممکن است بنظر غیر قابل تصور برسد. وقتی یک انسان یا یک زندگی بوجود می‌آید، عناصر تشکیل دهنده مخصوص و سرشت اصلی زندگی او در حال حاضر در یک سطح بسیار میکروسکوپی شکل گرفته‌اند. اگرچه، در رابطه با مطالعه این موضوع، علم مدرن ما عقب مانده است. در مقایسه با زندگی در سیاراتی که موجودات باهوش والایی در کل عالم وجود دارند، سطح دانش نژاد بشری ما بسیار پایین است. ما حتی نمی‌توانیم به بُعدهای دیگری که همزمان در یک مکان وجود دارند برسیم، در حالیکه بشقاب پرنده‌ها از سیارات دیگر مستقیماً می‌توانند به بُعدهای دیگر سفر کنند. مفهوم زمان و مکان کاملاً متفاوت است. برای همین آنها لحظه‌ای می‌آیند و می‌روند با سرعتی که فکر بشری به سختی آن را می‌پذیرد.

وقتی که در مورد چشم سوم صحبت می‌کردیم، مسئله‌ای را ذکر کردیم مثل اینکه احساس می‌کنید در طول کانال به طرف خارج با شتاب می‌دوید، احساس می‌کنید که آن بی‌حد و مرز و لایتنه‌ای است. بعضی افراد ممکن است وضعیت دیگری را مشاهده کنند جایی که آنها احساس نمی‌کنند در مسیر یک کانال می‌دوند، بلکه در طول یک راه پهن لایتنه‌ای با شتاب می‌دوند. که در دو طرف آن راه‌ها، کوه‌ها، رودخانه‌ها و شهرها وجود دارند در حالیکه او به طرف خارج در حال دویدن است.

۲ - Li (Lee) - یک واحد چینی برای طول (کیلومتر ۰/۵ =) . در چین، «۱۰۸ هزار Li» به اصطلاح عادی است برای توصیف مسافتی بسیار طولانی.

حتی می‌تواند بیشتر از این غیر قابل تصور بنظر بیاید. حرفهای یک استاد چی‌گونگ را که چنین اظهار کرد بازمی‌گویم: «در هر منفذ جسم بشری یک شهر وجود دارد، که ماشین‌ها و قطارها از آنجا می‌گذرند.» بعد از شنیدن این مطلب، دیگران متعجب بودند و آن را غیر قابل تصور یافتند. شما می‌دانید که اجزاء میکروسکوپی ماده از ملکول‌ها، اتم‌ها و پروتون‌ها تشکیل شده‌اند. موقعی که تحقیقات توسعه می‌یابد، اگر بتوانید حد هر سطح را به جای یک نقطه ببینید، و حد ملکول‌ها، حد اتم‌ها، حد پروتون‌ها، و هسته اتمی را، در نتیجه شکل هستی را در بُعدهای مختلف خواهید دید. تمام اشیاء، بعلاوه جسم بشری، در رابطه با سطوح ابعاد فضای کیهانی همزمان موجودیت دارند. وقتی که فیزیکدان‌های مدرن ما ذرات کوچک ماده را مطالعه می‌کنند، فقط یک ذره کوچک را از طریق شکافتن و تقسیم کردن مطالعه می‌کنند. عناصر آن بعد از شکافتن اتم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اگر چنان دستگاهی وجود داشت که از طریق آن می‌توانستیم بسط داده و سطحی را ببینیم که همه عناصر اتمی یا عناصر ملکولی می‌توانستند در کل خودشان تجلی داشته باشند، یا اگر این صحنه‌ها مشاهده می‌شدند، می‌توانستید به ورای این بعد برسید و صحنه‌های واقعی هستی در بُعدهای دیگر را ببینید. جسم بشری با بُعدهای خارجی مطابقت دارد، و همگی چنان شکل‌هایی از هستی را دارا هستند.

هنوز هم موقعیت‌های گوناگون دیگری وجود دارند که شخص چشم سوم را بدست خودش باز می‌کند. ما بطور اساسی درباره بعضی از پدیده‌های عمومی صحبت کرده ایم. بعضی اشخاص همچنین متوجه شدند که چشم سوم‌شان می‌چرخد. آنهایی که در مدرسه تائو تزکیه می‌کنند اغلب می‌بینند که چیزی در داخل چشم سوم آنها می‌چرخد. بعد از اینکه صفحه تائی چی (Taiji) با ترک پاره می‌شود، فرد صحنه‌هایی را خواهد دید؛ به هر حال، این معنی را نمی‌دهد که یک تائی چی در داخل سر شما وجود دارد. این استاد است که یک سری از چیزها را از آغاز برای شما نصب کرده است، که یکی از آنها تائی چی است. او چشم سوم شما را مهر کرده بود. به مرور زمان که چشم سوم شما باز شده است، پاره خواهد شد. استاد با قصد آن را به این طریق ترتیب داده است، و آن در اصل چیزی از طرف سر شما نیست.

هنوز هم، بعضی افراد در جستجوی باز کردن چشم سوم هستند. هر چه بیشتر برای آن تمرین کنند، بیشتر در باز کردن آن ناموفق خواهند بود. دلیل چیست؟ آنها خودشان هیچ اطلاعی ندارند. دلیل اساسی این است که نمی‌توان به دنبال چشم سوم بود؛ هر چه بیشتر در آرزوی آن باشید، دیرتر آن را به دست می‌آورید، وقتی کسی مایوسانه در طلب آن است، نه تنها چشم سومش باز نخواهد شد، بلکه به جای آن چیزی نه سیاه و نه سفید از چشم سوم او جاری خواهد شد، که چشم سوم او را خواهد پوشاند. با گذشت زمان، یک طیف وسیعی شکل می‌گیرد. هر چه بیشتر این ماده جاری گردد، بیشتر انبار خواهد شد. هر چه بیشتر در طلب آن باشد، در باز شدن چشم سوم ناموفق‌تر است، و از این ماده بیشتر جاری می‌گردد. در نتیجه، با چنان گستردگی تمام جسم او را می‌پوشاند که با طیفی بسیار بزرگ پهن‌تر می‌شود. حتی اگر چشم سوم این شخص واقعاً هم باز شده باشد، هنوز هم قادر به دیدن چیزی نخواهد بود زیرا که چشم او بوسیله تمایلاتش مسدود شده است. فقط وقتی که دیگر در آینده به آن فکر نکند و کاملاً این تمایل را از دست دهد، بتدریج ناپدید خواهد شد. به هر حال، یک دوره طولانی و بسیار دردناک از تزکیه را برای او خواهد داشت تا از دست آن خلاص گردد. این واقعاً غیرضروری است. بعضی از افراد درباره آن اطلاعی ندارند. هر چند استاد به آنها گوشزد می‌کند که دنبالش نباشند و آن را جستجو نکنند، آن را باور نمی‌کنند. به جستجوی آن ادامه می‌دهند، و در آخر، نتیجه‌اش برعکس می‌شود.

توانایی فوق طبیعی دیدن از راه دور

یک توانایی فوق طبیعی که مستقیماً به چشم سوم مربوط است دیدن از راه دور نامگذاری شده است. بعضی از مردم اظهار می‌کنند: «من می‌توانم در حالیکه اینجا نشسته‌ام صحنه‌هایی را در پکن یا امریکا یا قسمت‌های دیگر روی زمین ببینم.» بعضی از مردم آن را نمی‌توانند درک کنند، و حتی از لحاظ علمی نمی‌توان برای آن توضیحی داشت. چگونه این امکان‌پذیر است؟ بعضی افراد سعی کرده‌اند به گونه‌ای برای آن توضیح بدهند، ولی نمی‌توانند آن را معقولانه شرح دهند. آنها در تعجب‌اند که چگونه مردم می‌توانند چنان توانایی را داشته باشند. این بدین صورت نیست. تمرین‌کننده‌ای در سطح تزکیه فای

سه‌گانه دنیوی این قدرت را ندارد. چیزهایی که او می‌بیند، بعلاوه دیدن از راه دور و خیلی توانایی‌های فوق طبیعی، همگی در یک بُعد بخصوص عمل می‌کنند. اغلب، آنها در ورای این بُعد فیزیکی که نژاد بشری ما در آن وجود دارند نمی‌باشند. آنها مخصوصاً در ورای طیف بعدی خود شخص نیز نمی‌باشند.

در یک بُعد بخصوص، جسم بشری دارای طیفی است که از طیف تقوا متفاوت است. آنها از یک بُعد نمی‌باشند، اما اندازه‌اشان یکی است. طیف مطابق با عالم است و آنچه را که در عالم خارج موجود است بر همین قیاس اینجا در این طیف منعکس می‌شود. هر چیزی می‌تواند منعکس گردد. این یک نوع از تصویر است، اما واقعی نیست. بطور مثال، در زمین آمریکا و واشنگتن، D.C در طیف یک شخص وجود دارند، آمریکا و واشنگتن D.C منعکس شده هستند، اما آنها تصاویر منعکس شده می‌باشند. تصاویر منعکس شده نیز شکلی از وجود ماده‌اند، و آنها نتیجه یک تطابق انعکاسی هستند که برطبق تغییری که در آنجا صورت می‌گیرد، تغییر می‌یابند. بنابراین، توانایی‌های فوق طبیعی که از راه دور بعضی افراد به آن اشاره می‌کنند دیدن چیزهایی در طیف بعدی خود شخص است. وقتی که یک شخص در ورای فای سه‌گانه دنیوی تزکیه را تمرین می‌کند، دیگر به اشیاء به این صورت نگاه نخواهد کرد. او مستقیماً به اشیاء نگاه خواهد کرد، و آن توانایی‌های خدایی بودا نامیده می‌شود. این نیرومندترین قدرت‌ها است.

توانایی فوق طبیعی دیدن از راه دور در فای سه‌گانه دنیوی چه می‌باشد؟ آن را برای همگی توضیح خواهم داد. در این طیف، آینه‌ای روی پیشانی شخص وجود دارد. آینه یک غیر تمرین‌کننده به طرف او قرار دارد، در صورتیکه آینه یک تمرین‌کننده به طرف خارج است. زمانی که توانایی دیدن از راه دور شخصی در حال ظاهر شدن است، آینه به عقب و جلو می‌چرخد. همه می‌دانند برای اینکه یک فیلم سینمایی تصاویری را با حرکت مداوم بیافریند در هر ثانیه بیست و چهار عدد تصویر را نشان می‌دهد. اگر کمتر از بیست و چهار عدد تصویر در هر ثانیه نشان داده شود، تصاویر درهم رفته و تکان می‌خورند. سرعت چرخش آینه بیشتر از بیست و چهار تصویر در ثانیه است، و هر چه را که می‌گیرد منعکس کرده و به طرف شما بر می‌گرداند تا آن را ببینید. با دوباره برگشتن، تصاویر بعداً پاک می‌شوند. آینه منعکس می‌کند و برمی‌گردد، و سپس تصاویر را پاک می‌کند. چرخش بدون توقف ادامه می‌یابد. بنابراین، آنچه که می‌بینید در حرکت است. آینه امکان دیدن آنچه را که در طیف بعدی شما منعکس شده است را می‌دهد، و با آنچه که در عالم بزرگ وجود دارد مطابقت می‌کند.

پس چگونه شخص می‌تواند آنچه را که در پشت سرش است ببیند؟ با چنین آینه کوچکی، چگونه هر چیزی می‌تواند در اطراف جسم شخص منعکس گردد؟ شما می‌دانید که وقتی چشم سوم شخص در ورای بینایی الهی باز است و در حال کسب بینایی عقلائی است، چشم سوم نزدیک به رسیدن به ورای بُعد ما است. در این لحظه وقتی که پیشرفت ناگهانی در راه است، چشم سوم یک تغییر را تجربه خواهد کرد. وقتی که به پدیده‌های فیزیکی نگاه می‌کند، همگی آنها ناپدید خواهند شد. مردم و دیوارها همگی ناپدید خواهند شد - همه چیز ناپدید می‌شوند. دیگر هیچ ماده‌ای وجود نخواهد داشت، یعنی، با نگاهی نزدیک‌تر، درخواهید یافت که در این بُعد بخصوص مردم دیگر وجود ندارند؛ فقط یک آینه وجود دارد که در حوزه طیف بعد شما قرار دارد. با این وجود، آینه در طیف بعدی شما به بزرگی تمام طیف بعد شما است. پس، وقتی که آن به عقب و جلو می‌چرخد، همه چیز را از همه جا منعکس می‌کند. در حوزه و بُعد شما، آن می‌تواند همه چیز را برای شما نشان بدهد، مشروط بر اینکه مطابق با آنچه که از عالم است باشد. این همانی است که ما آن را توانایی فوق طبیعی از راه دور می‌نامیم.

زمانی که دانشمندان جسم بشری را برای این توانایی فوق طبیعی آزمایش می‌کنند، معمولاً آن را به راحتی تکذیب می‌کنند. دلیل تکذیب آن بدین قرار است. برای مثال، وقتی از شخصی درباره آشنای کسی در پکن، پرسیده می‌شود، «این آشنا درخانه‌اش در پکن چه کاری انجام می‌دهد؟» بعد از بازگو کردن نام آشنا و اطلاعات عمومی، شخص می‌تواند او را ببیند. توضیح می‌دهد که خانه چه شکلی است، چگونه از در داخل شد، و بعد از داخل شدن در اتاق چگونه مبلمان شده است. آنچه که او گفته است همه‌اش صحیح است. این آشنا چه کار می‌کند؟ می‌گوید که آشنا در حال نوشتن چیزی است. برای اثبات آن، آنها به آشنا زنگ می‌زنند و سؤال می‌کنند، «در حال حاضر داری چه کار می‌کنی؟» «دارم غذا می‌خورم.» آیا مغایر با آنچه که او دید نمی‌باشد؟ در زمان گذشته، این دلیلی بود برای تکذیب این توانایی فوق طبیعی. محیطی را که به هر حال

او دیده بود در کل اشتباه نبود. زیرا که زمان و بُعد ما، که ما آن را «زمان - مکان» می‌نامیم، زمانی متفاوت از زمان - مکانی دارد که بُعد توانایی فوق طبیعی در اینجا موجودیت دارد، مفهوم زمان در آن دو محل متفاوت است. او چیزی را قبلاً می‌نوشت، و حالا دارد غذا می‌خورد؛ یک چنین تفاوت زمانی وجود دارد. در نتیجه، اگر آنهایی که جسم بشری را مطالعه می‌کنند بر طبق دانش مدرن و تئوریهای مرسوم فرضیه‌های استنباط شده و پژوهش‌های اخلاقی را توصیف کنند، حتی بعد از ده هزار سال دیگر باز هم سعی‌شان بی اثر خواهد بود، زیرا اینها اول از همه چیزهایی در ورای مردم عادی هستند. بنابراین، انسان‌ها احتیاج به تغییر ذهنیت خود دارند و این مسائل را دیگر نباید به این طریق فهمید.

توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع

توانایی فوق طبیعی دیگری که مستقیماً به چشم سوم مربوط است توانایی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع نامیده می‌شود. امروزه شش نوع از توانایی فوق طبیعی وجود دارد که بطور عمومی در دنیا تأیید شده‌اند، شامل چشم سوم، دیدن از راه دور، و آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع است. آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع چیست؟ یعنی اینکه شخص قادر است گذشته و آینده یک فرد را بگوید. با توانایی‌ای قوی‌تر، فرد قادر است صعود و نزول یک جامعه را بازگو کند. با توانایی‌ای حتی عظیم‌تر، شخص می‌تواند قانون تمام تغییرات کیهانی را مشاهده کند. این است توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع. زیرا ماده در حرکت می‌باشد و قانون معینی را دنبال می‌کند، در یک بُعد بخصوص، همه اشیاء شکل هستی خودشان را در خیلی از بُعدهای دیگر دارا هستند. بعنوان مثال، وقتی جسم یک شخص در حرکت است، سلولهای جسم نیز در حرکت خواهند بود، و در سطحی میکروسکوپی تمام عناصر، از قبیل ملکول‌ها، پروتون‌ها، الکترون‌ها، و بیشتر اجزاء میکروسکوپی نیز در حرکت خواهند بود. در عین اینکه همگی شکل مستقل هستی خود را دارا هستند، شکل‌های جسم در بُعدهای دیگر نیز دستخوش تغییر خواهند شد.

آیا ما ذکر نکرده‌ایم که ماده از بین نخواهد رفت؟ در یک بُعد بخصوص، هر چه را که شخص انجام داده است یا هر آنچه را که شخص با یک حرکت دست انجام می‌دهد همگی موجودیت مادی دارند، و هر چه را که او انجام می‌دهد یک تصویر و پیغامی را به جا می‌گذارد. در بُعدی دیگر آن از بین نرفته و تا ابد در آنجا وجود خواهد داشت. یک فرد با توانایی فوق طبیعی با نظری به صحنه‌های موجود در گذشته آنچه را که اتفاق افتاده است خواهد فهمید. بعد از کسب توانایی‌های فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع در آینده، شکل سخنرانی امروز من هنوز هم وقتی که به آن نظری بیاندازید وجود خواهد داشت. این در حال حاضر و هم اکنون در آنجا وجود دارد. در یک بُعد بخصوص که در آن زمان مفهومی ندارد، وقتی یک شخص به دنیا آمده است تمام طول زندگی او در آنجا همزمان وجود دارد. در مورد بعضی افراد، حتی بیشتر از یک دوره زندگی در آنجا وجود دارد.

شاید بعضی افراد فکر کنند: «آیا برای تغییر زندگی‌مان تلاش‌های شخصی ما غیرضروری است؟» آنها نمی‌توانند این را قبول کنند. در حقیقت، تلاش‌های شخصی می‌توانند باعث تغییر بعضی چیزهای کوچک در زندگی شخص باشند. بعضی مسائل کوچک را می‌توان در حین کمی از تلاش‌های خصوصی تغییر داد، اما شاید به خاطر تلاش‌های شما برای تغییر آن باعث شود که کارما بدست آید. وگرنه، موضوع ارتکاب کارما، و حتی مسئله انجام کارهای خوب یا کارهای بد وجود نخواهد داشت. وقتی فردی اصرار به انجام کارهایی بدین صورت می‌کند، می‌خواهد دیگران را مورد استفاده قرار داده و کارهایی نادرست انجام دهد. به همین خاطر در عمل تزکیه از شخص انتظار می‌رود که بطور پیوسته روند طبیعی را ادامه بدهد زیرا می‌تواند در مقابل تمایل خود به دیگران صدمه برساند. اگر زندگی شما چیزی را ندارد که با آن شروع شود و آن چه را که به دیگری در جامعه تعلق دارد تصاحب کنید، شما به آن شخص بدهکار خواهید بود.

درباره اتفاقات بزرگ، یک فرد عادی اصلاً قادر به تغییر آنها نیست. اما یک راه وجود دارد که می‌توان زندگی فرد را عوض کرد. یعنی اینکه این شخص فقط کارهای نادرست را انجام می‌دهد، و هیچ بدی نیست که او انجام ندهد، به این طریق می‌تواند زندگی‌اش را تغییر دهد. به هر حال آنچه که با آن مواجه می‌شود یک نابودی کامل است. از سطحی بالاتر، ما

متوجه شده‌ایم که وقتی شخصی می‌میرد، روح نخستین او از بین نمی‌رود. چرا روح نخستین شخص از بین نمی‌رود؟ در حقیقت، مشاهده کرده‌ایم که بعد از اینکه یک شخص مرده است، جسد او در سردخانه چیزی نیست جز سلول‌های بشری در بُد ما. در این بُد، بافت مختلف سلولی ارگان‌های داخلی و همگی سلولها در تمامی جسم بشری از بین رفته‌اند، در حالیکه در بُدهای دیگر اجسام ساخته شده از اجزاء میکروسکوپی بیشتری از ملکول‌ها، اتم‌ها، پروتون‌ها، غیره اصلاً نمرده‌اند. آنها در بُدهای دیگر وجود دارند و هنوز هم در بُدهای میکروسکوپی زندگی می‌کنند. شخصی که همه نوع کار نادرست را انجام می‌دهد با انحلال کاملی از همه سلول‌ها روبرو می‌شود، که در مذهب بودا آن را نابودی کامل روح و جسم نامیده‌اند.

یک راه دیگری وجود دارد که زندگی یک فرد را می‌توان عوض کرد، و این تنها راه موجود است: یعنی اینکه این شخص از همین حالا راه تزکیه را انتخاب کند. چرا زندگی یک شخص اگر راه تزکیه را انتخاب کند می‌تواند تغییر نماید؟ چه کسی به آسانی می‌تواند یک چنین چیزی را تغییر بدهد؟ به محض اینکه این شخص فکر می‌کند که راه تزکیه را برود و به محض اینکه این فکر ظاهر می‌گردد، مثل طلا می‌درخشد، و دنیا را در ده سو می‌لرزاند. تصور مدرسه بودا درباره تئوری عالم، تئوری ده سوی دنیا است. از دید موجودی والا، زندگی یک فرد برای این نیست که فقط یک انسان باشد. این موجود می‌پندارد که زندگی فرد در بُد کیهان بوجود آمده است و همان کیفیت کیهان را دارا است؛ زندگی نیکخواه است و از حقیقت - نیکخواهی - بردباری (Zhen - Shan - Ren) ساخته شده است. با این همه یک زندگی از روابط اجتماعی تشکیل شده است. در بین رفتار متقابل اجتماعی در جامعه، بعضی از موجودات بد شده و به سطحی پایین‌تر نزول می‌کنند. وقتی که نتوانند در آن سطح باقی بمانند و دوباره بدتر شوند، به سطحی حتی پایین‌تر نزول خواهند کرد. آنها به نزول آنقدر ادامه می‌دهند تا، در نهایت، به سطح بشر امروزی سقوط کنند.

در این سطح این افراد می‌بایستی از بین رفته یا نابود می‌شدند. اما روشن‌بین‌های بزرگ فقط از روی نیکخواهی والایشان محیطی بخصوص را که همانند بُد ما می‌باشد خلق کرده‌اند. در این بُد فضا، به فرد یک جسم فیزیکی اضافی و یک جفت چشم اضافی که فقط می‌تواند اشیاء موجود در این بُد فیزیکی را ببیند داده شده است. یعنی، فرد در خیال باطل از دست رفته است و مجاز به دیدن حقیقت عالم نیست، چیزی که در همه بُدهای دیگر می‌تواند مشاهده گردد. در این خیال باطل و تحت چنین شرایطی، به شخص چنین شانس داده می‌شود. بودن در خیال باطل بزرگترین زجر است. با این جسم، شخص مجبور به زجر کشیدن است. اگر شخصی بخواهد از این بُد به سرچشمه خودش رجعت کند، بر طبق مدرسه تائو باید با عمل تزکیه به اصل خود برگردد، به حقیقت خود. اگر او قلبی برای تزکیه کردن دارد، سرشت بودایی او است که ظاهر شده است. این قلب بسیار با ارزش فرض شده است و دیگران به او کمک خواهند نمود. این شخص در چنین شرایط دشواری گمراه نمی‌شود و می‌خواهد به اصل خود رجعت کند. پس مردم بدون شرط به او کمک خواهند کرد و بدون شرط دست او را خواهند گرفت - با هر چه که فکرش را بکنید به او کمک خواهند نمود. چرا ما می‌توانیم چنین کاری را برای یک تمرین‌کننده انجام بدهیم اما نه برای یک فرد عادی؟ این است دلیل آن.

به هیچ‌وجه نمی‌توانیم به یک فرد عادی که می‌خواهد بیماری‌ها را شفا بدهد کمک کنیم. یک فرد عادی فقط یک فرد عادی است. یک فرد عادی بایستی شرایط اجتماعی انسان‌های عادی را دنبال کند. بسیاری افراد می‌گویند که بودا رستگاری را به موجودات تقدیم می‌کند و مکتب بودا نجات موجودات را تعلیم می‌دهد. من می‌گویم که شما می‌توانید تمام نوشته‌های بودیسم را امتحان کنید، و هیچ‌کدام از آنها نمی‌گویند که شفا دادن بیماری‌های انسان‌های عادی نجات دادن تمام موجودات است. این استادان دروغین چی‌گونگ هستند که این مسئله را در طی سالهای اخیر درهم و برهم کرده‌اند. استادان چی‌گونگ واقعی که راه را آماده کرده‌اند، به شما اصلاً نگفتند که بیماری‌های دیگران را شفا بدهید. آنها فقط به شما آموزش می‌دهند که تزکیه کنید، خودتان را شفا بدهید، و خود را سالم نگهدارید. شما یک فرد عادی هستید. چگونه می‌توانید بیماری‌ها را بعد از آموزش دو روزه معالجه کنید؟ آیا این فریب دادن دیگران نیست؟ آیا این وابستگی‌های شما را تشویق نمی‌کند؟ آن کسب شهرت، نفع شخصی، و چیزی فوق طبیعی برای نمایش در بین مردم عادی است! این مطلقاً ممنوع است.

به همین جهت، هر چه بیشتر مردم در طلب چیزی باشند، کمتر آن را بدست خواهند آورد. شما مجاز نیستید آن طور عمل کنید، و اجازه ندارید که به سادگی نظم جامعه مردم عادی را مختل نمایید.

یک اصل در این عالم وجود دارد، اینکه بخواهید به سرچشمه خودتان رجوع کنید، به حقیقت خودتان، دیگران به شما کمک خواهند نمود. آنها معتقدند که یک انسان به جای اینکه در بین مردم عادی باقی بماند بایستی به آنجایی که می‌آید رجعت کند. اگر به یک فرد اجازه داده شود که زندگی راحتی داشته و بیماری نداشته باشد، حتی علاقه‌ای هم به فناپذیری نخواهد داشت - حتی اگر از او پرسیده شود. چقدر عالی می‌توانست باشد اگر شخص هیچ زجر و بیماری نداشت و آنچه را که می‌خواست بدست می‌آورد! این واقعاً می‌توانست یک دنیای جاودانی باشد. اما شما به این سطح سقوط کرده‌اید زیرا که بد شده‌اید، به همین جهت نمی‌توانید آسوده باشید. انسان می‌تواند به راحتی در خیال باطل مرتکب اعمال بد گردد، و در بودیسم آن را عقوبت کارمایی نام نهاده‌اند. بنابراین، بعضی از افراد وقتی مجازات‌ها یا بدبختی‌هایی دارند، کارمیشان را برطبق عقوبت کارمیشان پرداخت می‌کنند. در بودیسم همچنین گفته شده است که بوداها در همه جا وجود دارند. اگر بودایی یک دست خود را تکان بدهد؛ تمام بیماری‌های بشری می‌تواند پاک گردد؛ این کاملاً انجام شدنی است. با وجود آن همه بوداها در اطراف، چرا هیچکدام از آنها این کار را انجام ندهند؟ به این خاطر که یک شخص اعمال نادرستی را در گذشته مرتکب شده است که از چنین سختی‌هایی زجر می‌کشد. اگر بیماری او را معالجه کرده‌اید، درست مثل این می‌ماند که اساس عالم را نقص کرده‌اید، و مثل این است که فرد بعداً می‌تواند کارهای نادرست را مرتکب گردد و بدهی او به دیگران احتیاجی به بازپرداخت ندارد. این مجاز نیست. پس، همه کس می‌خواهند وضعیت جامعه عادی بشری را حفظ کنند، و هیچکس نمی‌خواهد آن را مختل کند. عمل تزکیه تنها راهی است که خود را بصورت پسندیده‌ای از بیماری‌ها آزاد می‌کنید و هدف آزادی واقعی را به نتیجه می‌رسانید! می‌تواند نجات واقعی همه موجودات فقط با تزکیه راهی درست باشد.

چرا تعدادی از استادان چی‌گونگ می‌توانند بیماری‌ها را معالجه کنند؟ چرا آنها درباره شفا‌ی بیماری‌ها سخن می‌گویند؟ احتمالاً عده‌ای از مردم این سؤالات را مورد توجه قرار داده‌اند. اکثریت این استادان چی‌گونگ از روش‌های تزکیه درست نمی‌باشند. وقتی که، در طی دوره تزکیه، یک استاد حقیقی چی‌گونگ از روی نیکخواهی و همدردی می‌بیند که همه موجودات زجر می‌کشند اجازه دارد به دیگران کمک کند. به هر حال، او نمی‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد، فقط می‌تواند آنها را بطور موقت واپس بزند یا به تعویق بیاورد. از آنجا که بیماری‌های شما را به زمانی دیگر منتقل می‌کند، آنها را در حال حاضر ندارید، اما بعداً دچار آنها می‌گردید. او بیماری‌ها را به جایی دیگر منتقل می‌کند یا به جسم وابستگانتان. او قادر نیست واقعاً کارما را برای شما بطور کامل از بین ببرد. و اجازه ندارد که بدینصورت آن را برای مردم عادی انجام بدهد، بلکه فقط برای تمرین کنندگان. اساس کار این است.

«نجات تمام موجودات»، که در مکتب بودا از آن سخن گفته می‌شود، این معنی را می‌دهد که شما را از اغلب شرایط دردناک مردم عادی به سطوح بالاتر ببرد. دیگر از مشکلات زجر نخواهید کشید، و از دست آنها آزاد خواهید شد - منظور این است. آیا ساکیومونی از جنبه‌های دیگر نیروانا سخنی نگفت؟ این معنای واقعی نجات همه موجودات است. اگر شما به راحتی در بین مردم عادی زندگی کنید، با ثروتی بسیار زیاد، و اگر تشک شما با پول پوشیده باشد و هیچ درد و رنجی نداشته باشید، اگر از شما بخواهند که فناپذیر گردید هیچ علاقه‌ای نخواهید داشت. بعنوان یک تمرین کننده، راه زندگی شما می‌تواند تغییر کند. فقط از طریق عمل تزکیه است که راه زندگی شما می‌تواند تغییر کند.

طرز کار توانایی فوق طبیعی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع مثل این است که شخص یک صفحه کوچک تلویزیون را روی پیشانی خود دارد. بعضی اشخاص آن را در روی پیشانی و عده‌ای در نزدیکی آن دارند. بعضی از افراد هم آن را در داخل پیشانی دارند. بعضی از افراد می‌توانند چیزها را با چشم‌های بسته ببینند. اگر توانایی بسیار قوی باشد، شخص می‌تواند اشیاء را با چشم‌های باز ببیند. از آنجا که آن چیزی است در حوزه بُعد فرد، به هر حال، دیگران نمی‌توانند آنها را مشاهده کنند. یعنی، بعد از اینکه این توانایی فوق طبیعی رشد می‌کند، بایستی کس دیگری وجود داشته باشد که مثل یک پیک صحنه‌هایی از بُعدهای دیگر را انعکاس بدهد. در نتیجه، بوسیله چشم سوم می‌تواند مشاهده گردد. شخص بسیار دقیق،

آینده و گذشته یک فرد را می‌تواند ببیند. هر قدر هم کار فال‌بین‌ها خوب باشد، نمی‌توانند اتفاقات یا جزئیات کوچک را فاش کنند. در هر حال، این شخص می‌تواند اشیاء، بعلاوه طول عمر را خیلی واضح مشاهده کند، جزئیات تغییرات همگی قابل دیدن می‌باشند زیرا آنچه که شخص می‌بیند انعکاسی واقعی از مردم و اشیاء از بُعدهای مختلف است.

تا آنجا که فالون دافا را تزکیه می‌کنید، چشم سوم همه باز خواهد شد. اما توانایی‌های فوق طبیعی که ما بعداً مطرح خواهیم نمود در دسترس نمی‌باشند. با رشد پیوسته سطح شما، توانایی آگاهی پیش از وقوع و آگاهی پس از وقوع بطور طبیعی ظاهر می‌گردد. این صحنه‌ها در عمل تزکیه آینده‌اتان بوقوع خواهند پیوست، و می‌فهمید که وقتی این توانایی رشد می‌کند چه اتفاقی خواهد افتاد. به همین جهت، ما این اصول فا را تعلیم داده‌ایم.

رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه و قلمرو سه‌گانه

«رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه و قلمرو سه‌گانه» چه معنایی دارد؟ این موضوعی بسیار حساس برای بحث است. تعداد زیادی از استادان چی‌گونگ قبلاً در مورد این موضوع سخن گفته‌اند، و در جواب تمام سؤالهایی که از جانب کسانی که به چی‌گونگ اعتقاد نداشته‌اند زبانشان بند آمده است، «کدامیک از شما که چی‌گونگ را تمرین کرده اید به فراسوی عناصر پنجگانه رفته‌اید و در قلمرو سه‌گانه باقی نمانده‌اید؟» بعضی افراد، استادهای چی‌گونگ نیستند، ولی ادعای استادی چی‌گونگ را دارند. اگر آنها درباره این موضوع آگاه نیستند، لازم است که ساکت باشند. به هر حال، آنان هنوز هم جرأت صحبت کردن درباره این موضوع را دارند، و دیگران در نتیجه با سؤالهایشان آنها را مجبور به سکوت می‌کنند. این باعث صدمات بزرگی به جامعه تزکیه کنندگان شده، و هرج و مرج زیادی را بوجود آورده است. بعضی‌ها از این فرصت برای حمله به چی‌گونگ استفاده می‌کنند. رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه و قلمرو سه‌گانه در جامعه تزکیه کنندگان رواج دارد. آن در مذهب ریشه داشته و اصل آن از مذهب می‌آید. به همین جهت، نمی‌توانیم از سابقه تاریخی و محیط موجود در آن زمان، وقتی که درباره این موضوع صحبت می‌کنیم چشم پوشی کنیم.

رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه چه معنایی دارد؟ هر دوی فیزیکدانان گذشته و حال چین تئوری عناصر پنجگانه را درست می‌پندارند. این حقیقت دارد که عناصر پنجگانه مشکل از فلز، چوب، آب، آتش، و خاک بوجود آورنده همه چیز در عالم می‌باشند. به همین جهت، ما درباره تئوری عناصر پنجگانه سخن خواهیم گفت. اگر گفته شود که شخصی به فراسوی عناصر پنجگانه رفته است، به زبان امروزی ما این معنی را می‌دهد که او به فراسوی جهان فیزیکی ما رفته است. به نظر کمی غیر قابل تصور می‌آید. همگی درباره این موضوع فکر کنید: یک استاد چی‌گونگ صاحب گونگ است. من در یک آزمایش شرکت کرده، و خیلی از استادان چی‌گونگ نیز برای اندازه‌گیری انرژی‌اشان مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. بسیاری از دستگاه‌های امروزی می‌توانند رد پای عناصر ماده را در انرژی تزکیه (گونگ) پیدا کنند. یعنی، تا آنجا که چنین دستگاه‌هایی وجود دارند، عناصر ساطع شده از یک استاد چی‌گونگ و وجود گونگ قابل شناسایی می‌باشند. دستگاه‌های مدرن می‌توانند اشعه مادون قرمز، مافوق صوت، مافوق بنفش، مادون قرمز، برق، خاصیت آهنربایی، اشعه گاما، اتم‌ها، و نوترون‌ها را شناسایی کنند. یک استاد چی‌گونگ تمام این عناصر را دارا می‌باشد، و عناصر دیگری نیز بوسیله استادان چی‌گونگ ساطع می‌شوند که غیرقابل شناسایی می‌باشند زیرا که چنین دستگاهی برای شناسایی آن‌ها وجود ندارد. تا آنجا که چنین دستگاهی موجود باشد، هر چیزی قابل شناسایی می‌باشد. کشف شده است که عناصر ساطع شده بوسیله استادان چی‌گونگ بسیار فراوان می‌باشند.

یک استاد چی‌گونگ در اثر یک طیف بخصوص آهنربایی می‌تواند یک هاله نورانی بسیار زیبا و قدرتمندی را پخش کند. هر چه قدرت انرژی او بیشتر باشد، به همان نسبت طیف انرژی بزرگتری را پخش می‌کند. یک فرد عادی نیز یک هاله دارد، اما آن بسیار کوچک و ضعیف است. در پژوهش‌های فیزیک در مورد انرژی بالا، مردم معتقدند که انرژی از اجزایی مثل نوترون‌ها و اتم‌ها درست شده‌اند. بسیاری از استادان چی‌گونگ، از جمله آنهایی که شناخته شده می‌باشند، مورد آزمایش

قرار گرفته‌اند. من نیز مورد آزمایش قرار گرفته‌ام، و معلوم شد که من هشتاد تا صد هفتاد بار بیشتر از حد معمولی اشعه گاما و نوترون‌های حرارتی را دارا هستم. در این نقطه، عقربه دستگاه آزمایشی به انتهای درجه خود رسید، بطوریکه سوزن آن در بالاترین نقطه متوقف شد. در پایان، دستگاه نتوانست نشان بدهد که چه اندازه انرژی داشتم. این واقعاً غیر قابل درک است که یک شخص چنین نوترون‌های قدرتمندی را دارا باشد! چگونه فرد می‌تواند چنان نوترون‌های قدرتمندی را ایجاد کند؟ این همچنین نشان دهنده آن است که ما استادان چی‌گونگ دارای گونگ و انرژی می‌باشیم. این به وسیله جامعه علمی و تکنیکی مورد تایید قرار گرفته شده است.

برای رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه، لازمه‌اش تزکیه هر دو جسم و روان است. اگر یک تزکیه برای جسم و روان فرد نباشد و فقط گونگ را برای سطح شخص رشد بدهد بدون اینکه جسم را تزکیه کند، به این موضوع که لازمه آن رفتن به فراسوی عناصر پنجگانه است ارتباط پیدا نمی‌کند. یک روش تزکیه جسم و روان انرژی را در تمام سلول‌های جسم انبار می‌کند. ذرات انرژی آزاد شده تمرین‌کنندگان متوسط یا آنهایی که به تازگی گونگ‌شان رشد کرده است قطور می‌باشد و دارای فاصله و کمی بهم چسبیده است. به همین جهت، نیروی اندکی دارد. وقتی که سطح شخص بالاتر می‌رود، کاملاً امکان دارد که تراکم انرژی شخص یک صد برابر، یک هزار برابر، یا صد میلیون بیشتر از ملکول‌های معمولی آب باشد. هر چه سطح یک فرد بالاتر رود، انرژی او متراکم‌تر، زیباتر و قدرتمندتر می‌گردد. تحت چنان شرایطی، انرژی در هر یک از سلول‌های بدن انبار می‌گردد. چنین انرژی نه تنها در هر سلول جسم در این بُعد فیزیکی انبار می‌شود، بلکه همچنین در ملکول‌ها، اتم‌ها، پروتون‌ها، و الکترون‌های تمام جسم‌های فرد در بُعدهای دیگر پر می‌گردد، تا اینکه به سلول‌های میکروسکوپی بسیار کوچک برسد. با گذشت زمان، تمام جسم شخص با چنین انرژی والایی پر می‌شود.

این ماده انرژی والا دارای تفکر و توانایی است. زمانی که اندازه آن افزایش می‌یابد و متراکم می‌شود، تمام سلول‌های بشری را پر می‌کند و سلول‌های گوشتی انسان، اکثر سلول‌های نالایق را پس می‌زند. همین که سلول‌ها سرکوب می‌شوند، دیگر دستخوش هیچ سوخت و سازی نمی‌گردند. در نهایت، سلول‌های گوشتی انسان کاملاً جبران می‌شوند. البته، گفتن این موضوع برای من آسان است. تزکیه کردن بدین مرحله پروسه‌ای تدریجی و آهسته است. زمانی که تزکیه شما به این مرحله می‌رسد، ماده انرژی والا جانشین تمام سلول‌های بدن شما خواهد شد. درباره‌اش فکر کنید: آیا هنوز هم جسم شما از این مرحله پنجگانه تشکیل شده است؟ آیا هنوز هم از ماده این بُعد ما تشکیل شده است؟ آن در حال حاضر از ماده انرژی والا از بُعدهای دیگر تشکیل شده است. عنصر تقوا نیز ماده‌ای است که در بعد دیگر وجود دارد، و بوسیله طیف زمانی بُعد ما کنترل نمی‌شود. دانشمندان امروزی معتقدند زمان دارای یک طیف است. اگر چیزی در محدوده طیف زمان نباشد، بوسیله زمان کنترل نمی‌شود. در بُعدهای دیگر، درک زمان و مکان با بعد ما اینجا متفاوت است. چگونه زمان اینجا می‌تواند روی ماده از بُعدهای دیگر تأثیر بگذارد؟ به هر حال نمی‌تواند تأثیر بگذارد. همگی درباره آن فکر کنید: بدین طریق آیا به ورای عناصر پنجگانه نرفته‌اید؟ آیا جسم شما هنوز هم یک جسم انسان عادی است؟ به هیچوجه اینطور نخواهد بود، اما مردم عادی نمی‌توانند فرق آن را ببینند. حتی اگر جسم شخص بدین وسعت تغییر کرده باشد، پایانی برای عمل تزکیه نیست. فرد احتیاج دارد به درجات بالاتر تزکیه کند و پیشرفت ناگهانی سطوح را طی کند. در نتیجه، شخص هنوز هم بایستی در بین مردم عادی عمل تزکیه را انجام بدهد؛ اگر مردم نتوانند این شخص را ببینند تزکیه کاربرد نخواهد داشت.

بعد از آن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر چه در رابطه با تزکیه تمام سلول‌های این شخص در سطح مولکولی جایگزین ماده انرژی والا شده است، اتم‌ها نظم ترکیبی خود را دارا هستند، و ائتلاف و نظم مولکول‌ها تغییر نخواهند کرد. ائتلاف مولکولی سلول‌ها در چنان وضعیتی هستند که وقتی با آنها تماس دارید احساس نرمی می‌کنید. ائتلاف مولکولی استخوان‌ها تراکم بالایی دارند و سخت می‌باشند. تراکم ملکول‌های خون بسیار پایین است، بطوریکه جاری می‌باشند. یک فرد عادی تغییرات شما را از خارج نمی‌تواند ببیند، در حالیکه مولکول‌های سلول‌های شما هنوز هم ساختمان اصلی را حفظ کرده و نظم و ائتلاف آن تغییر نمی‌کند. اما انرژی داخل آن عوض شده است. به همین جهت، یک چنین شخصی از هم‌اکنون بطور طبیعی پیر

نمی‌شود، وسلولهای او از بین نمی‌روند. از این رو، او برای همیشه جوان باقی خواهد ماند. در رابطه با عمل تزکیه، شخص جوان به نظر می‌آید و به همین شکل باقی می‌ماند.

البته، اگر جسم شخصی با ماشینی تصادف کند ممکن است شکستگی پیدا کند. شخص ممکن است وقتی که با چاقو خود را ببرد خونریزی بکند، زیرا که نظم مولکولی شخص تغییر نکرده است. فقط اینکه سلول‌ها بطور طبیعی نمی‌میرند یا بطور طبیعی پیر نمی‌شوند. سوخت و سازی وجود ندارد. این همانی است که «رفتن به ورای عناصر پنجگانه» می‌نامیم. چه خرافاتی در آن وجود دارد؟ در رابطه با اصول علمی نیز حتی می‌توان برای آن توضیح داد. بعضی افراد قادر نیستند توضیحی برای آن بدهند، در نتیجه بدون توجه درباره آن اظهار نظر می‌کنند. دیگران بدین نحو می‌خواهند بگویند که آنها خرافات را ترویج می‌کنند. از آنجا که این اظهاریه از مذهب می‌آید، واژه‌ای نیست که از چی‌گونگی مدرن ما بوجود آمده باشد.

«خارج شدن از دنیای سه‌گانه» چیست؟ روزهای قبل توضیح دادم که تمام رشد گونگی در تزکیه شین‌شینگ ما قرار دارد و جذب شدن در طبیعت عالم. طبیعت عالم شما را محدود نخواهد کرد. زمانی که شین‌شینگ شما ترقی می‌کند؛ عناصر تشکیل دهنده تقوا به گونگی تبدیل می‌شود که بطور پیوسته به طرف سطح بالا ترقی می‌کند، بدین نحو ستون گونگی را شکل می‌دهد. هر اندازه این ستون گونگی بالاتر باشد، به همان نسبت نیز سطح انرژی گونگی شما بالا است. ضرب‌المثلی می‌گوید: «دافای عظیم بی‌حد و مرز است.» تزکیه کاملاً به قلب شما بستگی دارد. با توجه به اینکه سطح تزکیه شما در چه حدی قرار دارد، همگی بستگی به طاقت و توانایی شما در تحمل سختی‌ها دارد. اگر ماده سفید خودتان را مصرف کنید، ماده سیاه شما می‌تواند از طریق تحمل سختی‌ها تبدیل به ماده سفید گردد. اگر هنوز هم کافی نباشد، می‌توانید گناهان دوستان یا همبستگانی که عمل تزکیه را انجام نمی‌دهند تحمل کنید، و هنوز هم می‌توانید بدین وسیله گونگی را رشد بدهید. این فقط درباره کسانی صادق است که به درجه بسیار بالایی از عمل تزکیه رسیده باشند؛ یک تمرین‌کننده معمولی نباید درباره تحمل کردن گناهان بستگان فکر کند. با چنان کارمای بی‌اندازه بزرگی، یک شخص عادی نمی‌تواند در تزکیه موفق گردد. من اینجا اصولی را در سطوح مختلف توضیح می‌دهم.

قلمرو سه‌گانه که در مذاهب مطرح شده است به نه سطح از آسمان یا سی و سه سطوح از آسمان اشاره می‌کند - یعنی، آسمان، زمین، و زیرزمین، شامل تمام موجودات زنده در قلمرو سه‌گانه است. آنها معتقدند که تمام موجودات زنده در سی و سه لایه آسمانی از میان دایره بازپیدایی «سامسارا» عبور می‌کنند. «سامسارا Samsara» این معنی را می‌دهد که شخص در این زندگی یک انسان است، و ممکن است در زندگی دیگر یک حیوان بشود. در بودیسم گفته شده است: «فرد نباید در طی این زندگی لحظه‌ای را از دست بدهد. اگر الان عمل تزکیه را انجام نمی‌دهید، پس کی آن را انجام خواهید داد؟» به همین جهت حیوانات اجازه ندارند که عمل تزکیه را انجام بدهند، و حتی اجازه ندارند که به فا (Fa) گوش بدهند. حتی اگر عمل تزکیه را هم انجام بدهند، نمی‌توانند به میوه حقیقت "Right Fruit"^۳ نایل شوند. اگر سطح گونگی آنها زیاد گردد، آسمان آنها را از بین خواهد برد. شاید نتوانید یک جسم بشری را در عرض چند صد سال بدست آورید، شاید، بعد از هزار سال یکی را بدست آورید. وقتی هم که یک جسم بشری را بدست آوردید، حتی نخواهید فهمید که چگونه به آن ارزش بگذارید. اگر به صورت یک تکه سنگ باز پیدا شدید، قادر نخواهید بود بعد از ده هزار سال از آن بیرون بیایید. اگر آن تکه سنگ شکسته نشود و یا بر اثر تغییرات جوی از بین نرود، شما هرگز قادر به خروج از آن نخواهید شد. کسب یک جسم بشری بسیار مشکل است! اگر شخصی واقعاً دافا را بتواند کسب کند، درحقیقت بسیار خوشبخت است. این بدین معنا است که بدست آوردن یک جسم بشری بسیار مشکل است.

ما در عمل تزکیه به موضوع سطوح می‌پردازیم، و این کاملاً به عمل تزکیه فرد بستگی دارد. اگر شما بخواهید به ورای قلمرو سه‌گانه بروید و اگر ستون گونگی شما به سطح بسیار بالایی تزکیه شده باشد، آیا به فراسوی قلمرو سه‌گانه نرفته‌اید؟ زمانی که روح نخستین شخصی، جسم را که در حال نشسته در مدیتیشن است ترک می‌کند، می‌تواند بلافاصله به یک سطح

۳ - Right Fruit - نایل شدن به مقام باروری در مدرسه بودا.

بسیار بالایی برسد. تمرین‌کننده‌ای در گزارش تجربه‌اش برای من نوشت، «معلم، Teacher^۴، من به خیلی از سطوح آسمانی صعود کرده‌ام و صحنه‌هایی را مشاهده نموده‌ام.» به او گفتم که بالاتر برود. او گفت، «نمی‌توانم. بیشتر از این جرأت بالا رفتن را ندارم، و قادر نیستم بیشتر از این بالا بروم.» چرا؟ زیرا که ستون گونگ او فقط به همان اندازه بود، و بر اثر نشستن بر ستون گونگ توانسته بود به آنجا برسد. این مقام باروری در تزکیه است که در بودیسم از آن صحبت شده، و تزکیه او به آن درجه رسیده بود. به هر حال، برای یک تمرین‌کننده، این هنوز قله مقام باروری شخص نیست. شخص بدون انقطاع به بالا حرکت می‌کند و بدون انقطاع خودش را رشد می‌دهد. اگر ستون گونگ شما به ورای حد و مرز قلمرو سه‌گانه برسد، آیا در فراسوی قلمرو سه‌گانه نخواهید بود؟ با تحقیقاتی که انجام داده‌ایم و متوجه شده‌ایم که قلمرو سه‌گانه‌ای که مذاهب به آن اشاره نموده‌اند فقط در قلمرو نه سیاره بزرگ (nine major planets) ما قرار دارد. بعضی افراد از ده سیاره بزرگ سخن گفته‌اند. می‌توانم بگویم که آنها اصلاً حقیقت ندارند. من دریافته‌ام که بعضی از استادان چی گونگ در گذشته ستون گونگ بسیار بالایی را دارا بودند که به ورای راه شیری (Milky - way) می‌رسیدند؛ آنها بسیار بالاتر از ورای قلمرو سه‌گانه رفتند. در حال حاضر من از رفتن به فراسوی قلمرو سه‌گانه صحبت می‌کنم. این در حقیقت موضوعی درباره سطوح است.

موضوع در طلب بودن

بسیاری از افراد با وابستگی به اینکه در طلب چیزی هستند به محل تزکیه ما می‌آیند. بعضی افراد در اشتیاق کسب توانایی‌های فوق طبیعی‌اند؛ برخی از افراد می‌خواهند به بعضی از تئوری‌ها گوش دهند؛ عده‌ای می‌خواهند بیماری‌ها شفا یابند؛ عده‌ای هم قصد بدست آوردن فالون را دارند. همه نوع طرز تفکری وجود دارد. با این همه، دیگران می‌گویند: «در خانواده من کسی هست که نتوانسته در سخنرانی شرکت کند. من برای آموزش مبلغی می‌پردازم، و خواهش می‌کنم به او یک فالون بدهید.» برای ما چندین نسل، یک زمان بی‌نهایت طولانی، تعداد سالهای فوق‌العاده‌ای برای خلق این فالون طول کشیده شده است. چگونه می‌توانید فالون را فقط برای چند ده یان (yuan)^۵ بخرید؟ برای چه می‌توانیم آن را به همه شما بدون شرط بدهیم؟ به این خاطر که شما می‌خواهید تمرین‌کننده باشید. این قلب را نمی‌توان با هیچ قیمتی خرید. فقط زمانی که طبیعت بودایی شما ظاهر می‌شود می‌توانیم این کار را بدین طریق انجام دهیم. شما به وابستگی در طلب بودن چسبیده‌اید. آیا اینجا فقط برای این منظور آمده‌اید؟ فاشن (Fashen) من در بُعدی دیگر هر چه را که در مغزتان می‌گذرد می‌داند. به خاطر درک اختلاف هر دوی زمان و مکان، در بُعدهای دیگر شکل گرفتن افکار شما در یک پروسه بسیار آرامی دیده شده است. فاشن قبل از اینکه به چیزی فکر کنید آن را خواهد دانست. به همین جهت، شما بایستی تمام افکار نادرست خودتان را رها کنید. مکتب بودا به ارتباط سرنوشت معتقد است. هر کسی به خاطر یک رابطه سرنوشتی به اینجا آمده است. اگر آن را بدست آورید، شاید احتمالاً لایق آن هستید. به همین جهت لازم است به آن ارزش بگذارید و در طلب چیزی نباشید.

در عمل تزکیه مذهبی در زمان‌های گذشته، مکتب بودا خلاء را ضروری می‌دانست. شخص نمی‌بایست به چیزی فکر کند و از راه سکون داخل می‌شد. در مکتب تائو از پوچی صحبت شده است، و اینکه چیزی وجود ندارد. فرد نباید چیزی را بخواهد، یا حتی در طلب چیزی باشد. صحبت از آن می‌شود که یک تمرین‌کننده قلبی برای تزکیه گونگ دارد، اما با قصد نباید آن را بدست آورد. در تزکیه و تمرین شخص باید در وضعیت آزاد از قصد و نیت باشد. تا آنجا که به تزکیه شین‌شینگ خودتان تمرکز می‌کنید، می‌توانید در سطح‌تان پیشرفت غیرمنتظره‌ای را داشته باشید و مطمئناً آنچه را که لایقش هستید بدست می‌آورید. اگر نتوانید چیزی را رها کنید، آیا آن یک وابستگی نمی‌باشد؟ همه آنچه را که ما در اینجا آموزش داده‌ایم یک چنان‌فا در سطحی بالا است، البته شرایط برای شین‌شینگ شما نیز یک استاندارد بالایی را می‌طلبد. به همین جهت، فرد نبایستی فا را با وابستگی طلب یاد بگیرد.

۴- Teacher – (هم‌چنین استاد) روشی مؤدبانه برای خطاب کردن به معلم در چین.

۵- Yuan – یک واحد پولی چینی (حدود ۰/۱۲ دلار آمریکایی).

۶- Fashen (Fah – shun) – «بدن قانون» بدنی که از فا و گونگ تشکیل شده است.

با مسئول بودن در مقابل همه، راه درست را به شما راهنمایی می‌کنیم، و باید این فا را بدرستی به شما توضیح بدهیم. وقتی کسی در طلب چشم سوم است، آن به خودی خود بسته و مهر و موم می‌شود. بعلاوه، به همگی شما می‌گویم که تمام توانایی‌های فوق طبیعی و توانایی‌های فطری این جسم فیزیکی که فرد در عمل تزکیه فای سه گانه دنیوی رشد می‌دهد همگی اصیل می‌باشند. امروزه آنها را می‌توانیم توانایی‌های فوق طبیعی بنامیم. آنها فقط می‌توانند در این بُعد ما کاری باشند و روی مردم عادی تأثیر بگذارند. چرا دنبال چنین تردستی‌های ناقابل هستید؟ شما در طلب این یا آن هستید، اما بعد از گذر از فای سه گانه دنیوی، آنها در بُعدهای دیگر به کار نخواهند آمد. در موقعی که در تزکیه در فراسوی فای سه گانه دنیوی هستید، تمام این توانایی‌های فوق طبیعی بایستی کنار گذاشته شوند و در بُعدی بسیار عمیق برای نگهداری جمع گردند. در آینده، آنها بعنوان یک یادداشت از عمل تزکیه‌اتان به شما خدمت خواهند کرد، و فقط این کمک کوچک را به عهده خواهند گرفت.

بعد از رسیدن به فراسوی فای سه گانه دنیوی، شخص بایستی دوباره تزکیه را شروع کند. همانطور که در بالا ذکر نمودم، جسم فرد جسمی است که از عناصر پنجگانه خارج شده است. آن یک جسم بودا است. آیا نباید یک چنان جسمی را یک جسم بودا نامید؟ این جسم بودا باید دوباره از اول شروع به عمل تزکیه بکند و همچنین توانایی‌های فوق طبیعی را دوباره رشد بدهد. به جای اینکه به «توانایی‌های فوق طبیعی» نامیده شوند، هم‌اکنون به «توانایی‌های خدایی فای بودا» نامیده می‌شوند. آنها بی‌نهایت قوی می‌باشند و می‌توانند در بُعدهای مختلف عمل کرده، و واقعاً مؤثر باشند. چه فایده‌ای دارد که در طلب توانایی‌های فوق طبیعی باشید؟ برای تمام کسانی که دنبال توانایی‌های فوق طبیعی هستند، آیا اینطور نیست که برنامه‌ریزی می‌کنید تا آنها را مورد استفاده قرار دهید و در بین مردم عادی به نمایش بگذارید؟ وگرنه، برای چه آنها را می‌خواهید؟ آنها غیرقابل دیدن و درک هستند. حتی برای هدف آذین‌بندی هم، شخص می‌خواهد چیزی را پیدا کند که ظاهر خوبی داشته باشد. این محرز است که بطور ناخودآگاه قصد دارید آنها را مورد استفاده قرار دهید. آنها را بعنوان مهارت‌های مردم عادی نمی‌توان طلب کرد. آنها کاملاً فوق طبیعی هستند، و شما مجاز نیستید که آنها را در بین مردم عادی به نمایش بگذارید. نمایش دادن برای خودش یک وابستگی بسیار قوی می‌باشد و یک وابستگی بسیار بد که یک تمرین‌کننده باید آن را رها کند. اگر می‌خواهید بوسیله آنها صاحب پول و دارایی گردید، یا اگر در آرزوی رسیدن به اهداف شخصی‌تان در بین مردم عادی هستید، اینها قذغن می‌باشند. آن تلاشی برای استفاده کردن از چیزهایی در سطوح بالا برای آشفته کردن و تضعیف نمودن جامعه مردم عادی است. حتی آن فکر بدترین است. برای همین آنها مجاز نیستند به سادگی مورد استفاده قرار بگیرند. معمولاً، توانایی‌های فوق طبیعی بیشتر برای رشد دو گروه از مردم مساعد هستند: کودکان و مسن‌ها. مخصوصاً، خانم‌های مسن معمولاً از شین‌شینگ خوبی بدون وابستگی‌های زیاد در بین مردم عادی برخوردارند. بعد از رشد توانایی‌های فوق طبیعی، آنها می‌توانند به راحتی خودشان را بدون اینکه تمایلی به نمایش گذاشتن آنها داشته باشند کنترل کنند. چرا برای مردم جوان مشکل است که توانایی‌های فوق طبیعی را رشد دهند؟ بخصوص، یک مرد جوان هنوز هم می‌خواهد تقلا کند که به بعضی از هدف‌ها در جامعه مردم عادی برسد! وقتی که توانایی‌های فوق طبیعی را مالک شد، می‌خواهد آنها را برای رسیدن به هدف‌هایش مورد استفاده قرار بدهد. استفاده آنها به منظور تحقق بخشیدن به اهداف او کاملاً ممنوع است، در نتیجه او توانایی‌های فوق طبیعی را رشد نمی‌دهد.

موضوع عمل تزکیه یک بازیچه نیست، نه حتی مهارت‌های مردم عادی - این موضوعی است بسیار جدی. اگر بخواهید عمل تزکیه را انجام بدهید یا قادر به انجام آن باشید کاملاً مربوط به چگونگی رشد شین‌شینگ شما است. این وحشتناک است اگر کسی واقعاً بتواند از طریق در طلب بودن، توانایی‌های فوق طبیعی را کسب کند. شما خواهید یافت که او اهمیتی به تزکیه نمی‌دهد یا اصلاً درباره این موضوع فکر نمی‌کند. زیرا که شین‌شینگ او در سطح مردم عادی است و توانایی‌های فوق طبیعی او از طریق طلب داشتن ظاهر شده‌اند، ممکن است مرتکب همه نوع کار نادرستی شود. پول زیادی در بانک موجود است، و می‌تواند مقداری از آنها را جابجا کند. تعداد زیادی بلیط لاتاری در خیابان به فروش می‌رود، و می‌تواند برنده اول بشود. چرا این چیزها اتفاق نمی‌افتد؟ بعضی از استادان چی‌گونگ می‌گویند: «بدون داشتن تقوا، فرد می‌تواند به راحتی

کارهای نادرست را بعد از رشد توانایی‌های فوق طبیعی انجام بدهد». من می‌گویم که این یک نظریه غلط است - اصلاً اینطوری نیست. اگر به تقوای خودتان ارزش نگذارید یا شین‌شینگ خودتان را تزکیه نکنید، به هیچ عنوان نخواهید توانست توانایی فوق طبیعی را رشد بدهید. با شین‌شینگی خوب، بعضی افراد توانایی‌های فوق طبیعی را در سطح خودشان رشد می‌دهند. بعداً نمی‌توانند خودشان را کنترل کنند و کارهایی می‌کنند که نباید انجام می‌دادند. این وضعیت همچنین وجود دارد. یک بار که شخص کاری نادرست را انجام می‌دهد، به هر حال، توانایی‌های فوق طبیعی او ضعیف شده یا از بین می‌روند. اگر یکبار آنها از دست بروند، برای همیشه از دست رفته هستند. از این گذشته، بدترین مسئله این است که آنها باعث می‌شوند که وابستگی فرد رشد کند.

یک استاد چی‌گونگ ادعا می‌کرد که اگر شخصی تمرین او را برای سه یا پنج روز انجام دهد، می‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد. آن شبیه یک تبلیغ است، آنها را می‌توان بعنوان دلالتان چی‌گونگ نام برد. همگی درباره آن فکر کنید: بعنوان یک فرد عادی، چگونه می‌توانید بیماری اشخاص دیگر را فقط از طریق آزاد کردن کمی از چی (qi) خودتان معالجه کنید؟ جسم یک شخص عادی نیز دارای چی در درون است، درست مثل جسم شما. شما هم‌اکنون شروع به تمرین نموده‌اید، و این بدین صورت است که نقطه طب سوزنی وسط کف دست (laogong point)^۷ شما باز است، در نتیجه می‌توانید چی را به داخل وارد و خارج کنید. وقتی که بیماری‌های دیگران را شفا می‌دهید، آنها نیز در جسم‌شان دارای چی می‌باشند. شاید (چی) آنها بیماری‌های شما را شفا می‌دهند! چگونه چی شخص می‌تواند تحت نفوذ افراد دیگر باشد؟ چی اصلاً نمی‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد. علاوه، وقتی یک بیمار را مداوا می‌کنید، شما و بیمار شما یک طیف را درست می‌کنید که از طریق آن چی مریض بیمار همگی وارد بدن شما می‌شود. شما آنقدر از آن را دارید که بیمار شما دارد، با در نظر گرفتن به اینکه بیماری در جسم بیمار ریشه دوانده است. چی بیش از حد مریض می‌تواند بخوبی باعث بیماری شما بشود. یکبار که فکر می‌کنید می‌توانید بیماری‌ها را معالجه کنید، شروع به قبول بیماران می‌کنید. درخواست‌ها را نمی‌خواهید رد کنید و یک وابستگی را رشد می‌دهید. از اینکه بتوانید بیماری دیگران را شفا بدهید چقدر خوشحال می‌شوید! چرا آنها می‌توانند شفا پیدا کنند؟ آیا درباره آن فکر نکرده‌اید؟ تمام استادان چی‌گونگ قلبی در جسم‌هایشان روح یا حیوان تصاحب کننده دارند. برای اینکه شما را معتقد به خودشان بکنند، مقداری از اطلاعات خودشان را به شما می‌دهند که بعد از اینکه سه، پنج، هشت، یا ده بیمار را شفا داده‌اید مورد استفاده قرار می‌گیرند. آن انرژی مصرف می‌کند، و بعد از آن دیگر این تکه از انرژی وجود نخواهد داشت. شما گونگ خودتان را نخواهید داشت، پس از کجا احتمالاً می‌توانید آن را بدست آورید؟ بعنوان استادان چی‌گونگ، ما تزکیه را برای چندین دهه سال عمل کرده‌ایم. در گذشته انجام عمل تزکیه بسیار سخت بود. اگر شخص یک راه منحط یا راهی کوچک را به جای یک راه درست دنبال کند عمل تزکیه بسیار مشکل خواهد بود.

هر چند شما ممکن است بعضی از استادان بزرگ چی‌گونگ را پیدا کنید که شناخته شده هستند و در طی دهه‌ها سال تزکیه کرده‌اند تا این تکه از گونگشان را رشد بدهند. شما هرگز تزکیه نکرده‌اید. چگونه می‌توانید صاحب گونگ بعد از شرکت در یک کلاس چی‌گونگ گردید؟ چگونه این می‌تواند امکان‌پذیر باشد؟ شما یک وابستگی را پس از آن رشد خواهید داد. زمانی که یک وابستگی رشد کرده است، نگران خواهید شد که نتوانید یک بیماری را معالجه کنید. چه چیزی برای حفظ شهرت در فکر یک فرد می‌گذرد در حالیکه بیماری را مداوا می‌کند؟ «اجازه بده که این بیماری را داشته باشم در نتیجه بیمار می‌تواند شفا پیدا کند.» آن از روی نیکخواهی نیست، در حالیکه وابستگی فرد به شهرت و نفع شخصی اصلاً رها نشده است. این شخص قادر نیست یک تکه از این نیکخواهی را رشد بدهد. او از اینکه شهرت خود را از دست بدهد وحشت دارد. او حاضر است که این بیماری را خودش بگیرد تا اینکه شهرت خود را حفظ کند. چه وابستگی قدرتمندی است برای شهرت! وقتی که یکبار این آرزو خواسته شود، در نتیجه، آن بیماری در یک آن به جسم او منتقل خواهد شد - این واقعاً اتفاق خواهد افتاد. او با بیماری به خانه می‌رود در حالیکه بیمار شفا یافته است. بعد از ملاقات بیمار، در خانه زجر خواهد کشید. فکر

۷ - laogong (Laow - gong) نقطه طب سوزنی در وسط کف دست.

می‌کند که یک بیماری را شفا داده است. وقتی دیگران او را به نام استاد چی‌گونگ صدا می‌کنند، خرسند شده و بسیار راضی می‌شود. آیا این یک وابستگی نیست؟ وقتی که نتواند بیماری‌ایی را معالجه کند، سرش را پایین انداخته و احساس افسردگی می‌کند. آیا این به سبب وابستگی او برای شهرت و برد شخصی نیست؟ بعلاوه، تمام چی بیمار از طرف بیمار به جسم او منتقل خواهد شد. هر چند که آن استادان قلبی چی‌گونگ به او آموزش داده‌اند که چگونه بیماری را از جسم او خارج کنند، به شما می‌گویم که نمی‌تواند اصلاً آنها را خارج کند، حتی یک تکه از آن را، زیرا که او شخصاً توانایی تشخیص بین چی خوب و چی بد را ندارد. با گذشت زمان، داخل بدن کاملاً سیاه خواهد شد، و آن کارما می‌باشد.

وقتی شما می‌خواهید بطور واقعی عمل تزکیه را انجام بدهید، این تقریباً یک عذاب خواهد بود. چه کاری می‌خواهید درباره آن انجام بدهید؟ چه اندازه باید زجر بکشید تا کارما را به انرژی سفید تبدیل کنید؟ این بسیار مشکل است. بخصوص، هر چه کیفیت مادرزادی یک شخص بهتر باشد، این موضوع آسان‌تر آشکار می‌گردد. بعضی افراد همیشه در جستجوی معالجه بیماران هستند. اگر شما در طلب چیزی هستید، یک حیوان آن را می‌بیند و می‌آید که شما را تصاحب کند. روح یا حیوان تصاحب کننده است، آیا نمی‌خواهید بیماری‌ها را مداوا کنید؟ به شما کمک می‌کند که این کار را انجام بدهید. اما، بدون دلیل به شما کمک نمی‌کند که بیماری‌ها را مداوا کنید. اگر باختی نباشد، بردی نیست. این بسیار خطرناک است، و شما در نهایت آن را به خودتان جذب می‌کنید. چگونه می‌توانید تزکیه خودتان را ادامه بدهید؟ تمام آن از بین خواهد رفت.

بعضی افراد با کیفیت مادرزادی خوب کیفیت مادرزادی‌شان را با کارمای دیگران عوض می‌کنند. آن شخص مریض است و کارمای بسیاری دارد. اگر بیماری را که مرضی جدی دارد شفا بدهید، بعد از آن در منزل احساس بسیار بدی خواهید داشت. در گذشته، بسیاری از افراد بعد از دیدن یک بیمار چنین احساسی داشتند: بیمار در حال بهبودی است، اما شما در خانه حالتان بسیار بد است. با گذشت زمان، کارمای بیشتری به شما منتقل می‌شود؛ شما به دیگران تقوا می‌دهید و کارما می‌گیرید. اگر باختی نباشد بردی نیست. در عوض آن چه که بدست می‌آورید بیماری است، کارما می‌بایستی با تقوا مبادله گردد. در این عالم این اصل صدق می‌کند تا آنجا که شما خودتان چیزی را بخواهید هیچ کس مانعتان نمی‌شود، و کسی نخواهد گفت که شما خوب هستید. یک قانون بخصوصی نیز در عالم وجود دارد، یعنی اینکه، هر کسی کارمای زیادی داشته باشد فردی است بد. شما کیفیت مادرزادی خودتان را به کسان دیگر در مقابل کارما می‌دهید. با کارمای بیشتر، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ کیفیت مادرزادی شما کاملاً بوسیله آن شخص از بین خواهد رفت. آیا این ترسناک نیست؟ بیماری آن شخص از بین رفته است؛ او در حال حاضر احساس راحتی دارد، اما شما در منزل زجر می‌کشید. اگر چند بیمار سرطانی را شفا بدهید، پس مجبورید جای آنها را بگیرید. آیا این خطرناک نیست؟ درست به همین شکل است، و بسیاری از افراد حقیقت را نمی‌دانند.

به شهرت بعضی از استادان قلبی چی‌گونگ اهمیت ندهید. یک فرد شناخته شده الزامی ندارد که بخوبی آگاه به مسائل باشد. مردم عادی چه چیزی را می‌دانند؟ وقتی یک بار مسائل بصورت مالیخولیایی درمی‌آیند، آن را قبول می‌کنند. به هر حال شما متوجه می‌شوید که آنها حالا این کارها را انجام می‌دهند، نه تنها به دیگران صدمه می‌زنند، بلکه به خودشان هم آسیب وارد می‌کنند. در یک یا دو سال بعد خواهید دید که چه چیزی برای آنان اتفاق می‌افتد. عمل تزکیه نمی‌تواند بدین طریق خدشه‌دار شود. عمل تزکیه می‌تواند بیماری‌ها را مداوا کند، اما برای معالجه بیماری‌ها بکار نمی‌رود. این تبحر انسانهای عادی نیست بلکه مسئله ای است فوق طبیعی و سرسری نابود کردن آن مطلقاً ممنوع است. این روزها بعضی از استادان قلبی چی‌گونگ همه چیز را به هرج و مرج کشانده‌اند، و چی‌گونگ را بعنوان پشت گرمی برای شهرت یا دارائی مورد استفاده قرار می‌دهند. آنها تب نفوذ شیطانی خود را گسترش می‌دهند، و از لحاظ تعداد چند برابر بیشتر از استادان واقعی چی‌گونگ می‌باشند. مردم عادی همگی اینگونه می‌گویند و به این طریق عمل می‌کنند، و شما دقیقاً به آنها اعتقاد دارید؟ ممکن است که تصور کنید که چی‌گونگ دقیقاً بدان صورت است، اما اینطور نیست. آنچه را که می‌گویم اصول واقعی می‌باشند.

زمانی که تأثیر متقابل اجتماعی مختلفی بین مردم عادی پدید می‌آید، شخص برای سود شخصی‌اش اعمال نادرستی را مرتکب می‌شود و به دیگران مدیون می‌گردد. شخص باید رنجی را تحمل کند تا این دین را بپردازد. فرض کنید که یک بیماری را به راحتی معالجه کنید. چگونه می‌توانید اجازه داشته باشید که یک بیماری را بطور واقعی شفا دهید؟ بوداها همه جا

حضور دارند، تعداد بسیار زیادی از آنها، چرا آنها چنین کاری را انجام نمی‌دهند؟ چقدر شگفت‌انگیز می‌توانست باشد اگر یک بودا می‌توانست همه بشریت را به آرامش برساند! چرا او این کار را نمی‌کند؟ شخص باید کارمای خودش را پس دهد، و هیچ کس جرأت نمی‌کند که در این اصل کارشکنی کند. در طی فرآیند عمل تزکیه، یک تمرین‌کننده ممکن است گاه و بیگاه به دیگران از روی نیکخواهی کمک کند؛ به هر حال، او فقط بیماری را به تعویق می‌اندازد. اگر اکنون زجر نمی‌کشد، بعداً زجر خواهد کشت. همچنین، شخص ممکن است آن را تغییر بدهد بطوریکه پولی را از دست بدهد یا مجازاتی بگیرد به جای اینکه بیماری‌ای داشته باشد، احتمالاً می‌تواند بدین صورت باشد. از بین بردن واقعی کارمای یک شخص به یک دفعه فقط می‌تواند برای تمرین‌کنندگان انجام شود، و نه برای مردم عادی. من اینجا فقط اصول مکتب خود را تعلیم نمی‌دهم. صحبت از اصول تمام عالم می‌کنم، و درباره عوامل واقعی در حوزه تزکیه کنندگان بحث می‌کنم.

اینجا به شما آموزش نمی‌دهیم که بیماری‌ها را معالجه کنید. ما شما را به راه بزرگ راهنمایی می‌کنیم، راه درست، و شما را تعالی می‌بخشیم. بنابراین، در طی سخنرانی‌هایم همیشه به تمرین‌کنندگان فالون دافا خواهم گفت که اجازه ندارند بیماری‌ها را معالجه کنند. اگر بیماری‌ها را معالجه کنید، تمرین‌کننده فالون دافا نخواهید بود. زیرا که ما شما را به راه درست راهنمایی می‌کنیم، در جریان عمل تزکیه فای سه‌گانه دنیوی جسم شما پیوسته پاک خواهد شد تا اینکه کاملاً به ماده انرژی اعلاء تبدیل گردد. چگونه می‌توانید تزکیه بکنید اگر هنوز هم چیزهای سیاه را در جستم‌تان جمع‌آوری می‌کنید؟ آن چیزها کارما هستند! شما در کل قادر به تزکیه نخواهید بود. با آن همه کارما، قادر به تحمل آن نخواهید بود. دلیل آن این است که اگر بیش از حد زجر بکشید، نخواهید توانست عمل تزکیه را انجام دهید و این است علت آن. من این دافا را عمومی کرده‌ام، و شما ممکن است هنوز هم نفهمیده باشید چه چیزی را آموزش داده‌ام. از آنجا که دافا توانسته به عموم عرضه گردد، راه‌هایی برای حمایت از آن وجود دارند. اگر بیماری دیگران را معالجه کنید، فاشن من هر چه را که به جسم شما برای تزکیه داده شده است پس خواهد گرفت. ما نمی‌توانیم به شما اجازه بدهیم که به سادگی چیزی به این بالارزشی را به خاطر شهرت و نفع شخصی‌تان از بین ببرید. اگر شما شرایط فا را مراعات نکنید، تمرین‌کننده فالون دافا نمی‌باشید. زیرا که شما می‌خواهید یک فرد عادی باقی بمانید و جسم شما دوباره به سطح یک فرد عادی باز خواهد گشت و چیزهای نادرست دوباره به شما باز خواهند گشت.

بعد از سخنرانی دیروز، بسیاری از شما احساس کردید که تمام جستم‌تان سبک شده. با این همه، دیروز تعداد کمی از افراد با بیماری‌های جدی، به جلو پیش رفته و احساس بدی پیدا کردند. دیروز بعد از خارج نمودن عوامل بد از جستم‌تان، اغلب شما احساس کردید که تمام جستم‌تان سبک شده و بسیار راحت می‌باشید. با این وجود، عالم ما این اصل را دارد «اگر باختی نباشد، بردی نیست.» ما نمی‌توانیم هر چیزی را برای شما رفع کنیم. در مجموع مجاز نیست که شما زجری را تحمل نکنید. یعنی اینکه، ما علت اصلی بیماری‌های شما را و سلاستی ضعیف‌تان را از بین برده‌ایم. اما، شما هنوز هم یک طیف از بیماری را دارا هستید. شخصی با چشم سوم باز در سطحی بسیار پایین می‌تواند گوی‌هایی از چی سیاه و چی بیمار تیره را در جسم شما ببیند، که همچنین یک گوی منقبض شده سیاه چی با تراکمی بالا است. زمانی که آن پراکنده می‌گردد، می‌تواند در تمام جسم شما پخش گردد.

از امروز به بعد، بعضی از افراد احساس سرما در تمام جستم‌شان خواهند نمود مثل اینکه از یک سرماخوردگی سنگینی در عذاب هستند، و استخوان‌هایشان ممکن است درد کند. اغلب شما در جایی احساس ناپسندی خواهید داشت. پاهای شما ممکن است درد کند و سرتان گیج برود. قسمت بیمار جستم‌تان، که فکر می‌کردید قبلاً بوسیله تمرینات چی‌گونگ یا بوسیله استاد چی‌گونگ شفا پیدا کرده بود، دوباره بیماری را خواهد داشت. این بدین خاطر است که آن استاد چی‌گونگ بیماری را برایتان شفا نداده است - فقط آن را به تعویق انداخته است. بیماری هنوز هم آنجا می‌باشد و اگر در آن زمان باز نگردد بعداً دوباره باز خواهد گشت، ما باید آن را از درون بیرون آوریم و کاملاً از ریشه آن را از بین ببریم. به این طریق، ممکن است احساس کنید که بیماری‌تان دوباره بازگشته است. این در حقیقت خارج کردن ریشه‌ای کارمای شما می‌باشد. به همین خاطر، واکنش‌هایی خواهید داشت. بعضی افراد شاید واکنش‌هایی فیزیکی در جایی داشته باشند. بعضی ممکن است احساس

ناپسندی به شکلی یا شکل‌های دیگر داشته باشند که بصورت انواع مختلفی از ناراحتی ظاهر می‌شوند. همه این‌ها طبیعی هستند. به همگی‌تان می‌گویم هیچ اهمیتی ندارد که چقدر معذب هستید، باید سعی کنید که در این کلاس حضور به هم رسانید. یکبار که قدم به اتاق کلاس گذاشته‌اید، تمام علائم شما ناپدید خواهند شد و هیچ خطری برای شما نخواهد بود. مسئله‌ای است که می‌خواهم به همگی گوشزد کنم: هیچ اهمیتی ندارد که چه اندازه از «بیماری‌ها» زجر می‌کشید، امیدوارم که به آمدن در کلاس ادامه بدهید، زیرا که بدست آوردن فایده مشکل است. وقتی که احساس می‌کنید بسیار معذب هستید، این معنی را می‌دهد که بعد از رسیدن به نقطه نهایی همه چیز در اطراف شما تغییر خواهد نمود. تمام جسم شما پاک خواهد شد و باید کاملاً منزّه گردد. علت بیماری شما از بین رفته است، و آنچه که باقی مانده است فقط این تکه از چی سیاه است که آن هم بدست خودش بیرون خواهد آمد و می‌گذارد که کمی زجر بکشید و کمی درد داشته باشید. این مجاز نیست که حتی مقدار کمی هم زجر نداشته باشید.

در جامعه مردم عادی، با دیگران برای شهرت و نفع شخصی رقابت می‌کنید. نمی‌توانید به خوبی بخوابید یا خوب بخورید، و جسم‌تان در وضعیت بسیار بدی قرار دارد. وقتی که جسم شما از بُعدی دیگر مشاهده می‌گردد، استخوان‌ها همگی سیاه می‌باشند. با این جسم، زمانی که در یک لحظه پاک می‌گردد، غیرممکن است که واکنشی نداشته باشید. به همین جهت، شما واکنش خواهید داشت. بعضی افراد بالا می‌آورند یا اینکه اسهال دارند. بسیاری از تمرین کنندگان از مناطق مختلف این مسئله را در گزارش تجربه‌هایشان مطرح کرده‌اند، «معلم، بعد از حضور در کلاس شما در مسیر برگشت به خانه تمام مدت دنبال توالت بودم.» این به خاطر اینست که تمام ارگان‌های داخلی شما باید پاک گردند. عده‌ای از شما شاید به خواب بروید و به محض اینکه سخنرانی من تمام می‌شود از خواب بیدار شوید. چرا اینطوری است؟ به این خاطر است که مغزهای آنها بیمار است که احتیاج به مداوا دارد. زمانی که روی سر شخص کار می‌شود نمی‌تواند آن را تحمل کند. به همین جهت، باید در حالت بی‌حسی بماند یا ناهشیار گردد. با وجود این، بعضی افراد مشکلی ندارند که به من گوش بدهند. با اینکه ممکن است در خواب باشند، همه چیز را شنیده‌اند بدون اینکه یک کلمه را از دست بدهند. بعد از آن سرشار از انرژی خواهند شد، و حتی بعد از دو شبانه‌روز بیداری احساس خواب‌آلودگی نخواهند داشت. وضعیت‌های مختلفی وجود دارند که همگی احتیاج به تعدیل دارند. تمام جسم شما کاملاً پاک خواهد شد.

اگر شما یک تمرین‌کننده واقعی فالون دافا باشید، و زمانی که بتوانید تمام علائق خود را از دست بدهید، هر کدام از شما از همین الان واکنش‌هایی را خواهید داشت. آنهایی که نمی‌توانند علائق خودشان را رها کنند ممکن است ادعا کنند که آنها را رها کرده‌اند، اما در حقیقت آنها را از دست نداده‌اند. به همین جهت بسیار مشکل است که به نتیجه رسید. همچنین افرادی هستند که بعداً محتوای سخنرانی‌های مرا خواهند فهمید. آنها شروع به رهاکردن علائق‌یشان می‌کنند و جسم‌هایشان منزّه می‌گردند. در حالیکه جسم‌های دیگران همگی احساس سبکی می‌کنند، این اشخاص از همین الان شروع به شفا دادن بیماری‌هایشان می‌کنند و احساس می‌کنند که معذب هستند. در هر کلاس چنین افرادی وجود دارند که با کیفیت روشن‌بینی ضعیفی عقب می‌مانند. به همین جهت، همه اینها طبیعی است بدون در نظر گرفتن اینکه با چه چیزی روبرو می‌شوید. این وضعیت همیشه وقتی که کلاس‌هایی در محل‌های دیگر داشتم اتفاق می‌افتاد. بعضی افراد ناراحتی زیادی دارند بطوریکه نمی‌توانند از جایشان تکان بخورند، منتظر من هستند که از تربیون پایین بیایم و آنها را مداوا کنم. من این کار را نخواهم کرد. حتی اگر نتوانید این امتحان را بگذرانید، چگونه هنوز هم می‌توانید در آینده وقتی که با خیلی از رنجهای بزرگ مواجه می‌شوید تزکیه کنید؟ آیا نمی‌توانید به چنین زجر کم اهمیتی فایق گردید؟ هر کسی می‌تواند از پس آن برآید. به همین جهت، هیچکس نباید نزد من برای شفای بیماری‌هایش بیاید، من بیماری‌ها را مداوا نخواهم کرد. به محض اینکه کلمه «بیماری» را ذکر کنید، به آن گوش نخواهم نمود.

نجات دادن انسان بسیار سخت است. همیشه تقریباً پنج تا ده درصد از اشخاص در هر کلاس وجود دارند که نمی‌توانند با دیگران همراه شوند. این برای همه غیرممکن است که تأثرو را کسب کنند. حتی برای آنهایی که می‌توانند به تزکیه ادامه بدهند، باقی می‌ماند که دیده شود که آیا می‌توانید موفق شوید و اینکه مصمم به تزکیه کردن هستید یا نه. این برای همه

غیرممکن است که یک بودا شوند. تمرین کنندگان واقعی دافا از طریق خواندن این کتاب تجربه‌های مشابه را خواهند گذراند، و آنها قادر خواهند بود آنچه را لایق‌شان است به همان شکل کسب کنند.

من همه تمرین کنندگان را بعنوان مریدانم تلقی می کنم

آیا همگی می دانید که من چه کار می کنم؟ من تمام تمرین کنندگان را، بعلاوه آنهايي که قادرند بطور واقعی از طریق مطالعه شخصی تزکیه کنند به عنوان مریدان خود تلقی می کنم. در آموزش تزکیه در سطحی بالا، این عملی نخواهد بود اگر به این طریق با شما رفتار نکنم. وگرنه، مثل این است که بدون مسئولیت بوده و باعث درد سر شود. ما به شما چیزهای بسیاری داده ایم و میگذاریم که اصول بسیاری را که نمی بایستی مردم عادی از آن آگاه گردند بشناسید. علاوه بر مجهز نمودن شما به خیلی چیزهای دیگر این دافا را به شما تعلیم داده ام. از جمله بعضی مسائل مورد بحث دیگر، جسم شما تصفیه شده است. بنابراین، برای من کاملاً غیر قابل قبول است که شما را بعنوان مریدان تلقی نکنم. فاش کردن اینهمه اسرار آسمانی به طور سطحی برای مردم عادی مجاز نیست. اما، یک نکته را باید مشخص کرد. حالا، زمانه عوض شده است. ما تشریفات تعظیم و خم شدن ها را تزکیه نمی کنیم. آن نوع خدمت کردن تشریفاتی فایده ای ندارد، و شبیه نمایش های مذهبی است. ما آن را تمرین نمی کنیم. چه فایده ای دارد که در مقابل معلم خم و راست شوید اگر موقعی که پایتان را از این در بیرون بگذارید، هنوز هم مثل سابق به رفتارتان ادامه داده و هر کاری را که می خواهید انجام دهید، برای بدست آوردن شهرت و نفع شخصی بین مردم عادی ستیز و رقابت به راه بیندازید؟ شما ممکن است همچنین به شهرت فالون دافا تحت لوای من صدمه بزنید!

عمل تزکیه واقعی کاملاً به قلب شما بستگی دارد. تا آنجا که عمل تزکیه را انجام می دهید و در انجام دادن تزکیه ثابت قدم و مصمم هستید، شما را به عنوان مریدان تلقی می کنیم. این برای من امکان پذیر نیست که به این شکل با شما رفتار نکنم. اما، بعضی از افراد هستند که ممکن است خودشان را به عنوان تمرین کنندگان به حساب نیاورند و به عمل تزکیه ادامه ندهند. برای بعضی افراد این غیر ممکن است. اما بسیاری افراد واقعاً می خواهند عمل تزکیه را ادامه بدهند. تا آنجا که به تزکیه ادامه بدهید، ما شما را بعنوان مریدان تلقی خواهیم کرد.

آیا می توانید خودتان را یک مرید فالون دافا به حساب بیاورید اگر فقط هر روز پنج سری تمرین ها را انجام دهید؟ این لزومی ندارد. زیرا شرایط تزکیه واقعی رعایت استاندارد شین شینگ است که ما آن را برقرار کرده ایم، و شما مجبورید شین شینگ خودتان را واقعاً ترقی دهید - سپس، آن عمل تزکیه واقعی است. اگر فقط تمرین ها را بدون رشد شین شینگ و بدون انرژی قدرتمندی که همه چیز را قوی می کند انجام دهید، نمی توان آن را عمل تزکیه نامید، و ما حتی شما را به عنوان مریدان فالون دافا تلقی نخواهیم کرد. اگر به همین صورت ادامه بدهید بدون اینکه شرایط فالون دافای ما را دنبال کنید و بطور معمولی در بین مردم عادی رفتار کنید بدون اینکه شین شینگ خود را تعالی بخشید، امکان اتفاق افتادن مشکلات دیگری هر چند که حرکات را هم انجام دهید برایتان خواهد بود. حتی ممکن است ادعا بکنید که این تمرین های فالون دافا است که شما را به گمراهی کشانده است. همه اینها امکان پذیر است. به همین جهت، شما باید واقعاً شرایط شین شینگ ما را دنبال کنید - فقط بعد از این می توانید یک تمرین کننده واقعی باشید. من این جریان را برای همگی توضیح داده ام. بنابراین، لطفاً به نزد من برای تشریفات عبادت استاد نیایید. تا آنجا که بطور واقعی عمل تزکیه را انجام می دهید، به این صورت با شما رفتار خواهم نمود. تعداد فاش های من بقدری زیاد است که آنها غیر قابل شمارش می باشند. بعلاوه این تمرین کنندگان، اهمیتی ندارد که چه تعداد دیگری از مردم وجود داشته باشند، هنوز هم قادرم از آنها مواظبت کنم.

چی گونگ در مکتب بودا و بودئیسم

چی گونگ در مکتب بودا مذهب بودا نیست. این مسئله را باید برای همگی توضیح بدهیم. در حقیقت، چی گونگ در مکتب تائو نیز مذهب تائوئیسم نیست. عده‌ای همیشه درباره این مسائل سردرگم هستند. بعضی افراد راهبان معابد هستند و عده‌ای بودئیست‌های غیر روحانی. آنها معتقدند که درباره مذهب بودئیسم کمی بیشتر می‌دانند، در نتیجه با اشتیاق بودئیسم را در بین شاگردان ما رواج می‌دهند. بگذارید برایتان توضیح بدهم که یک چنین کاری را انجام ندهید، زیرا که آنها مسائلی از مکاتب مختلف تزکیه هستند. مذهب فرم‌های مذهبی را داراست. ما اینجا قسمتی از تزکیه در مدرسه خودمان را آموزش می‌دهیم. به غیر از آن کاهنان و راهبه‌ها که مریدان فالون دافا هستند، لازم نیست که دیگران فرم‌های مذهبی را دنبال کنند. به همین جهت، مکتب ما بودئیسم در دوره پایان دارما نیست.

دارما در بودئیسم فقط یک قسمت کوچکی از فای بودا است. با این همه، انواع بسیار والایی از فا در سطوح بالا وجود دارند. سطوح مختلف همچنین دارای فای مختلف هستند. ساکیومونی گفت که هشتاد و چهار هزار راه تزکیه وجود داشت. مذهب بودا فقط شامل چندین راه تزکیه می‌باشد. آن فقط تی آن تی، هوآیی آن، ذن بودئیسم، سرزمین پاک، تانتريسم و غیره را شامل می‌شود. آنها حتی یک تعداد کوچکی را هم در بر نمی‌گیرند! بنابراین، بودئیسم نمی‌تواند نماینده همه فای بودا باشد، و آن فقط یک قسمت کوچکی از فای بودا است. فالون دافای ما نیز یکی از هشتاد و چهار هزار راه‌های تزکیه در مکتب بودا است، و ربطی با بودئیسم اصلی یا بودئیسم در دوره پایان دارما ندارد، و مربوط به مذاهب جدید هم نیست.

بودئیسم بوسیله ساکیومونی در هندوستان قدیم در دو هزار و پانصد سال پیش بوجود آمد. زمانی که ساکیومونی گونگ را باز نمود و به روشن بینی نایل شد، آنچه را که قبلاً تزکیه کرده بود به یاد آورد و برای نجات مردم عمومی نمود. این اهمیتی ندارد که چندین هزار از دفاتر نوشته شده از این مکتب بیرون آمده است، آن در واقع شامل سه کلمه است. شاخص مکتب بودئیسم این می‌باشد: «احکام، مدیتیشن در خلسه^۱ (Samadhi)، حکمت.» احکام رها کردن تمام خواسته‌ها در بین مردم عادی می‌باشند و باعث می‌شوند که جهد و کوشش برای کسب نفع شخصی رها گردند، و هر چه را که دنیوی است قطع شود، و غیره. بدین طریق، روان شخص بدون اینکه به چیزی فکر کند خالی می‌شود، و می‌تواند به سکوت برسد. آنها مکمل یکدیگر هستند. با توانایی کسب سکوت، شخص می‌تواند در مدیتیشن برای تزکیه واقعی بنشیند و در خلسه باقی بماند تا در تزکیه رشد کند. این قسمتی از عمل تزکیه حقیقی در آن مکتب است. آن اهمیتی به حرکات نمی‌دهد، و بنتی^۲ فرد را هم تغییر نمی‌دهد. یک شخص فقط گونگی را تزکیه می‌کند که درجه سطح او را تعیین می‌کند. به همین جهت، او فقط شین‌شینگ خود را تزکیه می‌کند. او جسم خود را تزکیه نمی‌کند، در نتیجه اهمیتی به تبدیل و دگرگونی گونگ قائل نیست. در این فاصله، از طریق مدیتیشن توانایی‌های خود را برای ماندن در خلسه قوی می‌کند، و با نشستن در مدیتیشن زجر کشیده و کارما را از بین می‌برد. «حکمت» اشاره می‌کند به حکمتی بزرگ، به کسی که به روشن‌بینی رسیده است، و می‌تواند حقیقت عالم را و همچنین حقیقت بعدهای مختلف آن را ببیند. تمام توانایی‌های خدایی آشکار می‌گردند. آگاهی در حکمت و روشن بینی باز شدن گونگ نیز نامیده شده است.

زمانی که ساکیومونی این روش تزکیه را کشف نمود، هشت مذهب غالب در هندوستان همزمان وجود داشتند. یک مذهب ریشه دار عمیقی بنام برهمنیسم وجود داشت. ساکیومونی در تمام دوران زندگی‌اش از لحاظ عقیدتی با مذاهب دیگر در مبارزه بود. زیرا آنچه را که ساکیومونی آموزش داد یک راه درست بود، دارمای بودیستی که او آموزش داد بیشتر و بیشتر در دوره ترویج او مشهور شد درحالیکه مذاهب دیگر بطور روزافزونی ضعیف‌تر می‌شدند. حتی مذهب ریشه دار برهمنیسم نیز در مرز نابودی بود. به هر حال، بعد از نیروانای^۳ ساکیومونی، مذاهب دیگر، مخصوصاً برهمنیسم، دوباره مشهور شدند. اما چه

۱- Samadhi – در بودئیسم، «مدیتیشن در خلسه».

۲- benti (bun –tee) – بدن فیزیکی فرد و بدن‌های دیگر او در بعدهای دیگر.

۳- nirvana – (از سانسکریت) ترک دنیای بشری بدون این جسم فیزیکی، روشی برای به پایان رساندن تزکیه در مدرسه بودا ساکیومونی.

وضعیتی در بودئیسم ظاهر شد؟ بعضی از کاهنان گونگ را باز کرده و در سطوح مختلف روشن بین شدند، اما سطح روشن بینی آنها تقریباً پایین بود. ساکیومونی به سطح تاتاگاتا نائل شد، اما بسیاری از کاهنان به این سطح نرسیدند.

فای بودا تجلی‌های مختلف در سطوح مختلف دارد. به هر حال، هر چه سطح بالاتر برود، به حقیقت نزدیک‌تر می‌شود. هر چه سطح پایین‌تر باشد، از حقیقت دورتر می‌گردد. آن کاهنان گونگ را باز کرده و در سطوح پایین روشن‌بین شدند. برای تفسیر آنچه که ساکیومونی نقل کرده بود، آنها تجلی‌های عالم را در سطح خودشان که دیده بودند و موقعیت‌ها و اصولی را که درک کرده بودند مورد استفاده قرار دادند. برای همین، بعضی از کاهنان دارمای ساکیومونی را به این طریق یا طرق دیگر تفسیر نمودند. بعضی از کاهنان به جای اینکه از گفتار اصلی ساکیومونی استفاده کنند، آنچه را که از گفتار او فهمیده بودند موعظه می‌کردند؛ این باعث شد که دارمای بودئیسم در ورای درک و فهم، بر عادی جلوه داده شود، و دیگر دارمایی نبود که ساکیومونی آموزش داده بود. در نهایت، این باعث شد که دارمای بودئیسم در هندوستان ناپدید گردد. این درسی جدی در تاریخ است. بعد از آن، هندوستان دیگر بودئیسمی نداشت. بودئیسم قبل از ناپدید شدنش، چندین رفرم را گذراند. سرانجام آن با چیزی از برهمنیسم تکمیل شد و مذهب در حال حاضر هندوستان را که هندوئیسم نامیده می‌شود بوجود آورد. آن دیگر هیچ بودایی را عبادت نمی‌کند. چیز دیگری را عبادت می‌کند، و به ساکیومونی اعتقادی ندارد. این است اوضاع و احوال.

بودئیسم در طی رشد خودش، بطور نسبی چندین رفرم بزرگ را گذراند. یکی از آنها در زمانی کوتاه بعد از درگذشت ساکیومونی اتفاق افتاد. عده‌ای از مردم پی بردند واگن بزرگ بودئیسم^۴ را که ساکیومونی تعلیم داد بر طبق اصول سطوح بالا بود. آنها معتقد بودند که دارمای ساکیومونی که بطور عمومی آموخته شده بود به نجات دادن شخصی مردم عادی اختصاص داشت و مقام آرهاتی را کسب می‌کرد. آن دارما نجات را به همه موجودات عرضه نمی‌کرد و به همین جهت واگن کوچک بودئیسم^۵ نامیده می‌شد. راهبان آسیای جنوب شرقی روش اولیه تزکیه زمان ساکیومونی را تزکیه می‌کنند. در چین، آن را «واگن کوچک» بودئیسم می‌نامیم. البته، آنها خودشان اینطور فکر نمی‌کنند و معتقدند که سنت اصلی ساکیومونی را به ارث برده‌اند. در حقیقت اینطور است، زیرا که بطور اساسی روش تزکیه زمان ساکیومونی را به ارث برده‌اند.

بعد از این رفرم، واگن بزرگ به چین معرفی شد، در کشور ما ریشه دواند و بودئیسم آموخته شده در عصر حاضر شد. در واقع، آن یک شکل کاملاً متفاوت از بودئیسم در زمان ساکیومونی را به خود گرفته است. همه چیز عوض شده است، از بر تن کردن لباس گرفته تا وضعیت کامل روشن بینی و دوره کامل عمل تزکیه. در بودئیسم اولیه، فقط ساکیومونی بود که بعنوان مؤسس عبادت می‌شد. به هر حال در حال حاضر، بودئیسم شامل تعدادی بوداها و بودهیستاواهای بزرگ است. بعلاوه مکتب‌های اعتقادی، هم اکنون به چندین بودا اختصاص یافته‌اند. بسیاری از تاتاگاتاها پرستش شده‌اند، و بودئیسم یک مذهب شده است که بسیاری از بوداها را از قبیل بودا آمیتاها، بودای دارویی، خورشید بزرگ تاتاگاتا و غیره را پرستش می‌کند. همچنین تعداد زیادی از بودهیستاواهای بزرگ وجود دارند. به این طریق، تمام بودئیسم کاملاً از آنچه که بودا در زمان خودش بنیاد نهاده بود فرق کرده است.

در طی این دوره، زمانی که بودهیستاوای ناگاریونا یک روش تزکیه مخفی را تعلیم داد رفرم دیگری بوقوع پیوست. آن در هندوستان بنیاد نهاده شد و از طریق افغانستان و، بعداً به شن یانگ^۶ در چین آمد. آن در سلسله تانگ^۷ اتفاق افتاد، در نتیجه تانگ تانتریسیم نامیده شد. به خاطر تأثیر کنفوسیوس، ارزش‌های اخلاقی چین بطور عمومی از ملیت‌های دیگر متفاوت بود. این روش مخفی تزکیه دو طرفه زن و مرد را شامل می‌شد، و جامعه در آن زمان نمی‌توانست آن را بپذیرد. به همین جهت وقتی که بودئیسم در زمان هوئی چنگ در سلسله تانگ سرکوب شد از بین رفت، و همینطور تانگ تانتریسیم نیز در چین

۴- Mahayana «واگن بزرگ بودئیسم».

۵- Hinayana «واگن کوچک بودئیسم».

۶- Xinjiang (sheen – jyang) – استانی در شمال غربی چین.

۷- Tang (tahng) Dynasty یکی از پر رونق‌ترین دوره در تاریخ چین (۹۰۷ – ۶۱۸ A.D)

ناپدید شد. در حال حاضر، تانتریسیم شرقی در ژاپن وجود دارد که در آن زمان از چین به آنجا رفت؛ به هر حال، آن گواندینگ^۸ را انجام نمی‌دهد. بر طبق تانتریسیم، اگر کسی تانتریسیم را بدون گواندینگ مطالعه کند، مثل این است که شخص دارما را دزدیده است، و او نمی‌تواند بعنوان کسی که تعلیم شخصی را دریافت کرده است تأیید گردد. روش دیگری از تزکیه وجود دارد که در تبت از طریق هندوستان به نپال معرفی شد و تانتریسیم تبتی نامیده می‌شود، و این روش تا امروز بدین طریق به دیگران منتقل شده است. بطور اساسی، وضعیت بودئیسم این است. من هم اکنون بطور مختصر جریان رشد و تغییرات آن را خلاصه کرده‌ام. در جریان رشد کامل بودئیسم، بعضی روش‌ها از قبیل ذن بودئیسم که بوسیله بودهدارما بنیان گذاشته شد، سرزمین پاک بودئیسم، و بودئیسم هوایی آن، ظاهر شدند. همگی آنها بر طبق درکی از آنچه که ساکیومونی در آن ایام گفت تأسیس شدند. تمام اینها به بودئیسم اصلاح شده مربوط می‌باشند. بیش‌تر از ده‌ها راههای تزکیه اینچینی در بودئیسم وجود دارند، و همگی شکل مذهب را به خود گرفته‌اند. بنابراین، همگی آنها به بودئیسم تعلق دارند.

مذاهب تأسیس شده در این قرن، یا نه فقط در این قرن بلکه همچنین خیلی از مذاهب جدید تأسیس شده در قسمت‌های مختلف دنیا در چند صد سال اخیر، اغلبشان قلابی هستند. برای نجات موجودات، تمام مردم روشن بین بزرگ بهشت‌های خود را دارند. بودا تاتاگاتا همچون ساکیومونی، بودا آمیتاها، و تاتاگاتای خورشید بزرگ همگی برای نجات مردم بهشت‌های خودشان را دارا هستند. در راه شیری ما، بیشتر از صدها نوع از چنین بهشت‌هایی وجود دارند. فالون دافای ما نیز یک بهشت فالون دارد.

در رابطه با نجات موجودات، آن روش‌های قلابی تمرین کنندگان را به کجا می‌توانند هدایت کنند؟ آنها نمی‌توانند مردم را نجات بدهند، زیرا آنچه که آنها تعلیم می‌دهند فانیست. البته، بعضی از افراد وقتی که در ابتدا مذاهب را تأسیس نمودند، قصدی نداشتند که بصورت اهریمن‌هایی در آیند که برای مذاهب ارتدکس کارشکنی کنند. آنها گونگ را باز کرده و در سطوح مختلف روشن‌بین شدند. بعضی از اصول را دیدند، اما بسیار دورتر از روشن بینانی بودند که می‌توانستند مردم را نجات بدهند. آنها در سطح بسیار پایینی بودند، و یکسری اصول را کشف کرده بودند. متوجه شدند که بعضی مسائل در بین مردم عادی اشتباه بود، و می‌خواستند همچنین به مردم بگویند که اعمال خوب را چگونه انجام دهند. در آغاز آنها، بر علیه مذاهب دیگر نبودند. مردم در نهایت آنها را ستایش کردند، آنچه را که بازگو می‌کردند به نظر عقلانی می‌آمد؛ بنابراین مردم بیشتر و بیشتر به آنها اعتقاد پیدا کردند. در نتیجه، آنها را به جای مذاهب ستایش نمودند. با رشد وابستگی به شهرت و نفع شخصی، از عموم می‌خواستند که آنها را با بعضی عناوین احترام بگذارند. بعد از آن، مذاهب جدید را کشف کردند. به همگی شما تذکر می‌دهم که همه این مذاهب اهریمنی هستند. حتی اگر هم به مردم صدمه نرسانند، هنوز هم روش‌های اهریمنی هستند زیرا که به اعتقاد مردم درباره مذاهب ارتدکس اختلال وارد کرده‌اند. مذاهب ارتدکس می‌توانند مردم را نجات بدهند، اما آنها نمی‌توانند این کار را بکنند. با گذشت زمان، آنها در نهان کارهای بدی انجام می‌دهند. اخیراً، بسیاری از این چیزها نیز به چین عرضه شده‌اند. بطور مثال یکی از آنها فرقه گوانی‌ین^۹ می‌باشد. بنابراین، محتاط باشید. گفته شده است که بیش از دو هزار روش در یک کشور بخصوص در آسیای شرقی وجود دارد. همه نوع اعتقاداتی در آسیای جنوب شرقی و بعضی از کشورهای غربی وجود دارند. یک کشور بصورت آشکار یک راه شیطانی را عبادت می‌کند. تمام این چیزها اهریمنانی هستند که در پایان زمان دارما ظاهر می‌شوند. دوره پایان دارما نه تنها به بودئیسم مربوط نمی‌شود، بلکه همچنین به فساد و تباهی چندین بعد زیرین در یک بعد در سطحی بسیار بالا مربوط است. «پایان دارما» فقط به بودئیسم اشاره نمی‌کند؛ آن همچنین این معنی را می‌دهد که در جوامع انسانی دیگر هیچ تعهد الهی برای رسیدن به اخلاقیات وجود ندارد.

فقط یک راه تزکیه را عمل کردن

۸- Guanding (gwan – ding) – جاری شدن انرژی از بالای سر شخص، آغاز مناسک.

۹- Guanyin (gwan – yeen) sect – فرقه‌ای که بعد از بودهیستاوا آوالوکی‌تسوارا «الیه رحمت» نامیده شد.

ما آموزش می‌دهیم که شخص فقط یک راه تزکیه را باید عمل کند. این اهمیتی ندارد که چگونه تزکیه می‌کنید، شما نباید با اضافه کردن چیزهای دیگر تزکیه‌تان را آشفته کنید. بعضی از غیر روحانیون بودیستی هر دوی بودیسم و فالون دافای ما را تمرین می‌کنند. به شما می‌گویم که در نهایت چیزی را کسب نخواهید کرد زیرا که هیچکس چیزی به شما نخواهد داد. از آنجا که ما همگی به مکتب بودا تعلق داریم، یک مسئله شین‌شینگ وجود دارد و، همزمان مسئله‌ای که فقط در یک روش باید بطور اختصاصی تمرین کرد. شما فقط یک جسم دارید. انرژی تزکیه کدام مدرسه جسم شما را رشد خواهد داد؟ چگونه جسم می‌تواند دگرگون شود؟ کجا می‌خواهید بروید؟ شما می‌خواهید به هر جایی که روش تزکیه شما، شما را می‌برد بروید. اگر سرزمین پاک بودیسم را در تزکیه دنبال کنید، به بهشت آمیتا‌بها بودا به سعادت غایی رهسپار خواهید شد. اگر تزکیه بودای دارو را دنبال کنید، به بهشت گل‌لزد روان خواهید شد. اینها چیزهایی هستند که در مذاهب بازگو شده‌اند، و به «تزکیه نکردن همزمان در دو روش» نامیده می‌شوند.

تمرینی که در اینجا از آن صحبت می‌کنیم اشاره می‌کند به پروسه کامل تبدیل و دگرگونی انرژی، و مدرسه تزکیه خود فرد را دنبال می‌کند. پس گفتید به کجا می‌خواهید بروید؟ اگر همزمان در دو قایق قدم بگذارید، نمی‌توانید چیزی را بدست آورید. حتی تمرین چی‌گونگ نمی‌تواند با تمرین‌های بودیستی در معابد مخلوط گردد، بلکه حتی چیزهایی از میان روشهای تزکیه، روش‌های چی‌گونگ، یا مذاهب نمی‌توانند در هم تداخل کنند. در تزکیه، حتی در یک مذهب مشخص، چندین عناوین نمی‌توانند با هم مخلوط گردند. شخص حتماً باید یک راه تزکیه را انتخاب بکند. اگر سرزمین پاک بودا را تزکیه می‌کنید، باید حتماً سرزمین پاک بودیسم را تزکیه کنید. اگر تانتريسم را تزکیه می‌کنید، باید فقط تانتريسم را تزکیه کنید. اگر ذن بودیسم را تزکیه می‌کنید، باید حتماً ذن بودیسم را تزکیه کنید. اگر همزمان در دو قایق قدم بگذارید و هر دوی این یا آن روش را تزکیه کنید، چیزی را بدست نخواهید آورد. یعنی اینکه، حتی در بودیسم هم از شما خواسته می‌شود که سیستم دیگری را تمرین نکنید، و شما اجازه ندارید که روشهای تزکیه را با هم قاطی کنید. یک بودیسم نیز گونگ و تزکیه را تمرین می‌کند. پروسه تبدیل و دگرگونی گونگ او پروسه عمل تزکیه و تبدیل در آن روش تزکیه را دنبال می‌کند. در بعدهای دیگر نیز پروسه‌ای از نمو گونگ وجود دارد، و این پروسه‌ای است بسیار پیچیده و اسرارآمیز که سرسری نمی‌تواند با مسائل دیگر در تزکیه مخلوط گردد.

بعضی از غیر روحانیون بودایی شنیدند که ما روش چی‌گونگ از مکتب بودا را تزکیه می‌کنیم و مریدان ما را برای تعمید به معابد بردند. بگذارید به همه شما که در اینجا نشست‌اید بگویم که هیچکس نباید چنین کاری را انجام دهد. شما هر دوی دافای ما و فرمانهای بودیسم را کار شکنی می‌کنید. همزمان، مزاحم مریدان هستید، کاری می‌کنید که آنها قادر نباشند به جایی برسند. این مجاز نیست. عمل تزکیه موضوعی بسیار جدی است. شخص باید از یک روش پیروی کند. هرچند این قسمت را که ما در بین مردم عادی آموزش می‌دهیم مذهب نیست، هدفش در روش تزکیه یکی است. هر دوی آنها سعی به باز کردن گونگ دارند، روشن بینی، و کمال در تزکیه.

ساکيومونی بازگو کرد که در دوره پایان دارما کاهنان در معابد برای نجات خودشان زمانه مشکلی را خواهند داشت، چه برسد به غیر روحانیون بودیستی که هیچکس از آنها مراقبت نخواهد نمود. هر چند که یک «استاد» داشته باشید، آن به اصطلاح استاد نیز یک تمرین‌کننده است. اگر استاد واقعاً روش تزکیه را انجام ندهد بی‌فایده است. بدون تزکیه قلب، هیچکس نمی‌تواند موفق گردد. پذیرفته شدن، تشریفاتی بین مردم عادی است. آیا بعد از پذیرفته شدن یک عضو مکتب بودا هستید؟ آیا بودا بعد از آن از شما مراقبت خواهد کرد؟ چنین چیزی وجود ندارد. حتی اگر هرروز عمیقاً تعظیم کنید تا اینکه از پیشانی‌اتان خون جاری شود، یا حتی اگر دسته دسته عود دود کنید، باز هم بی‌فایده است. شما باید بطور واقعی قلب خودتان را تزکیه کنید تا بتوانید موفق گردید. در دوره پایان دارما، عالم تغییرات بسیار بزرگی را طی کرده است. حتی مکانهای مذهبی برای عبادت هم دیگر خوب نیستند. آنهایی که توانایی‌های فوق طبیعی (بعلاوه راهبان) دارند نیز این وضعیت را کشف کرده‌اند. در حال حاضر، من تنها کسی هستم که در دنیا یک راه درست را به عموم تعلیم می‌دهد. من کاری را انجام داده‌ام که بی سابقه است. بعلاوه این درب را بصورت گسترده‌ای در دوره پایان دارما باز کرده‌ام. در حقیقت، این فرصت در هر هزار

سال یا ده هزار سال اتفاق نمی‌افتد. اما، اگر شخص بتواند نجات پیدا نکند - به بیانی دیگر، اگر شخص بتواند تزکیه نکند - هنوز هم به خود او مربوط است. آنچه را که به شما می‌گویم اصلی از عالم عظیم است. نمی‌گویم که شما باید فالون دافای مرا مطالعه کنید. آنچه که گفتم یک اصل است. اگر می‌خواهید تزکیه کنید، باید فقط یک راه تزکیه را تمرین کنید. وگرنه، نمی‌توانید در کل عمل تزکیه را انجام بدهید. البته، اگر نمی‌خواهید تزکیه کنید، شما را به حال خودتان خواهیم گذاشت. این فقط برای تمرین کنندگان واقعی آموزش داده شده است. به همین جهت، شخص باید فقط در یک روش مصمم باشد، و حتی عقاید روش‌های دیگر نباید مخلوط گردند. من اینجا فعالیت‌های فکری را آموزش نمی‌دهم، در فالون دافای ما هیچ فعالیت فکری وجود ندارد. به همین جهت، هیچکس نباید چیزی را به آن اضافه کند. مطمئن باشید که این را به خاطر بسپارید: واقعاً هیچ فعالیت فکری وجود ندارد. مکتب بودا خلاء را ضروری می‌داند، و مکتب تائو پوچی را آموزش می‌دهد.

در یک فرصتی فکر من به چهار یا پنج روشن‌بین‌های بزرگ و تائوهای بزرگ در سطوحی بسیار بالا وصل بود. از لحاظ بالا بودن سطح آنها، بقدری بالا بودند که اگر مردم عادی درباره آن می‌شنیدند شاید آن را بسادگی باور نکردنی می‌یافتند. آنها می‌خواستند بدانند که در فکر من چه چیزی بود. من سال‌های زیادی را تزکیه کرده‌ام. این مطلقاً برای مردم دیگر غیر ممکن است که فکر مرا بخوانند، و توانایی‌های فوق طبیعی دیگران اصلاً نمی‌تواند در فکر من نفوذ کند. هیچکس قادر نیست که مرا بفهمد یا اینکه بدانند در فکر من چه می‌گذرد. آنها می‌خواستند بدانند که من به چه فکر می‌کردم. به همین جهت، با موافقت من، همگی‌شان فکر مرا برای یک زمانی به فکر خودشان وصل کردند. بعد از ارتباط، کمی برای من غیر قابل تحمل بود زیرا که این اهمیتی ندارد که سطح من چه اندازه بالا یا پایین است، من در بین مردم عادی هنوز کاری را از روی قصد انجام می‌دهم - که، نجات مردم است - و قلب من شیفته نجات مردم است. اما روان آنها چه آرامشی که نداشت؟ روان آنها به نقطه ترسناکی از آرامش رسیده بود. این برای یک شخص امکان دارد که به این سکوت برسد. اما با چهار یا پنج نفر که آنجا نشسته‌اند با چنان سکوتی، شبیه به برکه‌ای از آب آرام بود که چیزی در آن وجود نداشت. من بیهوده سعی کردم که آنها را امتحان کنم. در آن چند روز، واقعاً از لحاظ روانی احساس ناراحتی داشتم و یک نوع احساس منحصر بفرد را درک کردم. آن چیزی ورای تصورات و آگاهی مردم عادی بود. کاملاً آزاد از وابستگی و تهی و خالی بود.

هیچ نوع فعالیت فکری‌ای برای تزکیه در سطوح بسیار بالا نیست. این بدین خاطر است زمانی که سطح مردم عادی را پایه می‌گذارید، سیستم اساسی در حال حاضر کنار گذاشته می‌شود. بعد از وصول به سطح بالای تزکیه، سیستم تزکیه ما مخصوصاً بطور خودکار عمل می‌کند، و عمل تزکیه کاملاً بطور خودکار خواهد بود. تا آنجا که شین‌شینگ خودتان را ترقی می‌دهید، گونگ شما رشد خواهد کرد. شما حتی احتیاج ندارید که تمرینی را انجام بدهید. تمرین‌های ما برای قوی کردن مکانیزم خودکار است. چرا فرد بدون حرکت در مدیتیشن می‌نشیند؟ فرد کاملاً در وضعیت بدون قصد است. شما ممکن است کشف کنید که مکتب تائو این تمرین یا آن تمرین، که به فعالیت‌های فکری معروفند، یا بوسیله فکر هدایت می‌شوند را آموزش می‌دهد. بگذارید برایتان توضیح بدهم بلافاصله که مکتب تائو به سطح فراسوی چی می‌رسد، چیزی را در بر نخواهد داشت و مطلقاً از این یا آن فعالیت فکری استفاده نخواهد نمود. به همین جهت، کسانی که چی‌گونگ انواع دیگر را تمرین نموده‌اند نمی‌توانند متدهای تنفسی و فعالیت‌های فکری و غیره را فراموش کنند. من به آنها چیزهایی از دانشگاه تعلیم می‌دهم، و آنها همیشه از من درباره چیزهایی از مدرسه ابتدایی سؤال می‌کنند، مثل چیزهایی چون، چگونه فعالیت‌های فکری را هدایت و به کار برد. آنها به آن نوع نگرش در حال حاضر عادت کرده‌اند. آنها تصور می‌کنند که چی‌گونگ به این صورت است، درحالی‌که اینطور نیست.

توانایی‌های فوق طبیعی و قدرت گونگ

بسیاری از شما درباره‌ی واژه‌ی چی گونگ آشنایی ندارید، و بعضی از افراد همچنین بوسیله‌ی آن تقریباً سردرگم شده‌اند. آنها توانایی‌های فوق طبیعی را به جای قدرت گونگ می‌گیرند، یا برعکس. گونگی که ما از طریق تزکیه‌ی شین‌شینگ بدست می‌آوریم و جذب فطرت عالم می‌شود از تقوای ما شکل می‌گیرد. آن ارتفاع سطح شخص، قدرت نیروی گونگ او، و مقام باروری شخص را در تزکیه تعیین می‌کند. این قطعی‌ترین گونگ است. در طی دوره‌ی تزکیه، چه وضعیتی برای یک شخص پدیدار خواهد شد؟ فرد می‌تواند بعضی از توانایی‌های فوق طبیعی غیر عادی را رشد بدهد که به سخنی کوتاه، آن را توانایی‌های فوق طبیعی می‌نامیم. گونگ که سطح شخص را ارتقاء می‌دهد همانطور که در بالا ذکر کردم، به قدرت گونگ نامیده می‌شود. هر چه سطح یک شخص بالاتر باشد، نیروی انرژی او بیشتر است و توانایی‌های فوق طبیعی او با قدرت‌تر می‌باشد.

توانایی‌های فوق طبیعی فقط تولیدات جانبی پروسه‌ی تزکیه‌ی فرد است؛ آنها مشخص کننده‌ی سطح یا ارتفاع سطح شخص نمی‌باشند، و نیروی قدرت انرژی شخص نیز نیستند. بعضی از افراد مقدار بیشتری از آن را رشد داده‌اند در صورتیکه عده‌ای کمتر. از این گذشته، توانایی‌های فوق طبیعی چیزی نیستند که بتوان بعنوان هدف اصلی تزکیه آن را دنبال کرد. فقط زمانی که فرد مصمم است بطور حقیقی تزکیه کند می‌تواند آنها را رشد بدهد؛ به هر حال، آنها نمی‌توانند بعنوان هدف اصلی تزکیه به حساب آیند. برای چه آنها را تزکیه می‌کنید؟ آیا می‌خواهید آنها را در بین مردم عادی بکار ببرید؟ شما مطلقاً مجاز نیستید آنها را به سادگی در بین مردم عادی بکار ببرید. پس، هر چه بیشتر در جستجوی آنها باشید، کمتر بدست خواهید آورد. این بدین علت است که شما در جستجوی چیزی می‌باشید. دنبال چیزی بودن خودش یک دلبستگی است. در عمل تزکیه، دلبستگی‌ها چیزهایی هستند که باید از بین بروند.

بسیاری از افراد به قلمروهای بسیار والایی از تزکیه رسیده‌اند، بدون اینکه تواناهایی فوق طبیعی را دارا باشند. استاد توانایی‌ها را بسته است به منظور اینکه آنها نمی‌توانند خودشان را به خوبی کنترل کنند و مرتکب اعمال بدی می‌شوند. به همین جهت، آنها اجازه ندارند توانایی‌های فوق طبیعی خودشان را بکار ببرند. تعداد بسیار زیادی از این افراد وجود دارند. توانایی‌های فوق طبیعی بوسیله‌ی فکر یک فرد هدایت می‌گردند. شخص شاید قادر نباشد خودش را در طول خواب کنترل کند. شاید او با یک خواب ساده همه‌ی زمین و آسمان را روز بعد زیر و رو کند، و این جایز نیست. از آنجا که عمل تزکیه در بین مردم عادی بوقوع می‌پیوندد، کسانی که توانایی‌های فوق طبیعی فوق العاده‌ای دارند معمولاً اجازه ندارند که آنها را مورد استفاده قرار بدهند. اکثریت توانایی‌ها بسته می‌باشند، ولی این قطعی نیست. تعداد زیادی از افراد هستند که عمل تزکیه را به خوبی انجام می‌دهند و می‌توانند خودشان را بخوبی کنترل کنند. آنها اجازه دارند که بعضی از توانایی‌های فوق طبیعی را داشته باشند. در رابطه با این افراد، حتی اگر از آنها بخواهید که توانایی‌های فوق طبیعی شان را بطور سطحی نشان بدهند، مطلقاً این کار را نخواهند کرد؛ آنها می‌توانند خودشان را کنترل کنند.

تزکیه معکوس و انرژی به قرض گرفته شده

بعضی از افراد هرگز چی گونگ را تمرین نکرده‌اند، یا اینکه فقط چیزهایی را در یک کلاس چی گونگ یاد گرفته‌اند. اما آنها برای شفا دادن بیماری‌ها و قوی کردن تندرستی هستند، و عمل تزکیه نمی‌باشند. یعنی اینکه، این اشخاص هرگز تعلیم حقیقی را دریافت نکرده‌اند، ولی ناگهان در عرض یک شب گونگ بدست می‌آورند. ما درباره‌ی این موضوع صحبت خواهیم کرد که از کجا این نوع گونگ می‌آید. چندین نوع وجود دارد.

یکی از آنها به تزکیه معکوس تعلق دارد. تزکیه معکوس چه می‌باشد؟ بعضی از افراد تقریباً مسن می‌باشند و می‌خواهند تزکیه کنند. برای تزکیه کردن از آغاز برای آنها بسیار دیر است. زمانی که چی گونگ در اوج محبوبیت خود بود، آنها نیز می‌خواستند عمل تزکیه را انجام بدهند. آنها می‌دانستند که تمرین چی گونگ می‌توانست کارهای خوبی برای مردم دیگر

انجام بدهد، و اینکه می‌توانستند هم چنین خودشان را همزمان رشد بدهند. آنها این آرزو را داشتند و می‌خواستند که خود را رشد بدهند و تزکیه را تمرین کنند. به هر حال، زمانی که چی‌گونگ در چندین سال پیش رایج بود، استادان چی‌گونگ همگی چی‌گونگ را تبلیغ می‌کردند، و هیچکس واقعاً در سطوح بالا چیزی را تعلیم نمی‌داد. حتی تا امروز هم، وقتی که تعلیم واقعی چی‌گونگ بطور عمومی مطرح است، من تنها کسی هستم که این کار را انجام می‌دهد. فرد دیگری وجود ندارد که این کار را انجام بدهد. اکثر افراد در تزکیه معکوس بالای پنجاه سال داشتند و نسبتاً نشان بالا بود. آنها دارای یک کیفیت مادرزادی خوبی بودند و چیزهای بسیار خوبی را در جسمشان حمل می‌کردند. اغلب همگی آنها بقدری خوب بودند که بتوانند شاگرد یا تقلید کننده آن استادان باشند. اما، این افراد تقریباً مسن بودند. اگر می‌خواستند عمل تزکیه را انجام بدهند، گفتنش آسان تر از عمل کردنش بود. از کجا می‌توانستند یک استاد بیابند؟ اما بزودی که می‌خواستند تزکیه را شروع کنند و این فکر از صمیم قلبشان ساطع می‌شد، آن مثل یک طالا می‌درخشید و ده سوی عالم را می‌لرزاند. مردم اغلب از طبیعت بودا صحبت می‌کنند، و این طبیعت بودا بود که ظاهر شده بود.

از دیدگاه سطوح بالا، زندگی یک فرد برای این نیست که یک انسان باشد. از آنجا که زندگی فرد در فضای عالم خلق شده است، جذب فطرت عالم که حقیقت – نیکخواهی – بردباری است می‌گردد. طبیعت آن مهربان و نیکخواه است. معهذا بعد از آنکه، تعداد موجودات زیاد شدند، یک رابطه اجتماعی شکل گرفته شد. در نتیجه، بعضی افراد خودخواه و بد شدند و نتوانستند در آن سطوح بسیار بالا باقی بمانند. آنها می‌بایستی به سطحی پایین‌تر سقوط می‌کردند جایی که دوباره بد شدند، و مجبور شدند بیش از این به سطحی دیگر سقوط کنند. این ادامه پیدا کرد تا اینکه در نهایت به سطح بشری نزول کردند. با سقوط به این سطح، می‌بایستی کاملاً از بین می‌رفتند. به هر حال، مردم روشن بین بزرگ از روی خیرخواهی و نیکخواهی تصمیم گرفتند که به نوع بشر فرصت دیگری در محیطی بسیار دردناک بدهند، در نتیجه چنین بعدی را آفریدند.

در بعدهای دیگر، مردم جسم‌هایی بدین شکل ندارند. آنها می‌توانند در هوا معلق باشند و بزرگتر و کوچکتر گردند. اما در این بعد مردم با این نوع بدن مجهز شده‌اند، بدنهای فیزیکی ما. با این بدن، شخص نمی‌تواند وقتی که بدن سرد و گرم، خسته یا گرسنه است تحمل کند. در هر شکلی، درد و رنج است. زمانی که بیمار هستید، درد می‌کشید. فرد باید از میان تولد، پیری، بیماری و مرگ بگذرد تا اینکه بتواند بدهی‌های کارمایی را از طریق درد کشیدن بپردازد. فرصت دیگری به شما داده شده است که دیده شود آیا می‌توانید به اصل خود رجعت کنید یا نه. به همین جهت، بشر در یک سردرگمی سقوط کرده است. بعد از اینکه به اینجا آمده‌اید، این جفت چشم برای شما خلق شده است بطوریکه نمی‌توانید بعدهای دیگر را ببینید و حقیقت ماده را دریابید. اگر بتوانید به اصل خودتان باز گردید، سخت‌ترین زجرها اغلب با ارزش‌ترین آنها خواهند بود. به منظور برگشت به اصل خود بوسیله تزکیه کردن در سردرگمی و از میان آگاهی به اوضاع، درد و رنج‌های بسیاری وجود خواهند داشت، بنابراین فرد می‌تواند آن را سریعتر انجام بدهد. اگر بدتر شوید زندگی‌تان از بین خواهد رفت. برای همین، از نظر موجودات دیگر، زندگی شخص برای انسان بودن نیست. هدف این است که شخص به سرچشمه خود بازگردد، به حقیقت خود. یک فرد عادی این را نمی‌تواند درک کند. یک فرد عادی فقط یک فرد عادی در جامعه معمولی انسانی است، یک شخص که فکر می‌کند چگونه خودش را رشد بدهد و به خوبی زندگی کند. هر چه بهتر زندگی کند، بیشتر خود خواه می‌گردد؛ بیشتر می‌خواهد که در تملک داشته باشد، بیشتر از این از فطرت عالم دور خواهد شد. سپس با انهدام و تباهی روبرو خواهد شد.

از نقطه نظر سطحی بالا، زمانی که فکر کنید دارید به جلو رشد می‌کنید، در حقیقت به عقب بر می‌گردید. نوع بشر فکر می‌کند که علم پیشرفت کرده است و به جلو پیش می‌رود؛ در حقیقت، به این شکل است که، آن فقط قانون عالم را دنبال می‌کند. دنگ گولا، یکی از هشت افراد جاویدان^{۱۰}، روی الاغش برعکس می‌راند. تعداد کمی از مردم می‌دانند که چرا او روی الاغش برعکس می‌راند. او کشف کرد که به جلو رفتن همان به عقب رفتن است، در نتیجه او روی الاغ برعکس می‌راند.

بنابراین، یکبار که مردم بخواهند عمل تزکیه را انجام دهند، روشن‌بینان بزرگ برای این قلب ارزش بسیاری قائل می‌شوند و می‌خواهند که بدون شرایط به آنها کمک کنند. این درست مثل مریدانی هستند که امروز اینجا حضور دارند. اگر می‌خواهید تزکیه کنید، می‌توانم بدون شرایط به شما کمک کنم. هنوز هم، اگر بخواهید بیماری‌ها را شفا دهید و بدن‌بال این یا آن مثل یک فرد معمولی باشید، نمی‌تواند عملی باشد و من قادر نخواهم بود به شما کمک کنم. چرا به این صورت است؟ زیرا که می‌خواهید یک فرد عادی باشید، و مردم معمولی باید از میان تولد، پیری، بیماری و مرگ بگذرند و این به این صورت خواهد بود. هر چیزی رابطه‌ی کارمایی خود را دارد که نمی‌توان با آن تداخل کرد. زندگی شما از آغاز عمل تزکیه را در برنداشت، اما در حال حاضر می‌خواهید تزکیه بکنید. مطابق آن، زندگی آینده‌تان باید دوباره طراحی گردد، و در نتیجه جسم مجاز است که از هم اکنون پالایش گردد.

وقتی یک فرد بخواهد تزکیه کند و این آرزو در او رشد کرده است، مردم روشن‌بین بزرگ آن را خواهند دید و آن را بسیار با ارزش تلقی خواهند نمود. اما آنها چگونه می‌توانند به او کمک کنند؟ در کجای این دنیا می‌توانند یک استاد پیدا کنند؟ بعلاوه، سن او بالای پنجاه سال است. مردم روشن‌بین بزرگ نمی‌توانند به این شخص آموزش بدهند. به خاطر اینکه اگر آنها خودشان را آشکار کنند و به او فا و تمرین‌ها را آموزش بدهند، مثل این است که اسرار آسمان را فاش نموده‌اند؛ این ممکن است که باعث سقوط خود آنها گردد. مردم در وهم و سردرگمی سقوط کرده‌اند زیرا که کارهای نادرست انجام داده‌اند، و به همین جهت باید تزکیه را تمرین کنند تا در سردرگمی روشن بین گردند. به همین جهت، مردم روشن‌بین بزرگ نمی‌توانند به او تعلیم دهند. اگر یک بودا خودش را در مقابل چشم‌های مردم بطور واقعی نشان بدهد و به آنها هر دوی فا و تمرین‌ها را آموزش بدهد، حتی آنهایی هم که گناهان غیر قابل بخششی دارند برای آموزش به نزد او خواهند آمد. همه به آن اعتقاد پیدا خواهند کرد. پس، چه چیزی برای مردم وجود خواهد داشت که در آن بصیرت پیدا کنند؟ موضوعی برای بصیرت وجود نخواهد داشت. زیرا که مردم بوسیله‌ی خودشان در وهم و سردرگمی سقوط کرده‌اند، آنها می‌بایستی از بین می‌رفتند. به شما فرصت دیگری داده شده است که در وهم و سردرگمی به سرچشمه و اصل خودتان بازگردید. اگر قادر به بازگشت به اصل خود باشید، موفق خواهید بود. اگر نتوانید موفق شوید، در دایره‌ی سامسارا ادامه خواهید داد یا اینکه از بین خواهید رفت.

شخص راه خودش را خودش می‌سازد. چه اتفاقی می‌افتد اگر یک شخص بخواهد تزکیه کند؟ آنها راهی را پیدا کرده‌اند. چی‌گونگ در آن زمان بسیار مردمی و همچنین تغییری در روابط کیهانی بود. برای همکاری با این تغییرات کیهانی، مردم روشن بین این شخص را مجهز به گونگ به وسیله‌ی یک لوله‌ی نرم می‌کردند که مطابق با سطح شین‌شینگ او بود. مثل یک شیر، وقتی وصل بود انرژی جریان می‌یافت. اگر شخص می‌خواست گونگ را آزاد کند، گونگ جریان می‌یافت. او شخصاً نمی‌توانست گونگ را به بیرون بفرستد، زیرا که شخصاً صاحب گونگی نبود. این درست چنان وضعی بود. این به «تزکیه معکوس» نامیده شده است و شخص تزکیه‌اش را از سطح بالا به سطح پایین به طور وارونه کامل می‌کند.

ما بطور معمولی از سطح پایین به سطح بالاتر تزکیه می‌کنیم تا اینکه گونگ باز شود یا به کمال در تزکیه برسیم. این تزکیه معکوس برای مردم مسنی بود که زمان کافی برای عمل تزکیه از سطح پایین به سطح بالا نداشتند. بنابراین، برای آنها می‌توانست سریعتر باشد اگر از سطح بالا به سطح پایین تزکیه می‌کردند. این همچنین پدیده‌ای بود که در آن زمان بوجود آمد. چنین شخصی می‌بایستی از یک شین‌شینگ بسیار بالایی برخوردار باشد، و به او بر طبق سطح شین‌شینگ او انرژی داده می‌شد. هدف از آن چه بود؟ فرد مجبور بود با تغییرات کیهانی در آن زمان همکاری کند. وقتی که این شخص اعمال خوبی را انجام می‌داد، می‌توانست رنج‌هایی را همزمان تحمل کند. زیرا که در مقابل مردم عادی علایق مختلف بشر معمولی می‌توانستند مزاحم او گردند. وقتی که او بیماری یک مریض را شفا می‌داد، ممکن بود که بیمار از او متشکر نباشد. وقتی که او بیمار را معالجه می‌کرد، امکان داشت که خیلی از چیزهای بد جسم این مریض را برطرف کند. هر چند که او این بیمار را در چنان سطح گسترده‌ای معالجه کرده بود، امکان داشت که هیچ تفاوت آشکاری در آن زمان ظاهر نگردد. به هر حال، بیمار ممکن بود در ذهنش خوشحال نباشد. به جای نشان دادن تشکرش، ممکن بود او را به حقه بازی متهم کند. با این مشکلات، او دردی روانی را در این محیط می‌گذراند. هدف از دادن انرژی به او این بود که قادر باشد تزکیه کند و خودش را رشد دهد.

با انجام دادن کارهای خوب، می‌توانست توانایی‌های فوق طبیعی خودش را رشد دهد و انرژی تزکیه خودش را بسازد؛ به هر حال، بعضی از مردم این اصل را نمی‌دانند. آیا متذکر نشده‌ام که هیچکس نمی‌توانست به این شخص فا را آموزش بدهد؟ اگر شخص آن را نمی‌فهمید، می‌توانست آن را بدست آورد. این موضوعی از روشن‌بینی است. اگر شخص نمی‌توانست آن را بفهمد چیزی نمی‌توانست انجام داده شود.

وقتی بعضی از افراد انرژی را بدست آوردند، در عرض یک شب در موقع خواب ناگهان احساس گرمای زیادی کردند و به سختی توانستند که از پتو استفاده کنند. روز بعد، بعد از بیدار شدن از خواب، به هر چه که دست می‌گذاشتند شوک انرژی دریافت می‌کردند. می‌دانستند که انرژی بدست آورده بودند. اگر کسی در جایی از جسمش دردی داشت، آنها می‌توانستند بوسیله دستهایشان مشکل را حل کنند، و تقریباً نتیجه‌اش خوب بود. آنها بعد از آن لحظه می‌دانستند که انرژی داشتند. آنها استاد چی‌گونگ شدند و تابلوهای خود را آویزان کردند. خود را استاد چی‌گونگ نامیدند و شروع به ترویج تمرین‌هایشان کردند. در آغاز، این شخص بسیار خوب بود. وقتی بیماری دیگران را معالجه می‌کرد، ممکن بود به او پول یا کادوهایی داده شود - شاید همگی آنها را امتناع کرده یا قبول نمی‌نمود. هنوز هم، این شخص نمی‌توانست در مقابل آلودگی در مسیر جوامع معمولی بشری مقاومت کند. زیرا این افراد با تزکیه معکوس هرگز از میان تزکیه واقعی شین‌شینگ نگذشته‌اند، برای آنها بسیار مشکل بود که بخوبی شین‌شینگ خودشان را حفظ کنند. بتدریج، این شخص بعضی از هدیه‌ها را قبول می‌کرد. بعداً، هدیه‌های بزرگ‌تر را نیز می‌پذیرفت. در آخر، شاید احساس اهانت می‌کرد اگر هدیه‌ها کم بودند. در نهایت، ممکن بود بگوید، «چرا به من این همه چیز را می‌دهید؟ به من پول بدهید!» نمی‌توانست راضی باشد اگر پول کمی به او داده می‌شد. گوش او با چاپلوسی مردم دیگر درباره اینکه چقدر تبحر دارد پر بود، همچنین به استادان چی‌گونگ از مدارس درست احترام نمی‌گذاشت. اگر کسی حرفی بد درباره او می‌گفت، ممکن بود عصبانی شود. وابستگی او به شهرت و نفع شخصی همگی رشد کرده بودند. خودش را خارق‌العاده و بهتر از دیگران می‌دانست. اشتباهاً فکر می‌کرد که به او انرژی داده شده است تا یک استاد چی‌گونگ بشود و دارایی بزرگی فراهم کند، در صورتیکه درحقیقت آن برای تزکیه او بود. وقتی یکبار علائق او به شهرت و سودپرستی رشد کرده بود، سطح شین‌شینگ او در واقع نزول کرده بود.

من گفته‌ام که سطح گونگ شخص به اندازه سطح شین‌شینگ او می‌باشد. وقتی سطح شین‌شینگ فرد سقوط می‌کند، شخص به آن همه گونگ نیز مجهز نیست زیرا که آن بر طبق سطح شین‌شینگ داده می‌شود. سطح گونگ به اندازه سطح شین‌شینگ است. هر چه بیشتر شخص در کسب شهرت و نفع شخصی باشد، به سطح پایین‌تری در بین مردم معمولی نزول خواهد نمود. گونگ او نیز بتدریج با آن کم خواهد شد. در نهایت، وقتی شخص کاملاً به بُن سقوط کرده است، دیگر به او گونگ داده نخواهد شد. این شخص گونگی نخواهد داشت. چندین سال پیش تقریباً تعدادی از این افراد وجود داشتند، و نسبتاً بیشتر آنها زنانی بودند که بیش از پنجاه سال سن داشتند. هر چند که ممکن بود یک زن مسن را ببینید که چی‌گونگ را تمرین می‌کند، هرگز هیچ آموزش واقعی را دریافت نکرده بود. شاید او در یک کلاس چی‌گونگ چند حرکت برای شفا دادن و در فرم بودن را یاد گرفته بود. یک روز، ناگهان او دارای گونگ بود. وقتی یکبار شین‌شینگ او ضعیف گردد یا اینکه وابستگی‌های به شهرت و نفع شخصی رشد کنند، سطح او نزول خواهد کرد. او سپس به اینکه کسی نباشد خاتمه خواهد داد، و گونگ او کاملاً ناپدید می‌شود. این روزها، تعداد زیادی از این افراد با تزکیه معکوس وجود دارند که سطح‌شان نزول کرده است. فقط تعدادی از آنها هنوز هم باقی مانده‌اند. چرا؟ او نمی‌دانست که تزکیه معکوس برای عمل تزکیه او تدارک دیده شده بود، و اشتباهاً فکر می‌کرد که آن برای بدست آوردن دارایی، شهرت و یک استاد چی‌گونگ شدن بود. در واقع، تزکیه معکوس برای عمل تزکیه او می‌بود.

«قرض گرفتن گونگ» چیست؟ آن محدودیت سنی ندارد، اما یک شرط دارد: شخص باید شین‌شینگ بسیار خوبی داشته باشد. این شخص می‌داند که چی‌گونگ می‌تواند شخص را قادر به تزکیه کردن بکند، و همچنین می‌خواهد که تزکیه کند. او قلبی برای تزکیه کردن دارد، اما کجا می‌تواند یک استاد پیدا کند؟ در چند سال اخیر، در حقیقت استادان چی‌گونگ

واقعی وجود داشتند که چی گونگ را تعلیم می‌دادند. آنچه که آنها آموزش می‌دادند، به هر حال، چیزی کاملاً برای شفا دادن و خود را سالم نگهداشتن بود. هیچکس در سطح بالا چی گونگ را تعلیم نداد، و این کار را هم انجام نخواهد داد.

در مورد به قرض گرفتن گونگ، موضوع دیگری را مطرح خواهم نمود. به علاوه روح نخستین اصلی^{۱۱} (zhu) yuanshen (خودآگاه اصلی)، شخص همچنین دارای روح نخستین کمکی^{۱۲} (fu yuanshen) (خودآگاه کمکی) هم هست. بعضی اشخاص دارای یک، دو، سه، چهار و پنج عدد روح‌های نخستین کمکی هستند. جنسیت روح نخستین کمکی ممکن است مثل خود شخص نباشد. بعضی‌ها مرد و بعضی‌ها زن هستند. آنها همگی متفاوت می‌باشند. در حقیقت، جنسیت روح نخستین اصلی نیز لازم نیست همانی باشد که جسم فیزیکی دارد، زیرا که ما فهمیده‌ایم که در حال حاضر بسیاری از مردان یک روح نخستین زن دارند، در حالیکه بسیاری از زنان یک روح نخستین مرد دارند. این کاملاً با اوضاع کیهانی که در مکتب تائو از آن ذکر شده است مطابقت دارد، زیرا که بین و یانگ^{۱۳} برعکس هم می‌شوند، با بین در سعادت و یانگ در اضمحلال. قاعدتاً روح نخستین کمکی شخص از یک سطح بالاتری از روح نخستین اصلی او می‌آید. مخصوصاً در مورد بعضی از افراد، روح نخستین کمکی آنان از یک سطح بسیار بالایی می‌آیند. روح نخستین کمکی به تسخیر روح در آمدن نیست، آن همزمان با شما از زهدان مادران متولد می‌شود. همان نام شما را دارد، زیرا که قسمتی از جسم شما می‌باشد. معمولاً، وقتی مردم درباره‌ی چیزی فکر می‌کنند یا می‌خواهند کاری را انجام بدهند، به روح نخستین اصلی مربوط است که چه تصمیمی را بگیرند. روح نخستین کمکی معمولاً بیشترین سعی را می‌کند که مانع روح نخستین اصلی از ارتکاب انجام کارهای نادرست گردد. وقتی روح نخستین اصلی بسیار لجباز است، به هر حال، روح نخستین کمکی قادر نیست کمکی بکند. روح نخستین کمکی بوسیله‌ی جامعه مردم عادی همراه نمی‌شود در حالیکه روح نخستین اصلی بسادگی از راه بدر می‌رود.

بعضی از روح‌های نخستین کمکی از سطوح بسیار بالایی می‌آیند و احتمالاً در مرز رسیدن به میوه‌ی حقیقت در تزکیه می‌باشند. روح نخستین کمکی می‌خواهد که تزکیه کند، اما نمی‌تواند کاری را انجام دهد اگر روح نخستین اصلی مایل به انجام آن نباشد. زمانی که چی گونگ بسیار محبوب بود، یک روز روح نخستین اصلی نیز می‌خواست چی گونگ را تمرین کند. فکر تزکیه بسوی سطوح بالا البته بسیار خالص و آسان بود؛ شخص تمنا می‌کرد برای اشیاء و چیزهایی مثل شهرت و نفع شخصی نداشت. به هر حال، روح نخستین کمکی بسیار خوشنود بود، «من می‌خواهم تزکیه بکنم، اما تصمیم گیرنده نیستم. حالا تو می‌خواهی تزکیه بکنی، و این درست همانی است که من می‌خواهم.» اما شخص کجا می‌توانست یک استاد پیدا کند؟ روح نخستین کمکی نسبتاً با استعداد بود، و می‌توانست جسم را ترک کند تا شخص روشن‌بین بزرگی را که از زندگی قبلی می‌شناخت پیدا کند. از آنجا که بعضی از روح‌های نخستین کمکی از سطوح بسیار بالایی می‌آیند، می‌توانند جسم را ترک کنند. بعد از رسیدن به آنجا، آرزوهای خود را برای تزکیه و قرض گرفتن گونگ بیان نمود. مردم روشن‌بین بزرگ دریافتند که این خیلی خوب می‌باشد، و مطمئناً می‌خواستند که به او در تزکیه‌اش کمک کنند. از این رو، روح نخستین اصلی مقداری گونگ قرض گرفت. بطور عمومی، این گونگ انرژی‌ای منتشر شده دارد که بوسیله‌ی یک لوله منتقل می‌شود. بعضی از انرژی به قرض گرفته شده نیز به صورت شکل‌هایی می‌آیند، و آن بطور عمومی با خود توانایی‌های فوق طبیعی را حمل می‌کند.

بدین طریق، این شخص در همان لحظه می‌توانست صاحب توانایی‌های فوق طبیعی باشد. این شخص همانطور که در حال حاضر شرح دادم، یک شب احساس گرمای زیادی در طول خواب کرد. وقتی که روز بعد از خواب بیدار شد انرژی داشت. او به هر چه دست می‌زد جریان الکتریسته وجود داشت. او قادر بود بیماری دیگران را شفا بدهد، و همچنین دریافت که انرژی کسب کرده است. از کجا انرژی می‌آمد؟ او در مورد آن مطمئن نبود. فقط یک آگاهی داشت که آن از بعد کیهان می‌آید. اما

۱۱- روح نخستین اصلی - روان اصلی فرد، خودآگاهی اصلی

۱۲- روح نخستین کمکی - روان ثانوی فرد، خودآگاهی کمکی

۱۳- yin (yeen), yang (yahng) - در مکتب تائو اعتقاد بر این است که هر چیزی دارای نیروی مخالف بین و یانگ است که بطور دو طرفه منحصر به فرد

است، اما لازم و ملزوم یکدیگرند، مثل زن (yin) و مرد (yang).

دقیقاً نمی‌دانست که آن چگونه آمده است. روح نخستین کمکی به او چیزی نمی‌گفت، زیرا این روح نخستین کمکی بود که تزکیه می‌کرد. او فقط می‌دانست که انرژی را کسب کرده بود.

معمولاً هیچ محدودیت سنی برای کسانی که انرژی را به قرض می‌گرفتند نبود، و بطور نسبی بیشتر جوانها بودند که شامل آن می‌شدند. به همین جهت، چندین سال قبل اشخاصی بودند در سن‌های بیست، سی و چهل سال که به ملاء عام آمدند. تعدادی نیز افراد مسن وجود داشتند. برای یک شخص جوان بیشتر مشکل است که خودش را کنترل کند. ممکن است این شخص را معمولاً بسیار نیکو بیابید، که به شهرت و نفع شخصی اهمیت کمی می‌دهد، زمانی که توانایی‌های زیادی در جامعه مردم عادی ندارد. وقتی که یک روز مشهور می‌شود، شهرت و منفعت به راحتی تداخل می‌کنند. ممکن است فکر کند که هنوز هم راهی طولانی در زندگی دارد که ادامه بدهد، و هنوز هم می‌خواهد هرکوششی را برای رسیدن به بعضی از هدف‌ها در بین مردم عادی بکند. پس، وقتی که توانایی‌های فوق طبیعی و بعضی از استعدادها در نزد او رشد می‌کنند، آنها می‌توانند بعنوان وسیله‌ای برای طلب امیال شخصی او در جامعه مردم معمولی مورد استفاده قرار بگیرند. پس آنها عملی نخواهند بود و اجازه ندارند به این شکل در بین مردم مورد استفاده قرار بگیرند. هر چه بیشتر آنها را مورد استفاده قرار می‌دهد، انرژی او کمتر می‌شود. در نهایت، چیزی برای او باقی نمی‌ماند. حتی اشخاص بیشتری وجود داشته‌اند که سطح شان به این طریق نزول کرده است. من پی برده‌ام که دیگر کسی باقی نمانده است.

این دو مورد را که هم اکنون تذکر دادم هر دو مربوط به انرژی است که بوسیله افرادی کسب شدند که بطور نسبی از شین‌شینگ خوبی برخوردار بودند. این انرژی از طریق تزکیه شخصی آنها رشد نکرده بود. آن از طرف مردم روشن بین بزرگ می‌آمد، و در نتیجه آن انرژی برای خودش خوب بود.

به تسخیر روح یا حیوان درآمدن

شاید بسیاری از شما در میان جامعه تزکیه‌کنندگان چیزی درباره تسخیر حیوان از قبیل روباه، راسو، جوجه تیغی و مار شنیده باشید. تمام اینها درباره چه می‌باشند؟ بعضی افراد درباره رشد توانایی‌های فوق طبیعی از طریق تمرین چی‌گونگ صحبت بعمل می‌آورند. در حقیقت، توانایی‌های فوق طبیعی رشد داده نشده‌اند؛ در عوض، آنها توانایی‌های مادرزادی بشر می‌باشند. این فقط به این خاطر است که مردم در رشد جامعه بشری، بیشتر به مسائل قلمرو دنیای فیزیکی متمرکز شده‌اند، بنابراین بیشتر وابسته ابزار مدرن ما شده‌اند. در نتیجه، توانایی‌های مادرزادی بشری ما بیشتر به انحطاط کشیده شده است. در نهایت، آنها کاملاً ناپدید شده‌اند.

شخص برای داشتن توانایی‌های فوق طبیعی، باید آنها را از طریق عمل تزکیه رشد بدهد و به سرچشمه خود بازگردد، به حقیقت خود. اما یک حیوان چنین فکر پیچیده یا عالمانه‌ای ندارد، در نتیجه به فطرت عالم از طریق غریزه اولیه‌اش ارتباط دارد. بعضی افراد ادعا می‌کنند که حیوانات می‌توانند تزکیه کنند، روباه‌ها می‌دانند که چگونه دان (dan) را تزکیه کنند، یا اینکه مارها می‌دانند چگونه عمل تزکیه را انجام بدهند و غیره. مسئله این نیست که حیوانات می‌دانند چگونه تزکیه کنند. آنها در آغاز، اصلاً نمی‌دانستند که تزکیه چه می‌باشد. آنها فقط همان بصیرت آغازین را داشتند. سپس، در تحت اوضاع و شرایط بخصوصی، ممکن بود بعضی تأثیرات را در یک مرحله زمانی داشته باشند. آنها ممکن بود قادر باشند انرژی را کسب کرده و توانایی‌های فوق طبیعی را رشد بدهند.

بدین طریق، یک حیوان می‌تواند توانایی‌هایی داشته باشد. در گذشته، می‌توانستیم بگوییم که این حیوان ذکاوت بسیاری با بعضی از توانایی‌ها داشت. از نظر مردم عادی، حیوانها آنقدر خطرناک هستند که به آسانی می‌توانند مردم را از بین ببرند. در حقیقت، من می‌گویم که آنها خطرناک نیستند و در مقابل یک تمرین‌کننده واقعی چیزی نیستند. هر چند که شما ممکن است یکی از آنها را بیابید که تقریباً هزار سال تزکیه کرده است، یک انگشت کوچک کافی خواهد بود که آن را خرد کند. ما گفته‌ایم که حیوانات دارای این غرایز اولیه هستند، و صاحب بعضی از توانایی‌ها می‌باشند. به هر حال، یک اصل در

عالم ما وجود دارد: حیوانات اجازه ندارند که در تزکیه موفق گردند. زیرا که، همگی شما می‌توانید در کتاب‌های قدیمی بخوانید که در هر چند صد سال حیوانات در یک بلای ناگهانی بزرگ و یا یک حادثه کوچک کشته شده‌اند. بعد از گذشت یک دوره زمانی، حیوانات انرژی را رشد می‌دهند و باید کشته شوند یا با رعد و برقی مواجهه گردند و غیره. آنها اجازه ندارند که تزکیه کنند زیرا که طبیعت مادرزادی بشری را دارا نیستند و نمی‌توانند مثل انسانها تزکیه کنند زیرا که کیفیت بشری را دارا نیستند. اگر در تزکیه موفق گردند، به شیاطینی تبدیل خواهند شد. به همین جهت اجازه ندارند در تزکیه موفق گردند. وگرنه، بوسیله آسمان کشته خواهند شد. آنها این را به خوبی می‌دانند. اما همانطور که گفته‌ام، جامعه بشری در حال حاضر در یک زوال عظیمی است و بعضی از مردم همه نوع گناهی را مرتکب شده‌اند. در این مرحله، آیا جامعه بشری در خطر نیست؟

چیزها بعد از رسیدن به نهایت خود به جهت عکس رهسپار می‌شوند! ما دریافته‌ایم که هر وقت جوامع بشری در زمانهای ماقبل تاریخ خرابی‌های دوره‌ای را تجربه کرده‌اند، همیشه موقعی اتفاق می‌افتاد که نوع بشر از نظر اخلاقیات معمولاً به نهایت فساد خود رسیده بود. در حال حاضر، بعدی که انسان در آن وجود دارد و همچنین بسیاری از بعدهای دیگر همگی در وضعیتی بسیار خطرناک قرار دارند. این حقیقت دربارهٔ بعدهای دیگر در این سطح صادق می‌باشند؛ ارواح یا حیوانات تسخیرکننده نیز عجله دارند که جان سالم بدر برده و به سطوح بالاتر منتقل گردند. آنها فکر می‌کنند که با رفتن به سطوح بالاتر می‌توانند جان سالم بدر ببرند. اما، این چگونه می‌تواند اینقدر ساده باشد؟ برای اینکه تزکیه را انجام داد، شخص بایستی یک جسم انسانی داشته باشد. پس، این یکی از دلایلی است که چرا بعضی از تمرین‌کنندگان چی‌گونگ به تسخیر روح یا حیوان درآمده‌اند.

بعضی از افراد شاید تعجب کنند، «از آنجا که بسیاری از مردم روشن بین بزرگ یا استادانی در سطوح بالا وجود دارند، چرا از این امر مراقبت نمی‌کنند؟» یک اصل دیگر در عالم ما وجود دارد: اگر چیزی را دنبال می‌کنید یا می‌خواهید، دیگران مایل نیستند که مداخله کنند. اینجا، به همگی آموزش می‌دهیم که راه درست را دنبال کنند، و همزمان فا را به شما توضیح می‌دهیم بطوریکه به شما اجازه داده می‌شود بوسیله خودتان روشن‌بین گردید. این مربوط به خودتان می‌باشد که آیا بخواهید آن را یاد بگیرید یا نه. استاد شما را از دروازه می‌گذراند و این مسئله خودتان است که تزکیه کنید یا نه. هیچ کس شما را مجبور نمی‌کند که تزکیه کنید. این مسئله به خودتان مربوط است که می‌خواهید تزکیه کنید یا نه. به عبارتی دیگر، هیچکس دخالتی نخواهد کرد اینکه چه راهی را می‌خواهید انتخاب کنید، چه می‌خواهید یا چه چیزی را سعی دارید بدست آورید. ما فقط می‌توانیم به مردم توصیه کنیم که خوب باشند.

اگر چه می‌بینید که بعضی از افراد چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، در حقیقت انرژی آنها به تسخیر ارواح یا حیوانات درآمده است. چگونه کسی به تسخیر روح یا حیوان درآمده است؟ چه تعداد تمرین‌کنندگان چی‌گونگ در سرتاسر کشور پشت جسم‌هایشان آنها را دارند؟ اگر تعداد آنها را برایتان بازگو کنم، بسیاری از مردم بیش از حد خواهند ترسید که چی‌گونگ را تمرین کنند. تعداد آنها بصورت ترسناکی زیاد است! بنابراین، چرا این وضعیت وجود دارد؟ این چیزها مشکلاتی برای اجتماع مردم عادی بوجود می‌آورند. چرا این چنین پدیده جدی‌ای بوجود آمده است؟ این خود مردم هستند که چنین مشکلی را برای خودشان بوجود می‌آورند زیرا که بشریت فاسد شده و شیاطین همه جا وجود دارند. مخصوصاً، تمام استادان قلابی چی‌گونگ به تسخیر ارواح یا حیوانات درآمده‌اند، آنها را در جسمشان حمل می‌کنند، و این چیزی است که آنها در تعلیماتشان انتقال می‌دهند. در سرتاسر تاریخ بشری، حیوانات مجاز نبودند که مردم را تملک کنند. وقتی که این کار را می‌کردند، کشته می‌شدند؛ هر کسی آن را می‌دید این اجازه را نمی‌داد. در جامعه امروزی ما، به هر حال، بعضی از افراد به آنها برای گرفتن کمک دعا می‌کنند، آنها را می‌خواهند، و آنها را پرستش می‌کنند. بعضی از افراد شاید فکر کنند. «من بطور مشخص از او چیزی نمی‌خواستم!» تو از او چیزی نخواستی، اما تو در جستجوی توانایی‌های فوق طبیعی بودی. آیا یک روشن بین بزرگ از روش تزکیه درست آنها را به تو خواهد داد؟ در طلب چیزی بودن وابستگی مردم عادی است، و این وابستگی بایستی از بین برود. پس چه کسی آنها را به شما می‌دهد؟ فقط شیاطینی از بعدهای دیگر و حیوانات مختلف می‌توانند آنها را به شما بدهند. آیا این مثل این نیست که از روح یا حیوان تسخیرکننده تقاضا کنید؟ در نتیجه آنها خواهند آمد.

چه تعداد از افراد با فکری صحیح چی گونگ را تمرین می کنند؟ تمرین چی گونگ لازمه اش این است که فرد به تقوا ارزش بگذارد، کارهای خوب انجام بدهد، و فردی نیک باشد. شخص باید در هر جا و در تحت هر شرایطی بدین شکل با خودش برخورد کند. چه تعداد از افراد در تمرین چی گونگ در پارک یا در خانه، اینگونه فکر می کنند؟ هیچکس نمی داند که چه نوع چی گونگی را بعضی از افراد تمرین می کنند. در حالیکه تمرین می کند و بدنش را به نوسان در می آورد، زیر لب می گوید، «اوه، عروسم به من احترام نمی گذارد. مادر زنم خیلی وحشتناک است!» بعضی افراد حتی در مورد همه چیز نظر می دهند - از محل کارشان گرفته تا معاملات دولتی. چیزی وجود ندارد که آنها نخواهند درباره اش صحبت کنند، و اگر چیزی با طرز فکرشان جور در نیاید بسیار آشفته می گردند. آیا می توانید آن را تمرین چی گونگ بنامید؟ بیشتر از این، چنین شخصی تمرین های ایستاده را با پاهای لرزان از خستگی انجام می دهد. اما روانش آرام نیست: «این روزها چیزها بسیار گران و قیمت ها در حال بالا رفتن هستند. محیط کار نمی تواند حقوق مرا بپردازد. چرا نمی توانم بعضی از تواناهایی های فوق طبیعی را از طریق تمرین چی گونگ رشد بدهم؟ اگر توانایی های فوق طبیعی را رشد بدهم، من نیز یک استاد چی گونگ خواهم شد و ثروتی را بدست خواهم آورد. می توانم بیماران را ببینم و پول بدست آورم.» همین که می بیند توانایی های فوق طبیعی دیگران رشد کرده است، حتی بیشتر مضطرب می شود. او به دنبال توانایی های فوق طبیعی، در طلب چشم سوم و توانایی معالجه بیماری است. همگی درباره اش فکر کنید: این چقدر از فطرت عالم ما حقیقت - نیکخواهی - بردباری دور است! این کاملاً برخلاف آن است. او بطور جدی یک روش شیطانی را تزکیه می کند! به هر حال، او این را با ناآگاهی انجام می دهد. هر چه بیشتر بدین طریق فکر کند، روان او بدتر می شود. این شخص فا را کسب نکرده است و نمی تواند برای تقوا ارزش بگذارد. سپس فکر می کند که می تواند انرژی را بوسیله انجام دادن تمرین ها رشد بدهد و اینکه می تواند به هر چه که خواهد از طریق دنبال کردن آن برسد. این آن چیزی است که این شخص فکر می کند.

این دقیقاً به خاطر قصد بیمار یک شخص است که می تواند چیزهای نادرست را به خود جذب کند. یک حیوان در هر صورت می تواند این را ببیند: «این شخص می خواهد بوسیله تمرین چی گونگ ثروتی را بدست آورد. شخص دیگر می خواهد مشهور شده و توانایی های فوق طبیعی را بدست آورد. خدای من، جسم او بد نیست و چیزهای خوبی را نیز حمل می کند. اما فکر او واقعاً نادرست است، و دنبال نیروی های فوق طبیعی است! ممکن است که استادی داشته باشد، اما حتی اگر هم استادی داشته باشد، من ترسی ندارم.» حیوان آگاه است که یک استاد از یک راه تزکیه درست به او توانایی های فوق طبیعی را با مشاهده اینکه او در به در دنبال آنها است نخواهد داد. هر چه بیشتر در طلب باشد، استاد او کمتر به او آنها را خواهد داد، زیرا که این دقیقاً یک دلبستگی است که باید دور ریخته شود. هر چه بیشتر به این طریق فکر کند، توانایی های فوق طبیعی کمتری را بدست خواهد آورد، و احتمالاً کمتر به آن بصیرت خواهد یافت. هر چه بیشتر به دنبال آنها باشد، روان او بدتر می شود. در آخر، استاد بعد از مشاهده اینکه امیدی به شخص نیست، با یک آه او را رها می کند و دیگر از او مراقبت نمی کند. بعضی افراد استادی ندارند و احتمالاً بوسیله استادی گذری مورد مراقبت قرار می گیرند، نظر به اینکه تعداد بسیار زیادی از مردم روشن بین در بعدهای دیگر وجود دارند، یک شخص روشن بین بزرگ شاید نظری به این شخص بیاندازد و یک روز او را دنبال کند. سپس او را بعد از اینکه دریابد که او به اندازه کافی خوب نیست رها خواهد کرد. روز دیگر شخص روشن بین بزرگ دیگری ممکن است از آنجا رد شود، و همچنین بعد از اینکه دریابد او خوب نیست او را ترک خواهد نمود.

حیوان می داند که اگر او یک استاد یا استادی گذرا داشته باشد یا نه، استاد او به او آنچه را که به دنبالش است نخواهد داد. زیرا حیوانات قادر نیستند بعدهایی را که مردم روشن بین بزرگ در آنجا مقیم هستند ببینند، آنها نمی ترسند، و از این نقطه نفوذی سوء استفاده می کنند. یک اصل در عالم ما وجود دارد که بطور معمولی دیگران نمی توانند با آنچه شخص در جستجویش است و برای خودش می خواهد مداخله کنند. حیوان از این نقطه نفوذی بهره برداری می کند، «اگر او چیزی را می خواهد، به او خواهم داد. این اشتباه من نیست که به او کمک می کنم، آیا اینطور نیست؟» حیوان به او آن را خواهد داد. حیوان در آغاز جرأت نمی کند که او را تصاحب کند، و اول از روی آزمایش به او کمی انرژی می دهد. او یک روز، ناگهان خودش را با انرژی که در جستجویش بوده پیدا می کند، و اینکه می تواند بیماری ها را شفا بدهد. با دیدن اینکه آن عملی

می‌باشد، حیوان می‌خواهد از آن به عنوان پیش‌درآمد یک موسیقی استفاده کند، «از آنجا که او این را می‌خواهد، بدن او را تصاحب خواهیم کرد. به این طریق می‌توانم به او چیزهای بیشتری را بدهم و کار را آسان‌تر کنم. آیا او چشم سوم را نمی‌خواهد؟ حالا به او همه چیز را می‌دهم.» سپس شخص را تصاحب می‌کند.

در حالیکه ذهن این شخص در طلب این چیزها است، چشم سوم او باز می‌شود و می‌تواند انرژی را با کمی از توانایی‌های فوق طبیعی آزاد کند. واقعاً خوشحال می‌شود و فکر می‌کند که در نهایت به آنچه که از طریق تمرین در جستجویش بوده رسیده است. او در حقیقت، از طریق تمرین چیزی را کسب نکرده است. او فکر می‌کند که می‌تواند از میان جسم بشری ببیند و محل بیماری‌ها را در جسم شخص شناسایی کند. در حقیقت، چشم سوم او اصلاً باز نشده است. بلکه حیوان است که مغز او را کنترل می‌کند. حیوان آنچه را که با چشم‌های خود می‌بیند به مغز او منعکس می‌کند، در نتیجه او فکر می‌کند که چشم سومش باز شده است. «گوناگون را آزاد کنم؟ ادامه بده.» وقتی که او دست خود را برای آزاد کردن انرژی بیرون می‌کشد، حیوان نیز پنجه‌هایش را از پشت او بیرون می‌کشد. بزودی که انرژی را آزاد می‌کند، زبان شکافدار مار از سر او بیرون آمده و آن قسمت بیمار یا متورم مریض را می‌لیسد. موارد بسیار زیادی از اینها وجود دارند، و تمام این اشخاص از طریق خواسته‌هایشان گرفتار روح یا حیوان شده‌اند.

به خاطر اینکه این شخص چیزی را طلب می‌کند و در جستجوی شهرت و دارایی است در نتیجه توانایی‌های فوق طبیعی را کسب می‌کند. او می‌تواند بیمارها را شفا بدهد، و همچنین چشم سوم او می‌تواند چیزهایی را ببیند. این او را بسیار خوشحال می‌کند. حیوان آن را می‌بیند، «آیا نمی‌خواهی صاحب دارایی شوی؟ بسیار خوب، من این امکان را به تو می‌دهم که پول بدست آوری.» این بسیار آسان است که فکر یک فرد عادی را کنترل کرد. حیوان می‌تواند کاری کند که خیلی از مردم برای معالجه به نزد او بیایند. خدای من، در حالی که او مریضی را اینجا شفا می‌دهد، حیوان کاری می‌کند که خبرنگاران روزنامه‌ها برای او در روزنامه‌ها تبلیغ کنند. او برای انجام این چیزها مردم عادی را کنترل می‌کند. اگر بیماری به اندازه کافی به او حق الزحمه نپردازد، نمی‌تواند مجاز باشد، حیوان سبب می‌شود که بیمار سردرد بگیرد. به هر حال، فرد باید به او پول زیادی بپردازد. او به هردوی ثروت و شهرت رسیده است، پولی که تهیه شده و شهرتی که بدست آمده. او نیز بالاخره استاد چی‌گونگ شده است. معمولاً، چنین شخصی ارزشی به شین‌شینگ نمی‌گذارد و جرأت می‌کند که هر چیزی را بگوید. او خود را بعد از آسمان شماره دو به حساب می‌آورد، جرأت می‌کند که ادعا کند بازپیدا شده خانم ملکه مادر^{۱۴} یا امپراطور بزرگ جاد^{۱۵} است. او حتی جرأت می‌کند خود را بودا بنامد. از آنجا که بطور حقیقی شین‌شینگ خود را تزکیه نکرده است، از طریق تمرین‌ها بدن‌بال توانایی‌های فوق طبیعی است. در نهایت، روح یا حیوان را به خود جذب می‌کند.

شاید بعضی از افراد فکر کنند، «چه چیز این اشتباه است؟ این خوب است تا آنجایی که پول و ثروت برای کسب کردن وجود دارد، و شخص همچنین می‌تواند به شهرت برسد.» بسیاری از افراد اینگونه فکر می‌کنند. بگذارید برای همگی‌تان توضیح بدهم که حیوان درحقیقت قصد خودش را دارد، و چیزی را به شما بدون دلیل نخواهد داد. این عالم اصلی دارد: «اگر باختی نباشد، بردی نیست.» حیوان چه چیزی را بدست می‌آورد؟ آیا هم اکنون این موضوع را مطرح نکردم؟ او می‌خواهد جوهر جسم شما را بدست بیاورد بطوریکه یک شکل بشری را تزکیه کند، و جوهر بشری را از جسم یک شخص جمع می‌کند. یک جسم بشری فقط این تکه از جوهر را داراست. اگر کسی بخواهد تزکیه را تمرین کند، فقط همین یک قسمت وجود دارد. اگر بگذارید که حیوان آن را بدست آورد، باید عمل تزکیه را فراموش کنید. چگونه می‌خواهید تزکیه کنید؟ چیزی برایتان باقی نخواهد ماند و نمی‌توانید کلاً تزکیه کنید. شاید بعضی از افراد ادعا کنند: «من نمی‌خواهم هیچکدام را تزکیه کنم، فقط می‌خواهم پول بدست آورم. تا آنجا که پول دارم، خوب است. چه کسی به آن اهمیت می‌دهد!» بگذارید برایتان توضیح بدهم شاید شما بخواهید صاحب ثروتی بشوید، اما بعد از اینکه برایتان دلایلش را آوردم به این صورت فکر نخواهید کرد. چرا؟ اگر

۱۴- Lady queen mother – در اسطوره شناسی چینی، بالاترین مقام الوهیت زن در اقلیم سه‌گانه است.

۱۵- Great Jade Emperor – در اسطوره شناسی چینی، مقام الوهیت سرپرستی جهان سه‌گانه را دارد.

آن جسم شما را زودتر ترک کند، چهار دست و پای شما بسیار ضعیف خواهند شد. بعد از آن، در تمام مدت باقی ماندهٔ عمرتان به این شکل باقی خواهید ماند زیرا که آن جوهر زیادی را از جسمتان برداشته است. اگر جسم شما را دیرتر ترک کند، زندگی گیاهی خواهید داشت و بقیهٔ زندگی خود را در تخت خواهید گذراند فقط با نبضی در هوا. با اینکه پول دارید، آیا قادر به خرج کردن آن خواهید بود؟ هر چند که مشهور هستید، آیا خواهید توانست از آن لذت ببرید؟ آیا این وحشتناک نیست؟

چنین مواردی امروزه مخصوصاً بین تمرین‌کنندگان درخور توجه است، و تقریباً تعداد آنها بسیار است. یک حیوان نه تنها می‌تواند یک شخص را تصاحب کند، بلکه می‌تواند همچنین روح نخستین شخص را بکشد و در کاخ صنوبری^{۱۶} شخص رفته و در آنجا مقیم شود. اگر چه فرد به شکل یک انسان دیده می‌شود، ولی در حقیقت آنطور نیست. حتی این چیزها امروزه می‌توانند اتفاق بیفتند. این برای این است که ارزش‌های اخلاقی در بین انسانها عوض شده است. وقتی کسی کاری نادرست انجام می‌دهد، اگر به او بگویید که کاری نادرست انجام داده است به آن باور نمی‌آورد. او فکر می‌کند که آن درست است و بدست آوردن پول را معقول می‌داند، در جستجوی پول بودن، و یا کسب ثروت، و اینکه آن درست می‌باشد. به همین جهت، به دیگران آسیب و صدمه می‌رساند. برای بدست آوردن پول، هر گناهی را مرتکب خواهد شد و جرأت انجام هر کاری را دارد. بدون از دست دادن چیزی، حیوان چیزی را کسب نخواهد کرد. او چگونه می‌تواند در عوض هیچ چیز به تو چیزی بدهد؟ او می‌خواهد چیزهایی را از جسم تو بدست بیاورد. البته، گفته‌ایم که شخص دچار مشکل می‌شود اگر ارزش‌های خود او و افکارش درست و عادلانه نباشند.

ما فالون دافا را تعلیم می‌دهیم. در عمل تزکیه در مدرسهٔ ما، هیچ مشکلاتی نخواهید داشت تا آنجا که بتوانید بخوبی شین شینگ خودتان را هدایت کنید، زیرا یک فکر صحیح می‌تواند بر صدها اهریمن غلبه کند. اگر نتوانید شین شینگ خودتان را حفظ کنید و به دنبال این یا آن بروید، مسلماً به درد سر خواهید افتاد. بعضی افراد درست آنچه را که قبلاً یک بار تمرین کرده‌اند نمی‌توانند فراموش کنند. ما از مردم می‌خواهیم که فقط یک راه تزکیه را تمرین کنند چونکه در یک راه تزکیه واقعی باید مصمم بود. با اینکه یک سری از استادان چی‌گونگ کتاب‌هایی نوشته‌اند، برایتان می‌گویم که آن کتاب‌ها شامل همه نوع چیزهایی می‌باشند و به همان شکلی هستند که تمرین می‌کنند: آنها مارها، روباه‌ها و خزها هستند. وقتی آن کتاب‌ها را مطالعه می‌کنید، این چیزها از کلمات بیرون خواهند آمد. من گفته‌ام که تعداد استادان قلابی چی‌گونگ چندین بار بیشتر از استادان واقعی می‌باشند، و شما قادر نیستید بین آنها فرقی بگذارید. به همین جهت، شما باید بخوبی خودتان را اداره کنید. من اینجا از این صحبت نمی‌کنم که شما باید فالون دافا را تمرین کنید؛ شما می‌توانید در هر مکتبی که بخواهید تمرین کنید. اما در گذشته ضرب‌المثلی وجود داشت: «فرد ترجیح می‌دهد که یک راه درست را در هزار سال کسب نکند تا اینکه یک روش روباه وحشی را برای یک روز تزکیه کند.» پس، شخص باید خودش را به خوبی اداره کند و بطور واقعی یک راه درست را تمرین کند. آن را با چیز دیگری در تزکیه مخلوط نکنید، نه حتی با هیچ روش فکری از روی قصد. فالون بعضی از افراد از شکل افتاده است. چرا آنها از شکل افتاده‌اند؟ آنها ادعا می‌کنند که روش‌های دیگر چی‌گونگ را تمرین نکرده‌اند. به هر حال، هر وقت که تمرین می‌کنند، از تمرین‌های سابق‌شان چیزی‌هایی را به مغزشان اضافه می‌کنند. آیا آن چیزها به تمرین‌ها آورده نمی‌شوند؟ در رابطه با موضوع تسخیر بوسیلهٔ ارواح یا حیوانات، این همه آن چیزی است که ما درباره‌اش صحبت کرده‌ایم.

زبان کیهانی

«زبان کیهانی» چیست؟ منظور این است که ناگهان یک شخص می‌تواند یک زبان ناشناخته را صحبت کند. او چیزی را در زیر لب می‌گوید که خودش هم از آن سر در نمی‌آورد. شخصی با توانایی تله پاتی می‌تواند فهمی عمومی از آن دریافت کند اما قادر نیست بطور مشخص بگوید که این شخص دربارهٔ چه چیزی صحبت می‌کند. همچنین، بعضی از افراد می‌توانند

۱۶- niwan (nee – wahn) - اصطلاح تائوئیستی برای کاخ صنوبری جسم.

چندین زبان مختلف را صحبت کنند. بعضی‌ها حتی آن را بی‌نظیر تلقی می‌کنند و به عنوان یک مهارت یا یک توانایی فوق طبیعی با آن برخورد می‌کنند. آن نه یک توانایی فوق طبیعی است و نه یک مهارت تمرین‌کننده؛ و نه می‌تواند تعیین‌کننده سطح شخص باشد. پس، همه این‌ها در مورد چه چیزی هستند؟ به خاطر اینکه فکر شما بوسیله یک روح خارجی کنترل می‌شود، هنوز هم ممکن است آن را تقریباً خوب بدانید و آن را بخواهید، بطوریکه درباره آن خوشحال هستید. هر چه بیشتر خوشحال باشید، آن بهتر شما را کنترل می‌کند. بعنوان یک تمرین‌کننده واقعی، چگونه می‌توانید بگذارید که شما را کنترل کند؟ بعلاوه، آن به یک سطح بسیار پایین تعلق دارد. بعنوان تمرین‌کننده‌ای واقعی، نباید این جور مشکلات را به خودمان جلب کنیم.

انسان مظهر همه موجودات، و با ارزش‌ترین آنها است. چگونه می‌توانید بوسیله این چیزها مورد کنترل قرار بگیرید؟ چقدر غم‌انگیز است که جسم خودتان را تکذیب می‌کنید! بعضی از این موجودات به جسم‌های بشری وصل هستند. بعضی‌ها وصل نمی‌شوند، اما فاصله را با انسانها حفظ می‌کنند. اما، آنها شما را در کنترل و تحت نفوذ قرار می‌دهند. وقتی که می‌خواهید صحبت کنید، به شما اجازه سخن گفتن و زیر لب من من کردن را می‌دهند. زبان همچنین می‌تواند به شخصی دیگر منتقل گردد اگر آن شخص نیز بخواهد آن را یاد بگیرد. وقتی شخص به اندازه کافی جسارت داشته باشد که آن را امتحان کند، می‌تواند آن را نیز صحبت کند. در حقیقت، چنان چیزهایی نیز بصورت گروهی اتفاق می‌افتند. اگر می‌خواهید آن را صحبت کنید، کسی به سراغ شما می‌آید و به شما اجازه می‌دهد که صحبت کنید.

چرا چنین وضعیتی اتفاق می‌افتد؟ همان طور که گفته‌ام، آنها می‌خواهند سطوح خودشان را ترقی بدهند. اما در آنجا سختی‌ای وجود ندارد، در نتیجه نمی‌توانند تزکیه کنند و خودشان را رشد بدهند. آنها ایده‌ای را بدست آورده‌اند. می‌خواهند با انجام کارهای خوب به مردم کمک کنند، اما نمی‌دانند چگونه. اما می‌دانند انرژی که خارج می‌کنند می‌تواند بیماری مریضی را عقب بیاورد و دردهای مریض را برای لحظه‌ای التیام بخشد، هر چند که نمی‌تواند بیماری را شفا بدهد. از این رو، می‌دانند که این جریان بوسیله استفاده از دهان شخصی که انرژی را بیرون می‌فرستد می‌تواند انجام گردد. این همه آن چیزی است که اتفاق می‌افتد. بعضی افراد آن را زبان آسمانی نامیده‌اند، و هستند کسانی که آن را زبان بودا می‌نامند. آن افتراپی برای بودا است. من آن را مزخرف محض می‌نامم!

معروف است که بودا بندرت دهانش را برای صحبت باز می‌کند. اگر او دهانش را باز کرده و در بعد ما صحبت کند، می‌تواند باعث زمین لرزه برای بشریت بشود. با چنان صدای بلندی، چگونه می‌تواند مجاز باشد؟ بعضی از افراد می‌گویند، «چشم سوم من دیده است که یک بودا با من صحبت می‌کند.» او با شما صحبت نمی‌کرد؛ بعضی از افراد نیز دیدند که فاشن من همان کار را انجام می‌دهد. او نیز با شما صحبت نمی‌کند. پیغامی که او می‌فرستد صوت استریویی دارد. زمانی که آن را شنیدید، مثل آن بود که او داشت صحبت می‌کرد. او معمولاً در بعد خودش صحبت می‌کند. به هر حال، بعد از انتقال به بعد ما نمی‌توانید آن را بوضوح بشنوید زیرا که مفهوم بعد و زمان بین دو بعد متفاوت می‌باشد. یک شی چن^{۱۷} در بعد ما دو ساعت است. در بعدی به آن بزرگی در آنجا، یک شی چن ما یک سال است، و زمان ما آهسته‌تر از زمان در آن جا است.

ضرب المثلی وجود دارد که در گذشته گفته می‌شد: «فقط یک روز در آسمان برابر است با هزار سال روی زمین.» منظور به آن بهشت‌های یگانه‌ای است که در آن مکان و زمان مفهومی ندارند. یعنی آنها بهشت‌هایی هستند که مردم روشن‌بین بزرگ در آنجا مقیم می‌باشند، مثل بهشت سعادت غایی، بهشت شیشه‌ای، بهشت فالون و بهشت لوتوس. آن به چنان مکان‌هایی اشاره می‌کند. زمان در هر صورت در بعدی به آن بزرگی، در عوض سریعتر از زمان ما است. اگر قادر به وصل شدن باشید، خواهید شنید که کسی صحبت می‌کند. بعضی از افراد دارای توانایی فوق‌شنوایی هستند و گوش‌هایشان باز می‌باشد. آنها می‌توانند بشنوند که کسی صحبت می‌کند، اما نه بطور واضح. آنچه را که می‌شنوید شباهت به جیک‌جیک پرنده‌ای یا صدای گرامافونی که با سرعت می‌چرخد دارد، شخص نمی‌تواند بشنوند که آنچه می‌باشد. البته، بعضی افراد

۱۷ - Shichen (shr - chuhn) - یک واحد زمان چینی برای دو ساعت

می‌توانند موزیک و صحبت کردن را بشنوند. اما تفاوت زمانی می‌بایستی بوسیله یک توانایی فوق طبیعی از بین برود که بصورت یک انتقال دهنده عمل می‌کند. پس از آن صداها به گوش شما خواهند رسید، و در نتیجه می‌توانید آن را واضح‌تر بشنوید. این درست بدین شکل است. بعضی از مردم آن را زبان بودا می‌نامند، در صورتیکه اصلاً این طور نیست.

وقتی دو شخص روشن‌بین بزرگ همدیگر را ملاقات می‌کنند، می‌توانند هر چیزی را با یک لب‌خند بفهمند. این مربوط است به تله پاتی بی صدا، و آنچه که دریافت می‌شود صوت استریویی است. وقتی که آنها لب‌خند می‌زنند، افکارشان هم اکنون منتقل شده است. این فقط تنها راهی نیست که آنها استفاده می‌کنند، بطوریکه بعضی مواقع از راه‌های دیگری نیز استفاده می‌کنند. شما می‌دانید که در تانتریسیم، کاهنان تبتی بسیار علاقمندند که از علائم دستها استفاده کنند. اما اگر از کاهنی سؤال کنید که آن علائم دست‌ها چه می‌باشند، به شما خواهند گفت که آنها بالاترین درجه یوگا هستند. آنها واقعاً برای چه هستند؟ او حتی خودش هم نمی‌داند. در واقع آنها زبان مردم روشن بین بزرگ هستند. وقتی تعداد زیادی افراد وجود داشته باشند، حرکات بزرگ دست را بکار می‌برند؛ آنها حرکتهای بسیار زیبایی هستند و از حرکتهای گوناگون بزرگ دست تشکیل شده‌اند. زمانی که افراد کمتری وجود داشته باشند، حرکتهای کوچک دست را بکار می‌برند؛ آنها نیز بسیار زیبا می‌باشند و از حرکتهای گوناگون کوچک دست درست شده‌اند. آنها بسیار پیچیده و غنی می‌باشند، زیرا که یک زبان می‌باشند. در گذشته، این یک سر آسمانی بود، و حالا ما آن را فاش نموده‌ایم. آنچه که در تبت مورد استفاده قرار می‌گیرد فقط تعدادی از حرکات می‌باشند که صرفاً برای تمرین هستند، و مردم آنها را طبقه بندی کرده و نظام داده‌اند. آنها فقط به عنوان یک زبان در تمرین به درد می‌خورند و فقط چند شکل برای تمرین هستند. حرکات واقعی دست‌ها کاملاً پیچیده می‌باشند.

معلم چه چیزی را به تمرین‌کنندگان داده است؟

بعد از اینکه تعدادی از مردم مرا دیدند می‌خواستند که دستان مرا گرفته و رها نکنند. وقتی دیگران دیدند که این اشخاص دست مرا تکان می‌دهند، آنها نیز می‌خواستند همین کار را بکنند. من می‌دانم که در فکر آنها چه می‌گذرد. بعضی‌ها بسیار خوشحال هستند که با معلم دست می‌دهند. بعضی‌ها می‌خواهند اطلاعاتی بدست آورند و نمی‌خواهند دست مرا رها کنند. ما به شما گفته‌ایم که عمل واقعی تزکیه مسئله خودتان است. ما اینجا برای این نیستیم که شفا بدهیم و تندرستی را حفظ کنیم، اطلاعاتی به شما داده و بیماری‌هایتان را شفا دهیم؛ و نه اینکه به آنها علاقه‌ای داریم. بیماری شما بطور مستقیم بوسیله من شفا پیدا خواهد کرد. آنهایی که در محل‌های تمرین حرکات را انجام می‌دهند فاشن من را خواهند داشت که بیماری‌شان را معالجه خواهد کرد. آنهایی هم که دافا را بوسیله خواندن کتاب شخصاً یاد می‌گیرند نیز بوسیله فاشن من بیماری‌هایشان معالجه خواهند شد. آیا فکر می‌کنید که می‌توانید با لمس کردن دستان من گونگ خودتان را افزایش دهید؟ آیا این یک شوخی نیست؟

گونگ بستگی به تزکیه شین‌شینگ خود فرد دارد. اگر واقعاً تزکیه را انجام نمی‌دهید، گونگ رشد نخواهد کرد؛ به این خاطر است که استاندارد برای شین‌شینگ وجود دارد. درحالی‌که گونگ شما رشد می‌کند، فردی در سطحی بالا می‌تواند ببیند وابستگی شما که یک ماده است برطرف می‌شود، و محکی بالای سر شما رشد می‌کند. بعلاوه، این محک به شکل ستون گونگ موجودیت دارد. محک به بلندی ستون گونگ شما می‌باشد. آن مظهر گونگی است که تزکیه کرده‌اید. همچنین نشان دهنده ارتفاع سطح شین‌شینگ شما می‌باشد. هر چقدر هم از مال دیگران به شین‌شینگ خودتان اضافه کنید کاربردی نخواهد داشت. حتی یک تکه کوچک نمی‌تواند به آن اضافه گردد، زیرا در آنجا باقی نخواهد ماند و همه آن سرازیر خواهد شد. من می‌توانم سرعت شما را به مرحله «سه گل جمع شده در بالای سر» برسانم. به هر حال، زمانی که پایتان را از این در بیرون بگذارید، گونگ بلافاصله متلاشی می‌شود زیرا که به شما تعلق ندارد، و از تزکیه شما بدست نیامده است. زیرا که استاندارد شین‌شینگ شما هنوز به آن مرحله نرسیده است، و نمی‌تواند آنجا باقی بماند. هر کسی هم که بخواهد آن را برایتان اضافه کند قادر به انجام آن نخواهد بود، زیرا که کاملاً از تزکیه خود شخص و از تزکیه ذهن خود فرد حاصل می‌شود. شما فقط می‌توانید با رشد استوار گونگ ترقی کنید، خودتان را بطور پیوسته رشد دهید، و جذب طبیعت عالم شوید. بعضی افراد

امضای مرا می‌خواهند، اما من راغب به این کار نیستم. بعضی از مردم با پز می‌گویند که امضای معلم را دارند. آنها می‌خواهند عکس را به نمایش بگذارند یا اینکه اطلاعات معلم آنها را محافظت کند. آیا این وابستگی دیگری نیست؟ شما باید خودتان تزکیه کنید. درباره چه اطلاعاتی صحبت می‌کنید؟ آیا باید در جستجوی این چیزها در سطحی بالا از تزکیه باشید؟ آن به درد چه چیزی می‌خورد؟ فقط موضوعی برای شفا دادن و حفظ سلامتی است.

در سطحی بسیار ذره‌بینی، گونگی را که رشد می‌دهید، یا هر ذره کوچک میکروسکوپی از گونگ، درست شبیه خودتان است. بعد از رسیدن به ورای فای سه‌گانه دنیوی یک جسم بودا را تزکیه خواهید نمود. آن گونگ جلوه یک بودا را به خود می‌گیرد. بسیار زیبا است؛ نشسته روی یک گل لوتوس. هر ذره کوچک میکروسکوپی به همان شکل است. گونگ یک حیوان به هر حال، موجودی شبیه روباه‌ها یا مارهای کوچک است. در یک سطح بسیار میکروسکوپی، ذرات خوب آنها همگی این چیزها می‌باشند. همچنین موضوعی به اسم اطلاعات وجود دارد. بعضی‌ها چای را پر کرده و هم می‌زنند و می‌گذارند که آن را بنوشید، زیرا که تصور می‌کنند که دارای گونگ است. یک فرد عادی فقط می‌خواهد که بطور موقت دردهایش را بوسیله به تعویق انداختن و سرکوب کردن بیماری‌اش شفا بدهد. با این همه، یک فرد عادی فقط یک فرد عادی است. ما اهمیتی نمی‌دهیم که او چگونه جسم خود را به هم می‌ریزد. شما تمرین‌کنندگان هستید. به همین خاطر است که این موضوعات را برایتان بازگو می‌کنم. از امروز به بعد، نباید این کارها را انجام دهید. هرگز برای چیزهایی مثل به اصطلاح «اطلاعات»، از این یا آن نوع سؤال نکنید. یک استاد چی گونگ ادعا می‌کرد، «من برایتان اطلاعاتی می‌فرستم، و شما می‌توانید آنها را از تمام قسمتهای کشور بدست آورید.» چه چیزی را بدست می‌آورید؟ به شما می‌گویم که این چیزها فایده زیادی ندارد. بر فرض هم که آنها خوب باشند، هنوز هم فقط برای شفا دادن و حفظ سلامتی می‌باشند. به عنوان تمرین‌کننده، به هر حال، گونگ ما فقط از تزکیه خودمان بدست می‌آید. اطلاعات دیگران نمی‌تواند سطح یک شخص را ترقی بدهد، بلکه فقط بیماری‌های مردم عادی را معالجه می‌کند. شخص باید فکری درست داشته باشد؛ هیچ‌کس نمی‌تواند برای دیگران تزکیه کند. فقط وقتی که واقعاً خودتان تزکیه می‌کنید می‌توانید سطح خودتان را ارتقاء بدهید.

پس، چه چیزی را به شما داده‌ام؟ هر کسی می‌داند که بسیاری از تمرین‌کنندگان ما هرگز چی گونگ را تمرین نکرده‌اند و جسم‌های آنها حامل بیماری‌هایی هستند. با اینکه بسیاری از مردم چی گونگ را سالیان طولانی تمرین کرده‌اند، هنوز هم در سطح چی بدون اینکه گونگی را کسب کرده باشند این پا و آن پا می‌کنند. البته، بعضی از افراد بیمارانی را مداوا کرده‌اند بدون اینکه بدانند چگونه آن را انجام داده‌اند. زمانی که درباره موضوع تسخیر بوسیله روح یا حیوان صحبت کردم، در همان موقع ارواح یا حیوانات تسخیرکننده - هیچ اهمیتی نداشت که آنها چه بودند - را از تمام جسم‌های تمرین‌کنندگان واقعی دافا از بین بردم و تمام آن موجودات را از درون و بیرون جسم‌های آنان بیرون انداختم. وقتی کسانی که خودشان صادقانه تزکیه می‌کنند این دافا را می‌خوانند، جسم‌هایشان را به همان طریق پاک خواهم نمود. بعلاوه، محیط خانه شما نیز باید پاک گردد. هر چه زودتر، باید لوحه‌های عکس‌های روباه یا خنزیر^{۱۸} که قبلاً در خانه حفظ کرده بودید دور بیندازید. همگی آنها دور ریخته شده‌اند و دیگر وجود ندارند. از آنجا که می‌خواهید تزکیه کنید، ما می‌توانیم راحت‌ترین در را برایتان باز کنیم، و به همین جهت این کارها می‌توانند برای شما انجام داده شوند. اما، آنها فقط برای تمرین‌کنندگان حقیقی انجام داده شده‌اند. البته، بعضی از افراد نمی‌خواهند تزکیه کنند و تا این لحظه آن را درک نمی‌کنند. از این رو، ما هم نمی‌توانیم از آنها مراقبت کنیم. ما فقط از تمرین‌کنندگان واقعی مراقبت می‌کنیم.

یک نوع دیگری از فرد وجود دارد. به کسی در گذشته گفته شده بود که او روح یا حیوان تسخیرکننده داشت. او نیز آن را احساس کرده بود. به هر حال، بعد از برداشتش، هنوز هم در فکرش درباره آن نگران بود. او تمام مدت فکر می‌کرد که آن شرایط هنوز هم وجود دارد. او هنوز هم فکر می‌کرد ارواح یا حیوانات تسخیرکننده آنجا هستند، و این هنوز هم یک وابستگی به نام شک و تردید است. با گذشت زمان، این شخص ممکن است دوباره آنها را به خودش جذب کند. فرد بایستی این

وابستگی را رها کند، زیرا که آنها دیگر وجود ندارند. هم اکنون بعضی از افراد در کلاس قبلی مان از این موجودات پاک شده‌اند. در حال حاضر آن کارها را برایشان انجام داده‌ام و همهٔ روح یا حیوان تسخیرکننده را از بین برده‌ام.

مکتب تائو لازم می‌داند که یک اصل را در سطح پایین تمرین قرار بدهد. چرخش آسمانی، دانتین^{۱۹}، و بعضی چیزهای دیگر نیز بایستی رشد داده شوند. ما اینجا شما را با فالون^{۲۰} (qiji) (مکانیزم های انرژی)، و تمام مکانیزم‌ها برای تمرین تزکیه و غیره مجهز می‌کنیم - بیشتر از ده‌ها هزار از آنها را. تمام آنها مثل تخم‌هایی که در جسم شما کاشته شده‌اند به شما داده خواهند شد. بعد از برداشتن بیماری‌هایتان، هر چیزی را که احتیاج باشد که انجام داده شود انجام خواهیم داد و هر چه را که باید به شما داده شود خواهیم داد. سپس، خواهید توانست بطور حقیقی به عمل تزکیه اتان در مدرسه ما تا پایان ادامه دهید. در غیر اینصورت، آن بدون اینکه چیزی به شما داده شود، فقط برای شفا دادن و حفظ سلامتی خواهد بود. بی رودرواسی، بعضی از مردم ارزشی برای شین‌شینگ قائل نیستند، و بهتر است که تمرین‌های ورزشی را انجام دهند.

اگر واقعاً تزکیه می‌کنید، ما باید مسئول شما باشیم. آنهایی که شخصاً تمرین‌ها را یاد می‌گیرند نیز همان چیزها را دریافت خواهند نمود، اما آنها باید تمرین‌کنندگانی واقعی باشند. ما تمامی این‌ها را به تمرین‌کنندگان حقیقی می‌دهیم. من گفته‌ام که باید شما را واقعاً بعنوان شاگردانم تلقی کنم. بعلاوه، شما باید دقیقاً فا را در سطح بالا مطالعه کنید و بدانید که چگونه تزکیه را انجام دهید. پنج سری از تمرین‌ها همگی یکدفعه به شما آموخته خواهند شد، و همگی را یاد خواهید گرفت. وقتی که زمانش برسد، قادر خواهید بود به سطحی بسیار بالا برسید - این سطح بقدری بالا می‌باشد که خارج از تصور شما است. تا زمانی که تزکیه را انجام می‌دهید، برایتان مشکلی نخواهد بود که به میوهٔ حقیقت در تزکیه برسید. من در آموزش این فا، سطوح مختلف را متحد کرده‌ام. در عمل تزکیه آینده‌تان در سطوح مختلف، همیشه در خواهید یافت که آن یک نقش هدایت‌کننده برایتان خواهد داشت.

به عنوان یک تمرین‌کننده، راه زندگی شما از همین الان عوض خواهد شد. فاشن من آن را دوباره برایتان تدارک خواهد دید. چگونه آن دوباره تدارک دیده شده است؟ چند سال از زندگی شخص هنوز هم باقی است؟ شخص خودش آن را نخواهد دانست. بعضی از افراد شاید بعد از یک سال یا یک سال و نیم دچار بیماری‌ای جدی شوند، یا اینکه برای چند سال مریض باشند. شاید بعضی از افراد از بیماری لخته خون در مغز یا بیماری‌های دیگر در عذاب باشند، و نمی‌توانند به هیچ‌وجه حرکتی کنند. چگونه می‌توانید برای بقیهٔ زندگی‌تان تزکیه کنید؟ ما باید تمام اینها را برایتان جور کنیم و از اتفاق افتادن چنین مشکلاتی جلوگیری بعمل آوریم. به هر حال، باید از قبل این مسائل را برایتان روشن کنیم که ما این چیزها را فقط برای تمرین‌کنندگان واقعی انجام می‌دهیم. آنها اجازه ندارند به سادگی برای یک فرد عادی انجام داده شوند. وگرنه، به مثابه انجام دادن عملی نادرست است. برای مردم عادی، مواردی مثل تولد، پیری، بیماری، و مرگ همگی رابطه‌های کارمایی دارند، و براحتی آنها را نمی‌توان نقض کرد.

ما تمرین‌کنندگان را بعنوان با ارزش‌ترین مردم تلقی می‌کنیم. بنابراین، فقط می‌توانیم برای تمرین‌کنندگان کارهایی را انجام بدهیم. چگونه این‌ها را انجام می‌دهیم؟ اگر یک استاد حسن‌های زیادی داشته باشد - یعنی اینکه، اگر یک استاد نیروی انرژی زیادی را در تملک داشته باشد - این استاد می‌تواند کارمای شما را از بین ببرد. اگر سطح انرژی یک استاد بالا باشد، می‌تواند کارمای زیادی را از شما از بین ببرد. اگر سطح انرژی یک استاد کم باشد فقط می‌تواند کارمای کمی را از بین ببرد. بگذارید مثالی بزنیم، ما تمام کارمای مختلف زندگی آینده‌تان را روی هم می‌گذاریم، و قسمتی از آن یا نیمی از آن را از بین می‌بریم. باقی ماندهٔ نصفه آن هنوز هم از یک کوه بیشتر است، و شما نمی‌توانید بر آن چیره گردید. چه بایستی انجام داده شود؟ وقتی تائو را کسب کنید، بسیاری از مردم در آینده از آن استفاده خواهند برد. بدین وسیله، بسیاری از مردم در قسمتی از آنها با شما سهیم خواهند بود. البته، برای آنها این چیزی نیست. از طریق عمل تزکیه همچنین بسیاری از موجودات در جسم

۱۹ - dantian (dahn - tyen) - «طیف دان»، منطقهٔ پایین‌تر شکم.

۲۰ - qiji (chee - jee) - «مکانیزم‌های انرژی»

شما رشد خواهند نمود. بعلاوه روح نخستین اصلی و روح نخستین کمکی، تعداد دیگری از شما همگی با شما سهیم خواهند بود. با گذشت زمان با گذرانیدن سختی‌ها تقریباً چیزی برای شما باقی نخواهد ماند. با اینکه تقریباً چیزی باقی نمانده است، اما هنوز هم به اندازه کافی زیاد است، و شما هنوز هم قادر نیستید بر آنها چیره شوید. پس، چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها به قسمت‌های غیر قابل شمارشی در سطوح مختلف تزکیه‌اتان تقسیم خواهند شد. برای بالا بردن شین‌شینگ شما مورد استفاده قرار خواهند گرفت، کارمای شما را تبدیل کرده، و گونگ را رشد می‌دهند.

بعلاوه، اگر شخصی بخواهد تزکیه کند این کار ساده‌ای نیست. گفته‌ام که این مسئله‌ای بسیار جدی است. این موضوعی فراسوی مردم عادی و مشکل‌تر از هر مسئله‌ای برای مردم عادی است. آیا این فوق طبیعی نیست؟ به همین جهت، شرایطی که برای شما در نظر گرفته می‌شود بالاتر از هر موضوعی برای مردم عادی است. بعنوان یک انسان، ما صاحب روح نخستین هستیم، و روح نخستین نمی‌تواند منقرض گردد. اگر روح نخستین منقرض نگردد، همگی درباره آن فکر کنید: آیا روح نخستین شما در زندگی‌های قبلی مرتکب اعمال نادرستی در فعالیت‌های اجتماعی نبوده است؟ امکان این بسیار زیاد است. ممکن است کارهایی از قبیل قتل، مقروض بودن به کسی، زور گویی، یا صدمه زدن به کسی را انجام داده باشید. اگر این حقیقت داشته باشد، وقتی که اینجا تزکیه می‌کنید، آنها می‌توانند از آنجا شما را بوضوح ببینند. آنها اهمیتی نمی‌دهند اگر بیمارهایی را شفا می‌دهید و یا در حال حفظ سلامتی هستید، تا آنجا که می‌دانند اینکه شما دینی را که دارید فقط به تعویق می‌اندازید. اگر آن را هم اکنون پس ندهید، بعداً خواهید پرداخت، و در آینده آن را بیشتر خواهید پرداخت. پس آنها اهمیتی نمی‌دهند اگر شما بدهی‌تان را بطور موقت باز نپردازید.

وقتی می‌گویید می‌خواهید تزکیه کنید، به شما اجازه نخواهند داد که آنرا انجام دهید، «شما می‌خواهید تزکیه کنید و بعد بروید. وقتی که گونگ را رشد داده‌اید، ما قادر نخواهیم بود به شما دست یابیم یا به شما برسیم.» آنها اجازه نخواهند داد که این اتفاق بیفتد، و سعی خواهند کرد که به هر وسیله مانع شما از تزکیه کردن شوند. بنابراین، از همه نوع روش‌هایی استفاده خواهد شد که مانع شما شوند. آنها حتی واقعاً برای کشتن حقیقی شما خواهند آمد. البته، سر شما با نشستن اینجا در حال مدیتیشن از بدنتان جدا نخواهد شد. غیرممکن است زیرا که باید با وضعیت جامعه معمولی بشری مطابقت کند. شاید با قدم گذاشتن به بیرون از خانه با ماشینی تصادف کنید، یا اینکه از ساختمانی به پایین سقوط کنید یا با خطرات دیگر مواجه گردید. این چیزها ممکن است اتفاق بیفتند و می‌توانند کاملاً خطرناک باشند. تزکیه واقعی به آن آسانی که تصور می‌کنید نیست. آیا فکر می‌کنید اگر بخواهید تزکیه کنید قادر خواهید بود موفق گردید؟ یکبار که بخواهید بطور واقعی تزکیه کنید، زندگی‌تان بطور مستقیم در خطر خواهد بود و این مشکل بلافاصله به شما ارتباط خواهد داشت. بسیاری از استادان چی‌گونگ جرأت نمی‌کنند که شاگردان را بسوی سطوح بالا آموزش بدهند، چرا؟ آنها فقط نمی‌توانند از این موضوع مواظبت کنند، و قادر به حمایت از شما نیستند.

در گذشته بسیاری از مردم تائو را تعلیم می‌دادند. آنها فقط می‌توانستند به یک مرید آموزش بدهند، و آنچه که می‌توانستند انجام دهند این بود که یک مرید را پیدا کنند. به هر حال، برای انجام آن در چنان سطح وسیعی، یک شخص معمولی نمی‌توانست جرأت آن را داشته باشد. اما ما اینجا به شما گفته‌ایم که من می‌توانم این کار را انجام دهم، زیرا فاشن‌های متعددی دارم که صاحب نیروهای مقتدر الهی من می‌باشند. فاشن‌ها می‌توانند نشان دهنده نیروی عظیم فوق طبیعی باشند - نیروهای بسیار قدرتمند. بعلاوه، آن چه را ما امروز انجام می‌دهیم به آن سادگی نمی‌باشد که در ظاهر مشاهده می‌کنیم. از این رو آمدن من به نزد مردم بی‌جهت نبوده است. می‌توانم برایتان بازگو کنم که بسیاری از مردم روشن‌بین بزرگ وجود دارند که این حادثه را نظاره می‌کنند. این آخرین زمانی است که ما یک راه درست را در دوره پایان دارما آموزش می‌دهیم. وقتی این کار را انجام می‌دهیم اجازه نداریم که به بیراهه کشانده شویم. اگر شما بطور حقیقی راه صحیح در تزکیه را پیروی کنید، هیچکس به راحتی جرأت این را نخواهد داشت که به شما کاری داشته باشد. بعلاوه، فاشن من شما را حمایت می‌کند، و خطری برای شما در برنخواهد داشت.

بدهی‌ها بایستی پرداخت گردند، به همین جهت، بعضی از چیزهای خطرناک ممکن است در دورهٔ تزکیه اتفاق بیفتند. به هر حال، وقتی این مسائل اتفاق بیفتند، شما نخواهید ترسید، و حتی خطرهای واقعی اجازه ندارند برای شما اتفاق بیفتند. می‌توانم چند مثال برایتان بگویم. زمانی که در پکن آموزش می‌دادم، یک تمرین‌کننده با دوچرخه‌اش از خیابان می‌گذشت. درست در پیچ خیابان، یک ماشین لوکس ظاهر شد و با این تمرین‌کننده تصادف نمود، او خانمی بود بالای پنجاه سال. ماشین بلافاصله با او تصادف کرد و بسیار سخت به او اصابت نمود. با صدای «بنگ» به سر او خورد، و سر او مستقیماً با سقف ماشین برخورد نمود در آن لحظه، پای این تمرین‌کننده هنوز روی پدال دوچرخه بود. با اینکه به سر او ضربه خورده بود، هیچ احساسی از درد نداشت. نه تنها هیچ دردی را احساس نمی‌کرد، بلکه خونی نیز از سر او نمی‌آمد، و حتی باد هم نکرده بود. راننده تا سر حد مرگ ترسیده بود و از ماشین بیرون پرید. راننده سریع از او سؤال کرد اگر صدمه خورده است به بیمارستان برده شود. او تکرار کرد که حالش خوب است. البته، این تمرین‌کننده از سطح شین‌شینگ بالایی برخوردار بود و نمی‌خواست که برای راننده مزاحمتی ایجاد کند. او گفت که همه چیز خوب است، اما تصادف سوراخ بزرگی را روی ماشین به جا گذاشت.

چنان حوادثی می‌آیند که زندگی شخص را از بین ببرند. اما شخص به خطر نخواهد افتاد. دفعه آخری که ما دوره‌ای در دانشگاه جی لین داشتیم، یک تمرین‌کننده می‌خواست با دو چرخه‌اش از میان در ورودی دانشگاه بگذرد. بزودی که به وسط راه رسید، ناگهان بین دو ماشین گیر افتاد. ماشین‌ها تقریباً به او خوردند، ولی او اصلاً نترسید. معمولاً، ما ترسی نداریم که با چنین مواردی برخورد کنیم. در همان زمان، ماشین‌ها ایستادند و هیچ اتفاقی نیفتاد.

یک چنین موردی در پکن وجود داشت. زمستانها تقریباً زود تاریک می‌شود، و مردم زود می‌خوابند. خیابانها بسیار ساکت می‌شوند بدون اینکه کسی در آنجا باشد. یک تمرین‌کننده با عجله با دوچرخه می‌رفت و فقط یک جیب جلوی او در حرکت بود. ناگهان، جیب ترمز کرد. تمرین‌کننده خبری از آن نداشت، و ادامه به دوچرخه سواری خودش با سر خم به پایین کرد. اما ناگهان جیب به عقب برگشت، و به سمت عقب با سرعت بسیار زیادی حرکت نمود. اگر آن دو نیروها به هم می‌خوردند، امکان داشت که تمرین‌کننده جان خود را از دست بدهد. درست قبل از آنکه با هم تصادف کنند، ناگهان نیرویی دوچرخه او را بیش از نیم متر به عقب کشاند، و جیب فوراً در کنار چرخ دوچرخه او متوقف شد. شاید، راننده جیب متوجه شد که کسی پشت او می‌باشد. این تمرین‌کننده نیز در آن موقع نترسید. تمام کسانی که با چنین موقعیتهایی برخورد می‌کنند نمی‌ترسند، اگر چه ممکن است بعداً بترسند. اولین چیزی که در سر تمرین‌کننده بود اینکه «وای! چه کسی مرا به عقب کشاند؟ من باید از او تشکر کنم.» وقتی که او به عقب برگشت و می‌خواست تشکر کند، دریافت که خیابان بسیار ساکت است و کسی در آنجا نبود. او بلافاصله فهمید، «این معلم بود که مرا حمایت کرد!»

مورد دیگری در چانگ - چون (Changchun)^{۲۱} اتفاق افتاد. ساختمانی در نزدیکی خانه یک تمرین‌کننده در حال ساختن بود. این روزها، ساختمانها را بسیار بلند می‌سازند، و داربست از تیر آهنی ساخته شده بود که دو اینچ قطر و چهار متر طول داشت. بعد از اینکه این تمرین‌کننده فاصله کمی از خانه را طی کرده بود، یک تیرک آهنی بطور قائم از بالاترین قسمت ساختمان به پایین بالای سر او سقوط کرد. مردم در خیابان همگی شگفت زده بودند. او گفت، «چه کسی به سر من دست زد؟» او فکر کرد کسی به سر او دست زده بود. در همان زمان، سرش را به عقب چرخاند و مشاهده کرد که یک فالون بزرگ بالای سر او در حال دوران است. آن تیرک آهنی از کنار سر او به پایین سر خورده و بدون پایین افتادن در زمین فرو رفت. اگر در حقیقت به بدن کسی فرو می‌رفت - همگی درباره‌اش فکر کنید - بقدری سنگین بود که مثل سیخی که از گوشت رد شود بدن او را می‌شکافت. آن خیلی خطرناک بود!

تعداد بسیار زیادی از این موارد وجود دارند که نمی‌توان آنها را شمرد. اما، هیچ خطری اتفاق نیفتاده است. همه با چنین مسائلی مواجه نخواهند شد، ولی با بعضی از موارد انفرادی برخورد خواهند نمود. اگر با چنین مواردی روبرو شوید یا نه، می‌توانم تضمین کنم که اصلاً در خطر نخواهید بود - من این را ضمانت می‌کنم. بعضی از تمرین‌کنندگان شرایط شین‌شینگ را پیروی نمی‌کنند، بطوریکه فقط تمرین‌ها را انجام می‌دهند بدون اینکه شین‌شینگ خودشان را تزکیه کنند. آنها را نمی‌توان بعنوان تمرین‌کنندگان تلقی نمود.

در مورد اینکه معلم چه چیزی را داده است، این‌ها چیزهایی هستند که من به شما داده‌ام. فاشن من از شما حفاظت خواهد نمود تا زمانیکه قادر باشید از خودتان حفاظت کنید. در آن زمان، شما در فراسوی فای سه‌گانه دنیوی تزکیه خواهید نمود، و قبل از آن تائو را کسب کرده‌اید. اما باید خودتان را به عنوان یک تمرین‌کننده واقعی تلقی کنید، و بعد از آن می‌توانید در آن موفق گردید. شخصی وجود داشت که با کتاب من در دستش از خیابان رد شد، و فریاد زنان گفت، «معلم لی از من حمایت می‌کند، در نتیجه از اینکه ماشینی به من بخورد ترسی ندارم» آن تضعیف دافا بود. این نوع از اشخاص مورد حمایت قرار نخواهند گرفت. در حقیقت، یک تمرین‌کننده واقعی چنین کاری را انجام نمی‌دهد.

میدان انرژی

در حین اینکه تمرین می‌کنیم، میدانی دور ما وجود دارد. این چه میدانی است؟ بعضی از افراد آن را میدان چی، یک میدان مغناطیسی، یا یک میدان الکتریکی می‌نامند. در حقیقت، هر نامی که این میدان را بنامید صحیح نیست زیرا که ماده حاوی این میدان بینهایت غنی است. تقریباً تمام ماده‌ای که هر بعد عالم ما را تشکیل می‌دهد می‌تواند در این گونگ یافت شود. این برای ما بیشتر مناسب است که آن را میدان انرژی بنامیم، و به همین جهت اصولاً آن را یک میدان انرژی می‌نامیم.

پس این میدان چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ همانطور که همگی می‌دانید، تمرین‌کنندگان این راه درست ما این احساس را دارند: از آنجا که آن از تزکیه یک راه درست می‌آید، نیکخواه است و جذب حقیقت - نیکخواهی - بردباری، فطرت عالم است. به همین جهت، تمام تمرین‌کنندگان ما می‌توانند در حالیکه اینجا نشسته‌اند در این میدان آن را احساس کنند، و فکرهایشان آزاد از فکرهای نادرست است. بعلاوه، بسیاری از تمرین‌کنندگان در حالیکه اینجا نشسته‌اند حتی بفکر سیگار کشیدن هم نمی‌افتند. آنها آتمسفری را احساس می‌کنند که دارای هارمونی و آرامش است، که بسیار راحت می‌باشد. این انرژی‌ای می‌باشد که بوسیله یک تمرین‌کننده از راه درست منتقل شده است، و آن چنین تأثیری در این میدان دارد. بعداً، پس از این کلاس، اغلب تمرین‌کنندگان ما گونگ خواهند داشت - انرژی واقعی که رشد کرده است. زیرا آنچه را که به شما آموزش می‌دهم موضوعی از تزکیه در راهی درست است، شما باید همچنین این استاندارد شین‌شینگ را با خودتان به اجرا بگذارید. در حالیکه به تمرین ادامه می‌دهید و شرایط شین‌شینگ را در تزکیه دنبال می‌کنید، انرژی شما بتدریج قوی‌تر می‌شود.

ما نجات هر دوی خودمان و دیگران را تعلیم می‌دهیم، و همینطور همه موجودات را. پس، فالون می‌تواند خود شخص را با گردش بطرف عقربه‌های ساعت نجات بدهد و با گردش بطرف عکس عقربه‌های ساعت دیگران را. در حالیکه بطرف عکس عقربه‌های ساعت می‌چرخد، انرژی را به بیرون می‌فرستد و می‌تواند برای دیگران مفید باشد. به این طریق، در پوشش میدان انرژی شما دیگران نفع خواهند برد، و ممکن است احساس بسیار راحتی داشته باشند. اعم از اینکه در خیابان قدم می‌زنید، در محل کار، یا در خانه باشید، این تأثیر را بر دیگران خواهید داشت. مردمی که در میدان شما می‌باشند ممکن است بدون اراده بیماری‌هایشان شفا یابد زیرا که این میدان می‌تواند حالت‌های غیر طبیعی را اصلاح کند. یک جسم بشری نباید بیمار گردد، و بیمار شدن یک وضعیت غیر طبیعی است. این میدان می‌تواند وضعیت غیر طبیعی را اصلاح کند. وقتی شخصی شرور درباره موضوعی نادرست فکر می‌کند، ممکن است این شخص فکر خودش را به علت تأثیر قدرتمند انرژی میدان شما تغییر بدهد؛ شاید بعد از آن دیگر نخواهد مرتکب عملی نادرست شود. شاید شخصی بخواهد به کسی ناسزا بگوید. او ناگهان، ممکن است فکرش را عوض کند و نخواهد ناسزا بگوید. فقط میدان انرژی از راه تزکیه در یک راه درست می‌تواند این تأثیر

را بوجود آورد. به همین جهت، در گذشته ضرب المثلی در بودیسم بود که می‌گفت: «نور بودا همه جا را روشن کرده، و همه چیزهای غیرطبیعی را اصلاح می‌کند.» این چنان معنایی را در بر دارد.

چگونه تمرین کنندگان فالون دافا روش تزکیه را اشاعه دهند؟

بعد از کلاس، بسیاری از تمرین کنندگان ما فکر خواهند کرد که این روش تزکیه بسیار خوب است، و می‌خواهند آن را به نزدیکان و دوستانشان اشاعه بدهند. بله، همگی شما می‌توانید این روش را اشاعه داده و آن را به هر کس انتقال دهید. اما مسئله‌ای وجود دارد که باید آن را برای همگی بیان کنیم. ما به همه چیزهای بسیاری داده‌ایم که نمی‌توان آنها را با پول مقایسه یا ارزیابی کرد. چرا آنها را به همه داده‌ام؟ آنها برای راه تزکیه شما می‌باشند. فقط وقتی که تزکیه کنید، این چیزها به شما داده می‌شوند. به عبارتی دیگر، وقتی که این راه را در آینده اشاعه می‌دهید، نمی‌توانید این چیزها را برای جویای شهرت و نفع شخصی مورد استفاده قرار دهید. پس، شما نمی‌توانید کلاسی بگذارید و حق الزحمه جمع کنید همانطور که من انجام می‌دهم. زیرا ما احتیاج داریم کتاب‌ها و اطلاعاتی را چاپ کنیم و به نقاط مختلف برای آموزش شیوه کار سفر کنیم، ما نیاز داریم که پول کافی برای این هزینه‌ها در بیاوریم. حق الزحمه ما در حال حاضر کمترین هزینه در کشور است، اما چیزهای داده شده غیرقابل شمارش می‌باشند. ما واقعاً مردم را به سطوح بالاتر هدایت می‌کنیم؛ هر کسی به این موضوع خودش آگاه است. بعنوان تمرین کننده فالون دافا، وقتی که در آینده این شیوه کار را اشاعه می‌دهید، ما از شما دو شرط را تقاضا می‌کنیم.

اول اینکه شما نمی‌توانید حق الزحمه ای جمع کنید. ما به شما چیزهای بسیاری داده‌ایم، اما آنها برای این نیستند که شما ثروتی جمع آوری کنید و یا اینکه در جویای شهرتی باشید. به بیان دقیق‌تر، آنها برای رستگاری شما می‌باشند و شما را قادر به تزکیه کردن می‌کنند. اگر حق الزحمه‌ای جمع آوری کنید، فاشن من هرچیزی را که به شما داده شده است پس خواهد گرفت، و دیگر تمرین کننده فالون دافای ما نخواهد بود. هر چه را که اشاعه بدهید فالون دافای ما نخواهد بود. وقتی که آنرا اشاعه می‌دهید، نباید بدنبال شهرت و نفع شخصی باشید، اما باید به دیگران داوطلبانه خدمت کنید. تمام تمرین کنندگان این کار را به این طریق بطور سرتاسری انجام می‌دهند، و دستیاران از مناطق مختلف همچنین این راه و روش را خودشان به کار برده‌اند. اگر می‌خواهید روش ما را یاد بگیرید، تا آنجا که بخواهید آنرا یاد بگیرید می‌توانید به اینجا بیاوید. ما می‌توانیم مسئولیت شما را به عهده بگیریم و از شما یک شاهی هم مطالبه نخواهیم کرد.

شرط دیگر این است که نباید موضوعات شخصی را به دافا اضافه کنید. به عبارتی دیگر، در طول جریان تعلیم تمرین‌ها، بدون توجه به اینکه خواه چشم سوم شما باز باشد، چیزی را دیده باشید؛ یا بعضی از توانایی‌های فوق طبیعی را رشد داده باشید، نمی‌توانید آنچه را که دیده‌اید برای توضیح فالون دافای ما بکار ببرید. آن قسمت کوچکی که شما در سطح خودتان دیده‌اید چیزی نیست و از معنای واقعی فا که ما تعلیم می‌دهیم بسیار دور می‌باشد. پس وقتی که در آینده این روش را اشاعه می‌دهید، بایستی در رابطه با این موضوع بسیار محتاط باشید. فقط به این طریق می‌توانیم مطمئن باشیم که مسائل اصلی در فالون دافای ما بدون تغییر باقی خواهند ماند.

بعلاوه، هیچکس اجازه ندارد که روش را به صورتی که من انجام می‌دهم تعلیم دهد، و نه کسی اجازه دارد که فا را به این شکل در مقیاس بزرگی از سخنرانی که من بکار می‌برم تعلیم بدهد. شما قادر نیستید فا را درس بدهید. این به این خاطر است که هر چه را من تعلیم می‌دهم از یک معنی بسیار عمیقی برخوردار است، و شامل موضوعاتی از سطوح بالا است. شما در سطوح مختلف تزکیه می‌کنید. در آینده بعد از آن که پیشرفت کردید، وقتی که دوباره به این صفحه‌ها گوش کنید به بهتر شدن ادامه خواهید داد. اگر بطور مداوم به آن گوش کنید، همیشه درک تازه و نتایج تازه‌ای را کسب خواهید نمود. با خواندن این کتاب نیز درکی بیشتر کسب خواهید نمود. تعلیمات من شامل مسائلی بسیار عمیق می‌باشند که در سطوح بسیار بالا آموزش داده شده‌اند. به همین جهت، شما قادر نیستید که این فا را تعلیم بدهید. شما اجازه ندارید که آن را بگویید، کلمات اصلی مرا به جای کلمات خودتان مورد مصرف قرار بدهید، وگرنه مثل این می‌ماند که فا را دزدیده‌اید. فقط می‌توانید کلمات اصلی مرا استفاده کنید و اضافه کنید که، همانطور که معلم آن را می‌گوید یا همانطور که در کتاب نوشته شده است. فقط

می‌توانید به این طریق بگویید. چرا؟ زیرا که وقتی به این شکل آن را بگویید، قدرت دافا را به همراه دارد. شما نمی‌توانید چیزهایی را که می‌دانید بعنوان فالون دافا اشاعه دهید. وگرنه، آنچه را که منتقل می‌کنید فالون دافا نیست، و آنچه را که انجام می‌دهید مثل این است که فالون دافا را تضعیف کنید. اگر چیزی که برطبق عقاید و افکار خودتان باشد بگویید، فاش نیست و نمی‌تواند مردم را نجات دهد؛ و هیچ تأثیری هم نخواهد داشت. به همین جهت، کس دیگری نمی‌تواند این فاش را آموزش دهد. راهی را که شما در اشاعه این تزکیه بکار می‌برید گوش کردن به نوارها یا کاست‌های ویدئو برای تمرین‌کنندگان در محل‌های تمرین است یا در محل‌های آموزشی و بعد از آن دستیاران می‌توانند تمرین‌ها را به آنها آموزش بدهند. شما می‌توانید از شکل‌های سمینار استفاده کنید برای اینکه همگی با هم بحث کنید، با یکدیگر صحبت کنید، و همدیگر را بهتر کنید. این خواست ما است که به این شکل این کار را انجام دهید. همزمان، نمی‌توانید یک تمرین‌کننده (مريد) را که فالون گونگ را اشاعه می‌کند به اسم «معلم» یا «استاد» بخوانید، زیرا فقط یک استاد در دافا وجود دارد. همهٔ مریدان شاگردان هستند، و اهمیتی ندارد که چه زمانی آنها تزکیه را شروع کرده‌اند.

وقتی که تمرین را اشاعه می‌دهید، ممکن است بعضی از اشخاص فکر کنند، «معلم می‌تواند فالون را جا بگذارد و جسم شخص را اصلاح کند، اما ما نمی‌توانیم آن کار را انجام دهیم.» این اهمیتی ندارد. من هم اکنون برایتان توضیح داده‌ام که پشت سر هر تمرین‌کننده فاشن من وجود دارد، و نه تنها فقط یکی. بنابراین، فاشن من از این موضوعات مراقبت خواهد نمود. زمانی که به شخصی تمرین را آموزش می‌دهید، او مستقیماً فالون را اگر یک رابطه تقدیری داشته باشد بدست می‌آورد. اگر رابطهٔ تقدیری خوبی نداشته باشد، می‌تواند آن را بتدریج بعد از دوره‌ای از تمرین و بعد از اینکه جسم او اصلاح شده است کسب کند. فاشن من او را در پالایش جسمش کمک خواهد نمود. باضافهٔ این چیزها، برایتان می‌گویم که اگر کسی فاشن تمرین‌ها را بوسیلهٔ خواندن کتاب، نگاه کردن به کاست‌های ویدئو، یا گوش کردن به نوارهای من یاد بگیرد، و اگر او خودش را بطور واقعی به عنوان یک تمرین‌کننده به حساب بیاورد، می‌تواند تمامی این چیزها را که سزاوارش است بدست آورد. ما به تمرین‌کنندگان اجازه نمی‌دهیم که بیماران را معالجه کنند، بعنوان تمرین‌کنندگان فالون دافا مطلقاً ممنوع است که بیماری دیگران را شفا بدهید. ما به شما تعلیم می‌دهیم که در تزکیه صعود کنید، و به شما اجازه نمی‌دهیم که هیچ وابستگی‌ای را رشد بدهید یا اینکه جسم خودتان را به تباهی بکشانید. محل‌های تمرین ما بهتر از محل‌های تمرین دیگر چی‌گونگ می‌باشند. تا آن جا که برای تمرین به محل‌های تمرین ما می‌روید، خیلی بهتر از آن است که بیمارهای خودتان را شفا بدهید. فاشن من در یک دایره می‌نشیند، و در بالای محل تمرین حفاظتی قرار دارد که یک فالون بزرگ آنجا وجود دارد. یک فاشن بزرگ بالای محل حفاظت شده را مراقبت می‌کند. این محل یک محل معمولی نیست، و نه یک جایی برای تمرین چی‌گونگ معمولی؛ این محلی برای تمرین تزکیه است. بسیاری از تمرین‌کنندگان ما با توانایی‌های فوق طبیعی دیده‌اند که این محل فالون دافا با نوری قرمز رنگ محافظت می‌شود، و همه جا قرمز رنگ است.

فاشن من همچنین می‌تواند بطور مستقیم فالون را برای تمرین‌کنندگان نصب کند، اما ما وابستگی شخص را تشویق نمی‌کنیم. وقتی به کسی تمرین‌ها را آموزش می‌دهید، ممکن است بگوید، «اوه، من الان فالون دارم.» شما اشتباه تصور می‌کنید که آن بوسیلهٔ شما بکار گذاشته شده است، در صورتیکه اینطور نیست. این را به شما می‌گویم بطوریکه این وابستگی را رشد ندهید. همگی به وسیلهٔ فاشن من انجام می‌شود. این است چگونگی اشاعهٔ روش تزکیهٔ ما بوسیلهٔ تمرین‌کنندگان فالون دافای ما.

هر کس که سعی کند تمرین‌های فالون دافا را تغییر دهد دافا و این مدرسهٔ تزکیه را کارشکنی می‌کند. بعضی افراد ساختار تمرین‌ها را بصورت ریتم آهنگ عوض کرده‌اند، و آن مطلقاً مجاز نیست. یک راه تزکیهٔ واقعی همیشه از زمانهای پیش از تاریخ عبور کرده است. آن از یک زمان کاملاً دور افتاده‌ای حفاظت شده و بطور موفقیت‌آمیزی تعداد بیشمار از مردم روشن بین را تزکیه کرده است. هیچ‌کس جرأت عوض کردن یک تکهٔ کوچک آن را ندارد. چنین چیزی فقط می‌تواند در این دورهٔ پایان دارمای ما اتفاق بیفتد. این موضوعات هرگز در سرتاسر تاریخ اتفاق نیفتاده است. هر کس باید نسبت به این موضوع بسیار محتاط باشد.

سخنرانی چهارم

از دست دادن و بدست آوردن

در میان جامعه تزکیه‌کنندگان، رابطه بین از دست دادن و بدست آوردن مکرراً مورد گفتگو بوده است. در بین مردم عادی نیز مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. چگونه تمرین‌کنندگان ما باید با از دست دادن‌ها و بدست آوردن‌ها مواجه شوند؟ این برای مردم عادی متفاوت است. آنچه که مردم عادی می‌خواهند سود شخصی است و اینکه چگونه به خوبی و راحتی زندگی کنند. تمرین‌کنندگان ما اینطوری نیستند، بلکه دقیقاً برعکس می‌باشند. ما جویای آنچه که مردم عادی هستند نیستیم. در عوض، آنچه را که ما بدست می‌آوریم چیزی است که مردم عادی نمی‌توانند آن را کسب کنند - حتی اگر در آرزوی آن هم باشند - مگر از راه عمل تزکیه.

از دست دادنی که ما بطور معمولی به آن رجوع می‌کنیم از دست دادنی از یک درک بسیار محدود شده نیست. وقتی کسی درباره از دست دادن صحبت می‌کند، به بخشیدن مقداری پول فکر می‌کند، کمک به کسانی که محتاج هستند یا دادن چیزی به فقری در خیابان. آنها نیز شکلی از دادن و از دست دادن هستند. اما این فقط اشاره به این می‌کند که کمتر درباره موضوع منحصر به فرد پول یا مادیات اهمیتی قائل شد. ترک مادیات، البته یک جنبه از دست دادن است و نسبتاً یک جنبه عمده آن. اما از دست دادنی که ما به آن اشاره می‌کنیم به این حیطه کوچک محدود نمی‌شود. بعنوان تمرین‌کنندگان، در جریان تزکیه تعداد بسیار زیادی وابستگی مثل ذهنیت به نمایش گذاشتن، حسادت، طرز تفکر رقابت و آسودگی خیال وجود دارند که بایستی رها گردند. بسیاری از انواع علائق باید کنار گذاشته شوند، زیرا از دست دادنی که ما درباره آن گفتگو می‌کنیم از یک معنای وسیع‌تری برخوردار است. ما باید در طول تمام مسیر تزکیه، همه وابستگی‌های مردم عادی و تمناهای مختلف را رها کنیم.

شاید کسی از خود پرسد: «ما در بین مردم عادی تزکیه را انجام می‌دهیم. اگر همه چیز را از دست بدهیم، آیا مثل راهبه‌ها و راهبان نخواهیم بود؟ این به نظر غیرممکن است که همه چیز را از دست بدهیم.» در مکتب شیوه ما، آنهایی که در بین مردم عادی تزکیه را تمرین می‌کنند مخصوصاً از آنها خواسته می‌شود که در جامعه عادی بشری تزکیه کنند، و تا آنجا که امکانش است با مردم عادی سازگار گردند. از شما واقعاً خواسته نمی‌شود که چیزی را از لحاظ مادی از دست بدهید. این اهمیتی ندارد که در چه درجه بالایی از موقعیت مقامی هستید یا چه مقدار دارایی دارید. مسئله این است که آیا می‌توانید آن وابستگی را رها کنید یا نه.

روش مدرسه ما بطور مستقیم به فکر شخص نشانه می‌رود. موضوع کلیدی این است که آیا شما می‌توانید با مسائلی مثل نفع خصوصی و کشمکش‌های شخصی به آسانی و با اهمیت کمتری برخورد کنید یا نه. روشهای تزکیه در معابد یا کوه‌های دور افتاده و در جنگل‌ها کاملاً شما را از دستیابی به جامعه عادی بشری دور می‌کند، مجبورتن می‌کند که وابستگی‌های مردم عادی را از دست بدهید و از هر سود مادی دوری کنید بطوریکه بتوانید وابستگی‌ها را از دست بدهید. یک تمرین‌کننده که در بین مردم عادی زندگی می‌کند این راه را نمی‌رود. از این شخص خواسته می‌شود که با آنها به آسانی در این محیط عادی بشری برخورد کند. البته، این بسیار مشکل است. این همچنین هسته اساسی حیاتی‌ترین جنبه مدرسه تزکیه ما است. به همین جهت، از دست دادنی که ما درباره آن سخن می‌گوییم از دست دادنی است که از معنای وسیع‌تری برخوردار است و نه اینکه معنای کمتری را داشته باشد. بگذارید در مورد انجام کارهای خوب و اهدا کردن پول و اجناس صحبتی داشته باشیم. این روزها، بعضی از گدایانی که در خیابان مشاهده می‌کنید حرفه‌ای هستند و ممکن است حتی بیشتر از شما هم پول داشته باشند. ما باید به طیف وسیع‌تری به جای مسائل اهمیت کوچک تمرکز کنیم. عمل تزکیه بایستی با گشایش و

شرافت در روشن بینی وسیع متمرکز باشد. در جریان از دست دادن هایمان، آنچه را که واقعاً از دست می دهیم چیزهای نادرست هستند.

بشر اغلب معتقد است که بدنبال هر چه باشد خوب است. درحقیقت، از نقطه نظر سطحی بالا، اینها برای رضایت و خرسندی قسمتهایی از منافع مقرر در بین مردم عادی می باشند. در مذاهب گفته شده است صرفنظر از اینکه چه اندازه پول داشته باشید یا از موقعیت بالایی برخوردار باشید، فقط در چند ده سال می تواند خوب باشد. شخص نمی تواند آنها را با تولد خود به همراه بیاورد و یا اینکه با مرگ خود به همراه ببرد. چرا گونگ اینقدر با ارزش است؟ دقیقاً به این خاطر است که بطور مستقیم در روح نخستین شما رشد می کند و می تواند با تولد حمل شده و بعد از مرگ به همراه برده شود. بعلاوه، این بطور مستقیم مقام باروری شما را در تزکیه مشخص می کند، و به همین جهت تزکیه آن مشکل است. به عبارتی دیگر، آنچه را که شما از دست می دهید چیزی نادرست می باشد. پس، می توانید به اصل و حقیقت واقعی اتان رجوع کنید. پس چه چیزی را بدست می آورید؟ رشد سطح خودتان؛ احتمالاً نایل شدن به مقام باروری و کامل کردن تزکیه، و حل کردن مشکل اساسی. مطمئناً، این برای شما آسان نخواهد بود که فوراً همه نوع تمایل و آرزو در بین مردم عادی را از دست بدهید و به استاندارد یک تمرین کننده واقعی برسید، زیرا برای موفقیت وقت لازم است. وقتی از من می شنوید که می گویم وقت لازم دارید، ممکن است بگویید معلم به ما گفته است که احتیاج به وقت است، و در نتیجه می خواهید سر فرصت آن کار را انجام بدهید. این مجاز نیست! شما باید با خودتان سخت گیر باشید، با وجود این که به شما اجازه می دهیم بتدریج رشد کنید. اگر امروز می توانستید آن را به یک باره انجام دهید، در حال حاضر یک بودا بودید. پس، این معقول نیست. شما بتدریج قادر به کسب آن خواهید بود.

آنچه که ما از دست می دهیم در واقع چیزی نادرست است. آن چیست؟ کارما است، و همراه با وابستگی های مختلف بشری به جلو پیش می رود. برای مثال، مردم عادی انواع افکار نادرست را دارا هستند. آنها برای کسب منافع شخصی اشان اعمال نادرست گوناگونی را مرتکب می شوند و ماده سیاه کارما را بدست می آورند. کارما مستقیماً به ذهن ما مربوط می شود. شما برای از بین بردن این چیز منفی، بایستی اول از همه فکرتان را عوض کنید.

دگرگونی (تبدیل) کارما

یک جریان دگرگونی بین ماده سفید و ماده سیاه وجود دارد. بعد از اختلافی که بین انسان ها اتفاق می افتد، این جریان دگرگونی بوجود می آید. وقتی شخصی عملی خوب انجام می دهد، ماده سفید تقوا را بدست می آورد. وقتی شخصی کاری نادرست انجام می دهد ماده سیاه یا کارما را کسب می کند. جریانی نیز وجود دارد که ارثی می باشد. ممکن است کسی سؤال کند، «آیا به این خاطر است که شخص در اوایل زندگی اش کارهای نادرستی را انجام داده است؟» این کاملاً نمی تواند به این صورت باشد زیرا کارما فقط در طول یک زندگی جمع نشده است. در میان جامعه تزکیه کنندگان اعتقاد بر این است که روح نخستین نمی تواند از بین برود. اگر روح نخستین از بین نمی رود، شخص احتمالاً در زندگی های قبلی اش در فعالیت های اجتماعی شرکت داشته است. در نتیجه شاید شخص مدیون کسی بوده، به کسی آزار و اذیت رسانده، یا کارهای نادرست دیگری از قبیل جنایت که باعث بوجود آمدن چنین کارمایی شده است انجام داده. این مسائل در بعدهای دیگر انبار می شوند، و شخص همیشه آنها را با خود حمل می کند، و همینطور نیز این جریان درباره ماده سفید صدق می کند. این تنها منبع نیست، همانطور که موقعیت دیگری نیز وجود دارد. در سراسر نسل ها در فامیل، اجداد نیز ممکن است کارما را برای نسل های بعدی ذخیره کنند. در زمان گذشته، مسن ترها چنین چیزی را می گفتند: «شخص می باید تقوا جمع کند، و اجداد او تقوا جمع کرده اند. این شخص تقوا از دست می دهد و تقوا را ضایع می کند.» آنچه که گفته شد بسیار صحیح بود. این روزها، مردم عادی به این گفتار گوش نمی دهند. اگر به مردم جوان درباره از دست دادن

تقوا و فقدان تقوا سخن بگوئید، اصلاً به آن گوش نخواهند نمود. در حقیقت، این کلمات واقعاً از معنای عمیقی برخوردارند. این فقط ایدئولوژی و استاندارد الهی مردم مدرن نیست، بلکه همچنین از یک موجودیت حقیقی مادی برخوردار است. جسم‌های انسانی ما هر دو نوع این ماده را دارا هستند.

کسی سؤال کرد، «آیا اینطور است اگر شخصی بیش از حد مادهٔ سیاه داشته باشد قادر نخواهد بود به سطوح بالا تزکیه کند؟» می‌توان به این صورت توضیح داد، با داشتن بیش از حد مادهٔ سیاه، کیفیت روشن‌بینی شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد. زیرا مادهٔ سیاه میدانی در اطراف جسم شخص شکل می‌دهد و از وسط جسم او به طرف بالا پیچ می‌خورد، و او از فطرت عالم، حقیقت - نیکخواهی - بردباری جدا می‌شود. در نتیجه، توانایی روشن‌بینی چنین شخصی احتمالاً نامرغوب است. وقتی که دیگران دربارهٔ عمل تزکیه یا چی‌گونگی صحبت می‌کنند، او همه را بعنوان خرافه پرستی می‌پندارد و اصلاً اعتقادی به آنها ندارد. او آنها را مسخره خواهد یافت. این معمولاً به این صورت است، اما قطعاً اینطور نیست. آیا اینطور نیست که برای این شخص تزکیه کردن بسیار مشکل است، و اینکه قادر نیست گونگ را در سطح بالا کسب کند؟ اینگونه نیست. گفته‌ایم که دافا بی‌حد و مرز است، و این کاملاً به قلب شما مربوط است که تزکیه کنید. استاد راه ورودی را نشان‌تان می‌دهد، و این به خود شما بستگی دارد که تزکیه کنید. تمام اینها به خودتان مربوط است و اینکه چگونه تزکیه می‌کنید. این که بتوانید تزکیه کنید همگی بستگی به این دارد که آیا می‌توانید تحمل داشته باشید، از خودتان بگذرید، و درد و رنج را تحمل کنید. اگر واقعاً مصمم باشید، هیچ مشکلی نمی‌تواند مانع شما باشد. می‌توانم بگویم که مشکلی وجود ندارد.

یک شخص با مادهٔ سیاه زیاد معمولاً مجبور است بیشتر از شخصی که مادهٔ سفید زیادی دارد فداکاری کند. زیرا که مادهٔ سفید مستقیماً جذب فطرت عالم، حقیقت - نیکخواهی - بردباری است، و تا آنجا که شخص شین‌شینگ خود را در اختلافات تفریع بدهد، گونگ او افزایش می‌یابد. این به این آسانی است. شخصی با تقوای زیاد از کیفیت روشن‌بینی خوبی برخوردار است. او می‌تواند زجر کشیده و سختی‌های جسمی را به همان اندازه سختی‌های روحی تحمل کند، گونگ او هنوز هم رشد خواهد کرد حتی اگر از دردهای جسمی بیشتر از دردهای روحی رنج ببرد. اما برای شخصی که مادهٔ سیاه زیادی دارد نمی‌تواند به این راحتی باشد، زیرا که او بایستی از میان چنین جریانی بگذرد؛ او باید مادهٔ سیاه را تبدیل به مادهٔ سفید کند. این روند نیز تقریباً دردناک است. به همین جهت، یک شخص با کیفیت روشن‌بینی کم معمولاً بایستی رنج‌های بیشتری را تحمل کند. با مقدار زیادی از کارما و کیفیت روشن‌بینی کم، برای این شخص بسیار مشکل خواهد بود که عمل تزکیه را انجام دهد.

موردی بخصوص را بعنوان مثال در نظر می‌گیریم. اجازه بدهید ببینیم چگونه این شخص عمل تزکیه را انجام می‌دهد. در طول نشست در مدیتیشن احتیاج است که شخص با پاهای ضربدری مدتی طولانی بنشیند. بعد از تقبل کردن این حالت، پاها درد کرده و کرخت می‌شوند. با گذشت زمان، شخص احساسی کاملاً ناراحت کننده خواهد داشت و سپس نسبتاً بی‌قرار می‌شود. داشتن درد جسمی و روحی می‌تواند هر دوی جسم و روح را تا حدی معذب کند. بعضی از افراد نمی‌توانند با نشستن پاها بدان شکل درد را تحمل کنند، و می‌خواهند با پایین آوردن پاهایشان تمرین را قطع کنند. بعضی از افراد نمی‌توانند آن را بعد از اینکه کمی بیشتر نشست‌اند تحمل کنند. زمانی که پاها پایین می‌آیند، تمرین شخص بی‌ثمر می‌شود. به محض اینکه پاها شروع به درد می‌کنند، شخص می‌خواهد قبل از ادامه دادن به مدیتیشن کمی نرمش کند. ما دریافته‌ایم که این هیچ گونه فایده‌ای ندارد. به این دلیل است که ما دیده‌ایم وقتی پاها درد می‌کنند، مادهٔ سیاه به طرف پاها حرکت می‌کند. مادهٔ سیاه کارما است که می‌تواند، از طریق رنج بردن از بین برود سپس می‌تواند به تقوا تبدیل گردد. به محض اینکه درد احساس شود، کارما شروع به از بین رفتن می‌کند. هر چه بیشتر کارما وارد شود، درد بیشتری در پاها احساس می‌شود. به همین جهت، درد پاها بدون دلیل نمی‌باشند. معمولاً، پاهای شخص نشسته در مدیتیشن بطور متناوب

احساس درد را خواهند داشت. بعد از لحظه‌ای از دردی بسیار ناراحت کننده، درد از بین می‌رود و آسودگی‌ای بوجود می‌آید. بزودی که درد شروع می‌شود همه چیز دوباره از سر گرفته می‌شود. این معمولاً بدین صورت اتفاق می‌افتد.

چون کارما تکه‌تکه از بین می‌رود، پاها بعد از اینکه یک تکه از کارما برطرف شد، احساس بهتری پیدا خواهند کرد. به محض اینکه تکه دیگری ظاهر می‌شود، پاها دوباره درد را احساس خواهند نمود. بعد از اینکه ماده‌ سیاه از بین رفت، ناپدید نمی‌گردد، زیرا این ماده سیاه منقرض نمی‌شود. بعد از از بین رفتن، مستقیماً به ماده سفید تبدیل می‌شود، که تقوا است. چرا می‌تواند به این شکل تبدیل گردد؟ برای اینکه این فرد رنج کشیده، از خود گذشتگی داشته، و دردهایی را تحمل کرده است. ما گفته‌ایم که تقوا از طریق تحمل کردن سختی‌ها و رنج بردن‌ها، یا انجام کارهای خوب بدست می‌آید. به همین جهت، این موقعیت در مدیتیشن پیش می‌آید. بعضی از افراد وقتی که پاهایشان شروع به درد می‌کنند آنها را پایین می‌آورند، و قبل از اینکه به حالت نشسته برگردند آنها را کمی نرمش می‌دهند. این به هیچوجه به نتیجه نخواهد رسید. در حین انجام تمرین ایستاده، دستها ممکن است از انجام حالت نگهداشتن - چرخ خسته گردند. وقتی شخص دیگر نتواند آن را تحمل کند و دستها را پایین بیاورد، به هیچ نتیجه‌ای نخواهد رسید. آن قسمت از درد به چه کار می‌آید؟ می‌توانم بگویم این بیش از حد آسان است اگر شخص بتواند در تزکیه فقط از طریق بالا نگهداشتن دستها بدان صورت موفق گردد. این چیزی است که وقتی مردم مدیتیشن نشسته را تمرین می‌کنند اتفاق می‌افتد.

روش مدرسه ما اساساً چنین راهی را نمی‌رود، اگر چه قسمتی از آن نیز در این موضوع نقشی را ایفا می‌کند. در اغلب موارد، شخص کارما را از طریق کشمکش شین‌شینگ بین مردم دگرگون می‌کند، و این بدین شکل خودش را نشان می‌دهد. وقتی که انسانها با هم اختلاف دارند، کشمکش بین آنها حتی از درد جسمی نیز پیشی می‌گیرد. به شما می‌گویم که دردهای جسمی آسان‌ترین دردها برای تحمل کردن هستند، زیرا می‌توان به آنها با فشار دادن محکم دندان‌ها چیره شد. وقتی که اختلافی بین اشخاص پیش می‌آید، کنترل کردن فکر سخت‌ترین کارها است.

بطور مثال، شخصی با ورود به محل کار، وقتی از فاصله دور می‌شنود که دو نفر به صورت بسیار ناشایستی درباره او بدگویی می‌کنند، عصبانی می‌شود. به هر حال، گفته‌ایم که بعنوان یک تمرین‌کننده شخص نباید وقتی مورد حمله یا تحقیر قرار می‌گیرد شروع به دعوا کند، بلکه برای خودش استاندارد بالایی را قائل شود. بنابراین فکر می‌کند معلم گفته است که در مقام تمرین‌کننده نباید مثل دیگران باشیم و باید خودمان را به شکل بهتری اداره کنیم. دیگر نمی‌خواهد با آن دو شخص دعوا کند. اما معمولاً وقتی مشکلی پیش می‌آید، اگر آن از نظر ذهنی او را عذاب ندهد معنی و اثری نخواهد داشت و نمی‌تواند باعث بهتر شدن او گردد. بنابراین، روان او نمی‌تواند این موضوع را رها کند و هنوز هم از آن حادثه ناراحت است. می‌تواند بدینصورت باشد که ذهن او گرفتار آن است. تمام مدت می‌خواهد برگردد و به صورت آن دو شخص نگاه کند. با نگاهی به عقب، صورت آن دو موجود شرور را می‌بیند که با حرارت در حال گفتگو هستند. بیشتر از این نمی‌تواند تحمل کند و بسیار عصبانی می‌شود. حتی ممکن است بلافاصله با آنها دعوا راه بیاندازد. وقتی اختلافی بین انسانها پیش می‌آید، بسیار مشکل است که فکر شخص را کنترل کرد. می‌گویم اگر می‌شد با نشستن در مدیتیشن از هر چیزی مراقبت کرد همه چیز می‌توانست به راحتی بگذرد، به هر حال، این همیشه به این شکل نخواهد بود.

از این رو، در تزکیه آینده‌اتان با همه نوع امتحانی مواجه خواهید شد. چگونه می‌توانید بدون این سختی‌ها تزکیه کنید؟ اگر همه با هم خوب بودند بدون اینکه تضادهایی درباره دلبستگی یا مداخلاتی ناشی از روان بشری داشته باشند، چگونه شین‌شینگ شما می‌توانست فقط با نشستن در آنجا رشد کند؟ این غیرممکن است. شخص باید بطور واقعی خودش را از میان تزکیه حقیقی معتدل کرده و رشد دهد. کسی سؤال کرد، «چرا ما همیشه در

عمل تزکیه‌امان درد و رنج داریم؟ آن مشکلات چندان اختلافی با مشکلات مردم عادی ندارند». این به این خاطر است که شما در بین مردم عادی عمل تزکیه را انجام می‌دهید. ناگهان سر و ته نخواهید شد با سرتان روی زمین، به هوا پرواز کنید و در هوا در درد و رنج باشید - به این شکل نخواهد بود. هر چیزی شکلی از وضعیت روزانه را به خود می‌گیرد، مثل اینکه امروز کسی ممکن است شما را عصبانی کرده باشد، کسی شما را ناراحت کرده یا افترا زده، یا اینکه ناگهان کسی با شما با بی‌احترامی صحبت کرده است. اینها برای این هستند که مشخص شود چگونه در مقابل این مشکلات واکنش نشان می‌دهید.

برای چه با این مشکلات مواجه می‌شوید؟ تمام آنها بوسیله کارمای خودتان سبب می‌شوند. ما تا حالا بسیاری را برای شما از بین برده‌ایم، تعداد بیشماری از آنها را، فقط مقدار کمی را باقی گذاشته‌ایم که بعنوان آزمایشهای سخت در سطوح مختلف برایتان تدارک دیده شده‌اند تا شین‌شینگ‌تان را رشد داده، روانتان را تعدیل کنید و علائق مختلف‌تان را از بین ببرید. تمام اینها رنج‌ها و محنت‌های شخصی شما می‌باشند که ما برای بالا بردن شین‌شینگ شما استفاده می‌کنیم، و قادر خواهید بود بر آنها فائق آیید. تا آنجا که شین‌شینگ خودتان را رشد می‌دهید، می‌توانید بر آنها فائق گردید. مگر اینکه، خودتان نخواهید آنگونه عمل کنید، می‌توانید موفق گردید، مشروط براینکه بخواهید بر آنها چیره شوید. پس، از حالا به بعد، اگر با مشکلی مواجه شدید با آن بصورت یک اتفاق برخورد نکنید. برای اینکه وقتی مشکلی ظاهر می‌شود بطور ناگهانی اتفاق می‌افتد. اما بطور تصادفی نیست - هدف این است که شین‌شینگ شما را رشد دهد. تا وقتی که بعنوان یک تمرین‌کننده با خودتان برخورد می‌کنید، می‌توانید از پس آن بطور شایسته برآیید.

مسلماً از قبل درباره مشکلی یا امتحانی مطلع نخواهید شد. چگونه می‌توانید عمل تزکیه را انجام دهید اگر از قبل در مورد همه چیز با خبر گردید؟ آن به درد هیچ کاری نخواهد خورد. آنها اغلب ناگهانی ظاهر می‌گردند برای اینکه شین‌شینگ شخص را امتحان کنند و بطور واقعی شین‌شینگ فرد را رشد دهند، فقط بعد از آن دیده خواهد شد که آیا شخص می‌تواند شین‌شینگ خودش را حفظ کند. به همین جهت، وقتی مشکلی بوجود می‌آید، بطور تصادفی اتفاق نمی‌افتد. در طول تمام دوره عمل تزکیه و تبدیل کارما این مسئله وجود خواهد داشت. برخلاف آنچه که در تصور فردی عادی است، این سخت‌تر از درد و رنج جسمانی است. چگونه می‌توانید گونگ را فقط با انجام دادن طولانی مقداری از حرکات وقتی که دستها با بالا نگهداشتن درد می‌کنند و پاها از ایستادن خسته‌اند رشد دهید؟ چگونه می‌توانید گونگ را فقط با چند ساعت تمرین اضافی افزایش دهید؟ تمرین‌ها فقط برای این خوب هستند که بنتی جسم‌تان را دگرگون کنند، ولی هنوز هم برای تقویت احتیاج به انرژی است. آن کمکی به بالا بردن سطح شخص نمی‌کند. از لحاظ روانی فائق آمدن به دردها و رنج‌ها کلید حقیقی رشد سطح شخص است. اگر کسی بتواند فقط از طریق خسته کردن جسم ترقی کند، می‌توانم بگویم که کشاورزان چینی بیشتر از همه رنج می‌برند. پس نایستی همگی آنها استادان چی‌گونگ شوند؟ این اهمیتی ندارد که چه اندازه از لحاظ جسمی در رنج می‌باشید، شما به اندازه آنها رنج نمی‌کشید، که با سختی و زحمت در مزرعه زیر آفتاب سوزان هر روز کار می‌کنند. این موضوعی به این سادگی نیست. به همین جهت، ذکر کرده‌ایم برای ترقی واقعی لازم است که شخص روان خودش را بطور حقیقی ارتقا دهد. فقط بعد از آن می‌تواند خودش را بطور واقعی رشد دهد.

برای اینکه بتوانید خودتان را در پروسه دگرگونی کارما کنترل کنید لازم است - برخلاف یک فرد عادی که کارها را بدتر می‌کند - همیشه قلبی از نیکخواهی و روانی از خوبی را حفظ کنید. اگر ناگهان با مشکلی مواجه می‌شوید، قادر خواهید بود از آن به شایستگی مراقبت کنید. وقتی شما همیشه با قلبی از نوع پرستی و نیکخواهی باقی بمانید، اگر ناگهان مشکلی بوجود آید، وقت و فضایی خواهید داشت تا تضادها را آرام نموده و اندیشه کنید. اگر شما دائم در فکر رقابت با دیگران باشید و جنگ و دعوا به راه بیاندازید، به شما می‌گویم که هر وقت مشکلی

بوجود آید شروع به نزاع با دیگران خواهید نمود - این مطمئناً بدین شکل است. به همین خاطر می‌گویم وقتی با مشکلی روبرو می‌شوید مربوط به این است که مادهٔ سیاه جسم‌تان به مادهٔ سفید تبدیل می‌شود، یعنی تقوا. وقتی نوع بشر ما امروز به این گستردگی تکامل یافته است، تقریباً همگی انسان‌ها با کارما روی کارما متولد شده‌اند، و بدن هر کسی مقدار بسیار زیادی کارما دارد. به همین جهت، در دگرگونی کارما اغلب این موقعیت رخ می‌دهد: در حالیکه گونگ و شین‌شینگ شما رشد و ترقی می‌کنند، کارمای شما از بین رفته و دگرگون می‌شود. وقتی فرد با مشکلی مواجه می‌گردد، می‌تواند بصورت یک درد و رنج شین‌شینگ بین یکدیگر ظاهر گردد. اگر بتوانید آن را تحمل کنید، کارمای شما از بین می‌رود، شین‌شینگ‌تان افزایش می‌یابد و همچنین گونگ شما رشد می‌کند، تمام اینها با یکدیگر اتفاق خواهند افتاد. در زمان‌های گذشته انسان‌ها می‌توانستند گونگ خودشان را فقط با کمی درد کشیدن رشد بدهند، زیرا که آنها تقوای زیادی داشتند و شین‌شینگ آنها برای شروع خوب بود. انسان‌های امروزی مثل آنها نیستند. به زودی که عذاب می‌کشند، نمی‌خواهند تزکیه کنند. بعلاوه، آنها کمتر روشن‌بین شده‌اند، و این باعث می‌شود که عمل تزکیه برای آنها مشکل‌تر گردد.

در عمل تزکیه، می‌تواند دو مورد وجود داشته باشد زمانی که مربوط می‌شود به سر و کار داشتن با مشکلاتی بخصوص یا زمانی که دیگران با شما به ناحق رفتار می‌کنند. اولی می‌تواند این باشد که شما با این شخص در یک زندگی قبلی به ناحق رفتار کرده‌اید. در قلبتان احساس می‌کنید که آن نادرست است، «چگونه این شخص می‌تواند با من بدین صورت رفتار کند؟» پس چرا شما در گذشته با این شخص بدان صورت رفتار نمودید؟ ممکن است ادعا کنید که در آن زمان واقعاً چیزی دربارهٔ آن نمی‌دانستید، و این زندگی ربطی به کار زندگی‌های قبلی ندارد. این عملی نیست. مسئلهٔ دیگری وجود دارد. در اختلافات، مسئلهٔ تبدیل کارما مطرح است. به همین جهت، لازم است وقتی که ما با اختلافات بخصوصی مواجه می‌شویم با بخشندگی بیشتری رفتار کنیم به جای اینکه مثل مردم عادی برخورد کنیم. این باید شامل محل کار یا محیط‌های کاری دیگر باشد. به همان شکل هم این در مورد کسانی که صاحب کار هستند صدق می‌کند، برای اینکه آنها هم مشکلاتی در جامعه دارند. این غیرممکن است که در رابطه و تماس با جامعه نباشید، چنانچه حداقل بین همسایه‌ها روابطی وجود دارد.

در روابط متقابل در جامعه شخص با همه نوع اختلافی روبرو می‌شود. برای کسانی که بین مردم عادی عمل تزکیه را انجام می‌دهند، هیچ اهمیتی ندارد که چه نوع کسب و کاری را به عهده دارید. بدون توجه به اینکه چه مقدار پول دارید، موقعیت مقامی تان چقدر بالا است، یا اینکه چه نوع داد و ستد خصوصی یا شرکتی را به عهده دارید، هیچ اهمیتی ندارد که چه نوع معامله‌ای انجام می‌دهید، شما باید عادلانه رفتار کنید و در خرید و فروش و تجارت منصف باشید. همهٔ حرفه‌ها باید در جامعه انسانی وجود داشته باشند. این قلب بشری است که مبتذل شده است، نه آن شغل‌هایی که مردم دارند. در زمانهای گذشته ضرب‌المثلی وجود داشت که می‌گفت: «نه نفر از ده نفر بازرگان فریب کار هستند.» این نظری است که بوسیلهٔ مردم عادی گفته شده است. من می‌گویم که این مسئله‌ای است مربوط به قلب بشری. تا آنجا که قلبتان درستکار است و در تجارت بدرستی رفتار می‌کنید، اگر سعی بیشتری بکنید لایق بدست آوردن پول بیشتری هستید. زیرا که شما برای کاری که در بین مردم عادی می‌گذارید اجرت می‌گیرید. اگر باختی نباشد بردی نیست. شما برای آن کار کرده‌اید. با هر نوع موقعیت اجتماعی، شخص می‌تواند هنوز هم فردی نیکو باشد. اختلافات متفاوتی برای مردم از طبقات مختلف اجتماعی وجود دارند. طبقات بالای جامعه اختلافات طبقات بالای جامعه را دارند، که همگی آنها می‌توانند بطور شایسته‌ای برطرف گردند. در هر طبقه‌ای از جامعه، شخص می‌تواند فردی خوب باشد و کمتر اهمیتی به تمایلات مختلف و وابستگی‌ها بدهد. شخص می‌تواند فردی نیکو در قشرهای مختلف باشد، و می‌تواند عمل تزکیه را در طبقهٔ اجتماعی که به آن تعلق دارد انجام بدهد.

این روزها، اختلافات بین مردم بسیار منحصر به فرد شده است اعم از این که در شرکتهای دولتی باشد یا کسب و کار دیگر در کشور. در طول تاریخ و در کشورهای دیگر، این پدیده هرگز اتفاق نیفتاده است. در نتیجه، اختلافات در مورد علائق فردی نشان داده شده‌اند که بطور فوق‌العاده‌ای حاد می‌باشند. مردم دیوانگی نشان می‌دهند و برای سود شخصی کوچکی رقابت می‌کنند؛ افکاری که آنها دارند یا حقه‌هایی که بکار می‌برند بسیار بی‌رحمانه است. حتی انسانی خوب بودن مشکل است. بطور مثال، وارد محل کارتان می‌شوید و احساس می‌کنید که حال و هوای آنجا درست نیست. بعداً، شخصی به شما می‌گوید که کسی اینطور و آنطور پشت سر شما بد گفته و به رئیس گزارش داده، و شما را در موقعیت وحشتناکی قرار داده است. دیگران با نگاهی غیرمعمول به شما خیره شده‌اند. چگونه یک شخص عادی می‌تواند آن را تحمل کند؟ چگونه می‌تواند با چنین ناعدالتی روبرو شود؟ «اگر کسی برای من مشکلی درست کند، همان کار را با او انجام خواهم داد. اگر کسانی از او حمایت می‌کنند، پس من هم کسانی را دارم. پس بیا به مبارزه». اگر این کار را در بین مردم عادی انجام دهید، آنها خواهند گفت که شما شخصی با قدرت هستید. بعنوان یک تمرین‌کننده به هر حال، این کاملاً وحشتناک است. اگر شما مثل یک فرد عادی رقابت و مبارزه کنید، شخصی معمولی خواهید بود. اگر از او پیشی بگیرید، حتی بدتر از آن شخص عادی هستید.

با این موضوع باید چگونه رفتار کنیم؟ اول از همه در رابطه با این مشکل لازم است که ما آرام باشیم، و نباید مثل آن شخص رفتار کنیم. البته، می‌توانیم مسئله را بصورت دوستانه‌ای توضیح دهیم، و این مشکلی نیست که مسئله را روشن کنیم. اما نباید بیش از حد به آن وابسته گردید. اگر ما با این مشکلات مواجه می‌شویم، نباید مثل دیگران جنگ و رقابت راه بیاندازیم. اگر همان کاری را که آن شخص انجام داد انجام دهید، آیا مثل یک فرد عادی نیستید؟ نه تنها نباید مثل آن فرد رقابت و جنگ و دعوا راه بیاندازید، بلکه در قلبتان نباید از آن شخص متنفر باشید. اگر از آن شخص متنفر باشید، آیا عصبانی نیستید؟ شما خویشتن‌داری را مراعات نکرده‌اید. ما حقیقت - نیکخواهی - بردباری را تزکیه می‌کنیم، و نیکخواهی شما حتی کمتر از آنی است که درباره‌اش صحبتی شود. پس نباید مثل او باشید یا واقعاً از او عصبانی گردید، علی‌رغم اینکه شما را در موقعیتی قرار داده است که نمی‌توانید حتی سرتان را بالا نگه‌دارید. به جای اینکه از او عصبانی باشید، باید از صمیم قلب از او تشکر کنید و با خلوص نیت از او ممنون باشید. یک فرد عادی شاید این طور فکر کند: «آیا این مثل یک اکیو^۱ شدن نیست؟» به شما می‌گوییم که اینطوری نیست.

همگی درباره‌ آن فکر کنید: شما تمرین‌کننده هستید. آیا از شما انتظار نمی‌رود که استاندارد بالایی را برای خودتان قائل شوید؟ اصول مردم عادی نباید در مورد شما قابل اجرا باشند، درست است؟ بعنوان یک تمرین‌کننده، آیا آنچه را که بدست می‌آورید چیزی در سطوح بالا نیست؟ بنابراین، شما باید اصول سطوح بالا را دنبال کنید. اگر آنچه را که آن شخص انجام داد انجام دهید، آیا مثل او نخواهید بود؟ پس، چرا باید از او متشکر باشید؟ درباره‌اش فکر کنید: چه چیزی را می‌خواهید کسب کنید؟ در این عالم، اصلی وجود دارد که می‌گوید: «اگر باختی نباشد، بردی نیست.» برای بدست آوردن، شخص باید از دست بدهد. آن شخص شما را در موقعیت وحشتناکی در بین مردم عادی می‌گذارد، و به نظر می‌آید که به خرج شما نفعی را برده است، هر چه بیشتر شما را در شرایط بدتری بگذارد و تأثیر آن بیشتر باشد، بیشتر تحمل خواهید کرد و او تقوای بیشتری از دست خواهد داد. همگی آن تقوا به شما داده خواهد شد. در حالیکه درباره‌ همه آنها سختی می‌کشید، باید اهمیت کمتری به آن قائل شوید و در ذهنتان آن را جدی نگیرید.

در این عالم، اصل دیگری وجود دارد: اگر رنج زیادی کشیده باشید، کارما در جسم شما دگرگون و تبدیل خواهد شد. از آنجا که زجر کشیده‌اید، هر چه بیشتر تحمل کنید همگی آنها به همان مقدار برابر به تقوا تبدیل خواهند شد. آیا این تقوایی نیست که یک تمرین کننده می‌خواهد؟ شما به دو شیوه نفع برده‌اید، در حالیکه کارمای شما نیز از بین رفته است. اگر آن شخص این موقعیت را برای شما خلق نمی‌کرد، چگونه می‌توانستید شین‌شینگ خودتان را ترقی دهید؟ اگر من و شما با یکدیگر مهربان باشیم و آنجا در هارمونی بنشینیم، چگونه برای گونگ امکان‌پذیر است که رشد کند؟ این دقیقاً به این خاطر است که آن شخص این مشکل را برای شما خلق کرده است تا امکانی وجود داشته باشد که شین‌شینگ شما رشد کند، و شما می‌توانید از آن برای رشد شین‌شینگ خودتان استفاده کنید. آیا شین‌شینگ شما به این طریق افزایش نیافته است؟ به سه صورت نفع برده‌اید. شما تمرین کننده هستید. با ترفیع شین‌شینگ، آیا گونگ شما نیز رشد نمی‌کند؟ با یک حرکت به چهار طریق برده‌اید، چرا از آن شخص نباید ممنون باشید؟ باید با خلوص نیت از صمیم قلب از او تشکر کنید - این واقعاً اینطوری است.

البته، فکر آن شخص خوب نبود، و گر نه تقوای خودش را به شما نمی‌داد. اما او درحقیقت فرصتی را برای ترفیع شین‌شینگ شما خلق کرده است. به عبارتی دیگر، ما باید توجهمان را به تزکیه شین‌شینگ بدهیم. در زمانی که شین‌شینگ تزکیه می‌شود، کارما از بین رفته و به تقوا تبدیل می‌شود بطوریکه می‌توانید به سطحی بالاتر نایل گردید؛ اینها همگی دست به دست هم می‌دهند. از دیدگاه سطحی بالا، تمام این اصول همگی تغییر کرده‌اند. یک فرد عادی آن را نخواهد فهمید. وقتی از سطحی بالا به این اصول نظری بیاندازید، هر چیزی متفاوت خواهد بود. شما بین مردم عادی شاید این اصول را درست بیابید، اما آنها واقعاً درست نیستند. فقط آنچه که از سطحی بالا مشاهده شده است در حقیقت درست می‌باشد. این معمولاً بدین صورت است.

من کاملاً این اصول را برای همگی توضیح داده‌ام، و امیدوارم که در آینده در تزکیه، هر فردی با خودش به عنوان یک تمرین کننده برخورد کند و بطور واقعی تزکیه کند، زیرا که اصول هم اکنون در اینجا معرفی شده‌اند. شاید بعضی از افراد هنوز هم فکر می‌کنند که در رابطه با علایق واقعی مادی، فردی عادی بودن عملی است. به خاطر اینکه در میان روند زندگی مردم عادی آنها هنوز هم نمی‌توانند خودشان را با استاندارد بالا هدایت کنند. در حقیقت، برای یک انسان خوب بودن در بین مردم عادی قهرمانانی وجود دارند که بعنوان نمونه بکار می‌روند، اما آنها نمونه‌هایی برای مردم عادی هستند. اگر بخواهید که یک تمرین کننده باشید، همه چیز به تزکیه قلبتان و توانایی روشن بینی خودتان بستگی دارد، زیرا نمونه‌هایی وجود ندارد. خوشبختانه، ما در حال حاضر این دافا را عمومی کرده‌ایم. در گذشته، اگر در آرزوی تزکیه کردن بودید، کسی آن را به شما یاد نمی‌داد. به این طریق، می‌توانید از دافا پیروی کنید و شاید بتوانید بهتر آن را انجام دهید. اگر بتوانید تزکیه را انجام بدهید یا در آن موفق شوید یا اینکه به چه سطحی از تزکیه نائل شوید همه اینها به خودتان بستگی دارد.

البته، تبدیل کارما کاملاً به صورتی که من در حال حاضر توضیح داده‌ام اتفاق نمی‌افتد؛ آن می‌تواند در مناطق دیگری تجلی یابد. می‌تواند در خانه یا در جامعه رخ دهد. فرد ممکن است در حالیکه در خیابان قدم می‌زند یا در محل‌های دیگری از اجتماع است با بعضی از مشکلات مواجه شود. شما مجبورید تمام علائق و وابستگی‌هایی را که مردم عادی نمی‌توانند رها کنند از بین ببرید. تا زمانی که همه آنها را دارید، همه وابستگی‌ها باید به محیط‌های مختلفی نقل مکان گردند. به شما اجازه سقوط می‌دهند، تا اینکه از آن طریق درباره تائو بصیرت پیدا کنید. بدین شکل است که شخص از میان عمل تزکیه می‌گذرد.

مورد بخصوص دیگری وجود دارد. اغلب برای بسیاری از تزکیه کنندگان در پروسه تزکیه اتفاق می‌افتد که وقتی تمرین می‌کنند همسرانشان خوشحال نیستند به محض اینکه تمرین را شروع کنید همسران دعوی را به راه می‌اندازد. اگر کار دیگری انجام می‌دادید، همسران اهمیتی نمی‌داد. هیچ مسئله‌ای نیست که چه اندازه

وقت صرف بازی مایونگ^۲ می‌کنید، همسران ممکن است راضی نباشد، اما نه به اندازه اینکه اگر چی‌گونگ را تمرین می‌کردید. تمرین چی‌گونگ شما آزاری به او نمی‌رساند، و چه چیز خوبی است از موقعی که شروع به تمرین کرده‌اید و جسم شما سلامتی‌اش را حفظ می‌کند، و شما مزاحم او نیز نیستید. اما زمانی که شروع به تمرین چی‌گونگ می‌کنید، او شروع به انداختن وسایل به اطراف می‌کند و دعوایی را راه می‌اندازد. بعضی از زن و شوهرها اغلب از هم طلاق می‌گیرند به خاطر اینکه در مورد تمرین چی‌گونگ با هم مشاجره می‌کنند. بسیاری از افراد فکر نکرده‌اند که چرا این موقعیت پیش می‌آید. اگر بعداً از همسران سؤال کنید: «چرا وقتی که چی‌گونگ را تمرین می‌کنم آنقدر عصبانی می‌شوی؟» او نمی‌تواند توضیحی برای آن بیاورد و واقعاً دلیلی برای آن ندارد. «در حقیقت، چرا در آن زمان اینقدر عصبانی و متقلب بودم؟» به راستی، موضوع از چه قرار است؟ در حالیکه شخص چی‌گونگ را تمرین می‌کند، کارمای او باید تبدیل شود. بدون باخت چیزی را بدست نخواهید آورد، و آنچه را که از دست می‌دهید چیزهای بد می‌باشند. شما باید فداکاری کنید.

شاید، به محض اینکه پایتان را به درون خانه می‌گذارید، همسران شکایت کرده و شروع به مشاجره کند. اگر آن را تحمل کنید، تمرین چی‌گونگ شما امروز بیهوده نخواهد بود. بعضی افراد همچنین به این آگاه هستند که در تمرین چی‌گونگ شخص باید به تقوا ارزش بگذارد. به همین جهت، یک چنین شخصی قاعدتاً بخوبی می‌تواند با همسرش کنار بیاید. او فکر می‌کند، «معمولاً، اگر من بگویم (یک)، او نمی‌گوید (دو). امروز او در مورد من تصمیم می‌گیرد». او نمی‌تواند خلق و خوی خود را کنترل کند و دعوایی را شروع خواهد کرد. با این جریان، تمرین امروز بیهوده خواهد بود. زیرا کارما آن جا بود، و همسرش داشت در از بین بردن آن به او کمک می‌کرد. اما نمی‌توانست آن را قبول کند و دعوایی را با همسرش به راه انداخت. در نتیجه کارما نتوانست از بین برود. تعداد زیادی از این موارد وجود دارند و بسیاری از تمرین‌کنندگان ما آنها را تجربه کرده‌اند، اما درباره‌اش فکر نکرده‌اند که چرا آنها به این شکل بودند. همسر شما اگر کار دیگری انجام می‌دادید اهمیتی نمی‌داد. تمرین چی‌گونگ واقعاً می‌تواند چیز خوبی باشد، اما او همیشه می‌خواهد اشتباهی را نزد شما پیدا کند. در حقیقت، همسران به شما کمک می‌کند که کارما را از بین ببرید، هر چند که خودش از آن آگاهی ندارد. او با شما نه فقط سطحی دعوا می‌کند بلکه از ته قلبش با شما خوب می‌باشد - این به این صورت نیست. این خشمی واقعی است از ته قلب او، زیرا هر کسی هم که کارما را کسب می‌کند احساس خوبی ندارد. تضمین شده است که اینگونه باشد.

ترفع شین‌شینگ

از آنجا که بسیاری از مردم در گذشته نتوانستند شین‌شینگ خوب را حفظ کنند، مشکلات زیادی بوجود آمد. بعد از اینکه تمرین آنها به سطحی مطمئن رسید، دیگر نتوانستند پیشرفت بیشتری داشته باشند. بعضی افراد برای شروع بطور طبیعی از شین‌شینگ نسبتاً بالایی برخوردار هستند. چشم سوم آنها به یکباره با تمرین باز شده و می‌توانند به قلمرو مطمئنی برسند. زیرا که این شخص نسبتاً از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار است و شین‌شینگ بالایی دارد، و گونگ او به سرعت رشد می‌کند. در زمانی که گونگ به سطح شین‌شینگ او می‌رسد، گونگ نیز به آن سطح رشد کرده است. اگر او بخواهد به رشد گونگ خود ادامه دهد، اختلافات نیز بسیار جدی خواهند شد، بطوریکه لازمه‌اش برای او ترفیع گونگ می‌باشد. این مخصوصاً برای شخصی که کیفیت مادرزادی خوبی دارد صدق می‌کند. ممکن است فکر کند گونگ او رشد خوبی کرده است و تزکیه نیز به خوبی جلو می‌رود. پس چرا ناگهان آن همه مشکلات وجود دارند؟ هیچ چیز به خوبی جلو نمی‌رود. مردم با او به بدی رفتار می‌کنند، و رئیس نیز از او راضی نیست. حتی موقعیت خانه بسیار متشنج است. چرا به ناگهان آن همه مشکلات وجود دارند؟ شاید این شخص خودش آن را نفهمد. به خاطر کیفیت مادرزادی خوب او است، که به یک سطح مطمئنی رسیده و

این وضعیت را برایش بوجود آورده است. چگونه هنوز هم آن می‌تواند ملاک نهایی یک تمرین‌کننده برای رسیدن به کمال در تزکیه باشد؟ برای رسیدن به پایان عمل تزکیه راه زیادی باقی مانده است! شما باید به ترفیع خودتان ادامه دهید. به دلیل مقدار کم کیفیت مادرزادی اتان است که به این مرحله رسیده‌اید. برای ارتقا به درجات بالاتر بایستی اندازه محک نیز ارتقا یابد.

ممکن است کسی چنین بگوید، «من می‌خواهم پول بیشتری را بدست بیاورم برای اینکه خانواده‌ام را به خوبی مستقر کنم بطوریکه مجبور نباشم درباره چیزی نگران باشم. بعد از آن، تزکیه خواهم نمود». من می‌گویم که شما خواب می‌بینید. شما قادر نیستید در زندگی دیگران دخالت کنید، و نه اینکه بتوانید سرنوشت دیگران شامل همسر، دختران، پسران، والدین، یا برادرهایتان، را کنترل نمائید. آیا می‌توانید در مورد این چیزها تصمیم بگیرید؟ بعلاوه، چگونه می‌توانید تزکیه کنید اگر مشکلات و نگرانی‌هایی نداشته باشید؟ چگونه می‌توانید تمرین‌ها را با آرامش و راحتی انجام دهید؟ چگونه می‌تواند چنان چیزی وجود داشته باشد؟ این چیزی است که نظر شما است، از نقطه نظر مردم عادی.

عمل تزکیه باید با سختی‌ها همراه باشد برای اینکه شما را آزمایش کند که آیا توانایی قطع کردن یا کمتر اهمیت دادن به انواع مختلف احساسات و تمایلات بشری را دارید یا نه. اگر به این چیزها وابسته باشید، نمی‌توانید در تزکیه موفق گردید. هر چیزی رابطه کارمایی خودش را دارد. چرا یک انسان می‌تواند یک انسان باشد؟ زیرا که انسان‌ها دارای احساسات هستند. آنها فقط به خاطر همین احساسات زندگی می‌کنند. علائق در میان اعضای خانواده، عشق بین زن و مرد، عشق بین والدین، احساسات، دوستی‌ها، انجام دادن کارهایی برای دوستی، و هر چیز دیگری به این احساسات مربوط می‌شوند. اگر شخصی دوست داشته باشد که کاری را انجام بدهد یا نه، خوشحال است یا نه، چیزی را دوست دارد یا متنفر است، و هر چیزی در این جامعه کل بشری از این احساسات نشأت می‌گیرند. اگر این احساسات رها نگردند، قادر نخواهید بود تزکیه کنید. اگر از این احساسات آزاد هستید، هیچکس نمی‌تواند روی شما تأثیری بگذارد. روان یک شخص عادی نمی‌تواند شما را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه که در عوض جای آن را می‌گیرد همدردی و نیکخواهی است، که موضوعی است بسیار با عظمت. البته، رها کردن این احساسات به یک دفعه به این سادگی نیست. عمل تزکیه یک پروسه طولانی مدت است و پروسه‌ای که فرد بتدریج وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها را از دست می‌دهد. به هر حال شما باید با خودتان محکم و سخت‌گیر باشید.

شما بعنوان تمرین‌کننده، ناگهان ممکن است با اختلافاتی روبرو گردید. چه کاری باید انجام دهید؟ شما همیشه باید قلبی سرشار از نیکخواهی و محبت داشته باشید. سپس، وقتی با مشکلی مواجه می‌شوید، می‌توانید به خوبی از عهده آن برآیید، زیرا فضایی برای مواجهه شدن با آن را برای شما نگه می‌دارد. شما همیشه باید با دیگران مهربان و خیرخواه باشید، و وقتی هر کاری را انجام می‌دهید به دیگران احترام بگذارید. هر موقع که با مشکلی مواجه می‌شوید، اول از همه باید بررسی کنید که آیا دیگران می‌توانند از عهده این مسئله برآیند یا اینکه می‌تواند به دیگران آسیب برساند، یا خیر. به این ترتیب، هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت. به همین جهت، در عمل تزکیه باید استاندارد بالاتر و بالاتری را برای خودتان قائل شوید.

بعضی از افراد اغلب این مسائل را نمی‌فهمند. وقتی چشم سوم یک شخص باز است و یک بودا را مشاهده می‌کند، به خانه می‌رود و بودا را ستایش می‌کند، در فکرش او را دعا می‌کند، «چرا به من کمکی نمی‌کنی؟ خواهش می‌کنم این مشکل را برای من حل کن». البته، بودا، هیچ کاری برای این شخص نخواهد کرد زیرا آن مشکل به منظور رشد شین‌شینگ آن شخص و ترفیع او بوسیله زجر کشیدن بوسیله بودا تدارک دیده شده است. چگونه بودا می‌تواند این مشکل را برای شما حل کند؟ او اصلاً مشکل را برای شما حل نخواهد کرد. اگر او مشکل شما را حل کند چگونه می‌توانید گونگ خودتان را رشد داده و شین‌شینگ و سطح خودتان را ترفیع دهید؟

هدف این است که گونگ شما رشد کند. از نظر مردم روشن بین والا، انسان بودن هدف نیست، و زندگی یک فرد برای این نیست که انسان باشد. منظور این است که به اصل خودتان رجعت کنید. بشر زجرهای بسیاری می کشد. مردم روشن بین فکر می کنند که هر چه بیشتر یک فرد زجر بکشد، بهتر است، بطوریکه فرد می تواند سریعتر بدهی های (کارما) خود را باز بپردازد. این آن چیزی است که آنها عقیده دارند. بعضی از افراد آن را نمی فهمند و اگر دعاها را قبول نشود به بودا شکایت می کنند، «چرا به من کمک نمی کنی؟ من هر روز برای تو بخور درست کرده و تعظیم می کنم.» به همین خاطر، شخص ممکن است مجسمه بودا را به زمین بیاندازد و بعد از آن شروع به سرزنش بودا کند. به خاطر این اشتباه، شین شینگ او نزول می کند، و گونگ او ناپدید می شود. او می داند که همه چیز از بین رفته و چیزی باقی نمانده است و در نتیجه حتی بیشتر از قبل از بودا متنفر می شود، با این اعتقاد که بودا باعث خانه خرابی او بوده است. این شخص شین شینگ بودا را با ملاک یک فرد عادی اندازه گیری می کند. چگونه می توان آن را اندازه گیری کرد؟ چگونه می تواند مقدور باشد اگر شخصی با استاندارد مردم عادی در مورد مسائل سطح بالا نظر بدهد؟ به همین جهت، تعداد زیادی از این موارد اغلب وقتی که مردم بدبختی های زندگی اشان را بطور غیرمنصفانه ای تلقی می کنند اتفاق می افتد. بسیاری از مردم بدین شکل نزول کرده اند.

در چند سال پیش، بسیاری از استادان بزرگ چی گونگ، شامل آنهایی که شناخته شده اند، نزول کردند و دیگر کسی نیستند. البته، استادان واقعی چی گونگ تا به حال وظایف تاریخی خودشان را به نتیجه رسانده اند. فقط بعضی ها باقی مانده و بین مردم عادی گم شده اند، با سطح شین شینگ پائینی هنوز هم فعال می باشند. این مردم در حال حاضر گونگ خودشان را از دست داده اند. تعدادی از استادان که در گذشته شناخته شده بودند هنوز هم در جامعه فعال می باشند. وقتی که استادان آنها دریافتند که آنها در بین مردم عادی گمراه شده و نتوانسته اند خودشان را از تملک به شهرت و نفع شخصی رها کنند، بعد از آنکه دیگر امیدی به آنها نمی رفت، استادانشان روح نخستین کمکی آنها را با خودشان بردند. تمام گونگ در جسم روح نخستین کمکی رشد داده شده بود. تقریباً تعداد زیادی از این مثال های بخصوص وجود دارد.

در مدرسه تزکیه ما، این جور موارد تقریباً کم هستند. حتی اگر تعدادی هم وجود داشته باشند، درخور توجه نمی باشند. در رابطه با رشد شین شینگ تعدادی از مثال های چشمگیر وجود دارند. یک تمرین کننده در کارخانه پارچه بافی در شهر X از استان شان دونگ کار می کرد. بعد از مطالعه فالون دافا، او به دیگر همکارانش تمرین ها را یاد داد. در پایان، کارخانه شکل تازه ای به خود گرفت. او عادت داشت که تکه هایی از حوله ها را از کارخانه پارچه بافی به خانه ببرد، و بقیه کارمندان نیز همین کار را می کردند. بعد از تمرین دافا، به جای بردن اجناس به خانه همه چیزهایی را که از کارخانه به خانه برده بود به کارخانه بازگرداند. وقتی که بقیه این عمل را مشاهده کردند، دیگر هیچکس چیزی را با خود به خانه نبرد. بعضی از کارمندان نیز آنچه را که قبلاً به خانه برده بودند به کارخانه برگرداندند. این وضعیت در تمام کارخانه اتفاق افتاد.

مسئول یکی از مراکز دستیاری فالون دافا در یک شهر به دیدن تمرین کنندگان فالون دافا در یک کارخانه رفت که ببیند آنها با عمل تزکیه چه می کنند. مدیر کارخانه شخصاً به دیدن این مسئول آمد: «از وقتی که این کارگران فالون دافا را مطالعه کرده اند همگی صبح زود به کارخانه می آیند و دیرتر هم به خانه می روند. آنها با پشتکاری زیادی کار می کنند و هر وظیفه ای را که رئیس به آنها می دهد انجام می دهند. آنها همچنین بیشتر از این برای نفع شخصی رقابت نمی کنند. بدینوسیله، آنها به تمام کارخانه شکل تازه ای داده اند، و اقتصاد کارخانه نیز بهتر شده است. راه تزکیه شما بسیار قدرتمند است. چه وقت معلم شما به اینجا می آید؟ من نیز می خواهم در این سخنرانی ها شرکت کنم». هدف اصلی ما از تزکیه فالون دافا سوق دادن مردم به سوی سطوح بالا است. در حالی که قصدی برای انجام چنین کاری نیست، آن می تواند نقش بسیار کارسازی را برای فرهنگ خدایی در

جامعه داشته باشد. اگر همه مردم در جستجوی درون خود باشند و فکر کنند که چگونه خودشان را به خوبی هدایت کنند، می‌توانم بگویم که جامعه تثبیت خواهد شد و استاندارد اخلاقیات انسانی دوباره رشد خواهند نمود. زمانی که من فا و تمرین را در تاییان^۳ تعلیم می‌دادم، تمرین‌کننده‌ای بود که بالای پنجاه سال سن داشت. او و همسرش می‌خواستند در کلاس من شرکت کنند. وقتی که از وسط خیابان عبور می‌کردند، ماشینی با سرعت رد شد، و آینه پشتی ماشین به لباس خانم مسن گیر کرد. با لباس او که به ماشین گیر کرده بود، به اندازه ده متر روی زمین کشیده شد. ماشین بعد از بیست متر حرکت توقف نمود. راننده بعد از پایین آمدن بسیار عصبانی بود: «آهای، شما جایی که راه می‌روید نگاه نمی‌کنید.» این روزها، مردم برای اینکه از زیر تعهد شانه خالی کنند بدین شکل وقتی که با مشکلی روبرو می‌شوند رفتار می‌کنند. مسافران در داخل ماشین گفتند: «بین چه بلایی سر آن خانم آمده است. بیایید او را به بیمارستان ببریم.» راننده عقل خودش را بکار برد و با عجله گفت: «اوضاع چطور است، خانم؟ آیا صدمه دیده‌اید؟ برویم به بیمارستان و ببینیم چه شده.» این تمرین‌کننده به آرامی از زمین بلند شد و گفت: «چیزی نیست. شما می‌توانید بروید.» او گرد و خاک لباسش را تکان داد و به همراه شوهرش آن جا را ترک نمود.

او به کلاس آمد و این جریان را برای من تعریف نمود، من بسیار راضی بودم. در حقیقت شین‌شینگ تمرین‌کننده ما رشد کرده بود. او به من گفت: «معلم، من امروز فالون دافا را مطالعه کردم. اگر فالون دافا را مطالعه نکرده بودم، نمی‌توانستم با این حادثه به این شکل برخورد کنم.» همگی، درباره آن فکر کنید: برای یک شخص بازنشسته، قیمت کالاها این روزها بسیار بالا است و هیچ تأمین اجتماعی وجود ندارد. یک شخص با سن بالای پنجاه سال با سرعت بوسیله یک ماشین کشیده می‌شود و به زمین می‌خورد. کجای جسم او می‌توانست صدمه ببیند؟ همه جا. او می‌توانست روی زمین باقی بماند بدون اینکه از جایش بلند شود. به بیمارستان برود؟ خوب، او می‌توانست در بیمارستان بماند و از آنجا بیرون نیاید. یک فرد عادی ممکن است اینطوری باشد، اما او یک تمرین‌کننده است و آن کار را نمی‌کند، ما گفته‌ایم خوبی و پلیدی خود به خود از فکر خود شخص بیرون می‌آید، و فکر در آن لحظه می‌تواند نتایج مختلفی را به بار آورد. با سن بالای وی، اگر او فردی عادی بود، چگونه می‌توانست صدمه ببیند؟ با این حال پوست او حتی خراشی هم برنداشته بود. خوبی یا بدی از آن فکر آنی می‌آید. اگر در آنجا دراز می‌کشید و شکایت می‌کرد، «آه، من حالم بد است. اینجا و آن جای من درد می‌کند.» سپس، استخوان‌های او واقعاً ممکن بود که ترک بردارند، و او می‌توانست فلج شود. این هیچ اهمیتی نداشت که چه مقدار پول به او پرداخت می‌شد، چگونه می‌توانست تمام بقیه زندگی‌اش را در بیمارستان به راحتی به سر ببرد؟ حتی ناظران نیز آن را عجیب یافتند که آن خانم مسن راننده را برای گرفتن پول تحت فشار نگذاشت. این روزها، ارزش اخلاقی بشری تحریف شده است. راننده در حقیقت با سرعت ماشین را می‌راند، اما چگونه می‌توانست احتمالاً از روی قصد به کسی بزند؟ آیا این کار را بدون قصد انجام نداد؟ اما مردم امروزه اینطوری می‌باشند. اگر برای گرفتن پول تحت فشار قرار نمی‌گرفت، باز هم ناظرین آن را ناعادلانه می‌یافتند. من ذکر کرده‌ام که مردم امروزه فرق بین خوب از بد را تشخیص نمی‌دهند. اگر شخصی به شخص دیگری بگوید که او کاری را نادرست انجام می‌دهد، آن را باور نخواهد کرد. زیرا که ارزش معنوی انسانی عوض شده است، بعضی افراد دنبال چیزی نیستند بجز نفع شخصی و هر کاری را برای بدست آوردن پول انجام می‌دهند. «اگر یک شخص دنبال نفع شخصی نباشد، زمین و آسمان او را خواهد کشت» - این در حال حاضر یک شعار شده است!

یک تمرین کننده در پکن با پسرش برای قدم زدن بعد از شام به یک مرکز تجارتی در (چی-یان-من) (Qianmen) رفت و دید که بلیط بخت آزمایی می فروشند. پسر علاقمند شد و خواست که لاتاری بازی کند. او به کودک یک یان (yuan) داد تا بازی کند، و کودک برنده جایزه دوم شد، یک دوچرخه لوکس کوچک. کودک بسیار شاد بود. ناگهان فکری مثل یک برق از سر پدر گذشت: «من یک تمرین کننده هستم، چگونه می توانم دنبال چنان چیزی باشم؟ چه مقدار تقوا باید از دست بدهم برای بدست آوردن چیزی که برای آن قیمتی نپرداخته ام؟» او به کودک گفت: «بیا آن را قبول نکنیم. اگر تو بخواهی می توانیم خودمان یک دوچرخه بخریم.» کودک عصبانی شد: «من از تو تقاضا کرده بودم که یکی بخری، اما تو این کار را نکردی. حالا، نمی گذاری این را که خودم بدست آورده ام نگهدارم.» کودک گریه کرد و بطور وحشتناکی داد کشید. این مرد نتوانست کاری درباره آن بکند و دوچرخه را با خود به خانه برد. درخانه، هر چه بیشتر درباره آن فکر کرد، بیشتر احساس ناراحتی نمود. او فکر کرد که پول رابه آن مردم بفرستد. سپس فکر کرد: «بلیطهای لاتاری فروش رفته اند، و آیا آنها پول را بین خودشان اگر آن را برای آنها بفرستم تقسیم نخواهند نمود؟ من باید پول را در محل کارم ببخشم.»

خوشبختانه، تعدادی از تمرین کنندگان فالون دافا در سر کار او وجود داشتند، و رئیس او توانست او را بفهمد. اگر این در محیطی معمولی یا محیط کاری عادی اتفاق می افتاد، جایی که به آنها می گفتید شما تمرین کننده هستید و دوچرخه لاتاری را نمی خواهید و می خواهید پول آن را به محیط کار ببخشید، حتی رئیس ممکن بود فکر کند که شما مشکلی روانی دارید. شاید دیگران نیز اظهار نظر می کردند: «آیا این شخص بوسیله تمرین چی گونگ به بیراهه رفته است یا از طریق تزکیه دیوانه شده است؟» گفته ام که ارزش اخلاقی تحریف شده است. چنین چیزی در دهه سالهای ۶۰ - ۵۰ نمی توانست موضوعی بزرگ به حساب آید و معمولی بود - هیچکس آن را عجیب نمی یافت.

گفته ایم که هیچ اهمیتی ندارد که چه اندازه ارزش اخلاقی بشر عوض شده است، فطرت عالم، حقیقت - نیکخواهی - بردباری، برای همیشه بدون تغییر باقی خواهد ماند. اگر کسی بگوید که شما خوب هستید، شاید واقعاً خوب نباشید. اگر کسی بگوید که شما بد هستید، شاید واقعاً بد نباشید. به این خاطر است که محک ارزیابی خوبی و بدی تحریف شده است. فقط کسی که از این فطرت عالم پیروی کند فردی خوب است. این تنها محکی است که تعیین می کند یک شخص خوب یا بد است، و بوسیله عالم به رسمیت شناخته شده است. اگرچه تغییرات بزرگی در جامعه بشری رخ داده، ارزش اخلاقی بشر بطور فوق العاده ای سقوط کرده است. اخلاقیات انسانی روز به روز سیر قهقرایی را می پیمایند، و منفعتها تنها انگیزه شده اند. اما تغییرات عالم برطبق تغییرات در نوع بشر اتفاق نمی افتد. به عنوان یک تمرین کننده، شخص نمی تواند خودش را براساس استاندارد مردم عادی هدایت کند. این جایز نیست که شما به سادگی کارهایی را که مردم عادی آنها را درست قلمداد می کنند انجام بدهید. وقتی مردم عادی می گویند که آن خوب است، امکان دارد که آن خوب نباشد. وقتی مردم عادی می گویند که آن بد است، امکان دارد که آن بد هم نباشد. در این زمان که ارزشهای اخلاقی تحریف شده، اگر به کسی بگویید که کاری نادرست انجام می دهد، او آن را باور نخواهد کرد! بعنوان یک تمرین کننده، شخص باید چیزها را با فطرت عالم ارزیابی کند. فقط بعد از آن شخص می تواند بین آنچه که بطور حقیقی خوب است با آنچه که بطور واقعی بد می باشد فرق بگذارد.

گواندینگ Guanding

در میان جمع تزکیه کننده گان، امری وجود دارد که به گواندینگ نامیده می شود. گواندینگ یک مراسم مذهبی است از روش تزکیه در تانتریسیم در مدرسه بودا. هدف آن این است که، بعد از گذراندن تشریفات گواندینگ، یک

شخص مدارس دیگر تزکیه را دنبال نخواهد نمود و در این مدرسه بخصوص بعنوان یک مرید واقعی پذیرفته می‌شود. حالا، چه چیز این جریان عجیب می‌باشد؟ این شکل مذهبی نیز در تمرین‌های چی‌گونگ بکار برده شده است. آن نه تنها در تانتریسم تمرین می‌شود، بلکه همچنین در مدرسه تائو نیز انجام می‌گردد. گفته‌ام آنهایی که تمرین تانتریسم را زیر پرچم تانتریسم در جامعه تعلیم می‌دهند حقه‌باز هستند. چرا به این صورت گفته شده است؟ زیرا که تانگ تانتریسم برای یک هزار سال پیش از مملکت ما ناپدید شده است، و دیگر وجود ندارد. به خاطر مانع زبانی، تانتریسم تبتی هرگز نتوانسته است بطور کامل به منطقه هان^۵ معرفی گردد. مخصوصاً از آنجا که آن مذهبی مخفی است، باید بطور سری در کوهها تزکیه گردد. باید بصورت مخفی بوسیله استاد آموزش داده شود، و استاد بایستی شخص را بطور مخفی تعلیم بدهد. اگر نتواند به این شکل انجام شود، مطلقاً نمی‌تواند آموزش داده شود.

بسیاری از اشخاص که به تبت می‌روند تا چی‌گونگ را مطالعه کنند این کار را از روی این هدف انجام می‌دهند: آنها می‌خواهند استادی را پیدا کنند و تانتریسم تبتی را مطالعه کنند برای اینکه در آینده یک استاد چی‌گونگ شده و پولدار و مشهور گردند. همگی، درباره آن فکر کنید: یک کاهن^۶ بودایی واقعی در حیات که آموزش حقیقی دریافت کرده است دارای توانایی‌های فوق طبیعی بسیار با قدرتی است و می‌تواند فکر چنین شخصی را بخواند. چرا این شخص به اینجا آمده است؟ او آن را بطور مستقیم با خواندن فکر شخص خواهد فهمید: «تو به اینجا آمده‌ای و می‌خواهی تمرین‌ها را مطالعه کنی و یک استاد چی‌گونگ گردی تا پول و شهرت بدست آوری، و این مدرسه تزکیه بودا را کارشکنی کنی». برای چنین تزکیه جدی‌ای در تزکیه بوداهود، چگونه این می‌تواند به سادگی بوسیله تمایل تو به استاد چی‌گونگ شدن برای کسب پول و شهرت به تباهی کشیده شود؟ انگیزه تو چیست؟ به همین جهت، او به این شخص در کل چیزی یاد نخواهد داد، و حتی این شخص آموزشی واقعی را دریافت نخواهد کرد. البته، شخص می‌تواند با آن همه صومعه مقداری چیزهای سطحی را بیاموزد. اگر فکر کسی درست نباشد، وقتی که سعی می‌کند یک استاد چی‌گونگ گردد به تسخیر روح یا حیوان درخواهد آمد و کارهای نادرست مرتکب می‌شود. حیوان‌های تسخیر کننده نیز دارای انرژی می‌باشند، اما آن از تانتریسم تبتی نمی‌آید. آنهایی که به تبت می‌روند و واقعاً در جستجوی دارما هستند ممکن است وقتی به آنجا رسیدند به یکباره در آنجا جایگزین گردند - آنها تمرین‌کنندگان واقعی هستند.

این عجیب است که در حال حاضر تعدادی از روش‌های تائویستی نیز گواندینگ را به اجرا می‌گذارند. مدرسه تائو از کانال‌های انرژی استفاده می‌کند. چرا آن باید روشی را که به گواندینگ نامیده شده است تزکیه کند؟ من در جنوب برای سخنرانی بوده‌ام. برطبق آنچه که می‌دانم، بیش از دهها روش نامتعارف وجود دارند که گواندینگ را انجام می‌دهند، مخصوصاً در منطقه گواندونگ. آنها چه چیزی را سعی دارند انجام دهند؟ اگر استادی برای شما گواندینگ را انجام دهد، شما شاگرد او می‌شوید و نمی‌توانید روش‌های دیگر تزکیه را یاد بگیرید. اگر آنها را انجام دهید، استاد شما را تنبیه خواهد کرد، این آن چیزی است که او انجام می‌دهد. آیا آن انجام دادن یک راه اهریمنی نیست؟ آنچه که او تعلیم می‌دهد چیزی در زمینه شفا درمانی و حفظ سلامتی است. مردم آن را به سادگی یاد می‌گیرند زیرا که می‌خواهند جسم‌هایی سالم داشته باشند. چرا او چنین کارهایی را انجام می‌دهد؟ کسی ادعا می‌کرد که اگر مردم چی‌گونگ او را تمرین کنند، نمی‌توانند هیچ روش دیگری را تمرین کنند. آیا او می‌تواند مردم را بطرف کمال در تزکیه به رستگاری برساند؟ این گمراه کردن مریدان است. بسیاری از مردم به این طریق کارها را انجام می‌دهند.

۵ - Han (hahn) - اکثریت قومی مردم چین

۶ - Lama - یک عنوان برای یک استاد در عرف بودایی تبتی.

مدرسه تائو هرگز گواندینگ را تعلیم نمی‌دهد، اما در حال حاضر او نیز به اصطلاح گواندینگ را دارد. من دریافته‌ام که استادان چی‌گونگی که بیشترین سر و صدا را درباره تمرین گواندینگ می‌کنند صاحب ستون گونگی به بلندی دو تا سه طبقه ساختمان هستند. من فکر می‌کنم گونگ یک استاد چی‌گونگ شناخته شده، به شکل تأسف‌آوری سقوط کرده است. صدها نفر برای او صف کشیده‌اند تا اینکه او گواندینگ را انجام بدهد. گونگ او به آن بلندی محدود شده است و بزودی در یک لحظه سقوط خواهد کرد. پس چه چیزی را می‌تواند برای استفاده گواندینگ بکار ببرد؟ آیا این فریب مردم نیست؟ گواندینگ حقیقی وقتی که از بعدی دیگر مشاهده گردد، استخوان‌های یک شخص از سر تا پا مثل سفید یشمی دیده می‌شود. از طریق گونگ یا ماده انرژی اعلا است که جسم شخص از سر تا پا پالایش می‌شود. آیا این استاد چی‌گونگ می‌تواند آن کار را انجام دهد؟ او نمی‌تواند. چه کاری را انجام می‌دهد؟ البته، احتمالاً سعی نمی‌کند که یک مذهب را شروع کند. هدف وی این است که وقتی یک بار شما روش او را مطالعه کرده‌اید، به او تعلق دارید. شما باید در کلاس او شرکت کنید تا چیزهای او را مطالعه کنید. هدف این است که پول‌های شما را بدست آورد. اگر کسی روش او را مطالعه نکند درآمدی نخواهد داشت.

مثل مریدان روش‌های دیگر تزکیه در مدرسه بودا، مریدان فالون دافا چندین بار گواندینگ را بوسیله استادان سطح بالا در بعدها دیگر تجربه خواهند نمود؛ اما به شما درباره آن چیزی گفته نخواهد شد. آنهایی که توانایی‌های فوق طبیعی دارند یا آنهایی که حساس هستند ممکن است آن را در جریان خواب یا زمان‌های دیگر احساس کنند، که بطور جریانی گرم به ناگهان از بالای سر به تمام بدن جاری می‌شود. هدف گواندینگ این نیست که گونگ بالایی را به شما اضافه کند، گونگ باید از طریق عمل تزکیه خودتان رشد کند. گواندینگ یک روش تقویت کننده است برای پالایش و تمیز کردن بیشتر بدن شما. شخص چندین بار گواندینگ را طی می‌کند - بدن شما باید در هر سطحی پاک گردد. زیرا که تزکیه به تلاش خود شخص بستگی دارد، در حالیکه گونگ به استاد شخص مربوط می‌شود، ما تشریفات گواندینگ را تزکیه نمی‌کنیم.

هچنین بعضی از افراد هستند که به اصطلاح "عبادت استاد" را تمرین می‌کنند. در رابطه با این مورد، مایلم مسئله‌ای را یادآوری کنم. بسیاری از افراد می‌خواهند که مرا بعنوان استاد عبادت کنند. این زمانه از تاریخ ما از جامعه فتودالی چین در آن زمان متفاوت است. آیا زانو زدن و خم شدن عمیق به مثابه پذیرفته شدن شما از یک استاد به حساب می‌آید؟ ما این تشریفات را تزکیه نمی‌کنیم. بسیاری از مردم فکر می‌کنند: «اگر تعظیم کنم، عود دود کنم، و بودا را از صمیم قلب ستایش کنم، گونگ من افزایش خواهد یافت.» من این را کاملاً مسخره می‌افتم. عمل واقعی تزکیه کاملاً به خود شخص مربوط است، پس این بی‌فایده است که برای چیزی دعا کرد. شما مجبور نیستید یک بودا را ستایش کنید یا عود دود کنید. تا آنجا که بطور واقعی برطبق استاندارد یک تمرین کننده تزکیه کنید، بودا بسیار خوشحال خواهد شد که شما را ببیند. اگر شما همیشه در جاهایی دیگر کارهای نادرست انجام دهید، او از اینکه شما را ببیند منزعج می‌شود هر چند که عود دود کنید و او را تعظیم کنید. آیا این حقیقت ندارد؟ تزکیه واقعی به خود شخص مربوط است. چه فایده‌ای دارد که به استاد تعظیم کنید و او را ستایش کنید اگر امروز پایتان را از این در بیرون بگذارید و هر کاری را که خواستید انجام دهید؟ ما اصلاً اهمیتی به این تشریفات نمی‌دهیم. شما حتی می‌توانید به شهرت من صدمه بزنید!

ما به همه شما خیلی چیزها داده‌ایم. تا آنجا که بطور واقعی تزکیه کنید و با خودتان بطور جدی برطبق دافا رفتار کنید، با همه شما به عنوان مریدانم برخورد خواهم نمود. تا آنجا که فالون دافا را تزکیه می‌کنید، ما با شما بعنوان مریدان رفتار خواهیم کرد. اگر نخواهید تزکیه کنید، کاری برای شما نمی‌توانیم انجام دهیم. اگر تزکیه را انجام نمی‌دهید، آن عنوان و لقب چه استفاده‌ای خواهد داشت؟ اهمیتی ندارد که شما شاگرد کلاس اول باشید یا کلاس دوم. اگر فقط تمرین‌ها را انجام دهید چگونه می‌توانید تمرین کننده ما باشید؟ شما برای دستیابی به

سلامتی بدن و رشد نمودن بطور واقعی به سطوح بالاتر، بایستی با مراعات کردن حقیقی استاندارد شین شینگ ما تزکیه را انجام دهید. به همین جهت، ما اهمیتی به آن تشریفات نمی‌دهیم. تا آنجا که عمل تزکیه را انجام می‌دهید، یک تمرین‌کننده از مدرسه ما می‌باشید. فاشن من به همه چیز آگاه است - آنها واقف به همه چیز در ذهن شما هستند، و می‌توانند همه کاری را انجام دهند. اگر عمل تزکیه را انجام ندهید آنها از شما مراقبت نخواهند نمود. اگر تزکیه را انجام دهید، تا آخر راه کمکتان خواهند نمود.

در بعضی از روش‌های چی‌گونگ، تمرین‌کنندگانی که هرگز استادانشان را ندیده‌اند ادعا می‌کنند که اگر چند صد یان پول بپردازند و به بعضی از جهات بخصوص تعظیم کنند، آن می‌تواند به اندازه کافی خوب باشد. آیا این فریب خود و دیگران نیست؟ بعلاوه، این افراد بسیار فداکار هستند و بعد از آن شروع می‌کنند از روششان و استادشان دفاع یا حمایت کنند. آنها همچنین به دیگران می‌گویند که روش‌های دیگر را مطالعه نکنند. من این را کاملاً مسخره می‌یابم. همچنین، کسی چیزی بنام مودینگ^۷ را انجام می‌دهد. هیچ کس نمی‌داند چه اثری بعد از لمس کردن او بوجود می‌آید.

نه تنها کسانی که روش‌هایشان را زیر پرچم تانتریسیم آموزش می‌دهند قلابی هستند؛ بلکه همه آنها می‌کنند که چی‌گونگ را تحت نام بودا تعلیم می‌دهند نیز به همان صورت می‌باشند. همگی، درباره این فکر کنید: در عرض چندین هزار سال، روش‌های تزکیه در بودئیسم این شکل‌ها را داشته‌اند. اگر کسی آن را تغییر داده است چگونه این می‌تواند هنوز هم بودئیسم باشد؟ روش‌های تزکیه برای تزکیه جدی بودا می‌باشند، و بطور فوق‌العاده‌ای پیچیده هستند. یک تغییر کوچک باعث به هم ریختگی می‌شود. زیرا که دگرگونی گونگ بسیار پیچیده است، و آنچه را که شخص احساس می‌کند به حساب نمی‌آید. یک شخص نمی‌تواند عمل تزکیه را براساس احساسی که دارد انجام دهد. شکل مذهبی برای راهبان یک نوع روش است؛ اگر آن یکبار تغییر کند، دیگر چیزی از آن مکتب نخواهد بود. افراد روشن‌بین بزرگی وجود دارند که مسئول هر مدرسه می‌باشند، و هر مدرسه‌ای بسیاری از روشن‌بین‌های بزرگ را ارائه داده است. هیچکس جرأت ندارد به سادگی روش تزکیه آن مدرسه را تغییر دهد. اما یک استاد پیش پا افتاده چی‌گونگ، چه تقوای قدرتمندی دارد که جرأت کند استادی را فریب داده و مدرسه تزکیه بودا را تغییر دهد؟ اگر واقعاً تغییر کند آیا هنوز هم می‌تواند آن مدرسه باشد؟ چی‌گونگ قلابی قابل تشخیص است.

«تعیین جا در گذر اسرارآمیز»

«تعیین جا در گذر اسرارآمیز» (Xuanguan shewei) به «یک روزنه اسرارآمیز» (Xuanguan yiqiao) نیز نامیده شده است. این اصطلاحات ممکن است در کتاب‌های (دان - جینگ) Dan Jing، (تائو - زانگ) TaoZang و (زینگ مینگ - گویی جی) Xingming Guizhi^۸ یافت شوند. پس، همه اینها درباره چه می‌باشند؟ بسیاری از استادان چی‌گونگ نمی‌توانند به وضوح آن را توضیح دهند. به این دلیل است که یک استاد چی‌گونگ در سطحی معمولی، نه قادر به دیدن آن است، نه اینکه حتی اجازه دارد آن را ببیند. اگر یک تمرین‌کننده بخواهد آن را ببیند، این شخص باید به سطح توانایی چشم عقلانی یا اینکه بالاتر از آن برسد. یک استاد چی‌گونگ معمولی نمی‌تواند به این سطح نایل شود؛ در نتیجه، او نمی‌تواند آن را ببیند. در سراسر تاریخ، در میان جامعه تزکیه‌کنندگان درباره اینکه گذر اسرارآمیز چه می‌باشد گفتگوهای داشته‌اند، یک روزنه کجا قرار دارد، و اینکه چگونه گذر اسرارآمیز را در موقعیت خودش قرار داد. در کتاب‌های Tao Zang، Dan Jing، و Xingming Guizhi می‌توانید تمام تئوری‌هایی را که درباره‌شان بحث می‌شود پیدا کنید بدون اینکه چیزی در مورد موضوع به شما بگویند. آنها از

۷ - mo ding - برطبق ادعای بعضی از استادان چی‌گونگ، لمس کردن نوک سر شخص برای دادن انرژی.

۸ - Xingming Guizhi - متن کلاسیکی چینی در مورد عمل تزکیه.

یک بحث و گفتگو به بحث و گفتگویی دیگر، شما را سردرگم می‌کنند. نمی‌توانند مسائل را به روشنی توضیح دهند زیرا که موضوع بوسیلهٔ مردم عادی شناخته نشده است.

از این گذشته، به خاطر اینکه مرید فالون دافا هستی‌د برایتان، با این کلمات می‌گویم: «هرگز آن کتاب‌های چی‌گونگ نامتعارف را نخوانید.» من اشاره به آن کتاب‌های کلاسیک ذکر شده در بالا را نمی‌کنم، بلکه به کتاب‌های قلابی چی‌گونگ که بوسیلهٔ مردم امروزی نوشته شده‌اند اشاره می‌کنم. حتی نباید آنها را باز کنید. اگر فکر اینکه «خوب، این جمله بنظر معقول می‌آید»، در مغزتان مثل جرقه بگذرد، بدین وسیله، ارواح یا حیوانات تسخیر کننده درون کتاب به بدن شما وصل خواهند شد. بسیاری از کتاب‌ها تحت کنترل روح‌های تسخیر کننده یا حیواناتی که با مهارت وابستگی‌های بشری را برای شهرت و ثروت کنترل می‌کنند نوشته شده‌اند. تعداد قابل توجهی از کتاب‌های قلابی چی‌گونگ موجود می‌باشند. بسیاری از افراد بی‌مسئولیت شده‌اند و کتاب‌هایی را با ارواح یا حیوانات تسخیر کننده و چیزهایی را با هرج و مرج در آنها می‌نویسند. معمولاً، بهتر است که حتی کتاب‌های ذکر شده در بالا یا رساله‌های کلاسیکی مربوطه دیگر را هم مطالعه نکرد، بطوریکه آن شامل این مسئله است که در یک روش ثابت قدم باشید.

یکی از افراد مسئول جامعهٔ پژوهش علمی چی‌گونگ در چین داستانی برای من نقل کرد که واقعاً باعث خندهٔ من شد. او گفت شخصی در پکن بود که اغلب به سمینارهای چی‌گونگ می‌رفت. بعد از گوش کردن به بسیاری از سخنرانی‌ها، احساس کرد که چی‌گونگ چیزی بیشتر از آنچه که آنجا گفته شده بود نبود. از آنجا که همه در یک سطح بودند، همگی دربارهٔ یک چیز صحبت می‌کردند. در تشابه با آن استادان قلابی چی‌گونگ، فکر کرد که محتوای چی‌گونگ فقط همان است! پس او نیز خواست کتابی دربارهٔ چی‌گونگ بنویسد. همگی، دربارهٔ آن فکر کنید: یک غیر تمرین کننده می‌خواهد کتابی دربارهٔ چی‌گونگ بنویسد. این روزها، کتاب‌های چی‌گونگ از روی هم کپی می‌شوند. در حالیکه نوشتن او ادامه می‌یافت، دربارهٔ مسئلهٔ گذر اسرارآمیز متوقف شد. چه کسی می‌فهمد که گذر اسرارآمیز چیست؟ حتی بین استادان حقیقی چی‌گونگ، تعداد کمی آن را می‌فهمند. او به سراغ یک استاد چی‌گونگ قلابی برای اینکه دربارهٔ آن سؤال کند رفت. او نمی‌دانست که آن استاد چی‌گونگ قلابی می‌باشد، زیرا که به هیچ‌وجه چی‌گونگ را نمی‌دانست. اما اگر این استاد قلابی چی‌گونگ نمی‌توانست جواب سؤال را بدهد، آیا دیگران متوجه نمی‌شدند که او قلابی است؟ به همین جهت، او جرأت کرد چیزی از خود درست کرده و بگوید که یک گذر اسرارآمیز روی آلت تناسلی قرار دارد. این بسیار مسخره بنظر می‌آید. نخندید، زیرا این کتاب در حال حاضر در جامعه به چاپ رسیده است. می‌توان گفت که کتاب‌های چی‌گونگ امروزه به چنان وضعیت مسخره‌ای رسیده‌اند. چه فایده‌ای با خواندن آن کتاب‌ها خواهید برد؟ آنها بدرد چیزی نمی‌خورند و مگر اینکه به مردم صدمه بزنند.

«تعیین جا در گذر اسرارآمیز» چیست؟ در تزکیه فای سه‌گانه دنیوی، وقتی تزکیه شخص در فراسوی سطح میانی یا سطح بالایی فای سه‌گانه دنیوی است، این شخص شروع به رشد کودک جاودان می‌کند. کودک جاودان و کودک تزکیه شده (yinghai) که درباره‌اش صحبت می‌کنیم دو چیز متفاوت می‌باشند. کودک‌های تزکیه شده کوچک و بازیگوش هستند، و با شیطنت به اطراف می‌روند. کودک جاودان حرکت نمی‌کند. اگر روح نخستین آن را کنترل نکند، کودک جاودان هنوز هم در حالت گل‌لوتوس با پاهای ضربداری و دستان در حالت به هم وصل شده ساکن خواهد نشست. کودک جاودان در قسمت پایینی شکم (Dantian) رشد می‌کند و می‌تواند در سطح میکروسکوپی دیده شود، حتی زمانی که کوچکتر از یک سر سوزن است.

بعلاوه، مسئله دیگری باید روشن گردد. فقط یک (دان - تین) (Dantian) واقعی وجود دارد، و آن طیف (تی آن)^۹ در منطقه پائین شکم است. آن بالای نقطه هویی-ین^{۱۰} و پایین شکم در داخل بدن قرار دارد. بسیاری از اشکال گونگ، بسیاری از توانایی‌های فوق طبیعی، بسیاری از توانایی‌ها، فاشن، کودک جاودان، کودکان تزکیه شده (بازیگوش)، و بسیاری از موجودات همگی در این طیف (تی آن) (tain) رشد می‌کنند.

در زمان گذشته، تعدادی از تمرین کنندگان درباره (دان تین) (Dantian) بالایی، میانی و پائینی صحبت کرده‌اند. می‌گوییم که آنها در اشتباه بودند. بعضی افراد نیز ادعا می‌کنند که استادانشان به آنها به این طریق برای نسل‌ها آموزش داده‌اند، که در کتاب‌ها هم گفته شده است. اجازه بدهید برایتان بگویم حتی در ایام قدیم هم اراجیف وجود داشته است. اگر هم چیزی در طول سالیان به ارث رسیده باشد الزاماً نمی‌تواند درست باشد. بعضی از روش‌های کوچک تزکیه در جهان همیشه از میان مردم عادی گذشته‌اند، اما آنها برای تزکیه نیستند و به درد هیچ چیزی نمی‌خورند. وقتی که آنها آن را (دان تین) (Dantian) بالایی، میانه‌ای، و پائینی می‌نامند، می‌گویند که (دان تین) (Dantian) جایی است که (دان) (Dan) می‌تواند رشد کند. آیا این یک شوخی نیست؟ وقتی فکر یک شخص روی قسمتی از بدن برای مدت زیادی تمرکز کند، یک انرژی جمع شده رشد خواهد نمود و (دان) (Dan) را شکل خواهد داد. اگر به آن معتقد نیستید، فکر خود را به بازوی‌تان متمرکز کنید و مدت زیادی به این صورت ادامه بدهید و (دان) (Dan) در آنجا شکل خواهد گرفت. به همین جهت، بعضی از مردم این موقعیت را دیده‌اند و توضیح دادند که (دان تین) (Dantian) در همه جا وجود دارد. این حتی بیشتر از همه مسخره به نظر می‌آید. آنها فکر می‌کنند که (دان تین) (Dantian) در هر جایی که (دان) (Dan) شکل بگیرد وجود دارد. در حقیقت، آن یک (دان) (Dan) است، اما یک میدان تین نیست. شما ممکن است بگویید (دان) (Dan) در همه جا وجود دارد، یا اینکه (دان) (Dan) بالایی، میانی، و پائینی وجود دارد. به هر حال، فقط یک میدان تین واقعی موجود است که می‌تواند فای بی‌شمار را توسعه دهد، و آن همانی است که در منطقه پائین‌تر شکم قرار دارد. در نتیجه، غلط است که گفته شود (دان تین) (Dantian) بالایی، میانی، و پائینی. هر جایی که فکر یک شخص برای مدت طولانی‌ای تمرکز داده شود (Dan) شکل خواهد گرفت.

کودک جاودان بطور آهسته از (دان تین) (Dantian) در قسمت پایین‌تر شکم رشد می‌کند تا بزرگتر و بزرگتر شود. وقتی که به اندازه یک توپ پینگ‌پونگ رشد می‌کند، شکل تمام بدن او بسیار قابل رؤیت می‌شود با بینی و چشم‌های شکل گرفته شده. همزمان که کودک جاودان به اندازه توپ پینگ‌پونگ می‌رسد، یک حباب گرد کوچکی در کنار آن متولد می‌شود. بعد از تولد، حباب به تنهایی با همان کودک جاودان رشد می‌کند. وقتی کودک جاودان چهار اینچ قد می‌کشد، یک گلبرگ گل نیلوفر آبی (لوتوس) ظاهر می‌شود. وقتی که کودک جاودان به پنج یا شش اینچی می‌رسد، گلبرگ‌های گل نیلوفر آبی اساساً شکل می‌گیرند، و لایه‌ای از گل نیلوفر آبی ظاهر می‌شود. یک کودک جاودان طلایی درخشان در یک صفحه گل نیلوفر طلایی نشسته، و بسیار زیبا بنظر می‌رسد. این بدن گوهری آسیب‌ناپذیر است، که به «جسم بودا» در مکتب بودا، یا «کودک جاودان» در مکتب تائو نامیده می‌شود.

روش مدرسه ما تزکیه کرده و هر دو شکل‌های بدن را نیاز دارد، بنتی نیز باید دگرگون شود. همانطور که همه می‌دانند یک جسم بودا اجازه ندارد بین مردم عادی ظاهر گردد. با تلاشی بسیار، می‌تواند شکل و نور خود را نشان بدهد و می‌تواند با چشم‌های یک فرد عادی دیده شود. به هر حال، بعد از دگرگونی، بدن فیزیکی به نظر می‌آید که مثل یک بدن فرد عادی در بین مردم عادی باشد. یک فرد عادی نمی‌تواند فرق آن را ببیند، هر چند

۹ - tian (tyen) - «طیف»

۱۰ - Huiyin(hway - yeen) - یک نقطه طب سوزنی در مرکز شاخ‌ها (منطقه بین نشیمنگاه و آلت تناسلی)

این جسم می‌تواند بین بعدها سفر کند. وقتی کودک جاودان به اندازهٔ چهار یا پنج اینچی می‌رسد، حباب هوایی نیز به آن ارتفاع رشد خواهد نمود، و مثل یک بالون هوایی شفاف است. کودک جاودان هنوز آنجا بی‌حرکت در حالت مدیتیشن نشسته است. در این زمان حباب هوایی (دان - تین) (Dantian) را ترک می‌کند. چون رشد کرده و بالغ شده است، به همین جهت شروع به حرکت به طرف بالا می‌کند. پروسهٔ حرکت او به سمت بالا بسیار آرام است، اما حرکت او را می‌توان روزانه مشاهده نمود. بتدریج به بالاتر و بالاتر حرکت می‌کند. با موشکافی دقیقی، قادر هستیم موجودیت آن را احساس کنیم.

زمانی که حباب هوایی به نقطه تانجونگ^{۱۱} می‌رسد، در آنجا مدتی باقی می‌ماند. زیرا مقدار زیادی از جوهر بدن بشری در آنجا وجود دارد (قلب نیز در آنجا است)، سیستمی از اشیاء در حباب هوایی شکل خواهند گرفت. این جوهر در داخل حباب هوایی تأمین خواهد شد. پس از مدتی، دوباره بطرف بالا حرکت خواهد نمود. وقتی که از میان گلو عبور می‌کند، شخص احساس خفگی می‌کند مثل اینکه رگ‌های خون همگی مسدود شده‌اند، و شخص کاملاً احساس معذبی از تورم را خواهد نمود. این فقط چند روز طول خواهد کشید. سپس حباب هوایی بطرف بالا به انتهای سر شخص حرکت خواهد نمود، و ما آن را «رسیدن به نیوان niwan» نامیده‌ایم. گفته شده که آن به نیوان رسیده است در حالیکه در حقیقت؛ آن به اندازهٔ همه سر شما می‌باشد. در سرتان احساس تورم می‌کنید. زیرا که نیوان جایی بسیار مهم برای بشر است، جوهر آن هم بایستی در حباب هوایی شکل گرفته شود. سپس حباب هوایی با فشار سعی می‌کند که از تونل چشم سوم بیرون بیاید، و این کاملاً دردناک خواهد بود. چشم سوم شخص بطرز دردناکی منبسط خواهد شد، و شقیقه‌ها متورم می‌شوند در حالیکه به نظر می‌آیند چشم‌ها به سمت داخل گود شده‌اند. این احساس ادامه خواهد یافت، تا این که حباب هوایی از تونل چشم سوم بیرون می‌آید و در جلوی پیشانی شخص آویزان می‌ماند. در آنجا آویزان است و به تعیین جا در گذر اسرارآمیز نامیده می‌شود.

در این مرحلهٔ زمانی، کسانی که چشم‌های سوم آنها باز است قادر نیستند چیزی را ببینند. به این دلیل است که در عمل تزکیه در مدرسهٔ بودا یا مدرسهٔ تائو، در آن برای سرعت دادن به شکل‌گیری اشیاء در داخل گذر اسرارآمیز بسته است. دو در، در جلو و دو در، در پشت وجود دارند، و همه آنها بسته می‌باشند. مثل دروازهٔ میدان آسمانی در پکن (دروازهٔ صلح آسمانی)، دو در بزرگ در هر طرف آن وجود دارند. برای اینکه گذر اسرارآمیز سریع شکل بگیرد و کامل گردد، درها باز نیستند مگر تحت شرایط بسیار بخصوصی. شخصی که می‌تواند اشیاء را با چشم سوم ببیند نمی‌تواند در این لحظه صحنه‌هایی را ببیند، زیرا که دیدن مجاز نمی‌باشد. هدف از اینکه آن در جلوی پیشانی آویزان است چیست؟ برای اینکه صدها کانال انرژی در بدن ما در آن مکان اجتماع می‌کنند، در این نقطه همگی آنها بایستی دایره‌ای از میان گذر اسرارآمیز بزنند و سپس از آن خارج گردند. آنها باید از میان گذر اسرارآمیز عبور کنند، و هدف این است که بعضی پایه‌های اضافی گذاشته شود و یک سیستم از چیزها در داخل گذر اسرارآمیز شکل گرفته شود. زیرا جسم بشری یک عالم کوچک است، آن یک جهان کوچک با تمام چیزهای ذاتی جسم بشری را که در آن شکل گرفته شده است تشکیل خواهد داد. اما، هنوز فقط یک توانایی است که بطور کامل نمی‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

در روش تزکیه در مدرسهٔ غیرعادی، گذر اسرارآمیز باز است. وقتی گذر اسرارآمیز با فشار بیرون می‌آید، مثل یک استوانه است، ولی بتدریج کروی می‌گردد. درهای آن در قسمت جلو و عقب باز هستند. زیرا که مدرسهٔ غیرعادی روش بوداهاود یا تائو را تزکیه نمی‌کند، شخص خودش باید خود را حفاظت کند. در مدارس بودا و تائو استادان بسیاری وجود دارند، همگی آنها می‌توانند مواظب شما باشند. شما احتیاجی ندارید که بتوانید اشیاء را

۱۱ - anzhong(tahn - jong) point. نقطهٔ طب سوزنی تقریباً در وسط استخوان سینه.

بینید، و هیچ مشکلی نیز نخواهید داشت. به هر حال، در مدرسه غیرعادی بدان صورت نیست، بطوریکه فرد باید از خود محافظت کند. به همین جهت، شخص باید به درجه توانایی دیدن اشیا برسد. در آن موقع، چشم سوم فرد می‌تواند چیزها را مثل تلسکوپ مشاهده کند. بعد از اینکه این سیستم شکل می‌گیرد، در طول یک ماه یا بیشتر، دوباره به داخل شروع به برگشت می‌کند. بعد از بازگشت آن به داخل سر، به نام گذر اسرارآمیز موقعیت خود را عوض می‌کند نامیده می‌شود.

زمانی که گذر اسرارآمیز به داخل برمی‌گردد، سر شخص احساس منبسط بودن و معذبی را دارد. سپس از پشت سر شخص از نقطه (یوجن) (yuzhen) ^{۱۲} با فشار خارج می‌شود. این فشار به خارج نیز احساس معذب بودن را به شخص می‌دهد، مثل اینکه سر شخص ترک برداشته و باز شده است. گذر اسرارآمیز به یکباره بیرون می‌آید، و بعد از آن شخص بلافاصله احساس راحتی می‌کند. بعد از بیرون آمدن، آن در یک بعدی بسیار عمیق آویزان می‌ماند و در فرمی از جسم در بعدی بسیار عمیق وجود دارد. به همین جهت، شخص در خواب آن را نخواهد مالید. اما یک مسئله وجود دارد: وقتی تعیین جا در گذر اسرارآمیز برای اولین بار اتفاق می‌افتد، شخص چیزی را در جلوی چشمانش احساس می‌کند. با اینکه آن در بعدی دیگر می‌باشد، فرد همیشه احساس می‌کند که چشمانش تیره و تار است مثل اینکه چیزی آنها را پوشانده است، و باعث می‌شود که احساس بسیار معذبی داشته باشد. از آنجا که نقطه (یوجن) (yuzhen) کانالی بسیار مهم است، گذر اسرارآمیز نیز مجموعه‌ای از چیزها را در آن محل شکل می‌دهد. سپس دوباره به داخل جسم فرد باز می‌گردد. حقیقت این است که منفذ اسرارآمیز شخص به موقعیت گذر اسرارآمیز رجوع نمی‌کند، برای این که آن باید بارها نقل مکان کند. وقتی آن به نیوان (niwan) برمی‌گردد، شروع به پایین رفتن از جسم می‌کند تا به نقطه (مینگ_من) (mingmen) ^{۱۳} می‌رسد. در نقطه مینگمن، دوباره بیرون می‌آید.

نقطه مینگمن در جسم بشر فوق‌العاده مهم و نقطه‌ای اساسی است. آن به منفذ (aperture) در مدرسه تائو و گوان (guan) یعنی گذرگاه در نزد ما نامیده می‌شود. این یک گذرگاه اصلی است که واقعاً شبیه یک دروازه آهنی است، و لایه‌های بی‌شماری از دروازه‌های آهنی دارد. معروف است که جسم بشری دارای لایه‌های بی‌شماری است. سلول‌های گوشتی بدن ما یک لایه است، و مولکول‌های داخلی لایه دیگر هستند. در هر لایه - اتمها، پروتون‌ها، الکترون‌ها، اجزاء بسیار کوچک میکروسکوپی، اجزاء فوق‌العاده ریز میکروسکوپی، و از اجزاء لایتناهی میکروسکوپی تا به اجزاء فوق‌العاده لایتناهی میکروسکوپی یک دروازه جا گذاشته شده است. برای همین، توانایی‌های فوق‌العاده بی‌شماری در آنها موجود است که بسیاری از توانایی‌های مخصوص در داخل دروازه‌های لایه‌های مختلف بسته شده می‌باشند (قفل شده‌اند). روش‌های دیگر (dan) را تزکیه می‌کنند. وقتی که (dan) نزدیک به انفجار است، نقطه مینگمن باید اول از همه با انفجار باز گردد. اگر آن با انفجار باز نشود، توانایی‌های فوق‌طبیعی نمی‌توانند آزاد گردند. بعد از آنکه گذر اسرارآمیز مجموعه‌ای را در نقطه مینگمن شکل داد، دوباره به داخل جسم برمی‌گردد. سپس به قسمت پایین‌تر شکم باز می‌گردد. این به نام «گذر اسرارآمیز به وضعیت خود برمی‌گردد» نامیده می‌شود.

بعد از برگشت آن، گذر اسرارآمیز به محل اصلی خود باز نمی‌گردد. با این وضع، کودک جاودان بسیار بزرگ شده است. حباب هوایی کودک جاودان را دربر گرفته و می‌پوشاند. وقتی کودک جاودان رشد می‌کند، گذر اسرارآمیز نیز رشد می‌کند. در مدرسه تائو، معمولاً وقتی کودک جاودان به اندازه یک کودک شش یا هفت ساله رشد می‌کند، به او اجازه داده می‌شود که جسم را ترک کند؛ این به «تولد کودک جاودان» نامیده می‌شود. تحت

۱۲- yuzhen point (yu - jhun) - نقطه طب سوزنی در طرف پایین پشت سر شخص.

۱۳- mingmen (ming - muhn) Point - «دروازه زندگی»، نقطه طب سوزنی که در قسمت میانی پایین‌تر ستون فقرات قرار دارد.

کنترل روح نخستین، کودک جاودان می‌تواند در اطراف خارج از جسم شخص حرکت کند. جسم فیزیکی شخص حرکت نمی‌کند، و روح نخستین بیرون می‌آید. بطور عمومی در مکتب بودا، کودک جاودان زمانی که به اندازه یک شخص تزکیه کرده است با هیچ خطری مواجه نمی‌شود. در این زمان، معمولاً به او اجازه داده می‌شود که از جسم خارج شود و از آن خارج می‌گردد. با این وضع، کودک جاودان به اندازه خود شخص رشد کرده است، و پوشش او نیز همچنین بزرگ است. پوششی که در حال حاضر در خارج بدن فرد توسعه یافته است - آن گذرگاه اسرارآمیز است. از آن‌جا که کودک جاودان به چنان اندازه بزرگی رشد کرده، گذرگاه اسرارآمیز مطمئناً در خارج بدن توسعه خواهد یافت.

شاید مجسمه‌های بودا را در معابد دیده‌اید و مشاهده نموده‌اید که بوداها همیشه در داخل یک دایره هستند. مخصوصاً، یک شمایل بودا همیشه یک دایره‌ای دارد که در آن بودا می‌نشیند. شمایل‌های بسیار زیادی از بودا بدین شکل می‌باشند، و مخصوصاً آنهایی که در معابد قدیمی هستند همگی به این شکل‌اند. چرا یک بودا در داخل یک دایره می‌نشیند؟ هیچکس این را به روشنی نمی‌تواند توضیح بدهد. بگذارید برایتان بگویم که آن گذر اسرارآمیز است، اما در این لحظه دیگر به نام گذر اسرارآمیز نامیده نمی‌شود. آن به "بهشت" نامیده می‌شود. اگرچه آن در حقیقت هنوز یک بهشت نیست، بلکه فقط مجموعه‌ای از تسهیلات است. درست مثل یک کارخانه‌ایست با تسهیلات، اما بدون توانایی برای تولید. آن باید منابع انرژی و مواد خام را قبل از اینکه بتواند تولید کند داشته باشد. چندین سال پیش، بسیاری از تمرین‌کنندگان گفتند: «سطح گونگ من بالاتر از سطح بودهیساتوا (Bodhisattva) است»، یا «سطح گونگ من بالاتر از سطح گونگ یک بودا است». بعد از شنیدن این، دیگران آن را کاملاً بعید یافتند. در حقیقت، آنچه که آنها گفتند در کل بعید نبود، برای اینکه گونگ یک فرد در حقیقت باید به یک سطح بسیار بالایی در دنیای انسانی تزکیه کند.

چگونه می‌تواند اینطوری باشد: آنها به سطح بالاتری از یک بودا رسیده‌اند؟ آن سطوح به این پیش و پا افتادگی نمی‌تواند فهمیده شود. گونگ چنین شخصی واقعاً در سطح بسیار بالایی است. به این دلیل است که وقتی او به یک سطح بسیار بالایی تزکیه کرده و به روشن‌بینی رسیده است، سطح گونگ او نیز واقعاً بسیار بالا خواهد بود. لحظه‌ای قبل از بازشدن گونگ و نایل شدن به روشن‌بینی، هشتاد درصد از گونگ او با استاندارد شین‌شینگ او هر دو برداشته خواهند شد، و این انرژی برای غنی‌کردن بهشت او بکار خواهد رفت - بهشت خود او. همه می‌دانند که بعلاوه این استاندارد شین‌شینگ، گونگ یک تمرین‌کننده از طریق زجرکشیدن در طول زندگی، تحمل سختی‌ها و امتحانات در محیط‌های مشکل تزکیه شده است. به همین جهت بسیار با ارزش است. هشتاد درصد از این چیزهای با ارزش برای غنی‌کردن بهشت او بکار می‌رود. به همین جهت، وقتی او در تزکیه در آینده موفق می‌شود، هر چه را که بخواهد فقط با دراز کردن دستش بدست می‌آورد، و هر چه را که آرزو کند خواهد داشت. او هر کاری را که بخواهد می‌تواند انجام دهد، و هر چیزی در بهشت او وجود دارد. این تقوای عظیم او است که از میان درد و رنج خود او تزکیه شده است.

انرژی این شخص می‌تواند به هر چیزی تبدیل گردد. به همین جهت، اگر یک بودا بخواهد چیزی را داشته باشد، چیزی بخورد، یا با چیزی بازی کند، می‌تواند آن را انجام دهد. آنها از تزکیه خود او بدست آمده‌اند، که آن مقام بودایی (Fowei) شخص است. بدون آن، یک شخص نمی‌تواند در تزکیه موفق گردد. در این زمان می‌تواند به بهشت فرد نامیده شود. این شخص فقط بیست درصد از گونگ خود را برای کامل کردن تزکیه و نایل شدن به تائو باقی خواهد داشت. اگرچه فقط بیست درصد از گونگ او باقی مانده است، جسم او بسته نیست. او می‌تواند جسم خود را رها کند یا نگهدارد، اما جسم او هم‌اکنون به ماده انرژی اعلائی تبدیل شده است. در این زمان، او می‌تواند توانایی‌های خدایی خودش را بکار بیاندازد، که قدرتی غیرقابل مقایسه است. اما وقتی یک شخص در

بین مردم عادی تزکیه می‌کند، معمولاً بدون هیچ توانایی اصلی‌ای بسته است. هیچ اهمیتی ندارد که در چه سطح بالایی گونگ او قرار دارد، او هنوز هم محدود است. الان این فرق می‌کند.

سخنرانی پنجم

علامت فالون

علامت فالون دافای ما فالون است. کسانی که توانایی‌های فوق طبیعی را دارا هستند می‌توانند این فالون را که در حال چرخیدن است ببینند. برای علامت‌های کوچک فالون ما نیز این صدق می‌کند، یعنی همچنین در دوران هستند. روش تزکیه ما بوسیله حقیقت - نیکخواهی - بردباری (جن - شان - رن) (Zhen-Shan-Ren)، طبیعت عالم، و بر طبق اصول تکاملی در کیهان هدایت شده است. به همین جهت، هر چه را که تزکیه می‌کنیم بسیار عظیم است. به معنایی دیگر، علامت این فالون مینیاتوری از عالم است. مکتب بودا ده جهت دنیا را با چهار صورت و هشت سو مثل ادراکی از عالم می‌داند. شاید بعضی از افراد یک ستون انرژی قائم را در بالا و پایین آن می‌بینند. فالون با بالا و انتهای آن، دقیقاً ده جهت جهان را درست می‌کند که این عالم را تشکیل می‌دهد. این نشان‌گر درک مکتب بودا از عالم است.

البته، این عالم از کهکشان‌های بسیاری تشکیل شده است که شامل راه شیری ما نیز می‌باشد. تمام عالم، و همچنین همه کهکشان‌های داخل آن در حرکت هستند. به همین جهت، علامت تای چی (Taiji) و علامت کوچک 卐 در نشانه نیز در حرکت می‌باشند. تمام فالون در حال چرخش است، علامت بزرگ 卐 در مرکز نیز می‌چرخد. با درکی دیگر، آن مظهر راه شیری ما است. از آنجا که ما تعلق به مکتب بودا داریم، مرکز علامت مکتب بودا را حفظ می‌کند؛ این آن چیزی است که در سطح دیده می‌شود. تمام پدیده‌های مختلف شکل‌های هستی خود را در بعدهای دیگر دارند، جایی که آنها در بعدهای دیگر پروسه‌های دگرگونی و شکل‌های هستی بسیار غنی و بسیار پیچیده‌ای را دارا هستند. علامت فالون مینیاتوری از عالم است. همچنین هر دو شکل هستی و پروسه دگرگونی را در تمام بعدها دارا است، به همین جهت، آن را یک دنیا می‌نامیم.

وقتی فالون در جهت موافق گردش عقربه‌های ساعت می‌چرخد، می‌تواند بطور اتوماتیک انرژی را از عالم به خود جذب کند. وقتی که برعکس جهت گردش عقربه‌های ساعت می‌چرخد می‌تواند انرژی را از خود رها کند. چرخش داخلی (در جهت موافق گردش عقربه‌های ساعت) نجات به خود را عرضه می‌کند در حالیکه چرخش خارجی (برعکس جهت گردش عقربه‌های ساعت) نجات را به دیگران تقدیم می‌کند - این نشانی از تزکیه ما است. بعضی از مردم سؤال کرده‌اند: «از آنجا که ما به مدرسه بودا تعلق داریم، چرا علامت تای چی (Taiji) نیز در آنجا است؟ آیا علامت تای چی به مدرسه تائو تعلق ندارد؟» به این خاطر است که آنچه ما تزکیه می‌کنیم بسیار عظیم است، مثل این که کل عالم را تزکیه می‌کنیم. همگی، درباره آن فکر کنید: این عالم از دو مدرسه اصلی تشکیل شده است، مدرسه بودا و مدرسه تائو. اگر یکی از آنها را حذف کنیم، عالمی کامل ساخته نمی‌شود، یک چنان عالمی را نمی‌توان گفت که کامل است. در نتیجه، چیزهایی را از مدرسه تائو به آن اضافه کرده‌ایم. هم چنین، بعضی از افراد گفته‌اند که بعلاوه مدرسه تائو، مسیحیت، کنفوسیوس و مذاهب دیگری نیز وجود دارند. بگذارید به همگی‌تان بگویم بعد از اینکه کنفوسیوس به درجه بسیار بالایی از تزکیه خود برسد، به مکتب تائو تعلق خواهد داشت؛ وقتی بسیاری از روشهای تزکیه مذاهب غربی، به درجات بالایی نائل شوند، درست مثل سیستم ما که به مکتب بودا تعلق دارد طبقه‌بندی می‌شوند. فقط دو عدد از چنین مدرسه‌های اصلی وجود دارند.

پس چرا دو مظهر تای چی رنگ قرمز را در قسمت بالا و رنگ آبی را در قسمت پایین دارند، و دو مظهر تای چی دیگر رنگ قرمز را در بالا و سیاه را در پایین؟ آنچه را که بطور عمومی فهمیده ایم این است که تای چی از دو ماده سیاه و سفید رنگ تشکیل شده است، چی (qi) بین و یانگ. این عقیده از سطحی بسیار پایین می‌آید، زیرا که تای چی تجلی‌های مختلفی در بعدهای مختلف دارد. در بالاترین سطح، رنگ آن بدین شکل تجلی

می‌یابد. تائویی را که بطور متداول می‌فهمیم رنگ قرمز را در بالا و رنگ سیاه را در پایین دارد. بطور مثال، چشم سوم بعضی از تمرین کنندگان ما باز است، و آنها کشف کرده‌اند رنگ قرمز که آنها با چشمان عریانشان می‌بینند در بعدی همجوار سبز رنگ است. رنگ طلایی در بعدی دیگر بصورت رنگ ارغوانی دیده شده است، مثل اینکه چنین فرق نمایانی دارند. به عبارتی دیگر، رنگ‌ها از بعدی به بعدی دیگر تغییر می‌کنند. تای چی با رنگ قرمز در بالا و آبی در پایین تعلق به مدرسه تائوی بزرگ اولیه (the Great primordial-Tao school) دارد، که شامل روش تزکیه در مدرسه غیرمعمولی است. چهار علامت‌های کوچک 卐 از مدرسه بودا است. آنها شبیه علامت وسطی می‌باشند، که همچنین از مدرسه بودا است. فالون در این رنگها نسبتاً روشن است، و از آن به عنوان علامت فالون دافا استفاده می‌کنیم.

فالونی که ما از طریق چشم آسمانی می‌بینیم لزومی ندارد که شبیه این رنگ‌ها باشد، زیرا رنگ زمینه پشت آن می‌تواند تغییر کند، اما مظهر آن عوض نمی‌شود. وقتی فالونی را که در قسمت پائینی شکم شما جایگزین می‌کنم می‌چرخد، چشم آسمانی شما می‌تواند آن را مثل رنگ قرمز، ارغوانی، سبز یا حتی بی‌رنگ ببیند. رنگ زمینه پشت آن نیز در تمام مدت از قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی آسمانی، آبی و ارغوانی تغییر می‌کند. در نتیجه، آنچه را که می‌بینید ممکن است رنگهای مختلفی باشند، اما علامت صلیب شکسته (Srivatsa)^۱ یا رنگهای تای چی و مظهر داخل آن به همان صورت باقی خواهند ماند. ما پی برده‌ایم که رنگ زمینه پشت آن نسبتاً خوب است، پس آن را انتخاب کرده‌ایم. کسانی که توانایی‌های فوق طبیعی دارند خیلی چیزها را در پشت این بعد می‌بینند.

بعضی افراد می‌گویند: «علامت 卐 شبیه علامتی است که هیتلر بکار می‌برد.» بگذارید برایتان بگویم که این علامت به هیچ وجه متضمن مفهومی برای طبقات نیست. بعضی افراد می‌گویند: «اگر گوشه آن به این طرف برگردد، علامت هیتلر می‌شود.» این درست نیست، زیرا که آن به دو طرف می‌چرخد. جامعه بشری ما شروع به شناختن این علامت بصورت وسیعی در دو هزار و پانصد سال پیش در زمان ساکیومونی نمود. فقط چند دهه از زمان هیتلر در جنگ جهانی دوم گذشته است. او آن را تصرف کرد، اما رنگی را که استفاده کرد متفاوت از رنگ ما بود. رنگ آن سیاه بود و رو به بالا اشاره می‌کرد، و بصورت قائم استفاده می‌شد. فقط می‌خواهم همین اندازه در رابطه با این فالون صحبت کنم، اگر چه فقط ذکر دربارۀ شکل ظاهری آن نموده‌ام.

پس این علامت صلیب شکسته 卐 در مدرسه بودای ما مظهر چه چیزی است؟ بعضی افراد معتقدند که آن برای بخت و اقبال خوب است، که تعبیری از مردم عادی دربارۀ آن است. بگذارید برایتان بگویم که علامت صلیب شکسته دلالت بر سطح بودا دارد. آن فقط در سطح بودا وجود دارد. یک بوده‌یساتوا یا یک آرهات آن را دارا نمی‌باشد. اما بوده‌یساتوای ارشد، چهارمین بوده‌یساتوای ارشد، آن را دارا هستند. ما پی برده ایم که بوده‌یساتوای ارشد به آن سوی سطح معمولی بوداها رفته‌اند، و حتی بالاتر از یک تاتاگاتا هستند. در فراسوی سطح تاتاگاتا، بوداهای بیشمار وجود دارند. یک تاتاگاتا فقط یک علامت 卐 را دارد. آنهایی که به فراسوی سطح تاتاگاتا رسیده‌اند علامتهای بیشتری از 卐 خواهند داشت. بودایی که سطحش دو برابر بالاتر از تاتاگاتا است دو علامت 卐 را دارد. برای آنهایی که هنوز سطحشان بالاتر است، سه، چهار تا پنج علامت صلیب شکسته و غیره دارند. بعضی‌ها آنقدر صلیب شکسته دارند که تمام بدن شان از جمله سرها، شانه‌ها و زانو‌ها را پوشانده‌اند. وقتی از آن علائم بیش از حد وجود داشته باشد، حتی در کف دست‌ها، انگشتان، قوس کف پاها، ناخن‌ها و غیره ظاهر می‌شوند. همانطور که سطح شخصی مداوماً رشد می‌کند، شخص بیشتر و بیشتر

۱ - Srivatsa - «چرخ از نور» از سانسکریت، سمبل ۲۵۰۰ سال پیش که در آثار فرهنگی یونان، پرو، هندوستان و چین کشف شده است. در طول قرن‌ها متضمن خوشبختی بوده، نمایانگر خورشید و در راه مثبت نگاه داشته شده است.

علامت 卐 را خواهد داشت. به همین جهت، علامت 卐 نمایندهٔ سطح بودا است. هر چه سطح یک بودا بالاتر باشد، علامت بیشتری از 卐 را یک بودا خواهد داشت.

مدرسهٔ تزکیهٔ غیرمعمولی

به اضافهٔ مدرسهٔ بودا و مدرسهٔ تائو، مدرسهٔ غیر معمولی نیز وجود دارد، که خودشان را به نام روش تزکیهٔ غیرمعمولی می‌نامند. با توجه به روش‌های تزکیه، مردم عادی این استنباط را دارند: از زمان‌های قدیم در چین تا امروز، مردم مدرسهٔ بودا و مدرسهٔ تائو را بعنوان راه‌های تزکیهٔ ارتدکس تلقی کرده‌اند، و همچنین آنها را به نام راه‌های تزکیهٔ مدارس درست نامیده‌اند. مدرسهٔ غیرمعمولی هرگز عمومی نشده است، و تعداد بسیار کمی از مردم دربارهٔ وجود آن، بجز از نوشته‌های ادبی باخبرند.

آیا مدرسهٔ غیرمعمولی وجود دارد؟ بله. در جریان دورهٔ تزکیه‌ام، مخصوصاً در سال‌های آخر، سه نفر از استادان ماهر مدرسهٔ غیرمعمولی را ملاقات کردم. آنها جوهر تزکیه‌اشان را به من منتقل نمودند، چیزهایی بسیار منحصر بفرد و بسیار خوب. صرفاً از آنجا که این مدرسه بسیار منحصر بفرد است، آنچه که تزکیه می‌شود کاملاً غیر عادی است و بوسیلهٔ اغلب مردم فهمیده نمی‌شود. بعلاوه، آنها قید می‌کنند که نه به مدرسهٔ بودا تعلق دارند و نه به مدرسهٔ تائو. بوداهود یا تائو را تزکیه نمی‌کنند. با شناخت دربارهٔ اینکه بوداهود یا تائو را تزکیه نمی‌کنند، مردم آنها را «در کناری و راه زمخت» (pangmen zuodao) نامیده‌اند و خودشان را مدرسهٔ غیرمعمولی می‌نامند. در کناری و راه زمخت یک معنای ضمنی انتقادی دارد، اما اینجا مفهومی منفی ندارد، زیرا مدرسه را به رفتن راهی اهریمنی سرزنش نمی‌کند. مطمئناً اینطور است. توصیف اصطلاح ادبی نیز متضمن یک روش شیطانی نیست. در تاریخ، مدرسهٔ بودا و مدرسهٔ تائو به روش تزکیه در «مدارس ارتدکس» نامیده شده‌اند. زمانی که این روش نتوانست بوسیلهٔ عموم فهمیده شود، مردم آن را درکناری یا یک راه کناری و یک مدرسهٔ غیر ارتدکس نامیدند. راه زمخت دربارهٔ چیست؟ «زمخت» اشاره به ناشی بودن یا راهی دست و پا چلفتی می‌کند. یک اصطلاح باستانی در چین، زمخت را اغلب به ناشی بودن منتسب می‌کند. در کناری و راه زمخت حامل این معنای ضمنی است.

چرا آن یک روش پلید نیست؟ به این خاطر که آن نیز شرایط سختی برای شین شینگ قائل است. روش تزکیهٔ آن نیز طبیعت عالم را دنبال می‌کند. طبیعت یا قانون عالم را نقض نمی‌کند، و درگیر انجام دادن کارهای نادرست نیست. به همین جهت، نمی‌تواند به روش اهریمنی نامیده شود. مدرسهٔ بودا و مدرسهٔ تائو مدارس ارتدکس هستند، نه به خاطر اینکه طبیعت عالم با روش تزکیهٔ آنها منطبق است، بلکه به خاطر اینکه هر دوی مدارس بودا و تائو طبیعت عالم را مراعات می‌کنند. اگر روش تزکیهٔ مدرسهٔ غیرمعمولی نیز از طبیعت عالم پیروی کند، روشی شیطانی نیست، بلکه مدرسه‌ای درستکار است. زیرا که طبیعت عالم محکی برای قضاوت کردن دربارهٔ خوبی و بدی، پلیدی و خیرخواهی است. تزکیهٔ این مدرسه از طبیعت عالم پیروی می‌کند، در نتیجه آن هم یک راه درست (ارتدکس) است، علی‌رغم اینکه شرایط آن با شرایطی که مکتب بودا و تائو دارند متفاوت می‌باشد. این روش مریدان را در سطحی وسیع آموزش نمی‌دهد، و به جمعیت بسیار کوچکی آموخته می‌شود. مدرسهٔ تائو مریدان زیادی را آموزش می‌دهد، اما فقط یک مرید آموزش واقعی را دریافت می‌کند. مدرسهٔ بودا اعتقاد به نجات همهٔ مخلوقات دارد، پس هر کسی که بتواند تزکیه کند می‌تواند موفق گردد.

روش مدرسهٔ غیرمعمولی نمی‌تواند بوسیلهٔ دو شخص به ارث برده شود، زیرا فقط بیشتر از یک دوره طولانی در تاریخ به یک فرد انتخاب شده منتقل می‌شود. به همین جهت، این روش در سرتاسر تاریخ نمی‌توانسته بوسیلهٔ مردم عادی شناخته شود. البته، زمانی که چی‌گونگ محبوب و عمومی بود، دریافتم که تعداد کمی از افراد این مدرسه نیز برای آموزش بیرون آمدند. به هر حال بعد از مقداری آموزش عمومی متوجه شدند که این امکان‌پذیر نیست زیرا استاد تعدادی از آن را برای دادن آموزش به عموم منع کرد. اگر بخواهید آن را به عموم آموزش دهید،

نمی‌توانید شاگردانی را انتخاب کنید. کسانی که برای آموزش می‌آیند شین‌شینگ در سطوح مختلف و ذهنیت‌های مختلف را با خود به همراه می‌آورند، زیرا که آنها مردمانی از انواع گوناگون هستند. شما قادر به انتخاب شاگردانی برای آموزش نخواهید بود. به همین جهت، مدرسه غیرمعمولی بطور وسیعی نمی‌تواند در نزد عموم آموزش داده شود. بدان صورت عمل کردن می‌تواند به راحتی خطرهایی را بوجود آورد برای اینکه این روش بسیار منحصر بفرد است.

بعضی از افراد فکر می‌کنند در حالیکه مدرسه بودا، بوداهود را تزکیه می‌کند و مدرسه تائو، تائو را، تمرین کنندگان مدرسه غیرمعمولی چه چیزی بعد از کامل کردن تزکیه اشان خواهند شد؟ این شخص یک خدای سیار خواهد شد بدون اینکه یک دنیای مشخص محدود در عالم را داشته باشد. برای همه شناخته شده است که تاتاگاتا ساکیومونی بهشت ساها (Saha) را، بودا آمیتاها بهشت سعادت غایی را، بودای پزشکی (Medicine) بهشت شیشه‌ای را دارا هستند. هر تاتاگاتا یا بودای بزرگ بهشت خود را دارند. هر روشن بین بزرگی بهشت خاص خود را بنا می‌کند، و بسیاری از شاگردان آنها در آنجا زندگی می‌کنند. اما شخصی از مدرسه غیرمعمولی نمی‌تواند حد و مرزی تعیین شده در عالم داشته باشد، و این شخص مثل یک خدای سیار خواهد بود یا یک غریب فناپذیر.

تزکیه کردن روشی اهریمنی

«تزکیه کردن روشی اهریمنی» چیست؟ چندین مورد وجود دارد. کسانی هستند که در تزکیه روشی اهریمنی متخصص شده‌اند، برای اینکه در سرتاسر تاریخ کسانی بوده‌اند که این چیزها را منتقل نموده‌اند. چرا این چیزها منتقل شده‌اند؟ برای این که آنها در جستجوی شهرت، سود شخصی، و پول در بین مردم عادی بوده‌اند؛ اینها چیزهایی هستند که آنها در طلبشان هستند. البته، چنین شخصی سطح شین‌شینگ بالایی ندارد و نمی‌تواند گونگ را بدست آورد. پس چه چیزی را می‌تواند بدست آورد؟ کارما. اگر کسی کارمای زیادی داشته باشد، کارما هم می‌تواند به شکلی از انرژی تبدیل گردد. اما این شخص هیچ مرتبه و شانسی ندارد و نمی‌توان او را با یک تمرین کننده مقایسه نمود. به هر حال او در مقایسه با مردم عادی، می‌تواند آن را کنترل کند زیرا که کارما نیز یک نوع از انرژی است. وقتی که تراکم آن به سطح بالایی می‌رسد، می‌تواند توانایی‌های فوق طبیعی را در بدن فرد نیز تقویت کند و چنین اثری را بوجود بیاورد. برای همین، در طول تاریخ بعضی از مردم آن را تعلیم دیده‌اند. چنین شخصی اظهار می‌کند: «با انجام کارهای نادرست و ناسزا گفتن، می‌توانم گونگ خود را افزایش بدهم.» او گونگ خودش را افزایش نمی‌دهد. در واقع، تراکم ماده سیاه را افزایش می‌دهد، زیرا که با انجام اعمال نادرست می‌توان ماده سیاه را بدست آورد، یعنی کارما. به همین جهت، توانایی‌های کم مادرزادی فوق طبیعی این شخص می‌تواند بوسیله این کارما تقویت گردد. او می‌تواند بعضی از توانایی‌های کوچک فوق طبیعی را رشد دهد، هر چند که آن توانایی‌ها توان انجام دادن هیچ چیز با اهمیتی را ندارند. این افراد معتقد به انجام کارهای نادرست هستند، همچنین معتقدند که می‌توانند گونگ را افزایش دهند _ این صحبتی است که آنها می‌کنند.

بعضی اشخاص می‌گویند: «وقتی یک تائو یک فوت (foot) قد دارد، یک اهریمن می‌تواند یک یارد (yard) بلندی داشته باشد.» این یک نظریه غلط ساخته شده بوسیله مردم عادی است. یک اهریمن هرگز نمی‌تواند بلندتر از یک تائو باشد. این حقیقت وجود دارد که عالمی که ما به عنوان یک بشر می‌شناسیم یک ذره کوچکی بین عالم‌های بینهایت است، و برای اختصاص آن را عالم می‌نامیم. هر وقت عالم ما یک دوره بسیار طولانی از سال‌های متمادی را می‌گذرانند، همیشه فاجعه‌های عظیمی را تجربه می‌کند که همه چیز را در جهان منهدم می‌کند، که شامل سیاره‌ها و همه موجودات است. حرکت عالم قانونی را دنبال می‌کند. این فقط بشریت نیست که این دفعه در عالم ما بد شده است. بسیاری از موجودات تا حالا این موقعیت را مشاهده کرده‌اند که، تا آنجا که مربوط به زمان حاضر است، برای زمانی بسیار پیش از این در این بعد عالم، انفجار بسیار عظیمی رخ داد. امروزه،

ستاره شناسان نمی‌توانند این مسئله را مشاهده کنند زیرا که آنچه ما در حال حاضر می‌توانیم از میان قوی‌ترین تلسکوپ‌ها ببینیم چیزهایی هستند در فاصله یک صد و پنجاه هزار سال نوری. برای اینکه بتوان تغییرات اجسام کیهانی حاضر را مشاهده نمود، بایستی منتظر یک صد و پنجاه هزار سال دیگر باشیم. این زمانی بسیار طولانی است.

تا حالا تمام عالم دستخوش تغییر بزرگی بوده است. هر زمان که چنین تغییری رخ می‌دهد، تمام موجودات در کل عالم بطور کامل از بین می‌روند و در خرابه‌ها دفن می‌شوند. هربار چنین وضعیتی اتفاق می‌افتد، تمام ویژگی عالم قبلی، همچنین اجسام داخل آن، منفجر می‌گردند. بطور طبیعی، تمام موجودات می‌بایستی در انفجار از بین می‌رفتند. اما هر بار انفجار همه جا را جاروب نمی‌کند. بعد از آنکه عالم جدید بوسیله روشن بین‌های بسیار، بسیار بالا از نو ساخته می‌شود، هنوز هم کسانی هستند که از انفجار جان سالم بدر برده‌اند. روشن بین‌های بزرگ عالم را بر طبق ویژگی‌ها و استانداردهای خاص خود بنا می‌کنند. به همین جهت، آن سرشتی متفاوت از عالم قبلی دارد.

کسانی که جان سالم از انفجار بدر برده‌اند به سرشت و اصول سابق خود برای انجام دادن کارهایی در این عالم سخت چسبیده‌اند. عالم تازه تأسیس شده عملکرد خود را بر طبق اصول و ویژگی‌های عالم جدید برگزار خواهد نمود. پس، کسانی که در انفجار از بین نرفته‌اند اهریمنانی می‌شوند که با اصول عالم جدید تداخل پیدا می‌کنند. اما، آنها آنقدر هم بد نیستند زیرا فقط کارهایی را بر طبق ویژگی زمان عالم قبلی انجام می‌دهند، این همانی است که مردم به اهریمنان آسمانی نام نهاده‌اند. به هر حال، آنها هیچ تهدیدی برای مردم عادی نیستند، و نمی‌توانند به مردم صدمه برسانند. فقط سخت به اصول خودشان برای انجام دادن کارهایی چسبیده‌اند. در گذشته، این جریان اجازه نداشت که بوسیله مردم عادی شناخته شود. گفته‌ام که بوداهای بسیاری در فراسوی سطح تاتاگانا وجود دارند. آن اهریمنان به چه حساب می‌آیند؟ آنها در مقایسه با بوداها بی اهمیت می‌باشند. پیری، بیماری، و مرگ نیز شکل‌هایی از اهریمن‌ها هستند، ولی برای حفظ و نگهداری طبیعت عالم خلق شده‌اند.

بودیسم به سامسارا (Samsara) (بازپیدایی) معتقد است، که اشاره به موضوع آسورا (Asura)^۲ می‌کند. در حقیقت، به موجوداتی در بعدهای مختلف اشاره می‌کند، که در ذات خود تحمل انسانها را ندارند. از دید یک روشن بین بزرگ، آن موجودات در سطحی بسیار پایین قرار دارند و بسیار ناتوان هستند. ولی در چشم انسان‌های عادی بسیار ترسناکند، و مقداری انرژی دارند و انسان‌های عادی را مثل حیوان می‌پندارند، در نتیجه دوست دارند که انسان‌ها را بخورند. در سال‌های اخیر، آنها نیز برای آموزش چی گونگ بیرون آمدند. آنها چه نوعی از موجودات هستند؟ چگونه می‌توانند شبیه انسان‌ها باشند؟ آنها بسیار ترسناک بنظر می‌آیند. وقتی یک بار کارهای آنها را یاد گرفتید، مجبورید که با آنها باشید و مثل آنها شوید. در تمرین چی گونگ، اگر بعضی از افراد افکاری ناسالم داشته باشند که موافق با ذهنیت آن موجودات باشد، آنها برای آموزش این افراد خواهند آمد. یک فکر درست بر صد فکر نادرست غلبه می‌کند. اگر بدنبال چیزی نباشید، هیچکس جرأت اذیت کردن شما را نخواهد داشت. اگر یک فکر اهریمنی را رشد بدهید یا بدنبال چیز بدی باشید، برای کمک به نزد شما خواهند آمد، و شما یک راه اهریمنی را برای تزکیه بدنبال خواهید نمود. این مشکل ممکن است اتفاق بیفتد.

موقعیت دیگری وجود دارد که «تمرین کردن نادانسته یک راه تزکیه اهریمنی» نامیده می‌شود. «تمرین کردن نادانسته یک راه تزکیه اهریمنی» چیست؟ موقعی است که کسی یک راه اهریمنی را بدون اینکه متوجه آن بشود تمرین کند. این مشکل بسیار عادی است و به راحتی رایج می‌شود. همانطور که روز قبل گفتم، بسیاری از افراد چی گونگ را با افکار نادرست در ذهنشان تمرین می‌کنند. اگرچه تمرین ایستاده را با دستان و پاهای

لرزان از خستگی انجام می‌دهند، فکرشان استراحت نمی‌کند. او فکر می‌کند: «قیمت‌ها دارند بالا می‌روند. مجبورم بعد از تمرین برای خرید بروم. اگر عجله نکنم، چیزها گرانتر خواهند شد.» شخصی دیگر فکر می‌کند: «در محل کار حالا آپارتمان‌هایی را تقسیم می‌کنند، آیا یکی از آپارتمان‌ها را بدست خواهم آورد؟ شخصی که مسئول تقسیم آپارتمان‌ها است همیشه بر علیه من است.» هرچه این شخص بیشتر درباره‌ی این موضوع فکر می‌کند، عصبانی‌تر می‌شود: «مطمئناً برای من آپارتمانی را تقسیم نخواهد کرد. چگونه می‌توانم با او مبارزه کنم...» همه نوع افکاری پدیدار می‌شوند. همانطور که قبلاً گفتم، این افراد از مسائل خانوادگی گرفته تا معاملات دولتی اظهار نظر می‌کنند. وقتی درباره‌ی موضوعات ناخوشایند صحبت می‌کنند، حتی عصبانی‌تر هم می‌شوند.

لازمه‌ی تمرین چی‌گونگی ارزش گذاشتن به تقوای شخص است. در موقع انجام تمرین‌ها، اگر به موضوعات خوب فکر نمی‌کنید، حداقل نباید به موضوعات بد هم فکر کنید. بهتر از همه برای شما این است که اصلاً به چیزی فکر نکنید. زیرا در جریان تمرین چی‌گونگی در سطحی پایین، پایه‌ای اساسی باید گذاشته شود. این پایه اساسی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، زیرا که فعالیت‌های فکری انسانی تا حدی نقشی برای ایفا کردن دارند. درباره‌ی آن همگی فکر کنید: چه چیزی را به گونگی خودتان اضافه می‌کنید؟ چگونه آن چیزی را که تمرین می‌کنید می‌تواند خوب باشد؟ چگونه می‌تواند آن سیاه نباشد؟ چه تعدادی از افراد که چی‌گونگی را تمرین می‌کنند بدون این نوع از عقاید نیستند؟ اگرچه در تمام مدت چی‌گونگی را تمرین می‌کنید، چرا بیماری‌هایتان از بین نرفته‌اند؟ اگرچه بعضی از افراد آن افکار نادرست را در محل تمرین‌ها ندارند، همیشه چی‌گونگی را با وابستگی به توانایی‌های فوق طبیعی، در طلب بدست آوردن این یا آن، ذهنیت‌های مختلف، و گونه‌هایی از تمناهای مختلف تمرین می‌کنند. در واقع، آنها در حال حاضر راهی اهریمنی را نادانسته تزکیه کرده‌اند. اگر بگویید که این شخص یک راه اهریمنی را تمرین می‌کند، ناراحت خواهد شد: «من بوسیله‌ی یک استاد شناخته شده چی‌گونگی تعلیم گرفته‌ام.» اما آن استاد شناخته شده چی‌گونگی از شما می‌خواهد که به تقوا ارزش بگذارید. آیا این کار را کرده‌اید؟ در جریان تمرین چی‌گونگی، همیشه در بعضی از افکار نادرست پیچ و تاب می‌خورید. چگونه می‌توانید بگویید که از تمرین‌ها توانسته‌اید چیزهای خوبی را بدست آورید؟ این یک مشکل است، و ناخواسته یک راه اهریمنی را تزکیه کردن - چیزی که بسیار همگانی است.

تزکیه دوگانه یک مرد و یک زن

در جامعه تزکیه‌کنندگان، روش تزکیه‌ای وجود دارد بنام تزکیه دوگانه یک مرد و یک زن. شاید شما روش تزکیه تانتریسیم تبتی را دیده‌اید که، در مجسمه‌های بودا یا عکس‌های بودا، یک بدن مردانه یک بدن زنانه را نگهداشته، و تزکیه می‌کند. بدن مردانه بعضی مواقع شبیه یک بودا است، و یک زن برهنه را نگه می‌دارد. بعضی از آنها ممکن است بودای تغییر یافته در ظاهر یک مجسمه‌ی الماس با سر گاو و صورت اسب باشند، که یک بدن برهنه زن را حمل می‌کنند. چرا به این صورت است؟ اول از همه این موضوع را برای همه توضیح خواهیم داد. در سیاره ما، فقط چین نبود که بوسیله کنفوسیوس تحت تأثیر قرار گرفت. تا چندین قرن پیش تمام نوع بشریت ما ارزش‌های اخلاقی مشابهی داشتند. به همین جهت، این روش تزکیه در حقیقت از سیاره ما نیامده است. از سیاره دیگری آمده، و در واقع عمل تزکیه را می‌تواند ممکن سازد. وقتی این روش تزکیه در چین ما در آن زمان معرفی شد، بوسیله چینی‌ها نتوانست مورد قبول قرار بگیرد، مخصوصاً به علت این قسمت از تزکیه دوگانه مرد و زن و روش‌های سری آن. به همین جهت، در دوره (هویی - چانگ) (Huichang) از سلسله تانگ در ناحیه هان بوسیله امپراتور موقوف اعلام شد. این روش اجازه نداشت که در ناحیه هان آموزش داده شود و در آن زمان به

تانتريسم تانگ ناميده شد. اما به محيط منحصر بفرد تبت منتقل شد، ناحيه‌ای بخصوص. چرا آنها به اين صورت تزکيه می‌کنند؟ تزکيه دوگانه مرد و زن هدفش اين است که يين (Yin) را برای قوی کردن يانگ (Yang) جمع آوری کند، و برعکس با تکميل دوگانه برای تزکيه دوگانه، با هدف اینکه يين و يانگ را به بالانس برساند. همه می‌دانند که چه برطبق مدرسه بودا باشد يا مدرسه تائو، مخصوصاً بر طبق تئوری تائويست‌ها درباره يين و يانگ، یک جسم بشری بطور ذاتی دارای يين و يانگ است. به خاطر اين که بدن انسان دارای يين و يانگ است، می‌تواند از طريق عمل تزکيه انواعی از توانایی‌های فوق طبيعي و موجوداتی مثل کودک جاودان، کودک بازگوش، فاشن، و غيره را رشد بدهد. شخص به خاطر وجود يين و يانگ، می‌تواند بسیاری از موجودات را از طريق تزکيه پرورش دهد، بدون توجه به اینکه بدن شخص، زن يا مرد باشد - فرقی نمی‌کند. اين تئوری واقعاً صحيح است. مدرسه تائو معمولاً قسمت بالای بدن را بعنوان نرينه (yang) تلقی می‌کند و قسمت پايين بدن را بعنوان مادينه (yin). بعضی‌ها هم پشت را بعنوان نرينه (yang) و قسمت جلوی بدن را مادينه (yin) تلقی می‌کنند. ديگران طرف چپ بدن را يانگ و طرف راست را يين تلقی می‌کنند. در چين، ضرب المثلي وجود دارد که می‌گويد طرف چپ بدن نرينه است و طرف راست مادينه، و آن نیز اشتقاقی است از اين که حقيقتی مشهود در آن نهفته است. از آنجا که جسم بشری در وجود خودش دارای يين و يانگ است، با تأثیر متقابل يين و يانگ، خودش به بالانس میان يين و يانگ می‌تواند برسد، پس آن می‌تواند موجودات بسيار زيادی را بوجود بياورد.

اين بعداً موضوعی را روشن می‌کند: بدون بکار بردن متد تزکيه دوگانه یک مرد و یک زن، ما هنوز هم می‌توانيم به سطح بسيار بالایی در تزکيه برسيم. با بکار گرفتن روش تزکيه دوگانه مرد و زن، اگر آن بطور ناشايسته‌ای بکار گرفته شود، شخص متحمل مزاحمت‌های شيطانی خواهد شد، و به یک روش شيطانی تبديل خواهد شد. اگر تانتريسم در سطحی بسيار بالا بخواهد روش دوگانه مرد و زن را استفاده کند، فرد روحانی بودایی بايستی به یک درجه بسيار بالایی در تزکيه رسیده باشد. در اين مدت، استاد او در انجام چنين تزکيه‌ای راهنمای او می‌باشد. از آنجا که سطح شين شينگ اين فرد بسيار بالا است، می‌تواند بخوبی خودش را هدايت کند بدون اینکه کارهایی نادرست را انجام دهد. اما کسی با شين شينگ بسيار پايين مطلقاً نمی‌تواند اين روش را بکار ببرد. در غير اينصورت، محکوم به ادامه راهی اهریمنی خواهد بود. به خاطر محدود بودن سطح شين شينگ وی و اینکه نتوانسته است تمناها و شهوت‌های مردم عادی را رها کند، که حد ملاک شين شينگ وی را نشان می‌دهد، اگر آن مورد استفاده قرار بگیرد به راهی اهریمنی محکوم خواهد شد. به همين جهت، گفته‌ايم که اگر اين روش بطور سرسری در سطحی پايين ترويج گردد، آموزش آن روشی اهریمنی خواهد بود.

در سال‌های اخير، تعدادی از استادان چی‌گونگ، روش دوگانه یک مرد و یک زن را آموزش داده‌اند. چه چیز آن غيرعادی است؟ تزکيه دوگانه یک مرد و یک زن نیز در روش مدرسه تائو ظاهر شده است. بعلاوه، اين روش امروز پديدار نشده است، بلکه در سلسله تانگ شروع شد. چگونه مدرسه تائو می‌تواند تزکيه دوگانه یک مرد و یک زن را داشته باشد؟ برطبق تئوری تای چی در مدرسه تائو، بدن انسانی یک عالم کوچک است که بطور ذاتی يين و يانگ را دارا است. تمام آموزش‌های حقيقي و درست از زمان‌های بسيار دور افتاده‌ای رواج پیدا کرده‌اند. هر تغيير سطحی، هرچیزی که سرسری به آن اضافه شود آن مدرسه بخصوص را به پاشيدگی در تزکيه خواهد کشاند و آن را در هدف رسيدن به تکامل در تزکيه ناتوان خواهد نمود. پس اگر تزکيه شما تزکيه دوگانه یک مرد و یک زن را ندارد، هرگز نبايستی آن را تزکيه کنید. وگرنه، به خطا خواهيد رفت و دچار مشکل خواهيد شد. مخصوصاً در مدرسه فالون دافای ما، تزکيه دوگانه یک مرد و یک زن وجود ندارد، و احتیاجی هم به آن نداريم. اين است نظر ما درباره اين موضوع.

تزکیه جسم و روان

موضوع تزکیه جسم و روان تا حالا برای همگی اتان توضیح داده شده است. تزکیه جسم و روان اشاره می‌کند به تزکیه شین‌شینگ شخص همزمان که بدن او تزکیه شده است. به بیانی دیگر، جسم فیزیکی فرد و جسم‌های او در بعدهای دیگر (benti) دگرگون شده است. در مرحله دگرگونی، سلول‌های بشری بتدریج بوسیله ماده انرژی اعلاء جایگزین می‌شوند، و پیری به آرامی به پیش می‌رود. بدن فرد بطور تدریجی به جوانی باز گشته و کم‌کم دگرگونی را تجربه می‌کند تا اینکه، در نهایت، کاملاً بوسیله ماده انرژی اعلاء جایگزین می‌گردد. در نتیجه، جسم این شخص در حال حاضر به یک بدن از نوع دیگری از ماده تغییر یافته است همانطور که قبلاً ذکر کرده‌ایم، آن بدن، به فراسوی عناصر پنج گانه خواهد رفت. از آنجایی که دیگر به عناصر پنج گانه محدود نیست، بدن این شخص دیگر رو به انحطاط کشیده نمی‌شود.

تزکیه در معابد فقط با تزکیه روان سر و کار دارد، پس تمرین‌ها و یا تزکیه جسم را تعلیم نمی‌دهد. آن نیروانا (nirvana) را ضروری می‌داند، مانند روشی که ساکیومونی تعلیم داد لازمه اش نیروانا بود. در حقیقت، خود ساکیومونی سطح دارمای بسیار بالایی داشت، و قادر بود بطور کامل بدن فیزیکی و بدن‌های دیگر در بعدهای دیگر را به ماده و انرژی اعلاء تبدیل کند و با خودش ببرد. به جای اینکه این روش تزکیه را به جا بگذارد، خودش راه نیروانا را انتخاب نمود. چرا به این طریق آموزش داد؟ او آنطور عمل کرد تا مردم در یک گستردگی هر چه بیشتر وابستگی‌هایشان و همه چیز را رها کنند، حتی در نهایت بدن‌های فیزیکی شان را؛ تمام وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها می‌بایستی رها گردند. برای اینکه مردم تا حد امکان بتوانند به این هدف برسند، راه نیروانا را انتخاب کرد. به همین جهت، کاهنان بودایی در سرتاسر تاریخ همگی راه نیروانا را انتخاب کرده‌اند. نیروانا این معنی را می‌دهد وقتی یک کاهن می‌میرد جسم فیزیکی‌اش را رها می‌کند، و روح نخستین او با گونگش صعود می‌کند.

مدرسه تائو تأکید بر تزکیه جسم می‌کند، به خاطر اینکه مدرسه تائو مریدان را انتخاب می‌کند و نجات را به همه موجودات ارزانی نمی‌کند، شاگردان بسیار برجسته‌ای دارد. به همین جهت، تکنیک‌ها و موضوعاتی را برای اینکه چگونه زندگی را تزکیه نمود آموزش می‌دهد. اما در روش تزکیه بخصوص در مدرسه بودا، و مخصوصاً در بودیسم، این چیزها تعلیم داده نمی‌شوند. همه روش‌ها در مدرسه بودا آن را تعلیم نمی‌دهند. بسیاری از روش‌های سطح بالا هم در مدرسه بودا این روش را تعلیم می‌دهند. مدرسه تزکیه ما تزکیه جسم و روان را تعلیم می‌دهد. فالون دافای ما هر دو بنتی (Benti) و کودک جاودان را لازم می‌داند؛ این دو متفاوت هستند. کودک جاودان نیز جسمی است ساخته شده از ماده انرژی اعلاء، اما نمی‌تواند به سادگی در بعد ما نشان داده شود. برای اینکه ظاهر شخصی عادی را در این بعد در طی دوره‌ای طولانی نگهداشت، باید بنتی (Benti) خود را داشته باشیم. به همین جهت، با دگرگونی بنتی، ائتلاف ملوکول‌ها تغییر نمی‌کند حتی اگر چه سلول‌های آن بوسیله ماده انرژی اعلاء جایگزین شده‌اند. بنابراین، این جسم اختلاف زیادی از لحاظ ظاهر با شخص عادی نخواهد داشت، اما، هنوز هم یک اختلاف وجود دارد: یعنی، این جسم می‌تواند وارد بعدهای دیگر شود.

روش‌هایی که هر دو جسم و روان را تزکیه می‌کنند باعث می‌شوند که فرد بسیار جوان‌تر نشان داده شود، و شخص کاملاً متفاوت از سن واقعی‌اش نشان داده می‌شود. روزی شخصی از من سؤال کرد: «معلم، شما فکر می‌کنید که من چند سال دارم؟» در حقیقت، او به سن هفتاد سالگی نزدیک می‌شد، اما فقط چهل ساله بنظر می‌آمد. صورت او بدون چروک بود، براق با پوستی سفید و صورتی رنگ، و مثل کسی که به هفتاد سالگی نزدیک می‌شود به نظر نمی‌رسید. برای مریدان فالون دافای ما این اتفاق می‌افتد. به عنوان شوخی، خانم‌های

جوان مداوماً دوست دارند که عمل زیبایی را انجام دهند و امیدوارند که پوستشان بهتر و روشن تر گردد. می توانیم به شما بگوییم که اگر بطور واقعی یک روش تزکیه جسم و روان را دنبال کنید، بطور طبیعی به منظور خواهید رسید. این تضمین شده است که شما احتیاجی به مصرف وسایل آرایشی ندارید. از این مثال ها بیشتر خواهیم زد. در گذشته، به خاطر اینکه مردم مسن تر به نسبت بیشتری در حرفه های گوناگونی وجود داشتند، من به عنوان مردی جوان به حساب می آمدم. این روزها مسائل بهتر می شوند، و جوان ها به نسبت بیشتری در هر حرفه ای وجود دارند. در حقیقت، من جوان هم نیستم. در حال حاضر چهل و سه سالم است و به پنجاه سالگی نزدیک می شوم.

فاشن

چرا میدانی در اطراف مجسمه بودا وجود دارد؟ بسیاری از مردم نمی توانند توضیحی برای آن بدهند. بعضی ها می گویند: «یک مجسمه بودا میدانی دورش دارد به خاطر اینکه راهبان رساله ها را در برابر مجسمه بصورت دعا می خوانند.» به بیانی دیگر، میدان از عمل تزکیه راهبان در جلوی مجسمه ها بوجود می آید. اگر میدان از تزکیه راهبان باشد یا دیگران، این انرژی می بایستی پراکنده باشد و جهتی نداشته باشد. کف، سقف ها و دیوارهای تمام سالن بودا بایستی به یک اندازه میدان را داشته باشند. پس چرا میدان مجسمه بودا اینقدر با قدرت است؟ مخصوصاً یک مجسمه بودا در کوه های عمیق یا در یک غار، یا یک صخره، معمولاً چنین میدانی را دارد. چرا چنین میدانی آنجا وجود دارد؟ بعضی از مردم آن را به این طریق یا طریقی دیگر توضیح داده اند و هنوز هم نمی توانند برای آن توضیح روشنی بدهند. در واقع، یک مجسمه بودا یک میدان دارد برای اینکه میدان فاشن یک شخص روشن بین بزرگ را دارا است. از آنجا که فاشن روشن بین بزرگ در آنجا است، مجسمه دارای انرژی است.

اعم از اینکه ساکیومونی باشد یا بودهیساتوا آوالوکی تسوارا (Bodhisattva-Avalokitesvara)^۳، اگر آنها واقعاً در تاریخ وجود داشته اند - همگی درباره آن فکر کنید - آیا آنها نیز میدانی در طی راه تزکیه اشان نبودند؟ وقتی شخصی در سطحی بسیار بالا در فراسوی فای سه گانه دنیوی تزکیه می کند، فاشن را بوجود می آورد. فاشن در ناحیه پایین شکم (دان تین) (dantian) متولد می شود و از فا (قانون) و گونگ (انرژی تزکیه) ساخته شده است. فاشن در بعدهای دیگر تجلی می یابد. فاشن قدرت زیادی از شخص را دارد، اما روان و افکار او بوسیله شخص کنترل می شود. از این رو فاشن خودش نیز کامل و هم چنین مستقل، و زندگی انفرادی واقع بینانه ای را دارد. به همین جهت، می تواند هر چیزی را مستقلاً بوسیله خودش انجام دهد. آنچه که فاشن انجام می دهد دقیقاً همانی است که ضمیر خودآگاه اصلی فرد می خواهد انجام دهد. اگر شخصی بخواهد چیزی را در راهی بخصوص انجام بدهد، فاشن او آن را به همان گونه انجام می دهد؛ این است فاشن که ما به آن اشاره می کنیم. آنچه را که بخواهیم انجام دهیم همگی می توانند بوسیله فاشن من انجام شود، مثل پاک سازی بدن های مریدان واقعی. از آنجا که فاشن بدن یک شخص عادی را حمل نمی کند، در بعدهای دیگر خودش را نشان می دهد. بدن او ثابت نیست که نتواند تغییر کند؛ در عوض، می تواند بزرگ و کوچک شود. بعضی مواقع، بسیار بزرگ می شود، آنقدر بزرگ که شخص نمی تواند تمام سر او را ببیند. بعضی مواقع، آنقدر کوچک می شود، حتی کوچکتر از یک سلول.

۳ - Bodhisattva-Avalokitesvara - شناخته شده برای نیکخواهی اش، یکی از دو بودهیساتواهای ارشد در بهشت سعادت غایی است.

تبرک Consecration

مجسمه ساخته شده یک بودا در یک کارخانه فقط یک قطعه از کار هنری است. «تبرک» مراسمی است برای دعوت کردن فاشن یک بودا به مجسمه بودا که بعداً بعنوان یک جسم عینی بوسیله مردم عادی مورد ستایش قرار بگیرد. در عمل تزکیه، وقتی یک تمرین کننده قلبی سرشار از احترام دارد، فاشن مجسمه بودا، فا (fa) را برای او محافظت می کند، مواظب او بوده و او را حمایت می کند. این هدف واقعی از تبرک است. و فقط می تواند با افکار اظهار شده درست در مراسم رسمی تبرک انجام شود، با کمک یک شخص روشن بین بزرگ در سطحی بسیار بالا، یا با کمک یک تمرین کننده در سطحی بسیار بالا از تزکیه که این قدرت را دارا است.

یک معبد لازم می داند که مجسمه بودای آن مراسم تبرک را بگذراند، و مردم می گویند که بدون تبرک، مجسمه بودا هیچ فایده ای ندارد. امروزه، کاهنان در معابد - استادان بزرگ واقعی - همگی در گذشته اند. پس از انقلاب فرهنگی بزرگ، بعضی از کاهنان ارشد که هیچ آموزش واقعی را کسب نکرده بودند در حال حاضر بصورت خدام معابد تبدیل شده اند. خیلی از چیزها منتقل نشده اند. اگر از یکی از آنها بپرسید: «هدف از تبرک چه می باشد؟» خواهد گفت: «مجسمه بودا بعد از تبرک به کار خواهد افتاد.» او به وضوح نخواهد توانست توضیح بدهد چرا مجسمه بطور مشخص قابل استفاده است، پس او فقط مراسم را انجام می دهد. یک کتاب مقدس بودا را در داخل مجسمه بودا خواهد گذاشت. سپس مجسمه را با کاغذی مهر و موم کرده و کتاب مقدس را برای آن خواهد خواند. او آن را تبرک کردن می نامد، اما آیا هدف تبرک می تواند برآورده شود؟ آن مربوط می شود به اینکه او چگونه کتاب مقدس را می خواند. ساکیومونی گفت که شخص باید کتاب مقدس را با فکری درست و قصدی یکپارچه بخواند به منظور اینکه بهشت تزکیه او را مرتعش کند. فقط بعد از آن یک شخص بزرگ روشن بین به آن فراخوانده می شود و فقط وقتی فاشن یک شخص روشن بین بزرگ به مجسمه بودا می رسد می تواند هدف تبرک برآورده شود.

در حین دعا خواندن کتاب مقدس برای مجسمه، بعضی از کاهنان در مغزهایشان فکر می کنند: «بعد از تبرک، چه مقدار پول به من پرداخت خواهد شد؟» یا زمانی که کتاب مقدس را می خواند، فکر می کند: «این یا آن شخص با من بسیار بد رفتار می کند.» آنها نیز اختلافات شخصی دارند. الان پایان دوره دارما است. نمی توان ظهور این پدیده را نفی کرد. ما بودیسم را اینجا مورد انتقاد قرار نمی دهیم. بعضی از معابد هیچ صلح و آرامشی در پایان دوره دارما ندارند. اگر روان شخصی پر از این مسائل باشد و چنان افکار مریضی را اظهار کند، چگونه شخص روشن بین بزرگ خواهد آمد؟ به هر حال هدف از تبرک نمی تواند دیگر به نتیجه برسد. اما این در همه جا صدق نمی کند، بطوریکه چندین معابد خوب و دیرهای تائوئیستی وجود دارند.

در شهری راهبی را دیدم که دستان بسیار تیره ای داشت. او نوشته های مقدس را در مجسمه بودا می گذاشت و آن را بدقت مهر و موم می کرد. بعد از زمزمه چندین کلمه، تشریفات تبرک خاتمه می یافت. سپس مجسمه بودای دیگری را می آورد و دوباره چند کلمه دیگر را زمزمه میکرد. او هر بار برای تبرک چهل یان (Yuan) دستمزد می گرفت. این روزها، راهبان تبرک را تجارتي کرده اند و بوسیله آن پول بدست می آورند. با نظری به این جریان، دریافتیم که تبرک عملی نشده بود زیرا که او اصلاً این کار را نمی توانست انجام دهد. این روزها حتی راهبان چنین کاری را انجام می دهند. چه چیز دیگری را مشاهده کرده ام؟ در یک معبد شخصی بود که بنظر می آمد خادم باشد می گفت که می خواهد تبرک را برای مجسمه یک بودا انجام دهد. آینه ای برای انعکاس نور خورشید به مجسمه بودا در دست داشت. سپس ادعا کرد که تبرک انجام شده است. این جریان به چنان وضع مسخره ای کشیده شده است! امروزه، بودیسم به چنین مرحله ای رشد نموده است، و این پدیده ای بسیار عادی است.

یک مجسمه برنزی بودا در نانجین (Nanjing) ⁴ درست شد، و در جزیره لان تا او (Lantau) در هنگ کنگ جا گذاشته شد، آن یک مجسمه بسیار بزرگی از بودا بود. بسیاری از کاهنان از سراسر دنیا برای انجام تبرک به آنجا آمدند. یکی از راهبان آینه‌ای را برای انعکاس نور خورشید به صورت مجسمه بودا در مقابل خورشید گرفت و آن را تبرک نامید. مراسم عظیمی به پر ابهتی آن، یک چنان موقعیت جدی، چنان عملی انجام می‌گردد. آن را تأسف بار یافتیم! هیچ تعجبی نیست به آنچه ساکیومونی گفت: «در پایان دوره دارما، راهبان برای نجات خودشان مشکل خواهند داشت، چه برسد که نجات را به دیگران عرضه کنند.» بعلاوه، بسیاری از راهبان رساله‌های بودیستی را از نظرگاه خودشان تعبیر می‌کنند. حتی نوشته‌های مقدس خانم ملکه مادر (The lady Queen mother) به معابد راه یافته‌اند. بسیاری چیزهای دیگر نیز که از موضوعات کلاسیکی بودیستی نیستند به معابد راه پیدا کرده‌اند، و این مکان‌ها را امروزه کاملاً به هرج و مرج کشانده‌اند. البته، راهبانی وجود دارند که هنوز هم بطور حقیقی تزکیه می‌کنند و کاملاً خوب هستند. تبرک در حقیقت دعوتی از فاشن یک شخص روشن بین بزرگ برای باقی ماندن در مجسمه بودا است. تبرک کردن این است.

پس اگر این مجسمه بودا بطور موفقیت‌آمیزی تشریفات تبرک را نگذارنده باشد، نمی‌تواند مورد عبادت قرار بگیرد. اگر عبادت شود، نتایج جدی ای رخ خواهد داد. نتایج جدی چه هستند؟ امروزه، آنهایی که جسم بشری را مطالعه می‌کنند کشف کرده‌اند که فعالیت‌های روانی بشری ما یا افکار انسانی می‌تواند ماده‌ای را تولید کند. در سطحی بسیار بالا، پی برده‌ایم که آن در حقیقت یک ماده است، اما این ماده به شکل امواج مغزی که در تحقیقات امروزی کشف کرده‌ایم نیست. در حقیقت، آن یک شکل کامل مغز انسانی را دارا است. معمولاً، وقتی یک فرد عادی درباره موضوعی فکر می‌کند، آنچه که او تولید می‌کند چیزی به شکل فکر است. از آنجا که انرژی ندارد، به زودی بعد از آن پراکنده می‌شود. انرژی یک تمرین‌کننده، می‌تواند مدت بیشتری حفظ گردد. مجسمه بودا را نمی‌توان گفت بعد از اینکه در یک کارخانه تولید شده است دارای فکر باشد. نه، آن را ندارد. بعضی از مجسمه‌های بودا از پروسه تبرک نگذشته‌اند، و به هدف تبرک بعد از اینکه به معابد نقل مکان شده‌اند نرسیده‌اند. اگر تبرک بوسیله استادی قلابی انجام شود یا بوسیله شخصی از یک مکتب اهریمنی، حتی می‌تواند بیشتر از این خطرناک باشد، زیرا یک روباه یا یک خنزیر در مجسمه بودا فرو خواهد رفت.

بسیار خطرناک خواهد بود اگر یک مجسمه بودا را که تبرک را نگذارنده است عبادت کنید. چه خطری می‌تواند داشته باشد؟ گفته‌ام آنطوریکه انسان تا به امروز رشد کرده است، همه چیز سیر قهقرای را پیموده است. تمام جامعه و هر چیزی که در همه عالم وجود دارد بطور توالی در حال فاسد شدن هستند. هر چیزی که برای مردم عادی اتفاق می‌افتد بوسیله خودشان بوجود آمده است، خودشان. بسیار مشکل است که یک راه درست را پیدا کرد یا یک راه درست را دنبال نمود، زیرا که از جهات مختلف مزاحمت‌هایی خواهد بود. فرد می‌خواهد که بودا را دعا کند، اما بودا چه کسی است؟ بسیار مشکل است که یک بودا را برای دعا کردن پیدا نمود. اگر به این معتقد نیستید، بگذارید برایتان روشن کنم. این وحشتناک خواهد بود وقتی که اولین شخص یک مجسمه بودا را عبادت کند که از میان تبرک نگذشته باشد. چه تعداد افراد در حال حاضر یک بودا را عبادت می‌کنند که به میوه حقیقت در تزکیه نایل شده است؟ از چنان مردمی تعداد بسیار کمی وجود دارد. انگیزه اصلی مردم از عبادت یک بودا چیست؟ آنها در جستجوی از بین بردن ناراحتی‌هایشان هستند، حل کردن مشکلات، و کسب دارایی. آیا این چیزها از رساله‌های بودیستی آمده‌اند؟ چنین چیزهایی اصلاً وجود ندارند.

حدس بزنید که یک عبادت‌کننده بودا که در پی کسب پول است در مقابل مجسمه بودا خودش را به خاک انداخته یا در مقابل بودهیساتوا آوالوکیسوارا یا یک تاتاگاتا بگوید: «خواهش می‌کنم به من کمک کن تا کمی پول

بدست بیاورم.» خوب، یک فکر کامل شکل خواهد گرفت. از آنجا که این تقاضا در مقابل مجسمه بودا انجام شده است، فوراً در مجسمه بودا طرح ریزی می‌شود. در بعدی دیگر، یک موجود می‌تواند بزرگ یا کوچک شود. وقتی این فکر به این موجود برسد، مجسمه بودا مغز و روان خواهد داشت، اما جسمی نخواهد داشت. مردم دیگر نیز می‌آیند تا مجسمه بودا را عبادت کنند. با این شکل از عبادت، آنها بتدریج به او مقداری انرژی می‌دهند. اگر یک تمرین‌کننده آن را عبادت کند می‌تواند خطر بیشتری را داشته باشد، زیرا این عبادت می‌تواند تدریجاً به آن انرژی بدهد و آن را قادر به درست کردن شکلی از یک جسم عینی کند. اما این جسم عینی در بعدی دیگر شکل گرفته است. بعد از اینکه آن شکل گرفته است، در بعدی دیگر موجودیت پیدا می‌کند و می‌تواند همچنین بعضی از حقایق عالم را یاد بگیرد. به همین جهت، می‌تواند بعضی کارها را برای مردم انجام دهد. بدین طریق، آن نیز می‌تواند مقداری گونگ (gong) تولید کند. اما به مردم با شرط و در مقابل یک قیمت کمک می‌کند. آن آزادانه در بعدهای دیگر حرکت می‌کند و می‌تواند مردم عادی را کاملاً به راحتی کنترل کند. این جسم عینی درست ظاهری مثل مجسمه بودا دارد. پس این عبادت بشری است که یک بوده‌یساتوا آوالوکیسوارای تصنیی یا یک تاتاگاتای دروغین را خلق کرده است، که درست شبیه مجسمه بودا با صورت ظاهر وی است. اما روان بودای تصنیی یا بوده‌یساتوای دروغین بی‌نهایت بد می‌باشد و در جستجوی پول است. آن در بعد دیگری تولد یافته است. با یک فکر، با آشنایی اندکی به حقیقت جرأت نمی‌کند که اعمال بد بزرگی را انجام دهد، اما جرأت انجام دادن اعمال بد کوچک را دارد. بعضی مواقع نیز به مردم کمک می‌کند؛ وگرنه کاملاً اهریمنی است و کشته خواهد شد. چگونه به مردم کمک می‌کند؟ وقتی کسی دعا می‌خواند: «بودا، خواهش می‌کنم به من کمک کن زیرا کسی در خانه مریض است»، خوب، به تو کمک می‌کند. کاری می‌کند که تو در جعبه‌های اهدایی پول اهدا کنی زیرا که به دنبال پول است. هر چه بیشتر درجعبه‌های اهدایی پول بریزی، سریعتر بیماری‌ها شفا خواهند یافت. به خاطر اینکه انرژی دارد، فرد عادی را از بعدهای دیگر می‌تواند، یک کنترل کند. اگر یک تمرین‌کننده برای دعا نزد او برود بطور فوق‌العاده‌ای خطرناک خواهد شد، برای چه این تمرین‌کننده دعا می‌خواند؟ پول. همگی درباره‌ آن فکر کنید: چرا یک تمرین‌کننده به دنبال پول می‌رود؟ دعا کردن برای از بین بردن بدبختی و بیماری‌های اعضای خانواده وابستگی احساسی به فامیل شخص است. آیا می‌خواهید سرنوشت مردم دیگر را تغییر بدهید؟ هر کسی سرنوشت خودش را دارد اگر او را عبادت کنید و زیر لب بگویید: «خواهش می‌کنم به من در بدست آوردن مقداری پول کمک کن»، خوب، کمکتان خواهد نمود. دوست دارد که بیشتر بدببال پول باشید، زیرا هر چه بیشتر پول را بخواهید، چیزهای بیشتری از شما خواهد گرفت. این یک مبادله‌ عادلانه‌ای است. عبادت کنندگان دیگر پول زیادی را در جعبه اهدائیات ریخته‌اند، و آن می‌گذارد که مقداری از آن را بدست آورید. چگونه این انجام می‌شود؟ ممکن است یک کیف پول را وقتی که در بیرون قدم می‌زنید پیدا کنید، یا در محل کار ممکن است به شما پاداش بدهند. به هر حال، ترتیبی می‌دهد که پول گیرتان بیاید. چگونه آن می‌تواند بدون شرط به شما کمک کند؟ اگر باختی نباشد، بردی نیست. آن مقداری از گونگ شما را اگر احتیاج داشته باشد بر می‌دارد، یا dan را که تزکیه کرده‌اید. او این چیزها را می‌خواهد.

این بوداهای دروغین بعضی مواقع بسیار خطرناک هستند. بسیاری از تمرین‌کنندگان ما با چشم آسمانی باز تصور می‌کنند که یک بودا را دیده‌اند. ممکن است شخصی بگوید که یک گروه از بوداها امروز به این معبد آمدند، با بودایی که این یا آن نامیده می‌شد گروهی از آنها را رهبری می‌کرد. این شخص توضیح می‌دهد که گروه دیروزی چگونه بود، گروه امروزی چگونه است، و اینکه بلافاصله بعد از یک گروه که معبد را ترک می‌کند، گروه‌های دیگر سر می‌رسند. اینها چه کسانی هستند؟ آنها درست به این طبقه تعلق دارند - و بوداهای واقعی نیستند، بلکه بوداهای ساختگی می‌باشند. این موارد حقیقتاً بیشمار هستند.

اگر این جریان در معبد اتفاق بیفتد خطر بیشتری دارد. اگر راهبان آن را عبادت کنند، به حساب راهبان خواهد رسید: «آیا مرا عبادت نمی‌کنید؟ و شما این را با فکری روشن انجام می‌دهید! خوب، آیا نمی‌خواهید عمل تزکیه را انجام دهید؟ از شما مواظبت کرده و خواهم گفت که چگونه تزکیه کنید.» تدارکاتی برای راهبان خواهد دید. اگر آنها تزکیه را کامل کنند به کجا خواهند رفت؟ از وقتی که عمل تزکیه بوسیله او تدارک دیده شده است، هیچ مدرسه تزکیه‌ای در سطوح بالا شما را قبول نخواهد کرد. از آنجا که همه چیز را برایتان تدارک می‌بیند، مجبورید در آینده آن را دنبال کنید. آیا تزکیه شما به بی‌ثمری خاتمه خواهد یافت؟ گفته‌ام که در حال حاضر برای نوع بشر بسیار مشکل است که به میوه حقیقت در تزکیه نایل شود. این پدیده واقعاً عادی است. بسیاری از شما نور بودا را در کوههای شناخته شده و مسیر رودخانه‌های بزرگ دیده‌اید. اکثریت آنها تعلق به این قشر دارند. آن انرژی دارد و می‌تواند خودش را نشان بدهد. یک شخص روشن بین واقعی بندرت خودش را آشکار می‌کند.

در گذشته، به نسبت کمی به اصطلاح بوداها و تائوهای زمینی وجود داشتند. به هر حال، در حال حاضر تعداد زیادی از آنها وجود دارند. وقتی اعمال نادرستی را مرتکب شوند، موجودات سطوح بالاتر آنها را خواهند کشت. وقتی موقع انجام این کار فرا می‌رسد، آنها فرار کرده و به مجسمه بودا می‌چسبند. معمولاً، یک روشن بین بزرگ برحسب اتفاق با اصول مردم عادی مداخله نمی‌کند. هر چه سطح یک شخص روشن‌بین بالاتر باشد، کمتر در اصول مردم عادی خود را به زحمت می‌اندازد که دخالت کند، حتی به اندازه یک ذره کوچک هم دخالت نمی‌کند. بعد از همه اینها، موجود والاتر به ناگهان یک مجسمه بودا را با رعد و برق خرد خواهد کرد، زیرا که او چنین کاری را نمی‌کند. موجود والاتر آنها را به حال خودشان می‌گذارد اگر فرصت کنند از مجسمه بودا بالا می‌روند. آنها می‌دانند که امکان از بین رفتنشان است، در نتیجه سعی می‌کنند فرار کنند. در نتیجه، آیا آنچه را که می‌بینید بودهیساتوا آوالوکیسوارای واقعی است؟ آیا آنچه را که می‌بینید یک بودای حقیقی است؟ این مشکل است که گفته شود.

تعدادی از شما ممکن است درباره این موضوع فکر کنید: «با مجسمه بودا در خانه چه باید بکنیم؟» شاید تعدادی از مردم درباره من فکر کرده‌اند. برای کمک به تمرین‌کنندگان در تزکیه‌اشان، به شما می‌گویم که به این طریق می‌توانید انجام دهید. درحالی‌که مجسمه بودا را در دستتان دارید، می‌توانید کتاب مرا بردارید (زیرا کتاب شامل عکس من می‌باشد) یا عکس مرا. سپس علامت دست گل نیلوفر آبی بزرگ (Big lotus flower hand) sign⁵ را انجام دهید و از معلم برای تبرک درخواست کنید، درست مثل اینکه از من تقاضا می‌کنید. تبرک در عرض نیم دقیقه انجام خواهد شد. بگذارید برای همگی اتان بگویم که این فقط می‌تواند برای تمرین‌کنندگان ما انجام گردد. تبرک برای آشناها و دوستان شما بکار برده نخواهد شد، زیرا که ما فقط از تمرین‌کنندگان مواظبت می‌کنیم. بعضی از افراد می‌گویند که عکس مرا به خانه آشناها و دوستانشان خواهند برد تا ارواح اهریمنی را دور نگهدارند. من برای دور کردن ارواح پلید برای مردم عادی اینجا نیامده‌ام - این بدترین بی‌احترامی برای معلم است.

در مورد موضوع بوداهای زمینی و تائوهای زمینی، مسئله دیگری وجود دارد. در چین باستان، مردم بسیاری وجود داشتند که در کوهستان‌های دور افتاده و جنگل‌های عمیق تزکیه می‌کردند. چرا امروزه در آن مناطق کسی نیست؟ درحقیقت، آنها ناپدید نشده‌اند. فقط اجازه نمی‌دهند مردم عادی چیزی درباره آنها بدانند، حتی تعدادشان کمتر هم نشده است. این مردم همگی دارای قدرت‌های فوق طبیعی هستند. اینطور نیست که آنها در طی این سال‌ها ناپدید شده‌اند - آنها هنوز هم اینجا و آنجا هستند، هزاران نفر از این افراد امروزه در دنیا وجود دارند. تعداد نسبتاً زیادی از این اشخاص در کشور ما هستند، مخصوصاً در کوه‌های مشهور و در سرتاسر رودخانه‌های

۵- Big lotus flower hand sign - حالتی از دست برای تبرک.

اصلی. آنها همچنین در کوههای بسیار مرتفعی وجود دارند، اما در غارها را با قدرت‌های فوق طبیعی‌اشان مهر و موم می‌کنند بطوریکه کسی نتواند آنها را ببیند. روند تزکیه‌شان نسبتاً آرام، و روش‌هایشان تقریباً ناشیانه است زیرا درکی از جوهر تزکیه ندارند. اما ما مستقیماً به فکر شخص نشانه می‌رویم و برطبق بالاترین طبیعت و فرم عالم تزکیه می‌کنیم. طبیعتاً، گونگ با سرعت بیشتری رشد می‌کند. زیرا که راه‌های روش‌های تزکیه مثل یک هرم هستند؛ فقط راه مرکزی مسیر اصلی آن است. در راه‌ها و مسیرهای کوچک، سطح شین شینگ شخص در تزکیه ممکن است بالا نباشد. شخص ممکن است روشن بین شود بدون اینکه به یک سطح بالایی از تزکیه رسیده باشد. به هر حال، آنها پایین تر از راه اصلی در عمل تزکیه واقعی هستند.

فردی از چنین مدرسه‌ای از تزکیه نیز مریدانی را انتخاب می‌کند. از آنجا که این روش می‌تواند فقط به یک حدی از تزکیه برسد و سطح شین‌شینگ شخص می‌تواند فقط به آن حد رشد کند، تمام مریدان روش تزکیه به آن حد تزکیه خواهند نمود. هر چه یک روش راه کناری به حول و حوش تزکیه نزدیکتر باشد، نیاز بیشتری را طلب می‌کند، و عمل تزکیه آن پیچیده تر می‌شود، زیرا که آن نمی‌تواند درکی از جوهر تزکیه داشته باشد. شخص، در تزکیه بطور اساسی باید شین شینگ خودش را تزکیه کند. آنها هنوز هم این را نفهمیده‌اند و معتقدند که می‌توانند فقط با تحمل سختی‌ها و مشقت‌ها تزکیه کنند. به همین جهت، بعد از یک دوره طولانی از زمان و انجام دادن تزکیه برای چند صد سال یا بیشتر از یک هزار سال، فقط یک قسمت کوچکی از گونگ را کسب کرده‌اند. در حقیقت، از طریق رنج و مشقت نیست که گونگ را کسب کرده‌اند. چگونه آن را بدست آورده‌اند؟ این درست در مورد یک شخص معمولی هم صدق می‌کند: شخص وابستگی‌های بسیاری در جوانی دارد، اما با گذشت زمان پیر می‌شود، با گذشت زمان آینده شخص ناامیدانه بنظر می‌آید. وابستگی‌ها بطور طبیعی رها و فرسوده شده‌اند. این روش‌های راه کناری نیز این روش را مورد استفاده قرار می‌دهند. آنها دریافته‌اند که وقتی شخص در حالت مدیتیشن می‌نشیند، یا خلسه و سختی‌هایی را در روند تزکیه تحمل می‌کند، می‌تواند گونگ را رشد دهد. اما نمی‌دانند که وابستگی‌های مردم عادی به آهستگی در طی یک دوره طولانی و سخت از زمان است که پاک شده است، و به دلیل رها کردن آرام آرام وابستگی‌ها است که گونگ رشد کرده است.

روش ما به این وابستگی‌ها توجه دارد و بطور واقعی به آنها اشاره می‌کند. شخص با از بین بردن آنها، بسیار سریع در تزکیه پیشرفت می‌کند. من در بعضی از مناطق بوده‌ام جایی که در اغلب موارد با افرادی مواجه شده‌ام که سالیان طولانی ای تزکیه کرده‌اند. آنها گفتند: «هیچکس نمی‌داند که ما اینجا هستیم. با توجه به آنچه که شما انجام می‌دهید، مداخله‌ای نمی‌خواهیم در آن داشته باشیم یا مشکلی بوجود آوریم.» این اشخاص به آن طبقه از کسانی که نسبتاً خوب هستند تعلق دارند.

افراد بدی هم بوده‌اند که مجبور بودیم با آنها سرو کله بزنیم. بطور مثال، وقتی کلاسی در گویی‌شو (Guizhou)^۶ برای اولین بار داشتم، کسی در خلال کلاس به سراغ من آمد و گفت که استاد ارشد او می‌خواهد مرا ببیند. او استاد ارشد خودش را توصیف کرد و اینکه چگونه برای سال‌های زیادی تزکیه کرده بود. دیدم که این شخص انرژی چی (qi) منفی را حمل می‌کند و بسیار شرور و بیرحم بنظر می‌آید و صورتی زرد رنگ دارد. به او گفتم که وقتی برای دیدن استاد او ندارم و او را رد کردم. در نتیجه، استاد پیر او عصبانی شد و شروع کرد برای من درسهایی را درست کردن، با سماجت مشکلاتی برای هر روز من تدارک می‌دید. من شخصی هستم که میلی به جنگ و دعوا با دیگران ندارم، و حتی ارزش آن را نداشتم که با او بگو مگویی بکنم. هر زمان که چیزهای بدی برای من می‌فرستاد، آنها را پاک می‌کردم. بعد از آن، شروع به ادامه دادن سخنرانی‌هایم می‌کردم.

^۶ - Guizhou (guiay - jhoo) - استانی در قسمت جنوب غربی چین

تائوئیستی در سلسله مینگ (Ming)^۷ وجود داشت، که بوسیله یک مار در زمان تزکیه تائوئیستی‌اش تسخیر شده بود. بعداً، این تائوئیست بدون اینکه تزکیه‌اش را خاتمه بدهد درگذشت. مار بدن تائوئیست را تصاحب کرد و یک شکل انسانی را تزکیه نمود. استاد ارشد آن مرد همان مار بود با شکلی انسانی. به خاطر اینکه طبیعت او تغییر نکرده بود، خودش را به صورت مار بزرگی تغییر شکل داده بود تا برای من مشکل درست کند. فکر کردم که او بیش از حد خود جلو رفته است، در نتیجه با دستم او را گرفتم. من یک گونگ بسیاری قوی‌ای را بنام «گونگ حل کننده» برای حل کردن قسمت پائینی بدن او و برگرداندن آن به آب بکار بردم. قسمت فوقانی بدن او با عجله توانست در برود.

یک روز، مسئول مرکز دستکاری ما در شهر گویی‌شو (Guizhou) بوسیله شاگرد شخصی که می‌گفت استاد ارشد او می‌خواهد او را ببیند تماس گرفته شد. مسئول به آنجا رفت و داخل غاری تاریک شد که نمی‌توانست چیزی را ببیند به غیر از سایه‌ای که آنجا نشسته بود با چشمانی درخشان با نوری سبز رنگ. وقتی چشم‌هایش را باز می‌کرد، غار روشن می‌شد. وقتی چشمانش را می‌بست غار دوباره تاریک می‌شد. او با یک لهجه محلی گفت: «لی هنگچی دوباره باز خواهد گشت، و هیچکدام از ما دوباره چنان مشکلاتی را این دفعه موجب نخواهیم شد. من اشتباه کردم. لی هنگچی آمده است که نجات را به موجودات عرضه کند.» مرید او از او سؤال کرد: «استاد ارشد، لطفاً بلند شوید. پاهای شما چه مشکلی دارند؟» او جواب داد: «من دیگر نمی‌توانم روی پاهایم بایستم زیرا که آنها صدمه دیده‌اند.» وقتی که سؤال کرد آنها چگونه صدمه دیده‌اند، شروع کرد به شرح دادن دوره‌ای که مشکل درست می‌کرد. در سال ۱۹۹۳ در نمایشگاه سلامتی شرق در پکن، دوباره برای من مشکلاتی بوجود آورد. از آنجا که همیشه اعمال بدی را انجام می‌داد و با آموزش دافای من مزاحمت ایجاد می‌کرد، او را کاملاً از بین بردم. بعد از اینکه از بین رفت، برادران و خواهران دنباله رو او همگی می‌خواستند شروع به حمله کنند. در آن زمان، چند کلمه‌ای به آنها گفتم. به همگی آنها شوک وارد شد و بقدری ترسیدند که هیچکدامشان جرأت نکردند کاری انجام دهند. آنها همچنین متوجه شدند که اوضاع از چه قرار بود. هنوز هم بعضی از آنها افرادی کاملاً عادی بودند با اینکه برای زمانی طولانی تزکیه کرده بودند. اینها مثال‌هایی هستند که برایتان در رابطه با موضوع تبرک عنوان کرده‌ام.

ذویوکو Zhuyou ke^۸

ذویوکو چیست؟ در حوزه تزکیه کنندگان، در جریان تعلیم چی‌گونگ افرادی هستند که آن را به عنوان مقوله‌ای از تزکیه تعلیم می‌دهند. اما در حقیقت، آن چیزی نیست که به طبقه تزکیه تعلق داشته باشد. این روش بصورت مهارت‌ها، سحر و جادو، و فنون آموزش داده می‌شود. تشریفاتی مثل کشیدن علائم جادویی، دود کردن عود، آتش زدن کاغذ و خواندن سحر و جادو و غیره است. می‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد، و روش‌های معالجه آن بسیار بی‌نظیر است. بطور مثال، اگر کسی در صورتش کورک پیدا کرده است، تمرین کننده یک دایره روی زمین با یک قلم خیس شده از جیوه می‌کشد و یک "X" در وسط آن ترسیم می‌کند. از شخص خواسته می‌شود که در وسط دایره بایستد، بعد از آن شروع به خواندن سحر و جادو می‌کند. بعداً از قلم جیوه‌ای برای کشیدن دایره‌هایی در صورت او استفاده می‌کند. در حین اینکه دایره‌ها را می‌کشد، به خواندن نیز ادامه می‌دهد. به کشیدن ادامه می‌دهد تا اینکه یک نقطه در کورک می‌گذارد، و خواندن شکل‌های جادویی نیز در آن موقع تمام می‌شود. به او می‌گویند که کورک هم اکنون خوب است، وقتی که او به کورک دست می‌زند، در حقیقت آن را کوچکتر می‌یابد و

۷ the – Ming - Dynasty – دوره ای بین ۱۳۶۸ AD و ۱۶۴۴ A.D در تاریخ چین .

۸ Zhuyou Ke (Jew – Yo Kuh) – روش استدعا.

اینکه دیگر دردی ندارد، زیرا ذویوکو می‌تواند مؤثر باشد. او می‌تواند بیماری‌های کوچکتری را شفا بدهد، اما نه بیماری‌های بزرگتر را. اگر دست شما درد بگیرد چه کاری را انجام خواهد داد؟ شروع می‌کند به خواندن سحر و جادو در حالیکه از شما می‌خواهد بازویتان را بیرون نگه دارید. به نقطه (هگو) (Hegu) ^۹ این دست شما فوت خواهد کرد و می‌گذارد که آن از طریق نقطه (هگو) (Hegu) دست دیگرتان بیرون بیاید. شما یک نسیم از هوا را احساس خواهید نمود، و وقتی که دستتان را لمس کنید، مثل قلبش احساس درد نخواهید داشت. بعلاوه، بعضی از افراد روش‌های سوزاندن کاغذ، کشیدن علائم، پست کردن علائم و غیره را بکار می‌برند. آنها این کارها را انجام می‌دهند.

روشهای راه کناری جهانی در مکتب تائو از تزکیه زندگی صحبتی به عمل نمی‌آوردند. آنها کلاً شیفته گرفتن آینده، غیب گوئی تعبیر منظره (فنگ – شوویی) (Fengshui) ^{۱۰}، از بین بردن ارواح پلید، و شفا دادن بیماری‌ها هستند. تمام این چیزها بوسیله روش‌های راه کناری جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنها می‌توانند بیماری‌ها را شفا بدهند، اما روشی را که بکار می‌برند خوب نمی‌باشد. ما نمی‌خواهیم توضیح بدهیم که از چه چیزی برای شفا دادن بیماری‌ها استفاده می‌کنند، اما تمرین کنندگان دافای ما نباید آنها را مورد استفاده قرار دهند زیرا که حامل پیام‌های بسیار پایین و بسیار بدی هستند. در چین باستان، روش‌های شفا دهنده به موضوعاتی از قبیل، روش‌های شکسته بندی، طب سوزنی، ماساژ، دست ورزی درمان چی‌گونگ، طب سوزنی فشار، طب گیاهی و غیره طبقه‌بندی می‌شدند. آنها به بخش‌های زیادی تقسیم بندی شده‌اند. هر روش شفا دهنده یک رشته نامیده شده است. ذویوکو به رشته سیزدهم طبقه‌بندی شده است.

برای همین، اسم کامل آن (The number Thirteen Subject of Zhuyou) رشته نمره سیزدهم ذویوکو است. ذویوکو چیزی در طبقه تزکیه ما نیست، زیرا که گونگ نیست که از طریق تزکیه بدست می‌آید در عوض، چیزی مثل یک مهارت است.

۹- Hegu (huh – goo) Point – نقطه طب سوزنی در پشت دست بین شست دست و انگشت سبابه

۱۰- Fengshui (fung – shway) – روشی چینی برای تعبیر منظره

سخنرانی ششم

تزکیه جنون (جنون در تزکیه)

در حوزه تزکیه‌کنندگان، اصطلاحی به نام جنون حاصل از تزکیه وجود دارد. آن تأثیر بسیار بزرگی بر عموم داشته است. بخصوص، بعضی از مردم آن را آنقدر منتشر و توزیع کرده‌اند که بعضی از افراد از انجام دادن چی‌گونگ در ترس می‌باشند. وقتی مردم درباره تمرین چی‌گونگ می‌شنوند که ممکن است تزکیه را به جنون بکشاند، بیش از حد وحشت می‌کنند که آن را شروع کنند. در حقیقت، بگذارید برایتان توضیح بدهم جنون حاصل از تزکیه به هیچ‌وجه وجود ندارد.

یکسری از افراد به خودشان ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را جذب کرده‌اند زیرا فکرشان صالح و درستکار نمی‌باشد. خود آگاهی اصلی آنها قادر نیستند خودشان را کنترل کنند و تصور می‌کنند که آنها گونگ هستند. بدن آنها بوسیله ارواح یا حیوانات تسخیر کننده فرمان می‌گیرد، آنها را ذهناً سردرگم می‌کند یا اینکه وادار به بیخ زدن و نعره کشیدن می‌کند. وقتی مردم می‌بینند که تمرین چی‌گونگ بدین صورت است، بیش از حد وحشت‌زده می‌شوند که تمرین کنند. بسیاری از شما فکر می‌کنید که این چی‌گونگ است، اما چگونه می‌تواند این تمرین چی‌گونگ باشد؟ این فقط پایین‌ترین وضعیت برای شفا یافتن و خود را سالم نگهداشتن است، اما این بسیار خطرناک است. اگر به این صورت عادت کنید، ضمیر خودآگاه اصلی‌تان برای همیشه قادر نخواهد بود خودش را کنترل کند. در نتیجه بدن شما ممکن است بوسیله ضمیر خودآگاه کمکی، پیغام‌های خارجی، ارواح یا حیوانات تسخیر کننده و غیره تحت‌الشعاع قرار بگیرد. شما ممکن است در بعضی از رفتارهای خطرناک شرکت کنید و باعث صدمه بزرگی به اجتماع تزکیه‌کنندگان شوید. این بوسیله فکر بی‌بندوبار شخص و وابستگی به خودستایی خود شخص بوجود می‌آید - این جنون حاصل از تزکیه نیست. هیچکس نمی‌داند که چگونه بعضی از افراد به اصطلاح استادان چی‌گونگ شده‌اند، زیرا آنها نیز به جنون حاصل از تزکیه اعتقاد دارند. در واقع، تمرین چی‌گونگ نمی‌تواند شخص را به جنون حاصل از تزکیه بکشاند. اغلب مردم این اصطلاحات را از نوشته‌های ادبی، از رمان‌های ورزشهای رزمی، و غیره می‌آموزند. اگر به آن اعتقاد ندارید، می‌توانید به کتاب‌های قدیمی یا کتاب‌های تزکیه رجوع کنید، که چنین چیزهایی در آنها وجود ندارد. چگونه می‌تواند جنون حاصل از تزکیه در آنجا وجود داشته باشد؟ این غیرممکن است که چنین چیزی اتفاق بیفتد.

معمولاً اعتقاد بر این است که جنون حاصل از تزکیه چندین مورد دارد. آنچه را که الان ذکر کردم نیز یکی از این موارد است. از آنجا که فکر شخص صالح نیست، ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را به خود جذب می‌کند و ذهنیت‌های متفاوتی مثل طلب کردن بعضی از موقعیت‌ها در چی‌گونگ برای خودستایی دارد. بعضی از افراد مستقیماً بدنال توانایی‌های فوق‌طبیعی‌اند یا چی‌گونگ قلابی را تمرین کرده‌اند. وقتی آنها چی‌گونگ را تمرین می‌کنند، عادت دارند که از ضمیر خودآگاه اصلی‌شان دست بکشند. آنها آگاهی‌شان را به هر چیزی از دست می‌دهند و بدن‌هایشان را به دیگران تقدیم می‌کنند. آنها ذهناً سردرگم شده‌اند و می‌گذارند که بدن‌هایشان بوسیله ضمیر خودآگاه کمکی یا پیغام‌های خارجی فرمان بگیرند. آنها بعضی از رفتارهای عجیب را به نمایش می‌گذارند. به چنین شخصی، اگر گفته شود از بالای یک ساختمان به پایین می‌پرد یا در آب شیرجه می‌رود. خود او شخصاً حتی تمایلی به زندگی کردن ندارد و می‌خواهد که بدنش را به دیگران واگذار کند. این جنون حاصل از تزکیه نیست، اما در تمرین چی‌گونگ باعث گمراهی می‌شود، و از آغاز بوسیله اعمال شخص بصورت عمدی بوجود می‌آید. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که تاب خوردن بدن‌شان به اطراف بطور غیرعمدی یک تمرین چی‌گونگ است. در حقیقت، اگر شخصی بطور واقعی در این مرحله چی‌گونگ را تمرین کند، می‌تواند به عواقب جدی‌ای رهنمون شود. آن تمرین چی‌گونگ نیست، بلکه نتیجه‌ای از وابستگی‌ها و طلب‌های مردم عادی است.

مورد دیگر که در تمرین چی گونگ وجود دارد، این است که شخص وقتی که چی در جایی از بدن تراکم پیدا می کند یا نمی تواند از بالای سر او پایین بیاید می ترسد. بدن بشری عالمی کوچک است. مخصوصاً در روش تائوئیسم، وقتی چی از میان یک کانال می گذرد، شخص دچار این مشکلات می گردد. اگر چی (qi) نتواند از میان کانال بگذرد، در آنجا متوقف خواهد شد. این نه تنها در سر می تواند اتفاق بیفتد، بلکه همچنین در قسمت های دیگر بدن نیز اتفاق می افتد؛ به هر حال، بیشترین جای حساس یک شخص سر او می باشد. چی به بالای سر صعود می کند و سپس پایین می آید. اگر چی نتواند از میان یک کانال رد شود، شخص چنان احساسی تجربه خواهد کرد که سر بسیار سنگین و متورم به نظر می آید مثل اینکه یک کلاه سنگین از چی را به سر دارد و غیره. اما چی نه می تواند چیزی را کنترل کند، و نه می تواند باعث مشکلی گردد یا بیماری ای را بوجود آورد. بعضی از مردم حقیقت را درباره چی گونگ نمی دانند و یک سری نظریات اسرارآمیز دارند که باعث هرج و مرج شده است. از این رو، مردم معتقدند که اگر چی به بالای سر صعود کند و نتواند پایین بیاید، شخص جنون از تزکیه را خواهد گرفت، یا اشتباهی خواهد شد. بعنوان نتیجه، بسیاری از مردم شخصاً وحشت می کنند.

اگر چی به بالای سر برسد و نتواند پایین بیاید، فقط وضعیتی موقتی است. در مورد بعضی از افراد، آن می تواند زمانی طولانی یا نیم سال طول بکشد، و هنوز هم پایین نمی آید. اگر علتش آن باشد، شخص می تواند یک استاد چی گونگ واقعی را برای هدایت پایین آوردن چی پیدا کند، و چی می تواند پایین بیاید. در تمرین چی گونگ، برای کسانی که شما که چی اتان نتوانسته از میان یک کانال رد شود یا پایین بیاید باید در جستجوی دلایلی در شین شینگ خودتان باشید و ببینید که اگر برای مدت زیادی در همان سطح باقی مانده اید و اینکه باید شین شینگ خودتان را ترفیع دهید! زمانی که بطور واقعی شین شینگ خودتان را ارتقاء می دهید، خواهید یافت که چی پایین آمده است. شما نمی توانید تنها در طلب دگرگونی گونگ در بدن فیزیکی اتان باشید بدون اینکه تأکید بر رشد شین شینگ خودتان کنید. آن در انتظار شما برای ترفیع شین شینگتان است - فقط بعد از آن می تواند تغییری کلی بوجود آید. اگر چی واقعاً مسدود است، هنوز هم نمی تواند مشکلی را سبب گردد. اینها معمولاً عوامل روانی ما هستند که نقش دارند. بعلاوه، اگر شخص از یک استاد چی گونگ قلابی خبردار شود که وقتی چی به بالای سر می رسد ممکن است مشکلی پیش آید، خواهد ترسید. با این ترس، این جریان در حقیقت می تواند برای این شخص مشکلی بوجود آورد. وقتی یکبار ترسیده اید، این یک وابستگی حاصل از ترس خواهد بود. آیا این یک وابستگی نیست؟ زمانی که وابستگی اتان ظاهر می شود، آیا نباید رها گردد؟ هر چه بیشتر بترسید، بیشتر بیمار به نظر خواهید رسید. این وابستگی شما باید از بین برود. شما از این جریان درس خواهید آموخت بطوریکه ترس شما می تواند از بین برود، و می توانید رشد کنید.

تمرین کنندگان در تزکیه آینده اشان از لحاظ جسمی احساس خوبی نخواهند داشت، از آنجا که بدن های آنها انواع بسیاری از گونگ را رشد خواهند داد، همه آنها چیزهایی هستند بسیار با قدرت که در داخل بدن هایشان حرکت خواهند نمود؛ و باعث می شوند که احساس ناراحتی به این یا آن طریق داشته باشند. دلیل اینکه ناراحت خواهید بود این است که شما اصولاً همیشه از اینکه بیمار شوید می ترسید. در حقیقت، چیزهایی که در بدن شما رشد نموده اند کاملاً با قدرت هستند؛ و همه آنها گونگ، توانایی های فوق طبیعی، و بسیاری موجودات دیگر هستند. اگر آنها در اطراف بدنتان حرکت کنند، جسماً احساس خارش، درد، معذب بودن، و غیره خواهید کرد. انتهای اعصاب بسیار حساس هستند؛ و همه نوع نشانه های بیماری وجود خواهند داشت. تا زمانی که بدن شما به طور کامل به ماده انرژی اعلاء تبدیل نشده است، به این شکل احساس خواهید کرد. به هر صورت به آن باید بصورت یک مورد خوب نگاه کرد. بعنوان یک تمرین کننده، اگر همیشه با خودتان مثل یک فرد عادی برخورد کنید و همیشه فکر کنید که بیمار هستید، چگونه می توانید تزکیه کنید؟ وقتی که درد و محنتی در تزکیه پیش آید، اگر هنوز هم به عنوان یک فرد عادی با خودتان برخورد می کنید پس می توانم بگویم که شین شینگ شما در همان لحظه به سطح مردم عادی سقوط کرده است. شما حداقل در رابطه با این موضوع بخصوص، به سطح یک فرد عادی سقوط کرده اید.

ما بعنوان تمرین کنندگانی حقیقی، بایستی به مسائل از سطحی بسیار بالا نگاه کنیم به جای اینکه از نظرگاه مردم عادی این کار را بکنیم. اگر معتقد باشید که بیمار هستید، این ممکن است واقعاً باعث بیماری اتان گردد. زیرا وقتی یک بار پنداشتید

که بیمار هستید، سطح شین‌شینگ شما به همان اندازه مردم عادی خواهد بود. تمرین چی‌گونگ و تزکیه واقعی به بیماری ختم نمی‌شود، مخصوصاً در تحت این شرایط. این برای همه روشن است آنچه که واقعاً باعث بیماری مردم می‌شود هفتاد درصد آن روانی و سی درصد جسمی است. معمولاً، شخص فروپاشی روانی را تجربه می‌کند، و فکر نمی‌تواند از پس آن بریاید، و او قبل از اینکه شرایط بیماری بطور چشمگیری بدتر شود از یک بار سنگین روانی زجر می‌برد. و این معمولاً به این صورت است. بطور مثال، زمانی شخصی بود که او را محکم به تخت بسته بودند. یکی از بازوان او را گرفته و بیان کردند که می‌خواهند آن را ببرند تا خون از آن جاری شود. سپس چشمان او را با پارچه‌ای بستند و مچ دست او را خراشیدند. (دست او در اصل بریده نشده بود و خون نمی‌آمد.) یک شیر آب را باز گذاشتند بطوریکه او می‌توانست چکیدن آب را بشنود، و فکر می‌کرد که خون او می‌چکد. مرد بعد از زمان کوتاهی درگذشت. در حقیقت، او زخمی نشده بود و خونریزی نداشت این آب بود که جریان داشت و می‌چکید. عوامل روانی باعث مرگ او شدند. اگر شما همیشه معتقد باشید که بیمار هستید، احتمالاً خودتان را در نهایت بیمار خواهید کرد. از آنجا که شین‌شینگ شما به سطح یک فرد عادی سقوط کرده است، البته، یک فرد عادی طبیعتاً بیماری‌هایی خواهد داشت.

بعنوان یک تمرین کننده، اگر همیشه فکر کنید که این یک بیماری است، در حقیقت برای آن تقاضا می‌کنید. اگر یک بیماری را بخواهید، به داخل جسم شما خواهد آمد. بعنوان یک تمرین کننده، سطح شین‌شینگ شما باید بالا باشد. نباید همیشه نگران باشید که آن یک بیماری است، زیرا این ترس از بیماری یک وابستگی است و درست به همان شکل برایتان مشکل درست خواهد نمود. در عمل تزکیه لازم است که شخص کارما را از بین ببرد، و آن دردناک است. چگونه شخص می‌تواند در آسایش گونگ را رشد بدهد؟ چگونه شخص می‌تواند به هر حال وابستگی‌هایش را از بین ببرد؟ بگذارید داستانی از بودیسم را برایتان باز گو کنم. زمانی شخصی بود که بعد از تلاشی زیاد در تزکیه به مقام آرهای (Arhat) رسید. درست وقتی که نزدیک بود به میوه حقیقت نایل شود و یک آرهای گردد، چگونه می‌توانست خوشحال نباشد؟ او داشت به فراسوی جهان سه‌گانه می‌رفت! با این حال هیجان یک وابستگی است، یک وابستگی از نوع ذوق و شغف. یک آرهای باید از هر وابستگی‌ای آزاد باشد، با قلبی که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. اما او سقوط کرد، و تزکیه او به بی‌ثمری خاتمه یافت. از آنجا که سقوط کرده بود، مجبور بود دوباره از اول شروع کند. تزکیه‌اش را دوباره شروع کرد، و بعد از تلاشی بسیار پر زحمت دوباره به بالا تزکیه نمود. این دفعه ترسید و در مغزش به خاطر آورد: «من نباید هیجان زده شوم. و گرنه، دوباره سقوط خواهم کرد». با این ترس، دوباره سقوط نمود. ترس نیز نوعی از وابستگی است.

موقعیت دیگری وجود دارد: وقتی یک شخص رواناً مریض می‌شود، به این شخص برچسب جنون حاصل از تزکیه زده خواهد شد. افرادی هستند که حتی منتظر من می‌شوند تا بیمارهای روانی آنها را معالجه کنم! من معتقد هستم که بیماری روانی بیماری نیست، و من برای مراقبت از چنین مسائلی وقت ندارم. چرا؟ به این خاطر که یک بیمار روانی دارای هیچ ویروسی نیست، و بدن او نه تغییرات بیمارگونه دارد و نه عفونتی؛ از نظر من این یک بیماری نیست. بیماری روانی وقتی ظاهر می‌شود که ضمیر خودآگاه اصلی بیش از حد ضعیف می‌شود. تا چه حد می‌تواند ضعیف گردد؟ درست مثل کسی است که نمی‌تواند آقای خودش باشد. روح نخستین اصلی یک بیمار روانی درست به همین شکل است. او نمی‌خواهد که از این بدن نگهداری کند. همیشه پرت و گیج است و نمی‌تواند هوشیار باشد. در این لحظه، ضمیر خودآگاه کمکی شخص یا پیغام‌های خارجی شروع به تداخل با او می‌کنند. در هر بعد سطوح بسیاری وجود دارند. همه نوع پیغامی مزاحم او خواهند شد. بعلاوه، روح نخستین اصلی شخص شاید مرتکب بعضی از اعمال نادرست در زندگی‌های قبلی بوده است، و شاید طلبکاران می‌خواهند به او صدمه بزنند. همه نوع مسئله‌ای می‌تواند روی دهد. این همه آن چیزی است که ما دربارهٔ بیماران روانی بازگو می‌کنیم. چگونه می‌توانیم آن را برای شما معالجه کنیم؟ می‌گوییم که چگونه فرد بطور واقعی یک بیماری روانی (روان پریشی) را کسب می‌کند. چه کاری می‌توان دربارهٔ آن انجام داد؟ شخص را تعلیم داد و به او کمک کرد که هوشیار گردد - اما این بسیار مشکل است که عملی گردد. شما متوجه خواهید شد وقتی که یک دکتر در یک بیمارستان روانی فقط اگر یک عصای الکتریکی را در دستش بلند کند، بیماران به ناگهان بقدری می‌ترسند که دیگر هیچ حرف بی‌معنی‌ای را بر

زبان نمی‌آورند، چرا اینطوری است؟ در آن لحظه، روح نخستین اصلی این شخص هوشیار می‌شود، و از شوک الکتریکی می‌ترسد.

معمولاً، وقتی یک شخص یکبار از در تزکیه وارد بشود، می‌خواهد که آن را ادامه دهد. هر کسی سرشت بودا را داراست و دارای قلبی از تزکیه. به همین جهت، بعد از یادگیری این، بسیاری از تمرین‌کنندگان برای بقیه زندگی‌اشان تزکیه خواهند کرد. این مسئله‌ای نیست که او بتواند در تزکیه موفق گردد یا اینکه فا را کسب کند. این شخص با اینحال قلبی برای دنبال کردن تائو دارد و همیشه می‌خواهد که آن را تزکیه کند. همه می‌دانند که این شخص چی‌گونگ را تمرین می‌کند. مردم در محل کار او درباره آن آگاه هستند، و این را سرتاسر همسایه‌ها می‌دانند همان‌طور هم کسانی که در همسایه بغل دستی او زندگی می‌کنند. اما، همگی درباره آن فکر کنید: در رابطه با عمل تزکیه واقعی، چه کسی چنین کاری را چند سال پیش انجام داد؟ هیچکس. فقط اگر شخص بطور حقیقی تزکیه کند سفر زندگی او می‌تواند تغییر کند. اما به عنوان فردی معمولی، این شخص فقط برای شفا پیدا کردن و سلامتی چی‌گونگ را تمرین می‌کند. چه کسی راه زندگی او را عوض خواهد کرد؟ بعنوان یک فرد عادی، یک روز بیمار می‌شود یا اینکه روزی دیگر با بعضی از مشکلات مواجه خواهد شد. یک روز شاید یک بیمار روانی گردد یا اینکه بمیرد. تمام زندگی یک شخص عادی درست به همین شکل است. هر چند که شخصی را در پارک می‌بینید که چی‌گونگ را تمرین می‌کند، در واقعیت، او عمل تزکیه را بطور حقیقی انجام نمی‌دهد. هر چند که او آرزو می‌کند به سوی سطوح بالا تزکیه کند، نمی‌تواند موفق گردد مگر اینکه راه درست را کسب کند. فقط یک تمنا دارد و آن، این است که بسوی سطوح بالا تزکیه کند. این فرد هنوز هم یک تمرین‌کننده چی‌گونگ در سطح پایین شفا درمانی و حفظ سلامتی است. هیچکس راه زندگی او را عوض نخواهد کرد، بنابراین او بیماری‌هایی خواهد داشت. اگر کسی به تقوا ارزشی قائل نباشد، بیماری او حتی شفا هم نخواهد یافت. این حقیقت ندارد که وقتی یکبار شخص چی‌گونگ را تمرین کرده، هیچ مرضی را نخواهد گرفت.

شخص باید بطور واقعی تزکیه کند و به شین‌شینگ خود توجه داشته باشد. فقط با تزکیه واقعی است که بیماری شخص می‌تواند از بین برود. زیرا که تمرین چی‌گونگ یک تمرین فیزیکی نیست بلکه چیزی در ورای مردم عادی است، و بایستی اصول و استانداردهای بالایی برای تمرین‌کنندگان وجود داشته باشد. فرد باید آن را برای رسیدن به هدف پیگیری کند. اما بسیاری از مردم اینطور عمل نکرده‌اند و بصورت مردم عادی باقی مانده‌اند. به همین جهت، آنها هنوز هم وقتی که موعدش برسد بیمار خواهند شد. شاید شخص یک روز به ناگهان از لخته خون در مغز زجر بکشد، ناگهان این یا آن بیماری را بگیرد، یا اینکه روانی گردد. همه می‌دانند که او چی‌گونگ را تمرین می‌کند. همین که رواناً مریض می‌شود، مردم خواهند گفت، «او از تزکیه جنون گرفته است»، و برچسب به او زده خواهد شد. همگی درباره آن فکر کنید: آیا این قابل قبول است که این کار را انجام داد؟ یک شخص عادی حقیقت را نمی‌داند. این حتی برای حرفه‌ای‌ها یا بسیاری از تمرین‌کنندگان مشکل است که حقیقت آن را دریابند. اگر این شخص رواناً در خانه مریض شود، کمتر مسئله ساز خواهد بود، هرچند دیگران هنوز هم خواهند گفت که او آن را از تمرین چی‌گونگ گرفته است. اگر شخص در محل تمرین روانی گردد، این وحشتناک خواهد بود. یک برچسب تحمیلی زده خواهد شد و غیرممکن خواهد بود که از بین برود، علی‌رغم اینکه شخص سعی و کوشش هم بکند. روزنامه‌ها گزارش خواهند داد که تمرین چی‌گونگ باعث جنون در تزکیه شده است. بعضی از مردم با تمرین چی‌گونگ حتی بدون اینکه به آن نگاهی کنند مخالفت خواهند کرد: «نگاه کن، او داشت تمرین چی‌گونگ را آنجا برای مدتی پیش به خوبی انجام می‌داد، و الان در چنین وضعیتی قرار دارد». بعنوان یک فرد عادی، هر چه را که می‌باید برای او اتفاق بیفتد رخ خواهد داد. او ممکن است بیماری‌های دیگری بگیرد یا اینکه با مشکلات دیگری مواجه گردد. آیا این معقول است که تمرین چی‌گونگ را به خاطر چیزهای دیگر سرزنش نمود؟ این به مثابه یک دکتر در یک بیمارستان است: به خاطر اینکه فرد یک دکتر است، نباید هرگز در این زندگی بیمار گردد - چگونه می‌توان آن را به این شکل فهمید؟

این می‌تواند، به همین جهت می‌توان بیان کرد که خیلی از افراد اظهاراتی غیرعقلانی می‌کنند بدون اینکه حقیقت واقعی را درباره چی‌گونگ یا اصول پشت سر آن را بدانند. به محض اینکه مشکلی بوجود می‌آید، همه نوع برچسبی به

چی گونگ زده می‌شود. چی گونگ برای یک دوره کوچکی در جامعه مشهور بوده است. بسیاری از افراد نظراتی لجبازانه دارند و همیشه آن را تکذیب می‌کنند و به آن تهمت و افترا می‌زنند، و آن را رد می‌کنند. هیچکس نمی‌داند که این افراد چه نوع طرز فکری دارند. بقدری از چی گونگ خسته هستند، مثل اینکه آن مسئله‌ای مربوط به آنها است. به محض اینکه کلمه چی گونگ یادآور می‌شود، آن را ایده‌آلیستی می‌نامند. چی گونگ علم است، و علمی بالا است؛ این موضوع اتفاق می‌افتد زیرا ذهنیت این افراد بسیار لجباز و دانش آنها بسیار کم است.

موقعیت دیگری در جامعه تزکیه‌کنندگان وجود دارد به نام «وضعیت چی گونگ». چنین شخصی توهمی ذهنی دارد، ولی جنون حاصل از تزکیه را ندارد. یک شخص در این وضعیت بطور فوق‌العاده‌ای منطقی است. اجازه بدهید اول از همه توضیح بدهم وضعیت چی گونگ درباره چه است. این مشهور است که تمرین چی گونگ شامل مسئله کیفیت مادرزادی فرد است. در هر کشوری از دنیا افرادی وجود دارند که اعتقاد به مذهب دارند. برای چندین هزار سال پیش در چین مردمی بودند که به بودیسم و تائوئیسم اعتقاد داشتند. آنها معتقد بودند که انجام کارهای خوب پاداش خوبی را به همراه دارد، و پلیدی با پلیدی پاداش داده می‌شود، اما بعضی از افراد به این عقیده ندارند. مخصوصاً در زمان «انقلاب فرهنگی بزرگ»، آن مورد انتقاد قرار گرفت و بعنوان خرافات پرستی برچسب زده شد. بعضی افراد همه آنچه را که نمی‌توانند درک کنند، آنچه را که نمی‌شود از کتاب‌های درسی آموزش گرفت، آنچه در علم مدرن هنوز رشد نکرده است، و آنچه که تا حالا فهمیده نشده است را بعنوان خرافات تلقی می‌کنند. چنین افرادی تا چندین سال پیش به اندازه کافی وجود داشتند، اما در حال حاضر تعداد نسبتاً کمی از آنها وجود دارند. اگر چه شما بعضی از پدیده‌ها را قبول نمی‌کنید، آنها واقعاً در بعد ما منعکس شده‌اند. شاید شما جرأت نکنید به راحتی آنها را قبول کنید، اما در حال حاضر کسانی هستند که جرأت می‌کنند درباره آنها صحبت کنند. آنها همچنین مواردی را درباره تمرین چی گونگ از طریق شنیدن درباره آنها یا شاهد بودن درباره آنها یاد گرفته‌اند.

بعضی افراد بقدری لجباز هستند که به محض اینکه نام چی گونگ را ذکر می‌کنید، از اعماق درون به شما می‌خندند. آنها فکر می‌کنند که شما خرافاتی و بیش از حد مسخره شده‌اید. به محض اینکه درباره پدیده‌ای در تمرین چی گونگ صحبت کنید، شما را بعنوان کسی که بسیار نادان است تلقی می‌کنند. اگرچه چنین فردی لجباز است، کیفیت مادرزادی او شاید آنقدر هم بد نباشد. اگر از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار است و بخواهد چی گونگ را تمرین کند، چشم آسمانی او ممکن است در یک سطح بسیار بالایی باز شود، و همچنین ممکن است دارای توانایی‌های فوق‌طبیعی گردد. او به چی گونگ معتقد نیست، اما نمی‌تواند ضمانت کند که مریض نخواهد شد. وقتی که مریض می‌شود، به بیمارستان مراجعه می‌کند. وقتی یک پزشک متعلق به طب غرب نتواند او را معالجه کند، به یک دکتر چینی مراجعه می‌کند. وقتی که دکتر چینی نیز نتواند بیماری او را معالجه کند و زمانی که هیچ نسخه‌ی بخصوصی نیز کارگر نباشد، پس از آن به فکر چی گونگ می‌افتد و می‌اندیشد: «شانسم را آزمایش خواهم کرد که ببینیم آیا چی گونگ واقعاً می‌تواند بیماری من را شفا دهد یا نه.» او با دودلی بسیاری خواهد آمد. به دلیل کیفیت مادرزادی خوب او، به محض اینکه چی گونگ را تمرین می‌کند، در آن بسیار خوب خواهد بود. شاید یک استاد به او علاقمند شود یا ممکن است یک موجود والا مقام در بعدی دیگر بخواهد کمکی به او بکند. به ناگهان، چشم سوم او باز می‌شود، یا به وضعیت نیمه روشن‌بینی می‌رسد. با چشم سوم باز در سطحی بسیار بالا، می‌تواند به ناگهان قسمتی از حقیقت عالم را ببیند. علاوه بر این، توانایی‌های فوق‌طبیعی را خواهد داشت. آیا می‌توانید بگویید وقتی چنین شخصی این نوع از موقعیت را ببیند مغز او بتواند آن را تحمل کند؟ فکر می‌کنید او در چه نوع وضعیت ذهنی خواهد بود؟ آنچه که زمانی بعنوان خرافه پرستی، مطلقاً غیرممکن و مسخره می‌نمود، وقتی که دیگران درباره آن صحبت می‌کردند، در حال حاضر واقعاً جلوی چشم‌های او قرار دارند، و او واقعاً در تماس با آنها است. در نتیجه مغز این شخص قادر به تحمل آن نیست، زیرا که فشار روحی به سادگی بیش از حد است. آنچه که می‌گوید بوسیله دیگران فهمیده نمی‌شود، هر چند که فکر او منطقی است. اما درست نمی‌تواند بین دو طرف بالانس برقرار کند. او فهمیده است که آنچه بشر انجام می‌دهد اشتباه است، در حالیکه آنچه در بعد دیگر انجام می‌شود معمولاً صحیح است. اگر او کارهایی را بر طبق روشی که در آن طرف عمل شده است انجام دهد، مردم خواهند گفت که او در اشتباه است. آنها نمی‌توانند او را بفهمند، در نتیجه خواهند گفت که او از تزکیه جنون گرفته است.

در حقیقت، این شخص جنون حاصل از تزکیه ندارد. اغلب شما که چی گونگ را تزکیه می کنید اصلاً به این صورت در نخواهید آمد. فقط این نوع «وضعیت چی گونگ» در نزد افرادی بسیار لجباز تجربه خواهد شد. بعضی از افراد حاضر بین تماشاچیان اینجا چشم سومشان باز است - تقریباً تعداد زیادی از آنها. آنها در واقع چیزهایی را در بعدهای دیگر مشاهده کرده اند. تعجب زده نیستند، احساس کاملاً خوبی دارند، و مغزهایشان هول و هراس پیدا نکرده است، و در موقعیت «وضعیت چی گونگ» قرار ندارند. وقتی شخصی در «وضعیت چی گونگ» است، بسیار آگاه است و اینکه بسیار عاقلانه و منطقی صحبت می کند. فقط موضوع این است که مردم عادی به آنچه که او می گوید باور نخواهند کرد. ممکن است برحسب اتفاق بگویند که کسی را که در گذشته است دیده، و این شخص به او گفته که کاری را انجام دهد. چگونه مردم عادی می توانند به این باور بیاورند؟ بعداً، این شخص خواهد فهمید که آن چیزها را به جای اینکه درباره آنها صحبتی کند پیش خودش نگهدارد. بعد از آنکه او به شایستگی بتواند رابطه بین دو طرف را برقرار کند، همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت. قاعدتاً، این اشخاص نیز حامل توانایی های فوق طبیعی هستند، اما این جنون حاصل از تزکیه نیست.

جریان دیگری وجود دارد که «جنون حقیقی» نامیده می شود، و بندرت دیده شده است. «جنون حقیقی» که به آن اشاره می کنیم شامل شخصی که واقعاً دیوانه باشد نیست. آن دلالت بر «تزکیه حقیقت» دارد به جای اینکه معنای جنون حقیقی را داشته باشد. جنون حقیقی چیست؟ می گویم که در میان تمرین کنندگان، بندرت چنین شخصی دیده می شود، شاید یک نفر در هر صد هزار نفر. در نتیجه، این عادی نیست و تأثیری هم روی جامعه ندارد.

معمولاً، برای «جنون حقیقی» یک شرط وجود دارد. بدین صورت که این شخص بایستی کیفیت مادرزادی بسیار خوبی داشته باشد و باید تا حدی مسن باشد. به دلیل بالا بودن سن، تزکیه کردن برای شخص می تواند بسیار دیر باشد. آنهایی که کیفیت مادرزادی بسیار بالایی دارند معمولاً برای مأموریتی اینجا هستند و از سطوح بسیار بالایی می آیند؛ هر کس که به این جامعه عادی انسانی قدم بگذارد از آن وحشت می کند، زیرا که قادر نیست کسی را به جا بیاورد به خاطر اینکه حافظه او پاک شده است. بعد از اینکه یک فرد به این محیط جامعه مردم عادی قدم می گذارد، مزاحمت های بشری طلب شهرت و مال و منال را در او بوجود می آورد و او احتمالاً به سطح مردم عادی سقوط می کند. برای او هرگز روزی نخواهد رسید که از اینجا فرار کند. به همین جهت، همه می ترسند و هیچکس جرأت نمی کند به زمین بیاید. اما چنین کسانی وجود دارند و به اینجا آمده اند. آنها بعد از ورودشان، در حقیقت نمی توانند خودشان را به خوبی در بین مردم عادی اداره کنند. و در واقع به سطوح پایین سکندری می خورند و مرتکب اعمال بسیار بدی در طول زندگی اشان می شوند. وقتی زندگی شخص در رقابت برای سود شخصی است مرتکب اعمال بسیار بدی می شود و به مقدار زیادی به دیگران بدهکار می گردد. استاد می بیند که او در حال سقوط است. اما او کسی است که میوه حقیقت را داراست، پس استاد به او اجازه نمی دهد به این سادگی سقوط کند! چه کاری می توان انجام داد؟ استاد بسیار نگران است و راه دیگری ندارد که بگذارد او تزکیه کند. از کجا می توان در این زمان استادی را پیدا کرد؟ او مجبور خواهد بود به اصل خود از طریق تزکیه از اول رجعت کند. اما این چگونه می تواند به راحتی انجام شود؟ با سن بالا، برای او بسیار دیر خواهد بود تزکیه کند. کجا می تواند یک روش تزکیه برای جسم و روان پیدا کند؟

اگر او فقط دارای کیفیت مادرزادی بسیار بالایی باشد، و تحت این شرایط بسیار غیرعادی، می توان روش جنون حقیقی را روی او بکار برد. به بیانی دیگر، وقتی مطلقاً هیچ امیدی برای شخص وجود ندارد تا به اصل و حقیقت خود باز گردد؛ این روش برای دیوانه کردن او بکار می رود. بعضی کارکردها در مغز او بسته خواهند شد. بطور مثال، ما بعنوان انسان از سرما و کثافت می ترسیم، و این قسمت های مغز که از سرما و کثافت می ترسند خاموش می شوند. بعد از اینکه بعضی از کارکردها فلج شدند، مشکلات روانی ظاهر خواهند شد و او درست مثل کسی که واقعاً جنون روانی دارد عمل خواهد کرد. اما معمولاً مرتکب هیچ کار بدی نمی شود، نه به مردم فحش می دهد نه آنها را می زند. در عوض، اغلب کارهای خوب انجام می دهد، اما نسبت به خودش بسیار بی رحم است. از آنجا که نمی داند سرما چه است، در زمستان روی برف بدون کفش و با لباس های نازک در اطراف می دود. پاهای او از سرما یخ زده و می ترکد و به خونریزی می افتد. از آنجا که نمی داند آشغال چه است؛ جرأت می کند که مدفوع انسان را بخورد و پیشاب انسان را بنوشد. یکبار چنین شخصی را می شناختم که مدفوع اسب را می خورد مثل اینکه

آن بسیار خوشمزه بود، هرچند از سرما بسیار سفت شده بود. می‌توانست سختی‌هایی را تحمل کند که هر فرد عادی با یک ذهن آگاه نمی‌توانست آن را تحمل کند. درست تصور کنید چقدر این جنون باعث زجر برای او می‌شد. البته، چنین اشخاصی معمولاً دارای توانایی‌های فوق طبیعی هستند؛ اغلب آنها خانم‌هایی با سن بالا هستند. در گذشته، خانم مسنی بود که پاهایش را می‌بست، برای اینکه آنها کوچکتر شوند، اما هنوز هم می‌توانست بدون سعی و کوشش از روی یک دیوار دو یا سه متری بپرد. وقتی خانواده او دیدند که او مجنون شده و همیشه از خانه فرار می‌کند، پای او را در خانه می‌بستند، زمانی که افراد خانواده خانه را ترک می‌کردند، می‌توانست در بسته را فقط با اشاره انگشتانش باز کند. سپس فرار می‌کرد. بعدها، او را با زنجیر آهنی مهار می‌کردند. وقتی که همگی خانه را ترک می‌کردند او به آسانی با تکان دادن زنجیر آن را باز می‌کرد. کنترل کردن او غیرممکن بود. به این طریق، او می‌توانست سختی‌های بسیار زیادی را تحمل کند. به خاطر اینکه او زجر زیاد و کاملاً بی‌رحمانه‌ای را تحمل کرده بود، می‌توانست به زودی جزای اعمال بدش را پرداخت کند. معمولاً یک یا دو سال و در نهایت سه سال طول می‌کشید، زیرا آن زجر کاملاً وحشتناک و عظیم بود. پس از آن، او به یکباره آنچه که اتفاق افتاده بود می‌فهمید. زیرا که ترکیه‌اش را کامل کرده بود، و به عنوان نتیجه می‌توانست گونگ را با همه نوع توانایی‌های فوق طبیعی که ظاهر می‌شوند مستقیماً باز داشته باشد. این موارد بسیار بندرت دیده شده‌اند، اما تعدادی از آنها در سرتاسر تاریخ وجود داشته‌اند. مردم با کیفیت متوسط مادرزادی مجاز نخواهند بود این کار را بکنند. این در تاریخ مشهور است که به راستی راهبان و تائوئیست‌های مجنونی بودند که به ثبت رسیده‌اند، مثل راهبی مجنون که چین هوئی (Qin Hui)^۱ او را از معبد با جارو بیرون کرد، و داستان‌های دیگری درباره تائوئیست‌های دیوانه. بسیاری از چنین داستان‌های باستانی وجود دارند.

ما مطلقاً می‌گوییم که جنون حاصل از طریق تزکیه وجود ندارد. اگر کسی بتواند آتش را ظاهر کند^۲، و اگر واقعاً آنطور باشد، می‌گوییم که این شخص کاملاً با ابهت و حیرت‌آور است. اگر کسی بتواند با بازکردن دهانش آتش روشن کند یا بوسیله بلندکردن یک دست، یا با یک انگشت یک سیگار را روشن کند، آن را یک توانایی فوق طبیعی خواهم نامید.

مداخله اهریمنی (شیطانی) در تزکیه

مداخله اهریمنی در تزکیه چه می‌باشد؟ این مداخله‌ای است که ما اغلب در تمرین چی‌گونگ با آن مواجه می‌شویم. چگونه تمرین چی‌گونگ مداخله اهریمنی را فرا می‌خواند؟ در واقع وقتی شخص بخواهد تزکیه را تمرین کند مشکلات بسیاری وجود خواهد داشت. شخص به سادگی نمی‌تواند در تزکیه حقیقی بدون حفاظت فاشن من موفق گردد. به محض اینکه پایتان را از در بیرون بگذارید، زندگی‌اتان ممکن است در خطر باشد. روح نخستین فرد منقرض نمی‌شود. پس در فعالیت‌های اجتماعی‌تان در زندگی‌های گذشته، احتمالاً به دیگران مقروض بوده‌اید، آنها را تهدید نموده‌اید، یا مرتکب کارهای نادرست دیگری شده‌اید. آن طلبکاران در جستجوی شما هستند. در بودیسم گفته شده است که شخص به خاطر عقوبت‌های کارمایی زندگی می‌کند. اگر به کسی دینی داشته باشید، او شما را برای بازپرداخت آن خواهد یافت. اگر بیش از حد دریافت کند، مجبور است که مازاد و مانده را به شما در دوره بعدی زندگی پس بدهد. اگر یک فرزند به والدینش بی‌احترامی کند، آنها جاهایشان را در زندگی بعدی عوض خواهند کرد. این است چگونگی دور گردش آن. اما برآستی مداخله اهریمنی را مشاهده نموده‌ایم، که مانع شما از تمرین کردن چی‌گونگ می‌شود. تمام اینها روابط کارمایی دارند و بدون دلیل نمی‌باشند. این اجازه نخواهد یافت بدون دلیل به این صورت باشد.

عادی‌ترین شکل مداخله اهریمنی بصورت ذیل اتفاق می‌افتد. قبل از اینکه تمرین چی‌گونگ را شروع کنید، محیط اطراف شما نسبتاً آرام است، به خاطر اینکه چی‌گونگ را یاد گرفته‌اید، همیشه دوست دارید آن را تمرین کنید. به هر حال به محض اینکه در حالت مدیتیشن می‌نشینید، ناگهان خارج اتاق پر از سر و صدا می‌شود. ماشین‌ها بوق می‌زنند، کسی در راهرو راه می‌رود، گفتگو، درها به هم می‌خورند، و رادیو در خارج به صدا درمی‌آید. ناگهان دیگر سکوتی نیست. اگر چی‌گونگ را

۱- چین هوئی (Qin Hui (Chin – Hway) - یک اداری شرور در دادگاه سلطنتی در سلسله جنوبی Song (۱۲۷۹ A.D. – ۱۱۲۷ A.D.)

۲ - “to produce fire” - اصطلاحی چینی که همچنین این معنی را می‌دهد “جنون از تزکیه”، این مجازاً و تحت اللفظی می‌تواند اینجا فهمیده شود.

تمرین نکنید، اطراف کاملاً آرام است، اما زمانی که شروع به تمرین چی گونگ می کنید، اینطوری می شود. بسیاری از شما هرگز درباره آن بیشتر از این فکر نکرده اید. واقعاً موضوع از چه قرار است؟ شما فقط درمی یابید که این غیرعادی است و کاملاً از این که نمی توانید چی گونگ را تمرین کنید احساس افسردگی می کنید. این غیرعادی بودن تمرین شما را متوقف می کند. این شیاطین هستند که مزاحم شما هستند، بطوری که با مهارت مردم را برای مزاحمت شما کنترل می کنند. این ساده ترین شکل مداخله است، هدفش همان مانع شدن شما از تمرین چی گونگ است. اگر چی گونگ را تمرین کنید و به تائو نایل گردید، درباره دیون باز نپرداخته شما به دیگران چه کاری باید انجام داد؟ آنها به این جریان اجازه نخواهند داد، پس به شما اجازه نمی دهند چی گونگ را تمرین کنید. اما این نیز پدیده ای است که در یک سطح بخصوصی انعکاس می یابد. بعد از مدتی، دیگر این پدیده اجازه ندارد وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر، بعد از اینکه این دین ها فرسوده شده اند، آنها اجازه نخواهند داشت اتفاق بیفتند و دوباره مداخله کنند. این به خاطر این است که کسانی که در فالون دافای ما تزکیه می کنند پیشرفت سریعی دارند، و همچنین نفوذ غیرمنتظره سریعی در سطح هایشان می کنند.

شکل دیگری از مداخله اهریمنی وجود دارد. شما می دانید که از طریق تمرین چی گونگ چشم سوم ما می تواند باز شود. با چشم سوم باز، بعضی افراد ممکن است بعضی از صحنه های ترسناک را با شکل های وحشتناک در حالیکه در خانه چی گونگ را تمرین می کنند ببینند. بعضی از آنها موهای ریخت و پاشیده و بلندی دارند، و بعضی دیگر می خواهند با شما دعوا کنند یا حتی حرکات مختلفی را انجام می دهند، که همگی آنها کلاً هولناک هستند. بعضی مواقع شخص همگی آنها را چسبیده به پنجره از خارج می بینید که بصورت بسیار ترسناکی ظاهر می شوند. چگونه این وضعیت اتفاق می افتد؟ این شکلی از مداخله شیاطانی است. به هر حال، در مدرسه فالون دافای ما، این مورد بسیار بندرت دیده شده است. شاید، این برای یک نفر در هر صد نفر اتفاق بیفتد. اغلب مردم از پس این وضعیت برنمی آیند. از آنجا که هیچ نفعی برای تزکیه شما ندارد، آن مجاز نیست که به این شکل مزاحم شما گردد. در تمرین های سنتی دیگر، این نوع از مزاحمت رایج ترین پدیده ها است، و تقریباً در دوره طولانی ای از زمان دوام می آورد. بعضی از مردم نمی توانند چی گونگ را تمرین کنند و صرفاً به خاطر این دلیل وحشت زده می شوند. شخص معمولاً ترجیح می دهد که در شب و در محیطی آرام چی گونگ را تمرین کند. اگر شخص کسی را جلوی چشم هایش ببیند، که شبیه نیمه انسان، نیمه شیخ است، بیش از اندازه خواهد ترسید که چی گونگ را تمرین کند. معمولاً، چنین پدیده ای در فالون دافای ما وجود ندارد. اما تعداد بسیار کمی از این موارد استثنایی وجود دارند، زیرا که بعضی از افراد وضعیت های بسیار بخصوصی دارند.

نوع دیگری از تمرین وجود دارد، که شامل تزکیه درونی و بیرونی است. و هر دو، ورزش های رزمی و تزکیه درونی را لازم می داند. این نوع از تمرین بطور عادی در مدرسه تائو دیده شده است. وقتی شخصی چنین روش تزکیه ای را یاد می گیرد، اغلب با چنین مداخله شیاطانی برخورد می کند که در روش های معمولی با آن مواجه نمی شود، بجز برای روش های تزکیه درونی و بیرونی، یا ورزش های رزمی. یعنی، اشخاصی خواهند بود که در جستجوی او برای یک مبارزه می باشند. تعداد زیادی از تمرین کنندگان تائوئیستی در جهان وجود دارند؛ بسیاری از آنها شاگردانی از ورزش رزمی تزکیه درونی یا بیرونی هستند. یک شاگرد ورزش رزمی نیز می تواند گونگ را رشد بدهد. چرا؟ اگر یک شخص وابستگی های دیگری مثل شهرت و نفع شخصی را از بین ببرد، همچنین می تواند گونگ را رشد دهد. اما، برای از بردن وابستگی رقابت وقت لازم است، و کاملاً به آرامی از بین می رود. به همین جهت او می تواند به راحتی چنین کاری را انجام دهد، و این حتی می تواند در یک سطح مشخصی اتفاق بیافتد. در حالیکه در خلسه نشسته است، خواهد دانست که چه کسی تمرین ورزش های رزمی می کند. روح نخستین بدن او را برای تشویق شخص دیگر برای مبارزه برای قطعی نمودن اینکه کدام یک در ورزش های رزمی بهتر می باشند ترک می کند، و سپس این مبارزه به وقوع می پیوندد. این چیزها نیز در بعدی دیگر رخ می دهند جایی که شخصی نیز ممکن است به نزد او برای یک مبارزه بیاید. اگر آن را رد کند، شخص دیگر واقعاً او را خواهد کشت. مبارزه ای بین این دو اتفاق می افتد. وقتی که این شخص به خواب فرو می رود، کسی برای مبارزه به جستجوی او خواهد آمد، و این جریان شب و را بدون آسایش خواهد نمود. در واقع، وقت آن رسیده است که وابستگی او به رقابت از بین برود. اگر ذهنیت رقابت از بین

نرود، همیشه زندگی او بدینصورت خواهد بود. با گذشت زمان، هنوز هم نمی‌تواند به فراسوی این سطح بعد از سالیان متمادی حرکت کند. او تسلیم شده قادر نخواهد بود به تمرین چی‌گونگ ادامه بدهد. با مصرف بیش از حد انرژی، بدن فیزیکی او نیز بیش از این نمی‌تواند تحمل کند و ممکن است به راحتی ناتوان گردد. پس، در تزکیه درونی و بیرونی، شخص ممکن است با این موقعیت برخورد کند، و این نیز کاملاً عادی است. در روش تزکیه درونی ما، چنین وضعیتی وجود ندارد، و اجازه ندارد که اتفاق بیفتد. چندین مواردی را که در حال حاضر ذکر کردم حقیقتاً رایج می‌باشند.

هنوز هم مورد دیگری از مداخله شیطانی وجود دارد که همه کس، شامل هر یک از افراد در تزکیه مدرسه ما، با آن مواجه خواهند شد؛ و آن شیطان شهوت است. این مسئله‌ای بسیار جدی است. در جامعه عادی انسانی، به خاطر این زندگی مادی، نوع بشر می‌تواند نسل خودش را بوجود بیاورد. نژاد انسانی درست به این نحو رشد می‌کند، و گرایش به سوی احساسات در جامعه بشری وجود دارد. هرچند که، چنین چیزی کاملاً برای مردم عادی توجیه شده است. زیرا که بشر گرایش به احساساتی بودن دارد، مضطرب بودن، همچنین خوشحالی، عشق، تنفر، لذت بردن از انجام کاری، خشمگین شدن از انجام کاری دیگر، ترجیح دادن یک شخص به شخصی دیگر، سرگرمی‌ها و بیزار بودن‌ها. همه چیز به احساساتی بودن مربوط است، و مردم عادی فقط به خاطر آن زندگی می‌کنند. پس، بعنوان یک تمرین کننده و کسی که توانایی فوق طبیعی دارد، نباید این نگرش را برای قضاوت کردن درباره مسائل بکار برد، و باید از این چیزها حذر کرد. به همین جهت، به خاطر وابستگی‌های زیادی که از احساسات بوجود آمده‌اند، لازم است اهمیت کمتری به آنها قائل شویم و سرانجام آنها را رها کنیم. تمناها، شهوت، و موضوعاتی از این نوع همگی وابستگی‌های انسانی هستند، و تمام آنها بایستی رها گردند.

برای تمرین کنندگانی که روش تزکیه را در بین مردم عادی انجام می‌دهند، مدرسه تزکیه ما از شما نمی‌خواهد که راهبه یا راهب گردید. تمرین کنندگان جوان هنوز هم بایستی خانواده داشته باشند. پس چگونه با این مسئله باید مواجه شد؟ گفته‌ام که تزکیه در مدرسه ما بطور مستقیم به روح فرد نشانه می‌رود. این مسئله به طور واقعی باعث نمی‌شود که شما منفعت‌های مادی‌اتان را از دست بدهید. آنچه که بطور واقعی ترفیع داده می‌شود شین‌شینگ شما است. اگر بتوانید وابستگی‌ها را از دست بدهید، قادر خواهید بود همه چیز را رها کنید؛ وقتی از شما خواسته شود که منفعت‌های مادی را رها کنید، مطمئناً قادر خواهید بود آن را انجام دهید. اگر نتوانید وابستگی را رها کنید، قادر نخواهید بود از همه چیز دست بکشید. برای همین، هدف واقعی از تزکیه، تزکیه قلب شما است. روش‌های تزکیه در معابد شما را مجبور می‌کنند که این مسائل را از دست بدهید بطوریکه از این وابستگی‌ها خلاصی یابید. با منع شما برای فکر کردن درباره آنها، شما را کاملاً مجبور می‌کنند که آنها را از خود برانید، و آنها چنین روشی را قبول کرده‌اند. اما ما از شما نمی‌خواهیم چنین کاری را انجام دهید. از شما می‌خواهیم که اهمیت کمتری به علائق مادی وقتی که در مقابل شما قرار دارند قائل شوید. به همین خاطر، آنهایی که تزکیه‌اشان را در مدرسه ما می‌گذرانند بیش از حد نیرومند هستند. از شما نمی‌خواهیم که راهبه یا راهب گردید. همانطور که روش ما بطور وسیعی در آینده رایج می‌گردد، تمرین کنندگانی که روش تزکیه ما را در بین مردم عادی تزکیه می‌کنند نباید بصورت راهبه‌ها و راهبان دریابند. تمرین کنندگان فالون دافا اجازه ندارند که بدین شکل درآیند. در رابطه با تزکیه، از همگی می‌خواهیم مسائل ذیل را مراعات کنند: اگر چه تزکیه می‌کنید و همسران تزکیه نمی‌کنند، اجازه ندارید که به خاطر تزکیه از همسران جدا گردید. به عبارتی دیگر، ما باید با این موضوع به راحتی برخورد کنیم، و نباید به آن آنقدر اهمیت بدهید که مردم عادی اهمیت می‌دهند. مخصوصاً آزادی‌های جنسی و نوشته‌ها و عکسهای شهوت‌انگیز در جامعه امروزی با مردم در تداخل هستند. بعضی از مردم علاقه بسیار زیادی برای این چیزها دارند. ما بعنوان تمرین کنندگان، باید اهمیت کمتری به این مسائل بدهیم. از نقطه نظر سطحی بالا، مردم عادی در جامعه بطور کلی با گل و لجن بازی می‌کنند، بدون اینکه متوجه شوند آن کثیف است. آنها با گل و لجن روی زمین بازی می‌کنند. ما گفته‌ایم که به خاطر این موضوع در خانواده‌اتان باعث ناهماهنگی نشوید. به همین جهت، در مرحله حاضر، باید اهمیت کمتری به آن قائل شوید. این خوب است که یک زندگی مشترک معمولی و هماهنگ داشته باشید. در آینده، وقتی به سطح بخصوصی رسیدید، وضعیت دیگری در آن سطح خواهد بود. در حال

حاضر، باید بدین صورت باشد، و اگر خواست ما را انجام دهید خوب خواهد بود. البته، شما نباید آنچه را که در جامعه رخ می‌دهد دنبال کنید. چگونه می‌تواند به آن اجازه داده شود؟

عامل دیگری در این مسئله دخالت دارد. شما می‌دانید که بدن‌های تمرین کنندگان ما حامل انرژی است. در حال حاضر، هشتاد تا نود درصد از افراد این کلاس نه تنها بدن‌هایشان از بیماری‌ها شفا خواهند یافت، بلکه همچنین گونگ آنها ترقی خواهند نمود. پس، بدن شما انرژی بسیار قدرتمندی را حمل می‌کند. گونگ و سطح شین‌شینگ حاضر شما متقارن نیستند. گونگ شما موقتاً بزرگتر است، ناگهان رشد یافته است، و در حال حاضر شین‌شینگ شما دارد ترفیع می‌یابد. بتدریج، شین‌شینگ شما به آن خواهد رسید. این تضمین شده است که در طول این دوره از زمان آن به بالا صعود خواهد کرد. به همین جهت ما این کارها را از قبل انجام داده‌ایم. به عبارتی دیگر، شما دارای مقداری انرژی هستید. به خاطر اینکه انرژی از یک راه صحیح تزکیه شده است کاملاً صالح و خیراندیش است، هرکس که اینجا نشسته است فضایی از آرامش و نیکخواهی احساس می‌کند. من شخصاً بدین طریق تزکیه کرده‌ام و این چیزها را با خودم حمل می‌کنم. هر کسی که اینجا نشسته است بدون داشتن افکار نادرست در ذهنش در هارمونی است، و هیچکس حتی به فکر سیگار کشیدن هم نیست. در آینده، شما نیز باید شرایط فالون دافای ما را پیگیری کنید، و گونگی را که از طریق روش تزکیه رشد داده‌اید نیز بدین شکل خواهد بود. با گنجایش رشد همیشگی انرژی شما، حتی انرژی‌ای که از گونگ بدن شما ساطع می‌شود بسیار قوی‌تر خواهد شد. حتی اگر آنقدر هم قوی نباشد، یک فرد عادی در میدان شما هنوز هم از آن برخوردار خواهد شد. یا اگر در منزل هستید، هنوز هم روی دیگران تأثیر خواهید گذاشت، و اعضای خانواده‌تان تحت تأثیر شما قرار خواهند گرفت. چرا؟ شما حتی مجبور نیستید از فکرتان برای انجام این کار استفاده کنید. زیرا که این میدان انرژی میدانی است پاک، با هارمونی، نیکخواه و صالح و با اعتقاد. بنابراین بعید است به کارهای نادرست فکر کند یا کارهای نادرست انجام دهد. این میدان چنین تأثیری را دارد.

همین روزها توضیح دادم که نور بودا به روی همه چیز می‌تابد و همه ناهنجاری‌ها را اصلاح می‌کند. به عبارتی دیگر، انرژی ساطع شده از بدن‌های ما می‌تواند تمام شرایط ناهنجار را اصلاح کند. به همین جهت، تحت تأثیر این میدان انرژی، اگر شما به این مسائل فکر نکنید، بدون قصد همسران را تحت تأثیر قرار می‌دهید. اگر به آن فکر نکنید و چنان افکاری نداشته باشید، حتی همسران هم به آنها فکر نخواهد کرد. اما این مطلق نیست، زیرا که در محیط حاضر هر نوع موضوعی در تلویزیون وجود دارد که اگر روشن شود، به راحتی می‌تواند تمناهای شخص را برانگیزد. اما، در تحت شرایط عادی، شما این اثر تأثیرگذاری را دارا هستید. در آینده وقتی در تزکیه به سطح بالایی برسید، بدون اینکه به شما بگویم، خواهید فهمید که چه کار را باید انجام بدهید. تا آن موقع وضعیت دیگری وجود خواهد داشت برای اینکه از پس یک زندگی با هارمونی برآیید. به همین خاطر، شما نباید خودتان را بیش از حد مشغول آن کنید، توجه بیش از حد بدان نیز یک وابستگی است. بین زن و شوهر مسئله تحریکات جنسی وجود ندارد، اما شهوت موجود است. تا آنجا که می‌توانید با آن به راحتی برخورد کنید و احساس درستی در فکرتان داشته باشید، همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت.

پس با چه نوع از شیاطین شهوت روبرو خواهید شد؟ اگر توانائی دینگ (ding)^۳ شما به اندازه کافی نباشد، می‌تواند خودش را در طول خواب نشان دهد. زمانی که در خواب هستید یا در حالت مدیتیشن نشسته‌اید، ناگهان خودش را نشان می‌دهد. اگر یک مرد باشید، زیبا چهره‌ای ظاهر خواهد شد. اگر زن باشید، مرد آرزوهایتان خودش را نشان خواهد داد. اما آنها برهنه می‌باشند. یک بار که ذهنتان درباره آن فکر کند، به شما انزال دست خواهد داد و آن را واقعی خواهد نمود. همگی درباره این موضوع فکر کنید: در روش تزکیه ما، اسانس بدن برای تزکیه زندگی شخص بکار می‌رود؛ شما نمی‌توانید همیشه به این شکل انزال داشته باشید. ضمن اینکه، امتحان شهوت را هم نگذرانده‌اید. چگونه این می‌تواند مجاز باشد؟ به همین جهت، به شما می‌گویم که همه این موضوع را خواهند گذراند، و این تضمین شده است. در حالیکه فا را آموزش می‌دهم، انرژی بسیار قدرتمندی را در مغز شما نقش می‌اندازم. شما ممکن است زمانی که از این در بیرون می‌روید، آن چه را که

۳ - ding - مرحله‌ای از سکون، اما با فکری آگاه

گفته‌ام بطور دقیق به یاد نیاورید. اما وقتی که بطور واقعی با این موضوع برخورد می‌کنید، آنچه را که گفته‌ام به خاطر خواهید آورد. تا آنجا که مثل یک تمرین کننده با خودتان برخورد می‌کنید، بلافاصله آن را به خاطر خواهید آورد و قادر خواهید بود که خودتان را کنترل کنید، و سپس خواهید توانست این امتحان را بگذرانید. اگر در این امتحان برای اولین بار رد شوید، برای بار دوم مشکل خواهد بود که آن را بگذرانید. اما مواردی نیز بوده است که شخص نتوانسته از عهده امتحان اول بر بیاید و بطور عمیق در بیداری پشیمان بوده است. شاید، این ذهنیت و وضعیت فکری افکار شما را درباره آن دوباره تقویت کند. وقتی دوباره مسئله اتفاق بیافتد، قادر خواهید بود خودتان را کنترل کرده و امتحان را بگذرانید. اگر کسی از عهده امتحان بر نیامده و اهمیتی به آن ندهد، گذراندن امتحان مشکل‌تر خواهد بود. این مسلماً اینطور خواهد بود.

این نوع از مداخله هم می‌تواند احتمالاً یا از طرف شیاطین بیاید یا از طرف استادان، که یک موضوع را به موضوعی دیگر تغییر می‌دهند تا شما را آزمایش کنند، هر دو نوع وجود دارند برای این که همه باید این امتحان را بگذرانند. ما بعنوان یک فرد عادی تزکیه را شروع می‌کنیم. اولین مرحله این امتحان است، و هر کسی می‌تواند با آن روبرو گردد. اجازه بدهید برایتان مثالی بزنم. زمانی که من در کلاسی در وهان (Wuhan) ^۴ آموزش می‌دادم، مرد جوانی که سی سال سن داشت آنجا بود. بلافاصله بعد از شنیدن این سخنرانی، به خانه رفته و در مدیتیشن نشست. بلافاصله به مرحله دینگ (ding) (مرحله تهی بودن) رسید. بعد از آن، ناگهان بودا آمیتاها را در یک طرف و لاوژی را در طرف دیگر دید که ظاهر شدند. این است آنچه که او در گزارش تجربه‌اش نوشته است. بعد از ظهور آنها، هر دو به او نگاه کردند بدون اینکه کلمه‌ای گفته باشند و بعد از آن ناپدید شدند. بعداً، بود هیساتوا آوالوکیسوا ظاهر شد که جامی در دست داشت که از آن دودی سفید خارج می‌شد. همانطور که آنجا نشسته بود و همه چیز را بسیار آشکار می‌دید، کاملاً خرسند شد. ناگهان، دود تبدیل به چند پرچهره شد؛ زیارویان، فرشتگان بهشتی بودند که با جذابیت زیادی در هوا در پرواز بودند. آنها با حرکاتی بسیار دلپذیر برای او رقصیدند. او با خودش فکر کرد: «به خاطر اینکه من در اینجا تزکیه می‌کنم، بود هیساتوا آوالوکیسوا به من پاداش می‌دهد با تبدیل کردن زیارویانی که تماشا کنم و با فرستادن فرشتگان بهشتی که پرواز کنان برای من می‌رقصند.» همانطور که بوسیله این فکر خرسند و راضی بود، ناگهان این زیارویان برهنه شدند و حرکات گوناگونی را در اطراف او انجام دادند، گردن او را در آغوش گرفته و دور کمر او را نوازش کردند. شین‌شینگ این تمرین کننده بسیار سریع رشد کرده بود. در آن لحظه، بلافاصله هوشیار شد. اولین فکری که به مغزش رسید این بود: «من یک فرد عادی نیستم. من یک تمرین کننده هستم. شما نباید با من به این صورت رفتار کنید، برای اینکه من تمرین کننده فالون دافا هستم.» وقتی این فکر ظاهر شد، همه چیز به ناگهان ناپدید شد زیرا آنها به حال تبدیل شده بودند. سپس بودا آمیتاها و لاوژی دوباره ظاهر شدند. لاوژی به این تمرین کننده اشاره کرد و به بودا آمیتاها با لبخندی گفت: «این جوان قابل یادگیری است». یعنی اینکه این پسر خوب است و می‌توان به او آموزش داد.

در سرتاسر تاریخ، یا از نقطه نظر بعدها، بالاتر، موضوع تمایل و شهوت انسان در تعیین اینکه شخص می‌تواند تزکیه کند یا نه بسیار بحرانی بوده است. در نتیجه ما واقعاً باید با این مسائل با بی‌اعتنایی برخورد کنیم. به هر حال، در بین مردم عادی تزکیه می‌کنیم، و از شما نمی‌خواهیم که کاملاً همه چیز را رها کنید. حداقل در مرحله حاضر، باید به آن اهمیت کمتری بدهید و آن را آنطور که در گذشته عمل می‌کردید بکار نبرید. برای اینکه یک تمرین کننده باید اینگونه باشد. هر زمان در حین تزکیه هر نوع مداخله‌ای وجود داشته باشد، بایستی دنبال دلیل آن در درون خودتان باشید و آنچه را که هنوز نتوانسته‌اید رها کنید پیدا کنید.

مداخله شیاطانی از فکر خود شخص می‌آید

«مداخله شیاطانی از فکر خود شخص می‌آید» چه است؟ یک بدن انسانی میدانی فیزیکی در هر سطحی از بعدها دارد. در یک میدان بخصوص، هر چیزی درعالم می‌تواند در میدان بعد شما مثل یک سایه منعکس شود. اگرچه آنها سایه‌هایی هستند، اما

^۴ - Wuhan (woo - hahn) - مرکز استان Hubei

هستی آنها از ماده بوجود آمده است. هر چیزی در میدان بعد شما بوسیله افکار شما در ذهنتان نقش بسته شده است. یعنی، اگر با آرامش به اشیا با چشم سومتان بدون اینکه از مغزتان استفاده کنید نگاه کنید، آنچه را که مشاهده کنید حقیقت خواهد بود. اگر شروع کنید به کمی فکر کردن، آنچه را که می بینید کاذب خواهد بود. این به مداخله شیطانی که از فکر خود شخص می آید نامیده می شود، «یا تغییر و تبدیل قصد را دنبال می کند.» این جریان اتفاق می افتد زیرا بعضی از تمرین کنندگان نمی توانند با خودشان به عنوان تمرین کنندگان برخورد کنند و قادر نیستند با خودشان به درستی رفتار کنند. آنها در طلب توانایی های فوق طبیعی و وابسته به مهارت هایی بی اهمیت یا حتی در حال گوش دادن به موضوعاتی بخصوص از بعدهایی دیگر هستند. آنها در پی این مسائل هستند. برای این افراد بسیار آسان است که مداخله شیطانی را در مغزشان رشد دهند و به سطوح پایین سقوط کنند. این اهمیتی ندارد تزکیه یک فرد در چه سطح بالایی قرار دارد، وقتی یک بار این مشکل پدیدار می شود شخص به قهقرا سقوط خواهد کرد، و در آخر، از بین خواهد رفت - این مسئله ای بی نهایت جدی است، این شبیه موارد دیگر نیست، که اگر شخص یک بار با امتحان شین شینگ سقوط می کند، ممکن است بعد از شکست دوباره برخاسته و به تزکیه ادامه دهد. اما این به اینصورت نیست وقتی مداخله شیطانی از فکر خود شخص ناشی شود، زندگی این شخص به تباهی کشیده خواهد شد. مخصوصاً برای تمرین کنندگانی که در سطحی معین چشم سومشان باز است؛ این مشکل می تواند به آسانی اتفاق بیفتد. همچنین، بعضی افراد همیشه آگاهی اشان با بعضی از پیغام های خارجی اختلال پیدا کرده است، و به آنچه که بوسیله پیغام های خارجی گفته می شود باور می آورند؛ این مشکل نیز می تواند رخ دهد. به همین جهت، بعضی از شما با چشم سوم باز بوسیله بعضی از انواع مختلف پیغام ها مورد تداخل قرار خواهید گرفت.

اجازه بدهید مثالی بزنم. برای یک فرد که در یک سطح پائینی از تزکیه قرار دارد بسیار مشکل است که فکرش را بدون مزاحمت و آشوب نگهدارد. شاید قادر نباشید بوضوح ببینید که معلم شما به چه شکلی است. ممکن است یک روز ناگهان یک موجود بزرگ و قد بلند فناناپذیر را ببینید. چند کلمه تملق آمیز به شما می گوید و سپس کاری را یادتان می دهد. اگر آن را بپذیرید، گونگ شما درهم و برهم خواهد شد. یکبار که از او خرسند شده و او را به عنوان استاد بپذیرید، با او خواهید رفت. اما او به میوه حقیقت دست نیافته است. در آن بعد، بدن او می تواند کوچک و بزرگ گردد. با دیدن این موجود بزرگ و فناناپذیر روبروی چشم هایتان، بطور واقعی هیجان زده می شوید. با این هیجان، آیا از او چیزی یاد نخواهید گرفت؟ این بسیار مشکل است که یک تمرین کننده را اگر نتواند خودش را به خوبی کنترل کند نجات داد. او به آسانی می تواند خودش را به تباهی بکشانند. تمام موجودات آسمانی فنا ناپذیرند، اما آنها، هنوز به میوه حقیقت نایل نشده اند و در دایره سامسارا (بازپیدایی) به همان شکل ادامه خواهند داد. اگر شما چنین موجودی را سرسری بعنوان استاد خودتان قبول کنید و او را دنبال کنید، به کجا می تواند شما را ببرد؟ او حتی نمی تواند به میوه حقیقت نایل گردد. آیا تزکیه شما به عبث کشیده نخواهد شد؟ احتمالاً، گونگ شما پخش و پلا خواهد شد. این برای مغز یک فرد بسیار مشکل است که بدون مزاحمت باقی بماند. به همگی می گویم که این مسئله ای بسیار جدی است، و بسیاری از شما این مشکل را بعداً خواهید داشت. من فا را به شما آموزش دادم؛ این دیگر به شما مربوط است که بتوانید خودتان را به خوبی هدایت کنید یا نه. آنچه را که ذکر نمودم یکی از این وضعیت ها است. نگذارید فکرتان وقتی یک شخص روشن بین از مدرسه تزکیه دیگری را می بینید مضطرب گردد. فقط در یک مدرسه تزکیه باقی بمانید. حتی اگر آن یک بودا، یک تائو، یک فناناپذیر، یا یک شیطان باشد، آنها نباید قلب شما را تحت تاثیر قرار بدهند. در رفتار و هدایت خود بدین صورت، مطمئناً امید به موفقیت خواهد بود.

تداخل شیطانی ناشی از فکر خود فرد نیز به شکل های دیگر تجلی می یابند. شما شاید مزاحمتی از یک آشنایی که در گذشته است دیده اید، و این شخص گریه می کند و از شما تقاضا می کند که این یا آن کار را انجام دهید. همه نوع مسئله ای ممکن است اتفاق بیفتد. آیا فکر شما بدون تأثیر باقی خواهد ماند؟ در نظر بگیرید که شما به فرزندان بسیار وابسته هستید و یا اینکه والدینتان را عاشقانه دوست می دارید، و والدینتان در گذشته اند. آنها به شما گفته اند که بعضی کارها را انجام دهید چیزهایی که نایستی انجام می دادید. اگر آنها را انجام دهید، بد خواهد شد. درست بدین سخت است که یک تمرین کننده بود. گفته شده است که بودیسم در هرج و مرج است. حتی مسائلی مثل اطاعت از والدین و دوست داشتن فرزند از

کنفوسیوس فرا گرفته شده است. بودیسم چنین محتوا و مضمونی ندارد. آن چه معنایی می‌دهد؟ از آنجا که زندگی واقعی انسان روح نخستین او است، کسی که به روح نخستین شما جان می‌دهد مادر حقیقی شما است. برطبق سامسارا، شما مادرهایی داشته‌اید که بشر یا غیر بشر بوده‌اند، و تعداد آنها بقدری زیاد هستند که نمی‌توان آنها را شمرد. این نیز غیرقابل شمارش است که چه تعداد پسر و دختر در طول سراسر زندگی‌های مختلف‌تان داشته‌اید. چه کسی مادر شما است؟ چه کسانی دختران و پسران شما هستند؟ هیچ کس از آن پس از آنکه در می‌گذرد خبری ندارد. شما هنوز هم باید آنچه را که به دیگران مدیون هستید بپردازید. انسانها در توهم زندگی می‌کنند و بدرستی نمی‌توانند این موضوعات را رها کنند. بعضی از افراد نمی‌توانند پسران و دخترانشان را رها کنند و آنها را به حال خودشان بگذارند و ادعا می‌کنند که آنها چقدر خوب هستند، و سپس آنها در می‌گذرند. شخص ممکن است از خوب بودن مادرش صحبت کند، اما او نیز در گذشته است. این شخص بقدری غصه دار است که اغلب می‌خواهد مادرش را برای بقیه زندگی‌اش دنبال کند. چرا درباره این موضوع فکر نمی‌کنید؟ آیا آنها اینجا برای عذاب دادن شما نیستند؟ آنها این نوع مزاحمت را انتخاب می‌کنند که شما قادر نباشید یک زندگی خوب را ادامه دهید.

شاید مردم عادی این را نمی‌فهمند. اگر به این وابسته باشید، به هر حال نمی‌توانید تزکیه کنید. به همین جهت بودیسم چنین محتوا و معنایی ندارد. اگر بخواهید تزکیه کنید، احساسات بشری بایستی از بین بروند. البته، در تزکیه در بین جامعه مردم عادی، باید به والدین خود احترام بگذاریم و فرزندانمان را تربیت کنیم. ما تحت هر نوع شرایطی، بایستی خوب و با دیگران مهربان باشیم، همچنین اعضای خانواده‌مان. ما باید با همه به یکسان رفتار و برخورد کنیم. ما باید با والدینمان و فرزندانمان خوب باشیم و با کمال احترام به دیگران توجه داشته باشیم. چنین قلبی خودخواه نیست، و آن قلبی خوب و نیکخواه است. احساسات چیزی است مختص مردم عادی، و مردم عادی فقط برای آن زندگی می‌کنند.

بسیاری از مردم به درستی نمی‌توانند خودشان را اداره کنند، و این مشکلاتی را در تزکیه سبب می‌شود. یک شخص ممکن است اظهار کند که بودا به او چیزی گفته است. مگر اینکه خطر زندگی شما را تهدید کند و به شما گفته شود که چگونه آنها را از بین ببرید، تمام کسانی که به شما می‌گویند مشکلی امروز خواهید داشت و چگونه از چیزی که می‌خواهد اتفاق بیفتد اجتناب کنید، آنهایی که به شما اولین نمره لاتاری را می‌گویند و اینکه آن را امتحان کنید، و آنهایی که می‌خواهند شما در جامعه عادی بشری چیزهای خوبی را کسب کنید، همگی شیاطین هستند. اگر شما همیشه بین مردم عادی راهتان را جلو ببرید و نتوانید این آزمایش را بگذرانید، نمی‌توانید پیشرفت کنید. اگر در بین مردم عادی زندگی‌ای راحت و خوب داشته باشید، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ چگونه کارمای شما می‌تواند دگرگون و تبدیل شود؟ چگونه محیطی را برای رشد شین‌شینگ خودتان و تبدیل کردن گونگ خودتان می‌خواهید؟ همه باید مطمئن باشند که این را به ذهنشان بسپارند. یک شیطان هم می‌تواند شما را تحسین و تمجید کند و بگوید که چه سطح بالایی دارید، چه بودای بزرگ یا تائوی بزرگی هستید، و اینکه او فکر می‌کند که شما فوق‌العاده هستید - تمام اینها مسخره هستند. بعنوان شخصی که بطور واقعی به طرف سطوح بالا تزکیه می‌کند، باید از تمام وابستگی‌های مختلف‌تان رها گردید. وقتی با تمام این مسائل مواجه می‌شوید، همگی‌تان باید مراقب و هشیار باشید!

در طی عمل تزکیه، چشم سوم شما باز خواهد شد. با چشم سوم باز، شخص مشکلات خود را در تزکیه خواهد داشت، با چشم سوم بسته، نیز شخص مشکلات خودش را در تزکیه دارد. در هر دو مورد، تزکیه کردن آسان نخواهد بود. بعد از اینکه چشم سوم شما باز شد، با پیغام‌های گوناگونی که مزاحم شما هستند، برای شما در حقیقت بسیار مشکل خواهد بود که خودتان را درست هدایت کنید. در بعدهای دیگر، همه چیز در مقابل چشم‌ها درخشان و خیره‌کننده است، بسیار زیبا و قشنگ، همه آنها می‌توانند قلب شما را وسوسه کنند. وقتی یک بار بدین طریق لرزیدید، امکان تداخل برایتان پیش می‌آید و گونگ شما پخش و پلا می‌گردد - این معمولاً بدین شکل است. بدین ترتیب، وقتی یک شخص با تداخل شیطانی ناشی شده از فکر خودش نتواند خودش را به خوبی هدایت کند، این وضعیت ممکن است رخ دهد. برای مثال، وقتی یک بار شخصی فکر نادرستی را رشد می‌دهد، آن بسیار خطرناک خواهد بود. یک روز چشم سوم او باز است، و او می‌تواند چیزهایی را کاملاً به

وضوح مشاهده کند. فکر می‌کند: «در این محل تمرین، فقط چشم سوم من است که به خوبی باز شده است. شاید من شخصی فوق‌العاده هستم؟ من قادر بودم فالون دافای معلم لی را یاد بگیرم و آن را به خوبی مطالعه کرده‌ام، بهتر از دیگران. شاید من نیز یک فرد معمولی نیستم.» این فکر در حال حاضر خوب نیست. او با شگفتی خواهد گفت: «شاید من به خوبی یک بودا هستم. خوب، به خودم یک نظری بیاندازم.» وقتی به خودش نگاه می‌کند، خودش را در حقیقت یک بودا می‌یابد. چرا اینطوری است؟ به این خاطر که هر چیزی در میدان بعدی اطراف بدن او برطبق افکار او تبدیل خواهند شد، که همچنین به نام «تغییر شکل قصد را دنبال می‌کند.» نامیده می‌شود.

هر چیز انعکاس یافته از عالم با افکار شخص تغییر شکل می‌یابد، زیرا هر چیزی در میدان بعدی یک فرد از او فرمان می‌گیرد. تصورات انعکاس یافته نیز همینطور هستند، که همچنین موجودیت مادی دارند. این شخص فکر می‌کند: «شاید من یک بودا هستم، و شاید آنچه را که در بردارم نیز لباس بودا است.» سپس خواهد یافت که هرچه را در بردارد در حقیقت یک لباس بودا است. وای، من واقعاً یک بودا هستم. «او بسیار هیجان زده می‌شود.» «شاید من حتی یک بودای کوچک نیستم.» با نظری دیگر، او خودش را یک بودای بزرگ خواهد یافت. «شاید حتی بزرگتر از لی هنگچی هستم!» او دوباره نظر دیگری به خودش خواهد انداخت: «وای، در حقیقت بالاتر از لی هنگچی هستم.» بعضی افراد نیز این را با گوش‌هایشان می‌شنوند. یک شیطان با او برخورد پیدا می‌کند و می‌گوید: «تو بالاتر از لی هنگچی هستی. تو واقعاً بزرگتر از لی هنگچی هستی.» او نیز به آن باور می‌آورد. آیا به این فکر افتاده‌اید که چگونه می‌خواهید در آینده تزکیه کنید؟ آیا هرگز تزکیه کرده‌اید؟ چه کسی به شما تزکیه را آموخته است؟ حتی وقتی یک بودای واقعی برای مأموریتی به اینجا بیاید، او نیز باید از اول تزکیه کند. گونگ اصلی او به او داده نمی‌شود، و فقط به این خاطر است که او سریعتر در تزکیه رشد می‌کند. به همین جهت، وقتی این مشکل برای او پیش می‌آید، برایش مشکل خواهد بود که به خودش برای خارج شدن از این مشکل کمک کند؛ او بلافاصله این وابستگی را رشد خواهد داد. بعد از اینکه این وابستگی رشد داده شد، جرأت می‌کند هر چیزی را بگوید: «من یک بودا هستم. لزومی ندارد که از دیگران آموزش بگیرید. من بودا هستم، پس به شما خواهم گفت که چه باید بکنید.» او شروع می‌کند این کارها را انجام بدهد.

آیا کسی را مثل این در چانگ‌چون (Changchun) نداشتیم؟ در اول او تقریباً خوب بود. بعداً شروع به انجام دادن این کارها کرد. او فکر کرد که یک بودا است. در آخر، خودش را بالاتر از هر کسی حساب می‌کرد. وقتی نتوانست خودش را به خوبی اداره کند و بوسیله وابستگی که رشد داده بود این موضوع اتفاق افتاد. چرا چنین پدیده‌ای وجود دارد؟ بودیسم آموزش می‌دهد که هر چه را که می‌بینید اهمیتی ندارد، شما بایستی به آن اعتنایی نکنید، همگی تصورات شیطانی هستند، و شخص باید به پیشرفت عمل تزکیه فقط از طریق مدیتیشن ادامه دهد. چرا شما مجاز نیستید آنها را ببینید و به آنها وابسته گردید؟ این اختاری بر علیه ظهور این مشکل است. در روش تزکیه در بودیسم، هیچ روش تزکیه مستحکمی وجود ندارد، و هیچ راهنمایی در رساله‌ها که از این مسائل پرهیز کند. ساکیومونی چنین دارمایی را در آن زمان آموزش نداد. برای اجتناب از مشکل دخالت شیاطین ناشی از فکر و قلب خود شخص یا با تغییر شکل از پیگرد قصد فکر، او تمام صحنه‌های مشاهده شده در عمل تزکیه را وهم و خیال شیطانی نام نهاد. پس، وقتی وابستگی رشد می‌کند، آن به وهم و خیال شیطانی ختم می‌شود. این برای یک فرد بسیار مشکل است که از آن حذر کند. اگر آن به خوبی کنترل نگردد، شخص به تباهی کشانده می‌شود و یک راه شیطانی را دنبال می‌کند. از آنجا که او خودش را یک بودا نامیده است، هم اکنون خودش را خبیث و شیطانی نموده است. درنهایت، بوسیله ارواح یا حیوانات تسخیر می‌شود، یا چیزهای دیگر را تجربه خواهد نمود و کاملاً نابود می‌شود. قلب او نیز زشت و قبیح می‌گردد، و کاملاً سقوط خواهد نمود. از چنین اشخاصی به فراوانی وجود دارند. حتی در این کلاس، اشخاصی هستند که در حال حاضر کاملاً درباره خودشان در سطح بالایی فکر می‌کنند و با طرز فکر خاصی صحبت می‌کنند. حتی در بودیسم برای فرد ممنوع است که بخواهد بفهمد در کل او چه کسی است. آنچه را در حال حاضر ذکر کردم شکل دیگری از تداخل شیطانی است، که به «مداخله شیطانی ناشی از فکر خود شخص» یا «تغییر شکل از پیگرد قصد فکری»

نامیده می‌شود. پکن تمرین‌کنندگانی بدین گونه دارد، و تعدادی نیز در بعضی مناطق دیگر وجود دارند. از این گذشته، آنها مزاحمت‌های بسیار جدی‌ای را برای تمرین‌کنندگان ایجاد کرده‌اند.

کسی از من سؤال کرد: «معلم، چرا این مشکل را از بین نمی‌برید؟» همگی درباره آن فکر کنید: اگر تمام موانع را از راه تزکیه‌اتان برداریم، چگونه می‌توانید عمل تزکیه را انجام دهید؟ این در تحت شرایط مداخله شیطانی است که شما می‌توانید نشان دهید آیا می‌توانید به تزکیه ادامه بدهید یا نه، واقعاً در تائو روشن‌بین گردید یا نه؛ تحت تأثیر مزاحمت‌ها قرار بگیرید یا نه، و در این مدرسه تزکیه می‌توانید ثابت قدم باشید یا نه. موج‌های بزرگ شن را دگرگون می‌کنند. این همه آن چیزی است که به عمل تزکیه مربوط می‌شود. آنچه که در نهایت باقی می‌ماند طلای حقیقی است. بدون این شکل از مزاحمت، می‌توانم بگویم که برای شخص بسیار آسان خواهد بود تزکیه کند. به نظر من، تزکیه شما در حال حاضر بیش از حد آسان است. روشن‌بین‌های بزرگ در سطح بالا شاید این را بسیار غیرعادلانه ببینند: «دارید چکار می‌کنید؟ آیا به این طریق مردم را نجات می‌دهید؟ هیچ موانعی در راه تزکیه وجود ندارند، و شخص می‌تواند تزکیه‌اش را مستقیماً تا آخر انجام دهد. آیا این تزکیه کردن است؟ همانطور که شخص در تزکیه پیش می‌رود، بطور فزاینده‌ای بدون هیچ مزاحمتی راحت‌طلب‌تر می‌شود. این چگونه می‌تواند مجاز باشد؟» این یک مشکل است، و به خوبی درباره آن فکر کرده‌ام. در آغاز، بسیاری از شیاطین را از بین بردم. اگر این کار را تمام مدت انجام دهم، آن را همچنین صحیح نمی‌یابم. به من همچنین گفته شده است: «تو تزکیه آنها را بسیار آسان کرده‌ای.» مردم فقط مشکلات کوچک خودشان را دارند. آنها وابستگی‌های بسیاری دارند که هنوز نمی‌توانند آنها را از دست بدهند! یک سؤال باقی می‌ماند اینکه آیا آنها می‌توانند دافای تو را وقتی در میان سردرگمی و رنج و محنت قرار دارند بفهمند یا نه.» این شامل چنین مسئله‌ای است، پس تداخل‌ها و آزمایش‌هایی وجود خواهند داشت. هم‌اکنون گفتم که این یک شکل از مداخله شیطانی است. بسیار مشکل است که یک شخص را بطور حقیقی نجات داد، اما بسیار آسان است که یک انسان را نابود کرد. همین که فکر شما صالح نباشد، یکباره تباه خواهید شد.

خودآگاهی اصلی شما باید غلبه داشته باشد

به خاطر اینکه انسانها در طول زندگی‌های مختلفشان مرتکب بسیاری از اعمال نادرست شده‌اند، بلایا و فجایی را برای مردم به همراه داشته‌اند و موانع کارمایی را برای تمرین‌کنندگان بوجود آورده‌اند. بنابراین، تولد، پیری، بیماری، و مرگ وجود خواهند داشت. اینها کارماهای معمولی هستند. کارمای قدرتمند دیگری وجود دارد که تأثیر بسیار زیادی بر تمرین‌کنندگان می‌گذارد - نام آن کارمای فکری است. مردم برای هدایت زندگی‌اشان مجبورند فکر کنند. از آنجا که شخص در بین مردم عادی راه را گم کرده است، اغلب افکاری را در ذهنش برای شهرت، سود، شهوت، خشم، و غیره رشد می‌دهد. بتدریج، این افکار بصورت افکار کارمایی قدرتمندی درمی‌آیند. از آنجا که هر چیزی در بعدهای دیگر دارای زندگی و هستی است، کارما نیز همینطور است. وقتی فرد شروع به تزکیه در یک راه درست می‌کند، باید کارمای خودش را از بین ببرد. از بین بردن کارما این معنی را می‌دهد که آن را از ریشه از بین برده و به کلی تغییر داد. البته، کارما مقاومت خواهد کرد، و بنابراین شخص درد و رنج و موانعی خواهد داشت. اما، کارمای فکری مستقیماً مزاحم ذهن فرد است. به همین جهت، در ذهن شخص کلماتی زشت وجود دارد که معلم و دافا را ملامت و سرزنش می‌کند، و شخص ممکن است به بعضی از افکار پلید و کلمات زشت فکر کند. در نتیجه، بعضی از تمرین‌کنندگان نمی‌دانند که موضوع از چه قرار است و فکر می‌کنند که این افکار خود آنها می‌باشد. بعضی از افراد نیز معتقدند که آنها از طرف ارواح یا حیوانات تسخیر کننده هستند، اما آنها از طرف ارواح یا حیوانات تسخیرکننده نمی‌باشند. به بیانی دقیق‌تر، آنها ثمره انعکاس کارمای فکری ذهن شخص هستند. بعضی از افراد خودآگاهی اصلی قوی ندارند و از کارمای فکری برای انجام دادن کارهای نادرست پیروی می‌کنند. چنین افرادی نابود شده و به سطوح پایینی سقوط خواهند نمود. به هر حال، اغلب مردم می‌توانند آن را با فکرهای قوی خودشان (خودآگاهی اصلی قوی) مقاومت کرده و از بین ببرند. پس، این نشان می‌دهد که این شخص می‌تواند نجات یابد و می‌تواند بین خوبی و بدی را تشخیص دهد. به عبارتی دیگر، شخص توانایی روشن‌بینی خوبی را دارا است. فاشن من کمک می‌کند تا اکثریت چنین کارمای فکری از بین بروند. این

وضعیت اغلب دیده می شود. وقتی که آن اتفاق می افتد، شخص مورد آزمایش قرار می گیرد برای اینکه دیده شود می تواند به چنین افکار بد متعلق به خودش غلبه کند یا نه. اگر شخص مصمم باشد، کارما از بین می رود.

فکر بایستی درست باشد

یک فکر نادرست چه است؟ این اشاره می کند به ناتوانی شخصی که همیشه در رابطه با خودش بعنوان یک تمرین کننده برخورد نمی کند. یک تمرین کننده در تزکیه با درد و رنج مواجه می شود. وقتی درد و رنجی پیش می آید، ممکن است بصورت مشکلی بین مردم عادی آشکار شود. تنش ها و بازی های فکری و امثال آن درگیر خواهند بود، که مستقیماً بر شین شینگ شما تأثیر می گذارند. موارد بسیاری در این رابطه وجود خواهند داشت. با چه چیز دیگری روبرو خواهید شد؟ بدن های ما ممکن است ناگهان احساس معذبی داشته باشند. این به خاطر بازپرداخت کارما که در راه های مختلف آشکار می شود است. در یک لحظه زمانی بخصوص، شما قادر نخواهید بود بطور واضح تشخیص دهید که آیا مسئله ای صحیح است یا نه، آیا گونگ وجود دارد یا نه، آیا می توانید تزکیه کنید و در آن موفق شوید یا نه، یا بوداهایی وجود دارند یا نه و آنها واقعی هستند یا نه. در آینده، این اوضاع و شرایط دوباره ظاهر خواهند شد که به شما یک تأثیر دروغین بدهند و این احساس را در شما بوجود آورند که آنها وجود ندارند و همگی کاذب می باشند - این برای این است که مشخص شود که آیا مصمم هستید یا نه. می گویند که باید قاطع باشید و اعتماد به نفس داشته باشید. با این عزم راسخ، اگر در حقیقت بتوانید قاطعانه وقتی که وضعیتی اتفاق می افتد ثابت قدم باشید، بطور طبیعی به خوبی عمل خواهید نمود زیرا شین شینگ شما هم اکنون ترقی کرده است. اما شما هنوز در آن لحظه محکم و پایدار نیستید. اگر چنین آزمایشی مستقیماً به شما داده شود، به آن در کل آگاه نخواهید شد، و حتی قادر نخواهید بود در هر صورت تزکیه کنید. امتحانات می توانند به شکل های مختلف خود را نشان دهند.

در طی جریان عمل تزکیه، شخص باید بدین شکل تزکیه کند تا به سطوح بالاتر صعود کند. بنابراین، وقتی بعضی از شما احساس فیزیکی معذبی را در جایی دارید، فکر خواهید کرد مریض هستید. شما همیشه در برخورد با خودتان به عنوان یک تمرین کننده با شکست مواجه خواهید شد، برای اینکه اگر این مسئله برایتان اتفاق بیفتد، آن را به عنوان یک بیماری به حساب خواهید آورد. چرا اینهمه مشکلات وجود دارند؟ بگذارید برایتان بگویم در حال حاضر بسیاری از آنها برای شما برداشته شده اند، و امتحانات شما در حال حاضر کاملاً پیش پا افتاده هستند. اگر آنها برای شما برطرف نمی شدند، و در حال حاضر با این مشکل روبرو می شدید ممکن بود به حال مرگ بیفتید. شاید هرگز قادر نمی بودید که از تختتان بیرون بیایید. وقتی با مشکلی کوچک روبرو می شوید، احساس معذبی دارید. اما چگونه می تواند آنقدر راحت و آسوده باشد؟ بطور مثال، زمانی که در یک کلاس در (Changchun) آموزش می دادم، شخصی بود که کیفیت مادرزادی بسیار خوبی داشت، که در ضمن داوطلب خوبی نیز بود. دریافتیم که او بسیار خوب است و آزمایش های او را کمی افزایش دادم به منظور اینکه بتواند سریعاً کارمایش را پس دهد و روشن بین گردد - من بدین طریق تدارک می دیدم. اما، یک روز به نظر آمد که او به طور ناگهانی علائمی از لخته خون در مغزش دارد و به زمین افتاد. احساس کرد که نمی تواند حرکت کند بطوریکه دست ها و پاهایش بدون حرکت بودند. برای نجات فوری به بیمارستان فرستاده شد. سپس توانست دوباره به راه بیفتد. همگی درباره آن فکر کنید: با لخته خونی در مغز، چگونه شخص می تواند در اطراف قدم بزند و همه دست ها و پاهایش را دوباره به سرعت به حرکت در آورد؟ در عوض، فالون دافا را شماتت کرد که باعث شده بود کارها برای او به غلط به پیش رود. او درباره این فکر نکرد: چگونه می توانست به این سریعی از بیماری لخته خون در مغز رهایی یابد؟ اگر در آن زمان فالون دافا را مطالعه نکرده بود، ممکن بود در آنجا بطور واقعی وقتی که به زمین افتاد بمیرد. شاید برای بقیه عمرش فلج می شد و حقیقتاً لخته خون در مغزش داشت.

می توان گفت که این دقیقاً چقدر مشکل است زندگی یک شخص را نجات داد. آن همه کار برای او انجام شده بود، ولی هنوز هم به آنها واقف نبود؛ و در عوض چنان صحبتی کرد. بعضی از تمرین کنندگان قدیمی می گویند: «معلم، چرا در سرتاسر بدنم احساس معذبی دارم؟ همیشه برای تزریق به بیمارستان می روم، اما کمکی نمی کند. دارو نیز اثری نمی کند.» آنها

حتی خجالت نمی‌کشند که با من دربارهٔ این جریان صحبت می‌کنند! البته، که آن مسئله‌ای را حل نمی‌کند. آنها بیماری نیستند. آنها چگونه می‌توانند کمک کنند؟ شما ممکن است ادامه داده و از لحاظ فیزیکی نیز آزمایش کنید. این هیچ اشکالی ندارد، اما هنوز هم معذب هستید. ما تمرین‌کننده‌ای را داریم که در بیمارستان چندین آمپول روی بدن او شکست. در آخر، دارو با فوران بیرون زد و سوزن هنوز هم نتوانست در بدن او فرو رود. در آن موقع متوجه شد: «وای، من یک تمرین‌کننده هستم، و نمی‌بایستی آمپول مصرف می‌کردم.» او درست لحظه‌ای قبل از آن پی برد که نمی‌بایستی آمپولی را تزریق می‌کرد. به همین جهت، هر موقع که با دردی روبرو می‌شوید، به این مسئله مطمئن باشید که توجه می‌کنید. بعضی از مردم فکر می‌کنند که به سختی به آنها اجازه می‌دهم که به بیمارستان بروند، پس اینطور فکر می‌کنند: «اگر شما اجازه نمی‌دهید که به بیمارستان بروم، به نزد یک استاد چی‌گونگ خواهم رفت.» آنها هنوز هم با آن بعنوان یک بیماری برخورد می‌کنند و می‌خواهند به سراغ یک استاد چی‌گونگ بروند. کجا می‌توانند یک استاد حقیقی چی‌گونگ را پیدا کنند؟ اگر یک استاد قلابی را پیدا کنید، به یکباره به نابودی کشیده خواهید شد.

ما گفته‌ایم: «چگونه می‌توانید بین یک استاد چی‌گونگ واقعی و دروغین تشخیص دهید؟» بسیاری از استادان چی‌گونگ به خودشان نام و نشانی داده‌اند. من مورد آزمایش قرار گرفته‌ام و از یک مؤسسهٔ بررسی علوم مدارکی دارم. بسیاری از استادان چی‌گونگ، قلابی هستند و به خودشان عناوینی را داده‌اند! بسیاری از آنها وجود دارند که بلوف می‌زنند و مردم را گمراه می‌کنند. چنین استاد دروغینی نیز می‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد. چرا می‌تواند این کار را انجام دهد؟ او گرفتار روح یا حیوان تسخیرکننده است که در غیر اینصورت قادر نخواهد بود مردم را گمراه کند! روح یا حیوان تسخیرکننده نیز می‌تواند انرژی را بیرون بفرستد و بیماری‌ها را شفا دهد. بودن به صورت یک شکل از انرژی می‌تواند بسیار ساده مردم عادی را کنترل کند. اما گفته‌ام: «روح یا حیوان تسخیرکننده چه چیزی به شما می‌دهد وقتی که بیماری شما را معالجه می‌کند؟» در سطح بسیار فوق‌العادهٔ میکروسکوپی، همهٔ آن تصویری از روح و حیوان تسخیرکننده است. اگر آن به شما داده شود، چه خواهید کرد؟ «دعوت کردن یک فناپذیر آسانتر از خارج نمودن آن است.»^۵ ما احتیاجی نداریم که با مردم عادی قاطی شویم، زیرا که آنها دقیقاً می‌خواهند مردم عادی باقی بمانند و موقتاً تسکین یابند. شما، به هر حال، یک تمرین‌کننده هستید. آیا نمی‌خواهید مداوماً بدن‌هایتان را پالایش کنید؟ اگر آن به بدن شما وصل شده است، کی قادر خواهید بود از دست آن خلاص گردید؟ بعلاوه، آن مقدار قابل توجهی انرژی دارد. بعضی‌ها خواهند پرسید: «چرا فالون اجازه می‌دهد که این اتفاق بیفتد؟ آیا ما فاشن معلم را نداریم که از ما حافظت کند؟» در عالم ما اصلی وجود دارد: اگر خودتان چیزی را بخواهید هیچکس در آن مداخله نمی‌کند. تا آنجا که این خواست شما است، هیچکس نمی‌تواند در آن دخالتی کند. فاشن من شما را متوقف می‌کند و به شما اندرز می‌دهد. اگر ببیند که همیشه بدان صورت هستید، بیشتر از آن از شما مواظبت نخواهد کرد. چگونه شخص می‌تواند مجبور به تزکیه کردن شود؟ شما نمی‌توانید مجبور به تزکیه کردن شوید؟ این کاملاً به شما مربوط است که بطور واقعی ترقی کنید. هیچ‌کس نمی‌تواند دربارهٔ آن کاری بکند اگر که شما نخواهید خودتان را رشد دهید، اصول و فا را آموزش دیده‌اید. چه کسی را شمات می‌کنید اگر هنوز هم نمی‌خواهید خودتان را ترفیع دهید؟ با توجه به آنچه که خواست شما است، فالون و فاشن من مداخله‌ای نخواهند نمود - این مطمئناً اینطور است. حتی بعضی از افراد به کلاسهای استادان دیگر چی‌گونگ رفته و بعد از آن در خانه احساسی بسیار معذب و ناراحت داشته‌اند. این مطمئناً اینطور است. چرا فاشن من از تو حمایت نکرد؟ برای چه به آنجا رفتید؟ با رفتن به آنجا برای گوش کردن، آیا در جستجوی چیزی نبودید؟ اگر با گوش‌هایتان گوش نکردید، چگونه آن توانست به بدن شما نفوذ کند؟ بعضی از افراد فالون‌هایشان را از شکل انداخته‌اند. بگذارید برایتان بگویم که این فالون با ارزش‌تر از زندگی شما است. آن زندگی والایی است که نمی‌شود به آسانی نابود گردد. در حال حاضر بسیاری از استادان دروغین وجود دارند، و بعضی از آنها تقریباً شناخته شده می‌باشند. من به

۵ - "it is easier to invite an immortal than to see one off" - یک اصطلاح چینی است که معمولاً برای توضیح موقعیتی بکار می‌رود که درگیر شدن در آن آسان است ولی رها شدن از آن سخت.

مسئولین انجمن محققین علم چی گونگ گفته‌ام که در زمان‌های قدیم، داجی (Da ji) نامی بود که در دربار امپراتور هرج و مرج بوجود آورد. آن روباه کارهای بیرحمانه زیادی کرد، اما هنوز هم به بدی بعضی از استادان قلابی امروزی چی گونگ که کاملاً به تمام کشور صدمه رسانده‌اند نبود. چه تعداد مردم قربانی شده‌اند؟! شما می‌بینید که در ظاهر به نظر می‌آید تا حدی خوب باشد، اما چه تعداد از افراد آن نوع از چیزها را در بدن‌هایشان حمل می‌کنند؟ اگر به شما اینها را بدهند، شما آنها را در بدن‌هایتان حمل خواهید نمود - که کاملاً بیش از حد مهاجم هستند. به همین جهت یک فرد برایش مشکل است که در ظاهر بتواند آن را تشخیص دهد.

بعضی از مردم ممکن است فکر کنند: «بعد از شرکت در این سمینار چی گونگ و گوش کردن به آنچه لی هنگچی امروز گفت، پی برده‌ام چی گونگ چقدر عمیق و پرمحتوا است! اگر سمینارهای چی گونگ دیگری وجود داشته باشد، در آنها نیز شرکت خواهم نمود». می‌گویم که شما مطلقاً نباید به آنجا بروید. اگر به آنها گوش کنید، چیزهای بد وارد گوشه‌هایتان خواهند شد. این بسیار مشکل است که هم یک شخص را نجات داد و هم فکر او را عوض کرد. پاک کردن بدن یک شخص همچنین بسیار مشکل است. تعداد بسیار زیادی از استادان دروغین چی گونگ وجود دارند. حتی بعنوان یک استاد واقعی چی گونگ در یک روش صحیح، آیا او واقعاً پاک است؟ بعضی از حیوانات واقعاً شرور و وحشی هستند. اگر چه آن موجودات نمی‌توانند به بدن او وصل گردند، هیچکدام از آنها را هم نمی‌تواند بیرون بیاورند. این شخص، و مخصوصاً شاگردان او، این توانایی را ندارند که این موجودات را در سطحی وسیع به مبارزه بطلبند. وقتی گونگ را به بیرون می‌فرستد، همه نوع چیزهای ناجور وجود دارند که با آن در تداخل هستند. هر چند ممکن است نسبت به خودش کاملاً معقول و محترمانه باشد، شاگردان او صالح نمی‌باشند و ارواح یا حیوانات تسخیر کننده مختلفی را دارا می‌باشند - از همه نوع آنها.

اگر به طور واقعی بخواهید در فالون دافا تزکیه کنید، نباید به نزد آنها بروید و به آنها گوش کنید. البته، اگر نخواهید فالون دافا را تزکیه کنید و بخواهید هر چیزی را تزکیه کنید، می‌توانید به آن ادامه دهید؛ من مانع شما نخواهم شد، زیرا که مرید فالون دافا نیستید. اگر چیزی دچار اشتباه می‌شود، شماتت نکنید، که باعث آن تمرین فالون دافا بوده است. فقط وقتی استاندارد شین‌شینگ را مراعات می‌کنید و برطبق دافا تزکیه می‌کنید، یک تمرین کننده واقعی فالون دافا هستید. کسی سؤالی کرده است: «آیا می‌توانم با تمرین کنندگان روشهای دیگر چی گونگ معاشرت کنم؟» اجازه دهید برایتان توضیح دهم آنها فقط چی گونگ را تمرین می‌کنند در حالیکه شما در دافا تزکیه می‌کنید. بعد از حضور در این کلاس، آنها را در روابط سطوح، پشت سر خواهید گذاشت. این فالون از میان نسل‌های زیادی از تزکیه شکل گرفته است و خیلی قدرتمند است. مطمئناً، وقتی با آنها رابطه برقرار می‌کنید، اگر بتوانید ترتیبی بدهید که از آنها چیزی را دریافت نکنید و فقط یک دوست معمولی باشید، مسئله‌ای نخواهد بود. اگر آن اشخاص واقعاً چیزی را با خودشان حمل می‌کنند، به هر حال بسیار بد خواهد بود، و بهتر است که اصلاً با آنها تماسی نداشته باشید. در موقعیت زن و شوهر، فکر می‌کنم آن نیز مسئله‌ای نباشد اگر همسر شما چی گونگ دیگری را تمرین می‌کند. اما یک مسئله وجود دارد: از آنجا که شما یک راه درست را تمرین می‌کنید، تزکیه شما به دیگران فایده خواهد رساند. اگر همسر شما روشی اهریمنی را تزکیه می‌کند، ممکن است چیزهای بدی را در بدنش حمل کند. برای اطمینان از ایمنی شما، جفت شما نیز باید پاک گردد. همه چیز در بعدهای دیگر برای شما پاک خواهند شد. محیط خانه‌اتان نیز پاک خواهد شد. اگر محیط شما پاک نشده باشد و همه نوع موضوعی با شما در تداخل باشد، چگونه می‌توانید عمل تزکیه را انجام دهید؟

اما وضعیتی وجود دارد که فاشن من کمکی برای پاک کردن چیزها نخواهد کرد. ما تمرین کننده‌ای داریم که روزی فاشن من را دید که به خانه‌اش آمد. بسیار هیجان زده بود: «فاشن معلم اینجا است. معلم، خواهش می‌کنم وارد شوید.» فاشن من گفت: «اتاق تو بیش از حد به هم ریخته است، و در آن وسایل زیادی وجود دارد». سپس، فاشن او را ترک نمود.

۶ - Da Ji (dah - jee) - معشوقه بیرحم آخرین امپراتور سلسله shang (۱۷۶۵ B.E - ۱۱۲۲ B.E) بود. اعتقاد بر این است که او بوسیله یک روح روباه تصرف شده بود و باعث سقوط سلسله shang بود.

معمولاً، وقتی ارواح خبیث بیش از حد در بعدهای دیگر وجود داشته باشند، فاشن من آنها را برای شما پاک می کند. به هر حال، اتاق او پر از کتابهای مختلف بد چی گونگ بود. او متوجه آن شد و بوسیله آتش زدن کتابها یا فروش آنها خانه را پاک نمود. این جریانی بود که این تمرین کننده به من گفت.

اشخاصی نیز وجود دارند که طالع بین ها را می بینند. کسی سئوالی از من کرد: «معلم، من در حال حاضر فالون دافا را تزکیه می کنم. همچنین درباره ذویوی (Zhouyi) یا به موضوعاتی از قبیل طالع بینی بسیار علاقمند هستم. آیا هنوز هم می توانم آنها را استفاده کنم؟» اجازه بدهید به این صورت توضیح بدهم: اگر شما مقدار قابل ملاحظه ای از انرژی را حمل می کنید، هر چه را که بازگو کنید اثر و نفوذی خواهد داشت. اگر چیزی به آن صورت نباشد، ولی به کسی گفته اید که آن بدان صورت است، ممکن است مرتکب عمل بدی شده باشید. یک فرد عادی بسیار ضعیف است. پیغام های او ناستوارند و ممکن است تغییر کنند. اگر دهانتان را باز کنید و چیزی به او بگویید، آن عذاب ممکن است به حقیقت تبدیل شود. اگر این شخص کارمای بسیاری داشته باشد که باید آنها را پس دهد، و شما ادامه داده و به او بگویید که آینده خوبی خواهید داشت، آیا این پیشگویی مجاز خواهد بود وقتی که او قادر نیست کارمای خودش را پس دهد؟ آیا به او صدمه نمی زنید؟ بعضی از افراد بدرستی نمی توانند این مسائل را به حال خودشان بگذارند و به آنها چسبیده اند مثل اینکه دارای تبحری هستند. آیا این وابستگی نیست؟ بعلاوه، حتی اگر واقعاً هم حقیقت را بدانید، بعنوان یک تمرین کننده بایستی شین شینگ خودتان را حفظ کنید و به آسانی اسرار آسمانی را برای یک شخص عادی پیش گویی نکنید. این یک اصل است. اهمیتی ندارد که چگونه شخص ذویوی (Zhouyi) را برای پیش گویی بکار می برد، بعضی از آنها به هر صورت دیگر حقیقی نیستند. پیش گویی کردن به این یا آن طریق با بعضی از آنها راست و بعضی دیگر دروغ، این نوع از طالع بینی اجازه دارد در جامعه مردم عادی وجود داشته باشد. از آنجا که شما شخصی هستید که دارای گونگی واقعی است، می توانم بگویم که یک تمرین کننده واقعی باید استاندارد بالایی را دنبال کند. اما بعضی از تمرین کنندگان کسان دیگر را پیدا می کنند که آینده شان را بگویند و سئوال خواهند کرد: «آیا طالع مرا می بینی که تزکیه من چگونه است؟ یا آیا من درد و رنجی خواهم داشت؟» آنها فهمیده اند که دیگران این چیزها را پیش گویی می کنند. اگر این محنت شما بازگو شود، چگونه می توانید خودتان را رشد دهید؟ تمام زندگی یک تمرین کننده دوباره تدارک دیده شده است. کف بینی شخص، صورت خوانی، روز تولد، و تمام پیغام های بدن شخص همگی در حال حاضر متفاوت هستند و تغییر کرده اند. اگر به نزد یک طالع بین بروید، به او اعتقاد پیدا خواهید کرد. وگرنه برای چه این کار را انجام می دهید؟ آنچه که او می تواند به شما بازگو کند بعضی از چیزهای سطحی درباره گذشته شما است. در حالیکه جوهر و ذات آنها در حال حاضر تغییر کرده است. پس همگی درباره آن فکر کنید: اگر به نزد یک فال بین بروید، آیا به او گوش نمی دهید و به او باور نمی آورید؟ پس، آیا این یک بار روانی را برای شما بوجود نیاورده است؟ آیا این یک وابستگی نیست اگر خودتان را با فکر کردن درباره آن ناراحت کنید؟ پس چگونه این وابستگی می تواند از بین برود؟ آیا خودتان یک مشکل و محنتی را برای خودتان اضافه نکرده اید؟ آیا مجبور نیستید که درد و محنت بیشتری را برای رها کردن این وابستگی تحمل کنید؟ هر آزمایش و هر درد و رنجی احتمالاً مربوط به مسئله رشد یا شکست در تزکیه است، تزکیه برای خودش در حال حاضر مشکل است، درد و رنجی را هم که خلق کرده اید به آن اضافه می کنید. چگونه می توانید از پس آن برآیید؟ احتمالاً امتحانات و نگرانی هایی را بعنوان یک نتیجه خواهید داشت. مسیر تغییر یافته زندگی اتان اجازه ندارد بوسیله دیگران دیده شود. اگر بوسیله دیگران دیده شود یا به شما گفته شود چه زمانی درد و رنجی به سراغتان خواهد آمد، چگونه می توانید تزکیه کنید؟ به همین جهت آن، مجاز نیست در کل دیده شود. هیچکس از مدارس تزکیه دیگر نیز اجازه ندارند آن را ببینند. حتی مریدان همراه در یک مدرسه تزکیه نیز اجازه ندارند آن را ببینند. هیچکس قادر نخواهد بود آن را بدرستی بگوید، زیرا آن زندگی ای است که تغییر کرده و برای تزکیه کردن می باشد.

شخصی از من سئوال کرد اگر او اجازه دارد کتاب های مذهبی دیگران و کتاب های دیگر چی گونگ را مطالعه کند. ذکر کرده ایم که کتاب های مذهبی، مخصوصاً بودیستی، همگی به مردم آموزش می دهند که چگونه شین شینگ خودشان را تزکیه کنند. ما نیز به مدرسه بودا تعلق داریم، پس هیچ مشکلی نمی تواند وجود داشته باشد. اما نکته ای را باید ذکر کرد: بسیاری از

مسائل در رساله‌ها در پروسه انتقال بطور اشتباه ترجمه شده‌اند. بعلاوه، بسیاری از تفسیرهای رساله‌ها نیز از نقطه‌نظرهایی در سطوح مختلف انجام شده‌اند، و توصیف‌هایی بطور سرسری داشته‌اند. آن چپاول و غارت دارما است. افرادی که بطور سرسری رساله‌ها را تفسیر کرده‌اند از اقلیم بودا بسیار دور بوده‌اند؛ و محتوای واقعی رساله‌ها را نفهمیدند. به همین جهت، آنها نیز درک‌های مختلفی از موضوع‌ها داشته‌اند. برای شما آسان نخواهد بود که آن را کاملاً بفهمید، و قادر نخواهید بود بوسیله خودتان الهامی درباره آن بگیرید. اما اگر بگویید: «فقط علاقمند هستم که رساله‌ها را مطالعه کنم»، و اینکه همیشه رساله‌ها را مطالعه می‌کنید، روش آن مدرسه را تزکیه می‌کنید، زیرا که رساله‌ها نیز انسجام یافته گونگ و فای آن مدرسه تزکیه است. به محض اینکه آنها را مطالعه کنید، روش آن مدرسه را تزکیه می‌کنید. این شامل چنین موضوعی است. اگر رساله‌ها را عمیقاً مطالعه کنید و روش آن مدرسه را پیگیری کنید، ممکن است به جای مدرسه ما به آن مدرسه تزکیه تعلق پیدا کنید. در سرتاسر تاریخ، از فرد خواسته شده است که در تزکیه، دو مدرسه تزکیه را در یک زمان قبول نکند. اگر واقعاً بخواهید روش این مدرسه را تزکیه کنید، فقط باید نوشته‌های این مدرسه تزکیه را مطالعه کنید.

تا آنجا که به کتاب‌های چی گونگ مربوط است، نباید آنها را اگر می‌خواهید تزکیه کنید بخوانید. مخصوصاً باتوجه به کتاب‌های چی گونگ که این روزها منتشر می‌شوند، نایستی آنها را بخوانید. به همین صورت در مورد کتاب‌هایی مثل کیمیاگری درونی سنتی امپراطوری زرد، دینگ مینگ - گویی چی Xingming Guizhi، یا تائو - زانگ Tao zang، با آن که چیزهای بدی را به همراه ندارند، آنها نیز شامل پیغامی‌هایی از سطوح مختلف می‌باشند. و نیز برای خودشان راه‌هایی از تزکیه هستند. یکبار که آنها را خواندید، به شما چیزی را خواهند داد و با شما تداخل خواهند نمود. اگر شما یکی از جمله‌های آنها را خوب بیابید، در نتیجه، چیزی از آنها به طرف شما آمده و به گونگ شما اضافه خواهد شد. اگرچه آن چیز بدی نیست، چگونه تزکیه خواهید نمود وقتی چیزی دیگر ناگهان به شما داده شده است؟ آیا این مشکلی را بوجود نمی‌آورد؟ اگر یک تکه اضافی الکترونیکی را به مجموعه داخلی تلویزیونتان اضافه کنید، فکر می‌کنید چه اتفاقی به سر تلویزیون شما خواهد آمد؟ فوراً از کار خواهد افتاد. این یک اصل است. بعلاوه، بسیاری از کتاب‌های چی گونگ امروزه قلبی هستند و انواع مختلفی از اطلاعات را به همراه دارند. وقتی یکی از شاگردان ما صفحه یک کتاب چی گونگ را ورق می‌زد یک مار از آن بیرون پرید. البته، من نمی‌خواهم در مورد جزئیات بحثی کنم. آنچه که هم‌اکنون توضیح داده‌ایم این است که خود تمرین‌کنندگان یک‌سری مشکلات را برای خودشان خلق می‌کنند، زیرا نمی‌توانند به خوبی خودشان را هدایت کنند؛ به بیانی دیگر، این مشکلات بوسیله فکری نادرست بوجود می‌آیند. این برای همگی شما خوب است که به این مسئله اشاره می‌کنیم و می‌گذاریم که همگی بدانند چکار باید بکنند و چگونه بین آنها فرق بگذارند در نتیجه مشکلاتی در آینده بوقوع نمی‌پیوندند. اگرچه من به آنچه هم‌اکنون گفتم پافشاری نمی‌کنم، هر کسی باید با اطمینان به آن توجه کند زیرا که مشکلات معمولاً درباره این موضوع پدیدار می‌شوند، و بطور معمول اینجا ظاهر می‌شوند. عمل کردن تزکیه بسیار سخت و جدی است. اگر برای یک لحظه بی‌توجه باشید، امکان سقوط و نابودی در یک لحظه موجود است. به همین جهت، فکر شخص بایستی درست باشد.

ورزشهای رزمی چی گونگ

به اضافه روش‌های تزکیه درونی، ورزشهای رزمی چی گونگ نیز وجود دارند. در حالی که درباره ورزشهای رزمی چی گونگ صحبت می‌کنیم، باید یک موضوع را تأکید کنم که در حال حاضر اظهاراتی وجود دارند مبنی بر اینکه شکل‌های بسیاری از چی گونگ در جامعه تزکیه‌کنندگان وجود دارند.

در حال حاضر انواع مختلفی معروف به نقاشی چی گونگ، موزیک چی گونگ، خطاطی چی گونگ، و رقص چی گونگ وجود دارند - همه نوعی از آنها وجود دارند. آیا همگی آنها چی گونگ هستند؟ آن را بسیار عجیب یافتیم. می‌خواهم بگویم که این چی گونگ را به هرج و مرج کشانده است. نه تنها چی گونگ را به هرج و مرج می‌کشاند، بلکه خیلی راحت نیز چی گونگ را به تباهی می‌کشاند. پایه نظری آنها چیست؟ گفته شده است وقتی شخصی نقاشی می‌کند، آواز می‌خواند، می‌رقصد، یا می‌نویسد، بایستی در وضعیت خلسه یا به اصطلاح در وضعیت چی گونگ باشد. آیا این چی گونگ را درست می‌کند؟ نمی‌تواند

بدین نحو فهمیده شود. آیا باعث نابودی چی گونگ نمی‌شود؟ چی گونگ دانشی عمیق و جامع از تزکیه جسم بشر است. اوه، چگونه در وضعیت خلسه بودن می‌تواند چی گونگ نامیده شود؟ پس، اگر در وضعیت خلسه به توالی برویم آنچه چیزی نامیده می‌شود؟ آیا این نابود کردن چی گونگ نیست؟ من این را تضعیف چی گونگ می‌نامم. دو سال پیش در نمایشگاه تندرستی شرق، موضوعی معروف به خطاطی چی گونگ وجود داشت. خطاطی چی گونگ چیست؟ به آنجا رفتم تا نظری بیاندازم و شخصی را در آنجا در حال نوشتن دیدم. در ضمن نوشتن، چی خودش را با دستانش به هر کلمه آزاد می‌کرد، چی آزاد شده کاملاً سیاه رنگ بود. فکر او کاملاً مشغول پول و شهرت بود. چگونه می‌توانست گونگ داشته باشد؟ چی او نیز نمی‌توانست خوب باشد. نوشته‌های او آویزان بودند و به قیمت‌های بالایی فروش می‌رفتند. اما فقط خارجی‌ها بودند که آنها را می‌خریدند. می‌توانم بگویم هر کس که آنها را می‌خرد بدشانسی می‌آورد. چگونه می‌تواند چی سیاه خوب باشد؟ تمام صورت آن شخص سیاه به نظر می‌آمد. ذهن او مشغول پول بود و فقط به پول فکر می‌کرد - او چگونه می‌توانست گونگی داشته باشد؟ با این حال، کارت ملاقات او شامل بسیاری از عناوین و لقب‌ها بود، از قبیل خطاطی بین‌المللی چی گونگ! من می‌خواهم بیرسم چگونه چنین چیزی می‌تواند به چی گونگ نامیده شود؟

همگی درباره آن فکر کنید: هشتاد تا نود درصد از افراد این کلاس نه تنها بیماری‌هایشان معالجه می‌شود، بلکه گونگ را نیز رشد خواهند داد - گونگ حقیقی را. آنچه را که بدن شما در حال حاضر با خود دارد کاملاً فوق طبیعی است. اگر بوسیله خودتان تزکیه کنید، حتی در یک زندگی کامل هم نخواهید توانست گونگ را بوسیله تزکیه کردن رشد دهید. حتی اگر یک فرد جوان درست از همین الان شروع به تزکیه کند، در طول این زندگی قادر نخواهد بود با هر آنچه که داده‌ام به کمال برسد، و هنوز هم احتیاج به راهنمایی و هدایت یک استاد خوب و واقعی دارد. چندین نسل برای ما طول کشیده است که این فالون و این مکانیزم را شکل دهیم. این چیزها همگی یکدفعه در بدن شما جایگزین شده‌اند. برای همین، به شما می‌گویم درست به خاطر اینکه آن را به راحتی بدست آورده‌اید به آسانی از دست ندهید. آنها بی‌نهایت با ارزش و نفیس هستند. بعد از این کلاس، آنچه را که با خودتان به همراه دارید گونگ واقعی، ماده‌ای انرژی است، وقتی که به خانه می‌روید و چند کلمه‌ای می‌نویسید اهمیتی ندارد که چه دست خطی داشته باشید آن حاوی گونگ است! پس آیا، هر کس که این دوره را دیده است باید عنوان «استادی» را بگیرد و استاد خطاط چی گونگ گردد؟ می‌خواهم بگویم که آن به این شکل نباید فهمیده شود. بعنوان فردی با گونگ و انرژی حقیقی، احتیاجی ندارید که آن را با قصد آزاد کنید. با هرچه که تماس داشته باشید انرژی به جا خواهید گذاشت. و همه چیز بطور نورانی خواهند درخشید.

همچنین در یک روزنامه، خبر کوچکی را پیدا کردم که درباره یک دوره خطاطی چی گونگ بود. آن را بطور مختصر خواندم تا ببینم چگونه آن دوره آموزش داده می‌شد. چنین نوشته شده بود که اول از همه باید شخص تنفس یا دم و بازدم را تنظیم کند. سپس، در موقعیت لوتوس از پانزده تا سی دقیقه بنشینید در حالیکه به چی در قسمت (دان‌تین) (dantian) فکر کرده و تصور کند چی از آن منطقه بلند شده و به زیر بازوها منتقل می‌گردد. سپس، قلم را برداشته و در جوهر سیاه فرو کند. بعد از آن، چی را به نوک قلم منتقل کند. وقتی قصد فکری شخص به آنجا می‌رسد، شروع به نوشتن می‌کند. آیا این فریب دادن مردم نیست؟ اوه، اگر شخص بتواند چی را به جایی انتقال دهد، آیا چی گونگ به حساب می‌آید؟ به همین منظور، قبل از خوردن غذا بایستی برای مدتی در مدیتیشن بنشینیم. سپس چاپ استیک (چوب غذاخوری در چین و ژاپن) را برداشته و چی را به طرف نوک چاپ استیک حرکت داده و غذا می‌خوریم، آن به نام چی گونگ غذا خوری نامیده خواهد شد، آیا اینطور نیست؟ هر چه را که می‌خوریم همگی انرژی خواهند بود. فقط در مورد این موضوع اظهار نظر می‌کنیم. این را تضعیف چی گونگ می‌نامم، زیرا که آنها چی گونگ را به مثابه چیزی کم مایه تلقی می‌کنند. به همین جهت مردم نباید آن را بدین شکل دریابند.

در هر حال، ورزشهای رزمی چی گونگ می‌توانند در حال حاضر یک روش چی گونگ مستقل به حساب آیند. چرا؟ زیرا که آنها یک میراث چندین هزار ساله دارند، یک سیستم کاملی از تئوریهای تزکیه، و یک سیستم کاملی از هنرهای تزکیه، و می‌تواند بعنوان یک سیستم کامل به حساب آید. علی‌رغم آن، ورزشهای رزمی چی گونگ متعلق به پایین‌ترین سطح روش

تزکیه درونی هستند. چی گونگ سخت نوعی توده از ماده انرژی است که فقط برای ضربه زدن و مبارزه بکار می رود. اجازه بدهید مثالی برایتان بزنم. تمرین کننده‌ای در پکن بعد از شرکت کردن در کلاس فالون دافای ما، نمی‌توانست با دستانش چیزی را فشار دهد. وقتی که داشت کالسکه بچه‌ای را می‌خرد، و می‌خواست مقاومت کالسکه بچه را با دستش بررسی کند آن از هم پاشید و او متعجب شد. وقتی که به خانه مراجعه کرد و روی یک صندلی نشست، نمی‌توانست آن را با دستش فشار دهد. اگر آن کار را می‌کرد، صندلی می‌شکست. از من علت جریان را پرسید. به او چیزی نگفتم زیرا که نمی‌خواستم یک وابستگی را در نزد او رشد دهم. فقط به او توضیح دادم که همه‌اش طبیعی است، به آن اهمیتی ندهد، و از آنجا که همه چیز خوب است توجهی به آن نکند. اگر این توانایی فوق طبیعی به خوبی مورد استفاده قرار بگیرد، یک سنگ با فشار دست می‌تواند بصورت پودر درآید. آیا این چی گونگ سخت نیست؟ اما او چی گونگ سخت را هرگز تمرین نکرده بود. در تمرین‌های تزکیه درونی، این توانایی‌های فوق طبیعی معمولاً می‌توانند رشد کنند. اما از آنجا که کنترل کردن شین شینگ شخص به خوبی مشکل است، معمولاً اجازه ندارد از آنها استفاده کند حتی اگر این توانایی‌ها رشد کرده باشند. مخصوصاً در سطح پایین تزکیه، شین شینگ شخص ترقی نکرده است. پس، توانایی‌های فوق طبیعی که در سطح پایین رشد نموده‌اند در کل صحیح نمی‌باشند. با گذشت زمان سطح شما ترقی می‌کند، و این چیزها دیگر فایده‌ای ندارند و احتیاجی نیست که در اختیار گذاشته شوند.

ورزشهای رزمی چی گونگ دقیقاً چگونه تمرین می‌شوند؟ شخص در تمرین ورزشهای رزمی چی گونگ، بایستی چی را میزان و کنترل کند، اما در اول کار تنظیم کردن آن آسان نیست. حتی اگر شخص بخواهد چی را تنظیم کند، ممکن است قادر به انجام آن نباشد. پس شخص چه کاری باید انجام دهد؟ شخص بایستی دست‌هایش را تمرین دهد، دو طرف سینه‌هایش، پاهایش، ران‌ها، بازوان، و سر را. چگونه آنها را تمرین می‌دهد؟ بعضی از افراد با کف دست‌هایشان به درخت مشت می‌زنند، و بعضی‌ها با دست‌هایشان به سنگ می‌کوبند. برای استخوان‌ها چقدر می‌تواند دردناک باشد وقتی که چنین تماسی برقرار می‌شود، بطوریکه اگر محکم‌تر زده شود دچار خونریزی می‌شود! چی هنوز هم نمی‌تواند میزان گردد. چه کاری باید انجام شود؟ شخص دست‌هایش را آویزان نگاه می‌دارد و می‌گذارد تا خون وارونه به بازوانش حرکت کند، سپس بازوان و دستان او شروع به باد کردن می‌کنند. آنها واقعاً باد می‌کنند. بعد از آن، وقتی شخص محکم به سنگ می‌کوبد، استخوان‌هایش مثل بالشتک متورم می‌شوند و ارتباط مستقیمی با سنگ برقرار نمی‌کنند. هر چند که دست‌ها آنقدر هم دردی را احساس نخواهند کرد. همانطور که شخص به تمرین ادامه می‌دهد، استاد این فرد را آموزش می‌دهد! با گذشت زمان، یاد می‌گیرد که چی را میزان کند. به هر حال، توانایی تنظیم چی به تنهایی خوب نیست، زیرا در یک نبرد واقعی رقیب برای او صبر نخواهد کرد. البته، وقتی شخص بتواند چی را میزان کند، قادر خواهد بود در مقابل حمله‌ها مقاومت کند و دردی را بعد از اصابت سخت یک چوب کلفت احساس نخواهد کرد. بعد از راهنمایی چی به بازوان، آنها متورم خواهند شد. اما در آغاز، چی ابتدایی‌ترین چیزها است و می‌تواند بعد از ادامه تمرین به ماده انرژی اعلاء تبدیل گردد. وقتی که چی به ماده انرژی اعلاء تبدیل شده است، به تدریج بشکل یک دسته انرژی با فشردگی زیاد در می‌آید، و این دسته انرژی موجودی با هوش است! به همین جهت، آن نیز یک دسته توانایی فوق طبیعی است، یا بدین معنی که، یک نوع از توانایی فوق طبیعی. با این همه، این توانایی فوق طبیعی صرفاً برای ضربه زدن و دفاع کردن از خود در برابر ضربه خوردن است. این توانایی در رابطه با شفا دادن بیماری‌ها بکار نمی‌آید. از آنجا که این ماده انرژی اعلاء در بعدی دیگر وجود دارد و در بعد ما عبور نمی‌کند، زمان عبور آن سریعتر از زمان ما است. وقتی که به کسی با مشت ضربه‌ای می‌زنید، احتیاجی ندارید که چی را میزان کنید یا اینکه به آن فکر کنید زیرا که گونگ هم‌اکنون در آنجا خواهد بود. وقتی سعی می‌کنید حمله کسی را دفع کنید، گونگ نیز در همان زمان در آنجا خواهد بود. هیچ اهمیتی ندارد با چه سرعتی با مشت ضربه را پرتاب می‌کنید، آن سریعتر از شما عبور خواهد کرد زیرا مفهوم زمان در دو طرف متفاوت است. از طریق تمرین ورزشهای رزمی چی گونگ، شخص می‌تواند عناوین معروف به دست

آهنی شنی، دست جیوه‌ای، پای مفتول فلزی، پای آرہات^۷ را رشد دهد. اینها مهارت‌های مردم عادی هستند. از طریق تمرین، یک فرد عادی می‌تواند به این سطح برسد.

بزرگترین اختلاف بین ورزشهای رزمی چی‌گونگ و روشهای تزکیه درونی این است که ورزشهای رزمی چی‌گونگ نیاز به حرکت دارند، در نتیجه چی در زیر پوست حرکت می‌کند. از آنجا که آن نیاز به تمرین در حرکت دارد، شخص نمی‌تواند به مرحله سکون برسد، و چی شخص نمی‌تواند داخل (دان‌تین) (dantain) گردد. چی شخص می‌تواند در زیر پوست و از میان ماهیچه‌ها حرکت کند. برای همین، فرد نه می‌تواند بدن را تزکیه کند، و نه می‌تواند توانایی‌های سطح بالا را تزکیه کند. عمل تزکیه درونی ما لازم می‌داند که تمرین در وضعیت سکون انجام گردد. روش‌های سنتی لازم می‌دانند که چی داخل (دان‌تین) (dantain) در قسمت زیرین شکم گردد. آنها ضروری می‌دانند که تمرین در وضعیت سکون انجام گردد و (بتی) (benti) تغییر کند. آنها می‌توانند جسم را تزکیه کنند و عمل تزکیه را به سطوح بالاتر هدایت کنند.

ممکن است چیزهایی درباره تکنیک‌های ورزشهای رزمی در رومانهای معروف به پسر ساعت طلایی، پیراهن آهنی، و انداختن یک تیر از میان یک درخت سپیدار با فاصله یک صد قدمی را شنیده باشید. در رابطه با ورزشهای رزمی سبک، فرد می‌تواند در محل‌های مرتفعی رفت و آمد داشته باشد. حتی بعضی از افراد می‌توانند وارد بعدهای دیگر گردند. آیا چنین ورزشهای رزمی وجود دارند؟ بله، مطمئناً وجود دارند. ولی در بین مردم عادی یافت نمی‌شوند. کسانی که در حقیقت چنین ورزشهای رزمی تراز اولی را تزکیه کرده‌اند، نمی‌توانند آنها را به عموم نشان دهند. زیرا چنین شخصی فقط ورزشهای رزمی را تمرین نمی‌کند و کاملاً در فراسوی سطح مردم عادی است، او باید روش تزکیه را با دنبال کردن یک روش تزکیه درونی انجام دهد. شخص باید به شین‌شینگ خود ارزش گذاشته و آن را رشد دهد. او باید اهمیت کمتری به چیزهایی مثل علایق مادی بدهد. هر چند که می‌تواند چنین ورزشهای رزمی را تزکیه کند، از آن به بعد دیگر نمی‌تواند آنها را بسادگی در بین مردم عادی بکار ببرد. او اجازه دارد آنها را در خلوت اگر کسی او را نمی‌بیند بکار ببرد. با خواندن بعضی رمان‌ها، خواهید فهمید که یک شخصیت داستانی برای یک شمشیر دستی هنری سری، گنج، یا زن، مبارزه می‌کند یا کسی را می‌کشد. هرکس برای داشتن توانایی‌های بزرگی توصیف شده است، سفر رفت و برگشت اسرارآمیز. همگی درباره آن فکر کنید: آیا افرادی که واقعاً این توانایی‌های ورزشهای رزمی را دارا هستند آنها را از طریق تزکیه درونی تزکیه نکرده‌اند؟ آنها توانایی‌ها را فقط از طریق تزکیه شین‌شینگ خودشان کسب کرده‌اند، و بایستی بیش از این برای شهرت، منفعت، و تمناهای مختلف علاقه‌ای نداشته باشند. چگونه آنها می‌توانند دیگران را بکشند؟ چگونه می‌توانند آن همه اهمیت به پول و ثروت بدهند؟ این کاملاً غیرممکن است. آنها فقط مبالغه و اغراق هنری هستند. مردم فقط در جستجوی تحریک روانی هستند و همه کاری برای چنین هوا و هوس انجام می‌دهند. نویسندگان از این مسئله بهره‌برداری کرده و بیشترین سعی‌شان را می‌کنند تا در مورد هر چه که در جستجوی هوس هستید یا شما را خشنود می‌کند بنویسند. هر چه نوشته‌ها بیشتر اسرارآمیز باشند، بیشتر علاقه دارید آنها را بخوانید. آنها فقط مبالغه و اغراق هنری هستند. آنهایی که در حقیقت چنین توانایی‌های ورزشهای رزمی را دارا هستند بدان صورت عمل نمی‌کنند. برعکس، آنها را در معرض عموم به نمایش نمی‌گذارند.

طرز تفکر به خود بالیدن - خودستایی

به خاطر تزکیه در بین مردم عادی، عده‌ای از تمرین‌کنندگان ما نمی‌توانند بسیاری از وابستگی‌هایشان را از دست بدهند. بسیاری از وابستگی‌ها در حال حاضر بصورت طبیعی درآمده‌اند، و این افراد نمی‌توانند خودشان به آنها پی ببرند. طرز تفکر خودستایی می‌تواند در هر موقعیتی جلوه کند، و می‌تواند همچنین وقتی که کارهای خوب انجام داده می‌شود خود را نشان دهد. برای بدست آوردن شهرت، سود شخصی، و منفعتی کوچک، بعضی از افراد اغلب درباره خودشان لاف می‌زنند و به خود می‌بالند که: «من بسیار لایق و موفق هستم.» ما نیز چنین مواردی داشته‌ایم، کسانی که تزکیه را کمی بهتر از دیگران انجام

۷ Iron sand palm, Cinnabar palm, Vajra Leg, Arhat foot - انواعی از تکنیک‌های ورزشهای رزمی چینی.

می‌دهند، بینش بهتری در چشم سوم دارند، یا حرکات تمرین آنها بهتر از دیگران به نظر می‌آید، که همچنین مثل به خود بالیدن است.

ممکن است کسی اظهار کند: «من مطلبی را از معلم لی شنیده‌ام.» مردم به دور او جمع شده و می‌خواهند به هر چه او می‌گوید گوش کنند. او برطبق فهم خودش شایعه را با آب و تاب به دیگران منتقل می‌کند. هدف از آن چیست؟ این خودستایی شخص را نشان می‌دهد. افرادی نیز وجود دارند که با علاقه زیادی شایعه را در بین دیگران پخش می‌کنند، مثل اینکه بخوبی مطلع هستند، و مثل اینکه بسیاری از تمرین‌کنندگان ما به اندازه آنها نمی‌فهمند یا آگاهی ندارند. این برای آنها بصورت طبیعی درآمده است، و شاید خودشان به آن واقف نیستند. آنها درست این ذهنیت و نگرش خودستایی را نیمه هوشیارانه دارا هستند. در غیر اینصورت، هدف از پخش شایعه چیست؟ بعضی از افراد درباره اینکه معلم لی به کوهها باز خواهد گشت و راجی می‌کنند. من از کوهها نمی‌آیم. برای چه به کوهها باز گردم؟ هنوز هم بعضی‌ها و راجی می‌کنند که من به شخصی در یک روز بخصوص چیزی را گفته‌ام، و اینکه با آن شخص بصورت بسیار استثنایی رفتار کرده‌ام. پخش کردن این چیزها چه فایده‌ای دارند؟ آنها اصلاً به درد هیچ چیز خوبی نمی‌خورند. به هر حال مشاهده کرده‌ایم که این یک نوع وابستگی برای این اشخاص است - نگرش خودستایی و خود را نشان دادن.

بعضی از افراد به سراغ من آمده و تقاضای امضای مرا می‌کنند. منظور چیست؟ این عادت مردم عادی است که امضای شخصی را برای یادگاری نگه‌می‌دارند. اگر تزکیه نمی‌کنید، امضای من به هیچ درد شما نمی‌خورد. هر کلمه‌ای که در کتاب من نوشته شده است مظهری از من و فالون است، و هر جمله از آن بوسیله من گفته شده است. پس حالا امضای من به چه درد می‌خورد؟ بعضی اشخاص فکر می‌کنند: «با داشتن امضای معلم، پیغام‌های معلم حافظ آنها خواهد بود.» آنها هنوز هم به چنین پیغام‌هایی اعتقاد دارند. ما اهمیتی به پیغام‌ها قائل نیستیم. این کتاب در حال حاضر گرانبها و ارزشمند است. پس الان در جستجوی چه هستید؟ تمام این مسائل بازتاب وابستگی‌ها هستند. همچنین، بعد از ملاحظه رفتار و سلوک بعضی از تمرین‌کنندگان که با من سفر می‌کنند، بعضی از اشخاص از آنها تقلید می‌کنند بدون اینکه متوجه باشند که این افراد خوب یا بد هستند. در حقیقت، این اهمیتی ندارد که شخص چه کسی است - فقط یک فا وجود دارد. فقط با رعایت کردن این دافا شخص می‌تواند با استاندارد واقعی روبرو گردد. اشخاصی که در کنار من کار می‌کنند هیچ رفتار بخصوصی را دریافت نکرده‌اند و درست مثل هر کس دیگری می‌باشند: آنها فقط کارمندان اعضای جامعه پژوهش می‌باشند. چنین وابستگی‌هایی را رشد ندهید. بعضی مواقع شما با شکل دادن به چنین وابستگی‌هایی ممکن است بدون قصد نقش کسی که دافا را تضعیف می‌کند بازی کنید. شایعه مهیج و هیجان‌انگیزی که شما از خود در آورده‌اید ممکن است باعث تضادها یا برانگیختن وابستگی یک تمرین‌کننده برای نزدیکتر شدن به معلم گردد به جای اینکه بیشتر به چیزها و مسائل گوش دهد و غیره. آیا همه اینها از مسائلی مشابه نیستند؟

وگرنه این نگرش خودستایی به آسانی چه نقشی را می‌تواند ایفا کند؟ من در حدود دو سال است که تزکیه را آموزش می‌دهم. بعضی از تمرین‌کنندگان قدیمی فالون دافا بزودی ممکن است به مقام باز شدن گونگ برسند. بعضی‌ها وارد مرحله تدریجی روشن‌بینی شده و ناگهان به آن نائل می‌شوند. چرا آنها توانایی‌های فوق طبیعی را زودتر از این نداشته‌اند؟ به خاطر این است که اگر چه شما را به یکباره به مرحله بسیار بالایی هل داده‌ام، آن مجاز نخواهد بود که عملی شود، زیرا وابستگی‌های عادی شما بصورت کامل از بین نرفته است. مطمئناً، شین‌شینگ شما هم اکنون بطور قابل ملاحظه‌ای رشد کرده است، اما بسیاری از علایق رها نشده‌اند. به همین جهت، توانایی‌های فوق طبیعی به شما داده نمی‌شوند. بعد از اینکه این مرحله را گذرانده‌اید و منضبط و محکم شده‌اید، به یکباره در مرحله تدریجی روشن‌بینی قرار می‌گیرید. در این مرحله تدریجی روشن‌بینی، چشم سوم شما در سطحی بسیار بالا باز خواهد شد و بسیاری از توانایی‌های فوق طبیعی را رشد خواهید داد. بگذارید در حقیقت برایتان توضیح دهم وقتی که شما بطور واقعی تزکیه می‌کنید، قبلاً از آغاز بسیاری از توانایی‌های فوق طبیعی را رشد داده‌اید. هم‌اکنون به این سطح بالا رسیده‌اید، در نتیجه بسیاری از توانایی‌های فوق طبیعی را دارا هستید. این موقعیت ممکن است برای خیلی از شما به تازگی اتفاق افتاده باشد. همچنین افرادی هستند که نمی‌توانند در تزکیه به

درجه بالایی نائل گردند. آنچه که آنها به صورت فیزیکی دارا هستند، در طول سختیهایشان مقدر است. در نتیجه، بعضی از افراد باز کردن گونگ را تجربه خواهند کرد یا روشن بین - روشن بین کامل - در سطحی بسیار پایین می شوند. چنین افرادی وجود خواهند داشت.

این موضوع را برایتان گوشزد می کنم که همگی بدانید اگر یکبار با چنین فردی مواجه شدید، بایستی مطمئن باشید که با او بعنوان فردی استثنایی و روشن بین برخورد نکنید. این مسئله ای بسیار جدی در عمل تزکیه است. فقط از طریق پی گیری این دافا است که می توانید کارها را بطور صحیح انجام دهید. شما نباید به او به خاطر اینکه دارای توانایی ها و قدرتهای فوق طبیعی است، یا اینکه می تواند بعضی صحنه ها را ببیند توجه کنید یا گوش دهید. شما به او صدمه خواهید رساند، زیرا او وابستگی به شغف و سرمستی را رشد خواهد داد و همه چیز از بین رفته و خاموش خواهد شد. دست آخر، با سر به زمین خواهد خورد. کسی که گونگ را باز کرده است هم ممکن است به خطا برود. اگر شخص نتواند بخوبی خودش را اداره کند، می تواند حتی اگر روشن بین هم شده باشد به خطا برود. وقتی مسائل بطور معقول برگزار نگردند، حتی بودا هم می تواند به خطا برود، چه برسد به تمرین کننده ای مثل شما در بین مردم عادی! برای همین، هیچ اهمیتی ندارد که چه تعداد توانایی های فوق طبیعی را رشد داده اید، یا چه اندازه آنها والا باشند، یا اینکه توانایی های خدایی شما چقدر قدرتمند باشند، باید به خوبی خودتان را اداره و کنترل کنید. اخیراً، ما کسی را اینجا داشتیم که می توانست در یک لحظه ناپدید گردد و لحظه ای دیگر نمایان شود. این درست به همین صورت است. حتی قدرتهای بزرگتر فوق طبیعی رشد خواهند نمود. می خواهید چه کاری انجام دهید؟ به عنوان تمرین کنندگان و مریدان ما، اعم از اینکه این مسائل برای شما یا دیگران در آینده اتفاق بیفتد یا نه، نبایستی آن را بصورت بت در بیاورید یا اینکه در طلب این چیزها باشید. زمانیکه فکرتان به گمراهی کشیده می شود، همه چیز بر باد خواهد رفت، و به خطا خواهید رفت. شاید، در سطحی حتی بالاتر از آنها هستید، فقط به خاطر این است که توانایی های فوق طبیعی اتان هنوز نمایان نشده اند. در نهایت در این موضوع بخصوص به خطا رفته اید. بنابراین، همگی باید مطمئن باشید که توجه بخصوصی به این موضوع داشته باشید. ما این موضوع را در یک مرحله بسیار مهمی قرار داده ایم، زیرا که چنین مسئله ای بزودی رخ خواهد داد. وقتی این مسئله اتفاق می افتد غیرقابل قبول خواهد بود اگر نتوانید به خوبی خودتان را اداره کنید.

تمرین کننده ای که گونگ را رشد داده است و به مرحله باز کردن (هال روز) (Halruze) رسیده است یا اینکه به روشن بینی واقعی رسیده نبایستی خودش را فردی بخصوص بداند. آنچه را که او مشاهده کرده است چیزهایی هستند در سطح خود او. تزکیه او به این درجه رسیده است، برای اینکه قدرت روشن بینی او، استاندارد شین شینگ، و درایت او به این سطح رسیده است. به همین جهت با توجه به مسائل در سطوح بالاتر، بایستی او در ناباوری و بی اعتقادی باقی بماند. درست بخاطر اینکه به آنها باور ندارد، فکر می کند هر چه را که می بیند مطلق است و اینکه فقط همین چیزها هستند که وجود دارند. در حقیقت هنوز هم راهی طولانی باقی است که باید ادامه داد، زیرا که سطح او درست در همین حد است.

بعضی افراد گونگشان در این سطح باز خواهد شد بخاطر اینکه آنها دیگر نمی توانند در تزکیه جلوتر بروند. در نتیجه، آنها (هال روز) (Halruze) را باز خواهند کرد و فقط در این سطح روشن بین می شوند. در بین شما کسانی هستند که می خواهند تزکیه را در آینده کامل کنند، بعضی ها در راههای کوچک دنیایی روشن بین خواهند شد، بعضی ها در سطوح مختلف، و بعضی ها به میوه حقیقت خواهند رسید. فقط افراد روشن بین نائل شده به میوه حقیقت به بالاترین سطوح خودشان خواهند رسید، و قادر خواهند بود چیزها را ببینند و خودشان را در سطوح مختلف تجلی دهند. حتی کسانی که در راههای دنیایی در پایین ترین سطوح روشن بین شده اند قادر خواهند بود بعضی از بعدها و بعضی از افراد روشن بین را ببینند، و به خوبی خواهند توانست که با آنها ارتباط برقرار کنند. در آن لحظه، نباید بخاطر روشن بین شدن در راههای دنیایی کوچک در پایین ترین سطوح که نمی توانند به میوه حقیقت نائل گردند - این مطمئناً، اینطور است - مغرور و خرسند گردید. پس چه کاری می توان در باره آن انجام داد؟ شخص فقط در همین سطح باقی می ماند. مسئله دیگری وجود خواهد داشت اگر شخص نخواهد به سطوح بالاتری تزکیه کند. از آنجا که تزکیه شخص فقط تا این حد جلو رفته است، چه نتیجه ای دارد که گونگ شخص را

بسته نگه داشت؟ اگر چه می‌خواهید به این صورت به تزکیه‌تان ادامه دهید، تزکیه‌تان بیش از این نمی‌تواند ترقی کند، در نتیجه زمانیکه به انتهای تزکیه‌تان رسیده‌اید گونگ را باز خواهید نمود؛ تعداد زیادی از این افراد وجود خواهند داشت. هیچ اهمیتی ندارد که چه چیزی اتفاق می‌افتد، شخص باید شین‌شینگ خود را حفظ کند. فقط از طریق رعایت کردن دافا است که شخص می‌تواند بطور واقعی حقانیت داشته باشد. اعم از اینکه اینها توانایی‌های فوق طبیعی شما باشند یا باز شدن گونگ، شما از طریق تزکیه در دافا است که به آنها نائل شده‌اید. اگر شما دافا را در مقام دوم بگذارید و نیروهای فوق طبیعی‌تان را در مقام اول، یا اینکه به عنوان شخصی روشن‌بین شده معتقد باشید که هرچه را از این طریق یا طرق دیگر می‌فهمید صحیح است، یا اگر حتی خودتان را بعنوان موجودی والا و فراسوی دافا تلقی کنید، می‌توانم بگویم که از همین حالا شروع به خطا رفتن کرده‌اید. این می‌تواند خطرناک باشد و حتی می‌توانید بدتر از این هم بشوید. در آن زمان واقعاً در زحمت خواهید بود، و تزکیه‌تان به بیهودگی خاتمه خواهد یافت. اگر کارها به درستی انجام نشوند به خطا رفته و در تزکیه‌تان سقوط خواهید نمود. اجازه بدهید برایتان توضیح بدهم محتوای این کتاب تلفیقی است از فا که در چندین دوره آموزش داده‌ام! همه چیز بوسیله من آموزش داده شده است، و هر جمله به وسیله من گفته شده است. هر کلمه از روی نوارهای ضبط شده گرفته شده و از روی نوار کلمه به کلمه پیاده شده است. شاگردان و تمرین‌کنندگان من در برگرداندن همه چیز از روی نوارهای ضبط شده به من کمک کرده‌اند. سپس آنها را چندین بار تصحیح نموده‌ام. این فای من است، و آنچه را که آموزش داده‌ام درست همین فا است.

موضوع کشتن

موضوع کشتن بسیار حساس است. ما برای تمرین کنندگان، شرایط جدی و سختی را معین کرده‌ایم که نمی‌توانند موجودات را بکشند. اعم از اینکه مدرسه بود، تائو، یا غیرمعمولی باشد، بدون توجه به اینکه کدام مدرسه یا روش تزکیه‌ای است، تا آن جا که آن یک روش تزکیه درستی است، این مسئله بطور بسیار کلی مورد توجه قرار می‌گیرد و کشتن را ممنوع می‌داند - این حتمی است. از آنجا که از بین بردن یک زندگی بسیار جدی است بایستی در مورد جزئیات آن صحبت کنیم. در بودیسم اولیه، کشتن عمدتاً به گرفتن جان یک انسان اشاره می‌کرد، که جدی‌ترین اقدام می‌بود. بعدها، کشتن موجودات در اندازه‌های بزرگ، حیوانات بزرگ خانگی، یا حیوانات نسبتاً بزرگ، یا همگی بطور بسیار جدی مورد توجه بودند. چرا موضوع کشتن در جامعه تزکیه کنندگان اینقدر جدی مورد توجه بوده است؟ در گذشته، در بودیسم عقیده بر این بود موجوداتی که قرار نبود بمیرند، اگر کشته می‌شدند، بصورت ارواحی تنها و شبح‌هایی بی‌خانمان درمی‌آمدند. در زمانهای قدیم، مراسم و تشریفاتی برای آزاد نمودن روح‌های این افراد از درد و رنج انجام می‌شد. بدون چنین مراسمی، این ارواح از گرسنگی و تشنگی رنج می‌بردند، و در شرایط بسیار مشقت‌بار زندگی می‌کردند. این آن چیزی است که بودیسم در گذشته بیان کرده است.

ما معتقدیم وقتی کسی در رابطه با دیگری کاری نادرست انجام می‌دهد، باید به مقدار تقریباً زیادی بعنوان تاوان و جبران به او تقوا بدهد. در اینجا، بطور معمول اشاره به کسی می‌کنیم که چیزهایی را که به دیگران تعلق داشته برداشته است و غیره. اما، اگر یک زندگی به ناگهان از بین برود، خواه یک حیوان باشد یا موجودی دیگر، کارمای بسیار بزرگی را بوجود خواهد آورد، در گذشته، کشتن بطور عمده به گرفتن جان یک انسان اشاره می‌کرد، که باعث کارمای بسیار زیادی بود. اما کشتن موجودات عادی دیگر نیز گناه کمی نیست، زیرا که آن نیز بطور مستقیم باعث کارمای زیادی می‌شود. مخصوصاً برای یک تمرین‌کننده امتحانات و سختی‌هایی در طی تزکیه در سطوح مختلف تدارک دیده می‌شود. تمام آنها از کارمای شما می‌آیند و درد و رنج خود شما می‌باشند، که در سطوح مختلف برای ترقی و پیشرفت شما جا گذاشته شده‌اند. تا آنجا که شین‌شینگ خودتان را رشد می‌دهید، قادر خواهید بود بر آنها چیره گردید. اما اگر به ناگهان آن همه کارما را بدست آورید، چگونه خواهید توانست بر آنها غلبه کنید؟ با سطح شین‌شینگی که شما دارید، نخواهید توانست در هر صورت از عهده آن برآیید. آن ممکن است شما را کاملاً برای تزکیه کردن ناتوان کند.

ما دریافته‌ایم وقتی که یک شخص متولد می‌شود، همزمان تعدادی از او نیز در یک حوزه مشخصی از این بُعد جهانی متولد می‌شوند. همگی آنها شبیه هم هستند و با یک اسم مشترک، و همگی کارهای مشابه‌ای را انجام می‌دهند. به همین جهت، می‌توان آنها را نیز قسمتی از تمامیت هستی شخص نامید. این شامل یک چنین مسئله‌ای است، زیرا اگر یکی از آنها (همینطور در مورد زندگی‌های حیوانات بزرگ دیگر) ناگهان بمیرد، در حالیکه بقیه او در بُعدهای مختلف دیگر مجبورند سرنوشت سفر زندگی‌شان را تکمیل کنند و هنوز هم سالهای زیادی را برای زندگی کردن باقی دارند، این شخص مرده در یک موقعیت بی‌خانمانی و آوارگی بسر خواهد برد و در فضای کیهانی سرگردان خواهد بود. ارواح تنها و اشباح آواره‌ای که از گرسنگی، تشنگی، و سختی‌های دیگر همانطور که در گذشته شرح داده شده است بدین صورت می‌توانند در رنج و عذاب باشند. این ممکن است حقیقت داشته باشد. اما ما در حقیقت با موقعیت وحشتناکی مواجه شده‌ایم که این شخص در آن زجر می‌کشد، زیرا او باید برای سرنوشت نهایی خودش صبر کند در طی زمانی که هر کدام از او در هر بعد دیگری در سفر زندگی‌شان کامل می‌شوند. هر چه زمان طولانی‌تر شود، زجر بیشتری می‌کشد. هر چه بیشتر زجر بکشد، کارمای بیشتری بوسیله زجر او ایجاد می‌شود و به جسم قاتل او اضافه می‌گردد. درباره‌اش فکر کنید: چه مقدار کارمای بیشتری بایستی ذخیره کنید؟ این آن چیزی است که ما از طریق توانائی‌های فوق طبیعی مشاهده نموده‌ایم.

ما همچنین این موقعیت را مشاهده کرده‌ایم: وقتی فردی متولد می‌شود، تاریخچه‌ای از تمام زندگی او در یک بعد بخصوص بوجود خواهد آمد. به عبارتی دیگر، زندگی او در کجاست و چه کاری را باید انجام بدهد همگی در آن به حساب آورده شده است. چه کسی این زندگی را تدارک دیده است؟ ظاهراً آن بوسیله موجودی والا انجام شده است. بطور مثال، در جامعه انسانی عادی ما، شخص بعد از تولد به یک خانواده معینی تعلق دارد، مدرسه‌ای معین، و بعد از بزرگ شدن در محل کار معینی، و تماسهای مختلف در جامعه از طریق کار او بوجود می‌آیند. به عبارتی، تمام نقشه‌ها برای جامعه به این صورت طراحی شده‌اند. اما، اگر این موجود به ناگهان بمیرد و بر طبق اصولی که بطور مشخص تدارک دیده شده است نباشد، یا اینکه اگر مسائل تغییراتی کرده باشند، موجود والا نمی‌تواند کسی را که در این جریان دخالت کرده است ببخشد. همگی درباره‌اش فکر کنید: به عنوان تمرین‌کنندگان می‌خواهیم بسوی سطوح بالاتر تزکیه کنیم. آن موجود والا حتی قاتل را نخواهد بخشید. آیا فکر می‌کنید که این شخص هنوز هم بتواند تزکیه کند؟ سطوح بعضی از استادان حتی به بالائی این موجود والا نیست که این جریان را تدارک دیده است. در نتیجه، استاد شخص نیز مجازات خواهد شد و به سطح پایین‌تری تنزل خواهد کرد. درباره‌اش درست فکر کنید: آیا این یک مورد عادی است؟ پس وقتی شخصی چنین عملی را انجام می‌دهد، تزکیه کردن برای او بسیار مشکل خواهد بود.

در بین تمرین‌کنندگان فالون دافا، ممکن است افرادی باشند که بارها در جنگ شرکت کرده‌اند. جنگ‌ها شرایطی بودند که در مجموع بوسیله تغییرات بزرگتر کیهانی پدید آمدند، و شما فقط جزئی از آن اوضاع و احوال بودید. بدون رویداد فعالیت انسانی در تغییرات کیهانی، چنان شرایطی در جامعه معمولی انسانی پدیدار نمی‌شود، و تغییرات کیهانی نیز نامیده نمی‌شوند. چنان حوادثی برطبق تغییرات بزرگتر تکامل می‌یابند و بطور کلی تقصیر شما نیست. آنچه که ما اینجا گفتگو می‌کنیم کارمائی است منتج از سماجت شخص در انجام دادن کارهای نادرست در طلب بدست آوردن منفعت شخصی، ارضا کردن تمایلات شخصی، یا زمانی که شخص بطریقی آسیب دیده است. تا زمانی که تغییرات در فضای کامل بسیار بزرگ درگیر است و تغییرات بزرگی در جامعه وجود دارد، آن گناه و تقصیر شما نیست.

کشتن کارمای بی‌نهایت زیادی را بوجود می‌آورد. ممکن است کسی فکر کند: «ما نمی‌توانیم موجودی را بکشیم، اما من در خانه یک آشپز هستم. اگر حیوانی را نکشم خانواده من چه خواهند خورد؟» این موضوع بخصوص ارتباطی به من ندارد، من فا را به تمرین‌کنندگان آموزش می‌دهم بجای آنکه سطحی به مردم عادی بگویم که چگونه زندگی کنند. با توجه به اینکه شخص چگونه با مسائل خاصی برخورد می‌کند، شما بایستی برطبق دافا دآوری کنید. کارها را بطریقی انجام دهید که مصلحت می‌دانید. مردم عادی هر چه را که می‌خواهند انجام می‌دهند، و آن مشکل آنها است؛ این برای همه ممکن نیست که بطور حقیقی تزکیه کنند. به هر حال، در مقام یک تمرین‌کننده، شخص باید استاندارد بالائی را دنبال کند، پس من بدین وسیله درخواست‌هایی را برای تزکیه‌کنندگان عرضه می‌کنم.

به غیر از انسانها و حیوانات، گیاهان نیز دارای زندگی هستند. همه اشکال زندگی در بعدهای دیگر می‌توانند جلوه یابند. وقتی که چشم سوم شما به سطح توانائی چشم فا رسیده باشد، خواهید یافت که صخره‌ها، دیوارها، یا هر چیز دیگری با شما صحبت می‌کنند و به شما درود می‌فرستند. شاید کسی فکر کند: «دانه‌ها و گیاهان و سبزیجات که ما می‌خوریم نیز دارای زندگی هستند. پشه‌ها و مگس‌ها نیز در خانه وجود دارند. ما چکار باید بکنیم؟» در تابستان وقتی پشه‌ای ما را نیش می‌زند تقریباً معذب می‌شویم، و شخص مجبور می‌شود نیش زدن آن را بدون اینکه کاری انجام دهد نگاه کند. اگر ببیند که مگس روی غذا است و آن را کثیف می‌کند، نخواهد توانست آن را بکشد. بگذارید برایتان گوشزد کنم که همینطوری نباید بدون دلیل موجودی را از بین ببریم. اما در مقابل چنین چیزهای کوچکی نباید بیش از حد مثل آدم با احتیاط شربتی باشیم که در پیاده‌روی هر قدمی را که برمی‌دارد مواظب است مبدا روی مورچه‌ای پا بگذارد. می‌گوییم که زندگی خسته کننده‌ای را خواهید داشت. آیا این نیز یک وابستگی نیست؟ هر چند ممکن است با پریدن در اطراف مورچه‌ها را نکشید، به هر حال امکانش می‌رود که موجودات ذره‌بینی بسیاری را از بین ببرید. موجودات ذره‌بینی بسیار زیادی در سطح میکروسکوپی وجود دارند، شامل میکروبها و باکتری‌ها، شاید روی آنها پا گذاشته و بسیاری از آنها را از بین ببرید. در آن صورت، ما باید به زندگی

کردن خاتمه بدهیم. ما نمی‌خواهیم مثل چنین افرادی بشویم، زیرا که عمل تزکیه را غیرممکن می‌کند. شخص باید توجه را به بعدی وسیع‌تر معطوف کند و تزکیه را در رفتاری محترمانه و با متانت انجام دهد.

بعنوان بشر، ما این حق را داریم که زندگی بشری را ادامه بدهیم. به همین جهت، محیط زندگی ما نیز باید برطبق احتیاجات زندگی بشری تنظیم گردد. ما نمی‌توانیم از روی قصد موجودات را صدمه زده و آنها را بکشیم، اما نباید بیش از حد خودمان را مشغول چنین چیزهای بی‌ارزشی بکنیم. بطور مثال، سبزیجات و دانه‌هایی که ما پرورش می‌دهیم همگی زنده می‌باشند. نمی‌توانیم چیزی را نخوریم یا نیاشامیم به خاطر اینکه دارای زندگی است، زیرا چگونه می‌توانیم بعد از آن تزکیه کنیم؟ شخص باید به فراتر از آن نظر بیندازد. برای مثال، زمانی که قدم می‌زنید، بعضی از مورچه‌ها و حشرات ممکن است در اطراف پایتان در حرکت باشند و کشته شوند؛ شاید آنها قرار بود بمیرند چون که آنها را از روی قصد نکشتید. در دنیای ارگانیسم (موجود زنده) و موجودات ذره‌بینی، همچنین مسئله پالایش محیط زیست وجود دارد - تعداد بیش از حد انواع موجودات مشکل آفرین خواهند بود. پس ما باید در راهی منصفانه و با متانت عمل تزکیه را انجام دهیم. وقتی مگس‌ها و پشه‌ها در خانه هستند، بایستی آنها را از خانه دور کنیم یا توری بر روی پنجره برای دور نگه داشتن آنها نصب کنیم. بعضی مواقع، آنها را نمی‌توان از خانه دور نگه داشت، پس، دیگر کشتن آنها مشکلی نیست. اگر آنها در هر فضائی که بشر زندگی می‌کند، در حال نیش زدن و صدمه رساندن به مردم باشند مطمئناً شخص بایستی آنها را خارج کند. اگر آنها را نتوان خارج نمود، نمی‌توان فقط شاهد نیش زدن آنها به مردم بود. بعنوان یک تمرین‌کننده به آنها اهمیتی ندهید و در مقابل آنها مصون خواهید بود، اما اعضای خانواده‌تان تزکیه نمی‌کنند و مردمی عادی هستند و هنوز هم با مشکل بیماری‌های واگیردار ارتباط دارند. ما نمی‌توانیم تماشاکننده باشیم وقتی که پشه‌ای صورت بچه‌ای را نیش می‌زند و کاری انجام ندهیم.

اجازه بدهید مثالی بزنم. داستانی درباره ساکیومونی در سال‌های جوانی‌اش وجود داشت. یک روز ساکیومونی می‌خواست در جنگل حمام بگیرد، و از یکی از مریدان خواست که وان حمام را تمیز کند. مرید او به طرف وان حمام رفت و آن را پر از حشرات که در آن می‌خزیدند یافت. اگر او می‌خواست وان حمام را تمیز کند حشرات کشته می‌شدند. مرید به نزد ساکیومونی بازگشت و گفت: «وان حمام پر از حشره است.» ساکیومونی به او نگاه نکرد و تکرار نمود: «تو باید بروی و وان حمام را تمیز کنی.» مرید به طرف وان حمام بازگشت و نمی‌دانست که چگونه آن را تمیز کند، با تمیز کردن وان حشرات را می‌کشت، دوباره به سمت ساکیومونی بازگشت و گفت: «استاد، وان حمام پر از حشره است. اگر آن را تمیز کنم، حشرات کشته خواهند شد.» ساکیومونی به او نگاه کرد و گفت: «آنچه از تو خواستم این بود که وان حمام را تمیز کنی.» مرید همه را در یک لحظه دریافت، و برگشته و وان حمام را بلافاصله تمیز نمود. این داستان اصلی را بازگو می‌کند: ما نباید از حمام گرفتن به خاطر وجود حشرات ممانعت کنیم، نه اینکه جای دیگری را به خاطر اینکه در آن حشرات وجود دارند پیدا کنیم. ما همچنین نباید گلوی خودمان را سخت ببندیم و به خوردن و نوشیدن خاتمه دهیم برای اینکه جوانه‌ها و سبزیجات جان‌دار هستند. این نباید به این صورت باشد. ما باید از عهده این ارتباط بدرستی برآییم و در یک راه محترمانه تزکیه کنیم. این پسندیده خواهد بود تا آنجا که بتوانیم با قصد به هیچ موجودی آسیب نرسانیم. ضمن اینکه، مردم همچنین باید فضایی برای زندگی بشری داشته باشند و شرایطی برای زندگی کردن، و اینها نیز بایستی فراهم گردند. بشر هنوز هم احتیاج دارد که زندگی معمولی‌اش را حفظ و نگهداری و زندگی‌ای عادی داشته باشد.

بعضی از استادان دروغین چی‌گونگ در زمانهای گذشته گفته‌اند: «شخص می‌تواند موجوداتی را در اول پانزدهم هر ماه بکشد.» حتی بعضی از آنها ادعا می‌کنند که کشتن حیوانات دو پا مجاز است، مثل اینکه حیوانات دو پا موجودات زنده نمی‌باشند. آیا کشتن در اول یا پانزدهم شامل از بین بردن یک زندگی نیست؟ پس آن درست مثل چال کردن زمین است، آیا اینطور نیست؟ بعضی از استادان قلابی چی‌گونگ را می‌توان از سخنرانی‌ها و رفتارشان شناخت، یا آنچه که می‌گویند و در جستجوی آن چه که هستند. تمام استادان چی‌گونگ که چنین نظریه‌ای دارند معمولاً دارای روح یا حیوان تسخیر کننده هستند. فقط نگاه کنید به طریقی که یک استاد چی‌گونگ که بوسیله یک روباه تسخیر شده است چگونه یک مرغ را می‌خورد. وقتی این شخص آن را می‌بلعد، حتی حاضر نیست استخوان آن را به بیرون تف کند.

کشتن نه تنها کارمای فراوانی را به همراه دارد، بلکه مسئله نیکخواهی را نیز شامل می‌شود. آیا ما به عنوان تمرین‌کنندگان نباید نیکخواه باشیم؟ زمانی که نیکخواهی ما ظاهر می‌گردد، خواهیم یافت که تمام موجودات و هر انسانی در حال درد و رنج است، این اتفاق خواهد افتاد.

مسئله خوردن گوشت

خوردن گوشت نیز مسئله‌ای است بسیار حساس، اما خوردن گوشت مثل کشتن یک موجود نیست. با آنکه همگی شما فا (Fa) را برای زمانی طولانی مطالعه نموده‌اید اما از همگی شما نمی‌خواهیم که از خوردن گوشت اجتناب کنید. بسیاری از استادان چی‌گونگ به محض اینکه قدم به کلاس آنها می‌گذارید از شما می‌خواهند که خوردن گوشت را متوقف کنید. ممکن است فکر کنید: «ما از لحاظ روانی آماده نیستیم که به یکباره خوردن گوشت را متوقف کنیم.» غذایی که امروز در خانه پذیرایی می‌شود شاید ماهی یا مرغ سرخ شده باشد. با آنکه مزه کاملاً خوبی دارند، اجازه ندارید که آنها را بخورید. همینطور هم در روش‌های تزکیه در مذاهب حقیقت دارد که شخص را مجبور می‌کنند گوشت نخورد. روشهای سنتی در مدرسه بودا و بعضی از روشها در مدرسه تائو نیز همینطور می‌گویند و شخص را از خوردن گوشت برحذر می‌کنند. ما اینجا از شما نمی‌خواهیم چنین کاری را بکنید، اما به این مسئله نیز توجه داریم. پس، چه چیزی از شما درخواست می‌کنیم؟ به خاطر اینکه روش ما روشی است که در آن فا تمرین‌کنندگان را تزکیه می‌کند، بدین معنی است که بعضی اوضاع و احوال از گونگ و فا ظاهر خواهند شد. در دوره تزکیه، سطوح مختلف شرایط مختلفی را بوجود می‌آورند. یک روز یا بعد از سخنرانی امروز من، بعضی افراد ممکن است در این موقعیت قرار بگیرند: آنها دیگر نمی‌توانند گوشت بخورند، و گوشت بوی ناخوشایندی می‌دهد. اگر گوشت بخورند می‌خواهند که آنها بیرون بریزند. کسی شما را مجبور نکرده است، و نه اینکه خودتان را به خوردن گوشت مجبور کرده باشید. در حقیقت، این جریان از روان و ذهن خودتان بیرون می‌آید. بعد از رسیدن به این سطح، قادر به خوردن گوشت نخواهید بود، برای اینکه آن از گونگ انعکاس یافته است. اگر واقعاً به راستی گوشت را بلعیده باشید، آن را واقعاً بالا خواهید آورد.

تمرین‌کنندگان قدیمی ما همگی آگاه هستند که این موقعیت در روش تزکیه فالون دافا اتفاق خواهد افتاد، یعنی سطوح مختلف نمایانگر شرایط مختلف می‌باشند. بعضی از تمرین‌کنندگان تمنا و وابستگی قوی‌ای برای خوردن گوشت دارند - آنها معمولاً گوشت زیادی می‌خورند. وقتی دیگران گوشت را بسیار ناخوشایند می‌یابند، آن تمرین‌کنندگان به آن صورت احساس نمی‌کنند و هنوز هم می‌توانند گوشت بخورند. برای از بین بردن این وابستگی، چه بایستی انجام داد؟ این شخص با صرف گوشت دل درد خواهد گرفت. او با امتناع از خوردن گوشت دردی نخواهد داشت. این وضعیت اتفاق خواهد افتاد، و این معنی را می‌دهد که شخص نباید گوشت بخورد. آیا این معنی را می‌دهد که پس از آن روش مدرسه ما کاری با خوردن گوشت ندارد؟ اینطور نیست. چگونه باید با این موضوع برخورد کنیم؟ قادر نبودن به خوردن گوشت از قلب خود شخص نشأت می‌گیرد. هدف چیست؟ روش‌های تزکیه در معابد شخص را مجبور می‌کند که گوشت نخورد. این، به تنهایی با قادر نبودن به خوردن گوشت همانطور که در روش ما نیز انعکاس یافته است، هر دو در نظر دارند که این تمنای بشری یا وابستگی به خوردن گوشت را از بین ببرند.

بعضی از افراد براحتی نمی‌توانند غذاهایشان را اگر گوشتی در ظرفشان نباشد صرف کنند. این یک تمنای فردی عادی است. یک روز صبح وقتی از در پشتی پارک پیروزی در (Changchun) رد می‌شدم، سه نفر را دیدم که از در پشتی بیرون آمدند، و با صدای بلند صحبت می‌کردند. یکی از آنها گفت: «این چه نوع چی‌گونگ است که تمرین داده می‌شود و شخص حتی نمی‌تواند گوشت بخورد؟ من ترجیح می‌دهم ده سال از عمرم را بدهم تا اینکه گوشت بخورم!» آن چه تمنای شدیدی است! همگی درباره آن فکر کنید: آیا نباید این تمنا از بین برود؟ مطلقاً باید از بین برود. در طی عمل تزکیه، فرد تمناهای و علائق مختلف را رها می‌کند. روشن‌تر بگوییم، اگر تمنای خوردن گوشت از بین نرود، آیا این یک وابستگی نیست که ترک نشده است؟ چگونه یک فرد می‌تواند تزکیه را تکمیل کند؟ به همین جهت، تا آنجا که این یک وابستگی است،

بایستی از بین برده شود. اما این معنی را نمی‌دهد که شخص هرگز دوباره گوشت نخواهد خورد. نخوردن گوشت به خودی خود هدف نیست. هدف این است که این وابستگی را نداشته باشید. اگر بتوانید در مدت زمانی که نمی‌توانید گوشت بخورید وابستگی را رها کنید، می‌توانید بعداً دوباره شروع به خوردن گوشت کنید. گوشت بعداً مزه‌ای ناخوشایند و وحشتناک نخواهد داشت. آن موقع دیگر اهمیتی نخواهد داشت اگر گوشت بخورید.

وقتی که دوباره بتوانید گوشت بخورید، هر دوی وابستگی و تمنا برای خوردن گوشت در حال حاضر از بین رفته‌اند. تغییر بزرگی اتفاق می‌افتد، به هر حال، به طوری که دیگر گوشت برایتان خوشمزه نخواهد بود. اگر در خانه پخته شود، آن را با خانواده‌تان خواهید خورد. اگر در خانه گوشت پخته نشود، برای آن دلتنگ نخواهید شد. اگر آن را بخورید، مزه خوشمزه‌ای نخواهد داشت. این فیلمنامه اتفاق خواهد افتاد. اما عمل تزکیه در بین مردم عادی کاملاً پیچیده است. اگر خانواده‌تان همیشه گوشت می‌پزند، بعد از مدتی آن را دوباره خوشمزه خواهید یافت. چنان جابه‌جایی‌ای در آینده اتفاق خواهد افتاد، و چندین بار تکرار می‌شود تا اینکه روش تزکیه‌تان کامل گردد. ممکن است ناگهان دوباره قادر نباشید گوشت بخورید. شما نبایستی گوشت بخورید وقتی که نمی‌توانید. واقعاً قادر نخواهید بود گوشت بخورید، و با خوردن گوشت آن را بالا خواهید آورد. صبر کنید تا اینکه دوباره بتوانید گوشت بخورید و آن را بطور طبیعی دنبال کنید. خوردن گوشت یا نخوردن آن برای خودش هدف نیست - کلید کار همان از دست دادن وابستگی است.

مدرسۀ فالون دافای ما فرد را قادر می‌کند که به طور سریعی پیشرفت کند. تا آنجا که شین‌شینگ خودتان را ترفیع می‌دهید، گام‌های سریعی را در هر سطحی خواهید برداشت. بعضی افراد از اول هم وابستگی‌ای به خوردن گوشت ندارند و اهمیتی نمی‌دهند که در غذایشان گوشت وجود دارد یا خیر. برای آنها چندین هفته طول خواهد کشید که این وابستگی را گسسته و بیرون بزنند. برای بعضی افراد ممکن است یک، دو، یا سه ماه طول بکشد، یا شاید نیم سال. به استثنای بعضی از موارد بسیار غیرعادی، بیشتر از یک سال برای شخص طول نخواهد کشید که بتواند دوباره گوشت بخورد. این بدین دلیل است که گوشت در حال حاضر یک غذای اصلی برای مردم شده است. به هر حال تمرین‌کنندگان حرفه‌ای در معابد نبایستی گوشت مصرف کنند.

می‌خواهیم درباره نگرش بودیسم درباره خوردن گوشت صحبت کنیم. بودیسم اولیه اصلی خوردن گوشت را قذغن نکرد. زمانی که ساکیومونی شاگردان خودش را برای تزکیه کردن به جنگل برد، در جریان سختی‌ها، چنان ممنوعیت رژیم غذایی گوشتی وجود نداشت. چرا چنین ممنوعیتی وجود نداشت؟ بخاطر اینکه وقتی ساکیومونی دارمای خود را در دو هزار و پانصد سال پیش آموزش داد، جامعۀ بشری بسیار عقب افتاده بود. بعضی از مناطق کشاورزی بود در حالیکه مناطق دیگر به عصر کشاورزی نرسیده بودند. مزارع کشت شده بسیار کم بود، و جنگل‌ها همه جا را پوشانده بودند. دانه‌ها و حبوبات به مقدار بسیار کمی وجود داشتند و بسیار نادر بودند. بشر درست از جامعۀ اولیه بیرون آمده بود و عمدتاً از راه شکار زندگی می‌کرد. بسیاری از مناطق کلاً با گوشت خود را سیر می‌کردند. ساکیومونی برای اینکه بشر را تا آنجا که امکان داشت از وابستگی‌ها رها کند، شاگردانش را از داشتن تملک به هر دارایی، اجناس، و غیره منع کرد. او شاگردانش را با خود برای گدایی کردن غذا به همراه می‌برد. آنها هرچه را که به آنها داده می‌شد می‌خوردند، زیرا در مقام تمرین‌کنندگان نمی‌بایستی غذای داده شده را انتخاب می‌کردند، که ممکن بود شامل گوشت هم باشد.

در بودیسم اولیه ممنوعیتی برای (هون) (Hun) ^۱ وجود داشت. این ممنوعیت (هون) (hun) از بودیسم اولیه می‌آید، اما در حال حاضر خوردن گوشت نیز (هون) (hun) به حساب می‌آید. در واقع، در آن زمان (هون) (hun) به گوشت مربوط نمی‌شد، اما به چیزهایی مثل پیاز، زنجفیل، و سیر ارتباط پیدا می‌کرد. چرا آنها شامل این ممنوعیت (هون) (hun) بودند؟ این روزها، بسیاری از راهبان هنوز هم نمی‌توانند توضیح واقعی برای آن بدهند. زیرا بسیاری از آنها بطور واقعی تزکیه را تمرین نمی‌کنند، آنها درباره بسیاری از مسائل روشن و آگاه نشده‌اند. آنچه را که ساکیومونی آموزش داد، «موعظه، مدیتیشن

۱ - hun (huhn) - غذایی که در بودیسم ممنوع است.

(samadhi)، درایت» بود. موعظه اشاره می‌کند به از دست دادن تمام وابستگی‌های مردم عادی. منظور از ساماداهی (samadhi) این است که یک تمرین‌کننده با بودن کامل در خلسه و باقی‌ماندن در مدیتیشن تزکیه کند - شخص باید کاملاً در خلسه باقی بماند. هر چیزی که بر خلسه فرد و تزکیه‌اش تأثیر می‌گذارد بایستی بعنوان دخالتی جدی بحساب آید. هر کسی که پیاز، زنجفیل، یا سیر می‌خورد سبب بوی شدیدی می‌شد. در آنزمان راهبان اغلب در جنگل‌ها یا غارها زندگی می‌کردند. هفت یا هشت نفر از آنها در یک دایره می‌نشستند، و دایره‌های بسیاری را در مدیتیشن شکل می‌دادند. اگر کسی این چیزها را می‌خورد، می‌توانست تولید یک بوی بسیار مزاحمت‌آمیزی کند که می‌توانست در روی دیگران که در خلسه نشسته بودند تأثیر بگذارد، و بطور جدی مزاحم تزکیه آنها شود. برای همین این قانون برای چنان غذاهایی که (hun) بود درست شد و خوردن آنها ممنوع بود. بسیاری از موجوداتی که از جسم فرد تزکیه شده‌اند این بوهای ناپاک را دوست ندارند، پیاز، زنجفیل، یا سیر نیز می‌تواند تمایلات شخص را تحریک کند. اگر فرد آنها را بیش از حد مصرف کند، می‌تواند همچنین به آنها معتاد می‌گردد، و به همین جهت آنها شامل (هون) (hun) بودند.

در گذشته بسیاری از راهبان بعد از رسیدن به سطوح بسیار بالائی در تزکیه و بودن در مرحله باز شدن گونگ یا باز شدن نیمه گونگ همچنین متوجه شدند که آن قوانین در حقیقت در رابطه با عمل تزکیه اهمیتی ندارند. اگر وابستگی می‌توانست از بین برود، آن ماده برای خودش هیچ اثری نداشت. آنچه که بطور واقعی در تداخل با یک فرد است همان وابستگی اوست. به همین جهت، در سرتاسر تاریخ راهبان ماهر و ورزیده همچنین دریافته‌اند که موضوع خوردن یا نخوردن گوشت یک مسئله بحرانی و حیاتی نیست. سؤال کلیدی این است که آیا وابستگی می‌تواند از بین برود یا خیر. اگر شخص هیچ وابستگی‌ای نداشته باشد، برای پرکردن معده دقیقاً هر چیزی می‌تواند خوب و مناسب باشد. از آنجا که عمل تزکیه در معابد بصورت یک راه معین و قطعی درآمده است، بسیاری از مردم هم اکنون به آن عادت کرده‌اند. بعلاوه، این فقط مسئله‌ای درباره یک حکم ساده نیست، بلکه بصورت یک رساله در معابد درآمده است، که خوردن گوشت بطور مطلق ممنوع است. به همین جهت مردم به این شکل تزکیه کردن عادت کرده‌اند. بگذارید دربارهٔ راهب (جی-گونگ) (Jigong)^۲ که در تاریخ ادبیات بسیار مشهور است صحبت کنیم. راهبان نمی‌بایستی گوشت می‌خوردند، اما او گوشت خورد و به همین جهت یک شخصیت کاملاً شناخته شده شد. در حقیقت از آنجا که او را از معبد (لین‌گین) (Lingyin) اخراج نمودند، تأمین غذا طبیعتاً مشغولیت اولیه او در زندگی‌اش در یک موقعیت وخیم بود. برای پرکردن شکمش، هر چه را که به چنگ می‌آورد می‌خورد، تا آنجا که فقط می‌خواست شکمش را پر کند مسئله‌ای نبود و وابستگی به هیچ غذای بخصوصی نداشت. او در آن سطح از تزکیه، این اصل را فهمیده بود. در واقع (جی-گونگ) (Jigong) فقط در یک یا دو فرصت گوشت خورده بود. همین که صحبت از گوشت خوردن راهبان می‌شود، نویسندگان هیجان‌زده می‌شوند. هر چه بیشتر موضوع را تکان دهنده کنند، خواننده‌های علاقه‌مند بیشتری خواهند داشت. نوشته‌های ادبی اغلب از حقیقت به دور می‌باشند، با اینکه اساس آنها از حقیقت می‌آید، در نتیجه او را مشهور نمودند. در واقع، اگر وابستگی بطور واقعی رها شود، اهمیتی ندارد که فرد با چه چیزی شکمش را پر می‌کند.

در جنوب شرقی آسیا یا مناطق جنوبی چین مثل (گوانگ-دونگ) (Guangdong) و (گوانگ-شی) (Guangxi)^۳ بودئیست‌های غیر روحانی وجود دارند که در کلام خودشان را بودئیست نمی‌نامند، زیرا که کلمه تزکیه بودا بیش از حد قدیمی بنظر می‌آید. آنها می‌گویند که غذای بودائی می‌خورند یا اینکه گیاه‌خوار هستند، که بنظر می‌آید آنها بودئیستهای گیاه‌خوار هستند. آنها به تزکیه بودا مثل چیزی بسیار ساده برخورد می‌کنند. چگونه شخصی با گیاه‌خوار بودن می‌تواند قادر به تزکیه بوداهود باشد؟ همه کس می‌دانند که خوردن گوشت فقط یک وابستگی و یک تمنا است - این فقط یک وابستگی است. گیاه‌خوار بودن فقط این وابستگی را برطرف می‌کند. فرد هنوز هم احتیاج دارد که حسادت، طرز تفکر رقابت جویانه، وابستگی

^۲ - Jigong (Jee - gong) - راهب شناخته شده بودئیسم در سلسله جنوبی song (۱۲۷۹ A.D. - ۱۱۲۷ A.D.)

^۳ - Guangxi (gwang - shee) , Guangdong (gwang - dong) - دو استان در جنوب چین.

به اشتیاق، نگرش نمایش دادن، و بسیاری وابستگیهای دیگر را رها کند، تعداد بسیار زیادی از وابستگیهای بشری وجود دارند. فقط بوسیله از دست دادن وابستگیها و تمایلات است که شخص می‌تواند راه تزکیه‌اش را به کمال برساند. چگونه شخص می‌تواند بودا بود؟ فقط با رها کردن وابستگی خوردن گوشت تزکیه کند؟ این نوع از اظهار نظر نادرست است.

در رابطه با موضوع غذا، شخص علاوه بر خوردن گوشت نباید به هر غذای دیگری نیز وابسته باشد. این در مورد چیزهای دیگر نیز صدق می‌کند. بعضی از افراد می‌گویند که آنها فقط دوست دارند یک غذای بخصوصی را بخورند - آن نیز یک تمایل است. بعد از نائل آمدن به سطح معینی از تزکیه، یک تمرین‌کننده این وابستگی را نخواهد داشت. البته فای ما در سطح بسیار بالایی آموزش داده شده است و بوسیله ملحق شدن در سطوح مختلف تعلیم داده شده است. این برای شخص غیرممکن است که یکدفعه به این درجه برسد. شما اظهار می‌کنید که فقط می‌خواهید آن غذای بخصوص را بخورید، اما وقتی تزکیه شما بطور واقعی به حدی رسیده است که وابستگی را رها کنید، دیگر قادر به خوردن آن نخواهید بود. اگر آن غذا را بخورید، خوش طعم نخواهد بود، و نخواهید توانست بگویید که طعم آن چگونه است. زمانی که سر کار می‌رفتم، کافه تریای محل کار همیشه پول از دست می‌داد و در آخر با ورشکستگی بسته شد. بعد از آنکه کافه تریا بسته شد، همه کس با خودشان به محل کار غذا می‌آوردند. بسیار پر زحمت و پر دردسر بود و صبحها شتاب و عجله فراوانی برای درست کردن غذا بکار می‌رفت. بعضی مواقع، دو عدد نان پخته شده در بخار و یک قطعه توفو خیس شده در سس سویا می‌خریدم. از لحاظ تئوری، غذا می‌توانست یک وعده غذای تقریباً سبکی باشد، اما خوردن آن در تمام مدت هنوز خوب نبود، بطوریکه وابستگی می‌بایستی از بین برده می‌شد. همین که دوباره توفو را می‌دیدم، باعث می‌شد که احساس ناخوشایندی به من دست بدهد. وقتی که دوباره سعی به خوردن آن می‌کردم، نمی‌توانستم آنرا بخورم، که مانع این شد که وابستگی را رشد بدهم. البته، این فقط وقتی که شخص به یک سطح معینی از تزکیه رسیده باشد اتفاق خواهد افتاد. در آغاز به این صورت نخواهد بود.

مدرسه بودا نوشیدن الکل را اجازه نمی‌دهد. آیا هرگز یک بودا را دیده‌اید که جامی از شراب را در دست داشته باشد؟ نه. گفته‌ام که شخص ممکن است قادر به خوردن گوشت نباشد، اما با رها شدن از وابستگی در طول تزکیه در بین مردم عادی، برای فرد مشکلی نخواهد بود که بعداً دوباره گوشت بخورد، به هر حال بعد از خاتمه دادن به نوشیدن الکل شخص نباید دوباره نوشیدن مشروب را شروع کند. آیا تمرین‌کنندگان در جسمشان گونگ ندارند؟ شکل‌های مختلفی از گونگ و بعضی از توانائی‌های فوق‌طبیعی در سطح جسم شما نشان داده شده‌اند، و همگی آنها خالص هستند. به محض اینکه مشروب بنوشید، همگی آنها فوراً جسم را ترک می‌کنند، و به یک چشم به هم زدن، در جسم‌تان چیزی باقی نخواهد ماند، زیرا که همگی آنها از بوی الکل وحشت دارند. این کاملاً نفرت‌انگیز است اگر به این عادت معتاد گردید، برای اینکه نوشیدن مشروب می‌تواند شخص را فاقد عقل کند. چرا بعضی از روش‌های تزکیه بزرگ تائوئیستی خوردن الکل را لازم می‌دانند؟ به خاطر اینکه آنها روح نخستین اصلی را تزکیه نمی‌کنند، و نوشیدن الکل می‌تواند روح نخستین اصلی شخص را ناآگاه کند.

بعضی از مردم الکل را به اندازه زندگی‌شان دوست دارند. بعضی از مردم از نوشیدن الکل لذت می‌برند. بعضی از افراد هم اکنون بوسیله الکل مسموم شده‌اند، و حتی نمی‌توانند بدون نوشیدن الکل کاسه‌های برنجشان را بلند کنند - بدون نوشیدن قادر به انجام آن نیستند. به عنوان تمرین‌کنندگان نباید به این صورت باشیم، نوشیدن الکل اعتیاد مطلق است. این یک تمایل است و اعتیاد اعصاب شخص را تحریک می‌کند. هر چه بیشتر فرد بنوشد، بیشتر به آن معتاد می‌شود. بگذارید درباره آن فکر کنیم: به عنوان تمرین‌کنندگان، آیا نباید این وابستگی را از دست بدهیم؟ این وابستگی نیز باید از بین برود. فرد ممکن است فکر کند: «این غیر ممکن است زیرا که من مسئول پذیرایی از مشتریان هستم.» یا «من مسئولیت ارتباط تجارتي را دارم. این آسان نیست معامله‌ای را بدون نوشیدن الکل انجام داد.» می‌گویم لازم نیست به این صورت باشد. معمولاً، در انجام معاملات کاری، مخصوصاً در انجام کار و کاسبی یا معاملات با خارجی‌ها می‌توانید سودا بنوشید، او نیز ممکن است آب معدنی بنوشد، و شخصی دیگر ممکن است بخواد آبجو بنوشد. هیچکس شما را مجبور به نوشیدن الکل نمی‌کند، شما انتخاب خود را می‌کنید و آنقدر که بخواهید می‌نوشید. مخصوصاً در بین روشنفکران، این مورد بندرت اتفاق می‌افتد. این معمولاً بدین صورت است.

سیگار کشیدن نیز یک وابستگی است. بعضی‌ها می‌گویند سیگار کشیدن آنها را سر حال می‌آورد، اما من آنرا فریب‌دادن خود و دیگران می‌نامم. شخص وقتی از کار یا از نوشتن چیزی خسته می‌شود ممکن است بوسیله کشیدن یک سیگار زنگ تفریحی بگیرد یا بعد از زدن پکی به سیگار، احساس سر حال بودن کند. در واقع، این درست نیست. به این دلیل که فرد می‌خواهد لحظه‌ای بیارامد. روان بشری می‌تواند احساس و توهمی دروغین را بوجود آورد که فرد بعداً می‌تواند به مفهوم و احساسی دروغین برای سر حال آوردن او با سیگار کشیدن گردد. این مطلقاً نمی‌تواند آن کار را انجام دهد، و حتی این اثر را هم ندارد. سیگار کشیدن هیچ فایده‌ای برای جسم بشری ندارد. اگر شخص برای مدتی طولانی سیگار بکشد، یک دکتر در زمان کالبد شکافی، نای و ششهای او را کاملاً سیاه خواهد یافت.

آیا ما تمرین‌کنندگان نمی‌خواهیم جسم‌هایمان را تصفیه و پالایش کنیم؟ باید بطور پیوسته جسم‌هایمان را تصفیه و بطور پیوسته بسوی سطوح بالاتر پیشرفت کنیم. هنوز هم آن را در جسم خودتان وارد می‌کنید، پس آیا برخلاف راه ما عمل نمی‌کنید؟ وانگهی، این نیز یک تمنای نیرومندی است. بعضی اشخاص نیز می‌دانند که سیگار کشیدن خوب نیست، اما فقط اینکه نمی‌توانند آن را ترک کنند. حقیقت امر این است که آنها افکاری صحیح که راهنمایشان باشد ندارند، و برای آنها آسان نخواهد بود که بدان صورت از سیگار کشیدن دست بکشند. در جایگاه یک تمرین‌کننده، چرا به آن بعنوان یک وابستگی که باید رها شود برخورد نمی‌کنید و این که ببینید که اگر می‌توانید به آن خاتمه دهید یا نه. من به همگی نصیحت می‌کنم اگر واقعاً بخواهید تزکیه کنید باید از همین حالا به بعد به سیگار کشیدن خاتمه دهید، و تضمین می‌شود بتوانید این کار را انجام دهید. در محدوده این کلاس، هیچکس فکری برای سیگار کشیدن ندارد. اگر بخواهید به آن خاتمه بدهید، تضمین می‌شود بتوانید آنرا انجام دهید. اگر دوباره سیگار بکشید، مزه درستی نخواهد داشت. اگر این سخنرانی را در کتاب بخوانید، همین اثر را خواهد داشت. البته، اگر بخواهید تزکیه کنید، ما ترتیب اثری برای آن نخواهیم داد. فکر می‌کنم شما در مقام یک تمرین‌کننده باید به آن خاتمه بدهید. زمانی این مثال را به کار می‌بردم: آیا هرگز یک بودا یا یک تائو را که با سیگاری بر لبانشان آنجا نشسته باشند دیده‌اید؟ چگونه ممکن است؟ بعنوان یک تمرین‌کننده هدف شما چیست؟ آیا نباید به آن خاتمه دهید؟ به همین جهت، گفته‌ام اگر بخواهید تزکیه کنید، باید سیگار کشیدن را ترک کنید. سیگار کشیدن به جسم شما صدمه می‌رساند و به نوبه خود یک طلب و وابستگی است. آن درست مخالف شرایطی است که از تمرین‌کنندگانمان داریم.

حسادت

وقتی فا را تعلیم می‌دهم، اغلب موضوع حسادت را مطرح می‌کنم. چرا؟ به این خاطر که حسادت بصورت بسیار نیرومندی در چین ظاهر شده است. حسادت بقدری نیرومند است که بصورت پدیده‌ای طبیعی درآمده است و شخص حتی آنرا احساس هم نمی‌کند. چرا مردم چین این حسادت قوی را دارند؟ دلایل خودش را دارد. مردم چین در زمانهای گذشته شدیداً تحت تأثیر کنفوسیوس بودند، و شخصیتی درونگرا را رشد داده‌اند. وقتی عصبانی یا شاد هستند، آنرا بروز نمی‌دهند. آنها به خویش‌داری و شکیبایی اعتقاد دارند. از آنجا که به این روش عادت کرده‌اند، ملت ما در کل شخصیتی درونگرا را رشد داده است. مطمئناً حسن‌های خودش را دارد، مثل نبالیدن به نیروهای درونی خود. اما عیبهای خودش را هم دارد، و می‌تواند با خودش تأثیرات منفی جانبی را به‌مراه داشته باشد. مخصوصاً در این دوره پایان دارما، جنبه‌های منفی آن بیشتر چشمگیر شده است و می‌تواند به حاد شدن حسادت شخص کمک کند. اگر جنبه‌های خوب کسی منتشر گردد، بلافاصله باعث حسادت دیگران می‌شود. بعضی افراد جرأت نمی‌کنند از پاداشها یا بعضی مزیت‌هایی که از محل کارشان یا جایی دیگر داشته‌اند صحبتی بعمل آورند، مبادا دیگران با شنیدن آن خبرها معذب شوند. غریبه‌ها این را «حسادت شرق» نام نهاده‌اند یا «حسادت آسیایی». تمام آسیا کم و بیش بدین صورت است، مدیون نفوذ کنفوسیوس چینی. مخصوصاً این در چین بصورت شدیدی خودش را نشان می‌دهد.

این حسادت به هر حال بستگی به مساوات طلبی مطلق که زمانی تزکیه می‌شد دارد؛ بعد از همه اینها، اگر آسمان به زمین سقوط کند همگی باید با هم بمیرند، اگر چیزی خوب وجود دارد همگی بایستی سهمی مساوی داشته باشند؛ همه باید به یک اندازه افزایش حقوق داشته باشند، بدون توجه به درصد افزایش حقوق. این ذهنیت و طرز فکر به نظر می‌آید که

عادلانه باشد، که با همه به مساوات رفتار شود. چگونه مردم می‌توانند واقعاً یک جور باشند؟ کارهایی که انجام می‌دهند متفاوت هستند، و همینطور با مسئولیتهایی که به عهده دارند. اصلی در این عالم وجود دارد که نامیده می‌شود، «اگر باختی نباشد، بردی نیست.» برای بدست آوردن، شخص باید از دست بدهد. در بین مردم عادی گفته می‌شود که شخص نفعی نمی‌برد اگر برایش کاری انجام ندهد. کار بیشتر سود بیشتری به همراه دارد، کار کمتر سودی کمتر دارد. هر چه شخص بیشتر جهد و کوشش کند، بیشتر بدست خواهد آورد. مساوات طلبی مطلق که در گذشته تزکیه می‌شد ادعا می‌کرد که همه مساوی دنیا آمده‌اند، و زندگی بعد از تولد است که یک انسان را عوض می‌کند. من این اظهاریه را بیش از اندازه مطلق می‌پندارم. وقتی هر چیزی مطلق گردد، نادرست می‌شود. چرا بعضی از مردم باید مرد متولد شوند و دیگران زن؟ چرا شبیه هم نیستند؟ مردم به یک شکل متولد نمی‌شوند، همانطور که یک عده بیمار و عده‌ای فلج متولد می‌شوند. از بعدی بالا، می‌توانیم ببینیم که تمام زندگی انسان در بعدی دیگر قرار دارد. چگونه آنها می‌توانند به یک صورت باشند؟ همه مردم آرزوی برابری دارند. اگر چیزی قسمتی از زندگی کسی نیست، چگونه آنها توانستند به طور مساوات ساخته شوند؟ مردم مثل همدیگر نیستند.

شخصیت مردم در کشورهای غربی به طور نسبی اجتماعی است. آنها خوشحالی یا غم خود را بروز می‌دهند. این مزیت‌های خود را دارد. اما عیب‌های خودش را هم دارد و می‌تواند نتیجه‌ای از عدم خویشتنداری باشد. از آنجا که این دو خلق و خو از نظر فکری متفاوت هستند در موقع انجام دادن کارها نتایج مختلفی را به بار می‌آورند. اگر یک شخص چینی بوسیله سرپرست مورد تمجید قرار گیرد یا به او چیزهای خوبی داده شود، افکار دیگران معذب خواهد شد. اگر کمک هزینه بیشتری بدست آورد، آن را در خفا در جیبش می‌گذارد بدون اینکه بگذارد دیگران از آن خبردار گردند. این روزها یک کارگر نمونه بودن مشکل است. «تو یک کارگر نمونه هستی. تو می‌توانی این کار را انجام دهی. تو باید صبح‌ها زودتر سر کار حاضر شوی و شب‌ها دیرتر به خانه بروی. تو می‌توانی تمام این کار را انجام بدهی زیرا که در آن خوب هستی. ما به اندازه کافی خوب نیستیم.» مردم طعنه آمیز و بدبین خواهند بود، و به همین دلیل یک انسان خوب بودن آسان نیست.

اگر این در کشورهای دیگر اتفاق بیفتد کاملاً متفاوت خواهد بود. اگر رئیس متوجه شود که این کارگر امروز کارش را به خوبی انجام داده است، ممکن است کمک هزینه بیشتری به کارگر بدهد. او با خوشحالی پول را مقابل دیگران خواهد شمرد: «وای! رئیس این همه پول را امروز به من داده است.» او با خوشحالی می‌تواند برای دیگران درباره آن صحبت کند بدون اینکه پیامدی و عواقبی داشته باشد. اگر این در چین اتفاق بیفتد که کسی از رئیس کمک هزینه‌ای اضافه گرفته حتی رئیس به آن شخص گوشزد می‌کند که آن را پنهان نگه دارد و نگذارد دیگران از آن باخبر گردند. در کشورهای دیگر، اگر بچه‌ای در امتحانی صد نمره بیاورد، با خوشحالی به سوی خانه دویده فریاد می‌زند: «من امروز صد نمره آورده‌ام! من صد نمره گرفته‌ام! بچه تمام مسیر خانه‌اش را خواهد دوید. همسایه در خانه را باز کرده می‌گوید: «سلام، تام، پسر خوب.» همسایه دیگر ممکن است پنجره‌اش را باز کند: «سلام، جک، آفرین پسر خوب.» اگر این در چین اتفاق بیفتد می‌تواند یک فاجعه باشد «من صد نمره گرفته‌ام، صد نمره گرفته‌ام.» کودک از مدرسه به خانه می‌دود. حتی قبل از اینکه در خانه‌اش را باز کند همسایه‌اش هم اکنون در خانه‌اش شروع به لعنت و دشنام دادن می‌کند: «صد نمره گرفتن چه چیز مهمی است؟ لاف زن! چه کسی تا حالا صد نمره نگرفته است؟» دو طرز تفکر و ذهنیت نتایج متفاوتی را به بار می‌آورند. آن می‌تواند حسادت یک فرد را برانگیزد، زیرا اگر کسی کاری خوب انجام می‌دهد، بجای این که برای او خوشحال بود، در ذهن و روان مردم احساس ناراحتی بوجود می‌آید. این می‌تواند منجر به این مشکل شود.

چندین سال پیش، مساوات طلبی مطلق بکار برده شد، و افکار و ارزش‌های مردمی را به آشفتگی کشاند. اجازه بدهید مثالی مشخص بزنم. در محل کاری، شخصی ممکن است احساس کند که دیگران به اندازه او لایق و با عرضه نیستند. هر کاری را که انجام می‌دهد، به خوبی برگزار می‌شود. در حقیقت خود را استثنایی می‌یابد. با خودش فکر می‌کند: «من صلاحیت رئیس و مدیر کارخانه شدن را دارم یا حتی مقامی بالاتر را. حتی فکر می‌کنم که بتوانم رئیس جمهور هم بشوم.» رئیس نیز ممکن است اظهار کند او واقعاً لایق و با استعداد است. و هر کاری را به اتمام می‌رساند. همکاران نیز ممکن است فکر کنند که او واقعاً لایق و با استعداد است. با وجود این، احتمالاً شخص دیگری وجود دارد که با او در گروه مشترکی یا در دفتر

مشابه‌ای کار می‌کند، که کاملاً در انجام کارها نالایق است و به درد کاری نمی‌خورد. ولی یک روز همین شخص نالایق به جای او ترفیع مقام می‌گیرد و حتی سرپرست او می‌شود. او در قلبش آن را ناعادلانه می‌یابد و به رئیس و همکارانش شکایت می‌کند، احساسی بسیار آشفته و نسبتاً توأم با حسادت دارد.

این اصل را که مردم عادی قادر به درک آن نیستند را برایتان می‌گویم. ممکن است تصور کنید که در هر چیزی خوب هستید، ولی زندگی‌اتان آن را ندارد. آن شخص لایق انجام دادن کاری نیست، اما زندگی‌اش آن را دارد، و او رئیس می‌شود. این اهمیتی ندارد که مردم عادی چه فکر می‌کنند، این فقط نقطه نظر مردم عادی است. از دیدگاه موجودی والا مقام، رشد جامعه انسانی برطبق قانون معینی از رشد و تحول می‌باشد. به همین جهت، آن چه که شخص در زندگی انجام می‌دهد برطبق توانایی‌های او تدارک دیده نمی‌شود. بودیسم اعتقاد به اصل مجازات کارمایی دارد. زندگی شخص برطبق کارمای او تدارک دیده می‌شود. این اهمیتی ندارد که چه اندازه لایق باشید، اگر تقوا نداشته باشید، شاید چیزی را در این زندگی نخواهید داشت. شما فکر می‌کنید که این فرد در هیچ کاری خوب نیست، اما او دارای تقوای زیادی است. او می‌تواند به مقام بالای اداری برسد یا اینکه ثروت زیادی کسب کند. یک فرد معمولی نمی‌تواند این مسئله را ببیند و معتقد است که او دقیقاً آنچه را که قادر است انجام می‌دهد. به همین جهت، در سرتاسر زندگی‌اش در حال رقابت و مبارزه با یک قلب جریحه‌دار است. ممکن است خسته و بسیار ناراحت و آشفته باشد، و همیشه مسائل را ناعادلانه بباید. قادر نیست غذا بخورد یا اینکه بخوبی استراحت کند، احساس غم می‌کند و دلسرد و ناامید است. وقتی که مسن‌تر می‌شود، سلامتی‌اش ضعیف می‌گردد و همه نوع بیماری‌ای در او ظاهر می‌شود.

در نتیجه تمرین‌کنندگان ما نباید به این صورت رفتار کنند، زیرا که یک تمرین‌کننده باید راه طبیعی را دنبال کند. اگر چیزی به شما تعلق دارد، آن را از دست نخواهید داد. اگر چیزی به شما تعلق ندارد، آن را حتی اگر برایش مبارزه هم بکنید نخواهید داشت. البته، این مطلق نیست. اگر این به آن مطلق بود، مسئله انجام دادن اعمال نادرست نمی‌بایستی وجود داشته باشد. به بیانی دیگر، یک سری فاکتورهای ناپایداری وجود دارند. اما در مقام یک تمرین‌کننده، شما در اصل بوسیله فاشن معلم در حمایت هستید. دیگران نمی‌توانند آن چه را که به شما تعلق دارد، حتی اگر بخواهند این کار را هم بکنند تصاحب کنند. به همین جهت ما معتقدیم که راه طبیعی را باید دنبال کرد. بعضی مواقع، فکر می‌کنید که چیزی باید به شما تعلق داشته باشد، و دیگران نیز به شما می‌گویند که آن مال شما است. در واقع، اینطور نیست. ممکن است معتقد باشید که آن مال شما است، اما در نهایت به شما تعلق ندارد. بدین وسیله، می‌تواند مشخص شود که آیا توانایی رها کردن آن را دارید یا نه. اگر نتوانید آن را رها کنید، یک وابستگی است. این روش باید برای خلاص شدن شما از دست وابستگی‌ها و نفع خود مورد استفاده قرار گیرد. منظور این است، از آن جا که مردم عادی درباره این اصل آگاه نشده‌اند، همگی برای منافع‌شان جنگ و رقابت به راه می‌اندازند.

در بین مردم عادی، حسادت بطور بسیار بدی ظاهر شده است. حسادت همچنین در جامعه تزکیه‌کنندگان کاملاً چشمگیر و در خور توجه است. هیچ احترامی بین روش‌های مختلف چی‌گونگ وجود ندارد، مثل «روش تو خوب است» یا «روش او خوب است» - هر دو اظهار نظرهای خوب و بد بوجود آمده‌اند. بنظر من، همه این‌ها به سطح شفا دادن و حفظ تندرستی تعلق دارند. در بین روش‌های دو طرفه جر و بحث و منازعه، اغلب آنها تعلق به راههای آشفته، ارواح تسخیر کننده یا روش‌های مشتق شده حیوانات، تعلق دارند، و به شین‌شینگ توجهی نمی‌کنند. یک شخص ممکن است چی‌گونگ را بیش از بیست سال تمرین کرده باشد بدون اینکه توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد داده باشد، در حالیکه شخصی دیگر به آن توانایی‌ها به زودی که تمرین را شروع کرده دست یابد. این شخص بعداً آن را ناعادلانه خواهد یافت: «من بیش از بیست سال تمرین کرده‌ام بدون اینکه هیچ توانایی فوق‌طبیعی را رشد داده باشم، اما او آنها را رشد داده است. چه نوع از توانایی‌های فوق‌طبیعی را او بدست آورده است؟» این شخص از کوره به در خواهد رفت: «او روح و حیوان تسخیر کننده گرفته است و جنون از تزکیه را تجربه می‌کند!» وقتی یک استاد چی‌گونگ در کلاس آموزش می‌دهد، ممکن است شخصی نیز آن جا نشسته و با بی‌احترامی بگوید: «اوه، این چه نوع استاد چی‌گونگی است؟ من حتی علاقه‌ای به گوش کردن به آن چه که او

می‌گوید ندارم.» استاد چی‌گونگ شاید در حقیقت قادر نباشد به خوبی که او صحبت می‌کند، صحبت کند. با وجود این، آن چه استاد چی‌گونگ صحبت می‌کند فقط از مدرسه تزکیه خود او است. این شخص همه چیز را مطالعه می‌کند و در کلاسهای استادان چی‌گونگ عادی حضور بهم رسانده است با یک خروار مدارک فارغ‌التحصیلی. در واقع، این شخص بیشتر از آن استاد چی‌گونگ می‌داند. اما چه فایده؟ همه‌اش درباره شفا دادن و حفظ سلامتی است. شخص هر چه بیشتر از این مطالب پر شود، پیغام‌ها بیشتر آشفته و پیچیده خواهند بود، و تزکیه کردن مشکل‌تر می‌شود - همه چیز آشفته و درهم و برهم است. تزکیه حقیقی دنبال کردن یک طریق را آموزش می‌دهد، و نباید به بیراهه و گمراهی کشانده شود. در بین تمرین‌کنندگان واقعی این نیز اتفاق می‌افتد، زیرا بی‌حرمتی و بی‌احترامی دو طرفه و از بین نبردن وابستگی رقابت می‌تواند به راحتی منجر به حسادت گردد.

اجازه بدهید داستانی را ذکر کنم. در کتاب مراسم اعطاء مقام به خدایان^۴، (شن_گونگ_باو) (shen Gongbao)^۵ دریافت که (جیانگ‌زی‌یا) (Jiang Ziya)^۶ بی‌صلاحیت و پیر است. اما خدای اولیه آسمان از (جیانگ‌زی‌یا) (Jiang Ziya) خواست که عنوان‌هایی را برای فناپذیرها اعطاء کند. (شن_گونگ_باو) (shen Gongbao) در قلب خودش احساس ناعدالتی کرد: «چرا از او خواسته شده است که به خدایان عناوین را اعطاء کند؟ شما می‌بینید که چقدر من لایق و مناسب هستم. بعد از بریدن سرم، می‌توانم آن را دوباره سر جایش بگذارم. چرا از من پرسیده نشد که به خدایان عناوین را اعطاء کنم؟» او آنقدر حسود بود که همیشه برای (جیانگ‌زی‌یا) (Jiang Ziya) مشکلاتی را بوجود می‌آورد.

بودیسم اصلی در زمان ساکیومونی درباره قدرت‌های مافوق طبیعی صحبت می‌کرد. در حال حاضر در بودیسم، هیچکس جرأت نمی‌کند دیگر اشاره‌ای به قدرت‌های فوق طبیعی کند. اگر اشاره‌ای به قدرت‌های فوق طبیعی کنید، خواهند گفت که جنون از تزکیه گرفته‌اید. «چه قدرت‌های فوق طبیعی‌ای؟» آنها نمی‌خواهند قدرت‌ها را به رسمیت بشناسند. چرا؟ در حال حاضر، حتی راهبان نمی‌دانند که آن قدرت‌ها درباره چه چیزهایی هستند. ساکیومونی ده مرید اصلی داشت که از آنها (موجی‌ن‌لی‌ین) (Mujianlian)^۷ گفته می‌شود در قدرت‌های فوق طبیعی اولین بود. ساکیومونی مریدان زن نیز داشت، در بین آنها (لیان‌هاوس) (Lianhuase)^۸ نفر اول در توانایی‌های فوق طبیعی بود. وقتی که بودیسم در چین معرفی شد، حقیقت به همان صورت بود. در سراسر تاریخ، راهبان ورزیده و ماهر بسیاری وجود داشتند. زمانیکه بودهدارما به چین آمد، سوار بر یک ساقه نی از رودخانه گذشت. به هر حال، با رشد تاریخ، قدرت‌های فوق طبیعی بطور فزاینده‌ای کنار زده شده‌اند. دلیل اصلی این است که افرادی مثل راهبان ارشد، سرپرستان، یا خدامان معابد ضرورتاً از کیفیت استثنایی مادرزادی برخوردار نیستند. اگر چه خدام یا راهبان ارشد هستند، ولی این‌ها فقط شغل‌ها و مقام‌هایی برای مردم عادی‌اند. آنها نیز تمرین‌کنندگانند، بجز اینکه کسانی هستند که بطور حرفه‌ای تزکیه می‌کنند. شما در خانه بطور یک غیرحرفه‌ای تزکیه می‌کنید. اگر شخص در تزکیه موفق شود یا نه همگی بستگی به تزکیه قلب او دارد. این درست در مورد هر کسی صدق می‌کند، و عملی نخواهد بود حتی کوچکترین قسمت آن کم باشد. اما یک راهب پایین‌تر که غذا می‌پزد شاید کیفیت مادرزادی بدی نداشته باشد. هر چه بیشتر یک راهب زجر می‌کشد، برای او باز کردن گونگ آسان‌تر خواهد بود. هر چه بیشتر زندگی راهبان ارشد آسوده‌تر و راحت‌تر باشد باز کردن گونگ برای آنها سخت‌تر خواهد بود. زیرا که مسئله دگرگونی کارما برایشان وجود دارد. راهبان پایین‌تر همیشه به سختی و بصورت خسته‌کننده‌ای زحمت می‌کشند. برای آنها سریع‌تر خواهد بود که بدهی کارمایی را پس بدهند و به روشن‌بینی نایل گردند. شاید او یک روز به ناگهان گونگ را باز کند. با گونگ باز شده، روشن‌بینی، یا نیمه روشن‌بینی، نیروهای فوق طبیعی او همگی پدیدار خواهند شد. راهبان معبد همگی نزد او آمده و از او سؤال‌هایی خواهند نمود، و همه کس

۴ - Investiture of the Gods - کاری کلاسیکی از ادبیات داستانی چین.

۵ - Shen Gongbao (shun gong - baow) - یک شخصیت حسود در اعطاء مقام به خدایان Investitures of the Gods

۶ - Jiang Ziya (Jyang - dzz - yah) - یک شخصیت در Investitures of the Gods

۷ - Mujianlian (moo - j , yen - l , yen) - یکی از ده مریدان اصلی مرد بودا ساکیومونی.

۸ - Lianhuase (l , yen - hwa - szz) - یکی از ده مریدان اصلی زن بودا ساکیومونی.

به او احترام خواهند گذاشت. اما خادم تحملش را ندارد که در برابر آن بردباری کند: «چگونه می‌توانم هنوز هم یک خادم باشم؟ چه روشن‌بینی‌ای؟ او جنون در تزکیه را تجربه می‌کند. او را از اینجا بیرون بیاندازید» راهب پایین‌تر از معبد اخراج می‌شود. با گذشت زمان، هیچکس در بودیسم چینی جرأت نمی‌کند اشاره‌ای به توانایی‌های فوق‌طبیعی کند. شما می‌دانید که چقدر (جی‌گونگ) (Jigong) لایق و توانا بود. او می‌توانست دسته‌های درختان را از کوه (امی) (Emei) حرکت بدهد و کنده‌ها را از یک چاه^۹ یکی بعد از دیگری به بیرون پرتاب کند. اما در نهایت او را از معبد (لین‌گین) (Lingyin) بیرون انداختند. موضوع حسادت بسیار جدی است زیرا که بطور مستقیم مستلزم مسئله‌ای است که آیا بتوانید عمل تزکیه‌اتان را خاتمه بدهید یا نه. اگر حسادت برانداخته نشود، هر چیزی را که تزکیه کرده‌اید آسیب‌پذیر می‌شود. این قانون وجود دارد: در مسیر روش تزکیه اگر حسادت از بین نرود، فرد نمی‌تواند به میوه حقیقت (Right Fruit) نایل گردد - مطلقاً نمی‌تواند. شاید همگی قبلاً شنیده‌اید که بودا آمیتا‌باها صحبت از رفتن به بهشت با کارما نمود. اما نمی‌توانست بدون از دست دادن حسادت اتفاق بیفتد. بردن کارما با خود به بهشت برای تزکیه اضافی و طولانی‌تر می‌تواند امکان‌پذیر باشد، اما این مطلقاً غیرممکن است اگر حسادت از بین نرفته باشد. امروز به تمرین‌کنندگان می‌گویم که خودتان را در تاریکی و وهم و خیال نگه ندارید بدون اینکه به آن آگاه گردید. هدفی را که قصد دارید به آن برسید تزکیه بسوی سطوح بالاتر است. وابستگی به حسادت باید از بین برود، به همین جهت این مسئله را مخصوصاً در این سخنرانی مطرح نموده‌ام.

مسئله مداوا کردن بیماری‌ها

در رابطه با مداوا کردن بیماری‌ها، به شما مداوا کردن بیماری‌ها را آموزش نمی‌دهم. هیچ مرید واقعی فالون دافا نباید بیماری‌ها را برای دیگران مداوا کند. یکبار که یک بیماری را مداوا کنید، فاشن من تمام چیزهایی را که از فالون دافا در جسم شما است پس خواهد گرفت. چرا این موضوع اینقدر جدی گرفته شده است؟ به این خاطر که این پدیده باعث تحلیل فالون دافا می‌شود. شما بیشتر از همه به سلامتی خودتان آسیب خواهید رساند. به محض اینکه بعضی از افراد یک بیماری را شفا می‌دهند، برای انجام دوباره آن بی‌تابی می‌کنند. آنها به هر کسی که برخورد می‌کنند متوسل می‌شوند تا بیماری‌های آنها را مداوا کنند و خودشان را به نمایش بگذارند. آیا این یک وابستگی نیست؟ این بطور جدی مانع تزکیه شخص خواهد شد.

بسیاری از استادان قلابی چی‌گونگ از تمنای مردم عادی برای معالجه بیماران بعد از یادگیری چی‌گونگ استفاده برده‌اند. آنها این چیزها را به شما یاد خواهند داد و ادعا می‌کنند که با بیرون فرستادن چی شخص می‌تواند بیماری‌ها را درمان کند. آیا این یک شوخی نیست؟ شما چی (qi) دارید، و دیگران نیز چی دارند. چگونه می‌توانید او را با چی خودتان معالجه کنید؟ شاید چی او بیماری شما را درمان کند! مانعی بین این چی و آن چی وجود ندارد. وقتی شخص گونگ را در سطح بالایی از تزکیه رشد می‌دهد، آنچه را که تولید می‌کند ماده انرژی والایی است، که در حقیقت می‌تواند شفا دهنده باشد، مرض را سرکوب کرده، و بیماری را کنترل کند، اما نمی‌تواند علت را از بین ببرد. به همین جهت، برای شفای حقیقی یک بیماری و معالجه کامل آن، شخص باید دارای توانایی‌های فوق‌طبیعی باشد. برای درمان هر بیماری توانایی فوق‌طبیعی بخصوصی وجود دارد. با توجه به توانایی‌های فوق‌طبیعی برای معالجه بیماری‌ها، می‌گویم که بیش از یک هزار نوع از آن توانایی‌های فوق‌طبیعی، و به اندازه خود بیماری‌ها توانایی‌های فوق‌طبیعی وجود دارند. بدون توانایی‌های فوق‌طبیعی معالجه بدون نتیجه خواهد بود، بدون توجه به اینکه چه اندازه مداوای شما ماهرانه می‌باشد.

در سال‌های اخیر، بعضی از مردم جامعه تزکیه‌کنندگان را کاملاً به آشفتگی کشانده‌اند. در بین استادان واقعی چی‌گونگ که برای شفا دادن و حفظ سلامتی به نزد عموم آمده‌اند یا آنهایی که جاده را در آغاز کار هموار نمودند، چه کسی به مردم مداوا کردن بیماران را آموزش داده است؟ آنها همیشه بیماری شما را معالجه می‌کردند یا به شما نشان می‌دادند که چگونه تزکیه کنید یا چگونه سلامتی را حفظ کنید. آنها به شما یکسری از تمرین‌ها را آموزش دادند، و بعد از آن می‌توانستید بیماری

۹ - Mt. Emei (uh - may) - تقریباً یک هزار مایل از معبد Lingyin (ling - yeen) - فاصله دارد جایی که چاه واقع شده.

هایتان را از طریق تمرین خودتان شفا دهید. بعداً، استادان قلابی چی‌گونگ به میان مردم آمدند و باعث هرج و مرج شدند. هر کسی بخواهد بیماران را با چی‌گونگ معالجه کند روح یا حیوان تسخیر کننده را به خود جذب می‌کند - این مطلقاً به این صورت است. در تحت اوضاع و شرایط آن زمان، بعضی از استادان چی‌گونگ بیماران را مداوا کردند. آن تشریک مساعی با اوضاع کیهانی در آن زمان بود. اما چی‌گونگ یک مهارت برای مردم عادی نیست، و این پدیده نمی‌تواند برای ابد ادامه یابد. آن نتیجه‌ای از تغییرات اوضاع کیهانی در آن زمان، و فقط محصولی در آن دوره زمانی بود. بعدها، بعضی از اشخاص خودشان را در آموزش دیگران برای شفا دادن بیماری‌ها تخصص دادند، بدین وسیله آشفتگی‌ای را خلق نمودند. چگونه یک فرد عادی می‌تواند در عرض سه یا پنج روز دوره، مداوای یک بیماری را یاد بگیرد؟ کسی اظهار کرد: «من می‌توانم این بیماری یا آن بیماری را درمان کنم.» اجازه بدهید برای شما بگویم که این افراد همگی ارواح یا حیوانات تسخیر کننده را با خود حمل می‌کنند. آیا آنها می‌دانند که چه چیزی به پشتشان چسبیده است؟ آنها روح یا حیوان تسخیر کننده دارند، اما نه آن را احساس می‌کنند و نه اینکه از آن آگاهی دارند. هنوز هم ممکن است احساس خیلی خوبی داشته باشند و فکر کنند که لایق و توانا هستند.

استادان واقعی چی‌گونگ باید سال‌های زیادی از کار سخت را در تزکیه‌اشان برای رسیدن به این هدف طی کنند. زمانی که یک بیمار را مداوا می‌کنید، آیا هرگز درباره این فکر کرده‌اید که آیا توانایی‌های قدرتمند فوق‌طبیعی را برای از بین بردن کارمای این شخص دارا هستید یا نه؟ آیا هرگز یک آموزش حقیقی را کسب نموده‌اید؟ چگونه می‌توانید در عرض سه یا پنج روز کلاس رفتن مداوا کردن بیماری‌ها را یاد بگیرید؟ چگونه می‌توانید با دستهای فردی عادی یک بیماری را درمان کنید؟ به هر حال، یک چنین استاد قلابی چی‌گونگ از ضعف شما و وابستگی‌های مردم استفاده نموده است. آیا در جستجوی درمان بیماری‌ها نیستید؟ خوب، این شخص یک دوره مداوا را تشکیل می‌دهد که بطور اختصاصی به شما بعضی از روش‌های شفا دادن را آموزش دهد، مثل سوزن چی، روش روشن‌کننده روشنایی، تخلیه چی، ترمیم چی، روش معروف به چنگ زدن بوسیله دست. تعداد زیادی از روشهایی که هدفشان بدست آوردن پول شماست وجود دارند.

اجازه بدهید درباره روش چنگ زدن به وسیله دست برای شما صحبت کنم. آنچه را که ما مشاهده کرده‌ایم وضعیت ذیل را دارد. چرا مردم بیمار می‌شوند؟ دلیل پایه‌ای و اصلی که شخص مریض می‌شود و تمام بدبختی‌های او کارما است و میدان سیاه ماده کارمایی او. این چیزی منفی و بد است. تمام موجودات اهریمنی نیز موجوداتی منفی هستند، و همگی آنها سیاه می‌باشند. بنابراین، به این محیط به خاطر اینکه برایشان مناسب است می‌آیند. این دلیل اصلی بیمار شدن شخص است، این اساسی‌ترین منبع بیماری‌ها است. البته، دو نوع دیگر نیز وجود دارند. یکی از آنها موجودی بسیار ذره‌بینی (میکروسکوپی) با فشرده‌گی بالا است که شبیه خوشه‌ای از کارما است. دیگری مثل این است که از میان خط لوله‌ای منتقل شده است، اما این نوع بندرت دیده شده است، این‌ها همگی از طرف اجداد فرد جمع شده‌اند. این‌ها مواردی هستند که وجود دارند.

اجازه بدهید درباره اغلب بیماری‌های مشترک صحبت کنیم. شخص ممکن است در جایی از بدنش غده، عفونت، برآمدگی روی استخوان و غیره داشته باشد. به خاطر این که در بعدی دیگر موجودی در آن قسمت جای دارد. آن موجود در یک بعد بسیار عمیقی جای دارد. یک استاد معمولی چی‌گونگ با توانایی فوق‌طبیعی قادر نیست آن را شناسایی و کشف کند، آنها فقط می‌توانند یک چی (qi) سیاه را در جسم شخص ببینند. این درست است که گفته می‌شود هر جا که چی سیاه موجود است آن جا یک بیماری وجود دارد. اما، چی سیاه دلیل اصلی یک بیماری نمی‌باشد. زیرا که موجودی در بعدی عمیق‌تر وجود دارد، که این میدان را بوجود می‌آورد. بنابراین بعضی افراد درباره تخلیه کردن و برداشتن چی سیاه صحبت می‌کنند - اگر خواستتان این است به برداشتن آن ادامه دهید! زمانی کوتاه بعد از آن، دوباره بوجود خواهد آمد، زیرا که بعضی از موجودات بسیار قدرتمند هستند و می‌توانند چی را به محض اینکه برداشته شود پس بگیرند؛ آنها می‌توانند چی را بوسیله خودشان بازپس بگیرند. درمانها بدون در نظر گرفتن اینکه چگونه بکار برده شده‌اند نمی‌توانند مؤثر باشند.

از نقطه نظر کسی که با توانایی‌های فوق‌طبیعی می‌بیند، هر جایی که چی سیاه وجود دارد، آن منطقه به نظر می‌آید که دارای چی مریض باشد. یک دکتر سنتی چینی کانال‌های انرژی را در آن منطقه مسدود خواهد یافت، بطوریکه چی و خون در

گردش نمی‌باشند و کانال‌های انرژی مسدود و متراکم هستند. از نظر طب دارویی غربی، آن منطقه ممکن است نمایانگر علایمی از زخم، غده، برآمدگی روی استخوان، التهاب، یا غیره باشد. وقتی در این بعد ظاهر می‌شود به این شکل در می‌آید. بعد از برداشتن آن موجود، متوجه خواهید شد که بدن هیچ مشکلی در این بعد ندارد. اگر آن دیسک مهره‌ها باشد یا برآمدگی روی استخوان بعد از اینکه آن چیز را برمی‌دارید و میدان را پاک می‌کنید، فوراً پی خواهید برد که بدن شفا پیدا کرده است. می‌توانید اشعه ایکس دیگری بگیرید و ببینید که برآمدگی روی استخوان ناپدید شده است، دلیل اصلی این است که این موجود موجب این بیماری است بوده.

بعضی از افراد ادعا می‌کنند که با آموزش دادن روش چنگ زدن بوسیله دست به شما، می‌توانید در عرض سه یا پنج روز بیماری‌ها را درمان کنید. روش چنگ زدن بوسیله دست را به من نشان بدهید! انسان زمانی که آن موجود کاملاً خوفناک و ترسناک است ضعیف‌تر از همه می‌گردد. آن موجود فکر شما را کنترل کرده و به راحتی شما را گول می‌زند. حتی به راحتی می‌تواند به زندگی شما خاتمه بدهد. شما ادعا می‌کنید که می‌توانید آن را به چنگ بیاورید. چگونه می‌توانید آن را به چنگ بیاورید؟ شما نمی‌توانید به آن با دستهای معمولی‌تان دست یابید. ممکن است بدون هدف به آن محل چنگ بیاندازید، و او اعتنایی به شما نخواهد کرد و پشت سر شما به شما خواهد خندید - چنگ زدن بدون هدف کاملاً مسخره است. اگر واقعاً بتوانید آن را لمس کنید، فوراً به دستهای شما آسیب خواهد رساند. می‌تواند یک زخم واقعی شود! من افرادی را قبلاً دیده‌ام که هر دوی دستانشان با هر آزمایشی طبیعی به نظر می‌آمدند. هر دوی جسم‌ها و دست‌هایشان بیمار نبودند، اما نمی‌توانستند دست‌هایشان را که آویزان بودند بلند کنند. من با چنین بیماری برخورد داشتم: جسم او در بعدی دیگر آسیب دیده بود - و در این مورد او واقعاً فلج بود. اگر جسم شما آسیب دیده است، آیا فلج نشده‌اید؟ بعضی از افراد از من سؤال می‌کنند: «معلم، آیا من قادر به تمرین چی‌گونگ خواهم بود؟ من در عملی عقیم شده‌ام»، یا بعضی از اعضای جسمم برداشته شده است.» به آنها گفتم که «مسئله‌ای نیست زیرا که جسم شما در بعدی دیگر عمل نشده و در تمرین چی‌گونگ آن جسم است که اقدام می‌کند.» به همین جهت، همین الان گفتم وقتی که سعی می‌کنید آن را به چنگ بیاورید، اگر نتوانید آن را بدست آورید اعتنایی نمی‌کند. اگر آن را لمس کنید، ممکن است به دست شما صدمه برساند.

برای حمایت از بزرگترین رویداد ملی چی‌گونگ تعدادی از مریدان را برای شرکت در نمایشگاه تندرستی شرق در پکن با خود به همراه بردم. در هر دوی نمایشگاه‌ها ما برجسته‌ترین شرکت‌کنندگان بودیم. در اولین نمایشگاه، فالون دافای ما افتخار عنوان «ستاره مدرسه چی‌گونگ» را گرفت. در نمایشگاه دوم، محل ما بقدری پر از ازدحام بود که به راحتی نمی‌توانستیم از عهده آن برآئیم. مردم زیادی در غرفه‌های دیگر نمایشگاه وجود نداشتند، اما غرفه ما پر از جمعیت بود. سه ردیف انتظار صف بسته شده بود: صف اول برای آنهایی که از صبح زود برای شفای صبحگاهی آمده بودند نام‌نویسی شده بود، صف دوم، منتظر نام‌نویسی برای درمان بعد از ظهر بودند، و صف سوم در انتظار گرفتن امضای من بود. ما بیماری‌ها را شفا نمی‌دهیم. برای چه این کار را کردیم؟ ما در این نمایشگاه شرکت کردیم برای اینکه این حمایتی بود برای بزرگترین رویداد ملی چی‌گونگ و کمک کردن به این جریان.

من گونگ خودم را به مریدانی که با من در آنجا بودند توزیع کردم. هر کدام از آنها سهمی را دریافت کردند که توده‌ای از انرژی بود که بیش از یکصد توانایی فوق‌طبیعی را دارا بودند. من دست‌های آنها را با گونگ مهر و موم کردم، اما با این حال، دستهای بعضی از آنها گزیده شد و خونی گشت و اغلب تاول برداشت؛ این حتی تقریباً بارها اتفاق افتاد. موجودات کاملاً شرور و بی‌رحم بودند. آیا فکر می‌کنید بتوانید آنها را با دستهای شخصی معمولی لمس کنید؟ بعلاوه، شما نمی‌توانید به آنها دست یابید. بدون دانستن آن نوع از توانایی‌های فوق‌طبیعی عملی نخواهد بود. برای اینکه در بعدی دیگر این موجود از هر چه که بخواهید انجام دهید آگاه خواهد بود - به محض اینکه به آن فکر کنید. وقتی سعی می‌کنید آن را به چنگ بیاندازید، بلافاصله فرار خواهد نمود. به محض اینکه بیمار پایش را از در بیرون می‌گذارد، فوراً به آنجا باز خواهد گشت، و بیماری دوباره ظاهر خواهد شد. برای اینکه بتوان با آن مواجه شد، شخص احتیاج به توانایی‌های فوق‌طبیعی برای میخکوب کردن آن در محل با بلند کردن دست دارد و بوم (Bam) او را آنجا میخکوب می‌کند. با میخکوب کردن او در آنجا، توانایی فوق‌طبیعی

دیگری داریم که زمانی به «روش به اسارت گرفتن روح» نامیده می‌شد، و این توانایی حتی بسیار قدرتمند است. این توانایی می‌تواند روح نخستین شخص را بیرون بکشد، و شخص بلافاصله توانایی حرکت کردن را از دست می‌دهد. این توانایی فوق‌طبیعی هدف بخصوص خود را دارا می‌باشد، و ما درست به این چیز نشانه می‌رویم که آن موجود را به چنگ بیاندازیم. همگی می‌دانید با اینکه (سان و کونگ) (Sun Wukong) ^{۱۰} بسیار بزرگ بود، تاتاکاتا می‌توانست با استفاده از پیاله در دستش (سان و کونگ) (Sun Wukong) را از طریق نشانه رفتن پیاله به طرف او تبدیل به یک نقطه کوچک کند. این توانایی فوق‌طبیعی این اثر را می‌تواند داشته باشد. هیچ اهمیتی ندارد که این موجود چه اندازه بزرگ یا کوچک باشد، بلافاصله بوسیله دست به چنگ می‌آید و بسیار کوچک می‌شود.

بعلاوه، این مجاز نیست که دست شخصی در بدن گوشتی یک بیمار فرو رود و چیزی را خارج کند. آن می‌تواند اختلال در روان مردم در جامعه عادی بوجود آورد، و کاملاً ممنوع است. حتی اگر امکانش هم باشد، نمی‌تواند به این شکل انجام داده شود. دستی که فرد با آن فرو می‌برد دستی در بعدی دیگر است. تصور کنید که شخصی بیماری قلبی دارد. وقتی این دست بطرف قلب حرکت می‌کند که آن موجود را به چنگ آورد، دست در بعدی دیگر به طرف داخل بدن حرکت می‌کند، و فوراً آن موجود را به چنگ می‌آورد. هنگامی که دست خارجی شما آن را چنگ می‌زند هر دوی دست‌ها بسته می‌شوند و آن موجود را خواهند گرفت. آن موجود بسیار شرور و بی‌رحم است، بعضی مواقع در دست‌های شما حرکت می‌کند و سعی می‌کند در داخل دست‌ها حفره‌ای درست کند، و بعضی مواقع فریاد کشیده و نیش می‌زند. با آن که در دست‌های شما به نظر کوچک می‌رسد، اگر از دست‌هایتان آزاد گردد بسیار بزرگ خواهد شد. این چیزی نیست که هر کسی بتواند آن را لمس کند. بدون آن توانایی، شخص نمی‌تواند آن را لمس کند. این کاملاً به این سادگی نیست که مردم تصورش را می‌کنند.

البته، این نوع از معالجه چی‌گونگ ممکن است در آینده اجازه وجود داشته باشد، همانطور که در گذشته همیشه وجود داشت. اما، باید یک شرط وجود داشته باشد: این فرد باید یک تمرین‌کننده باشد. در پروسه عمل تزکیه، از روی نیکخواهی این شخص اجازه دارد که این کارها را برای تعدادی از مردم خوب انجام دهد. اما او کلاً نمی‌تواند کارماهای آنها را از بین ببرد چون که به اندازه کافی از تقوا برخوردار نیست. به همین جهت، امتحانات و درد و رنج‌هایی هنوز هم وجود خواهند داشت، اما بیماری‌های بخصوص شفا خواهند یافت. یک استاد معمولی چی‌گونگ کسی نیست که در تزکیه به تائو نایل شده باشد. او فقط می‌تواند بیماری‌ها را از زمانی به زمان دیگر منتقل کند یا احتمالاً آنها را تبدیل کند. شاید آنها را به بلایای دیگری تبدیل کند، اما او، خودش ممکن است حتی از این روند تعویق اطلاعاتی نداشته باشد. اگر روش تزکیه او ضمیر خود آگاه کمکی را تزکیه کند، این کار بوسیله ضمیر خودآگاه کمکی انجام خواهد شد. تمرین‌کنندگان بعضی از روشها بسیار مشهور شده‌اند. بسیاری از استادان شناخته شده چی‌گونگ، گونگ (gong) ندارند زیرا که گونگ آنها در بدن ضمیر خودآگاه کمکی آنها رشد می‌کند. یعنی، بعضی از اشخاص اجازه دارند چنین کارهایی را در جریان روش تزکیه انجام دهند برای اینکه آنها به مانند در این سطح ادامه می‌دهند. آنها بیش از ده سال یا چندین ده سال تزکیه کرده‌اند و هنوز هم نمی‌توانند به فراتر از این سطح بروند. بنابراین در سراسر زندگی‌شان همیشه بیمارانی را ملاقات می‌کنند. از آنجا که در این سطح باقی می‌مانند، اجازه دارند این کار را انجام دهند. برای مریدان فالون دافا مطلقاً ممنوع است که بیماران را معالجه کنند. شما می‌توانید این کتاب را برای یک بیمار بخوانید. اگر مریض بتواند کتاب را قبول کند، این می‌تواند بیماری را شفا دهد. اما نتیجه برطبق مقدار کارمای هر شخص متفاوت خواهد بود.

درمان در بیمارستان و درمان از طریق چی‌گونگ

اجازه بدهید درباره رابطه بین درمان در بیمارستان و شفا در چی‌گونگ صحبت کنیم. بعضی از دکترها در پزشکی غربی آشنایی به چی‌گونگ ندارند، و می‌شود گفت که اکثریت آنها اینطوری هستند. نظر آنها این است که اگر چی‌گونگ می‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد، پس بیمارستان به چه کار می‌آید؟ «شما می‌توانید جای بیمارستان‌های ما را بگیرید! از آنجا که

چی‌گونگ شما می‌تواند با یک دست بیماری‌ها را بدون متوسل شدن به تزریقات، داروها، یا مواظبت‌های بیمارستانی، شفا بدهد، آیا این عالی نخواهد بود که بتوانید جانشین بیمارستان‌های ما شوید؟ این اظهاریه نه عقلانی است نه منطقی، بعضی افراد آگاهی به چی‌گونگ ندارند. در واقع، معالجه چی‌گونگ نمی‌تواند مشابه درمان‌های مردم عادی باشد، برای اینکه چی‌گونگ مهارتی برای مردم عادی نیست - این موضوعی فوق طبیعی است. پس چگونه چنین چیزی فوق طبیعی می‌تواند اجازه داشته باشد با جامعه عادی بشری تداخل در مقیاسی به آن وسیعی داشته باشد؟ یک بودا آنقدر قدرتمند است که با تکان دادن دستش به یکدفعه می‌تواند تمام بیماری‌های انسان‌ها را از بین ببرد. چرا او این کار را انجام نمی‌دهد؟ بعلاوه، تعداد بسیار زیادی از بوداها وجود دارند. چرا آنها بخشندگی خودشان را بوسیله درمان بیماری شما نشان نمی‌دهند؟ برای اینکه جامعه عادی انسانی فرض می‌شود که بدین صورت باشد. تولد، پیری، بیماری و مرگ درست چنین شرایطی هستند. همه آنها دلیل‌های کارمایی دارند و از عقوبت کارمایی هستند. شما باید دیونی را اگر داشته باشید باز پیردازید.

اگر بیماری شخصی را درمان کنید، درست مثل این است که این اصل را نقض می‌کنید، یعنی اینکه شخص می‌تواند اعمال نادرستی را بدون اینکه آنها را پس بدهد انجام دهد. چگونه می‌تواند این امکان‌پذیر باشد؟ بعنوان شخصی در عمل تزکیه، وقتی که این توانایی بزرگ را برای حل این مشکل ندارید، اجازه دارید یک بیمار را از روی نیکخواهی معالجه کنید. زیرا که نیکخواهی شما نمایان و ظاهر شده است، و اجازه دارید آنطور عمل کنید. اما، اگر بطور واقعی بتوانید این نوع از مشکل را حل کنید، آن مجاز نخواهد بود که در مقیاسی وسیع انجام داده شود. در غیر این صورت، بطور جدی وضعیت جامعه مردم عادی را تضعیف خواهید نمود این مجاز نیست. به همین جهت، جایگزین کردن بیمارستان‌های مردم عادی با چی‌گونگ در کل عملی نخواهد بود، زیرا که چی‌گونگ یک فای (Fa) خارق‌العاده و ملکوتی است.

اگر به بیمارستانهای چی‌گونگ در چین اجازه باز شدن داده شود و بسیاری از استادان بزرگ چی‌گونگ برای معالجه کردن بیرون بیایند، فکر می‌کنید این جریان به چه صورتی در خواهد آمد؟ آن امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا که همگی آنها در وضعیت جامعه مردم عادی باقی خواهند ماند. اگر بیمارستانهای چی‌گونگ، کلینیکهای چی‌گونگ، مراکز سلامتی چی‌گونگ و استراحتگاههای درمانی تأسیس شوند، اثربخشی شفا دادن استادان چی‌گونگ بطور قابل ملاحظه‌ای افت خواهد نمود، و در نتیجه درمانها بطور کلی خوب نخواهند بود. چرا؟ چون آنها این کار را در بین مردم عادی انجام می‌دهند، فای آنها باید در همان سطح مردم عادی باشد. آنها مجبورند در همان سطحی که درجه و مرتبه مردم عادی است باقی بمانند. نتیجه شفا درمانی آنها باید در همان سطح بیمارستان باشد. در نتیجه درمان‌های آنها اصلاً عملی نخواهند بود، و همچنین احتیاج به چندین «جلسه معروف به درمان» برای شفای یک بیماری دارند، این معمولاً بدین صورت است.

با بیمارستانهای چی‌گونگ یا بدون آنها، هیچکس نمی‌تواند تکذیب کند که چی‌گونگ می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد. چی‌گونگ، در بین مردم برای زمانی طولانی رایج و مشهور بوده است. بسیاری از اشخاص واقعاً به هدف شفا دادن بیماری‌ها و حفظ سلامتی از طریق تمرین کردن رسیده‌اند. اگرچه مرض بوسیله یک استاد چی‌گونگ به تعویق افتاده باشد یا به هر حال معالجه شده باشد، بیماری کلاً در حال حاضر ناپدید شده است. به بیانی دیگر، هیچکس نمی‌تواند منکر آن شود که چی‌گونگ می‌تواند بیماری‌ها را معالجه کند. اغلب اشخاصی که استادان چی‌گونگ را ملاقات کرده‌اند کسانی هستند که بیماری‌های دشوار و پیچیده‌ای داشته‌اند که نتوانسته‌اند بوسیله یک بیمارستان درمان گردند. آنها به نزد استادان چی‌گونگ برای امتحان شانسشان می‌روند، و بیماری‌ها احتمالاً شفا می‌یابند. آنهایی که بیماری‌هایشان در بیمارستان شفا یافته است به نزد استادان چی‌گونگ نخواهند رفت. مخصوصاً در آغاز، مردم به این صورت فکر می‌کردند. چی‌گونگ به همین جهت می‌تواند بیماری‌ها را شفا بدهد، بجز این آن نمی‌تواند مثل کارهای دیگر که در جامعه بشر عادی انجام شده‌اند به اجرا گذاشته شود. در حالیکه یک تداخل و مزاحمت وسیع مطلقاً اجازه ندارد، انجام آن در مقیاسی کوچک یا بودن آن در روشی آرام و بی‌دغدغه جایز است. اما آن نمی‌تواند کاملاً بیماری را شفا دهد - این نیز قطعی است. بهترین راه شفای بیماری فرد این است که خود فرد چی‌گونگ را تمرین کند.

همچنین بعضی از استادان چی گونگ وجود دارند که ادعا می کنند بیمارستانها نمی توانند بیماریها را درمان کنند، و اثربخشی درمانها در بیمارستان درست مثل این یا آن است. چگونه می توانیم درباره آن نظر بدهیم؟ البته، این شامل دلایلی از بسیاری از جهات است. به نظر من، دلیل اول این است که ارزشهای اخلاقی انسانی به درجه پایینی رسیده است، که منجر به انواع مختلفی از بیماریهای عجیب شده که بیمارستانها نمی توانند آنها را شفا دهند. مصرف دارو نیز مؤثر نیست. تعداد زیادی از مواد مخدر قلابی نیز وجود دارند. تمام اینها به این خاطر است که جامعه بشری بصورت گسترده ای به فساد کشیده شده است. هیچکس نباید دیگران را به خاطر آن مورد سرزنش قرار دهد، زیرا همه کس ذغال روی آتش انداخته اند. در نتیجه، همه در عمل ترکیه مواجه با درد و رنج هایی خواهند شد.

بعضی از بیماری ها نمی توانند در یک بیمارستان شناسایی گردند، حتی با اینکه مردم واقعاً مریض هستند. نزد بعضی از مردم بیماری هایی تشخیص داده شده است که اسمی برای آنها وجود ندارد، زیرا که آنها قبلاً هرگز دیده نشده اند. بیمارستانها همگی آنها را «بیماری های مدرن» می نامند. آیا بیمارستانها می توانند بیماریها را شفا دهند؟ البته که آنها می توانند. اگر بیمارستانها نتوانند بیماری ها را شفا دهند، چرا مردم به آنها اعتقاد دارند و برای معالجه به آنجا می روند؟ بیمارستانها هنوز هم قادرند بیمارها را معالجه کنند، اما منظور آنها از معالجه ها مربوط می شود به سطح مردم عادی در حالیکه بیماری ها فوق طبیعی هستند. بعضی از بیماری ها کاملاً جدی هستند، و در نتیجه بیمارستانها نیاز به درمان زودتر از موقع آنها را دارند. اگر فرد چنین بیماری ای دارد اگر بیش از حد بیماری جدی شود، کاری از دست بیمارستانها برنخواهد آمد، زیرا که مصرف بیش از حد دارو می تواند فرد را مسموم کند. درمانهای دارویی در حال حاضر در همان سطحی هستند که علوم و تکنولوژی ما قرار دارند - آنها در سطح مردم عادی هستند. بنابراین، آنها فقط چنین اثر ثمربخشی از شفا را دارا هستند. یک مسئله که باید روشن گردد این است که میانگین معالجه های چی گونگ و بیمارستانها فقط رنجها و امتحان هایی که موجب اساس بیماریها هستند را به نیمی از زندگی باقی مانده یا بعد از آن موکول می کند. کارما در مجموع از بین نرفته است.

اجازه بدهید درباره پزشکی چینی صحبت کنیم. پزشکی چینی به شفا دادن چی گونگ بسیار نزدیک است. در چین باستان، توانایی های فوق طبیعی عملاً برای دکترهای علم پزشکی چینی متداول و عادی بود، بطور مثال دانشمندان پزشکی بزرگی مثل (بیان گویی) (Bian Que) (هوآتو) (Huatuo) (لی شی جن) (Li) (shizhen). (سان سی می یائو) (Sun simiao)^{۱۱} همگی آنها دارای توانایی های فوق العاده ای بودند که در متون پزشکی ثبت شده اند. اما هنوز هم چینی ها چنین چیزهای خارق العاده ای را مورد انتقاد قرار می دهند. آن چه که علم پزشکی چینی به ارث برده است فقط داروها و تجربیاتی از پژوهشها و تحقیقات هستند. علم پزشکی باستانی چینی بسیار پیشرفته بود، و توسعه رشد آن فراسوی علم پزشکی معاصر بود. بعضی از مردم ممکن است فکر کنند علم پزشکی کنونی آنقدر پیشرفته است که با (CT scans) آن داخل بدن انسان و اشعه ماورای صوت، عکس برداری، و اشعه ایکس را آزمایش کرد. با آن که تجهیزات مدرن ممکن است کاملاً پیشرفته باشند، به نظر من هنوز هم از علوم پزشکی باستانی چین پایین تر هستند.

هوآتو (Huatuo) در مغز (سائوسائو) (Caocao)^{۱۲} غده ای را مشاهده نمود و خواست که آن را عمل کند. (Caocao) تصور کرد که هوآتو قصد کشتن او را دارد، در نتیجه او را زندانی کرد. هوآتو در زندان درگذشت. زمانی که بیماری (سائوسائو) (Caocao) عود کرد، هوآتو را به یاد آورد و دنبال او فرستاد، اما هوآتو در حال حاضر درگذشته بود. بعدها (سائوسائو) (Caocao) با این بیماری درگذشت. چرا هوآتو به آن بیماری آگاهی داشت؟ او بیماری را دیده بود. این توانایی های فوق طبیعی بشری ما است که همه پزشکان برجسته در گذشته صاحب آن بودند. بعد از باز شدن چشم سوم شخص می تواند از یک طرف بطور همزمان چهار طرف یک بدن انسانی را مشاهده کند. شخص می تواند از قسمت جلو تا پشت، و از راست تا چپ بدن را ببیند. شخص می تواند لایه به لایه یا ورای این بعد را مشاهده کرده و ببیند که علت اساسی یک بیماری

۱۱ - Sun simiao, Li Shizhen, Huatuo, Bian Que

۱۲ - Caocao (tsaow - saow saow) - امپراتوری یکی از سه سلسله (220 A.D - 265 A.D)

چیست. آیا تجهیزات مدرن پزشکی می‌توانند به این حد برسند؟ این بسیار دور از آن است. یک هزار سال دیگر طول خواهد کشید! آزمایشات (CT Scans)، اشعه ماورای صوت، و اشعه X نیز می‌توانند داخل بدن انسان را آزمایش کنند، اما تجهیزات بسیار پر حجم و جاگیر هستند، و چنان دستگاه‌های بزرگی قابل حمل و نقل نیستند، و بدون برق نمی‌توانند کار کنند. به هر حال، این چشم سوم می‌تواند هر جا که شخص می‌رود به همراه او باشد، و احتیاجی به ذخیره نیرو ندارد. چگونه اینها می‌توانند مورد مقایسه قرار بگیرند؟

بعضی از مردم درباره حیرت‌انگیز بودن علم پزشکی جدید صحبت می‌کنند. می‌گوییم که نمی‌تواند چنین باشد، زیرا گیاهان دارویی در زمان‌های گذشته در چین قدیم می‌توانستند واقعاً بیماری‌ها را به محض اینکه مورد مصرف قرار می‌گرفتند معالجه کنند. بسیاری از آن موارد از بین رفته‌اند، اما بسیاری از آنها باقی مانده و هنوز هم بین مردم مورد استفاده قرار می‌گیرند. زمانیکه کلاسی در (چی‌چی‌هار) (Qiqihar)^{۱۳} برای تدریس داشتم، شخصی را دیدم که غرفه داد و ستدی در خیابان داشت و دندان مردم را می‌کشید. فرد می‌توانست به راحتی بفهمد که این شخص از جنوب چین می‌آمد؛ زیرا که لباسش شبیه مردم شمال شرق نبود. او هر کسی را که به نزدش می‌آمد رد نمی‌کرد. دندانهای هر کسی را که پیش او می‌آمد می‌کشید، و در آنجا توده‌ای از دندان جمع کرده بود. مقصود او کشیدن دندان نبود، بلکه فروش داروی سیال خودش بود. داروی سیال او گاز زرد رنگ بسیار متراکمی را بیرون می‌فرستاد. در حالیکه دندان را می‌کشید، در بطری را باز می‌کرد و آن را روی گونه مریض به طرف منطقه دندان خراب می‌کشید. از مریض خواسته می‌شد که گاز زرد رنگ سیال را استنشاق کند، که به سختی قابل مصرف بود. بطریهای دارو به فروش رفته و کنار گذاشته می‌شدند. او چوب کبریتی را از جیب خودش بیرون می‌آورد. در حالیکه درباره داروی خودش صحبت می‌کرد، با چوب کبریت دندان خراب را می‌کشید و آن را بیرون می‌آورد. کشیدن دندان دردی به همراه نداشت. فقط چند قطره خون جاری می‌شد، اما خونریزی نمی‌داد. همگی درباره‌اش فکر کنید: به یک چوب کبریت اگر کمی فشار آورده شود خواهد شکست، اما او آن را با کمی تماس برای کشیدن دندان بکار می‌برد.

گفته‌ام که بعضی از مسائل و موارد وجود دارند که از زمان گذشته در بین مردم چین انتقال یافته‌اند، که ابزارهای دقیق پزشکی غربی نتوانسته‌اند با آنها رقابت کنند. اجازه بدهید ببینیم درمان کدام یک از آنها بهتر است. چوب کبریت او می‌تواند یک دندان را بکشد. اگر دکتری در طب غربی بخواهد دندانی را بکشد، اول از همه داروی بی‌حسی را اینجاست و آنجا تزریق خواهد نمود. تزریقات کاملاً دردناک هستند. و شخص باید صبر کند تا داروی بی‌حسی تأثیر خود را بکند. سپس دکتر دندان را با انبردست بیرون می‌کشد. بعد از صرف زمانی طولانی و سعی و کوشش، اگر دکتر دقیق و مواظب نباشد، ریشه ممکن است در داخل استخوان بشکند. سپس دکتر از چکش و مته‌ای برای کندن آن استفاده خواهد نمود، که می‌تواند به بیمار طیش قلب بدهد و باعث لرزش و ترس او گردد. بعداً، وسیله‌ای دقیق برای حفر کردن بکار خواهد رفت. بعضی از افراد بقدری از حفر کردن دردشان می‌آید که اغلب از سرجایشان می‌پرند. دندان خونریزی زیادی می‌دهد، و بیمار مدتی خون به بیرون تف می‌کند. معالجه کدام یک از آنها را می‌توانید بگوئید بهتر است؟ وسیله کدام یک از آنها پیشرفته‌تر است؟ ما نباید به ظهور و پیدایش ابزار و وسایل توجه کنیم بلکه همچنین به ثمربخشی آنها نیز توجه داشته باشیم. پزشکی باستانی چین کاملاً پیشرفته بود، پزشکی حاضر غربی قادر نخواهد بود در طی بسیاری از سالیان با آن برابری کند.

علوم باستانی چین متفاوت از علوم حاضر ما است که از غرب تعلیم گرفته است، بطوریکه آن راهی دیگر را انتخاب نمود که می‌توانست موقعیت متفاوت دیگری به بار آورد. به همین جهت، ما نمی‌توانیم فهمی از علوم باستانی چین و تکنولوژی را از طریق روش حاضر ما که برای درک اشیا داریم داشته باشیم. زیرا که علوم باستانی چین مستقیماً روی بدن انسانی، زندگی، و عالم تمرکز می‌کرد و این موضوعات را بطور مستقیم مورد مطالعه قرار می‌داد، آن راهی دیگر را انتخاب کرد. در آن زمان، وقتی که شاگردان به مدرسه می‌رفتند، از آنها خواسته می‌شد که در مدیتیشن نشسته و حالت و وضع خوبی

داشته باشند. آنها وقتی با قلم‌هایشان چیزی را می‌نوشتند، نفسشان و چی را می‌بایستی تنظیم می‌کردند. تمام حرفه‌ها اعتقاد به روانی آرام داشتند و تنفسی تنظیم شده، تمام جامعه در چین در چنین وضعیتی به سر می‌برد.

بعضی افراد گفته‌اند: «اگر علوم چین باستان را دنبال می‌کردیم می‌توانستیم ماشینها و قطارهایی داشته باشیم؟ آیا می‌توانستیم تمدن امروزی را داشته باشیم؟» می‌توانم بگویم که شما نمی‌توانید فهمی برای شرایطی دیگر از نقطه نظر این محیط داشته باشید. در فکر شما باید انقلاب بوجود بیاید. بدون دستگاه تلویزیون، مردم می‌توانستند آنها را جلوی سرشان داشته باشند، و می‌توانستند هر چه را که بخواهند مشاهده کنند. آنها همچنین می‌توانستند توانایی‌های فوق طبیعی داشته باشند. بدون قطارها و هواپیماها، مردم می‌توانستند در هوا از آنجائیکه نشسته‌اند پرواز کنند، بدون اینکه از آسانسوری استفاده کنند. می‌توانست شرایط رشد متفاوتی را برای جامعه به همراه بیاورد، که الزامی نداشت در این چارچوب محدود گردد. بشقابهای پرنده مردم فضایی می‌توانند به عقب و جلو با سرعتی غیر قابل تصور پرواز کنند و بزرگ و کوچک شوند. آنها یک راه دیگری از پیشرفت را انتخاب کرده‌اند، که یک نوع دیگری از روش علمی است.

روزه Bigu^۱

عضی از مردم مسئله روزه گرفتن را مطرح نموده‌اند. این پدیده روزه وجود دارد. این نه تنها در بین جامعه تزکیه‌کنندگان، بلکه در بین تعداد زیادی از مردم تمام جامعه انسانی ما نیز وجود دارد. بعضی از مردم برای چندین سال یا بیش از یک دهه از خوردن و نوشیدن امساک می‌کنند، با این حال به خوبی زندگی می‌کنند. کسانی هستند که از روزه بعنوان شاخص یک سطح معین صحبت بعمل می‌آورند، در حالیکه دیگران آن را بعنوان علامتی برای پالایش بدن در نظر می‌گیرند. حتی این اظهار شده است که روزه پروسه تزکیه در سطحی بالا است.

در حقیقت، روزه هیچکدام از موارد بالا نیست. پس آن چیست؟ روزه در حقیقت به یک روش تزکیه بخصوص در محیطی بخصوص اشاره می‌کند. در تحت چه شرایطی روزه بکار برده شده است؟ در چین باستان، مخصوصاً در ادیان تثبیت شده پیشین، بسیاری از تمرین‌کنندگان شکلی از تمرین سری یا تزکیه منحصر به فرد را در کوهستان‌های دور افتاده یا غارهایی که دور از اسکان بشری بودند بکار می‌بردند. وقتی که آنها انتخاب می‌کردند که این راه را انجام دهند، مسئله تهیه غذا شامل آن می‌شد. اگر فرد روش روزه گرفتن را بکار نمی‌بست، در کل نمی‌توانست تزکیه کند و از گرسنگی و تشنگی در آنجا می‌مرد. من از (چونگ‌چین) (Chongqing)^۲ تا (وهان) (Wuhan) برای تعلیم فارغتم، و با قایقی که به طرف شرق رودخانه (یانگتس) (Yangtze) در حرکت بود گذشتم. غارهایی را در دو طرف (تری‌جورجز) (Three Gorges) در قسمت میانی کوه‌ها دیدم؛ بسیاری از کوهستان‌های مشهور نیز دارای این جور غارها هستند. در گذشته، یک تمرین‌کننده بعد از سقوط به داخل یک غار با کمک طنابی برای اینکه در غار تزکیه کند طناب را می‌برید. اگر این شخص در تزکیه موفق نمی‌شد، در داخل غار می‌مرد. بدون آب یا غذا، تحت این شرایط بسیار بخصوص بود که او به این روش استثنایی تزکیه متوسل می‌شد.

بسیاری از روش‌ها از این پروسه به ارث رسیده گذشته‌اند، و در نتیجه روش آنها شامل روزه می‌باشد. بسیاری از روش‌ها روزه را در بر ندارند. امروزه، اکثریت روش‌هایی که رایج شده‌اند روزه را در بر نمی‌گیرند. ما گفته‌ایم که فرد بایستی در یک روش مصمم باشد، و اینکه شما نباید آنچه را که تمنای بشری‌اتان است انجام دهید. شما ممکن است فکر کنید روزه خوب است و به دنبال آن باشید. برای چه آن را می‌خواهید؟ بعضی از افراد فکر می‌کنند که این خوب است و کنجکاو می‌شوند، و شاید فکر می‌کنند که مهارت‌هایشان به حد کافی خوب است که به دیگران نمایش دهند. همه نوع افراد با ذهنیت‌های مختلف وجود دارند. حتی اگر این روش در عمل تزکیه بکار برده شود، شخص باید انرژی خودش را برای تغذیه کردن این جسم فیزیکی مصرف کند. به همین جهت، این ارزش سعی و کوشش کردن را ندارد. شما می‌دانید که مخصوصاً بعد از پایه‌گذاری مذاهب، شخص در دوره نشستن در خلعه یا تزکیه انفرادی در یک معبد با غذا و چای تأمین می‌شده است. این شامل این مسئله نمی‌باشد. ما مخصوصاً در بین جامعه مردم عادی تزکیه می‌کنیم. شما اصلاً احتیاجی ندارید این روش را بکار ببرید. بعلاوه، اگر روزه شامل مدرسه تزکیه شما نمی‌شود، نباید چیزی را سرسری انجام دهید. به هر حال، اگر واقعاً می‌خواهید روزه را تمرین کنید، می‌توانید آن را بکار ببرید. تا آن جا که من می‌دانم، معمولاً وقتی یک استاد روشی را در سطحی بالا آموزش می‌دهد و بطور واقعی مریدی را هدایت می‌کند، و اگر مدرسه تزکیه شخص دارای روش روزه باشد، امکان انجام دادن این پدیده می‌باشد. اما شخص نمی‌تواند آن را در بین مردم رایج کند، شخص مرید را مخصوصاً برای تزکیه در خفا یا به تنهایی با خودش می‌برد. همچنین در حال حاضر استادان چی‌گونگی وجود دارند که روزه را آموزش می‌دهند. آیا روزه گرفتن جا افتاده است؟ در نهایت، نه بطور واقعی. چه کسی در آن موفق شده است؟ من بسیاری از افراد را دیده‌ام که در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند، و دقیقاً زندگی تعدادی از افراد در خطر است. پس، چرا این وضعیت وجود دارد؟ آیا

۱ - Bigu (bee - goo) - «اجتناب از خوردن غلات» روشی قدیمی که از خوردن و نوشیدن امساک می‌کند.

۲ - Chongqing (chong - ching) مشهورترین شهر در جنوب غربی چین.

پدیده روزه وجود ندارد؟ بله، آن وجود دارد. به هر حال، یک نکته وجود دارد: هیچکس از روی سهل انگاری نمی تواند وضعیت جامعه مردم عادی ما را تضعیف کند - این مجاز نیست که جامعه پاشیده شود. برای اینکه اشاره نکنیم چه تعداد از افراد در تمام کشور احتیاجی به خوردن و آشامیدن ندارند، می توانم بگویم که اگر مردم منطقه (چانگ چون) (ChangChun) احتیاجی به خوردن و آشامیدن نداشتند کارها بسیار آسان تر می شد! ما احتیاجی نداشتیم که نگران پخت و پز باشیم. کشاورزان از کار زیاد در مزارع عرق نمی ریختند، و در حال حاضر هیچکس احتیاج به خوردن نداشت. آن واقعاً می توانست کارها را بسیار راحت تر کند، بطوریکه مردم فقط کار می کردند بدون اینکه مجبور به خوردن باشند. این چگونه می تواند مجاز باشد؟ آیا این می تواند یک جامعه انسانی باشد؟ این کاملاً ممنوع است، تداخل و مزاحمت در چنین مقیاس وسیعی در جامعه انسان عادی مجاز نیست.

وقتی بعضی از استادان چی گونگ روزه را آموزش می دهند، زندگی بسیاری از مردم در خطر خواهد بود. بعضی از افراد صرفاً دل بسته اند به اینکه در جستجوی روزه گرفتن باشند، اما این وابستگی در بین خیلی از وابستگی های مردم عادی هنوز از بین نرفته است. دهان چنین شخصی وقتی که بعضی از غذاهای خوشمزه را می بیند آب می افتد. وقتی این تمنا به جوش و غلیان می آید، نمی تواند آن را کنترل کند و برای خوردن غذا مضطرب و نگران می شود. وقتی اشتها می شود، می خواهد که غذا بخورد، و گرنه احساس گرسنگی خواهد کرد. به هر حال، اگر بخورد بالا خواهد آورد. از آنجا که نمی تواند بخورد، بسیار عصبی می شود و تقریباً می ترسد. بسیاری از افراد در بیمارستان ها بستری شده اند و در حقیقت، زندگی بسیاری از مردم در معرض خطر است. افرادی هستند که در جستجوی من می باشند و از من تقاضا می کنند که از این موارد ریخته و پاشیده مواظبت کنم، و من مایل به انجام این کار نیستم. بعضی از استادان چی گونگ کارها را بدون مسئولیت انجام می دهند. هیچکس مایل نیست که این مشکلات را برای آنها حل کند.

علاوه بر این، اگر در تزکیه روزه دچار مشکل شوید، آیا این از طلب شخصی شما نیست؟ ما گفته ایم که این پدیده ها وجود دارند، اما آنها چیزی معروف به «وضعیت در سطح بالا» یا «عکس العمل های بخصوص» نیستند. این فقط یک روش تزکیه بکار گرفته شده در تحت شرایطی بخصوص است، بطوریکه نمی تواند بطور وسیعی عمومی گردد. تعدادی از مردم در جستجوی روزه هستند و آن را به عنوان روزه یا نیمه روزه طبقه بندی کرده اند و در ردیف سطوح مختلف قرار می دهند. بعضی افراد ادعا می کنند که فقط احتیاج به نوشیدن آب دارند، در حالیکه دیگران مدعی هستند که فقط احتیاج به خوردن میوه دارند. تمام این روزه گرفتن ها قلابی می باشند و با گذشت زمان، تمام آنها محکوم به سقوط اند. یک تمرین کننده واقعی در یک غار بدون خوردن و آشامیدن باقی می ماند. این است روزه حقیقی.

دزدیدن چی qi

وقتی که از دزدیدن چی صحبت می شود، بعضی از مردم صورتشان مثل گچ سفید می شود مثل اینکه ببری را به آنها نشان داده اند، و بیش از اندازه خواهند ترسید که چی گونگ را تمرین کنند. در جامعه تزکیه کنندگان بسیاری از افراد به علت حرفه های بی مورد درباره پدیده جنون در تزکیه، دزدیدن (چی) (qi)، و غیره، بیش از حد ترسیده اند که چی گونگ را تمرین کنند یا به آن نزدیک شوند. اگر به خاطر این نگرش ها نبود، شاید مردم بیشتری چی گونگ را تمرین می کردند. هنوز هم، استادان چی گونگی با شین شینگ پایین وجود دارند که این چیزها را مخصوصاً آموزش می دهند. آن جامعه تزکیه کنندگان را کاملاً به آشفتگی می کشاند. در واقع، این به آن وحشتناکی که آنها شرح داده اند نیست. ما توضیح داده ایم که چی فقط چی است، هر چند که ممکن است آن را (چی) (qi) «چی مخلوط شده نخستین» یا این چی یا آن چی نامید. تا آنجا که جسم یک فرد چی دارد، سطح او در حد شفا دادن و حفظ سلامتی است و هنوز یک تمرین کننده نیست. تا آنجا که او (qi) دارد، این معنی را می دهد که بدن او هنوز در سطح بالایی پالایش نشده است و در نتیجه دارای چی بیماری زا است - این مطلقاً درست است. شخصی که چی را می دزد هنوز هم در سطح چی است. در بین تمرین کنندگان ما، چه کسی چی ناخالص را می خواهد؟ چی در بدن فردی غیر تمرین کننده تقریباً غیر سالم است، هر چند از طریق تمرین چی گونگ می تواند درخشان تر شود. در نتیجه

محل یک بیماری بصورت دسته‌ای بسیار بزرگ از انبوه زیادی از مادهٔ سیاه را نشان خواهد داد. با ادامهٔ تمرین اگر شخصی واقعاً از بیماری شفا یابد و سالم شده باشد، چی او به تدریج زرد رنگ خواهد شد. اگر بیشتر از این تمرین را ادامه دهد، بیماری بطور واقعی علاج خواهد شد، و چی او بخوبی ناپدید خواهد شد. و او وارد مرحلهٔ بدن سفید شیری میشود.

می‌توان گفت، اگر فردی دارای چی است، او هنوز هم بیماری‌هایی را دارد. ما تمرین‌کنندگان هستیم - به چه علت به چی در تزکیه احتیاج داریم؟ بدن‌های خود ما احتیاج به پالایش شدن دارند. برای چه احتیاج به چی ناخالص داریم؟ مطلقاً نداریم. شخصی که چی می‌خواهد هنوز هم در سطح چی است. او با بودن در سطح چی، نمی‌تواند فرق چی خوب را از چی بد تشخیص بدهد، زیرا که آن توانایی را دارا نیست. چی حقیقی در قسمت (دان - تین) (dantian) بدن شما نمی‌تواند بوسیلهٔ او برداشته شود چون که چی نخستین فقط بوسیلهٔ شخصی با توانایی‌هایی در سطحی بالا می‌تواند برداشته شود. در رابطه با چی ناخالص در بدن شما، بگذارید که آن را از شما بدزدند - این مسئله مهمی نیست. در ضمن تمرین، اگر بخوایم خودم را با چی پر کنم، فقط با فکر کردن دربارهٔ آن، شکم من در زمانی کوتاه از آن پر خواهد شد.

مدرسهٔ تائو تمرین ایستادهٔ (تی‌ین‌زی - جوانگ) (tianzi Zhuang) را آموزش می‌دهد در حالیکه مدرسهٔ بودا جاری شدن چی از بالای سر را تعلیم می‌دهد. چی بسیاری در عالم برای شما وجود دارد که خودتان را هر روز با آنها پر کنید. در نقطه (لاؤگونگ) (Laogong) و (بای‌هویی) (baihui) ممکن است خودتان را با چی از طریق دست‌هایتان در حالیکه به (دان - تین) (dantian) تمرکز می‌کنید پر کنید. شما در یک لحظه از چی پر خواهید شد. هیچ اهمیتی ندارد که با چه مقدار از چی پر شده‌اید، آن به چه دردی می‌خورد؟ وقتی بعضی افراد چی را خیلی تمرین کرده‌اند، در انگشت‌ها و بدن‌هایشان احساسی دارند مثل اینکه آنها متورم هستند. وقتی دیگران با چنین شخصی برخورد می‌کنند، احساس می‌کنند که طیفی دور آنها وجود دارد: «اوه، تو واقعاً خوب تمرین کرده‌ای.» من می‌گویم که آن چیزی نیست. گونگ شما کجا است؟ این هنوز هم یک تمرین چی است، که نمی‌تواند جایگزین گونگ شود بدون در نظر گرفتن اینکه چه مقدار شخص چی دارد. هدف از تمرین چی این است که چی داخل بدن فرد با چی خوب در خارج جانشین گردد، و جسم را پالایش کند. برای چه شخص چی را جمع می‌کند؟ در این سطح، بدون هر تغییر پایه‌ای، چی هنوز هم گونگ نیست. هیچ اهمیتی ندارد که چه اندازه چی دزدیده‌اید، هنوز هم آن چیزی نیست مگر یک کیسهٔ بزرگی از چی. این به چه درد می‌خورد؟ آن هنوز هم تبدیل به مادهٔ انرژی اعلا نشده است. بنابراین از چه چیزی باید بترسید؟ به او اجازه بدهید که چی را بدزدد اگر واقعاً آن را می‌خواهد.

همگی دربارهٔ آن فکر کنید: اگر جسم شما چی دارد، بیماری‌هایی هم دارد. پس، وقتی شخصی چی را از شما می‌دزدد، آیا او چی بیماری‌زای شما را نمی‌دزدد؟ او نمی‌تواند کلاً بین این چیزها فرقی بگذارد، زیرا فردی که چی می‌خواهد در سطح چی نیز قرار دارد و هیچ توانایی‌هایی را نخواهد داشت. شخصی که دارای گونگ است چی را نمی‌خواهد - این مطمئناً اینطور است. اگر به آن اعتقاد ندارید، می‌توانیم تجربه‌ای را برایتان نشان دهیم. اگر شخصی واقعاً بخواید چی شما را بدزدد، می‌توانید آنجا بایستید و به او اجازه بدهید تا چی را بدزدد. می‌توانید فکر خود را اینجا با پر کردن بدن خودتان از چی عالم تمرکز دهید در حالیکه او از پشت سر شما چی شما را می‌دزدد. شما خواهید دید که چه معاملهٔ خوبی است، زیرا که او در سرعت بخشیدن به پالایش بدن‌تان شما را کمک خواهد نمود، و مجبور نیستید که چی را از بدن‌تان پر و خالی کنید. از آن جا که او قصد بدی داشته و چیزی را از دیگران می‌دزدد، با این که آن چیز دزدیده شده خوب نیست، او همچنین مرتکب عمل بدی شده است که نتیجه‌اش از دست دادن تقوا است. به همین جهت، او به شما تقوا خواهد داد. این جریان مداری را تشکیل می‌دهد که از طریق آن چی شما را اینجا می‌گیرد، و به جای آن به شما تقوا می‌دهد. کسی که چی را می‌دزدد اطلاعی دربارهٔ این ندارد - اگر این را می‌دانست، جرأت نمی‌کرد این کار را انجام دهد!

۳ - tianzi Zhuang (tyen - dzzjwahnng) - شکلی از تمرین ایستاده چی گونگ در مدرسهٔ تائو است.

۴ - baihui (buy - huiay) - نقطه طب سوزنی در محل شاهراه تاج سر شخص.

تمام کسانی که چی را می‌دزدند دارای صورتهایی متمایل به رنگ آبی هستند، و همگی به این صورت می‌باشند. بسیاری از مردم که به پارک برای تمرین چی‌گونگ می‌روند آرزوی از بین بردن بیماری‌ها را در سر دارند، و مبتلا به همه نوع بیماری هستند. وقتی کسی بیماری‌ای را شفا می‌دهد، بایستی سعی کند چی بیماری‌زا را تخلیه کند. اما شخصی که چی را می‌دزد چی را تخلیه نمی‌کند بلکه همه نوع چی بیماری‌زا را در سراسر بدنش انبار می‌کند. حتی داخل بدن او بسیار تیره و تار می‌شود. در حین اینکه همیشه تقوا را از دست می‌دهد، ظاهر او کلاً سیاه رنگ است. با میدان بزرگی از کارما و فقدان زیادی از تقوا، در داخل و خارج سیاه رنگ می‌شود. وقتی شخصی که چی را می‌دزد خودش در می‌یابد که این تغییر را تجربه می‌کند و متوجه شود که به دیگران با انجام این کار احمقانه تقوا می‌دهد، اصلاً دیگر این کار را انجام نخواهد داد.

بعضی از مردم درباره چی طوری صحبت می‌کنند که اسرارآمیز به نظر می‌رسد: «اگر در آمریکا هستید، می‌توانید چی را که ساطع می‌کنم بگیرید.» «می‌توانید در آنطرف دیوار صبر کنید، چی را که از خود بیرون می‌فرستم می‌گیرید.» بعضی از افراد بسیار حساس هستند و می‌توانند آن را وقتی که بیرون فرستاده می‌شود احساس کنند. اما چی در این بعد سفر نمی‌کند. چی در بعدهای دیگر حرکت می‌کند جایی که چنین دیوارهایی در بعدی دیگر وجود ندارد. چرا نمی‌توانید هیچ چیزی را احساس کنید وقتی که یک استاد چی‌گونگ در محیطی باز چی را بیرون می‌فرستد؟ در بعدهای دیگر حفاظی وجود دارد. در نتیجه، چی آن اندازه قدرت برا و نافذی را که مردم توضیح داده‌اند ندارد.

آنچه بطور واقعی عمل می‌کند گونگ است. وقتی یک تمرین‌کننده از خود گونگ ساطع می‌کند، دیگر هیچ چی ندارد و می‌تواند ماده انرژی والایی را از خود خارج کند، که بوسیله چشم سوم به صورت شکلی از نور دیده می‌شود. وقتی به شخص دیگری می‌رسد، باعث می‌شود که شخص احساس گرما کند، و می‌تواند یک فرد عادی را کنترل کند. اما آن هنوز هم نمی‌تواند کاملاً به هدف معالجه بیماری‌ها نایل گردد، برای اینکه فقط یک تأثیر سرکوب شده دارد. برای اینکه بطور حقیقی بیماری‌ها را معالجه نمود، بایستی توانایی‌های فوق‌طبیعی وجود داشته باشند. برای هر بیماری یک توانایی بخصوص فوق‌طبیعی وجود دارد. در سطحی بسیار میکروسکوپی، هر ذره میکروسکوپی از گونگ تصویری از خود شما فرض می‌شود. به خاطر اینکه گونگ ماده‌ای است از انرژی والا، می‌تواند مردم را به جا بیاورد و دارای هوش است. اگر کسی آن را بدزدد، چگونه می‌تواند آنجا باقی بماند؟ در آنجا باقی نخواهد ماند و نمی‌تواند در آنجا جایگزین شود، زیرا که خصلت خود آن شخص به حساب نمی‌آید. در رابطه با کسانی که بطور واقعی تمرین‌کننده هستند، بعد از آنکه گونگ آن رشد می‌کند بوسیله استادانشان مورد توجه و مراقبت قرار می‌گیرند. استاد شما هر آنچه را که انجام می‌دهید تحت نظر دارد. وقتی که سعی می‌کنید چیزهایی که متعلق به دیگری است بردارید، استاد آن شخص اجازه نمی‌دهد که آن اتفاق بیفتد.

جمع کردن چی

در آموزش روش تزکیه در سطوح بالاتر، دزدیدن چی و جمع‌آوری آن مسائل و مشکلاتی نیستند که ما بخواهیم برای عموم حل کنیم. از آنجا که من هنوز هم این قصد و هدف را دارم که شهرت روش‌های تزکیه را به حال اول برگردانم و بعضی از اعمال خوب را انجام دهم، چنین پدیده‌های بدی را فاش می‌کنم، چیزی که هیچکس در گذشته ذکر از آن ننموده است. من می‌خواهم همگی شما این موضوع را بدانید بطوریکه بعضی از افراد تمام مدت اعمال نادرستی را مرتکب نشوند. بعضی از مردم که حقیقت چی‌گونگ را نمی‌دانند همیشه از اینکه درباره‌اش صحبت شود ترس دارند.

مقدار بسیار زیادی از چی در عالم وجود دارد. بعضی از مردم درباره چی آسمانی یانگ (Yang) و چی زمینی یین (Yin) صحبت بعمل می‌آورند. از آنجا که شما نیز عضوی از این عالم می‌باشید؛ شاید ادامه بدهید و چی را جمع‌آوری کنید. اما بعضی افراد چی عالم را جمع نمی‌کنند. آنها در آموزش دادن به مردم برای جمع‌آوری چی از گیاهان، تخصص پیدا کرده‌اند. آنها حتی تجربیاتشان را خلاصه کرده‌اند: چگونه و چه زمانی این چی را می‌توان جمع‌آوری کرد، چی درخت تبریزی سفید رنگ است، یا چی (qi) درخت کاج زرد است. کسی نیز اظهار کرد: «درختی در روبروی منزل ما وجود داشت. آن به خاطر اینکه چی‌اش را

جمع‌آوری کرده بودم مرد.» این چه نوع از توانایی است؟ آیا این کاری نادرست نیست؟ همه می‌دانند وقتی ما بطور حقیقی تزکیه می‌کنیم، طالب اطلاعات مثبت و همگون با کیفیت عالم هستیم. آیا نبایستی نیکخواهی (Shan) را تزکیه کنید؟ شخص برای همگون و جذب شدن به طبیعت عالم، (Zhen – Shan – Ren) (حقیقت – نیکخواهی – بردباری)، بایستی نیکخواهی (Shan) را تزکیه کند. اگر همیشه مرتکب اعمال نادرستی می‌شوید، چگونه می‌توانید گونگ را افزایش دهید؟ چگونه بیماری‌ها بتان می‌توانند شفا یابند؟ آیا این مخالف آن چیزی نیست که تمرین کنندگان ما بایستی انجام دهند؟ آن نیز کشتن موجودات است و انجام دادن اعمالی نادرست! ممکن است شخصی بگوید: «هر چه بیشتر می‌گویید، بیشتر غیر قابل تصور می‌شود – کشتن یک حیوان گرفتن یک زندگی است، و از بین بردن یک گیاه نیز مثل کشتن یک زندگی است.» واقعاً این‌طور است. بودیسم دربارهٔ سامسارا (Samsara) صحبت کرده است. برای شما امکان بازپیدایی به‌صورت یک گیاه در جریان سامسارا بوده است. این آن چیزی است که در بودیسم گفته شده است. اینجا ما دربارهٔ این موضوع به آن صورت صحبت نمی‌کنیم، اما به همگی گوشزد می‌کنیم که درختان نیز صاحب زندگی هستند. نه تنها آنها دارای زندگی هستند، بلکه دارای فعالیت فکری بسیار بالایی نیز می‌باشند.

بطور مثال، در آمریکا شخصی وجود دارد که تبحر در دروس الکترونیکی دارد و به دیگران آموزش می‌دهد که چگونه وسایل دروغ‌سنج را بکار ببرند. یک روز، ناگهان فکری به نظرش رسید. او دو انتهای دستگاه دروغ‌سنج را در ظرف گیاه ترنجان فرو کرد و به ریشه‌های آن آب ریخت. بلافاصله متوجه شد که قلم دستگاه دروغ‌سنج الکترونیکی به سرعت منحنی‌ای را رسم نمود. این خط منحنی مشخص‌کنندهٔ خطی بود که مغز انسانی در یک لحظه کوتاه شادی و هیجان را نشان می‌دهد. در آن لحظه، شوک زده شد. چگونه یک گیاه می‌تواند دارای احساسات باشد؟ نزدیک بود به خیابان رفته و فریاد بکشد: «گیاهان دارای احساسات هستند.» بعد از آگاهی در این رویداد، به تحقیقاتش در این زمینه ادامه داد و بسیاری از تجربیات را اجرا نمود.

یک بار دو گیاه را نزدیک یکدیگر قرار داد و از شاگردش خواست روی یکی از آنها در برابر گیاه دیگری لگد بکوبد تا آن از بین برود. سپس گیاه دیگر را به اتاقی دیگر برد و آن را به دستگاه دروغ‌سنج وصل نمود. از پنج نفر از شاگردانش خواست که یکی بعد از دیگری از خارج وارد اتاق گردند. گیاه وقتی که چهار شاگرد وارد اتاق شدند هیچ عکس‌العملی نشان نداد. زمانی که پنجمین شاگرد – کسی که گیاه اولی را از بین برده بود – وارد اتاق شد، حتی قبل از اینکه بطرف گیاه برود، مداد الکترونیکی به سرعت یک خط منحنی را که شخصی واقعاً ترسیده باشد رسم نمود. او واقعاً شگفت‌زده بود! این رویداد دلالت بر موضوعی بسیار مهم داشت: ما همیشه معتقد بوده‌ایم که یک انسان موجودی است برتر با کارکرد حسی‌ای که می‌تواند بین چیزها فرق قایل شود و مغزی که می‌تواند موضوعات را روانکاو کند. چگونه گیاهان می‌توانند بین چیزها فرق بگذارند؟ آیا این دلالت بر این ندارد که آنها نیز دارای اعضای حسی هستند؟

در گذشته، اگر کسی می‌گفت گیاهان اعضای حسی دارند، مغزهایی که فکر می‌کنند، احساسات، و می‌توانند مردم را شناسایی کنند، این شخص به عنوان خرافه‌پرست نامیده می‌شد. با توجه به این مسائل، به نظر می‌آید که گیاهان از مردم امروزی ما در بعضی از ملاحظات و توجهات پیشی گرفته باشند.

یک روز او دستگاه دروغ‌سنج را به گیاهی وصل نمود و در فکر بود: «چه نوع از تجربه را انجام بدهم؟ برگ‌های گیاه را با آتش خواهم سوزاند تا ببینیم چه عکس‌العملی نشان می‌دهد.» با این فکر – حتی قبل از اینکه برگ‌ها سوزانده شوند – قلم الکترونیکی به سرعت یک منحنی را کشید مثل آنی بود که فقط وقتی که شخصی برای خواستن کمک فریاد می‌کشد. این عمل ابر حسی در گذشته به خواندن فکر نامیده می‌شد؛ آن یکی از استعدادها و توانایی‌های اولیهٔ بشری می‌باشد. اما همهٔ بشریت امروزه به فساد کشانده شده است. برای بدست آوردن دوبارهٔ این توانایی‌ها، بایستی تزکیه را از اول شروع کنید و به اصل و حقیقت خودتان بازگردید، خود یا به طبیعت اصیل خودتان. با این حال گیاه این توانایی‌ها را دارا است، و می‌داند که چه چیزی در مغز شما می‌گذرد. این به نظر کاملاً غیرقابل تصور می‌آید، اما این یک تجربهٔ علمی واقعی بود. او آزمایشات

مختلفی را اداره و هدایت کرده است، حتی شامل توانایی‌های فوق طبیعی در کنترل کردن از راه دور. با انتشار نوشته‌ها، نوشته‌های او در سرتاسر دنیا باعث شور و هیجان زیادی شد.

گیاه‌شناسان در کشورهای مختلف بعلاوه آنهایی که در کشور ما هستند همگی تحقیقاتی را در این زمینه شروع کرده‌اند، و این دیگر چیزی موهوم پرستی نیست. همین روزها گفتم که آن چه نوع بشر ما امروزه تجربه، اختراع و کشف کرده است کافی است برای اینکه کتاب‌های درسی ما در حال حاضر عوض گردند. به هر حال به خاطر تأثیر ذهنیت مرسوم، مردم تمایلی به برسمیت شناختن آنها ندارند. هیچکس از روی قاعده این مسائل را نظم نمی‌دهد.

در یک پارک در شمال شرقی، متوجه شدم که گروهی از درختان کاج از بین رفته بودند. هیچکس نمی‌دانست چه نوع چی‌گونگی بعضی از مردم در آنجا تمرین می‌کردند: آنها روی زمین پیچ‌خورده و بعد از آن چی را از درختان با پایشان به یک طریق و با دست‌هایشان به طریقی دیگر جمع‌آوری می‌کردند. بعد از آن بزودی تمام درختان کاج در آن منطقه به رنگ زرد درآمده و مردند. آنچه را که آنها انجام دادند عملی خوب بود یا نادرست؟ از نقطه نظر تمرین‌کنندگان ما، این کار کشتن موجودات است. شما یک تمرین‌کننده هستید. بنابراین، با همگون شدن تدریجی با طبیعت عالم و خلاص شدن از دست اعمال بد خودتان، باید شخصی نیکو گردید. این حتی از دید یک فرد عادی، نیز عملی نادرست است. این توهین به اموال عمومی بوده، و محیط سبز را ضایع کرده و بالانس سیستم بوم‌شناسی را به هم می‌ریزد. این از هر نقطه نظری کاری نادرست است. مقدار زیادی چی در عالم وجود دارد، و شما می‌توانید آن را هر اندازه هم که بخواهید جمع‌آوری کنید. بعضی از مردم انرژی بسیاری دارند. با تمرین کردن در یک سطح بخصوص، می‌توانند در واقع با یک تکان بازوهایشان چی درختان یک منطقه بسیار بزرگی را جمع کنند. آن هنوز هم چیزی نیست جز چی. هیچ مهم نیست که چه مقدار از چی (qi) را شخص جمع می‌کند، آن به درد چه چیزی می‌خورد؟ وقتی بعضی افراد به پارک می‌روند، هیچ کار دیگری را انجام نمی‌دهند. کسی اظهار می‌کرد: «من احتیاجی به تمرین چی‌گونگ ندارم. به همین اندازه خوب است که چی را وقتی در اطراف قدم می‌زنم جمع کنم، و سپس تمرین من انجام شده است. این فقط کافی است که چی را بدست آورد.» آنها تصور می‌کنند که چی (qi)، گونگ است. وقتی مردم به نزدیکی این شخص می‌رسند احساس می‌کنند که بدن او تقریباً سرد است. آیا گیاهان چی یین (yin) طبیعت را دارا نیستند؟ یک تمرین‌کننده باید به تعادل یین و یانگ دست یابد. با اینکه بدن این شخص بویی مثل روغن درخت کاج را می‌دهد، او هنوز هم ممکن است تصور کند که در تمرین خودش به خوبی عمل کرده است.

هر کس که تزکیه کند گونگ را بدست خواهد آورد.

موضوع این که چه کسی گونگ را تزکیه می‌کند و چه کسی گونگ را بدست می‌آورد مسئله‌ای بسیار مهم است. وقتی از من درباره مزایای فالون دافا پرسیده می‌شود، می‌گویم که فالون دافا می‌تواند گونگ را امکان‌پذیر کند تا تمرین‌کنندگان تزکیه کنند و در نتیجه تعداد ساعت‌های تمرین را کاهش دهند. فالون دافا مشکل نداشتن وقت شخص را برای تزکیه رفع می‌کند و اینکه شخص هنوز هم مکرراً تزکیه می‌شود. در حالیکه تزکیه ما یک روش تزکیه واقعی جسم و روان است. جسم فیزیکی ما دستخوش تغییرات بزرگی خواهد بود. فالون دافا هنوز هم مزیت بزرگ دیگری را دارا است، بزرگترین آن را، که تا به امروز چیزی درباره آن ذکر نکرده‌ام. ما فقط امروز از آن پرده بر خواهیم داشت. به خاطر اینکه آن شامل مسئله عظیمی از اهمیت تاریخی است و تا حدی بر جامعه تزکیه‌کنندگان نفوذ و تأثیر داشته، هیچکس در تاریخ جرأت نکرده است آن را فاش کند، و نه اینکه کسی اجازه پرده‌برداری از آن را داشته است. اما من هیچ راهی غیر از اینکه آن را بر ملا کنم ندارم.

بعضی از شاگردان گفته‌اند: «هر جمله که استاد لی هنگچی گفته است یک سر آسمانی و افشاگری از اسرار آسمانی است.» ما در حقیقت، بطور واقعی مردم را به سوی سطوح بالاتر رهنمون می‌کنیم، که همان نجات مردم است. مسئول بودن در برابر همه مسئولیتی است که ما قادر هستیم آن را به عهده بگیریم. بنابراین، این افشا کردن اسرار آسمانی نیست. اگر کسی درباره این بدون مسئولیت سخن بگوید، آن یک افشاگری از اسرار آسمانی خواهد بود. ما می‌خواهیم این موضوع را امروز عمومی کنیم که چه کسی گونگ را تزکیه می‌کند و چه کسی گونگ را بدست می‌آورد. از نظر من، تمام روش‌های تزکیه

امروزه - شامل تزکیه‌های سراسر تاریخ در مدرسه بودا، تائو، و مدرسه غیرمعمولی - روح نخستین کمکی شخص را تزکیه کرده‌اند، و این روح نخستین کمکی است که گونگ را بدست می‌آورد. روح نخستین اصلی که ما در اینجا به آن ذکر می‌کنیم اشاره به افکار خود ما می‌کند. شخص باید درباره آن چه که فکر می‌کند یا انجام می‌دهد آگاه باشد - این خود واقعی شما است. اما شما اصلاً نمی‌دانید که روح نخستین کمکی شما چه کار می‌کند. با اینکه شما و او همزمان با هم با یک اسم، یک شکل، متولد شده‌اید و یک جسم مشابه را کنترل می‌کنید، او در یک معنای دقیق و روشن‌تری شما نیست.

اصلی در عالم وجود دارد: هر کس که از دست می‌دهد برنده است. هر کس تزکیه کند گونگ بدست می‌آورد. در سراسر تاریخ، تمام روش‌ها به مردم آموخته‌اند که در طول تمرین‌ها در خلسه باشند، و اینکه شخص نباید به چیزی فکر کند. پس شخص بایستی عمیقاً در خلسه باشد تا اینکه در نهایت، آگاهی به همه چیز را از دست بدهد. بعضی از مردم سه ساعت در مدیتیشن می‌نشینند مثل اینکه فقط یک لحظه کوتاه گذشته است. دیگران ممکن است توانایی این شخص را در بودن در خلسه تحسین کنند. آیا او واقعاً تمرین می‌کرد؟ او خودش به هر صورت چیزی از آن را نمی‌داند. مخصوصاً، مدرسه تائو آموزش می‌دهد که (شی‌شن) (Shishen) می‌میرد در حالیکه روح نخستین متولد می‌شود. آن چه که (شی‌شن) (Shishen) به آن اشاره می‌کند ما «روح نخستین اصلی» می‌نامیم و «روح نخستین» اشاره می‌کند به آن چه که ما «روح نخستین کمکی» می‌نامیم. اگر (شی‌شن) (Shishen) شما واقعاً بمیرد، شما در حقیقت مرده خواهید بود، و واقعاً روح نخستین اصلی را نخواهید داشت. کسی از روش تزکیه دیگری به من گفت: «معلم، وقتی که تمرین می‌کنم قادر نیستم کسی را در خانه بجا بیاورم.» باز هم شخص دیگری به من گفت: «من مثل اشخاص دیگری که صبح‌های زود و دیر وقت در شب‌ها تمرین می‌کنند تمرین نخواهم کرد. بعد از این که به خانه می‌روم، روی کاناپه دراز می‌کشم و از خودم بیرون رفته و تمرین می‌کنم. در حالیکه روی کاناپه دراز کشیده‌ام خودم را نظاره می‌کنم که تمرین می‌کند.» من این را بسیار غمناک یافتم، اما چنان غمناک هم نبود.

چرا آنها روح نخستین کمکی را نجات می‌دهند؟ روزی لودونگ‌بین، (Lu Dong bin) بیانیه‌ای را اظهار نمود: «من ترجیح می‌دهم حیوانی را نجات بدهم تا یک انسان را.» در واقع، برای مردم بسیار مشکل است که روشن‌بین شوند. زیرا مردم عادی بوسیله جامعه عادی بشری گمراه شده‌اند، آنها نمی‌توانند وابستگی‌هایشان را در مقابل مزیت‌های عملی و قابل استفاده از دست دهند. اگر به آن باور ندارید، یک عده از مردم در این سالن بعد از خاتمه سخنرانی دوباره مثل انسان‌های معمولی بیرون خواهند رفت. اگر کسی آنها را بیازارد یا هلشان دهد، آن را تحمل نخواهند نمود. بعد از مدتی با خودشان اصلاً بعنوان تمرین‌کنندگان برخورد خواهند کرد. بسیاری از تائوئیست‌ها در تاریخ این مسئله را مشاهده نموده‌اند: نجات انسان‌ها بسیار مشکل است، به خاطر اینکه روح نخستین اصلی آنها بیش از حد از دست رفته است. بعضی افراد کیفیت روشن‌بینی خوبی را دارا هستند و با یک اشاره سریع این جریان را خواهند فهمید. بعضی افراد هر چه هم که بگویند به شما باور نخواهند آورد، آنها فکر می‌کنند که کلمات بیش از حد بزرگی از دهانتان بیرون می‌آید. ما با این همه درباره تزکیه شین‌شینگ فرد صحبت می‌کنیم، اما این فرد هنوز هم مثل معمول وقتیکه در بین مردم عادی است رفتار می‌کند. او معتقد است که مزیت‌های واقعی و ملموس در دسترس او عملی هستند، و به دنبال آنها است، فای معلم نیز به نظر قابل قبول می‌آید، ولی نمی‌تواند پی‌گیری گردد. نجات روح نخستین اصلی انسان بیش از حد مشکل است، در حالیکه روح نخستین کمکی می‌تواند صحنه‌هایی را در بعدها دیگر مشاهده کند. به همین جهت آنها فکر می‌کنند: «چرا باید روح نخستین اصلی تو را نجات بدهم؟ روح نخستین کمکی تو نیز خود تو است. آیا این مثل این نیست که آن را نجات بدهم؟ این همگی تو است، پس هر کس که آن را بدست آورد مثل این خواهد بود که تو آن را کسب کرده‌ای.»

۵ - Shishen (shr - shuhn) - یک اظهاریه تائوئیستی برای روح نخستین اصلی فرد.

۶ - Lu Dongbin (Lyu - dong - bin) - یکی از هشت خدایان در مدرسه تائو.

اجازه بدهید دقیقاً روش‌های تزکیه آنها را شرح دهم. اگر شخص توانایی‌های غیب‌گویی فوق طبیعی را دارا است احتمالاً می‌تواند این صحنه را مشاهده کند: وقتی در مدیتیشن نشسته‌اید، بزودی به محض اینکه به خلسه بروید، کسی هم شکل شما ناگهان جسم شما را ترک خواهد کرد. اگر سعی به تفکیک و تمایز کنید، خود واقعی شما کجا است؟ شما درست اینجا نشسته‌اید. بعد از مشاهده اینکه آن شخص جسم شما را ترک می‌کند، استاد این شخص را برای تزکیه به بعدی که بوسیله استاد تبدیل شده است خواهد برد. این بعد می‌تواند شکلی از یک اجتماع قدیمی، اجتماعی امروزه، یا اجتماعی در بعدی دیگر باشد. به شخص تمرین‌ها یاد داده خواهد شد و روزی یک یا دو ساعت مقدار زیادی کارهای سخت را انجام خواهد داد. وقتی که او از تمرین بازمی‌گردد، شما نیز از خلسه بیرون خواهید آمد. این موردی است برای مردمی که می‌توانند مشاهده کنند.

این حتی می‌تواند غمناکتر باشد اگر شخص نتواند ببیند. چنین شخصی بعد از دو ساعت در خلسه نشستن بیدار می‌شود در حالیکه از چیزی آگاه نیست و در گیجی بسر می‌برد. بعنوان راهی از تمرین، بعضی از افراد برای دو یا سه ساعت به خواب می‌روند و کاملاً خودشان را به دیگران واگذار می‌کنند. این کار متناوباً با نشستن در مدیتیشن برای تعداد بخصوصی از ساعت در روز انجام شده است. مدل دیگری از تمرین وجود دارد که در یک مرتبه برگزار می‌شود. شاید همگی درباره بوهیدارما (Boddhidharma) شنیده باشید، که جلوی یک دیوار برای نه سال نشست. در گذشته، راهبان زیادی بودند که برای ده سال در مدیتیشن می‌توانستند بنشینند. در تاریخ، بالاترین رکورد نشستن در مدیتیشن بالای نود سال بود. بعضی‌ها حتی بیشتر از این نشسته‌اند. بعضی‌ها حتی با خاک ضخیم رسوب شده در مژه‌هایشان و علف‌های رشد کرده در تمام بدن‌هایشان، می‌توانستند به نشستن در آنجا ادامه بدهند. بعضی‌ها نیز در مدرسه تائو این را آموزش می‌دهند. مخصوصاً، بعضی روش‌ها در مدرسه غیر معمولی خواب رفتن را به عنوان شکلی از تزکیه تعلیم می‌دهند. شخص می‌تواند برای ده‌ها سال در خواب باشد بدون اینکه از مرحله خلسه بیرون بیاید، و ممکن است شخص از خواب بیدار هم نشود. اما چه کسی تمرین کرده است؟ روح نخستین کمکی شخص برای تمرین بیرون آمده است. اگر شخص می‌توانست این جریان را ببیند، می‌دید که استاد روح نخستین کمکی او را برای تمرین با خودش می‌برد. روح نخستین کمکی نیز می‌تواند صاحب کارمای بسیاری باشد، و استاد توانایی از بین بردن همه کارما را ندارد. به همین جهت، استاد این را خواهد گفت: «تو باید اینجا به سختی تمرین کنی. من مدتی اینجا نخواهم بود، برای من صبر کن بعد از مدتی کوتاه باز خواهم گشت.»

استاد دقیقاً می‌داند که چه اتفاقی خواهد افتاد، اما او هنوز هم باید به این شکل عمل کند. احتمالاً موجودی پلید و شیطانی برای ترساندن این شخص خواهد آمد یا اینکه به شکل زیبا چهره‌ای برای اغوای او تبدیل خواهد شد - همه نوع چیزهایی وجود خواهند داشت. موجود پلید بعداً متوجه خواهد شد که او در واقع یک ذره هم تحت تأثیر قرار نگرفته است. این به این خاطر است که برای روح نخستین کمکی نسبتاً آسان‌تر است که تزکیه را عمل کند، زیرا که او حقیقت را می‌داند. موجود پلید از روی درماندگی و ناچاری در مقابل زندگی او تلاشی می‌کند که انتقام بگیرد، و در واقع او را می‌کشد. به این طریق، بدهی کارمایی او به یک باره پرداخت می‌شود. بعد از مرگ، روح نخستین کمکی مثل نسیمی از توده‌ای غبار در اطراف پدیدار خواهد شد و در خانواده‌ای بسیار فقیر باز پیدا خواهد شد. کودک از اوایل زندگی سختی‌هایی را خواهد کشید. وقتی به بلوغ می‌رسد، استاد باز خواهد گشت. البته، کودک او را به جا نخواهد آورد. با استفاده توانایی‌های فوق طبیعی، استاد حافظه قفل شده او را باز خواهد نمود. در یک لحظه همه چیز به یاد او خواهد آمد. «آیا او استاد من نیست؟» استاد خواهد گفت: «حالا وقتش است که تمرین را شروع کرد.» بدین شکل، بعد از سالیان زیادی استاد آموزش را به او انتقال خواهد نمود. استاد بعد از دستورالعمل‌هایی، دوباره به او خواهد گفت: «تو هنوز هم وابستگی‌های بسیاری داری که باید کنار گذاشته شوند. باید به بیرون بروی و در اطراف پرسه زنی.» پرسه زدن در اطراف در جامعه به بیانی دقیق‌تر شکنجه است. او برای غذا باید گدایی کند و با انواع مختلف مردمی که می‌خواهند او را سرزنش، توهین یا سوء استفاده کنند برخورد می‌کند. او ممکن است با همه نوع مسائلی مواجه شود. او در مقام یک تمرین‌کننده به خود برخورد می‌کند و به خوبی روابط خودش را با دیگران بالانس می‌دهد، همیشه شین‌شینگ را ترقی داده و حفظ می‌کند. او با اغوا و وسوسه در رابطه با منفعت‌های مختلف

در بین مردم عادی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. بعد از سال‌های زیادی، از پرسه زدن در اطراف باز می‌گردد. استاد خواهد گفت: «تو هم‌اکنون به تائو نایل شده‌ای و تزکیه را کامل کرده‌ای. اگر کاری نداری که انجام دهی، می‌توانی جم و جور شوی و برای رفتن آماده گردی. اگر هنوز هم چیزی برای انجام دادن وجود دارد، می‌توانی ادامه دهی و امور و مسائل مردم عادی را به پایان رسانی.» بعد از سال‌های زیادی، روح نخستین کمکی باز می‌گردد. با برگشت روح نخستین کمکی، روح نخستین اصلی نیز از خلسه بیرون می‌آید، و ضمیر خودآگاه اصلی بیدار می‌شود.

اما، این شخص بطور واقعی تزکیه نکرده است. روح نخستین کمکی است که تزکیه نموده است، در نتیجه روح نخستین کمکی گونگ را بدست می‌آورد. اما روح نخستین اصلی نیز زجرهایی کشیده است. بعد از همه اینها، شخص تمام جوانی‌اش را وقف نشستن در آنجا در مدیتیشن کرده است، و عمر او به عنوان یک انسان معمولی به پایان رسیده است. پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این شخص بعد از بیرون آمدن از خلسه، احساس خواهد کرد که گونگ را از طریق تمرین خودش بدست آورده و توانایی‌های فوق طبیعی را کسب نموده است. اگر بخواهد بیماری را معالجه کند یا کاری انجام دهد، قادر خواهد بود، زیرا روح نخستین کمکی سعی می‌کند او را راضی نگهدارد. از آنجا که این شخص روح نخستین اصلی است، بعد از همه این‌ها، روح نخستین اصلی بدن را کنترل می‌کند و تصمیم‌هایی می‌گیرد. علاوه بر این، سال‌های بسیاری را اینجا در حال نشستن گذرانده است که سپری شده است. وقتی این شخص می‌میرد، روح نخستین کمکی راه خودش را می‌رود. هر کدام از آنها راه جداگانه خودشان را خواهند رفت. برطبق بودیسم، این فرد هنوز هم از میان سامسارا خواهد گذشت. از آنجا که یک شخص روشن‌بین بزرگ در جسم او بطور موفقیت‌آمیزی تزکیه کرده است، این شخص نیز تقوای زیادی را ذخیره کرده است. پس چه چیزی اتفاق خواهد افتاد؟ او ممکن است کارمند بلند مرتبه‌ای گردد یا اینکه دارائی زیادی در زندگی بعدی‌اش بدست آورد. این فقط می‌تواند بدین صورت باشد. آیا تزکیه او به بیهودگی کشیده نشده است؟

کار و زحمت بسیاری برای ما طول کشیده است که اجازه بیان کردن این موضوع را بدست آورده‌ایم. من رازی ابدی را فاش نموده‌ام - این اسرار اسرارها بود که بطور کامل نمی‌توانست افشا شود. از تمام ریشه‌های روش‌های مختلف تزکیه در سرتاسر تاریخ پرده برداشته‌ام. آیا نگفتم که این بطور عمیق به موضوعات تاریخی ارتباط دارد؟ این‌ها هستند دلایل. درباره این فکر کنید: چه روش یا مدرسه‌ای تزکیه را بدین طریق انجام نمی‌دهد؟ شما در تزکیه به جلو و عقب نوسان می‌کنید، بدون اینکه گونگ را بدست آورید. آیا واقعاً غمگین نیستید؟ پس چه کسی را باید شمت‌ت کرد؟ بشر به قدری منحرف و گمگشته است که نمی‌تواند به آن آگاه گردد، بدون اینکه اهمیتی داشته باشد که چه پند و اندرز را گرفته است. اگر مسئله‌ای از سطحی بالا گفته شود، آن را غیرقابل درک می‌یابند. اگر چیزی از سطحی پایین گفته شده است، نمی‌توانند به آنچه که در سطحی بالا است آگاه گردند. حتی وقتی که به این طریق توضیح می‌دهم، بعضی از افراد هنوز هم از من می‌خواهند که بیماری‌هایشان را شفا دهم. من به راستی نمی‌دانم که به آنها چه بگویم. ما تزکیه را تعلیم می‌دهیم، و فقط می‌توانیم از کسانی که بسوی سطوح بالاتر تزکیه می‌کنند مراقبت کنیم.

در مدرسه روش ما، ضمیر خودآگاه اصلی است که گونگ را بدست می‌آورد. پس، آیا ضمیر خودآگاه اصلی اگر اینطوری بگوید گونگ را بدست خواهد آورد؟ چه کسی اجازه می‌دهد؟ به این صورت نیست، برای اینکه بایستی شرطی لازم وجود داشته باشد. هر کسی می‌داند که مدرسه روش ما در عمل تزکیه از جامعه مردم عادی دوری نمی‌کند، و از مشکلات دوری و اجتناب هم نمی‌ورزد. در این محیط پیچیده مردم عادی، شما بایستی فکری مصمم داشته باشید و آگاه به از دست دادن حیطة دلبستگی‌ها باشید. وقتی نفع شخصی‌تان بوسیله دیگران ربوده می‌شود، مثل دیگران برای آن رقابت و مبارزه به راه نخواهید انداخت. با تداخل مختلف شین‌شینگ، ضررهایی را تحمل خواهید کرد. در این محیط سخت و مشکل، خودتان را آرام کرده و شین‌شینگ‌تان را ترقی خواهید داد. تحت تأثیر افکار مختلف بیمارگونه مردم عادی، قادر خواهید بود به بالا رسیده و از آن نیز بگذرید.

همگی درباره‌اش فکر کنید: آیا این شما نیستید که بطور آگاهانه زجر می‌کشید؟ آیا روح نخستین اصلی شما نیست که قربانی می‌شود؟ در رابطه با آن چه که بین مردم عادی از دست داده‌اید، آیا آنها را از روی آگاهی از دست نداده‌اید؟ پس

گونگ بایستی به شما تعلق داشته باشد، زیرا هر کس که بازنده است، بدست می‌آورد. به همین جهت، برای همین خاطر است که مدرسه ما از تزکیه در این محیط پیچیده در بین مردم عادی اجتناب نمی‌کند، چرا ما در بین گرفتاری‌ها و مشکلات مردم عادی تزکیه می‌کنیم؟ برای اینکه خودمان گونگ را بدست می‌آوریم. تمرین کنندگان حرفه‌ای آینده در معابد احتیاج خواهند داشت، در عمل تزکیه‌اشان، در اطراف مردم عادی پرسه بزنند.

بعضی افراد سؤال کرده‌اند: «آیا روش‌های دیگر نیز در حال حاضر بین مردم عادی تمرین نمی‌گردد؟» اما، آن روش‌ها شفا دادن و حفظ سلامتی را ترویج می‌کنند. هیچکس به طور واقعی، روش‌هایی را بسوی سطوح بالا نزد عموم آموزش نداده است بجز اینکه یک مرید منفرد را بطور خصوصی انتخاب کنند. آنهایی که بطور حقیقی به مریدانشان تعلیم می‌دهند تا حالا آنها را برای آموزش خصوصی با خودشان به‌مراه برده‌اند. در طی سال‌ها، چه کسی دربارهٔ این مسائل در نزد عموم صحبت کرده است؟ هیچکس این کار را انجام نداده است. مدرسهٔ تزکیه ما به این طریق آموزش داده است، زیرا که این دقیقاً راهی است که ما تزکیه می‌کنیم، و دقیقاً راهی است که گونگ را بدست می‌آوریم. در این فاصله، مدرسهٔ تزکیه ما صدها و هزارها چیز را به روح نخستین اصلی شما می‌دهد تا اینکه بطور واقعی قادر باشید خودتان به گونگ نائل شوید. گفته‌ام که کاری بی‌سابقه را انجام داده‌ام و عرصهٔ پهناوری را برویتان گشوده‌ام. بعضی‌ها منظور مرا درک کرده‌اند، زیرا آنچه را که گفته‌ام واقعاً غیرقابل تصور نیست. شخصاً از روی عادت می‌گویم: اگر من یک یارد (Yard) داشته باشم و فقط از یک اینچ (inch) آن صحبت کنم، هنوز هم ممکن است بگویید که من به خود می‌بالم، اما آنچه که گفته شده است در حقیقت فقط قسمتی کوچک است. به خاطر اختلاف بزرگی که بین سطوح وجود دارد نمی‌توانم دافا را در سطحی بالاتر و عمیق‌تر برایتان افشا کنم.

مدرسه ما بدین صورت تزکیه می‌کند، شما را قادر می‌کند که خودتان بطور واقعی گونگ را بدست آورید. آن از پیش از پیدایش زمین و بهشت بی‌سابقه بوده است - شما می‌توانید تاریخ را بررسی کنید. مدرسه ما خوب است زیرا که خودتان گونگ را بدست می‌آورید، اما بسیار مشکل نیز است. در بین جامعهٔ پیچیدهٔ مردم عادی و اصطحاکاک شین شینگ بین آنها، قادر خواهید بود به بالا و فراتر از آن صعود کنید - این مشکل‌ترین مسائل است. از دست دادن آگاهانه منافعتان در بین مردم عادی مشکل است. آیا بوسیلهٔ منافعتان تحت تأثیر قرار گرفته‌اید؟ آیا بوسیلهٔ دسیسه‌هایی که مردم بر علیه یکدیگر می‌چینند تحت تأثیر قرار گرفته‌اید؟ وقتی که نزدیکان و دوستانتان زجر می‌کشند آیا تحت تأثیر قرار گرفته‌اید؟ چگونه آنها را سبک و سنگین می‌کنید؟ یک تمرین‌کننده بودن بسیار مشکل است! کسی به من گفت: «معلم، این کافی است که یک انسان خوب بین مردم عادی بود. چه کسی می‌تواند در تزکیه موفق گردد؟» بعد از شنیدن آن، واقعاً احساس ناامیدی و دل‌شکستگی کردم! به او یک کلمه هم نگفتم. همه نوعی از شین شینگ وجود دارد. هر چه فرد بیشتر آگاه شود می‌تواند بیشتر به آن روشن بین گردد، هر چه بیشتر بفهمد بیشتر آن را کسب می‌کند.

لاو‌تو‌زی (Laozi) گفت: «تائو راهی است که می‌توان به دنبال آن رفت، اما راهی معمولی نیست.» تائو قیمتی و با ارزش نیست اگر شخص آن را در هرجایی از روی زمین گلچین کند و در تزکیه آن موفق گردد. روش مدرسه ما به شما آموزش می‌دهد که گونگ از طریق تضادها و کشمکش بدست می‌آید. به همین جهت، ما بایستی تا آنجا که امکانش است با مردم عادی سازگار باشیم. از لحاظ مادی، واقعاً لازم نیست چیزی را از دست بدهید. اما در این محیط مادی احتیاج دارید که شین‌شینگ خودتان را ترقی دهید. به همین خاطر راحت و مناسب است. مدرسهٔ تزکیه ما بیش از اندازه مناسب است، بطوریکه شخص می‌تواند در بین مردم عادی به جای اینکه راهبه یا راهبی گردد تزکیه کند. به همین خاطر این بیش از حد نیز مشکل است، زیرا شخص در پیچیده‌ترین محیط مردم عادی تمرین تزکیه می‌کند. بیش از این، به همین علت بهترین‌ها است، برای اینکه شخص را قادر می‌سازد که خودش گونگ را کسب کند. این حیاتی‌ترین ویژگی مدرسهٔ تزکیه ما است، و امروز آن را برای همگی افشا کرده‌ام. البته تا وقتی روح نخستین اصلی به گونگ نائل می‌شود، روح نخستین کمکی نیز آن را کسب می‌کند. چرا؟ وقتی که تمام پیغام‌ها، موجودات، و سلول‌های بدن شما گونگ را بدست می‌آورند، روح نخستین کمکی

نیز مطمئن آن را کسب می‌کند؛ به هر حال، سطح گونگ او در هر زمان هم بالاتر از سطح گونگ شما نخواهد بود. شما استاد هستید در حالیکه او محافظ فا است.

در ادامه سخن می‌خواهم همچنین مسئله‌ای را اضافه کنم که در میان جامعه تزکیه‌کنندگان افراد زیادی وجود دارند، که همیشه سعی کرده‌اند بسوی سطوح بالاتر تزکیه کنند. آنها به همه جا سفر کرده و هزینه زیادی را متحمل شده‌اند. آنها توانسته‌اند استادانی شناخته شده را با بودن در سرتاسر کشور پیدا کنند. مشهور بودن دلیل بر این نیست که شخص واقعاً مسائل را بخوبی می‌داند. در نهایت، این مردم به هر کجایی مسافرت کرده، پول زیادی خرج نموده و هیچ نتیجه‌ای بدست نیاورده‌اند. این روش بسیار بزرگ را امروز برایتان رایج کرده‌ایم. هم‌اکنون این روش را به در خانه‌تان ارائه کرده‌ام. این دیگر به خودتان مربوط است که بتوانید تزکیه کنید و موفق گردید. اگر بتوانید آن را انجام دهید، می‌توانید به تزکیه خودتان ادامه دهید. اگر نتوانید آن را انجام دهید یا نتوانید تزکیه کنید، از حالا به بعد باید تزکیه را فراموش کنید. به جز اینکه اهریمن‌ها شما را فریب خواهند داد، کس دیگری به شما آموزش نخواهد داد، و در آینده قادر به تزکیه نخواهید بود. اگر من نتوانم شما را نجات بدهم، کس دیگری نمی‌تواند این کار را بکند. در حقیقت، پیدا کردن یک استاد واقعی از یک راه درست که به شما آموزش بدهد سخت‌تر از رفتن به بهشت است. کسی در کل وجود ندارد که اهمیتی بدهد. در دوره پایان دارما، حتی موجودات بسیار بالا هم در پایان (هاوک) (Havoc) می‌باشند. هیچکس مواظبتی از مردم عادی نمی‌کند. این با ارزش‌ترین مدرسه تزکیه است. بعلاوه، آن برطبق فطرت عالم تزکیه شده است. این سریع‌ترین، مستقیم‌ترین راه‌ها است، و مستقیماً به قلب فرد نشانه می‌رود.

گردش آسمانی Heavenly Circuit

در مدرسه تائو، گردش آسمانی کوچک و بزرگ آموزش داده شده‌اند. ما «گردش آسمانی» را توضیح خواهیم داد. گردش آسمانی که معمولاً به آن اشاره می‌کنیم ارتباطی است بین کانال‌های انرژی (Energy channels) ⁷ و (du و ren). ⁸ (دو نصف‌النهار میانی از پشت و جلوی بدن) این گردش آسمانی یک گردش آسمانی سطحی است که به هیچ حسابی نمی‌آید مگر برای شفا دادن و حفظ سلامتی. آن به گردش آسمانی کوچک نامیده شده است. گردش آسمانی دیگری که نه به نام «گردش آسمانی کوچک» نامیده شده است و نه «گردش آسمانی بزرگ» شکلی از گردش آسمانی برای عمل تزکیه در مدیتیشن است. این گردش از داخل بدن یک شخص از (Niwan) (غده صنوبری) در داخل به (دان‌تین) (dantian) گذر می‌کند، که به اطراف رفته و به بالا حرکت می‌کند. آن یک گردش داخلی است. این گردش آسمانی حقیقی برای تزکیه در مدیتیشن است. بعد از اینکه این گردش آسمانی شکل گرفت یک جریان انرژی بسیار قدرتمندی می‌گردد که بعداً صدها کانال انرژی را از طریق یک کانال انرژی به حرکت در می‌آورد، برای اینکه کانال‌های انرژی دیگر را باز کند. مدرسه تائو مدار آسمانی را آموزش می‌دهد، اما بودیسم این کار را نمی‌کند. چه چیزی را بودیسم آموزش می‌دهد؟ زمانی که ساکیومونی دارمای خودش را تعلیم داد، حرکت‌های تمرینی را توضیح نداد، و درباره‌اش هم صحبتی به عمل نیاورد. اما روش او هنوز هم مشکل دگرگونی و تبدیل خود را در عمل تزکیه دارد. چگونه کانال‌های انرژی در بودیسم در حرکت هستند؟ آن از نقطه (baihui) (نقطه طب سوزنی در تاج سر انسان) شروع و گذر می‌کند. بعد از بالای سر شخص تا قسمت پایین تر بدن به شکل مارپیچی رشد می‌کند و، در نهایت، از طریق این روش صدها کانال انرژی را هدایت کرده و به حرکت درمی‌آورد و آنها را باز می‌کند.

کانال مرکزی انرژی در مذهب (تان‌تریک) (Tantric) نیز این هدف را به کار می‌برد. کسی گفته است: «یک مرکز کانال انرژی وجود ندارد. پس چرا مذهب (تان‌تریک) (Tantric) این کانال مرکزی انرژی را رشد داده است؟» در اصل، وقتی

7 - energy channels - در پزشکی چینی، گفته‌اند که کانالی از qi وجود دارد که شامل شبکه پیچیده‌ای است برای گردش انرژی.

8 - du و ren - در نصف‌النهار میانی از پشت و جلوی بدن.

همان کانال‌های انرژی در بدن انسان به همدیگر وصل می‌شوند، تعدادشان به صدها یا هزارها عدد خواهند رسید. آنها همدیگر را عمودی و افقی درست مثل رگ‌های خونی قطع می‌کنند، و حتی بیشتر از رگ‌های خونی می‌باشند، بین اعضای داخلی رگ‌های خونی وجود ندارند، اما کانال‌های انرژی موجود می‌باشند. آنها بطور افقی و عمودی از بالای سر شخص به قسمت‌های مختلف بدن او وصل خواهند شد. شاید آنها در آغاز راست و مستقیم نیستند، و برای وصل شدن باز خواهند شد. سپس به تدریج منبسط و توسعه یافته و به آرامی کانال انرژی مستقیم را شکل می‌دهند. با این کانال انرژی بصورت محور، با خودگردانی چندین چرخ تصویری در چرخش افقی به حرکت بر می‌انگیزد. هدف آن نیز بازکردن تمام کانال‌های انرژی در بدن است.

روش تزکیه فالون دافای ما از این روش که یک کانال انرژی صدها کانال دیگر را به حرکت درمی‌آورد اجتناب می‌کند. از آغاز، خواست ما این است که صدها کانال انرژی با هم بازگردند و با همدیگر به چرخش در آیند، ما به یکباره در سطحی بسیار بالا تزکیه می‌کنیم و از مسائل در سطوح پایین دوری می‌جوئیم. برای بعضی افراد ممکن نیست که یک طول زندگی هم برای بازکردن صدها کانال انرژی از طریق یک کانال انرژی کافی باشد. بعضی از اشخاص باید چندین دهه تزکیه کنند، و این بسیار مشکل است. بسیاری از روش‌ها ذکر کرده‌اند که یک طول زندگی برای موفقیت در تزکیه کافی نیست، در حالیکه تمرین کنندگان بسیاری در سطوح بالای تزکیه وجود دارند، که می‌توانند زندگی‌اشان را طولانی‌تر کنند - آیا آنها درباره تزکیه زندگی صحبت نمی‌کنند؟ آنها می‌توانند زندگی‌اشان را برای تزکیه کردن طولانی کنند، که زمانی بسیار طولانی را به همراه خواهد داشت.

گردش آسمانی کوچک اساساً برای شفا دادن و حفظ سلامتی است، در حالیکه گردش آسمانی بزرگ برای تزکیه گونگ است - که آن موقعی است که شخص بطور واقعی تزکیه می‌کند. گردش آسمانی بزرگ که مدرسه تائو به آن اشاره می‌کند به قدرتمندی مدرسه ما نمی‌باشد، که صدها کانال انرژی را در یک زمان با هم باز می‌کند. چرخش گردش آسمانی بزرگ که در مدرسه تائو به آن اشاره می‌شود چندین کانال انرژی را یک باره از سه یین (Three Yin) و سه یانگ (Three Yang)^۹ کانال‌های دست‌های یک شخص به پایین پاها، ران‌ها، موها، و به تمام کل جسم عبور می‌دهد. این گردش آسمانی بزرگ در حرکت است. بزودی که گردش آسمانی بزرگ به حرکت درآید، تزکیه گونگ خواهد بود. به همین جهت، بعضی از استادان چی گونگ گردش آسمانی بزرگ را تعلیم نمی‌دهند، زیرا آنچه را که آنها تعلیم می‌دهند فقط مسائلی برای شفا دادن و حفظ سلامتی هستند. بعضی‌ها نیز درباره گردش آسمانی بزرگ صحبت‌هایی کرده‌اند، اما چیزی را در بدن شما نصب نکرده‌اند، و شما نمی‌توانید خودتان آنها را باز کنید. بدون سیستم نصب شده، چگونه چیزها می‌توانند به آسانی بوسیله تکیه کردن به قصد - فکر شخص باز گردند؟ این درست مثل این می‌ماند که عملیات آکروباتی را انجام داد - چگونه آنها می‌توانند باز گردند؟ تزکیه به خود شخص بستگی دارد در حالیکه گونگ به استاد فرد مربوط است. فقط بعد از آنکه «مکانیزم» داخلی بطور کامل به شما داده شده است، می‌تواند تأثیر خود را بگذارد.

در سراسر تاریخ، مدرسه تائو بدن انسان را بعنوان یک عالم کوچک در نظر گرفته است: آن اعتقاد دارد که سطح خارجی عالم به بزرگی سطح داخلی آن است، و سطح خارجی به همان شکلی است که سطح داخلی آن به نظر می‌آید. این نظریه به نظر غیرقابل قبول می‌آید و به آسانی قابل فهم نیست. این عالم بیش از حد بزرگ است - چگونه می‌تواند با جسم بشری مقایسه گردد؟ ما درباره یک چنین اصلی صحبت می‌کنیم: فیزیکدانان عصر حاضر ما درباره عناصر ماده از قبیل مولکول‌ها، اتم‌ها، الکترون‌ها، پروتون‌ها، و کوارک‌ها و نوترون‌ها مطالعاتی می‌کنند، اما عناصر پایین‌تر از آنها به چه اندازه‌ای هستند؟ یک میکروسکوپ نمی‌تواند این مسئله را در آن حد ردیابی کند، پس عناصر بسیار میکروسکوپی بسیار کوچک‌تر چه خواهند بود؟ این شناخته شده نیست. در حقیقت، آن چه که فیزیکدانان در حال حاضر می‌فهمند کاملاً به دور از کوچک‌ترین عناصر میکروسکوپی در عالم است. وقتی شخصی این چشم‌های معمولی گوشتی را دارا نیست، چشم‌های او قادر خواهند بود اشیاء را

۹ - Thee Yin and three Yang - یک نام جمعی برای سه خطوط نصف‌النهار یین و یانگ برای هر دوی دست‌ها و پاها است!

با بینایی بزرگ شده ببینند و می‌توانند سطح میکروسکوپی را تماشا کنند. هر چه سطح فرد بالاتر باشد، سطح میکروسکوپی بزرگتری را خواهد دید.

در این سطح، ساکیومونی در سطح خودش تئوری سه هزار دنیا را عرضه نمود، که به عبارتی دیگر در این راه شیری مردمانی وجود دارند که دارای بدن‌های گوشتی همچون نژاد انسانی ما هستند. او همچنین اشاره کرد به سنگ‌ریزه‌ای که شامل سه هزار دنیا است، و این مطابقت با فهم فیزیک مدرن ما دارد. چه فرقی است بین نقش چرخش الکترون‌ها در مدار هسته‌ای با گردش زمین در مدار خورشید؟ به همین جهت، ساکیومونی اظهار داشت که در سطح میکروسکوپی، یک سنگ‌ریزه سه هزار دنیا را در بر می‌گیرد. این درست مثل عالمی است با زندگی و ماده در آن. اگر این حقیقت داشته باشد، درباره‌اش فکر کنید: آیا شنی در دنیای آن سنگ‌ریزه وجود دارد؟ آیا سه هزار دنیا در آن شنی که در سنگ‌ریزه است وجود دارد؟ پس آیا شنی در آن سه هزار دنیایی که شنی سنگ‌ریزه است وجود دارد؟ اگر تحقیق و بررسی به همین شکل به پایین‌تر ادامه پیدا کند، بی‌انتهای خواهد بود. به همین جهت، حتی در سطح تاتاگاتا هم، ساکیومونی این اظهاریه را نمود: آن بسیار عظیم است، بدون ظاهری خارجی، و بسیار کوچک است، بدون نمایی داخلی. آنقدر بزرگ و عظیم است که او نمی‌توانست انتهای عالم را مشاهده کند، اما آنقدر کوچک بود که نمی‌توانست کوچکترین عنصر میکروسکوپی آن را از ماده اصلی شناسایی کند.

یک استاد چی گونگ گفته است: «در یک منفذ عرق شهری وجود دارد که قطارها و ماشین‌ها در آن عبور می‌کنند.» این کاملاً غیر قابل قبول بنظر می‌آید، اما ما این اظهاریه را اگر بطور واقعی از دیدگاه علمی درک و مطالعه کنیم آن را غیرقابل قبول نخواهیم یافت. روزی دیگر وقتی درباره‌ی بازشدن چشم سوم صحبت کردم، بسیاری از افراد با باز شدن چشم‌های سومشان این وضعیت را پیدا نمودند: آنها در مسیر یک تونل در بالای سرشان می‌دویدند بطوریکه نمی‌توانستند به انتهای آن برسند. در طی تمرین‌های روزانه‌شان، احساس می‌کنند در جاده‌ای بزرگ در حال دویدن هستند، با کوه‌ها و رودخانه‌هایی در دو طرف جاده، در حالیکه می‌دوند، از میان شهرها عبور می‌کنند و کاملاً بسیاری از انسان‌ها را مشاهده می‌کنند، و ممکن است تصور کنند این یک وهم و خیال است. موضوع چیست؟ آنچه که مشاهده شده است کاملاً واضح و روشن است و تصویر غلطی نیست. من گفتم که بدن شخص واقعاً در سطحی ذره‌بینی (میکروسکوپی) به آن اندازه بزرگ می‌باشد، و یک تصور غلط نیست، این به همین خاطر است که مدرسه‌ی تائو همیشه جسم بشر را یک عالم به حساب آورده است. اگر واقعاً یک عالم باشد، فاصله‌ی بین جلوی پیشانی تا غده‌ی صنوبری بیش از یکصد و هشت هزار لی (Li) خواهد بود. شما ممکن است بطرف خارج یورش ببرید، اما آن واقعاً یک فاصله‌ی بسیار طولانی است.

اگر گردش آسمانی بزرگ در مسیر تزکیه کاملاً باز شود، نیروهای ما فوق طبیعی را برای تمرین‌کنندگان به همراه خواهد آورد. چه نیروهای فوق طبیعی‌ای؟ شما می‌دانید که گردش آسمانی بزرگ همچنین به نام «گردش آسمانی خطوط نصف‌النهار» «زمین و آسمان»^{۱۰} یا، «چرخش در رودخانه»^{۱۱} نامیده شده است. در سطحی بسیار پایین، چرخش گردش آسمانی بزرگ یک جریان انرژی را شکل خواهد داد که بتدریج بیشتر متراکم شده، بسوی سطوح بالاتر دگرگون شده و بصورت یک نوار انرژی بزرگ با تراکمی بالا درمی‌آید. این نوار انرژی یک حرکت چرخشی خواهد داشت. در چرخش او با سطح پایینی از چشم سوم درمی‌یابیم که آن می‌تواند چی را در قسمت‌های داخلی بدن شخص رد و بدل کند. چی قلب ممکن است به روده‌ها حرکت کند، یا چی کبد به طرف معده... در سطحی میکروسکوپی می‌توانیم آنچه را که آن حمل می‌کند ببینیم که چیزی بسیار عظیم است. اگر این نوار انرژی در خارج بدن شخص آزاد گردد، توانایی ارتباط جابه‌جایی بزرگ نامیده می‌شود. فردی با گونگ بسیار ضعیف چیزی بسیار کوچک را جابه‌جا می‌کند و به ارتباط جابه‌جایی کوچک معروف است. این نمونه‌هایی از ارتباط جابه‌جایی و تشکیل آن‌ها است.

۱۰ - qiankun (chyen - kuhn) - زمین و آسمان

۱۱ - heche (huh - chuh) - چرخش در رودخانه

گردش آسمانی بزرگ مستقیماً با تزکیه گونگ در ارتباط است. در نتیجه، با خودش شرایط و شکل‌های مختلفی از گونگ را به همراه می‌آورد. این هم‌چنین برای ما یک وضعیت بسیار استثنایی را به همراه خواهد آورد. این وضعیت چه است؟ شاید همگی این اصطلاح را به نام (bairifeisheng) "Levitation in broad daylight" در کتابهای قدیمی مثل شرح حال فن‌اناپذیرها، "xingming Guizhi" یا "Tao zang, Dan Jing" خوانده‌اید. این معنی را می‌دهد که یک شخص می‌تواند در پهنه روشنائی روز پرواز کند. در حقیقت، اجازه بدهید برایتان بگویم که یک شخص می‌تواند پرواز کند وقتی که گردش آسمانی بزرگ باز است - این به همین سادگی است. بعضی از افراد فکر خواهند کرد تعداد کمی از افراد وجود دارند که بعد از سال‌های زیادی از تمرین گردش آسمانی بزرگ آنها باز شده است. من می‌خواهم حتی بگویم که این غیرقابل قبول نیست زیرا که ده‌ها هزار نفر به این سطح رسیده‌اند، زیرا که بعد از همه اینها گردش آسمانی بزرگ فقط اولین قدم در تزکیه است. پس، چرا هیچکس این افراد را در حال پرواز یا معلق در هوا ندیده‌اند؟ وضعیت جامعه معمولی بشری نمی‌تواند آشفته گردد، یا فرم جامعه عادی بشری بسادگی از هم پاشیده شود یا تغییر کند. این چگونه می‌تواند برای همگی مجاز باشد که در هوا پرواز کنند؟ آیا آن یک جامعه عادی بشری خواهد بود؟ این یک نظریه نخستین است. از دیدگاهی دیگر، بشر در بین مردم عادی برای اینکه انسان باشد زندگی نمی‌کند، بلکه به خاطر برگشت به اصل و حقیقت واقعی‌اش است. پس مسئله روشن‌بینی و آگاهی به آن وجود دارد. اگر شخص ببیند که در حقیقت بسیاری افراد می‌توانند به پرواز درآیند، او نیز می‌خواهد تزکیه کند، و دیگر مسئله روشن‌بینی وجود نخواهد داشت. به همین جهت، اگر بتوانید در جریان تزکیه به پرواز درآیید، بطور سرسری نباید آن را به دیگران نشان دهید یا آن را به دیگران ثابت کنید، بطوریکه آنها نیز لازم بدانند تزکیه کنند. در نتیجه، بعد از اینکه گردش آسمانی شما باز شده است، قادر به پرواز نخواهید بود اگر نوک انگشتان شما، نوک انگشت پا، یا یک قسمت بخصوص از بدن شما بسته باشد.

زمانی که گردش آسمانی بزرگ ما در حال باز شدن است، وضعیتی اتفاق خواهد افتاد که در آن بعضی از افراد در ضمن نشستن در مدیتیشن به جلو خم می‌شوند. زیرا که گردش در پشت شخص بهتر باز است، پشت او بسیار سبک خواهد بود در حالیکه قسمت جلویی بدن احساس سنگینی می‌کند. بعضی افراد به عقب خم می‌شوند و احساس می‌کنند که پشت‌شان سنگین است در حالیکه در قسمت جلویی بدن‌هایشان احساس سبکی می‌کنند. اگر همه جای بدن به خوبی باز شده است، احساس می‌کنید که در حال بلند شدن از زمین هستید، مثل پرواز کردن از روی زمین. یک بار که بطور حقیقی پرواز کنید، مجاز نخواهید بود که به پرواز درآیید - اما این صد در صد نیست. آنهایی که توانایی‌های فوق‌طبیعی را توسعه داده‌اند معمولاً در دو انتهای سنی قرار گرفته‌اند: بچه‌ها وابستگی‌هایی ندارند، مردم مسن نیز همینطور، مخصوصاً - خانم‌های مسن. آنها می‌توانند به آسانی این توانایی را توسعه داده و محافظت کنند. برای آقایان، مخصوصاً مردان جوان، وقتی که یکبار توانایی‌ها را بدست آورده‌اند نمی‌توانند از به نمایش گذاشتن آنها جلوگیری بعمل آورند. در همان زمان، ممکن است این توانایی‌ها را به منظور رقابت در بین مردم عادی بکار برند. به همین جهت این توانایی اجازه ندارد وجود داشته باشد و به محض اینکه در جریان تزکیه رشد می‌کند بسته خواهد شد. اگر قسمتی از بدن بسته باشد، این شخص قادر به پرواز کردن نخواهد بود. نمی‌توان گفت که شما مطلقاً از داشتن این وضع و حالت ممنوع هستید. شما بایستی اجازه داشته باشید که آن را امتحان کنید، و بعضی از افراد قادرند آن را حفظ کنند.

این موقعیت هر جا که سخنرانی دارم اتفاق می‌افتد. زمانی که کلاسی در (شان‌دونگ) (Shandong) داشتم، تمرین‌کنندگانی از پکن و (جی‌آن) (Jinan)^{۱۲} در آنجا وجود داشتند. کسی سؤال کرد: «معلم، چه اتفاقی برای من افتاده است؟ در حالیکه قدم می‌زنم، احساس می‌کنم از زمین جدا می‌شوم. من هم‌چنین احساس می‌کنم وقتی که در خانه خوابیده‌ام دارم پرواز می‌کنم. حتی لحاف که روی من است مثل یک بالون بلند می‌شود.» زمانی که یک کلاس در (گویی‌یانگ)

(Guiyang)^{۱۳} داشتم، یک تمرین کنندهٔ مسنی از (گویی زتو) (Guizhou) وجود داشت که خانمی مسن بود. او دو تخت در اتاقش داشت، که یک تخت بطرف یک دیوار و تخت دیگر به طرف دیوار دیگر قرار داشت. وقتی که او در حالت مدیتیشن در یک تخت نشسته بود، احساس کرد که به پرواز در آمده است، و وقتی چشمهایش را باز نمود، دریافت که به تخت دیگر کشیده شده است. با خودش فکر کرد، «باید به تخت خودم باز گردم»، و سپس به تخت دیگر دوباره پرواز کرد.

تمرین کننده‌ای در (چینگ دائو)^{۱۴} (Qingdao) بود که در وقت نهار موقعی که کسی در نزدیکی محل کار او نبود در حال مدیتیشن روی یک تخت نشسته بود به محض اینکه در آن جا نشست، به اندازه یک متر به پرواز درآمد و به تندی و سختی به بالا و پایین حرکت کرد. او می‌توانست بعد از بلند شدن پایین بیاید، و این اتفاق ادامه داشت. لحاف نیز به زمین افتاد. کمی هیجان زده و کمی نیز ترسیده بود. این بالا و پایین رفتن تمام وقت نهار ادامه یافت. بالاخره، زنگ اداره به صدا درآمد، و او با خودش فکر کرد: «من نباید بگذارم دیگران این را ببینند، ممکن است تعجب کنند، چه چیزی اتفاق افتاده است؟ بلافاصله باید متوقف کنم.» او تمرین را خاتمه داد. برای همین است که مردم مسن می‌توانند به خوبی خودشان را اداره کنند. اگر برای شخص جوانی این ماجرا اتفاق افتاده بود، وقتی زنگ اداره بصدا درمی‌آمد اینطور فکر می‌کرد: «شما همگی باید بیایید و مرا ببینید که پرواز می‌کنم.» به همین دلیل است که شخص نمی‌تواند به سادگی ذهنیت به نمایش گذاشتن را کنترل کند: «نگاه کنید به چه خوبی تزکیه کرده‌ام من می‌توانم پرواز کنم.» یک بار که فرد آن را به نمایش بگذارد، توانایی او از دست می‌رود، زیرا این جایز نیست که به این صورت وجود داشته باشد. چنین موارد زیادی در بین تمرین کنندگان همه جا وجود دارند.

ما لازم می‌دانیم که صدها کانال انرژی از اول کار بازگردند. تا امروز، هشتاد تا نود درصد از تمرین کنندگان ما به این وضع و حالت رسیده‌اند تا آنجا که بدن‌هایشان بسیار سبک و آزاد از بیماری‌ها شده‌اند. همزمان، در این کلاس گفته‌ایم که شما نه تنها به این حالت و وضعیت کشیده شده‌اید در حالیکه بدن‌هایتان نیز بطور کامل پالایش شده‌اند، اما بسیاری از چیزها نیز در بدن‌هایتان نصب شده‌اند بطوریکه در این کلاس می‌توانید گونگ را توسعه دهید. این درست مثل این است که شما را به بالا کشانده و به طرف جلو سوق می‌دهم. فا را برای همه در این کلاس تعلیم داده‌ام، و شین شینگ همه به خوبی بطور پیوسته تغییر کرده است. بعد از قدم گذاشتن به بیرون این تالار، بسیاری از شما احساس خواهید کرد که با دیگران فرق دارید، و ظاهر شما هم تضمین می‌شود که تغییر کند. شما خواهید فهمید که در آینده چگونه خودتان را هدایت و رهبری کنید، و دیگر رفتاری مثل اشخاص آشفته نخواهید داشت. تضمین شده است که به این صورت باشد. به همین جهت، شین شینگ شما در حال حاضر صعود کرده است.

دربارهٔ موضوع گردش آسمانی بزرگ، با اینکه اجازهٔ پرواز را ندارید، ممکن است احساس کنید جسم شما سبک است، مثل اینکه در هوا راه می‌روید. در گذشته ممکن بود که بعد از برداشتن چند قدم خسته شوید، اما الان بسیار آسان است بدون توجه به اینکه چقدر راه رفته‌اید. شما احساس می‌کنید در حالیکه دوچرخه سواری می‌کنید یا وقتی از پله‌ها بالا می‌روید به جلو کشانده می‌شوید و خسته نیستید - بدون در نظر گرفتن اینکه چه تعداد طبقات وجود دارند. تضمین شده است که به این صورت باشد. آنهایی که این کتاب را می‌خوانند و خودشان تزکیه می‌کنند نیز همانطور که انتظار می‌رود می‌توانند به این مرحله دست یابند. من کسی هستم که اگر نخواهد چیزی را نمی‌گوید، اما آنچه را که می‌گویم باید حقیقت باشد. مخصوصاً در تحت این شرایط، اگر حقیقت را در آموزش فائنگویم، اگر بیانی‌های غیرقابل قبول را بیان کنم، یا بدون هدف و سرسری صحبت کنم، یک فای اهریمنی را آموزش خواهم داد. برای من آسان نیست که این کار را انجام دهم، زیرا که همه عالم در حال نظاره کردن هستند. شخص اجازهٔ به انحراف کشیده شدن را ندارد.

۱۳ - Guiyang - پایتخت استان Guizhou

۱۴ - Qingdao (ching - dow) - یک شهر ساحلی در استان Shandong

یک فرد عادی فقط می‌خواهد دربارهٔ این گردش بزرگ آسمانی بداند، و اینطور خواهد شد. در حقیقت، این کافی نیست. برای اینکه بدن بطور کامل بوسیلهٔ مادهٔ انرژی اعلاء هر چه سریعتر جایگزین و دگرگون گردد، باید گردش آسمانی دیگری وجود داشته باشد که تمام کانال‌های انرژی بدن شما را به حرکت در آورد. آن به «گردش آسمانی مائویو the maoyou»^{۱۵} نامیده می‌شود، و احتمال دارد بوسیله افراد کمی شناخته شده باشد. این اصطلاح گاه و بیگاه در کتاب‌ها ذکر شده است، اما هیچکس توضیحی درباره آن نداده یا اینکه صحبتی نکرده است. فقط بعنوان تئوری مورد بحث قرار گرفته است، زیرا که آن اسرار اسرارها است. این مسائل را اینجا می‌خواهیم برایتان افشا کنیم. آن از نقطهٔ (بایی‌هو) (Baihui) (یا هم‌چنین از نقطه هویی‌ین huiyin) شروع می‌شود، و خارج شده و به تنهایی در خط مرزی بین یین و یانگ حرکت می‌کند. سپس از گوش به طرف شانه‌ها پایین می‌آید، و از همه انگشتان می‌گذرد و در یک طرف جسم شما، به طرف کف پا، پایین می‌آید. سپس از طرف داخل ران بالا رفته و به داخل ران دیگر پایین می‌آید، به کف پای دیگر رفته و از طرف قسمت دیگر بدن شما بالا می‌رود. دوباره از هر یک از انگشتان گذر می‌کند و به بالای سرتان می‌رسد، و یک مدار کامل را تکمیل می‌کند. این مدار بهشتی (maoyou) است. دیگران می‌توانند کتابی دربارهٔ آن بنویسند، و من در چند کلمه آن را خلاصه کرده‌ام. فکر می‌کنم نباید آن را یک سر آسمانی به حساب آورد، با اینکه دیگران این چیزها را بسیار قیمتی می‌یابند و نمی‌خواهند درباره‌اش صحبتی به عمل آورند بجز موقعی که بطور واقعی به مریدانشان آموزش می‌دهند. اگر چه این جریان را افشا نموده‌ام، هیچکدام از شما نباید از قصد - فکر برای راهنمایی یا کنترل آن در تمرین استفاده کنید. اگر این کار را بکنید، فالون دافای ما را تمرین نمی‌کنید. روش تزکیه واقعی به سوی سطوح بالاتر در حالتی از (وو-وی) (Wuwei) (بدون قصد) قرار دارد و آزاد از هر نوع فعالیت فکری است. همه چیز در بدن شما حاضر و آماده نصب شده است. آنها بطور اتوماتیک شکل گرفته‌اند، و این مکانیزم‌های درونی، شما را تزکیه می‌کنند، و چرخش خودکاری را وقتی که زمان آن فرا برسد انجام خواهند داد. یک روز در حالیکه تمرین می‌کنید سر شما ممکن است از طرفی به طرفی دیگر تاب بخورد. اگر سرتان به این طرف تاب بخورد، مکانیزم به این طرف چرخش دارد. اگر سر شما بطرف دیگر تاب بخورد، آن به طرف دیگر می‌چرخد. مکانیزم داخلی به هر دو طرف می‌چرخد.

زمانیکه مدار آسمانی بزرگ یا کوچک باز شده‌اند، سر شخص در حین اینکه در مدیتیشن نشسته است تکان خواهد خورد، و این علامتی از گذر سرتاسری انرژی است. به همین صورت هم این در مورد مدار آسمانی فالون که تمرین می‌کنیم صادق است. ما فقط آن را به این صورت تزکیه می‌کنیم. در حقیقت، وقتی که تمرین نمی‌کنید، مکانیزم داخلی به خودی خود در گردش است. بطور پیوسته تا ابد در گردش خواهد بود، زمانی که تمرین می‌کنید، مکانیزم را استحکام می‌بخشید. آیا نگفته‌ایم که فا تمرین‌کننده‌ها را تزکیه می‌کند؟ بطور عادی، شما متوجه خواهید شد که مدار بهشتی شما همیشه در چرخش است. اگر چه تمرین نمی‌کنید، این لایهٔ مکانیزم انرژی نصب شده در خارج از بدن شما، یعنی، لایه‌ای از کانال‌های بیرونی بزرگ، بدن شما را در تمرین به حرکت در می‌آورد - تمام آن اتوماتیکی است. آن می‌تواند برعکس نیز بچرخد، بطوریکه به دو طرف می‌چرخد و بطور پیوسته مسیرهای انرژی شما را باز می‌کند.

پس هدف از بازکردن مدار آسمانی چیست؟ بازکردن مدار آسمانی برای خودش هدف تزکیه نیست. حتی اگر مدار آسمانی شما باز باشد می‌گوییم که هنوز هم چیزی نیست. اگر تزکیهٔ شخص بیشتر ادامه پیدا کند، از میان روش مدار آسمانی او به هدف بازکردن صدها کانال انرژی از طریق یک کانال انرژی خواهد رسید، و می‌تواند بدین وسیله تمام کانال‌های انرژی بدن را باز کند. ما هم اکنون این جریان را برای انجام دادن آن شروع کرده‌ایم. با تمرین بیشتر، شخص در چرخش مدار آسمانی بزرگ خواهد یافت که کانال‌های انرژی بسیار پهن به اندازه یک انگشت و در داخل بسیار عریض‌تر شده‌اند. به خاطر اینکه انرژی همچنین بسیار قدرتمند شده است، بعد از اینکه جریان انرژی شکل می‌گیرد، بسیار عریض و نورانی می‌گردد. این هنوز هم چیزی نیست. چه زمانی برای تمرین کردن به اندازهٔ کافی خوب خواهد بود؟ صدها کانال انرژی فرد بایستی به

تدریج عریض‌تر گردند، با انرژی که قوی‌تر و نورانی‌تر می‌شود. در نهایت، هزاران کانال انرژی به همدیگر ملحق می‌شوند و بدن شخص را به یک واحد بدون کانال انرژی یا نقاط سوزنی (acupuncture) تبدیل می‌کنند، آنها به همدیگر ملحق می‌شوند تا تمام بدن را یکی کنند. این هدف نهایی از بازکردن کانال‌های انرژی است. هدف آن این است که بدن انسان را بطور کامل بوسیله ماده انرژی اعلاء دگرگون کند.

در این مرحله، بدن شخص اساساً بوسیله ماده انرژی اعلاء دگرگون خواهد شد. به عبارتی دیگر، شخص به بالاترین سطح تزکیه در فای سه‌گانه دنیوی رسیده است. بدن گوشتی انسان به محدودیت نهایی تزکیه کرده است. در این مرحله، شخص وضعیت دیگری را تجربه می‌کند. چه نوع موقعیتی؟ این شخص گونگ بسیار غنی‌ای را توسعه و رشد خواهد داد. در تزکیه بدن فردی عادی یا در تزکیه در فای سه‌گانه دنیوی، تمام توانایی‌های فوق‌طبیعی بشری (توانایی‌های بالقوه) و همه چیز رشد داده خواهند شد. به هر حال، در حین تمرین در بین مردم عادی، اغلب آنها قفل می‌باشند. بعلاوه، ستون گونگ شخص به ارتفاع بسیار بلندی رشد خواهد کرد. همه نوع اشکال گونگ بوسیله گونگ مقتدر و عظیم تقویت خواهند شد، و کاملاً قدرتمند می‌گردند. هنوز، آنها می‌توانند فقط در این بعد ما به کار آیند، و نمی‌توانند در هیچیک از بعدهای دیگر عمل کنند چون که آنها توانایی‌های فوق‌طبیعی تزکیه شده از بدن‌های گوشتی انسان معمولی ما هستند. اما هم اکنون بسیار غنی و عظیم هستند. در بعدهای مختلف، و در مناسبات شکل‌های وجودی جسم در بعدهای مختلف، تغییرات زیادی در کل وجود خواهند داشت. چیزهایی که این جسم در هر سطحی از بعدها حمل می‌کند بسیار غنی می‌باشند و بصورت بسیار ترسناکی ظاهر می‌شوند. بعضی افراد چشم‌هایی در سراسر بدن‌هایشان دارند، و تمام منافذ عروقی در بدن‌هایشان چشم خواهند شد. چشم‌هایی در سرتاسر میدان بعدی شخص وجود خواهند داشت. به خاطر اینکه این گونگ از مدرسه بودا است، بعضی افراد تصویر بوده‌یساتوا یا بودا را در سرتاسر بدن‌هایشان حمل خواهند نمود. همه اشکال گونگ به مرحله بسیار غنی‌ای خواهند رسید. بعلاوه، بسیاری از موجودات خودشان را آشکار خواهند نمود.

در این مرحله، موقعیتی به نام سه گل جمع شده در بالای سر اتفاق خواهد افتاد. این مرحله‌ای بسیار آشکار و همچنین چشمگیر است. فرد حتی با چشم سوم در سطحی پایین می‌تواند آن را ببیند. شخص سه گل بالای سر خواهد داشت. یکی گل نیلوفر آبی است، اما از نوع گل نیلوفر آبی در بعد فیزیکی ما نیست. دو گل دیگر نیز از بعدی دیگر هستند و بیش از حد زیبا می‌باشند. این گل‌ها یکی بعد از دیگری بالای سر شخص در چرخش هستند. آنها موافق عقربه‌های ساعت یا برخلاف عقربه‌های ساعت خواهند چرخید، و همچنین هر کدام از گل‌ها نیز دور خودشان می‌چرخند. هر گل ستون بزرگی به کلفتی قطر گل دارد. این سه ستون می‌توانند از تمام مسیر به نوک آسمان برسند، اما ستون انرژی گونگ نیستند - آنها درست به این صورت و بی‌نهایت زیبا هستند. اگر بتوانید آنها را ببینید، شوک زده خواهید شد. وقتی تزکیه کسی به این مرحله می‌رسد، بدن وی سفید و پاک می‌گردد، و پوست زیبا و روشن می‌شود. در این مرحله، فرد به بالاترین شکل از تزکیه در فای سه‌گانه دنیوی رسیده است، اما این پایان غایی نخواهد بود. شخص هنوز هم احتیاج به ادامه تزکیه دارد و اینکه به جلو پیش برود.

همانطور که شخص بطرف جلو پیش می‌رود وارد فاصله سطح بین فای سه‌گانه دنیوی و فراسوی فای سه‌گانه دنیوی می‌شود، که به مرحله بدن سفید خالص (همچنین معروف به «بدن سفید کریستالی») نامیده می‌شود. وقتی تزکیه بدن فیزیکی به بالاترین شکل در فای سه‌گانه دنیوی می‌رسد، فقط جسم گوشتی بشر است که به بالاترین شکل تبدیل شده است. وقتی تمام بدن بطور واقعی بدین شکل است، بطور کامل از ماده انرژی اعلاء تشکیل شده است. چرا آن به بدن سفید خالص نامیده می‌شود؟ به خاطر اینکه این بدن هم اکنون به بالاترین درجه مطلق پالایش رسیده است. وقتی آن با چشم سوم دیده شود، سرتاسر بدن شفاف و روشن است، درست مثل یک لیوان شفاف. وقتی به آن نگاه می‌کنید چیزی در آن وجود ندارد، مثل اینکه این مرحله را می‌خواهد به نمایش بگذارد. به کلامی ساده‌تر، این جسم در حال حاضر یک جسم بودا است. به این خاطر است که بدن تشکیل شده از ماده انرژی اعلاء در حال حاضر از جسم‌های فیزیکی ما متفاوت می‌باشد. در این مرحله، تمام توانایی‌ها و مهارت‌های فوق‌طبیعی به یک باره رها خواهند شد. در یک بعد بسیار عمیقی بجا گذاشته می‌شوند، مثل اینکه غیرقابل استفاده هستند و دیگر به درد هیچ کاری نمی‌خورند. یک روز در آینده وقتی که در تزکیه موفق شدید،

ممکن است به گذشته نظری بیاندازید و سفر تزکیه‌اتان را با بیرون آوردن آنها برای اینکه نگاهی به آنها بیاندازید مرور خواهید کرد. در این زمان، فقط دو چیز است که باقی‌مانده است: ستون انرژی گونگ که هنوز هم باقی است، و کودک جاودان تزکیه شده که به اندازه بزرگی رشد کرده است. اما، هر دو در بعدی عمیق وجود دارند که بوسیله شخصی با چشم سوم در سطحی متوسط دیده نمی‌شوند. همه آنچه را که فرد می‌تواند ببیند این است که بدن این شخص شفاف و روشن شده است.

به خاطر اینکه مرحله بدن سفید خالص فقط یک مرحله عبور است، با عمل تزکیه بیشتر، شخص بطور حقیقی تزکیه را در فراسوی فای سه‌گانه دنیوی شروع خواهد کرد، که همچنین به تزکیه بدن بودا شناخته شده است. تمام جسم از گونگ تشکیل خواهد شد. در این مرحله شین‌شینگ فرد پایدار و ثابت خواهد شد. فرد می‌خواهد تزکیه را مجدداً شروع کند و دوباره از اول توانایی‌های فوق‌طبیعی را رشد دهد، و دیگر «توانایی‌های فوق‌طبیعی» نامیده نمی‌شوند. آنها «قدرت خدایی فای بودا» نامیده می‌شوند، بطوریکه می‌توانند در همه بعدها با قدرت‌های بی حد و مرزشان عمل کنند. همانطور که در آینده به تزکیه ادامه می‌دهید، خودتان به مسائل در سطوح بالاتر آگاه خواهید شد، چگونه تزکیه کنید، و به شکل‌های هستی‌روش تزکیه آگاه خواهید شد.

وابستگی شوق و اشتیاق

می‌خواهم درباره مسئله‌ای که مربوط به وابستگی شوق و اشتیاق است صحبت کنم. بسیاری از افراد چی‌گونگ را برای زمانی طولانی تزکیه کرده‌اند. کسانی نیز وجود دارند که هرگز آن را تمرین نکرده‌اند، اما حقیقت و معنی زندگی بشری را تعقیب کرده و درباره آن به فکر فرو رفته‌اند. یکبار که فالون دافای ما را یاد گرفته‌اند، به یکباره بسیاری از سؤالات زندگی را که آرزو داشتند بفهمند ولی جوابی نمی‌یافتند خواهند فهمید. شاید با متعالی شدن افکارشان، بسیار هیجان زده شوند - این قطعی است. می‌دانم که یک تمرین‌کننده واقعی ارزش آن را خواهد داشت و آن را عزیز خواهد داشت. اما این مشکل اغلب اتفاق می‌افتد: شخص با توجه به هیجان و شور و شوق بشری، ذهنیت غیر لازم شوق و اشتیاق را رشد می‌دهد. باعث می‌شود که فرد رفتاری غیرعادی در مراسم و مقررات داشته باشد، اثری متقابل با دیگران در جامعه مردم عادی، یا در محیط جامعه مردم عادی بگذارد. می‌گویم که این غیر قابل قبول است.

اکثریت افراد مدرسه ما در جامعه مردم عادی تزکیه خواهند کرد، بنابراین نباید از جامعه مردم عادی فاصله بگیرید و باید با فکری روشن تزکیه کنید. روابط بین همدیگر بایستی بطور طبیعی باقی بماند. البته، شما شین‌شینگ در سطحی بسیار بالا و ذهنیتی صالح دارید. شما شین‌شینگ و سطح خودتان را ترقی می‌دهید، اعمال نادرست را مرتکب نمی‌شوید و فقط کارهای خوب انجام می‌دهید - اینها فقط چنین نشانه‌هایی هستند. بعضی از افراد رفتاری از خودشان نشان می‌دهند مثل اینکه از لحاظ ذهنی غیرعادی یا اینکه به اندازه کافی این دنیای عادی را دیده‌اند. چیزهایی می‌گویند که دیگران نمی‌توانند درک کنند. دیگران ممکن است بگویند: «چگونه یک شخص که فالون دافا را یاد می‌گیرد به این صورت درآمد است؟ به نظر می‌آید که او مشکل روانی دارد.» در واقع، اینطوری نیست. او فقط بیش از حد هیجان زده است و به همین جهت به نظر می‌آید که فاقد قوه تعقل بدون احساس متداول باشد. همگی درباره‌اش فکر کنید: این جور عمل کردن نیز اشتباه است، و به افراطی دیگر کشیده شده‌اید - دوباره این نیز یک وابستگی است. باید این را رها کنید و در حالیکه بطور معمولی مثل هر کس دیگر در بین مردم عادی زندگی می‌کنید تزکیه کنید. اگر در بین مردم عادی، دیگران شما را یک واله و شیدا به حساب بیاورند، با شما سروکاری نخواهند داشت و فاصله را با شما حفظ خواهند نمود. هیچکس فرصت‌هایی را برای رشد شین‌شینگ در اختیارتان نخواهد گذاشت، و به عنوان یک شخص عادی نیز با شما مواجه نخواهد شد - می‌گویم که این صحیح نیست! به همین جهت، همگی باید مطمئن باشید که به این مسئله توجه داشته و خود را کنترل کنید.

روش تزکیه ما مثل روش‌های معمولی نیست که باعث شود شخص حضور ذهن نداشته باشد، در خلسه باشد، یا واله و شیدا گردد. روش تزکیه ما لازم می‌داند که با فکری روشن و صالح خودتان را تزکیه کنید. کسی مدام می‌گوید: «معلم، به محض اینکه چشمم را می‌بندم بدن من تاب می‌خورد.» می‌گویم که لازم نیست بدینگونه باشد. شما هم اکنون عادی را

پرورش داده‌اید که ضمیر خودآگاه اصلی را رها می‌کنید. به محض اینکه چشم‌هایتان را می‌بندید ضمیر خودآگاه اصلی را استراحت می‌دهید، و آن ناپدید می‌گردد. شما در حال حاضر این عادت را رشد داده‌اید. چرا جسم‌تان در حالیکه اینجا نشسته‌اید، تاب می‌خورد؟ اگر مرحله‌ای را که چشم‌هایتان باز است حفظ کنید، آیا جسم شما با چشم‌های اندکی بسته تاب خواهد خورد؟ مطلقاً نه. شما فکر می‌کنید که چی‌گونگ باید به این طریق تمرین شود و چنین مفهومی را شکل داده‌اید. به محض اینکه چشم‌هایتان را می‌بندید، بدون اینکه بدانید کجا هستید ناپدید می‌شوید. گفته‌ایم که ضمیر خودآگاه اصلی شما باید هشیار باشد، زیرا که این روش خود شما را تزکیه می‌کند. باید با فکری هشیار پیشرفت کنید. ما همچنین یک تمرین مدیتیشن داریم. چگونه ما مدیتیشن را تمرین می‌کنیم؟ از همه می‌خواهیم که بدون در نظر گرفتن اینکه چه اندازه عمیقاً مدیتیشن می‌کنید، آگاه باشید که در اینجا حضور دارید. شما مطلقاً اجازه ندارید به مرحله خلسه بروید در حالیکه چیزی را نمی‌فهمید. پس، چه موقعیت خاصی اتفاق خواهد افتاد؟ وقتی آنجا نشسته‌اید، احساس خوبی خواهید داشت و بسیار راحت و آسوده مثل اینکه در داخل پوسته یک تخم مرغ نشسته‌اید، به خودتان آگاه خواهید بود که تمرین را انجام می‌دهید، اما احساس می‌کنید که تمام بدنتان نمی‌تواند حرکتی کند. این آن چیزی است که بایستی در تزکیه ما اتفاق بیفتد. موقعیت دیگری وجود دارد که به محض اینکه شخص مدت کمی نشسته است، در می‌یابد که پاها ناپدید شده‌اند، و نمی‌تواند فکر کند پاها کجا رفته‌اند، جسم نیز ناپدید شده است؛ بازوها و دست‌ها نیز ناپدید شده‌اند - فقط سر باقی مانده است. با تمرین بیشتر، شخص متوجه می‌شود که سر او ناپدید شده است، و فقط ذهن او باقی مانده است و کمی فکر که واقف به تمرین در اینجا است. این کافی است اگر ما بتوانیم به این مرحله برسیم. چرا؟ وقتی شخص در این مرحله تمرین می‌کند، جسم به کلی تغییر کرده است، و این مناسب‌ترین مرحله می‌باشد. ما در نتیجه لازم می‌دانیم که شما به این مرحله آرامش و سکون برسید. به هر حال، شما نباید به خواب بروید یا آگاهی‌تان را از دست بدهید، وگرنه چیزهای خوب بوسیله کس دیگری تزکیه خواهند شد.

تمام تمرین‌کنندگان ما بایستی مطمئن باشند که هرگز رفتاری غیر عادی در بین مردم نداشته باشند. اگر نقش بدی را بین مردم ایفا می‌کنید، دیگران ممکن است بگویند: «برای چه آنهایی که فالون دافا را یاد می‌گیرند همگی به این شکل رفتار می‌کنند؟» این به مثابه تضعیف کردن شهرت فالون دافا است، پس مطمئن باشید که به این موضوع توجه دارید. در مورد موضوعات دیگر یا در رابطه با راه تزکیه، شخص باید مطمئن باشد که وابستگی شوق و اشتیاق را رشد ندهد - این ذهنیت می‌تواند به سادگی بوسیله اهریمن‌ها مورد استفاده قرار بگیرد.

تزکیه گفتار

تزکیه گفتار در گذشته نیز بوسیله مذاهب ضروری بود. به هر حال، تزکیه گفتار که منظور مذاهب است عمدتاً به بعضی از تمرین‌کنندگان حرفه‌ای مربوط می‌شود - راهبان و تائوئیست‌هایی که دهانشان را برای صحبت کردن باز نمی‌کنند. از آنجا که آنها تمرین‌کنندگان حرفه‌ای هستند، قصد دارند که وابستگی‌های انسانی را به اندازه بسیار زیادی از دست بدهند. آنها معتقدند به محض اینکه شخص فکر می‌کند، کارما است. مذاهب کارما را به «کارمای خوب» و «کارمای گناهکار» تقسیم بندی کرده‌اند. بدون توجه به اینکه آیا آن کارمای خوب است یا کارمای گناهکار، یا از خلایق که مدرسه بودا از آن صحبت می‌کند یا پوچی‌ای که مدرسه تائو آموزش می‌دهد، کارما نباید بوجود آید. برای همین، ادعا می‌کنند که نباید هیچ کاری انجام دهند، برای اینکه رابطه کارمایی مسائل را نمی‌توانند ببینند، یعنی، اعم از اینکه آن مسائل خوب یا بد باشند، یا اینکه چه نوع رابطه کارمایی وجود داشته باشد. یک تمرین‌کننده معمولی که به چنین سطح بالایی نرسیده است نمی‌تواند این مسائل را بفهمد، در نتیجه نگران خواهد شد اگر چیزی در ظاهر خوب نشان داده می‌شود، می‌تواند به محض اینکه به مرحله عمل در آید چیز بدی باشد. به همین جهت، شخص تلاش خود را می‌کند که (Wuwei) (بدون قصد) را تزکیه کند و کاری را انجام نمی‌دهد بطوریکه بتواند از درست شدن کارما جلوگیری به عمل آورد. به همین جهت به محض اینکه کارما بوجود آمده

است، شخص باید آن را از بین ببرد و برای آن زجر بکشد. بطور مثال، در مورد تمرین کنندگان ما هم اکنون از پیش تعیین شده است که در چه مرحله‌ای روشن بین خواهند شد. اگر بطور غیر ضروری چیزی نیمه کاره را به آن وارد کنید، باعث مشکلاتی در تمام تزکیه‌اتان خواهید شد. فرد باید بدون قصد تزکیه کند.

مدرسه بودا تزکیه گفتار را ضروری می‌داند، که می‌توان گفت، گفتار شخص از ذهن او فرمان می‌گیرد. از این رو، فکر فرد مقاصدی دارد. اگر ذهن شخص بخواهد خودش کمی فکر کند، مسئله‌ای را بیان کند، کاری انجام دهد یا بطور مستقیم حسی‌های عضوی و چهار دست و پا را هدایت کند، ممکن است در بین مردم عادی یک وابستگی گردد. بطور مثال، تضادهای شخصی وجود دارند، تضادهایی که بین همدیگر وجود دارند، مثل «تو خوب هستی»، اما «او خوب نیست» یا «تزکیه تو خوب است» اما «مال او خوب نیست». این‌ها برای خودشان تضادهایی هستند. اجازه بدهید درباره مسئله‌ای که عادی است صحبت کنیم، مثل «من می‌خواهم این کار را انجام بدهم»، یا «این مسئله حالا باید به این صورت انجام شود یا به صورتی دیگر». شاید، این بدون منظور به کسی صدمه برساند. زیرا که تضادهای شخصی بسیار پیچیده می‌باشند، شخص ممکن است بدون قصد کارما بوجود بیاورد. بعنوان پیامد، شخص مطلقاً می‌خواهد ذهنش را مهر و موم کند و چیزی نگوید. در گذشته، مذاهب تزکیه گفتار را بسیار جدی می‌گرفتند و این‌ها چیزهایی هستند که در مذاهب آموخته شده است.

اکثریت تمرین کنندگان فالون دافای ما (یعنی، به جز آنهایی که تمرین کنندگان حرفه‌ای هستند) در بین مردم عادی تزکیه می‌کنند. برای همین نمی‌توانند از اداره کردن یک زندگی عادی در بین جامعه معمولی انسانی و اثر متقابل با جامعه اجتناب کنند. همه شغلی دارند و باید آن را به خوبی انجام دهند. بعضی از مردم کارشان را باید بوسیله حرف زدن انجام دهند. پس آیا این یک تضاد و درگیری نیست؟ این یک تضاد نیست. چرا یک تضاد نیست؟ تزکیه گفتار که ما به آن اشاره می‌کنیم با تزکیه گفتار روشهای دیگر بسیار متفاوت است. به خاطر اختلاف در راههای تزکیه، شرایط نیز متفاوت هستند. ما باید همگی بر طبق شین‌شینگ یک تمرین کننده صحبت کنیم تا اینکه تضادی را خلق کرده یا چیزی نابجا و نامناسب بگوئیم. بعنوان تمرین کنندگان، باید خودمان را با استاندارد فا بسنجیم تا معین شود که آیا می‌توانیم چیزهایی قطعی را بازگو کنیم. آنچه که باید گفته شود مشکلی را ایجاد نمی‌کند اگر شخص با استاندارد شین‌شینگ برای تمرین کنندگان بر طبق فا پیروی کند. بعلاوه، ما باید درباره فا صحبت کرده و آن را ترویج کنیم، پس این غیر ممکن است که صحبت نکرد. تزکیه گفتار که ما آموزش می‌دهیم اشاره می‌کند: به شهرت و نفع شخصی که نتوان آنها را در بین مردم عادی از دست داد، موضوعی که هیچ ربطی به کار واقعی تمرین کنندگان در جامعه ندارد، یا پشت سر هم حرف زدن بی‌معنا در بین تمرین کنندگان یک مدرسه تزکیه، وابستگی‌ای که باعث می‌شود شخص خودنمایی کند، یا رایج کردن شایعه‌ای که به جایی دیگر تعلق دارد، یا بحث‌هایی که درباره بعضی از مسائل اجتماعی است که شخص درباره آنها هیجان زده است. من معتقدم این‌ها وابستگی‌های مردم عادی هستند، فکر می‌کنم که ما در این بخش‌ها بایستی مواظب آنچه که می‌گوییم باشیم - این تزکیه گفتار است که ما به آن اشاره می‌کنیم. راهبان در گذشته این مسائل را بسیار جدی می‌گرفتند، زیرا که به محض اینکه شخص شروع به فکر کردن می‌کرد کارما بوجود می‌آمد. به همین جهت، آنها جسم، گفتار و ذهن را تزکیه می‌کردند. تزکیه جسم که آنها درباره‌اش صحبت می‌کردند این بود که شخص کارهای نادرست انجام ندهد. منظور از تزکیه گفتار این بود که شخص صحبت نکند. منظور از تزکیه روان این بود که شخص حتی فکر هم نکند. در گذشته، شرایط سختی برای این مسائل در تزکیه حرفه‌ای در معابد قائل بودند. ما باید خودمان را بر طبق شین‌شینگ تمرین کنندگان اداره کنیم. این می‌تواند خوب باشد تا آنجا که شخص به آنچه که باید گفته شود یا نباید گفته شود تسلط داشته باشد.

سخنرانی نهم

چی گونگ و ورزش‌های فیزیکی

مردم در سطح معمولی، خیلی راحت چی گونگ را بطور مستقیم به ورزش ربط می‌دهند. البته، در سطحی پایین، چی گونگ و ورزش‌های فیزیکی با توجه به دست یافتن به سلامتی جسم یکی هستند. اما روش‌های ویژه تمرین‌ها و نحوه پذیرش آنها اختلاف فاحشی با ورزش‌های فیزیکی دارند. برای رسیدن به بدنی سالم از طریق ورزش‌های فیزیکی، شخص باید مقدار تمرین را افزایش دهد و تعلیمات فیزیکی نیز تشدید گردند. در هر حال، تمرین چی گونگ درست برعکس است، بطوریکه از شخص خواسته نمی‌شود حرکت کند. اگر هر گونه حرکت و فعالیتی در آن وجود داشته باشد، آرامش بخش، آهسته و خمیده است. آن حتی ساکن و بی‌حرکت است - و بشدت از فرم‌های تمرین‌های فیزیکی متفاوت می‌باشد. از دیدگاه سطحی بالا، چی گونگ فقط به شفا دادن و حفظ سلامتی محدود نیست، زیرا آن مظهر موضوعی از سطوح بالاتر است و محتوایی عمیق‌تر دارد. چی گونگ معلومات دست و پا شکسته‌ای از مسائل در سطح مردم عادی نیست. آن فوق طبیعی است و جلوه‌های مختلفی در سطوح مختلف دارد. چی گونگ چیزی است که به فراسوی مردم عادی می‌رود.

آنها همچنین با توجه به طبیعت تمرین‌ها، بطور فوق‌العاده‌ای متفاوت هستند. برای اینکه بدن در این سطح رقابتی مدرن آماده شود و با معیار و ملاک آن روبرو گردد، از یک ورزشکار، مخصوصاً ورزشکار امروزی، خواسته می‌شود که مقدار تمرین‌ها را افزایش دهد. به همین جهت، فرد باید همیشه بدن را در شکلی عالی نگهدارد. برای رسیدن به این هدف، شخص باید مقدار تمرین‌ها را افزایش دهد تا گردش خون به اندازه کافی در بدن در جریان باشد، سوخت و ساز بدن را بهبود بخشد، و همیشه آن را در موقعیت بهتر شدن و ترقی نگهدارد. چرا باید سوخت و ساز بدن بهبود بخشد؟ برای اینکه بدن یک ورزشکار همیشه باید در حال بهتر شدن باشد و بهترین شرایط را برای رقابت داشته باشد. بدن انسان از مقدار بیشمار سلول تشکیل شده است. همه اینها روند زیر را دنبال می‌کنند: زندگی تازه سلول تقسیم شده بسیار قوی است و سلول مظهری از یک مرحله رشد است. وقتی به نهایت رشد خود می‌رسد، نمی‌تواند بیش از آن به رشد ادامه دهد و فقط می‌تواند رو به زوال باشد تا اینکه از بین برود. سپس سلول تازه‌ای جای آن را می‌گیرد. برای مثال، اجازه بدهید دوازده ساعت از روز را برای توضیح آن بکار ببریم. یک سلول در ساعت شش صبح تقسیم می‌شود و یک مرحله رشد را نشان می‌دهد. وقتی به ساعت هشت صبح می‌رسد، نه، یا ده، همگی اینها زمان‌های بسیار خوبی هستند. وقتی که ظهر فرا می‌رسد، دیگر بیشتر از این به بالا حرکت نمی‌کند، و فقط می‌تواند از سر بالایی پایین بیاید. در این زمان، سلول هنوز نیمی از عمر خودش را باقی دارد، اما این نیمه عمر باقی مانده برای شرایط رقابتی یک ورزشکار نامناسب است.

پس، چه باید انجام داد؟ فرد باید تمرین‌ها را افزایش دهد و گردش خون را زیاد کند، و سپس، سلول‌های تقسیم شده جدید می‌توانند جایگزین قدیمی‌ها گردند. آن این مسیر را طی می‌کند. به عبارتی دیگر، قبل از اینکه سفر کامل سلول تمام شود یا وقتی که فقط نیمی از عمر آن باقی است، بوسیله سلول دیگر جایگزین می‌گردد. در نتیجه بدن همیشه با قدرت باقی می‌ماند و پیشرفت‌هایی می‌کند. اما سلول‌های بشری نمی‌توانند به این صورت بی‌وقفه تقسیم شوند، زیرا که تعداد تقسیم سلول‌ها محدود و متناهی هستند. فرض کنید یک سلول فقط می‌تواند صد بار در زندگی شخص تقسیم گردد. در حقیقت، می‌تواند بیش از یک میلیون بار تقسیم گردد. و فرض کنید وقتی که یک سلول صد بار برای یک فرد معمولی تقسیم می‌شود، می‌تواند یک صد سال زندگی کند. اما این سلول در حال حاضر فقط نیمی از عمر خودش را طی کرده است، بنابراین می‌تواند فقط پنجاه سال زندگی کند، اما ندیده‌ایم که هیچ مشکل عمده‌ای برای ورزشکاران اتفاق بیفتد، زیرا که امروزه ورزشکاران مجبورند قبل از اینکه به سی سالگی برسند بازنشسته شوند. مخصوصاً، امروزه سطح رقابت بسیار بالا است، و تعداد ورزشکاران بازنشسته نیز بسیار زیاد است. یک ورزشکار بدین ترتیب می‌تواند یک زندگی معمولی را از سر بگیرد و بنظر

نمی‌آید که بیش از حد تحت تأثیر قرار گرفته باشد. از لحاظ تئوری، اصولاً بدین صورت است. تمرین‌های فیزیکی می‌توانند فرد را قادر به نگهداری یک بدن سالم کنند، اما باعث کوتاه شدن زندگی شخص می‌شوند. از لحاظ ظاهری، یک ورزشکار در دوره جوانی مثل بیست ساله‌ها بنظر می‌آید، در حالیکه در سن بیست سالگی شبیه سی ساله‌ها است. در نزد یک ورزشکار معمولاً پیری زودرس ظاهر می‌شود. اگر مزیتی وجود داشته باشد، عیب و نقطه ضعفی از نظر یک دیدگاه استدلالی وجود خواهد داشت. در حقیقت، این مسیر را طی می‌کند.

تمرین چی‌گونگ درست برعکس تمرین‌های بدنی است. لازمه آن حرکات توان فرسا نیست. اگر هر حرکتی در آن وجود داشته باشد، آرامش بخش، آهسته و خمیده است. آنقدر آرامش بخش و آهسته است که حتی بی‌حرکت و ساکن می‌شود. شما می‌دانید که روش‌های تزکیه نشسته در خلسه لازم می‌دانند که به مرحله سکون برسند. هر موردی از قبیل ضربان قلب و گردش خون آهسته‌تر می‌شوند. در هندوستان، بسیاری از استادان یوگا وجود دارند که می‌توانند در آب بنشینند یا برای چندین روز در زمین دفن گردند. آنها می‌توانند کاملاً خودشان را ساکن کرده و حتی ضربان قلبشان را کنترل کنند. فرض کنید که سلول‌های شخص یک بار در روز تقسیم می‌شوند. یک تمرین‌کننده می‌تواند، کاری کند که سلول‌های بدنش هر دو روز یک بار تقسیم شوند، یک بار در هر هفته، یک بار در هر دو هفته، یا حتی یک بار در زمانی طولانی‌تر. پس او در حال حاضر زندگی‌اش را طولانی کرده است. این اشاره به تمرین‌هایی می‌کند که فقط روان را تزکیه می‌کنند بدون اینکه جسم را تزکیه کنند، زیرا که می‌توانند همچنین به این درجه برسند و زندگی فرد را طولانی‌تر کنند. ممکن است کسی فکر کند: «آیا زندگی فرد یا طول عمر او از قبل نقش بسته نشده است. چگونه می‌تواند شخص بدون اینکه جسم را تزکیه کند، طولانی‌تر زندگی کند؟» این درست است. اگر سطح یک تمرین‌کننده به فراسوی قلمروهای سه‌گانه برسد، زندگی او طولانی‌تر خواهد شد، اما در ظاهر بسیار پیر بنظر خواهد رسید.

یک روش تزکیه واقعی که جسم را تزکیه می‌کند بطور پیوسته ماده انرژی اعلای جمع شده را در سلول‌های بدن شخص انبار می‌کند و بطور پیوسته آن را افزایش داده تا به تدریج واپس زده و به آهستگی جایگزین سلول‌های عادی شخص شود. در این زمان یک تغییر کیفی بوجود خواهد آمد، و این شخص تا ابد جوان باقی خواهد ماند. البته، روند تزکیه بسیار آهسته است و شخص را آرام می‌کند، و شخص باید فداکاری‌هایی بکند. این برای یک شخص خیلی آسان نیست که از لحاظ روانی و فیزیکی خودش را تعدیل کند. آیا شخص می‌تواند در یک تضاد شین‌شینگ با دیگران آرام باقی بماند؟ آیا شخص وقتی منافع شخصی‌اش در خطر است بدون تحت تأثیر باقی می‌ماند؟ برای انجام آن این بسیار مشکل است، بنابراین این معنی را نمی‌دهد که شخص تا آنجایی که بخواهد به این هدف نایل شود، می‌تواند به آن برسد. فقط وقتی شین‌شینگ فرد و تقوای او رشد کرده‌اند می‌تواند به این هدف برسد.

بسیاری از مردم چی‌گونگ را با ورزش‌های فیزیکی معمولی یکی گرفته‌اند، در حالیکه در حقیقت تفاوت بسیار زیاد است، آنها به هیچوجه شبیه هم نیستند. فقط وقتی چی در پایین‌ترین سطح تمرین می‌شود برای شفا و سلامتی است تا سلامتی جسم تضمین گردد، این هدف در پایین‌ترین سطح همانند تمرین‌های فیزیکی است. به هر حال، آنها در سطحی بالا، موضوعاتی کاملاً متفاوت هستند. پالایش بدن در چی‌گونگ نیز منظور و هدف خود را دارد و علاوه بر این، از تمرین‌کنندگان خواسته می‌شود از اصول فوق طبیعی به جای اصول مردم عادی پیروی کنند. اما تمرین‌های فیزیکی فقط موضوعی برای مردم عادی هستند.

فکر - قصد

در رابطه با قصد، اشاره به فعالیت‌های فکری انسانی ما می‌شود. چه نظری در میان جامعه تزکیه‌کنندگان در مورد فعالیت‌های فکری در مغز دارند؟ آن به چه شکلی در فرم‌های مختلف تفکر بشری (فکر - قصد) نشان داده می‌شود؟ و چگونه آشکار می‌گردند؟ پزشکی جدید هنوز هم نمی‌تواند بسیاری از مسائل را در مطالعه مغز بشری حل کند، زیرا که بررسی سطحی بدن‌های ما به این آسانی نمی‌باشد. در سطوحی عمیق‌تر، بعدها، مختلف شکل‌های متفاوت را به خود

می‌گیرند. اما این همچنین از آنچه که استادان چی‌گونگ اظهار نموده‌اند متفاوت است. بعضی از استادان چی‌گونگ حتی خودشان هم آگاهی ندارند که موضوع از چه قرار است، و نمی‌توانند آن را به روشنی توضیح بدهند. آنها تصور می‌کنند یکبار که تفکرشان را به کار برده و فکری را رشد داده‌اند، قادر خواهند بود کاری را انجام دهند. آنها ادعا می‌کنند که موضوعات بوسیله افکار یا قصد آنها انجام شده‌اند. در واقع، آن موضوعات اصلاً بوسیله قصد آنها انجام داده نشده‌اند.

اول از همه اجازه بدهید درباره منشأ افکار شخص صحبت کنیم. در چین باستان، اصطلاح «قلب متفکر» وجود داشت. چرا «قلب متفکر» نامیده می‌شد؟ علم چین باستان بسیار پیشرفته بود زیرا که تحقیقات بطور مستقیم به موضوعاتی از قبیل بدن انسان، زندگی، و عالم نشانه می‌رفت. بعضی افراد در واقع احساس می‌کردند که قلب آنها است که فکر می‌کند، در حالیکه دیگران احساس می‌کردند مغزشان است که فکر می‌کند. چرا چنین وضعیتی وجود داشت؟ این کاملاً قابل قبول است وقتی بعضی از افراد درباره قلب متفکر صحبت می‌کنند. علت این است که دریافته‌ایم روح نخستین یک انسان عادی بسیار کوچک است، و پیغام‌های واقعی از مغز بشری حاصل خود مغز بشری نیستند آنها بوسیله مغز تولید نشده‌اند، بلکه بوسیله روح نخستین بوجود آمده‌اند. روح نخستین فرد فقط در محل نیوان (Niwan) جای ندارد. محل (Niwan) در مدرسه تائو در قسمت غده صنوبری بدن قرار دارد که پزشکی مدرن ما نیز آن را فهمیده است. اگر روح نخستین شخص در محل (Niwan) باشد، شخص واقعاً احساس خواهد کرد که مغز درباره چیزی فکر می‌کند یا پیغام‌هایی را به خارج می‌فرستد. اگر در قلب کسی باشد شخص واقعاً احساس خواهد کرد که قلب او در مورد موضوعی فکر می‌کند.

بدن انسان یک عالم کوچک است. بسیاری از موجودات زنده در بدن تمرین‌کننده امکان توانایی جا به جا شدن را دارند. وقتی روح نخستین مکان خودش را تغییر می‌دهد، اگر به طرف شکم حرکت کند، شخص احساس خواهد کرد که شکم در واقع درباره چیزی فکر می‌کند. اگر روح نخستین به نرمه ساق یا پا پاشنه پا حرکت کند، شخص واقعاً احساس می‌کند نرمه ساق یا پا پاشنه پا درباره موضوعی فکر می‌کند. تضمین می‌شود که به این صورت باشد، هر چند که کلاً به نظر غیر قابل قبول بیاید. وقتی سطح تزکیه‌اتان زیاد بالا نیست، متوجه وجود این پدیده خواهید شد. اگر بدن انسانی روح نخستین و چیزهایی مثل خلق و خو، شخصیت، و محبوبیت را دارا نباشد، فقط یک تکه گوشت است و انسانی کامل با خصوصیت فردی نیست. پس مغز بشری چه کارکردی دارد؟ آنطور که می‌بینم، مغز بشری در شکلی از این بعد فیزیکی فقط یک کارخانه پردازش است. پیغام واقعی بوسیله روح نخستین به خارج فرستاده می‌شود. به هر حال آنچه که انتقال داده می‌شود یک زبان نیست، بلکه پیغامی از عالم است که نمایانگر مفهومی خاص است. بعد از اینکه مغز ما چنین فرمانی را می‌گیرد، آن را به زبان حاضر ما یا به چنان شکل‌های توضیحی دیگری برمی‌گرداند، ما آن را از طریق علامتهای دست، تماس چشمی، و حرکات جسمی ابراز می‌کنیم. مغز فقط این اثر را دارد. فرمان‌های واقعی و تفکرات از روح نخستین شخص می‌آیند. مردم معمولاً معتقدند که آنها مستقیماً و مستقلاً عمل کرد مغز هستند. در حقیقت، روح نخستین بعضی مواقع چیزی در قلب است، به همین جهت برخی از مردم در حقیقت می‌توانند احساس کنند که قلبهایشان فکر می‌کنند.

در حال حاضر، آنهایی که پژوهش‌هایی درباره بدن بشر انجام می‌دهند معتقدند آن چه که مغز بشر پخش می‌کند چیزی شبیه موج الکتریکی است. ما نمی‌خواهیم اول از همه بگوییم چه چیزی بطور واقعی پخش می‌شود اما آنها اقرار می‌کنند که آن یک نوع از حیات ماده است. بنابراین، این خرافه‌پرستی نیست. تأثیرات این ماده چیست؟ بعضی از استادان چی‌گونگ ادعا می‌کنند: «من می‌توانم قصد خود را برای به حرکت درآوردن اشیاء بکار ببرم، چشم سوم شما را باز کنم، بیماری شما را معالجه کنم، و غیره.» حقیقت این است که بعضی از استادان چی‌گونگ حتی نمی‌دانند که چه نوعی از نیروهای فوق طبیعی را در اختیار دارند. فقط می‌دانند هر چه را که بخواهند می‌توانند به محض اینکه درباره آن فکر کنند انجام دهند. در حقیقت، قصد آنها است که عمل می‌کند: نیروهای فوق طبیعی بوسیله قصد ذهن هدایت می‌شوند، و وظایف معینی را زیر نظر قصد اجرا می‌کنند. اما قصد به خودی خود نمی‌تواند کاری انجام دهد. وقتی تمرین‌کننده‌ای کاری بخصوص را انجام می‌دهد توانایی فوق طبیعی اوست که کار را انجام می‌دهد.

توانایی‌های فوق طبیعی استعدادهای فوق طبیعی بدن انسان هستند. با رشد جامعه انسانی ما، ذهن بطور فزاینده‌ای پیچیده‌تر شده و بیشتر وابسته به نفوذ «واقعیت» است و اتکاء آن به ابزار و آلات مدرن بیشتر شده است. در نتیجه، توانایی‌های مادرزادی بشر بطور روزافزونی تنزل کرده است. مدرسه تأثر رجعت به اصل و حقیقت خود را آموزش می‌دهد. جریان عمل تزکیه، باید در جستجوی حقیقت باشید، و در نهایت به اصل خودتان، خود حقیقی و ذات طبیعی‌تان رجعت کنید. فقط بعد از آن می‌توانید توانایی‌های مادرزادیتان را آشکار کنید. ما این روزها، آنها را «توانایی‌های فوق طبیعی» می‌نامیم در حالیکه آنها همگی در واقع توانایی‌های مادرزادی بشر می‌باشند. به نظر می‌آید جامعه بشری در حال پیشرفت باشد، اما آن در واقع سیر قهقراپی را می‌پیماید و از فطرت عالم بیشتر دور می‌گردد. روز قبل درباره (جان گولائو) (Zhanj Guolao) صحبت کردم که بر روی الاغش عقب عقب می‌راند، اما شاید مردم نتوانستند منظور او را بفهمند. او کشف کرد به جلو رفتن همان به عقب حرکت کردن است، و اینکه انسان بیشتر و بیشتر از کیفیت عالم دور شده است. در جریان پروسه تغییر عالم، مخصوصاً امروزه بعد از پیوستن به اقتصاد کالا و اجناس، اخلاقیات بسیاری از اشخاص بد شده، و از کیفیت عالم حقیقت، نیکخواهی - بردباری بیشتر و بیشتر دور شده‌اند. آنهایی که با جریان مردم عادی از مسیر خود خارج می‌شوند نمی‌توانند به فساد گسترده اخلاقی بشر پی ببرند. در نتیجه بعضی اشخاص هنوز هم می‌پندارند که آن چیزها خوب هستند. فقط افرادی که بر اثر تزکیه‌شان شین‌شینگ آنها ترقی و رشد کرده است، با نظری به گذشته خواهند فهمید که معیار اخلاقی بشر به گسترده‌گی وحشتناکی رو به زوال رفته است.

بعضی از استادان چی‌گونگ ادعا کرده‌اند «من می‌توانم توانایی‌های فوق طبیعی شما را رشد دهم». چه توانایی‌های فوق طبیعی را می‌توانند رشد دهند؟ بدون انرژی، توانایی فوق طبیعی یک فرد نمی‌تواند عمل کند. چگونه می‌توانید آن توانایی‌ها را بدون انرژی رشد بدهید؟ وقتی توانایی‌های فوق طبیعی فردی شکل نگرفته و بوسیله انرژی خود فرد مستمر نشده است، چگونه می‌تواند آنها را رشد دهد؟ این مطلقاً غیرممکن است. آنچه که آنها درباره رشد توانایی‌های فوق طبیعی گفته‌اند چیزی نیست، بلکه توانایی‌های رشد داده شده فوق طبیعی در حال حاضر شما است که به مغزتان ربط داده شده‌اند. آنها با هدایت قصد مغز شما کار خواهند نمود. این کاری است که آنها با شرایط رشد توانایی‌های فوق طبیعی انجام می‌دهند. آنها در واقع، هیچکدام از توانایی‌های فوق طبیعی شما را رشد نداده‌اند، بلکه فقط این قسمت کوچک از کار را انجام داده‌اند.

برای یک تمرین‌کننده، قصد او به توانایی‌های فوق طبیعی فرمان می‌دهد که کارهایی را انجام دهد. برای مردم عادی، قصد آنها به چهار دست و پاهایشان و اعضای حسی‌شان فرمان می‌دهد که کار کنند، درست مثل اداره طراحی در یک کارخانه است: رئیس اداره دستورهایی را به هر بخش از قسمتهای بخصوص صادر می‌کند که وظایفشان را اجرا کنند این نیز مثل مرکز فرماندهی ارتش است: فرمانده اداره دستوراتی می‌دهد و تمام ارتش را برای انجام مأموریتی هدایت می‌کند. زمانی که در خارج از شهر بودم و سخنرانی‌هایی داشتم، اغلب درباره این موضوع با مسئولان انجمنهای چی‌گونگ محلی بحث و گفتگو‌هایی داشتم. همگی آنها شگفت‌زده بودند: «ما مطالعاتی کرده‌ایم که مغز بشری چه اندازه انرژی و آگاهی را دارا است.» در حقیقت، به این صورت نیست. آنها از آغاز در اشتباه بودند. من ذکر کرده‌ام برای مطالعه علمی درمورد جسم بشری باید انقلابی در زمینه فکری بشر بوجود آید. شخص برای فهمیدن آن موضوعات فوق‌العاده، نمی‌تواند روش‌های نتیجه‌گیری مردم عادی و راه‌های آنها را در فراگیری موضوعات به کار ببرد.

در رابطه با قصد، چندین نوع وجود دارد. برای مثال، بعضی از افراد از آگاهی مبهم، نیمه هشیار، الهام، رویاها و غیره صحبت می‌کنند. در مورد رویاها، هیچ استاد چی‌گونگی مایل نیست توضیحی درباره آنها بدهد، زیرا شما از بدو تولد همزمان در بسیاری از بعدهای عالم متولد شده‌اید، این خودهای دیگر شما یک موجودیت منسجم و کامل را با شما بوجود آورده‌اند و با همدیگر و بطور ذهنی در ارتباط هستند. بعلاوه، شما در بدن، روح نخستین، روح نخستین کمکی، و نقش‌های موجودات مختلف دیگران را دارا هستید. بعنوان شکل‌هایی از موجودیت در بعدهای دیگر، هر سلول و تمام اعضای داخلی پیغام نقش‌های شما را به همراه دارند. بدین ترتیب، این بطور فوق‌العاده‌ای پیچیده است. در یک رویا، چیزها در یک لحظه ممکن است به این صورت باشند و لحظه‌ای دیگر به صورتی دیگر. به هر حال، آنها از کجا می‌آیند؟ در علم پزشکی گفته

می‌شود که به خاطر این است که قشر مغزی تغییراتی را تجربه کرده است. این واکنشی است که در این شکل فیزیکی تجلی یافته است. در حقیقت، آن نتیجه دریافت پیغام‌هایی از بعدهای دیگر است. به همین جهت، وقتی رویایی می‌بینید احساس گنجی و شگفتی می‌کنید. این ارتباطی به شما ندارد، و احتیاجی ندارید که به آن اهمیتی قایل شوید. یک نوع از رویا وجود دارد که بطور مستقیم به شما مربوط می‌شود. چنین رویایی را نباید یک «رویا» بنامیم. ضمیر خودآگاه اصلی شما یا روح نخستین اصلی ممکن است یک رویا ببیند که یک عضو خانواده به نزد شما آمده است، که در واقع چیزی را می‌بایستی امتحان کرده باشید، یا اینکه چیزی را دیده یا انجام داده باشید. در این موارد، این روح نخستین اصلی شما است که واقعاً در بعدی دیگر کاری انجام داده و یا چیزی را دیده است، بطوریکه ضمیر خودآگاه شما در آن مورد روشن و واقعی بود. این چیزها واقعاً وجود دارند، به جز اینکه در بعد فیزیکی دیگری اتفاق می‌افتند و در بعد و زمان دیگری انجام شده‌اند. چگونگی می‌توانید آن را یک رویا بنامید؟ اینطور نیست. جسم فیزیکی شما واقعاً اینجا خوابیده است، در نتیجه می‌توانید آن را فقط یک رویا بنامید. فقط چنین رویاهایی مطلبی را دارند که بطور مستقیم به شما مربوط است.

در رابطه با الهام انسانی، نیمه هوشیاری، آگاهی مبهم، و غیره می‌توانم بگویم که این اصطلاحات بوسیله دانشمندان وضع نشده‌اند. آنها اصطلاحاتی هستند که به وسیله نویسندگان پرداخته شده و براساس مکالمه مردم عادی پایه‌گذاری شده‌اند - آنها غیر علمی می‌باشند. «آگاهی مبهم» که مردم به آن اشاره می‌کنند چیست؟ مشکل است که به طور واضح توضیح داد و بیش از اندازه مبهم، زیرا که پیغام‌های انسان‌های متفاوت بسیار پیچیده هستند، و به صورت رشته‌هایی از خاطرات مبهم نمایان می‌شوند. درباره موضوع نیمه هوشیاری که مردم به آن اشاره می‌کنند، به راحتی می‌توانیم درباره آن توضیح بدهیم. بر طبق شرح و وصف موضوع نیمه هوشیاری، به طور عمومی به کسی اشاره می‌کند که موضوعی را بدون آگاهی انجام می‌دهد. دیگران معمولاً خواهند گفت که این شخص این کار را نیمه هوشیارانه انجام داد، و نه از روی قصد. نیمه هوشیاری دقیقاً مثل ضمیر خودآگاه کمکی است که درباره آن صحبت کردیم. وقتی که ضمیر خودآگاه اصلی استراحت می‌کند و کنترلی روی مغز ندارد، فرد آگاهی روشن و واضحی ندارد، مثل اینکه به خواب رفته است. شخص یا در یک رویا یا در یک موقعیت غیره آگاه، به سادگی بوسیله ضمیر خودآگاه کمکی یا روح نخستین کمکی مورد کنترل قرار می‌گیرد. در آن موقع، ضمیر خودآگاه کمکی قادر است کارهای بخصوصی را انجام دهد، که می‌توان گفت که کارهایی را بدون فکری روشن انجام می‌دهید. اما این موارد اغلب گرایش به خوب انجام شدن دارند، چون که ضمیر خود آگاه کمکی می‌تواند از بعدی دیگر طبیعت موضوعات را ببیند و بوسیله جامعه عادی بشری ما به گمراهی کشانده نمی‌شود. به همین جهت، بعد از اینکه شخص متوجه می‌شود که چه انجام داده است به گذشته نگاه می‌کند: «چگونه توانستم این را به این بدی انجام بدهم؟ من نمی‌بایستی این کار را به این صورت با فکری روشن انجام می‌دادم.» ممکن است الان بگویید که آن خوب نیست، اما وقتی ده روز بعد به عقب برگشته و نگاهی به آن بیندازید یا یک ماه و نیم بعد، ممکن است بگویید: «وای! این بسیار خوب انجام شد! پس چگونه آن را انجام دادم؟» این موارد اغلب اتفاق می‌افتند. زیرا که ضمیر خودآگاه کمکی اهمیتی درباره تأثیر آن در آن زمان نمی‌دهد، به هر حال، آن اثر خوبی در آینده خواهد داشت. بعضی موارد نیز وجود دارند که هیچ نتیجه‌ای در آینده ندارند و فقط در آن لحظه اثراتی داشته‌اند. زمانی که ضمیر خودآگاه کمکی این کارها را انجام می‌دهد، احتمالاً در آن موقع کار را به خوبی انجام داده است.

شکل دیگری نیز وجود دارد: بدین معنی که، بعضی از شما با کیفیت مادرزادی خیلی خوب خیلی راحت می‌توانید بوسیله موجودات بالاتر برای انجام کارهایی کنترل شوید. البته، این مسئله دیگری است، و در اینجا درباره‌اش صحبتی نخواهد شد. ما عمدتاً از افکاری صحبت می‌کنیم که از طرف خودمان می‌آیند.

در رابطه با «الهام»، آن همچنین اصطلاحی است که بوسیله نویسندگان عرضه شده است. بطور عمومی اعتقاد بر این است که الهام، بعنوان یک دانش جمع شده در زندگی یک شخص، مثل جرقه‌ای درخشان در یک چشم به هم زدن منفجر

می‌شود. می‌خواهم بگویم برطبق دیدگاه ماتریالیست‌ها (ماده‌گرایان)^۱، شخص هرچه بیشتر در زندگی دانش جمع کند، بیشتر مغز را به کار می‌اندازد، و آن سریعتر می‌شود. در زمانی که شخص مغز را استفاده می‌کند، آن بطور پیوسته بیرون می‌آید، و مسئله‌ای بنام الهام وجود نخواهد داشت. تمام آنچه که معروف به الهام است، وقتی بیرون می‌آید، در این موقعیت قرار ندارد. معمولاً زمانی که یک فرد از مغز استفاده می‌کند، آن را آنقدر مورد استفاده قرار می‌دهد تا اینکه احساس می‌کند دانش او مصرف شده و مثل این می‌ماند که او به انتهای عقل و شعور خودش رسیده است. قادر به ادامه نوشتن یک صفحه کاغذ هم نخواهد بود، برای نوشتن یک قطعه موسیقی ایده‌هایی کم خواهد آورد، یا اینکه نخواهد توانست یک پروژه تحقیقی علمی را کامل کند. در این زمان، شخص معمولاً خسته است، با مغزی ضایع شده و ته سیگارهایی که روی زمین پخش شده‌اند. به خاطر بی‌تکلیفی، سر درد دارد، و هنوز هم نمی‌تواند ایده‌ای را خلق کند. در نهایت، تحت چه شرایطی الهام ظاهر می‌گردد؟ اگر خسته است، فکر خواهد کرد: «فراموشش کن. کمی استراحت می‌کنم.» زیرا هرچه بیشتر ضمیر خودآگاه اصلی او مغزش را کنترل کند موجودات دیگر کمتر می‌توانند به آن وصل گردند، با این استراحت و آرام گرفتن مغز او، به ناگهان می‌تواند بدون قصد چیزی از مغز او به یاد آورده شود. اکثر الهام‌ها به این صورت ظاهر می‌شوند.

چرا الهام در این موقع ظاهر می‌گردد؟ زیرا زمانی که مغز شخص بوسیله ضمیر خودآگاه اصلی در کنترل است، هرچه بیشتر مغز را مصرف کند، ضمیر خودآگاه اصلی کنترل بیشتری دارد، و ضمیر خودآگاه کمکی کمتر می‌تواند به آن داخل شود. زمانی که شخص فکر می‌کند، سر درد دارد، و رنج می‌برد، ضمیر خودآگاه کمکی نیز رنج می‌برد و سردرد بسیار دردناکی دارد. بعنوان قسمتی از این بدن و همزمان تولد یافته از زهدان یک مادر، او نیز قسمتی از این بدن را کنترل می‌کند. زمانی که ضمیر خودآگاه اصلی شخص استراحت می‌کند، ضمیر خودآگاه کمکی آنچه را که می‌داند در داخل مغز برنامه‌ریزی می‌کند. زیرا که او می‌تواند طبیعت ماده را در بعدی دیگر ببیند، بنابراین کار انجام خواهد شد، کاغذ نوشته می‌شود، یا آنکه قطعه موسیقی ساخته می‌شود.

بعضی افراد خواهند گفت: «در آن صورت، باید از ضمیر خودآگاه کمکی استفاده کنیم.» این درست مثل آنچه که شخصی در یک یادداشت هم اکنون سؤال کرد می‌باشد: «چگونه می‌توانیم با ضمیر خودآگاه کمکی تماس برقرار کنیم؟» شما نمی‌توانید با او در تماس باشید زیرا تمرین و ترکیه‌اتان به تازگی شروع شده است و برای تماس گرفتن هیچ توانایی‌ای ندارید. بهتر است هیچ تماسی با او برقرار نکنید، زیرا این قصد وابستگی را به همراه می‌آورد. بعضی افراد ممکن است فکر کنند: «آیا می‌توانیم ضمیر خودآگاه کمکی را برای ایجاد بیشتر سلامتی برای خودمان و سرعت بخشیدن به رشد جامعه انسانی مورد استفاده قرار دهیم؟» نه! چرا نه؟ برای اینکه آنچه ضمیر خود آگاه کمکی شما می‌داند در حال حاضر بسیار محدود است. با پیچیدگی در بعدها و با تعداد بیش از حد سطوح، ساختمان عالم کاملاً پیچیده شده است. ضمیر خودآگاه کمکی فقط می‌تواند آن چه را که در بعد او وجود دارد بداند و در فراتر از بعد خودش به چیزی آگاه نخواهد بود. بعلاوه، سطوح قائم بسیار مختلف و بعدهای زیادی وجود دارند. رشد نوع بشر فقط می‌تواند بوسیله موجوداتی والا در سطحی بسیار سر به فلک کشیده کنترل گردد، و برطبق قانون رشد پیشرفت می‌کند.

جامعه عادی انسانی ما برطبق قانون رشد تاریخ پیشرفت می‌کند. شما ممکن است رشد آن را در یک مسیر بخصوص و نایل شدن به هدفی بخصوص آرزو کنید، اما موجودات والا به این طریق آن را در نظر نمی‌گیرند. آیا مردم زمان‌های گذشته به ناو هواپیما، قطارها، و دوچرخه‌های امروزی فکر نمی‌کردند؟ می‌گویم که این بعید است که به آنها فکر نمی‌کردند، زیرا تاریخ به آن مرحله تکامل دست نیافته بود، و نمی‌توانستند آنها را اختراع کنند. با نظری سطحی، یا از دیدگاه تئوری‌های متداول و دانش امروزی بشری، به خاطر این که علم بشری در آن زمان هنوز به این سطح نرسیده بود نمی‌توانستند آنها را اختراع کنند. در حقیقت، چگونگی رشد علم بشری نیز گامی برطبق نظم و قرار تاریخ است. اگر

۱ - materialism - یک تئوری فلسفی که معتقد است ماده فیزیکی در عمل و حرکت تنها واقعیت است؛ هر چیزی در عالم، شامل احساسات و افکار، می‌تواند بوسیله قوانین فیزیکی توضیح داده شود.

بخواهید انسان‌وار به هدفی بخصوص پی ببرید، آن نمی‌تواند قابل دستیابی باشد. البته، افرادی هستند که ضمیر خودآگاه کمکی آنها می‌تواند به آسانی نقشی را بازی کنند. نویسنده‌ای ادعا کرده است: «می‌توانم ده‌ها هزار کلمه در روز برای نوشتن در کتابم بدون اینکه اصلاً خسته شوم بنویسم. اگر بخواهم، می‌توانم بسیار سریع بنویسم، و دیگران هنوز هم می‌توانند بعد از خواندن آن را واقعاً خوب بیابند.» چرا اینطور است؟ این نتیجه‌ای است از اثر الحاق ضمیر خودآگاه کمکی و ضمیر خودآگاه اصلی او، بطوریکه ضمیر خودآگاه کمکی او می‌تواند نیمی از کار را انجام دهد. اما همیشه به این صورت نیست. اغلب ضمیر خودآگاه کمکی اصلاً خودش را در مسئله‌ای دخالت نمی‌دهد. اگر از او بخواهید کاری را انجام دهد خوب نیست، زیرا که نتیجه‌ای برعکس خواهید گرفت.

فکری پاک و روشن

بسیاری از افراد نمی‌توانند به فکری آرام و بی‌دغدغه در طول تمرین برسند، و به هر جایی می‌روند تا از استادان چی‌گونگی درباره آن سؤال کنند: «معلم، هر چه هم که تمرین بکنم نمی‌توانم به آرامش برسم. به محض اینکه برای تمرین کردن می‌نشینم، به هر چیزی فکر می‌کنم، از جمله فکرها و عقاید جوراجور.» مثل این می‌ماند که رودخانه‌ها و دریاها با هر چیزی در آنها واژگون می‌شوند، و شخص نمی‌تواند به هر حال به آرامشی دست یابد. چرا شخص قادر نیست به آرامش دست یابد؟ بعضی افراد نمی‌توانند این را بفهمند و اعتقاد دارند که باید بعضی حقه‌های سری وجود داشته باشد. استادانی شناخته شده را پیدا خواهند کرد: «خواهش می‌کنم به من بعضی از حقه‌های پیشرفته را برای اینکه بتوانم فکری آرام داشته باشم آموزش بدهید.» به نظر من، این در جستجوی کمک گرفتن از بیرون است. اگر می‌خواهید خودتان را رشد دهید، باید درون خودتان را جستجو کنید و به شدت با قلبتان کار کنید - فقط بعد از آن است که می‌توانید بطور حقیقی صعود کنید و به آرامش در مدیتیشن برسید. توانایی رسیدن به آرامش و سکون گونگ است، و عمق (دینگ) (ding) (مرحله خلوت، اما با حضور فکر) نشان دهنده سطح شخص می‌باشد.

چگونه یک فرد عادی می‌تواند به راحتی به آرامش و سکون برسد؟ فرد کاملاً این کار را نمی‌تواند انجام دهد مگر اینکه از کیفیت مادرزادی بسیار خوبی برخوردار باشد. به بیانی دیگر، دلیل اصلی برای اینکه شخص قادر نیست به سکون نایل گردد مسئله تکنیک نیست، بلکه فکر و قلب شما پاک نمی‌باشند. در جامعه عادی انسانی و در بین تضادهای شخصی، برای نفع شخصی رقابت و جنگ و دعوا به راه می‌اندازید، با همه نوع احساسات انسانی، و وابستگی‌هایی که در طلبشان هستید. اگر این مسائل را رها نکنید و به آنها به آسانی برخورد نکنید چگونه می‌توانید به راحتی به سکون و آرامش برسید؟ کسی در حالیکه تمرین چی‌گونگی می‌کرد ادعا کرد: «نمی‌توانم دقیقاً به آن باور بیاورم. باید خودم را آرام کرده و فکر کردن را متوقف کنم.» به محض اینکه این بیان می‌شود، تمام افکار دوباره سر و کله‌اشان پیدا می‌شود، زیرا که فکر شما پاک نیست. به همین جهت قادر نیستید به یک سکوت فکری برسید.

بعضی از مردم ممکن است با طرز برخورد من موافق نباشند: «آیا بعضی از استادان چی‌گونگی به مردم استفاده تکنیک‌های بخصوص را آموزش نمی‌دهند؟ فرد می‌تواند تمرکز کند، چیزی را مجسم کند، فکرش را به (دان‌تین) (dantian) تمرکز بدهد، در باطن به (دان‌تین) (dantian) نگاه کند، اسم بودا را مرتب بخواند، و غیره.» این‌ها انواعی از تکنیک‌ها هستند. اما صرفاً تکنیک نیستند، بلکه همچنین انعکاسی از توانایی‌های شخص می‌باشند. بنابراین، این توانایی‌ها مستقیماً به تزکیه شین‌شینگ ما و سطح پیشرفت و رشد ما ارتباط دارند. بعلاوه، شخص به تنهایی نمی‌تواند بوسیله استفاده کردن از چنان تکنیک‌هایی به سکون و آرامش برسد. اگر به آن معتقد نیستید، می‌توانید تلاشی در باره‌اش بکنید. با تمناها و وابستگی‌های قدرتمند جوراجور و بدون اینکه قادر باشید از همه چیز دست بکشید، سعی کنید و ببینید که آیا می‌توانید به مرحله سکون و آرامش برسید یا نه. بعضی افراد می‌گویند که با خواندن اسم بودا این کاری خواهد بود. آیا می‌توانید با خواندن نام بودا به سکوت و آرامش برسید؟ کسی اظهار کرد: «تزکیه مدرسه بودا آمیتابها (Amitabha) آسان است. فقط با

خواندن نام بودا کار می‌کنم.» چرا چنین دعا خواندنی را امتحان نمی‌کنید؟ آن را یک توانایی می‌نامم. می‌گویید که آن آسان است، اما می‌گویم به این آسانی نیست، زیرا که هیچ مدرسه تزکیه ای آسان نیست.

همه می‌دانید که ساکیومونی (ساماداهی) (samadhi) مدیتیشن در خلسه را آموزش داد. چه چیزی را او قبل از (samadhi) آموزش داد؟ او «دستور و موعظه» را آموزش داد و از بین بردن تمام تمنای و امیال وافر تا اینکه همه چیز ناپدید گردند - بعد از آن شخص می‌تواند به (samadhi) نائل شود. آیا این چنین اصلی نیست؟ اما (samadhi) نیز یک توانایی است، اگر چه شما کاملاً قادر نیستید به یکباره به «دستور و موعظه» نائل گردید. با از بین بردن تدریجی همه چیزهای نادرست، توانایی شخص برای تمرکز نیز از سطح به عمق بهبود خواهد یافت. وقتی شخص نام بودا را با سرود می‌خواند، باید آنرا با تمام قلب انجام دهد بدون اینکه چیزی در فکرش باشد تا اینکه قسمتهای دیگر مغز کرخ و بی‌حس شوند و او از هر چیزی بی‌خبر گردد، و یک فکر جایگزین هزاران فکر گردد، یا اینکه هر کلمه (بوداآمیتابها) (Buddha Amitabha) در جلوی چشمهای او نمایان گردند. آیا این یک هنر و دستاورد نیست؟ آیا شخص می‌تواند این را از آغاز انجام دهد؟ او نمی‌تواند. اگر شخص نتواند آن را انجام دهد، مطمئناً نمی‌تواند به سکون و آرامش دست یابد. اگر به آن اعتقاد ندارید، می‌توانید سعی خودتان را بکنید. در حالیکه نام بودا را با سرود مکرراً از دهان شخص خوانده می‌شود، مغز او در فکر هر چیز دیگری است: «چرا رئیس من در سر کار این اندازه از من بیزار است؟ پاداش برای این ماه خیلی کم است.» هرچه بیشتر درباره آن فکر می‌کند، بیشتر عصبانی می‌شود، در حالیکه دهان او هنوز هم در حال خواندن نام بودا است. آیا فکر می‌کنید این شخص بتواند چی‌گونگی را تمرین کند؟ آیا این مسئله‌ای از توانایی نیست؟ آیا این مسئله‌ای از ناپاکی مغز شما نمی‌باشد؟ چشم سوم بعضی افراد باز است، و آنها می‌توانند باطناً به دان‌تین (dantian) نگاه کنند. از آنجا که دان (dan) (خوشه انرژی در بدن تزکیه کننده، جمع شده از بعدهای دیگر) در منطقه زیر شکم شخص جمع می‌شود، هرچه این انرژی خالص‌تر باشد، درخشان‌تر و براق‌تر می‌گردد، هرچه این انرژی کمتر خالص باشد بیشتر کدر و سیاه رنگ خواهد بود. آیا فرد می‌تواند به سکون و آرامش فقط با نگاه کردن باطنی به دان (dan) در دان‌تین (dantian) برسد؟ فرد نمی‌تواند به آن دست یابد. این به خود تکنیک مربوط نیست. اساس کار این است که روان و افکار شخص پاک و روشن نمی‌باشند. وقتی باطناً به دان‌تین (dantian) نگاه می‌کنید دان (dan) زیبا و درخشان دیده می‌شود. لحظه‌ای دیگر، دان (dan) تبدیل به یک آپارتمان می‌شود. «این اتاق برای پسرمانی که ازدواج کند خواهد بود. آن اتاق برای دخترمان است. بعنوان یک جفت پیر، در اتاقهای دیگر زندگی خواهیم کرد، و اتاق مرکزی اتاق نشیمن خواهد شد. این فوق‌العاده است! آیا این آپارتمان به من محول خواهد شد؟ من باید فکر کنم تا راهی برای بدست آوردن آن پیدا کنم. چه چیزی باید انجام داده شود؟» مردم درست به این چیزها شیفته و دلبسته‌اند. آیا فکر می‌کنید بتوانید بدین طریق به سکون و آرامش دست یابید؟ این گفته شده است: «وقتیکه به این جامعه مردم عادی آمدم، درست مثل این است که برای چند روز در هتلی بسر می‌برم. سپس، با عجله آن جا را ترک می‌کنم.» ذهن بعضی از اشخاص دقیقاً مشغول این مکان است و خانه‌های اصلی خودشان را فراموش کرده‌اند.

در تزکیه حقیقی شخص باید قلب و درون خودش را تزکیه کند. او باید در جستجوی درون خود باشد تا اینکه به بیرون توجه کند. بعضی از مدارس تزکیه می‌گویند که بودا در قلب شخص است، و این نیز تا حدی واقعیت دارد. بعضی اشخاص این اظهاریه را غلط درک کرده‌اند و می‌گویند که بودا در قلبشان است، مثل اینکه خودشان بودا می‌باشند یا اینکه بودایی در قلبشان وجود دارد. آنها به این شکل این را فهمیده‌اند. آیا این اشتباه نیست؟ چگونه می‌تواند بدین صورت فهمیده شود؟ این معنی را می‌دهد که شما باید قلبتان را تزکیه کنید اگر بخواهید در تزکیه موفق گردید - این اصل را می‌گویید. چگونه یک بودا می‌تواند در بدن شما باشد؟ شما باید تزکیه را انجام دهید تا موفق شوید.

علت اینکه نمی‌توانید به سکون و آرامش دست یابید این است که مغز شما خالی و تهی نمی‌باشد و به سطحی بالا نرسیده‌اید، که فقط پله به پله می‌توان به آن نایل شد. این دست در دست با رشد سطح شما به جلو پیش می‌رود. وقتی وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها را رها می‌کنید، سطح شما ترفیع می‌یابد، و توانایی در تمرکز نیز رشد می‌کند. اگر بخواهید به سکون و آرامش از طریق بعضی تکنیک‌ها و روش‌ها برسید، این را در جستجوی کمک از بیرون می‌نامم. به هر حال در

تمرین چی‌گونگ کج رفتن و راهی اهریمنی را دنبال کردن بی چون و چرا اشاره به افرادی می‌کند که در جستجوی کمک از بیرون هستند. مخصوصاً در بودیسم گفته می‌شود، اگر در جستجوی کمک از بیرون هستید، راهی اهریمنی را انتخاب کرده‌اید. در عمل تزکیه حقیقی شخص باید قلب را تزکیه کند: فقط زمانی که شین‌شینگ خودتان را ترفیع می‌دهید می‌توانید به فکری پاک و روشن برسید، و به مرحله آزاد از قصد (Wuwei) نایل شوید. فقط زمانی که شین‌شینگ شما ترقی کرده است می‌توانید به طبیعت عالم جذب شوید و خواسته‌ها و امیال مختلف انسانی، دلبستگی‌ها و وابستگی‌ها، و چیزهای نادرست دیگر را دور بریزید. فقط بعد از آن قادر خواهید بود چیزهای نادرست در درونتان را رها کنید و طوری صعود کنید که بوسیله طبیعت عالم محدود نشوید. سپس، ماده تقوا می‌تواند به گونگ تبدیل گردد. آیا آنها دست در دست هم به پیش نمی‌روند؟ این درست یک اصل است.

این دلیلی ذهنی است که چرا شخص نمی‌تواند به سکون دست یابد، زیرا که او نمی‌تواند با استاندارد یک تمرین‌کننده مواجه شود. در رابطه با فاکتورهای بیرونی، امروزه موقعیتی وجود دارد که بطور جدی با تزکیه شما به سوی سطوح بالاتر تداخل می‌کند، و بطور جدی روی تمرین‌کنندگان تأثیر می‌گذارد. شما می‌دانید که با اصلاحات و با گشودن درها، اقتصاد انعطاف‌پذیر شده است و سیاست نیز محدودیت کمتری به‌همراه دارد. بسیاری از علوم فنی جدید ارائه شده‌اند، و استاندارد زندگی مردم بهبود یافته است. تمام مردم عادی فکر می‌کنند که این چیزی خوب است. اما مسائل باید بطور منطقی و دیالکتیکی از هر دو جهت مورد بررسی قرار گیرند. با اصلاحات و گشودن درها چیزهای بد به عناوین مختلف نیز وارد شده‌اند. اگر کاری ادبی با کمی هرزه‌نگاری به همراه نباشد، بنظر می‌رسد که کتاب قادر به فروش نباشد زیرا که مسئله کمیت فروش مطرح است. اگر فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی مقداری از صحنه‌های اتناق خواب را نشان ندهند، با شرایط آمار بینندگان بنظر نمی‌آید کسی آنها را تماشا کند. در رابطه با کار هنری، هیچکس نمی‌تواند بگوید که آن کاری واقعی است یا چیزی دیگر. در هنر سنتی چین باستان ما چنین چیزهایی وجود نداشت. سنت‌های ملی چین ما بوسیله هر کسی اختراع یا خلق نشده بود. در سخنرانی‌هایم درباره فرهنگ پیش از تاریخ اشاره کرده‌ام که هر چیزی اصل خود را دارا است. ارزش‌های اخلاقی انسانی تحریف شده و تغییر یافته‌اند. استاندارد سنجیدن خوبی و بدی همگی تغییر کرده‌اند. این‌ها مسائل مردم عادی هستند. اما کیفیت این عالم، حقیقت - نیکخواهی - بردباری، بدون تغییر بعنوان تنها ملاک تمایز انسان خوب از انسان بد باقی مانده است. در مقام یک تمرین‌کننده، اگر بخواهید به بالا ترقی کرده و به فراسوی آن بروید، باید این محک را برای ارزشیابی مسائل مورد استفاده قرار دهید - نه استاندارد مردم عادی را - بنابراین تداخل خارجی وجود دارد. بیشتر از این موارد مثل هم‌جنس بازی، آزادی‌های جنسی، سوء استفاده از مواد مخدر پدیدار شده‌اند.

درباره‌اش فکر کنید وقتی جامعه بشری امروزه به این مرحله گام برداشته است: اگر به این طریق ادامه داده شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا می‌تواند برای ابد به این صورت اجازه وجود داشته باشد؟ اگر بشر برای آن کاری انجام ندهد، بهشت این کار را خواهد کرد. هر موقع که بشر مصیبت و بلایی را تجربه می‌کند، همیشه در تحت چنین شرایطی بوده است. سخنرانی‌های زیادی داشته‌ام اما مسئله فاجعه‌های بشری را مطرح نکرده‌ام. این موضوع داغ مورد بحث و گفتگو در بین مذاهب و بسیاری از اشخاص بوده است. این مسئله را برای همگی مطرح می‌کنم، پس همگی درباره آن فکر کنید. در جامعه مردم عادی ما، استاندارد اخلاقی بشر دستخوش چنین تغییری شده است. تنش‌های بین مردم به چنان سطح وسیعی رسیده است! آیا فکر نمی‌کنید که این به یک مرحله فوق‌العاده خطرناکی رسیده است؟ به همین جهت، این محیط زیست که بطور عینی در حال حاضر وجود دارد با تزکیه تمرین‌کنندگان ما نیز به سوی سطوح بالاتر بطور جدی اختلال ایجاد می‌کند. عکس‌های برهنه مستقیماً در وسط خیابان آویزان به نمایش گذاشته شده‌اند. به محض اینکه سرتان را بلند می‌کنید می‌توانید آنها را مشاهده کنید.

زمانی لائو ذی (Lao Zi) اظهار نمود: «وقتی شخصی دانا درباره تائو می‌شنود، آن را با پشتکاری تزکیه می‌کند.» وقتی شخصی دانا تائو را یاد می‌گیرد، فکر می‌کند: «بالاخره راه درست تزکیه را پیدا کرده‌ام. چرا صبر نمود و از حالا تمرین و تزکیه را شروع نکرد؟» به نظر من محیطی پیچیده و دشوار در عوض چیزی خوب است. آن هر چه بیشتر پیچیده و دشوار

باشد، افراد بی‌نظیری را بوجود خواهد آورد. اگر شخص بتواند خودش را به بالا و فراسوی محیط ارتقاء بدهد، تزکیه‌اش می‌تواند محکم و استوارتر گردد.

می‌گویم برای تزکیه‌کننده‌ای که بطور واقعی مصمم است تزکیه کند آن به مسئله‌ای خوب تبدیل خواهد شد. بدون برخورد‌ها و مشکلات یا فرصت‌هایی برای ترقی شین شینگ‌تان نمی‌توانید پیشرفتی کنید. اگر همه مردم با همدیگر خوب باشند، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ برای فردی که تزکیه‌کننده‌ای معمولی است، او «شخصی است معمولی که درباره تائو می‌شنود.» و برای او فرقی نخواهد کرد که تزکیه کند یا نه، اغلب مثل این است که او در تزکیه موفق نمی‌شود. بعضی اشخاص که اینجا حضور دارند فکر می‌کنند آنچه معلم می‌گوید خوب و منطقی است. با بازگشت به محیط مردم عادی هنوز هم ممکن است فکر کنند که نفع‌ها و سودهای فوری بیشتر عملی و حقیقی هستند. آنها واقعی‌اند. نه تنها فقط شما، بلکه بسیاری از میلیونرهای غربی و مردم پولدار نیز پی برده‌اند که بعد از مرگ چیزی باقی نخواهد ماند. دارائی‌های مادی با تولد به همراه نمی‌آیند، بعد از مرگ نیز به همراه نخواهید برد - آنها بسیار تو خالی و غیر واقعی هستند. اما چرا گونگ اینقدر با ارزش و قیمتی است؟ زیرا که آن به بدن ازلی شما وصل است، و با تولد شما به همراهتان می‌آید و بعد از مرگ به همراهتان خواهد بود. گفته‌ایم که روح ازلی فرد از بین نمی‌رود، و این خرافه‌پرستی نیست. بعد از آن که سلول‌های بدن‌های فیزیکی ما منهدم شده‌اند، ذرات کوچکتر سلول‌ها در بعدهای فیزیکی دیگر منقرض نمی‌شوند. فقط اینکه یک پوسته بیرون آمده است.

همه آن چه را که هم‌اکنون ذکر کرده‌ام بستگی به مسئله شین شینگ فرد دارد. ساکیومونی یک بار این بیانیه را اظهار نمود هم‌چنین بودهدیدارما (Boddhidarma) : «این کشور شرقی چین محلی است که در آن مردمی را با تقوای زیاد ارائه می‌دهد. در سراسر تاریخ بسیاری راهبان و مردم چین درباره این موضوع بسیار سرفراز بوده‌اند؛ اینطور بنظر می‌آید که آنها می‌توانند گونگ خود را به سطح بالا تزکیه کنند، از این رو بسیاری از اشخاص راضی بوده و احساس خرسندی می‌کنند، این برای ما مردم چین بسیار خوب است! کشور چین می‌تواند مردمی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده و تقوای بی‌نظیری ارائه دهد.» در واقع، بسیاری از مردم معنای پشت پرده آن را نفهمیده‌اند. چرا کشور چین مردمی با تقوای بی‌نظیر و گونگ در سطحی بالا را بوجود می‌آورد؟ بسیاری از افراد منظور واقعی گفتار مردم در سطوح بالا را نفهمیده‌اند، و حیطه و زمینه فکری آنها را که در سطوح بالاتر و در قلمرویی سر به فلک کشیده هستند را دریافته‌اند. البته، گفته‌ایم که درباره آنچه که معنا و منظور آن می‌باشد اشاره‌ای نخواهیم کرد. همگی درباره‌اش فکر کنید: فقط با بودن در بین دشوارترین و سخت‌ترین گروه‌های مردمی و محیط و شرایط بسیار سخت است که شخص می‌تواند در سطوح بالا گونگ را تزکیه کند - این اشاره به این می‌کند.

کیفیت مادرزادی

کیفیت مادرزادی فرد بوسیله مقدار ماده تقوا در بدن شخص از بعدهای دیگر معین می‌گردد. با تقوای کمتر و ماده سیاه بیشتر، میدان کارمایی فرد بزرگ‌تر می‌گردد. در اینصورت، شخص کیفیت مادرزادی ضعیفی دارد. با تقوا یا ماده سفید رنگ زیاد، میدان کارمایی فرد کوچکتر خواهد بود. بعلاوه، این شخص از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار است. ماده سفید و سیاه شخص می‌توانند متقابلاً به یکدیگر تبدیل گردند. چگونه آنها تبدیل شده‌اند؟ انجام اعمال خوب ماده سفید را بوجود می‌آورد، بطوریکه ماده سفید از طریق تحمل کردن سختی‌ها، زجر کشیدن‌ها، بدبختی‌ها یا انجام دادن اعمال خوب بدست می‌آید، ماده سیاه با انجام دادن کارها و اعمال بد بوجود می‌آید، و این کارما است. آن دستخوش چنین روند تغییر و تبدیلی می‌باشد. همزمان، این همچنین یک ارتباط منتقل کننده دارد. از آن جا که مستقیماً همراه روح ازلی است، مربوط به یک دوره زندگی نمی‌باشد، بلکه از زمان‌های دور افتاده‌ای جمع شده است. به همین جهت، مردم از کارمای انبار شده و تقوا جمع‌آوری شده صحبت می‌کنند. بعلاوه، می‌توانند از اجداد نیز منتقل گردند. بعضی مواقع، آنچه را که مردم قدیمی چین یا مردم مسن

گفته‌اند را به یاد می‌آورم: «اجداد شخص تقوا جمع کرده‌اند. تقوای جمع شده یا کمبود تقوا» آن چه که گفته شد کاملاً صحیح است! در حقیقت بسیار درست است.

کیفیت مادرزادی خوب یا ضعیف یک شخص می‌تواند تعیین کننده کیفیت روشن بینی خوب یا ضعیف او باشد. کیفیت مادرزادی ضعیف یک شخص نیز می‌تواند کیفیت روشن بینی او را بسیار ضعیف کند. چرا؟ زیرا فرد با کیفیت مادرزادی خوب ماده سفید بسیار زیادی را دارا است که جذب عالم ما و طبیعت حقیقت - نیکخواهی - بردباری، بدون هیچ سد و مانعی شده است. طبیعت عالم می‌تواند بطور مستقیم در بدن شما ظاهر شود و فوراً در تماس با بدن شما باشد. اما ماده سیاه درست برعکس است. از آنجا که آن با انجام دادن اعمال نادرست بوجود می‌آید، برخلاف جهت فطرت عالم ما عمل می‌کند. به همین جهت، این ماده سیاه از طبیعت عالم ما جدا شده است. وقتی این ماده سیاه به مقدار بسیار زیادی انبار شده باشد، بصورت میدانی دور بدن شخص را احاطه کرده و از داخل به بالا شخص را می‌پوشاند. هرچه میدان وسیع‌تر و بزرگ‌تر باشد، تراکم و ضخامت آن بیشتر خواهد بود، و روشن بینی فرد را بدتر می‌کند. برای همین فرد قادر به دریافت فطرت عالم حقیقت - نیکخواهی - بردباری نیست، چون که شخص با انجام دادن کارهای نادرست ماده سیاه را کسب کرده است. معمولاً برای چنین فردی اعتقاد به تزکیه سخت‌تر خواهد بود. هر چه فطرت روشن بینی او ضعیف‌تر باشد، با مقاومت کارمایی بیشتری روبرو خواهد بود. هرچه درد و رنج بیشتری را متحمل شود، کمتر به آن معتقد خواهد شد و تزکیه کردن برای او سخت‌تر خواهد بود.

برای شخص با ماده سفید فراوان تزکیه کردن آسانتر است. به این خاطر که در جریان تزکیه، تا آنجا که این فرد جذب طبیعت عالم می‌شود و شین شینگ او پیشرفت می‌کند، تقوای او مستقیماً به گونگ تبدیل می‌شود. به هر حال، برای شخصی با ماده سیاه فراوان روشی اضافی وجود دارد. درست مثل محصولی است که در یک کارخانه تولید می‌شود: دیگران با مواد نیمه ساخته می‌آیند، در حالیکه این شخص با مواد خام که احتیاج به رسیدگی و پردازش دارد می‌آید. او باید از میان این روند و پروسه بگذرد. به همین جهت، باید اول از همه سختی‌هایی را تحمل کند و کارما را از بین ببرد، بطوریکه با تبدیل آن به ماده سفید ماده تقوا را شکل می‌دهد. فقط پس از آن می‌تواند گونگ را در سطح بالا رشد بدهد. اما معمولاً چنین شخصی از کیفیت مادرزادی خوبی برخوردار نیست. اگر از او بخواهید بیشتر رنج بکشد، به آن کمتر معتقد خواهد بود و درد کشیدن برای او سخت‌تر خواهد شد. به همین جهت، برای شخصی با ماده سیاه فراوان مشکل است که تزکیه کند. در زمان‌های گذشته، مدرسه تائو یا مدرسه تزکیه‌ای که فقط به یک شاگرد آموزش می‌داد معمولاً از استاد انتظار می‌رفت که در جستجوی یک شاگرد باشد به جای اینکه برعکس باشد. این نیز قطعی بود که چه مقدار این چیزها را بدن این شاگرد حمل می‌کرد.

کیفیت مادرزادی تعیین کننده کیفیت روشن بینی شخص است، اما این قطعی نیست بعضی از افراد کیفیت مادرزادی بسیار خوبی را دارا نیستند، اما اوضاع و شرایط خانه‌اشان بسیار خوب است، بسیاری از اعضای خانواده تزکیه می‌کنند. بعضی از آنها نیز معتقدین مذهبی هستند و به موضوع تزکیه کردن اعتقاد دارند. در این محیط و اوضاع و احوال شخص می‌تواند به تزکیه کردن معتقد شود، و کیفیت روشن بینی را ممکن می‌سازد. اما این نمی‌تواند مطلق و قطعی باشد. بعضی از افراد کیفیت مادرزادی بسیار خوبی دارند، اما به علت تحصیلات ناچیز علمی که از جامعه عملی ما دریافت کرده‌اند، و مخصوصاً به خاطر روش‌های مطلق در آموزش و پرورش مسلکی در چندین سال اخیر، بسیار کوتاه بین و متعصب شده‌اند و نمی‌خواهند به چیزی در فراسوی دانش‌شان باور بیاورند. این بطور جدی می‌تواند بر روی کیفیت روشن بینی آنها تأثیر بگذارد.

بطور مثال، در دومین روز کلاسی بازشدن چشم سوم را آموزش دادم. ناگهان چشم سوم شخصی با کیفیت مادرزادی خوب در سطحی بسیار بالا باز شد. او صحنه‌های بیشمار که خیلی از افراد دیگر نمی‌توانستند ببینند مشاهده نمود. او به دیگران گفت: «وای، من فالون را دیدم که مثل دانه‌های برف از سرتاسر همه تالار روی بدن‌های حضار می‌ریخت. من بدن حقیقی معلم لی را دیدم که به چه شکلی بود، هاله معلم لی را، شکل فالون را، و چه تعداد فاشنی که در آنجا وجود داشتند.» او دید که معلم در سطوح مختلف سخنرانی‌هایی می‌کرد و چگونگی فالون بدن‌های تمرین‌کنندگان را تعدیل و

اصلاح می‌کرد. او همچنین در طی سخنرانی مشاهده کرد که (گونگ‌شن) (gongshen)^۲ معلم بود که در هر سطح مختلفی سخنرانی‌ای می‌کرد. بعلاوه، او زیارویان بهشتی را که گل‌هایی به اطراف می‌ریختند دید، و غیره. او چنین چیزهای زیبایی را مشاهده کرد، که نشان می‌داد کیفیت مادرزادی او به اندازه کافی خوب بود. همانطور که به تعریف کردن ادامه می‌داد در آخر گفت: «من به این چیزها اعتقاد ندارم.» بعضی از این مسائل هم‌اکنون بوسیله علم ثابت شده‌اند. و بسیاری چیزها نیز می‌توانند بوسیله علم جدید توضیح داده شوند، درباره بعضی از آنها بحث و گفتگو کرده‌ایم. به این خاطر است که آنچه چی گونگ فهمیده شده است در حقیقت در فراسوی فهم علم جدید است - مطمئناً اینطور است. در این مورد، کیفیت مادرزادی شخص کلاً نمی‌تواند کیفیت روشن بینی او را مشخص کند.

روشن بینی

«روشن بینی» چیست؟ «روشن بینی» اصطلاحی است که از مذهب می‌آید. در بودیسم، اشاره به فهم و برداشت تمرین‌کننده‌ای از دارمای بودا می‌کند، روشن بینی از طریق یادگیری، و فهمیدن و در نهایت به روشن بینی نایل شدن یعنی به عقل و درایت روشن بین شدن است. با وجود این آن در حال حاضر در میان مردم عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر می‌آید که این فرد بسیار باهوش است و می‌تواند آنچه را که در مغز رئیس او می‌گذرد بخواند. او می‌تواند سریعاً یاد بگیرد و می‌داند چگونه محبوب رئیسش باشد. مردم آن را کیفیت خوب روشن بینی می‌نامند، و معمولاً بدین صورت فهمیده شده است به هر حال زمانی که اندکی بیش از سطح مردم عادی ترقی کنید، خواهید فهمید که اصول در این سطح، آنطور که بوسیله مردم عادی فهمیده می‌شوند، معمولاً اشتباه و نادرست می‌باشند. آن اصلاً روشن بینی نیست که ما به آن اشاره می‌کنیم. در عوض، کیفیت روشن بینی شخص باهوش خوب نیست، زیرا شخصی که بیش از حد باهوش است فقط می‌تواند کاری سطحی را به منظور قدردانی از طرف رئیس خود یا سرپرستش انجام دهد. در این مورد، آیا کار واقعی بوسیله کسی دیگر انجام نخواهد شد؟ بنابراین، این شخص به دیگران مقروض خواهد شد. زیرا که او با هوش و زرنگ است و می‌داند چگونه خرسندی دیگران را بدست آورد، او منفعت بیشتری را بدست می‌آورد در حالیکه دیگران از ضررهای بیشتری رنج خواهند برد. از آنجا که زرنگ و باهوش است، هیچ ضرری را متحمل نخواهد شد، و هیچ چیزی را به آسانی از دست نخواهد داد. در نتیجه، دیگران بایستی ضررهایی را متحمل گردند. او هرچه بیشتر به این قسمت کوچک از منفعت کاری اهمیت می‌گذارد بیشتر کوتاه بین می‌گردد، و بیشتر احساس می‌کند که منفعت مادی بین مردم عادی موضوعی است که نمی‌تواند از آن دست بکشد. پس، بنابراین خود را بسیار عملی می‌یابد، و نمی‌خواهد هیچ ضرری را متحمل شود.

بعضی افراد حتی به این شخص حسادت هم می‌کنند! به شما می‌گویم که به او رشک و حسادت نورزید. شما نمی‌دانید که او چه زندگی خسته کننده‌ای را می‌گذراند. نمی‌تواند به خوبی بخورد یا بخوابد؛ حتی در رویاها هم برای از دست دادن منافع شخصی در هراس است، و برای نفع خود همه کاری را می‌کند. آیا نمی‌بینید که او زندگی خسته کننده‌ای را می‌گذراند. انگار که تمام زندگی او برای آن اختصاص یافته است؟ می‌گوییم وقتیکه در مشکلی یک قدم به عقب بردارید، دریاها و آسمانها را بی حد و مرز خواهید یافت و مطمئناً موقعیت دیگری خواهد بود. به هر حال شخصی مثل او نمی‌تواند کوتاه بیاید، و اغلب زندگی خسته کننده‌ای را به پیش می‌برد. نباید از او یاد بگیرید. در جامعه تزکیه‌کنندگان گفته شده است: «چنین فردی کاملاً از دست رفته است. او کاملاً در بین مردم عادی بخاطر منفعت‌های مادی فنا شده است.» آسان نخواهد بود که از او خواسته شود تا تقوای خود را حفظ کند! اگر از او بخواهید تزکیه را عمل کند، به شما باور نخواهد آورد: «تزکیه کردن؟ به عنوان تمرین‌کنندگان، وقتیکه کتک می‌خورید یا فحش می‌شنوید جنگ و دعوا راه نمی‌اندازید. وقتی دیگران موقعیت سختی را برای شما فراهم می‌کنند در فکرتان، به جای اینکه به همان شکلی که با شما رفتار کرده‌اند با آنها رفتار کنید، حتی شاید مجبورید از آنها تشکر هم بکنید. شما همگی آکیو (فردی احمق) شده‌اید! همگی تان ذهناً و

۲- gongshen (gong – shuhn) – یک بدن ساخته شده از گونگ.

روحاً مریض هستید!» برای چنین فردی، راهی وجود ندارد که تزکیه کردن را بفهمد. خواهد گفت که شما تصورناپذیر و احمق هستید. آیا نخواهید گفت که نجات دادن او مشکل است؟

این روشن بینی نیست که به آن اشاره می‌کنیم. به بیانی دقیقتر، این آن چیزی است که این شخص در رابطه با نفع خود «حماقت» می‌نامد، و روشن بینی است که درباره آن سخن گفته‌ایم. البته چنین شخصی واقعاً احمق نیست. ما مسائل شخصی را به سادگی تلقی می‌کنیم، برعکس با منفعت‌ها به بی‌اعتنایی برخورد می‌کنیم، در حالیکه در زمینه‌های دیگر بسیار خردمند و عاقل هستیم. در رابطه با اداره پروژه‌های علمی تحقیقاتی یا انجام مأموریت‌هایی از طرف مدیران یا دیگر مسئولین، فکری صالح و روشن داریم و آنها را به خوبی برگزار می‌کنیم. ما فقط در رابطه با منافع شخصی و مشکلات شخصی‌مان است که می‌خواهیم کمتر به آنها اهمیت بدهیم. چه کسی می‌خواهد شما را احمق خطاب کند؟ هیچکس نخواهد گفت که شما احمق هستید - این تضمین شده است که به این صورت باشد.

بگذارید درباره شخصی به تمام معنا احمق صحبت کنیم، زیرا این اصول کاملاً در سطوح بالاتر برعکس است. فردی احمق بعید است که اعمال بسیار بدی در بین مردم عادی انجام دهد، و نه اینکه احتمالاً برای نفع خود جنگ و رقابتی راه بیندازد. او به دنبال شهرت نیست یا اینکه تقوا را از دست بدهد، اما دیگران به او تقوا می‌دهند. درب و داغون کردن او و ناسزا گفتن هر دو به او تقوا می‌دهد، و این ماده بی‌نهایت با ارزش است. در عالم ما یک اصل وجود دارد: «اگر باختی نباشد، بردی نیست» برای بدست آوردن شخص باید بازنده باشد. وقتی دیگران این شخص را بسیار احمق می‌بینند، همگی شفاهاً با او بد رفتاری خواهند نمود: «تو به تمام معنی احمق هستی.» با این فحش دادن شفاهی، تکه‌ای از تقوا به آن طرف پرتاب خواهد شد. وقتی کسی به او ناسزا گفته و با لگد می‌زند، او فقط لبخند می‌زند: ادامه بده. تو داری در این مدت به من تقوا می‌دهی، و من تکه‌ای از آن را به تو برنخواهم گرداند! با منفعت و مزیت بردن از او، در طرف برنده قضیه هستید، پس باید چیزی را از دست بدهید. اگر کسی جلو برود و لگدی به او بزند: «تو به تمام معنی ابله بزرگی هستی.» خوب، قسمت بزرگی از تقوا دوباره به سوی او پرتاب خواهد شد. وقتی کسی به او زور بگوید یا به او لگد بزند، فقط لبخندی خواهد زد: «ادامه بده، بجنب. به هر صورت به من تقوا می‌دهید، و یک تکه از آن را رد نخواهم کرد!» پس درباره‌اش فکر کنید برطبق اصول در سطوح بالاتر، چه کسی زیرک و باهوش است؟ آیا این شخص زیرک نیست؟ او زیرک ترین‌هاست زیرا هیچ تقوایی را از دست نمی‌دهد. وقتی تقوا را به طرف این فرد پرتاب می‌کنید هیچ تکه‌ای از آن را رد نمی‌کند. همه آن را خواهد گرفت و با یک لبخند آن را خواهد پذیرفت. ممکن است در این زندگی احمق باشد، ولی نه در زندگی بعدی - روح نخستین او احمق نیست. در مذاهب گفته شده است که با تقوای بی‌شمار، یک شخص در زندگی بعدی‌اش صاحب منصبی والا مقام می‌شود و یا اینکه ثروت زیادی را جمع خواهد نمود. هر دوی این موقعیتها با تقوای فرد عوض می‌شوند.

ما ذکر کرده‌ایم که تقوا می‌تواند مستقیماً به گونگ تبدیل شود. آیا ارتقاء سطح تزکیه‌اتان از انتقال این تقوا بدست نیامده است؟ آن می‌تواند مستقیماً به گونگ مبدل گردد. آیا گونگی که سطح شخص و قوت انرژی او را معین می‌کند به این ماده تبدیل نشده است؟ آیا نخواهید گفت که آن بسیار با ارزش است؟ آن می‌تواند با تولد و مرگ شخص همراه او باشد. در بودیسم گفته شده است که سطح تزکیه شما مقام باروری (Fruit Status) شما است. هرچه بیشتر گذشت و فداکاری کنید بیشتر بدست خواهید آورد - این درست چنین اصلی است. در مذاهب گفته شده است که شخص با تقوا می‌تواند در زندگی بعدی یک صاحب منصب عالی مقام شود یا اینکه ثروت زیادی را بدست آورد. با تقوای کم، زندگی سختی خواهد داشت حتی برای غذا گدایی خواهد نمود. زیرا که تقوایی برای مبادله وجود ندارد. اگر باختی نباشد، بردی نیست! شخص بدون هیچ تقوا، در رابطه با هر دوی جسم و روان منهدم و نابود خواهد شد؛ شخص واقعاً خواهد مرد.

در گذشته، استاد چی‌گونگی بود که وقتی برای اولین بار به نزد مردم آمد از سطح بسیار بالایی برخوردار بود. ذهن این استاد چی‌گونگ بعداً با شهرت و نفع خود مشغول شد. استاد او روح نخستین کمکی او را با خود برد زیرا او نیز به کسانی تعلق داشت که روح نخستین کمکی را تزکیه می‌کنند. زمانی که روح نخستین کمکی هنوز هم آن دوروبر بود، بوسیله آن

کنترل می‌شد. بطور مثال، یک روز در محل کار او آپارتمانی را تقسیم می‌کردند. سرپرست گفت: «آنهایی که احتیاج به آپارتمان دارند به اینجا بیایند و شرایطشان را شرح داده و توضیح بدهند که چرا هر کدام از شما احتیاج به آپارتمان دارید.» هر کسی دلایل خودش را ذکر کرد در حالیکه این شخص کلمه‌ای به زبان نیاورد. در آخر، سرپرست دریافت که این شخص احتیاج بیشتری نسبت به دیگران به آپارتمان داشت، و آپارتمان می‌بایستی به او داده می‌شد. دیگران اظهار کردند: «نه، آپارتمان نباید به او داده شود. باید به من داده شود زیرا که بدجوری به آن احتیاج دارم.» این شخص گفت: «پس تو می‌توانی پیشاپیش بروی و آن را بگیری.» یک شخص معمولی او را احق خواهد یافت. بعضی از افراد می‌دانستند که او یک تمرین‌کننده می‌باشد و از او سؤال کردند: «به عنوان یک تمرین‌کننده، چیزی نمی‌خواهی. پس چه چیزی را می‌خواهی؟» او پاسخ داد: «من هر چه را که دیگران نمی‌خواهند، قبول می‌کنم.» در واقع، او اصلاً احق نبود و کاملاً تیزهوش و سرحال بود. برعکس، فقط در رابطه با منافع شخصی اینگونه رفتار می‌کرد. او اعتقاد داشت که مسائل را بطور طبیعی باید دنبال کرد. دیگران دوباره از او سؤال نمودند: «چه چیزی را یک شخص این روزها نمی‌خواهد؟» او تکرار کرد: «هیچکس تکه‌ای از سنگ روی زمین را نمی‌خواهد که اینجا و آنجا به آن لگد زده می‌شود. پس من آن را برمی‌دارم.» مردم عادی آن را باور نکردنی می‌دانند و نمی‌توانند تمرین‌کنندگان را درک کنند. آنها نمی‌توانند این را بفهمند، زیرا قلمرو فکری آنها از هم دور است و شکاف بین سطوح آنها نیز بیش از حد بزرگ است. البته، او قصد نداشت آن سنگ را بردارد. او اصلی را گفت که فردی عادی نمی‌تواند آن را درک کند: «من در بین مردم عادی در جستجوی چیزی نخواهم بود.» بگذارید درباره سنگ صحبت کنیم. شما می‌دانید که در رساله‌های بودیستی نوشته شده است: «در بهشت سعادت غایی، درختان از طلا ساخته شده‌اند، همچنین زمین، پرنده‌ها، گل‌ها، و خانه‌ها. حتی بدن بودا نیز طلائی است و می‌درخشد.» شخص نمی‌تواند یک قطعه سنگ آنجا پیدا کند. پول رایج که در آنجا مورد مصرف است گفته می‌شود که سنگ است. او به آنجا نخواهد رفت و تکه سنگی را حمل نخواهد کرد، اما این اصل را بازگو کرد که یک فرد عادی نمی‌تواند آن را درک کند. در حقیقت، تمرین‌کنندگان خواهند گفت: «مردم معمولی طلب‌ها و نیازهای خود را دارند، و ما در جستجوی آنها نیستیم. زیرا که ما به آنچه که مردم عادی دارند علاقه‌ای نداریم. ولی آنچه را که ما داریم چیزی است که مردم عادی نمی‌توانند بدست آورند، حتی اگر آن را بخواهند.»

در واقع، روشن بینی که ما هم‌اکنون عنوان کردیم هنوز هم اشاره به نوع روشن‌بینی در جریان عمل تزکیه می‌کند، و این دقیقاً مخالف روشن بینی مردم عادی است. روشن بینی که ما واقعاً به آن اشاره می‌کنیم مسئله‌ای است که آیا در جریان عمل تزکیه فرد می‌تواند روشن‌بین شود و فای تعلیم داده شده بوسیله استاد را یا تائوی آموزش داده شده بوسیله استاد تائویست را قبول کند، یا اینکه فرد به خودش به عنوان تمرین‌کننده‌ای که با رنج و محنت مواجه می‌شود برخورد کند، و اینکه بتواند فا را در حالیکه تزکیه را عمل می‌کند دنبال کند. هنوز هم افرادی هستند که برایشان اهمیتی ندارد که شما چگونه درباره این برایشان صحبت می‌کنید، آنها هنوز هم نمی‌خواهند باور کنند و می‌خواهند فکر کنند که این سودمندتر و عملی‌تر است که افرادی عادی باشند. آنها به عقاید لجبازانه خود خواهند چسبید تا اینکه از آنها دست بکشند، و این باعث می‌شود که نتوانند، باور بیاورند. بعضی افراد فقط می‌خواهند امراض را شفا دهند. یک بار اینجا اشاره کردم که چی گونگ اصلاً برای معالجه بیماری‌ها بکار نمی‌رود، افکار آنها بطور منفی عکس‌العمل نشان می‌دهد و به همین جهت به آنچه که بعداً آموزش داده خواهد شد باور نخواهند آورد.

بعضی از افراد دقیقاً نمی‌توانند کیفیت روشن‌بینی خودشان را بهبود بخشند. آنها با بی‌اعتنایی چیزهایی را روی کتاب من می‌نویسند. تمرین‌کنندگان ما با چشم سوم باز هر کدام‌شان می‌توانند ببینند که این کتاب بسیار رنگ‌ارنگ، طلایی و درخشان است. هر کلمه نقشی از فاشن من را در بردارد. اگر دروغ بگوییم، همه را گول زده‌ام. آن علامت‌هایی که در کتاب می‌گذارید بسیار تاریک بنظر می‌آیند. چگونه جرأت می‌کنید از روی سهل‌انگاری روی آن علامت‌هایی بکشید؟ ما اینجا چه می‌کنیم؟ آیا شما را برای تزکیه کردن به سوی سطوح بالاتر راهنمایی نمی‌کنیم؟ موضوعاتی وجود دارند که شما نیز باید درباره آنها اندیشه کنید. این کتاب می‌تواند راهنمای عمل تزکیه شما باشد. آیا فکر نمی‌کنید که این کتاب بالارزش و قیمتی

است؟ آیا واقعاً می‌توانید با پرستش بودا بطور واقعی تزکیه کنید؟ شما بسیار با احترام هستید و حتی جرأت نمی‌کنید به آرامی مجسمه بودا را که برایش روزانه بخور می‌سوزانید لمس کنید، اما جرأت نابود کردن دافا را که حقیقتاً می‌تواند راهنمای شما در تزکیه باشد دارید.

در رابطه با مسئله کیفیت روشن‌بینی فرد، اشاره به عمق فهم و درک شما از چیزی که در سطوح مختلف در مسیر تزکیه اتفاق می‌افتد می‌کند، یا از یک فای معین که استاد آموزش داده است. اما این هنوز روشن‌بینی اساسی که ما به آن اشاره می‌کنیم نیست. روشن‌بینی اساسی که ما درباره آن صحبت می‌کنیم اشاره می‌کند به این: در طول زندگی فرد، از آغاز عمل تزکیه می‌خواهد دائماً به بالا حرکت کند و علائق انسانی و انواع تمناها را از دست بدهد، و گونگ او نیز مرتباً رشد می‌کند تا اینکه آخرین قدم را در راه تزکیه می‌گذارد. وقتی این ماده تقوا کاملاً به گونگ تبدیل شده است و سفر تزکیه این شخص که بوسیله استاد طراحی شده به آخر برسد، بوم (Boom) تمام قفل‌ها در یک لحظه با انفجار باز خواهند شد. چشم سوم او به بالاترین نقطه از سطح او خواهد رسید، و در سطح خود می‌تواند حقیقت بعدهای مختلف، اشکال هستی برای موجودات مختلف و ماده را در زمان و مکان‌های مختلف، و حقیقت عالم ما را ببیند. تمام توانایی‌های خدایی او نمایان خواهند شد، او می‌تواند با انواع مختلفی از موجودات تماس برقرار عمل کند. در این زمان، آیا این شخص یک فرد روشن بین بزرگ یا فردی روشن بین در جریان تزکیه نیست؟ برطبق ترجمه از زبان قدیمی هندی او یک بودا است.

روشن‌بینی‌ای که ما به آن اشاره می‌کنیم روشن‌بینی بنیادی است که به نوع روشن‌بینی ناگهانی تعلق دارد. روشن‌بینی ناگهانی این معنی را می‌دهد که شخص در جریان طولانی تزکیه بدنش بسته می‌باشد، و نمی‌داند که گونگ او چه ارتفاعی دارد یا در چه شکلی از تزکیه گونگ او ظاهر می‌شود. او در کل چیزی را احساس نمی‌کند، و حتی تمام سلول‌های بدن او قفل و بسته هستند. گونگی که او تزکیه کرده است تا آخرین قدم بسته است و فقط بعداً می‌تواند آزاد شود. فقط فردی با توانایی مادرزادی بیشتر می‌تواند این کار را انجام دهد، زیرا که این راه تزکیه کاملاً دردناک می‌باشد. شخص باید با بودن در مقام یک انسان خوب شروع کند. فرد باید همیشه شین‌شینگ را بهبود بخشد، همیشه کارهای سخت را تحمل کند، دائماً در تزکیه پیشرفت کند، و همیشه در صدد باشد که شین‌شینگ را ترقی دهد، حتی اگر هم نمی‌تواند گونگ خودش را ببیند. تزکیه برای چنین شخصی بسیار سخت است، و او باید فردی با کیفیت مادرزادی بالایی باشد. این شخص برای سال‌های طولانی بدون اینکه از چیزی آگاهی داشته باشد تزکیه خواهد کرد.

شکل دیگری از روشن‌بینی وجود دارد که روشن‌بینی تدریجی نامیده می‌شود. از آغاز، بسیاری از افراد چرخش فالون را احساس کرده‌اند. همزمان چشم سوم همه را هم باز کرده‌ام. به خاطر دلایل گوناگونی، بعضی از افراد قادر خواهند بود چیزهایی را اگر در حال حاضر نتوانند ببینند در آینده مشاهده کنند. آنها خواهند توانست از مبهم دیدن اشیاء به دیدن آشکارتر و واضح‌تر آنها برسند، و با پیشرفت بیشتر از قادر نبودن کاربرد آن دریابند که چگونگی آن را استفاده کنند. سطح شخص دائماً صعود خواهد کرد. در حالیکه شین‌شینگ شما پیشرفت کرده و بهبود می‌یابد دلبستگی‌های مختلفتان از بین می‌روند و تمام توانایی‌های فوق طبیعی‌تان رشد خواهند نمود. دگرگونی کامل پروسه عمل تزکیه و دگرگونی پروسه جسم همگی تحت شرایطی اتفاق خواهند افتاد که شما بتوانید آن را ببینید یا احساس کنید. تغییرات ادامه داده خواهند شد تا اینکه به لحظه آخر قدم بگذارید وقتی که کاملاً بتوانید حقیقت عالم را درک کنید، و وقتی که به بالاترین نقطه پیش‌بینی شده در تزکیه رسیده‌اید. دگرگون سازی بنتی (Benti) و استحکام توانایی‌های فوق طبیعی هر یک به درجه مطمئنی خواهند رسید و به تدریج به این هدف نایل خواهند شد. این روشن‌بینی تدریجی است. این روش تزکیه روشن‌بینی تدریجی آسان هم نمی‌باشد. با توانایی‌های فوق طبیعی، بعضی افراد نمی‌توانند وابستگی‌ها و دلبستگی‌هایشان را رها کنند و به راحتی آن را به نمایش می‌گذارند یا اینکه اعمال بدی را مرتکب می‌شوند. در نتیجه گونگ را از دست می‌دهند، و عمل تزکیه‌اشان به بیراهه کشانده می‌شود و دست آخر نابود و منهدم می‌گردد. بعضی از افراد می‌توانند مشاهده کرده و جلوه‌های مختلف موجودات را در سطوح مختلف ببینند. ممکن است کسی از شما بخواهد که این یا آن کار را انجام دهید. آن فرد شاید از شما

بخواهد که روش‌های او را تمرین کنید و شما را بعنوان شاگرد خودش بپذیرد، اما او نمی‌تواند به شما برای رسیدن به میوه باروری کمک کند، زیرا که او نیز نتوانسته است به میوه باروری نایل گردد.

بعلاوه، تمام موجودات در بعدهای بالاتر فناپذیر هستند که می‌توانند بسیار بزرگ شده و بطور کامل توانایی‌های فوق‌طبیعی‌اشان را به نمایش بگذارند. اگر فکرتان صالح و درست نباشد، آیا آنها را دنبال نخواهید کرد؟ یک بار که آنها را دنبال کنید، عمل تزکیه‌اتان به عبث خاتمه خواهد یافت. حتی اگر آن موجود یک بودای واقعی یا یک تائوی حقیقی باشد، باید همه تزکیه‌اتان را دوباره از اول شروع کنید. آیا آنها هنوز هم فناپذیر نیستند بدون در نظر گرفتن اینکه از چه سطوحی از بهشت می‌آیند؟ فقط وقتی فرد به یک سطح بسیار بالایی از تزکیه رسیده و به هدف نایل شده است می‌تواند کاملاً ترقی کند و به فراتر از آن گام بردارد. به هر حال، برای فردی عادی، یک فرد فناپذیر می‌تواند مطمئناً بلند، عظیم و بسیار مستعد و لایق ظاهر گردد. اما آن موجود ممکن است به میوه حقیقت نایل نشده باشد. با تداخل پیغام‌های متفاوت و گوناگون و با پریشانی در صحنه‌های مختلف، آیا می‌توانید بدون مزاحمت و آشفتگی باقی بمانید؟ به همین جهت، با چشم سوم باز نیز مشکل است که تزکیه کرد، و مشکل‌تر از همه این است که شین‌شینگ‌تان را به خوبی کنترل کنید. به هر حال خوشبختانه بسیاری از تمرین‌کنندگان ما توانایی‌های فوق‌طبیعی‌اشان تا نیمه راه در جریان تزکیه‌شان بسته خواهند بود، و بعد از آن به مرحله روشن‌بینی تدریجی خواهند رسید. چشم سوم همگی باز خواهد شد، ولی توانایی‌های فوق‌طبیعی بسیاری از افراد اجازه ندارند ظاهر گردند. وقتی شین‌شینگ شما به تدریج به سطحی مطمئن و معین می‌رسد و شما می‌توانید به خوبی خودتان را با فکری منضبط و پایدار کنترل کنید، همگی آنها به یکبار با انفجار باز خواهند شد. در سطحی مطمئن و معین، به مرحله روشن‌بینی تدریجی وارد خواهید شد، و در این زمان برایتان آسان‌تر خواهد بود که خودتان را به خوبی اداره کنید. توانایی‌های فوق‌طبیعی مختلف همگی ظاهر خواهند شد. شما در تزکیه بوسیله خودتان صعود خواهید نمود تا اینکه، در آخر همگی آن توانایی‌ها بازگردند. شما اجازه خواهید داشت آنها را در نیمه راه جریان تزکیه‌اتان داشته باشید. بسیاری از تمرین‌کنندگان ما به این گروه تعلق دارند، پس نباید با دیدن این چیزها نگران و مضطرب شوید.

همگی ممکن است شنیده باشید که ذن بودیسم (Zen Buddhism) هم از تفاوت‌هایی بین روشن‌بینی ناگهانی و روشن‌بینی تدریجی صحبت نموده است. (هوئینگ) (Huineng)، ششمین مقام اسقفی در ذن بودیسم، روشن‌بینی ناگهانی را تعلیم داد در حالیکه شن‌شویو^۳ (Shenxiu) از مدرسه شمالی ذن بودیسم روشن‌بینی تدریجی را آموزش داد. بحث و منازعه دو تعلیمات بودهیست (Buddhist) زمانی طولانی در تاریخ ادامه داشته است. من این را بی‌معنی و بی‌اهمیت می‌نامم. چرا؟ به این دلیل که آنچه آنها به آن اشاره می‌کردند فقط فهمی از یک اصل در روند عمل تزکیه بود. در رابطه با این اصل، بعضی‌ها ممکن است آن را به یکباره بفهمند، در حالیکه دیگران ممکن است به آن آگاه شوند و به تدریج آن را بفهمند. آیا این اهمیتی دارد که شخص چگونه به آن آگاه می‌شود؟ بهتر است اگر شخص می‌تواند همه را یکباره بفهمد، اما همچنین خوب و مناسب خواهد بود اگر شخص به آن به تدریج آگاه گردد. آیا هر دو باعث روشن‌بینی نیستند؟ هر دو روشن‌بینی هستند، در نتیجه هیچکدام از آنها اشتباه نیست.

مردم با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده

مردم با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده چیست؟ هنوز هم فرق‌هایی بین فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده و فردی با کیفیت مادرزادی خوب یا بد وجود دارد. پیدا کردن فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده بسیار مشکل است، چون که دوره تاریخی بسیار طولانی‌ای برای اینکه چنین شخصی متولد شود طول خواهد کشید. البته، فردی با کیفیت مادرزادی فوق‌العاده باید اول از همه مقدار بسیار زیادی تقوا و میدان بسیار بزرگی از این ماده سفید را دارا باشد - این لازم و قطعی است. ضمن اینکه این فرد باید همچنین قادر باشد که سخت‌ترین دردها و رنج‌ها را تحمل کند. او باید روانی بزرگ نیز برای خویشن‌داری و شفقت

داشته، و قادر به انجام فداکاری‌هایی باشد. باید بتواند از تقوای خود به خوبی حفاظت کند، کیفیت خوبی از روشن‌بینی و غیره داشته باشد.

سخت‌ترین دردها و رنجهای چیست؟ در بودیسم اعتقاد بر این است که انسان بودن رنج بردن است - تا آنجا که یک انسان هستید، باید رنج ببرید. اعتقاد بر این است که زندگی در همه بعدهای دیگر فاقد بدن‌های عادی انسانی ما است. برای همین آنها بیمار نمی‌شوند، و مشکلاتی از قبیل تولد، پیری، بیماری و مرگ وجود ندارد. چنین درد و رنجهایی در آنجا نخواهد بود. مردم در بعدهای دیگر می‌توانند پرواز کنند، بطوریکه بی‌وزن و بسیار عالی هستند. به خاطر این جسم، مردم عادی با این مشکل روبرو هستند. آنها نمی‌توانند در مقابل سرما، گرما، تشنگی و گرسنگی یا خستگی ایستادگی کنند، و با اینهمه هنوز هم دارای تولد، پیری، بیماری و مرگ می‌باشند. در هر موردی شخص راحت نخواهد بود.

در روزنامه‌ای خواندم وقتی که زمین لرزه‌ای در تانگ‌شان (Tangshan)^۴ اتفاق افتاد، بسیاری از مردم در زمین‌لرزه جانشان را از دست دادند، اما بعضی‌ها نجات پیدا کردند. یک گروه خبری بخصوصی طرف صحبت این گروه از مردم قرار گرفت. از آنها پرسیده شد: «چه احساسی در مرحله مرگ داشتید؟» همگی این افراد با شگفتی و حیرت متفقاً از موقعیت مشابه منحصر به فردی صحبت کردند. بدین معنی که، آنها در لحظه مرگ احساس ترس نداشتند، برعکس، ناگهان احساس کردند که حسی از آرامش و رهایی با یک نوع شور و شوقی نیمه هشیارانه را دارند. بعضی از افراد احساسی آزاد از قید و بند جسم داشتند و می‌توانستند به آهستگی به پرواز درآیند و آن احساس باشکوه و عالی بود، آنها می‌توانستند همچنین بدن‌های خودشان را مشاهده کنند. بعضی از افراد نیز می‌توانستند موجودات زنده را در بعدهای دیگر ببینند، در حالیکه دیگران به جایی دیگر رفته بودند. همگی در اولین لحظه احساسی از رهایی و آرامش و نوعی از شور و شوق نیمه هشیارانه داشتند بدون اینکه درد و رنجی را احساس کنند. این معنی را می‌دهد که با این جسم فیزیکی انسانی، شخص رنج خواهد برد. ولی از آنجا که هرکس از زهدان مادر به این طریق بیرون آمده است، هیچکس نمی‌داند که این درد و رنج است.

من ذکر کرده‌ام که شخص باید سخت‌ترین دردها و رنجهای تحمل کند. روزی دیگر گفتم که مفهوم زمان و بعد بشری از زمان و بعد عظیم‌تر و بزرگ‌تر دیگری متفاوت است. اینجا یک شی چن (ShiChen) دو ساعت است، در صورتیکه در آن مکان شی چن یک سال است. اگر شخصی در این شرایط سخت و بیرحمانه عمل تزکیه را انجام دهد، واقعاً استثنایی به حساب خواهد آمد. وقتی این شخص قلبش را برای تائو (Tao) توسعه می‌دهد و می‌خواهد عمل تزکیه را انجام بدهد، هم‌اکنون بی‌چون و چرا فردی بزرگ است. او با وجود چنین سختی‌هایی طبیعت اصلی خود را از دست نداده است و می‌خواهد از طریق عمل تزکیه به مبدأ و سرچشمه رجوع کند. برای چه تمرین‌کنندگان بدون شرایط می‌توانند کمک بگیرند؟ این فقط به خاطر همین موضوع است. وقتی که این فرد در عرض یک شب در این بعد مردم عادی در مدیتیشن می‌نشینند، دیگران با مشاهده این جریان خواهند گفت که او واقعاً فردی استثنایی است زیرا که او هم‌اکنون به اندازه شش سال زمانی آنجا در مدیتیشن نشسته است. به خاطر اینکه یک شی چن ما در روی زمین برابر با یک سال زمانی در آن بعد است. بعد بشری ما بعدی بینهایت منحصر به فرد است.

چگونه یک شخص می‌تواند سخت‌ترین دردها و رنجهای تحمل کند؟ برای مثال، شخصی یک روز به محل کار می‌رود و می‌بیند که در محل کار امور به خوبی جلو نمی‌روند. این وضعیت نمی‌تواند بیشتر از این ادامه یابد زیرا که مردم کار و وظایفشان را به نحو احسن انجام نمی‌دهند. اداره اصلاح خواهد شد و کارگران قراردادی به کار برده خواهند شد. کارمندان اضافی کنار گذاشته خواهند شد، و این شخص یکی از آنهاست که ناگهان کاسه برنجش را از دست می‌دهد. چه احساسی خواهد داشت؟ جای دیگری وجود ندارد که درآمدی داشته باشد. چگونه می‌تواند زندگی را به سر بیاورد؟ او مهارت‌های دیگری ندارد، در نتیجه با غم و غصه به خانه می‌رود. به محض اینکه وارد خانه می‌شود، می‌بیند که پدر پیرش مریض است و وضعیت بدی قرار دارد. او با نگرانی و عجله می‌خواهد والد پیر خود را به بیمارستان ببرد. باید مشکلات زیادی را برای

۴ - Tangshan (tahng - shahn) - شهری در استان Hebei

قرض کردن پول برای هزینه بیمارستان بگذرانند. بعداً به خانه برمی‌گردد تا چیزی را برای والد پیر تهیه کند. به محض اینکه به خانه می‌رسد، یک معلم مدرسه به در خانه می‌کوبد و می‌گوید: «فرزند تو در دعوائی به کسی آسیب رسانده است، و باید عجله کنی و به آن نظری بیاندازی.» بزودی که به آن مسئله رسیده و به خانه برمی‌گردد، درست موقعی که در حال نشستن است، تلفن زنگ می‌زند و کسی به او می‌گوید: «همسر تو سر و سری با کسی دارد.» البته، با چنین سناریویی برخورد نخواهید کرد. یک فرد عادی تحمل چنین سختی‌ای را ندارد و فکر خواهد کرد: «برای چه دارم زندگی می‌کنم؟ برای چه طنابی پیدا نکنم و خودم را حلق‌آویز نکنم و به همه چیز خاتمه ندهم؟» من درست همین را می‌گویم که شخص باید قادر باشد سخت‌ترین دردها و رنج‌ها را تحمل کند. البته، آنها به این شکل ممکن نیست ظاهر شوند. با این همه، تضادها و اختلافات بین مردم، اصطکاک‌هایی که شین‌شینگ شما را تعدیل می‌کنند، و رقابت برای بدست آوردن نفع شخصی چیزهایی آسان‌تر از آن مشکلات نیستند. بسیاری از مردم فقط برای آبرو و شرف خود زندگی می‌کنند و وقتی نتوانند از عهده مسائل بیشتر از این برآیند خودشان را دار خواهند زد. برای همین، ما باید در این محیط پیچیده و دشوار تزکیه کنیم و قادر باشیم سخت‌ترین دردها و رنج‌ها را تحمل کنیم. در حالی که، باید دارای فکر و روانی سرشار از صبر و شکیبایی باشیم.

فکر و قلبی با صبر و شکیبایی بزرگ چیست؟ بعنوان یک تمرین‌کننده، اولین کاری را که باید قادر باشید انجام دهید این است که وقتی کتک می‌خورید و فحش می‌شنوید جواب آن را ندهید - باید بردباری و طاقت داشته باشید. در غیراینصورت، چه نوع تمرین‌کننده‌ای خواهید بود؟ کسی می‌گوید: «واقعاً سخت است که بردبار بود و من خلق و خوی بدی دارم.» اگر خلق و خوی شما خوب نیست، باید آن را تغییر دهید، زیرا که تمرین‌کننده باید بردبار باشد. بعضی افراد خلق و خوی خودشان را در تربیت و انضباط بچه‌ها از دست می‌دهند و سر آنها داد و فریاد می‌کشند و کاملاً الم شنگه راه می‌اندازند. شما در تربیت کردن بچه‌ها نباید بدان صورت باشید، و خودتان نیز نباید واقعاً عصبانی و ناراحت شوید. شما باید بچه‌ها را با درایت تربیت کنید بطوریکه واقعاً بتوانید به آنها آموزش صحیح را بدهید. اگر نتوانید از پس مسائل بی‌ارزش برآیید و به راحتی خلق و خوی خودتان را از دست بدهید، چگونه می‌توانید انتظار داشته باشید که گونگ شما ترقی و رشد کند؟ شخصی می‌گوید: «وقتی که در خیابان قد می‌زنم اگر کسی به من لگد بزند و کسی آنجا مرا به جا نیاورد، می‌توانم آن را تحمل کنم.» می‌گویم که آن کافی نیست. شاید در آینده دو بار به صورت شما سیلی زده شود و درست در مقابل کسی که کمتر از همه می‌خواستید آن را ببیند آبرویتان برود. این برای این است که دیده شود چگونه می‌توانید با این موضوع روبرو گردید و آیا می‌توانید آن را تحمل کنید یا نه. اگر بتوانید آن را تحمل کنید ولی فکر و روانتان در عذاب باشد، هنوز هم به اندازه کافی خوب نیست. همانطور که می‌دانید، وقتی کسی به سطح آرهای نایل می‌شود، در قلبش به چیزی توجه ندارد. در قلبش اصلاً به مسائل مردم عادی اهمیتی نمی‌دهد، و همیشه لبخند می‌زند و روحیه خوبی دارد. اهمیتی ندارد که چه اندازه ضرر و زیان را تحمل می‌کند، هنوز هم لبخند خواهد زد و بدون هیچ نگرانی و دلواپسی روحیه‌ای خوب خواهد داشت. اگر واقعاً بتوانید این کار را انجام دهید، هم‌اکنون به سطح میوه باروری آرهای وارد شده‌اید.

کسی گفته است: «اگر صبر و بردباری به چنین درجه‌ای تزکیه شده باشد، مردم عادی همگی خواهند گفت که ما بیش از حد بز دل و ترسو هستیم و بسیار راحت مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیریم.» من این را بز دلی و ترسویی نمی‌نامم. همگی درباره‌اش فکر کنید. حتی در بین مردم عادی، در سن‌های متوسط یا مسن‌ها و آنهایی که از سطح تحصیلات بالایی برخوردار هستند نیز خویشتنداری و بهبود بخشیدن در بگو مگو و نزاع کردن با دیگران را تمرین می‌کنند، چه برسد به تمرین‌کنندگان ما. این چگونه می‌تواند به عنوان ترسویی به حساب آید؟ می‌گویم که این انعکاسی از صبر و تحمل زیاد و بیان و توضیحی از یک خواست قوی است. فقط یک تمرین‌کننده می‌تواند این قلب سرشار از صبر و تحمل را داشته باشد. ضرب‌المثلی وجود دارد: «وقتی فردی عادی مورد تحقیر قرار می‌گیرد، شمشیر خود را برای جنگ از غلاف بیرون می‌کشد.» زیرا برای یک فرد عادی، این فقط عادی و طبیعی است که اگر تو به من ناسزا بگویی من نیز به تو ناسزا خواهم گفت، و اینکه اگر مرا بزنی من نیز جواب تو را پس می‌دهم. این است یک شخص عادی. آیا می‌توان او را یک تمرین‌کننده نامید؟ بعنوان یک تمرین‌کننده، بدون خواستی قوی و مملو از خویشتنداری، قادر نخواهید بود این کار را انجام دهید.

شما می‌دانید که در زمان‌های قدیم مردی بود که او را هان شن (Han xin)^۵ می‌نامیدند، که گفته می‌شود به عنوان ژنرال ارشد لوبانگ (Lia Bang)^۶ بسیار لایق و با کفایت و ستون و مهره کشور بود. چرا او چنان موفقیت‌ها و پیشرفت‌های بزرگی را داشت؟ گفته شده است که هان شن فردی غیرعادی، حتی در دوران جوانی‌اش هم بود. داستانی درباره او وجود دارد، که می‌گوید او به اهانت و تحقیری با خریدن از لای پای شخصی تن در داده بود. هان شن در جوانی‌اش علاقه به تمرین ورزش‌های رزمی داشت، و چنین شخصی معمولاً شمشیری را با خود حمل می‌کند. یک روز وقتی در خیابان قدم می‌زد، یک شخص گردن کلفت لوطی راه او را با دستان حلقه زده به دور کمر بست: «برای چه آن شمشیر را حمل می‌کنی؟» آیا جرأت کشتن کسی را داری؟ اگر جرأت آن را داری، سر مرا جدا کن.» همانطور که صحبت می‌کرد، سرش را به پایین فرو آورد. هان شن فکر کرد: «برای چه سر تو را ببرم؟» در آن زمان نیز کشتن کسی می‌بایستی به حکومت گزارش داده می‌شد و شخص مجبور بود زندگی‌اش را برای آن بدهد. چگونه می‌شد به دلخواه کسی را کشت؟ وقتی آن گردن کلفت متوجه شد هان شن جرأت ندارد او را بکشد، گفت: «اگر جرأت کشتن مرا نداری، مجبوری از بین پاهای من بخزی.» هان شن در واقع از بین پاهای او خرید. این نشان داد که هان شن قلبی سرشار از صبر و تحمل داشت. از آنجا که با مردم عادی فرق داشت، می‌توانست چنان پیشرفت‌های بزرگی را نایل شود. این شعار فردی عادی است که شخص باید برای حفظ آبرو و اثبات حفظ ظاهر زندگی کند. همگی درباره‌اش فکر کنید: زندگی کردن برای اثبات آبرو و حفظ ظاهر آیا این خسته کننده نیست؟ آیا این دردناک نیست؟ آیا این ارزشش را دارد؟ هان شن بعد از همه اینها شخصی عادی بود. بعنوان تمرین کننده، ما باید بیشتر از او خوب باشیم. هدف ما این است که صعود کرده و به فراتر از سطح مردم عادی برویم و به سوی سطوح بالاتر تلاش و مبارزه کنیم. ما با چنان موقعیتی برخورد نخواهیم کرد. اما حقارت‌ها و ناراحتی‌هایی که یک تمرین کننده در بین مردم عادی متحمل می‌شود ملزوماً راحت‌تر از آن نمی‌باشند. می‌توانم بگویم تنش‌های شین‌شینگ در بین مردم آسان‌تر از آن نیست و حتی می‌تواند بدتر هم باشد – آنها نیز کاملاً جدی و مشکل هستند.

در این ضمن، یک تمرین کننده نیز باید بتواند فداکاریهایی را انجام دهد، وابستگی‌ها و تمناهای مختلف مردم عادی را رها کند. این غیرممکن است که بتوان همه این‌ها را به یکباره انجام داد، پس می‌توانیم آن را به تدریج انجام دهیم. اگر می‌توانستید آن را امروز انجام دهید، در حال حاضر یک بودا بودید. عمل تزکیه وقت لازم دارد، اما شما نباید بی‌توجه و بی‌اعتنا باشید. ممکن است بگویید: «معلم گفته است عمل تزکیه طول خواهد کشید – بیایید به آهستگی آن را انجام دهیم.» بدین صورت نخواهد بود! شما باید با خودتان سخت‌گیر باشید. در تزکیه فای بودا، شما برای حرکت به جلو باید قاطعانه تلاش کنید.

شما همچنین باید بتوانید تقوا را حفظ کنید، شین‌شینگ را نگهداری کنید و کارهایی را به دلخواه انجام ندهید. نباید سرسری هر کاری را که خواستید انجام دهید، و باید قادر باشید شین‌شینگ خودتان را نگهداری کنید. در بین مردم عادی، این اظهاریه اغلب شنیده شده است: «با انجام اعمال خوب تقوا جمع می‌شود.» یک تمرین کننده برای جمع کردن تقوا تزکیه نمی‌کند، زیرا که ما به حفظ کردن تقوا معتقد هستیم. چرا به حفظ تقوا اعتقاد داریم؟ زیرا که ما این موقعیت را دیده‌ایم: جمع کردن تقوا چیزی است که مردم عادی به آن اعتقاد دارند، زیرا که می‌خواهند تقوا جمع کنند و اعمال خوب انجام می‌دهند تا بتوانند در زندگی بعدی‌شان به خوبی زندگی کنند. اما ما این مشکل را نداریم. اگر در عمل تزکیه موفق شوید، به تائو نایل خواهید شد و مسئله ای بنام زندگی بعدی اتان وجود نخواهد داشت. وقتی درباره حفظ تقوا صحبت می‌کنیم، در معنا اختلاف جزئی دیگری دارد. به بیانی دیگر، این دو ماده حمل شده در بدن‌های ما در این طول زندگی اندوخته نشده‌اند – آنها از زمانی دور افتاده به ارث رسیده‌اند. اگر تمام شهر را با دوچرخه طی کنید، امکانش نیست مقداری اعمال خوب پیدا کنید تا انجامشان دهید. این قطعی نیست که با چنین امکاناتی اگر هر روز هم بتوانید این کار را انجام دهید مواجه شوید.

۵ – Han Xin (hahn – sheen) – ژنرال پیشقدم برای Liu Bang

۶ – Liu Bang (Leo Bahng) – امپراطور و مؤسس سلسله Han (۲۰۶ B.C. – ۲۳ A.D.)

در مورد جمع‌آوری تقوا آن هنوز هم حامل معنای جزئی دیگری است، ممکن است فکر کنید عملی خوب است، اما اگر آن را انجام دهید، امکانش می‌رود که به عملی غلط تبدیل شود. اگر با موضوعی برخورد پیدا کنید که به نظرتان موضوعی بد است، ممکن است به چیزی خوب تبدیل شود. چرا؟ به خاطر اینکه شما نمی‌توانید رابطه کارمایی آن را دریابید. قوانینی کسب و کار مردم عادی را تنظیم و کنترل می‌کنند، که مشکلی در آن نیست. یک تمرین‌کننده بودن امری است فوق طبیعی، پس به عنوان فردی فوق طبیعی، باید با خودتان برطبق اصول فوق طبیعی رفتار کنید به جای اینکه خودتان را با مردم عادی بسنجید. اگر رابطه کارمایی موضوعی را نمی‌دانید، احتمالش وجود دارد که با آن بطور نادرستی مواجه شوید. به همین جهت، ما (وو - وی) (Wuwei) (بدون عمل، بدون قصد) را آموزش می‌دهیم، و نباید کاری را انجام دهید فقط به صرف اینکه می‌خواهید آن را انجام دهید. بعضی اشخاص می‌گویند: «من فقط می‌خواهم مردم نادرست را ادب کنم.» من می‌گویم بهتر است که پلیس شوید. اما ما از شما نمی‌خواهیم که وقتی با قتلی یا آتش‌سوزی مواجه می‌شوید خودتان را کنار بکشید. به همگی می‌گویم وقتی تضادی بین مردم بوجود می‌آید یا شخصی کس دیگری را لگد یا کتک می‌زند، احتمالاً بدین صورت است که این اشخاص دیونی را از زمان گذشته به هم داشته‌اند، و این دیون را تصفیه می‌کنند. اگر برای متوقف کردن آن پادرمیانی کنید، آنها قادر نخواهند شد دیون را تصفیه کنند و باید برای انجام آن دوباره در انتظار فرصت دیگری بمانند. یعنی اینکه اگر نتوانید به رابطه کارمایی پی ببرید به راحتی می‌توانید کارهای نادرست انجام دهید و در نتیجه تقوا از دست می‌دهید. اهمیتی ندارد که یک فرد عادی در مسائل مردم عادی درگیر شود، چون که او برای بدست آوردن چیزهایی اصول مردم عادی را مورد استفاده قرار می‌دهد. شما باید اصول فوق طبیعی را برای دآوری مورد استفاده قرار دهید. این یک مسئله شین‌شینگ است اگر شما کمکی به متوقف کردن یک آتش‌سوزی یا قتلی وقتی که با آن روبرو می‌شوید نکنید. در غیر اینصورت چگونه می‌توانید ثابت کنید که شخصی نیکو و خوب هستید؟ اگر قتل یا آتش‌سوزی‌ای را متوقف نکنید، با چه چیز دیگر خواهید توانست پا به میان بگذارید؟ اما، مسئله‌ای وجود دارد که باید به آن تأکید نمود: این مسائل واقعاً ربطی به تمرین‌کنندگان ما ندارند. آنها ممکن است برای رفتار شدن شما تدارک دیده نشده باشند. گوشزد کرده‌ایم که نگهداری و حفظ تقوا شما را قادر می‌سازد که از انجام اشتباهات اجتناب کنید. شاید اگر کاری کوچک انجام دهید ممکن است منجر به عملی بد گردد، و در نتیجه تقوا از دست بدهید. اگر یکبار تقوا را از دست دهید، چگونه می‌توانید سطح خودتان را ترفیع دهید؟ چگونه می‌توانید به هدف نهایی خودتان نایل شوید؟ این چنین مسائلی را شامل می‌شود. بعلاوه فرد باید دارای کیفیت روشن‌بینی خوبی باشد. کیفیت مادرزادی خوب می‌تواند کیفیت روشن‌بینی خوبی را برای شخص بوجود بیاورد. تأثیر محیط نیز می‌تواند نتیجه داشته باشد.

همچنین گفته‌ایم که اگر هر کدام از ما درون خودش را تزکیه کند، شین‌شینگ خودش را برای اینکه ببیند علت کارهای اشتباهش چیست مورد بررسی قرار دهد تا دفعه دیگر کارها را بهتر انجام دهد، و موقع انجام هر کاری اول از همه به دیگران فکر کند، جامعه انسانی بهتر خواهد شد و ارزش‌های اخلاقی به استاندارد بالاتری دوباره باز خواهند گشت. تمدن عرفانی و الهی^۷ نیز بهتر خواهند شد، و همچنین امنیت عمومی. شاید دیگر پلیسی وجود نخواهد داشت. هیچکس احتیاجی نخواهد داشت که به او حکم کنند، زیرا که هر کس خودش را منضبط کرده و در جستجوی درون خود خواهد بود. آیا نخواهید گفت که این بی نظیر خواهد بود؟ شما می‌دانید که قوانین وسیعتر و گسترده‌تر و بی‌نقص شده است. اما چرا هنوز هم کسانی هستند که کارهای نادرستی انجام می‌دهند؟ چرا آنها از قوانین اطاعت نمی‌کنند؟ به خاطر اینکه نمی‌توانید به قلب آنها راه پیدا کنید. وقتی هم که دیده نمی‌شوند، باز هم کارهای نادرست انجام می‌دهند. اگر هر کس درون خودش را تزکیه کند، این موضوع کاملاً فرق خواهد کرد. احتیاجی نخواهید داشت که عدالت را تأمین کنید.

۷ - spiritual civilization - تمدن عرفانی و الهی اصطلاح معروفی در چین معاصر است که اشاره به تعالی بخشیدن افکار و اخلاقیات مردم می‌کند. در چین، این اصطلاح برعکس تمدن ماتریالیستی است.

این فا (Fa) فقط می‌تواند در این سطح آموزش داده شود. این به تزکیه خود شما مربوط است که به آنچه در سطوح بالاتر قرار دارد نایل شوید. بعضی افراد سؤال‌های دقیق‌تر و مشخص‌تری را مطرح می‌کنند. اگر به تمام این سؤالات در زندگی‌تان پاسخ بدهم، چه چیزی برای تزکیه‌تان باقی خواهد ماند؟ شما باید عمل تزکیه را انجام دهید و خودتان به آن آگاه گردید. اگر همه چیز را به شما بگویم، چیزی برای تزکیه‌تان باقی نخواهد ماند. خوشبختانه، دافا در حال حاضر عمومی شده است. و شما می‌توانید کارها را برطبق دافا انجام دهید.

من فکر می‌کنم زمان آموزش فا عملاً به پایان رسیده است. به همین خاطر می‌خواهم برای همه چیزهایی حقیقی را بجا بگذارم بطوریکه فا راهنمای هرکس در عمل تزکیه آینده باشد. در سرتاسر کامل دوره تدریس این فا، در مقابل همه و همزمان در مقابل جامعه نیز مسئول بوده‌ام. در حقیقت این اصل را دنبال کرده‌ایم. بعنوان نتیجه گیری، اظهار نظری نخواهم نمود. این مربوط می‌شود به قضاوت عموم. قصد و منظور من این است که این دافا را عمومی کنم و مردم بیشتری از ما از آن منفعت ببرند، و به آنهایی که بطور واقعی می‌خواهند تزکیه کنند امکان داده شود در عمل تزکیه‌اشان با پی‌گیری کردن فا پیشرفت و ترقی کنند. هم زمان که فا را آموزش می‌دادیم، همچنین اصولی را برای انسان بودن توضیح داده‌ایم، و امیدواریم بعد از کلاس اگر نتوانید این دافا را برای تزکیه دنبال کنید، حداقل بتوانید انسانی خوب باشید. این به جامعه ما منفعت خواهد رساند. در واقع، شما هم اکنون می‌دانید چگونه یک فرد خوب باشید. بعد از کلاس، فردی خوب خواهید شد.

در جریان تعلیم فا، مسائلی نیز وجود داشته‌اند که بی‌دردسر نبوده‌اند، و انواع متفاوتی از برخوردها و مداخلات وجود داشته‌اند که تقریباً بیش از اندازه بوده‌اند. به خاطر حمایت بیش از اندازه‌ای که از طرف سازمان‌های میزبان، مدیران حرفه‌های مختلف، و سعی و کوشش اعضای کارکنان، داشته ایم کلاسهای ما کاملاً موفقیت‌آمیز بوده‌اند.

تمام آنچه را که در این سخنرانی‌ها ذکر کرده‌ام راهنمایی است برای همگی در تزکیه کردن بسوی سطوح بالاتر. در گذشته، هیچکس این موضوعات را در آموزش و تعلیمات خود یاد نداده است. آنچه را که ما آموزش داده‌ایم بسیار صریح و روشن است. با علم جدید و علم حاضر درباره جسم بشری در ارتباط است. بعلاوه، آنچه که تعلیم داده شده است در سطحی بسیار بالا است. در درجه اول منظور این بوده است که همه قادر شوند بطور حقیقی فا را در آینده کسب کنند و از طریق عمل تزکیه صعود کنند. این قصد و منظور من است - در جریان تعلیم فا و گونگ، بسیاری از افراد فا را بسیار خوب یافته‌اند، اما پی‌گیری کردن آن را بسیار سخت. در حقیقت، فکر می‌کنم این به فرد مربوط می‌شود اگر آن مشکل باشد یا نه. برای فردی عادی که نمی‌خواهد تزکیه کند، عمل تزکیه را براحتی مشکل، باور نکردنی و غیرممکن خواهد یافت. بعنوان فردی عادی، نمی‌خواهد تزکیه را عمل کند و آن را بسیار مشکل خواهد یافت. لاژودی گفت: «وقتی شخصی عاقل و دانا درباره تائو می‌شنود، آن را با پشتکار و سخت‌کوشی تمرین می‌کند. وقتی فردی معمولی درباره آن می‌شنود، آن را کم و بیش تمرین می‌کند. وقتی فردی احمق درباره آن می‌شنود، به بلندی به آن خواهد خندید. اگر این شخص درباره آن به بلندی نخندد، آن نمی‌تواند تائو باشد.» می‌گویم برای یک تمرین‌کننده حقیقی این بسیار ساده است و نه چیزی بسیار بزرگ که نشود به آن رسید. در حقیقت، بسیاری از تمرین‌کنندگان با سابقه که اینجا نشسته‌اند یا آنهایی که حضور ندارند در حال حاضر در عمل تزکیه‌اشان به سطوح بسیار بالایی رسیده‌اند. به شما به آن صورت نگفتم که، مبدا بعضی از وابستگی‌ها را رشد دهید یا اینکه مغرور شوید. زیرا آن در رشد قوت انرژی شما تأثیر خواهد گذاشت. بعنوان تمرین‌کننده‌ای حقیقی و مصمم، فرد قادر خواهد بود هر مسئله‌ای را تحمل کرده و رها کند یا اینکه اهمیت کمتری برای هر وابستگی در مقابل منافع خود بدهد. تا آنجا که فرد بتواند این کار را انجام دهد، مشکلی نخواهد بود. اشخاصی که آن را مشکل می‌یابند به این خاطر است که نمی‌توانند این علائق را رها کنند. عمل تزکیه برای خودش مشکل نیست، ترفیع سطح فرد نیز به خودی خود مشکلی نیست. به این خاطر است که آنها نمی‌توانند روان انسانی را رها کنند و آن را مشکل می‌نامند. به این خاطر است که رها کردن و دست کشیدن از چیزی در مقابل منافع‌های عملی و مادی بسیار مشکل است. منافع درست اینجا قرار دارند، پس چگونه می‌توانید این علائق را از بین ببرید؟ در حقیقت به این خاطر است که فرد آن را مشکل می‌یابد. وقتی تضاد و درگیری شخصی اتفاق می‌افتد، اگر نتوانید صبر و بردباری را تمرین کنید یا اینکه با خودتان در رابطه با آن بعنوان یک تمرین‌کننده

رفتار کنید، می‌گوییم که این غیرقابل قبول است. وقتی که من در گذشته تزکیه می‌کردم، بسیاری از استادان والامقام این کلمات را به من گفتند. همانطور که آنها گفتند: «وقتی تحمل کردن آن مشکل است، می‌توانی آن را تحمل کنی. زمانیکه انجام دادن آن غیرممکن است، می‌توانی آن را انجام دهی.» در واقع، این حقیقت دارد. بعد از اینکه به خانه‌اتان بازگشتید، همه‌تان می‌توانید درباره آن سعی کنید. وقتی تحمل آن مشکل است، برای تحمل کردن آن تلاش خواهید نمود. وقتی بنظر غیرممکن می‌آید و گفته شده است که غیرممکن است، پس فقط می‌توانید تلاشی درباره آن بکنید و ببینید آیا علی‌رغم همه آنها عملی است یا خیر. اگر واقعاً موفق گردید، در نهایت درخواهید یافت: «بعد از عبور از میان درختان سایه‌دار بید، گل‌هایی درخشان و روشنایی دیگر پیشاپیش وجود خواهند داشت!»

از آنجا که صحبت‌های زیادی کرده‌ام، برای همگی بسیار مشکل خواهد بود که همه چیزهایی را که ذکر کرده‌ام به خاطر بیاورند. اساساً تعدادی درخواست مطرح کرده‌ام: امیدوارم همگی‌تان در تزکیه آینده‌تان با خودتان بعنوان تمرین‌کننده رفتار کنید و بطور واقعی به عمل تزکیه‌تان ادامه دهید، امیدوارم هر دوی تمرین‌کنندگان سابقه‌دار و جدیدی‌ها قادر باشند در دافا (Dafa) تزکیه کرده و در آن موفق گردند! امیدوارم که هر کدام از شما بعد از بازگشت به خانه بیشترین سعی‌تان را برای استفاده از زمان برای عمل تزکیه واقعی بکار ببرید.

واژه‌نامه

Ah Q (ah cue)	یک شخصیت احمق در یک رمان چینی
Arhat	موجودی روشن بین با میوه باروری در مدرسه بودا و کسی که در فراسوی «اقلیم سه گانه» است.
Assistant primordial Spirit	روح ثانوی؛ ضمیر خودآگاه کمکی
Asura	«ارواح شیطان صفت» (از زبان سانسکریت).
Baihui (buy – hway)	طب سوزنی واقع در تاج سر شخص
Benti (bun – tee)	بدن فیزیکی فرد و بدن‌های دیگر او در بعدهای دیگر
Bian Que (b yen – chueh)	یک دکتر چینی شناخته شده در تاریخ
Big Lotus Flower Hand sign	حالتی از دست برای تبرک
bigu (bee – goo)	«اجتناب از خوردن غلات» روشی قدیمی برای امساک از خوردن و نوشیدن.
Bodhisattva	موجودی روشن‌بین با مقام باروری در مدرسه بودا و کسی که بالاتر از یک آرہات است و پایین‌تر از یک تاتاگاتا
Bodhisattva Avalokitesvara	شناخته شده برای نیکخواهی اش، او یکی از دو بودهیساتواهای ارشد در بهشت سعادت غایی است
Book of Changes	یک کتاب فالگیری تاریخی قدیمی چینی از زمان Zhou (B.C ۱۱۰–۲۲۱) dynasty
Caocao (tsaow – tsaow)	امپراطور یکی از سه سلسله (۲۶۵ A.D. – ۲۲۰)
Celestial Eye	همچنین مشهور به «چشم سوم»
Changchun (chahng – choon)	شهر مرکزی استان jilin
Chongqing (chong – ching)	مشهورترین شهر در جنوب غربی چین
Da Ji (dah – jee)	معشوقه بیرحم آخرین امپراطور سلسله shang (۱۱۲۲–۱۷۶۵ B.C) بوده اعتقاد بر این است که او بوسیله یک روح روباه تصرف شده بود و باعث سقوط سلسله shang بود.
Dafa (dah – fa)	«قانون بزرگ»، «راه بزرگ»، اصول
Dan (dahn)	انرژی ذخیره شده در بدن تزکیه کننده، گردآوری شده از بعدهای دیگر

<u>Dan jing</u> (dahn jing)	کتاب کلاسیکی چینی درباره عمل تزکیه
dantian (dahn – tien)	«طیف دان»، منطقه پایین تر شکم.
Dharma	آموزشهای بودا ساکیومونی
Dharma – ending period	برطبق بودا ساکیومونی، دوره پایان دارما پانصد سال بعد از مرگ او شروع می‌شده و دارمای او نمی‌توانسته بعد از آن مردم را نجات بدهد.
<u>Diamond Sutra</u>	رساله‌ای قدیمی در بودئیسم.
digging into a bull's horn	اصطلاحی چینی برای رسیدن به پایان یک مرگ
ding (ding)	مرحله‌ای از سکون، اما با فکری آگاه
The Eight Deities	تائوئیستی شناخته شده در تاریخ چین
Eight Triagrams	از کتاب changes, یک تغییر ماقبل تاریخ که گفته می‌شود تغییرات دوره طبیعت را افشاء می‌کند
energy channels	در پزشکی چینی، گفته‌اند که کانالی از qi وجود دارد که شامل شبکه پیچیده‌ای است برای گردش انرژی
Fa (fah)	قانون و اصول در مدرسه بودا
Fashen (fah – shun)	«بدن قانون» بدنی که از فا و گونگ تشکیل شده است.
Fengshui (fung – shway)	روشی چینی برای تعبیر منظره
Five Elements	پنج عنصر فلز، چوب، آب، آتش و زمین
Fruit Status	میوه باروری درجه نایل شده فرد در مدرسه بودا، مثل آرهای
Great Cultural Revolution	یک جنبش کمونیستی که ارزش‌های سنتی و فرهنگی را مورد انتقاد قرار می‌دهد
Gong (gong)	۱- انرژی تزکیه، ۲- روشی که چنین انرژی را تزکیه می‌کند
Gongshen (gong – shuhn)	یک بدن ساخته شده از گونگ
Great Jade Emperor	در اسطوره شناسی چینی، مقام الوهیت سرپرستی جهان سه‌گانه را دارد.
Guanding (gwan – ding)	جاری شدن انرژی از بالای سر شخص، آغاز مناسک
Guangdong (gwang – dong)	استانی در جنوب چین

Guangxi (Gwang – shee)	استانی در جنوب چین
Guanyin (gwan – yeen) sect	فرقه‌ای که بعد از بودهیستاوا آوالوکتیسوارا «الهه رحمت» نامیده شد.
Guizhou (gway – jhoe)	استانی در قسمت جنوب غربی چین
Han (hahn)	اکثریت قومی مردم چین
Han Xin (hahn – sheen)	ژنرال پیشقدم برای (B.C ۲۰۶ – A.D ۲۳۰) Liu Bang
Heche (huh – chuh)	چرخش در رودخانه
Hegu (huh – goo)	نقطه طب سوزنی در پشت دست بین شست دست و انگشت سبابه
Hetu (huh – too)	نمودار ماقبل تاریخی که در چین قدیم ظاهر شد و گفته شده است که تغییرات دوره طبیعت را افشا می‌کند.
Hinayana	«واگن کوچک بودئیسم»
Huatuo (hwa – twoah)	یک دکتر شناخته شده داروی طبی در تاریخ
Huiyin (hway – yeen)	یک نقطه طب سوزنی در مرکز شاخ‌ها (منطقه بین نشیمنگاه و آلت تناسلی).
Hun (huhn)	غذایی که در بودئیسم ممنوع است.
In – Triple – World- Fa	در بودئیسم اعتقاد بر این است که فرد باید از میان سامسارا (باز پیدایی) بگذرد اگر او در تزکیه به ورای فای سه‌گانه دنیوی یا اقلیم سه‌گانه نرسیده است
<u>Investiture of the God</u>	کاری کلاسیکی از ادبیات داستانی چین
Iron Sand palm, Cinnabar palm, Vajra Leg, Arhat Foot	نوع‌هایی از تکنیک‌های ورزش‌های رزمی چین
Jiang Ziya (jyang dzz – yah)	شخصیتی در Investiture of the Gods
Jigong (jee – gong)	راهب بودئیستی شناخته شده در سلسله جنوبی song (A.D ۱۱۲۷ – ۱۲۷۹)
Jinan (jee – nahn)	پایتخت استان shandong
Kalpa	یک دوره برای دو میلیون سال، این جا اصطلاح برای یک شماره به کار برده شده است.
Karma	ماده‌ای سیاه رنگ ناشی از اعمال نادرست قبلی

Lady Queen Mother	در اسطوره شناسی چینی، بالاترین مقام الوهیت زن در اقلیم سه‌گانه است.
Lao Zi (laow – dzz)	بنیان‌گذار مدرسه تائو و مولف (Dao De Jing (Tao Te Ching) که در چین در قرن ۴ یا ۵ زندگی کرده و تعلیم می‌داد
Laogong (laow – gong)	نقطه طب سوزنی در وسط کف دست.
Last Havoc	آخرین هاوک، در جامعه تزکیه کنندگان اعتقاد بر این است که عالم دوره تکاملی را دارا است (هاوک آغازین، هاوک میانی، هاوک آخرین) و الان دوره نهایی پایان هاوک است.
Lie Fang (lay – feng)	نمونه‌های اخلاقی چینی در سال ۱۹۶۰.
Li (lee)	یک واحد چینی برای طول (کیلومتر ۵/۰=)، در چین، «۱۰۸ هزار Li» اصطلاحی عادی است برای توصیف مسافتی بسیار طولانی
Li shizhen (lee shr – jhun)	یک دکتر شناخته شده طب دارویی چینی در تاریخ
Lianhuase (l,yen – hwa –suh)	یکی از ده مریدان اصلی زن بودا ساکیومونی
Liu Bang (leo bahng)	امپراتور و مؤسس سلسله Han (۲۰۶ B.C – ۲۳ A.D)
Lu Dongbin (lyu dong – bin)	یکی از هشت خدایان در مدرسه تائو
Luoshu (luo – shew)	نموداری ماقبل تاریخی، که تغییرات دوره‌ای طبیعت را نشان می‌دهد
Mah jong	یک بازی سنتی چینی که بوسیله چهار نفر بازی می‌شود.
Maoyou	خط مرزی بین یین و یانگ اطراف بدن
Mahayana	«واگن بزرگ بودیسم»
Main primordial Spirit	روح نخستین اصلی – روان اصلی فرد، خودآگاهی اصلی
Milky – White Body	یک بدن پالایش شده بدون انرژی چی
Ming Dynasty	امپراتور مینگ بین دوره ۳۶۸ A.D و ۱۶۴۴ A.D در تاریخ چین
Mingmen (ming–muhn)	«دروازه زندگی»، نقطه طب سوزنی که در قسمت میانی پایین‌تر ستون فقرات قرار دارد
Mo ding (muh ding)	برطبق ادعای بعضی از استادان چی گونگ، لمس کردن نوک سرشخص برای دادن انرژی.
Mujianlian (moo–j yen – I yen)	یکی از ده مریدان اصلی مرد بودا ساکیومونی

برطبق ادعای بعضی از استادان چی گونگ

Nanjing (nahn – jing)	مرکز استان Jiangsu
Nirvana	(از سانسکریت) – ترک دنیای بشری بدون این جسم فیزیکی یا روشی برای به پایان رساندن تزکیه در مدرسه بودا ساکیومونی.
Primordial Spirit	این به روح اصلی (Zhu Yuanshen) و روح کمکی (fu yuanshen) تقسیم شده است. در افکار سنتی چینی اعتقاد بر این است که روح های بسیاری در بدن وجود دارد، که کارهای بخصوصی و پروسه هایی اداره می کند
Pure – White Body	بدنی شفاف در بالاترین سطح تزکیه shi Jian – Fa
qi (chee)	در فرهنگ چینی عقیده بر این است که آن «انرژی حیاتی» است اما در مقایسه با گونگ، مشکل پایین تری از انرژی است
qiankun (chyen – kuhn)	«زمین و آسمان»
Qianmen (chyen – mun)	یکی از مراکز اصلی خرید در پکن
qigong (chee – gong)	شکلی از تمرین سنتی چینی است که چی یا «انرژی حیاتی» را تزکیه می کند
qiji (chee – jee)	«مکانیزم های انرژی»
Qin Hui (chin hway)	یک اداری شرور، در دادگاه سلطنتی در سلسله جنوبی song (۱۱۲۷–. ۱۲۷۹ A.D.)
Qingdao (ching – dow)	یک شهر ساحلی در استان shandong
Qiqihar (chee – chee – har)	یک شهر در شمال شرقی چین
Ren	تحمل، بردباری، مقاوت
Right Fruit	نایل شدن به مقام باروری در مدرسه بودا.
Sakyamuni	بودای تاریخی، گواتاما سیددارتا
Samadhi	در بودئیسم «مدیتیشن در خلسه».
Samsara	شش راه باز پیدایی در بودئیسم (شخص ممکن است یک انسان، یک حیوان، یک گیاه، یا شکل های دیگری در جریان بازپیدایی گردد)
Shan (shahn)	خوبی، نیکخواهی، شفقت

Shangen (shahn – ghun) point	نقطه طب سوزنی محدود شده میان ابروان فرد.
Shen Gongbao (shun gong – baow)	یک شخصیت حسود در اعطاء مقام به خدایان
Shenxiu (shuhn – shyo)	بنیانگذار مکتب شمالی ذن بودئیسم در سلسله تانگ
Shichen (shr – chuhn)	یک واحد زمان چینی برای دو ساعت.
Shishen (shr – shuhn)	یک اظهاریه تائوئیستی برای روح اصلی فرد
Sun Simiao (sun szz – meow)	یک دکتر شناخته شده طب دارویی در تاریخ چینی
Sun Wukong	همچنین شناخته شده به «شاه میمون‌ها» یک شخصیت کلاسیکی چینی در سفر به غرب
Srivatsa	«چرخ از نور» از سانسکریت می‌آید، سمبلی که در ۲۵۰۰ سال پیش در آثار فرهنگی یونان، پرو، هندوستان و چین کشف شده است. در طول قرن‌ها متضمن خوشبختی بوده، نمایانگر خورشید و در راه مثبت نگاه داشته شده است.
Taiji (tie – jee)	سنبل مدرسه تائو، در غرب به عنوان سنبل «یین و یانگ» شناخته شده است.
Taiyuan (tie – yu- en)	مرکز شهرستان shanxi
Tang (tahng) Dynasty	یکی از پررونق‌ترین دوره تاریخ چین.
Tangshan (tahng – shahn)	شهری در استان Hebei
Tantrism	یک راه تزکیه اسرارآمیز در بودئیسم
Tanzhong (tahn – jong) point	نقطه طب سوزنی تقریباً در وسط استخوان سینه
Tao (daow)	۱- همچنین شناخته شده به «دائو»، اصطلاح تائوئیستی «راه طبیعت و عالم، ۲- موجودی روشن‌بین
<u>Tao Zang</u> (daow – zang)	یک رساله کلاسیکی چینی درباره عمل تزکیه
Tathagata	یک موجود روشن‌بین شده با میوه باروری در مدرسه بودا که در بالای سطوح آرهات و بودهیساتوا است.
The world of ten direction	نظریه‌ای بودئیستی درباره عالم تائوئیستی برای کیمیاگری درونی
Tian (tyen)	«طیف»
Tiananmen	دروازه آسمانی صلح در جلوی شهر ممنوعه در پکن
Tianzi zhuang (tyen – dzz jwahng)	شکلی از تمرین ایستاده چی گونگ در مدرسه تائو است

Wuhan (woo – hahn)	مرکز استان Hubei
Wuwei (woo – way)	«بدون قصد»، «بیحرکتی»، «قصد نداشتن»
Xinjiang (sheen – jyang)	استانی در شمال غربی چین
Xingming Guizhi(shing - ming gwee-jhrr)	متن کلاسیکی چینی در مورد عمل تزکیه.
Xinxing (shin – shing)	طبیعت فکر و روح، خصوصیات اخلاقیات
Yin (yeen) and yang (yahng)	در مکتب تائو اعتقاد بر این است که هر چیزی دارای نیروی مخالف بین و یانگ است که بطور دو طرفه منحصر به فرد است، اما لازم و ملزوم یگدیگرند، مثل زن (یین) و مرد (یانگ).
Yuan (yu – en)	یک واحد پولی چینی (حدود ۰/۱۲ دلار آمریکایی).
Yuzhen (yu – jhun) point	نقطه طب سوزنی در طرف پایین پشت سر شخص.
Zhang Guolao (jahng gwo – laow)	یکی از هشت فناناپذیرها در مدرسه تائو
Zhen (jhun)	حقیقت، صداقت
Zhen – Shan – Ren	حقیقت – نیکخواهی – بردباری
Main Spirit	روح اصلی شخص، ضمیر خودآگاه اصلی
Zhuyou Ke (jew – yo kuh)	روش استدعا

ZHUAN FALUN

+ + +

Persian Vertion

LI HONGZHI